

دنیا و آخرت

از نگاه قرآن و حدیث

محمدی شہری

جلد اول

با همکاری: سید رسول موسوی

مترجم

حمید رضا شیخی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ علوم اسلامی



مآذان پاپاشر

دنیا و آخرت

از نگاه قرآن و حدیث

محمدی می شہری



مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی

با همکاری

سید رسول موسوی

مترجم

حمید رضا شینخی

جلد اول

دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث / ج ۱

محمد محمدی ری شهری

همکار: سید رسول موسوی

مترجم: حمیدرضا شیخی

بازبین علمی: عبدالهادی مسعودی، سید رضا حسینی، علی عباسی

بازبین ترجمه: محمد مرادی

مصدریاب احادیث: محمد رضا وفایی، رسول آفتی، محمدحسین صالح آبادی، محمد رضا سبحانی نیا

مقابلہ گر با مصادر: رعد بهیانی، حیدر وائلی

سرپرستار: محمد هادی خلعتی

ویراستار عربی: عبدالکریم مسجدی، عادل اسدی

ویراستار فارسی: سید محمد دلال موسوی، محمد باقری زاده اشعری

اعراب گذار: مرثضی خوش نصیب

قهرست ساز: رعد بهیانی

نمونه خوان: محمود سپاسی، مصطفی اوجی، حیدر وائلی

خوش نویس: حسن فرزادنگان

صفحه آرا: سید علی موسوی کیا

ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت دوره: ۶۰۰۰ تومان



سازمان چاپ و نشر



مرکز تحقیقات کلامی و تفسیری علوم اسلامی

قم، خیابان معلم، نبش کوچه ی ۱۲، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص. پ ۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۵

فروشگاه شماره «۲» (قم، خیابان ارم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۱۶۵۰

فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، صحن کاشانی): ۵۵۹۵۲۸۶۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN(set): 964 - 493 - 113 - 0

ISBN: 964 - 493 - 111 - 4

مرکز تحقیقات دار الحدیث: ۱۱۵



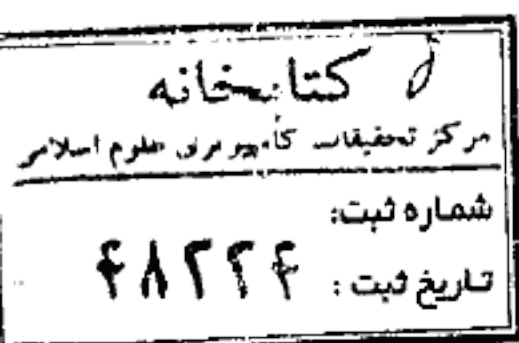
مرکز تحقیقات کلمه نور علوم اسلامی

محمّدی ری شهری، محمّد، ۱۳۲۵ —
دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث / تألیف محمّد محمّدی ری شهری با همکاری سیّد رسول موسوی؛
مترجم حمیدرضا شیخی. — قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴.
ج ۲. — (مرکز بحوث دارالحدیث: ۱۱۵)
دوره ۶۰/۰۰۰ ریال
ISBN(set): 964 - 493 - 113 - 0

ISBN: 964 - 493 - 111 - 4

کتابنامه ج ۲، ص ۴۱۹-۴۲۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. دنیا - احادیث، ۲. آخرت - احادیث، ۳. احادیث شیعه - قرن ۱۴، ۴. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴.
الف. موسوی، سیّد رسول، ۱۳۴۰ - شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ - ب. عنوان.
BP ۱۴۱/۵/۵۸ م ۱۳۸۴

فهرست نویسی پیش از انتشار، بر کتابخانه تخصصی حدیث / قم.



فهرست اجمالی

پیش‌گفتار ۷

بخش یکم: دنیا

فصل یکم: شناخت دنیا	۲۱
فصل دوم: اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت	۹۵
فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت	۱۸۵
فصل چهارم: گروه‌های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت	۲۰۹
فصل پنجم: هشیاری در طلب دنیا	۲۱۵

بخش دوم: دنیای نکوهیده

فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده	۲۲۵
فصل دوم: ارزیابی دنیا	۳۱۹
فصل سوم: بر حذر داشتن از دنیا	۳۵۳
فصل چهارم: زیان‌های دنیا دوستی	۳۹۹



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پیش‌گفتار

ستایش، پروردگار جهانیان را، و سلام و درود بر بنده برگزیده‌اش محمد، و دودمان پاک و اصحاب نیک و خجسته‌اوا

دنیا و آخرت، دو موضوع بنیادین در حوزه معارف مرتبط با جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و دین‌شناسی‌اند و جهت‌گیری‌های انسان در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، ارتباط نزدیکی با چگونگی نگاه او به دنیا و آخرت دارند. از این‌رو، شناخت دیدگاه اسلام در باره این دو موضوع سرنوشت‌ساز، برای پیروان این آیین آسمانی، از اهمیت فراوانی برخوردار است. کتاب دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، مجموعه رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی را با نظمی نوین، در چهار بخش، ارائه می‌نماید.

محتوای کتاب

بخش یکم، درباره تبیین حقیقت دنیا و ویژگی‌های آن، نقش دنیا در ساختن آخرت، و رهنمودهای اسلام برای برخورداری از خوش‌بختی در دنیا و آخرت است.

بخش دوم، به تعریف دنیای نکوهیده و ویژگی‌های آن و ارزیابی آن و بیم دادن از آن پرداخته است. در این بخش، همچنین زیان‌های دل‌بستگی به دنیای نکوهیده و

ریشه‌ها و نشانه‌های این دل‌بستگی توضیح داده می‌شود.

بخش سوم، معنای «زهد» در دنیا، آثار و برکات آن، زمینه‌ها و ریشه‌های آن و تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحی را بیان می‌کند، و نیز رهنمودهایی برای دستیابی به این خصلت ارجمند، و نمونه‌هایی از الگوهای زهد اسلامی ارائه می‌دهد.

بخش چهارم، درباره تبیین حقیقت «آخرت» و زندگی پس از مرگ، ویژگی‌های آن، تأکید بر اهمیت دادن به زندگی در سرای جاوید، ویژگی‌های آخرت‌مداران، آثار و برکات اهمیت دادن به آخرت، تأکید بر یاد کردن آخرت و فراموش نکردن آن، منافع یاد کردن آخرت و زیان‌های فراموشی آن، و تأکید بر کارهایی است که موجب خوش‌بختی و کام‌روایی در آخرت می‌گردد.



دو نکته مهم

شرح آنچه به اجمال گفتیم، در متن این مجموعه خواهد آمد؛ لیکن پیش از آن، توجه به دو نکته ضروری است:

۱. اعجاز در بیان حقیقت دنیا و آخرت

آنچه در قرآن و احادیث اسلامی در تبیین حقیقت دنیا و آخرت و چگونگی برخورد با آنها آمده، حقیقتاً در حد اعجاز است. با تأمل می‌توان به روشنی دریافت که اندیشه انسان، بدون ارتباط با مبدأ وحی، نمی‌تواند با چنین دقتی - که در احادیث اسلامی دیده می‌شود - میان دنیایی که مزرعه آخرت است و دنیایی که در برابر آخرت قرار دارد، مرزبندی کند، و راه نجات از دام دنیای نکوهیده را بشناسد و او را به آبادسازی سرای همیشگی در کنار آباد کردن سرای زندگی موقت، وادارد.

۲. توصیه به مکرر خواندن این کتاب

این کتاب، در واقع، عصارهٔ رهنمودهای اسلام در بارهٔ حقایق مربوط به دنیا و آخرت است و نکات فوق العاده آموزنده و سازنده‌ای برای همهٔ پیروان قرآن، بویژه برای دولت‌مردان و پویندگان سیر و سلوک به سوی حق تعالی، ارائه می‌نماید. همچنین بخش‌هایی از آن، برای کسانی که با اضطراب‌ها و نگرانی‌های ناشی از مشکلات زندگی دست به گریبان‌اند، سودمند خواهد بود.

کتاب دنیا و آخرت، در واقع، درست زندگی کردن را به انسان می‌آموزد. پس انسان، تا زنده است، به مطالعهٔ آن، نیاز دارد. از این رو، یکبار خواندن این کتاب، کافی نیست و درس‌های آموزندهٔ آن، باید آن قدر تکرار شود که ضمیمهٔ جان گردد.

روش کتاب

روش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه، متکی به عناصر زیر است:

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۱. از دیدگاه ما، احادیثی که از خاندان پیامبر ﷺ روایت شده‌اند، در واقع، حدیث پیامبر خدایند، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود: «ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می‌گوییم»^۱ و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «سخن من، سخن پدرم است و سخن پدرم، سخن جدّم است و سخن جدّم، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا، سخن خداوند متعال است»^۲.

کلمهٔ «سنت» که در عنوان این کتاب آمده است، برای بیان همین نکته و مفهوم

۱. رجال الکشی: ج ۲ ص ۴۹۰ ح ۴۰۱، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۵۰ ح ۶۲.

۲. الکافی: ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴، منیه المرید: ص ۳۷۳، الإرشاد: ج ۲ ص ۱۸۶، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۸. ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث: بخش چهارم / فصل یکم / حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست.

است که در کتاب، از همه احادیث روایت شده از پیامبر ﷺ و خاندان او، یکسان بهره گرفته شده است.

۲. کوشیده‌ایم در حدّ توان، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنت، به‌طور مستقیم، استخراج و گراوری کنیم و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای رایانه‌ای، آنها را روی برگه‌های مخصوص، تنظیم نماییم تا زمینه‌گزینش کامل‌ترین، موثق‌ترین و کهن‌ترین آنها فراهم آید. در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک، تنها از ادعیه‌ای که مستند به پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام است، بهره گرفته‌ایم.

۳. سعی کرده‌ایم تا از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم، جز در این موارد:
الف - آن‌جا که نکته مهمی در تفاوت واژه‌ها و اصطلاحات، نهفته بوده است.
ب - در مواردی که متن حدیث، در متون شیعه و اهل سنت، تفاوت داشته است.

ج - آن‌جا که متن حدیث، بیش از یک سطر نبوده و در عین حال، مرتبط با دو باب بوده است.

۴. اگر در موضوع واحد، احادیث رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم‌السلام، متعدّد باشند، حدیث پیامبر ﷺ (یا قائل متقدّم) در متن، و نشانی احادیث دیگر (با ذکر قائل و منبع)، در پانویست می‌آید، مگر آن‌که احیاناً یکی از آنها، نکته تازه‌ای داشته باشد که آن نیز در متن خواهد آمد.

۵. در هر موضوع، پس از ذکر آیات مربوط به آن، احادیث، به ترتیب زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌اش) می‌آیند، مگر آن‌که حدیث، در تفسیر آیات مذکور باشد (که در این صورت، پیش از دیگر احادیث می‌آید)، یا آن‌که تناسب موضوعی احادیث، ترتیب دیگری را ایجاب کند.

۶. در آغاز هر روایت، تنها نام پیامبر یا امامی را آورده‌ایم که حدیث از او نقل شده است، مگر آن‌که راوی، فعل آنان را نقل کرده باشد، یا سؤال و جوابی در میان بوده باشد و یا راوی، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر، یا امام نیست.
۷. به خاطر تعدّد نام‌ها و لقب‌های پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام، نام واحدی را برای هر یک از آن بزرگواران برگزیده‌ایم که به صورت ثابت در اوّل روایت می‌آید و بر شخص موردنظر، دلالت می‌کند.
۸. در پانوشت‌ها، منابع احادیث، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده است؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محققان پوشیده نیست (از جمله: پرهیز از تکرار، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده)، این ترتیب را پس از نخستین منبع، مراعات نکرده‌ایم.
۹. هر گاه دسترس به منابع اولیه ممکن باشد، حدیث مستقیماً از آنها نقل می‌شود. آن گاه نشانی بحار الاثوار (در احادیث شیعه) و کنز العمال (در احادیث اهل سنت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنت، افزوده می‌شود.
۱۰. پس از ذکر منابع، گاه با نشانه «ر.ک»، به منابع دیگر ارجاع داده می‌شود و این، وقتی است که متن ارجاعی، با متن نقل شده، تفاوت بسیار دارد و در عین حال، با آن و با موضوع بحث، مرتبط است.
۱۱. ارجاع به ابواب دیگر این کتاب، به خاطر تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست.
۱۲. هدف از «درآمد»هایی که برای فصل‌های کتاب، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج‌هایی که در پی احادیث آمده است، ارائه چشم‌انداز کلی روایات آن بخش یا آن فصل است. گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث،

پرداخته شده است.

۱۳. مهم‌ترین نکته در این شیوه، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان‌آور صدور احادیث هر باب از پیامبر ﷺ یا امام ﷺ است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث، صورت پذیرفته است.

✱

گفتنی است که این مجموعه، بخش دیگری از دانش‌نامه میزان الحکمه است که به دلیل اهمیت آن، به صورت مستقل منتشر می‌شود.

در این جا، لازم می‌دانم مراتب سپاس خود را از همه فضلای و پژوهشگران عزیز و بزرگوار در مرکز تحقیقات دارالحدیث - که در پدید آوردن و عرضه این اثر، کوشش‌های ستودنی داشته‌اند - و بویژه از فاضل گران‌قدر، جناب آقای سید رسول موسوی - که در تحقیق این کتاب، این جانب را مساعدت نمودند - ابراز دارم. همچنین از فاضل گران‌مایه جناب آقای حمیدرضا شیخی که با ترجمه دقیق، روان و زیبای این کتاب، زمینه بهره‌مندی پارسی‌زبانان را فراهم ساختند، صمیمانه سپاس‌گزارم. از خداوند منان، برای همه آنان، پاداشی درخور فضل حضرتش مسئلت دارم.

رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

محمد محمّدی ری‌شهری

۳۰ تیرماه ۱۳۸۴

۱۴ جمادی الثانی ۱۴۲۶

بخش یکم

دنیا



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

شامل:

درآمد	
فصل یکم	: شناخت دنیا
فصل دوم	: اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت
فصل سوم	: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت
فصل چهارم	: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت
فصل پنجم	: بهیاری در طلب دنیا

درآمد

دنیا، در لغت

دنیا، مؤنث «أَدْنَى» (نزدیکتر) از ریشه «دنو» به معنای «نزدیک بودن» است و برای زندگی قبل از مرگ، صفت واقع می‌شود در مقابل «آخرت» که برای زندگی پس از مرگ، صفت واقع می‌شود. ابن فارس در تبیین ریشه کلمه «دنیا» می‌گوید:

الدال والنون والحرف المعتل أصل واحد يقاس بعضه على بعض وهو المقاربة، ومن ذلك الدني، وهو القريب، من دنا يدنو، وسُميت الدنيا لدنوها.^۱

دال و نون و واو (دنو)، به معنای نزدیکی است، و از همین ریشه است کلمه «دَنِي» به معنای «نزدیک»، از «دَنَا يَدْنُو». و دنیا را به خاطر نزدیک بودنش «دنیا» نامیده‌اند.

سایر لغویان نیز این واژه را همین گونه ریشه‌یابی و معنا کرده‌اند.^۲

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۲ ص ۳۰۳.

۲. ر. ک: العین: ص ۲۷۴، صحاح اللغة: ج ۶ ص ۲۳۴۱، مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۱۸، القاموس المحيط: ج ۴ ص ۳۲۹، تاج العروس: ج ۱۹ ص ۴۱۷، لسان العرب: ج ۱۴ ص ۲۷۱، مجمع البحرین: ج ۱ ص ۶۱۳، المنجد في اللغة: ص ۲۲۶.

دنیا، در قرآن و حدیث

قرآن کریم، زندگی پیش از مرگ را گاه «زندگی دنیا»^۱ می نامد، مانند:

﴿يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفِلُونَ﴾^۲

از زندگی دنیا، ظاهری را می شناسند و از آخرت غافل اند.

و گاه آن را «زندگی نخست» می خواند، مانند:

﴿لَهُ الْخَفْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ﴾^۳

ستایش، در زندگی نخست و زندگی پسین، ویژه اوست.

و گاه با تعبیر «أدنی» به آن اشاره می نماید، مانند:

﴿يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى﴾^۴

متاع این [زندگی] نزدیک تر (/پست تر) را می گیرند.

و گاه آن را «زندگی زودگذر (العاجلة)» می نامد، مانند:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ﴾^۵

هر که خواهان گذراست، در همین دنیا آنچه را بخواهیم، به هر که

بخواهیم، می دهیم.

۱. کلمه «دنیا» در قرآن، یکصد و یازده بار در «زندگی پیش از مرگ» به کار رفته است که شصت و نه بار آن پس از لفظ «حیات» است.

۲. روم: آیه ۷.

۳. القصص: آیه ۷۰. نیز ر.ک: لیل: آیه ۱۳ وضحی: آیه ۴.

۴. اعراف: آیه ۱۶۹.

۵. اسراء: آیه ۱۸. نیز، ر.ک: قیامت: آیه ۲۰، انسان: آیه ۲۷.

با تأمل در آیات و احادیثی که کلمه «دنیا»^۱ در آنها به کار رفته است، روشن می‌شود که این واژه در احادیث اسلامی سه کاربرد دارد:

۱. جهانِ پیش از مرگ و زندگی در آن (در مقابل جهانِ پس از مرگ و زندگی در آن). این کاربرد، هماهنگ با معنای لغوی «دنیا»ست.

۲. بهره‌گیری از امکانات جهانِ پیش از مرگ در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی در کنار هم.

۳. بهره‌گیری از امکانات جهانِ پیش از مرگ در جهت تأمین خواسته‌های مادی به بهای از دست دادن ارزش‌های معنوی و آسایش اخروی.

دنیا به معنای اول، از آیات الهی و نشانه‌های حکمت و قدرت اوست، به معنای دوم، دنیای ستوده و به معنای سوم، دنیای نکوهیده است.

بخش نخست این کتاب، ناظر به معنای اول و دوم «دنیا»، و بخش دوم، ناظر به معنای سوم «دنیا»، و بخش سوم، در واقع، دعوت به مبارزه با رغبت به دنیا به معنای سوم است.

بخش اول، شامل پنج فصل با مطالب زیر است:

۱. تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ

در فصل یکم، ابتدا موضوع نام‌گذاری جهان پیش از مرگ به «دنیا» از نگاه قرآن و حدیث، مطرح شده که هماهنگ با مفهوم لغوی این واژه است. سپس ویژگی‌ها و مشخصات جهانِ پیش از مرگ، توضیح داده شده است. این ویژگی‌ها، پژوهشگر را با حقیقت دنیا و هدف از آفرینش آن از نگاه اسلام، آشنا می‌کند.

۱. گفتنی است که کلمه «دنیا» در قرآن، گاه به معنای لغوی آن استعمال شده است، مانند: «إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا؛ آن‌گاه که شما در دامنه نزدیک ترکوه بودید» (انفال: آیه ۴۲) که خارج از موضوع بررسی ماست.

در ادامه، با آمدن مثال‌هایی، حقیقت دنیا و زندگی در آن، توضیح بیشتری داده شده و در پایان فصل، احادیثی که درباره مدّت زمانی جهان پیش از مرگ وارد شده‌اند، مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. تبیین اهمیت و ارزش دنیا

در فصل دوم، برای اثبات اهمیت و ارزش دنیا و نقش آن در سازندگی جهان پس از مرگ، ابتدا آیات و احادیثی آمده‌اند که با صراحت، بر این مدّعا دلالت دارند و تأکید می‌کنند که: اسلام، دین دنیا و آخرت و برنامه تکامل مادی و معنوی انسان است، دنیا مزرعه آخرت است، مسلمان کسی است که به دنیا و آخرت اهمیت می‌دهد و سرانجام، جامعه اسلامی، هنگامی به نقطه مورد نظر اسلام رسیده است که در اوج تکامل مادی و معنوی باشد.

گفتنی است که محبت دنیا به این معنا (مزرعه آخرت بودن) ریشه در فطرت انسان دارد^۱ و از این رو، نکوهیده نیست؛^۲ بلکه دنیا اگر در کنار آخرت و مقدمه آخرت باشد، پاره‌ای از آخرت است.

بر این پایه، اسلام، با صراحت، رهبانیت را ممنوع ساخته و تحریم لذا ید حلال بر خویشان را نهی کرده است^۳ و پیشوایان بزرگ دین با کسانی که در اثر کج فهمی یا انگیزه‌های گوناگون، مردم را به ترک دنیا دعوت کرده‌اند، مبارزه نموده‌اند.^۴

بر این اساس، متون دینی اسلام، به تلاش برای سازندگی دنیا و بهره‌گیری از

۱. ر.ک: ص ۱۱۹ (سرشت دنیا دوستی در انسان).

۲. ر.ک: ص ۱۲۱ (نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن).

۳. ر.ک: ص ۱۲۷ (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است).

۴. ر.ک: ص ۱۴۷ (اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا).

مواهب آن در جهت تقویت ارزش‌های معنوی و آبادانی جهان پس از مرگ^۱ و نیز دعا برای رفاه در زندگی توصیه می‌کنند^۲ و بر پاداش اخروی برای کسی که در مسیر تأمین منافع دنیوی، از مسیر حق خارج نمی‌شود، تأکید دارند.^۳

۳. رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرت

نکته قابل توجه، این است که هر کسی نمی‌تواند منافع اخروی خود را در کنار منافع مادی تأمین کند. چه بسا کسانی که به نام اسلام و آخرت، در هوس‌های مادی غرق می‌شوند و زندگی معنوی خود را تباه می‌سازند. از این رو، اسلام برای تأمین منافع اخروی در کنار منافع دنیوی، رهنمودهای ارزنده‌ای دارد که میزان بهره‌وری انسان از دنیا و آخرت، به آنها بسته است.^۴

بدین سان، مردم از نظر برخورداری از دنیا و آخرت، به چهار دسته تقسیم می‌شوند^۵: جمعی، نه دنیا دارند و نه آخرت. عده‌ای، در دنیا وضعشان خوب است؛ اما در آخرت دچار مشکل هستند. گروهی در دنیا زندگی مناسبی ندارند؛ ولی در آخرت از زندگی خوبی برخوردارند. و عده‌ای هستند که هم دنیا دارند و هم آخرت: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ در زندگی دنیا و در آخرت، مرزده برای آنان است.^۶

۱. ر.ک: ص ۱۶۱ (بهره‌گیری از دنیا) و ۱۶۳ (این، دنیاطلبی نیست).

۲. ر.ک: ص ۱۶۵ (دعا برای رفاه در زندگی).

۳. ر.ک: ص ۱۸۱ (پاداش کسی که دنیا را به حق برگیرد).

۴. ر.ک: ص ۱۸۵ (فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت).

۵. ر.ک: ص ۲۰۹ (فصل چهارم: گروه‌های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت).

۶. یونس: آیه ۶۴.

۴. هشیاری نسبت به آفات توسعه مادی

آخرین و مهم‌ترین نکته در ارتباط با جمع میان دنیا و آخرت، هشیاری نسبت به خطر آفاتی است که توسعه مادی به دنبال دارد؛ آفاتی که اگر درست شناخته نشوند و به موقع پیشگیری نگردند، بی‌تردید، انسان در دام دنیای نکوهیده قرار خواهد گرفت. از آن جا که این آفات و راه پیشگیری از آنها را به تفصیل در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث آورده‌ایم،^۱ در فصل پنجم از این کتاب، تنها به یک نکته اساسی اشاره می‌نماییم و آن، هشیاری در طلب دنیا و میانه‌روی در تأمین منافع مادی و اجتناب از حرص است.



مرکز تحقیقات کلمه‌پژ علم و رسدی

۱. توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش پنجم: آفات توسعه.

الفصل الأول معرفة الدنيا

١/١

تسمية الدنيا

الكتاب

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^١.
﴿لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ﴾^٢.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا
مَذْمُومًا مَذْخُورًا﴾^٣.

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَٰعِدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى﴾^٤.

راجع: الليل: ١٣ والضحى: ٤.

١. البقرة: ٢٠١.

٢. القصص: ٧٠.

٣. الإسراء: ١٨.

٤. الأعراف: ١٦٩. قال العلامة المجلسي (ع) - في توضيح معنى «الأدنى» في الآية الشريفة -: يعني الدنيا؛ من الدنو بمعنى القرب. وقال سبحانه: ﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى﴾ السجدة: ٢١. وبالجملة: الأدنى والدنيا يصرفان على وجوه، فتارة يعبر به عن الأقل فيقابل بالأكبر والأكبر، وتارة عن الأرذل والأحقر فيقابل بالأعلى والأفضل، وتارة عن الأقرب فيقابل بالأقصى، وتارة عن الأولى فيقابل بالآخرة، وبجميع ذلك ورد التنزيل على بعض الوجوه. وقال الجزري: الدنيا اسم لهذه الحياة لبعد الآخرة عنها (بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٦).

فصل یکم

شناخت دنیا

۱/۱

نام‌گذاری دنیا

قرآن

«و برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی عطا یمان کن و ما را از عذاب آتش، ننگه دار».

«و ستایش، از آن اوست در این [سرای] نخستین و در آخرت».

«هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است، به زودی هر که را بخواهیم، از آن می‌دهیم. آن گاه، دوزخ را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرر می‌داریم».

«آن گاه، بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست^۱ را می‌گیرند».

ربک: لیل: آیه ۸۲، ضحی: آیه ۴.

۱. علامه مجلسی می‌گوید: مقصود از «آدنی» در روایت، دنیا است، از ریشه «دنو» به معنای نزدیک. خداوند سبحان می‌فرماید: «و از عذاب نزدیک‌تر به آنها می‌چشانیم» (سجده: آیه ۲۱). به طور کلی، آدنی و دنیا، چند وجه دارند. گاه مراد از آنها «أقل» (کمتر) است، در مقابل «أكثر» (بیشتر) و «أكبر» (بزرگ‌تر). و گاه به معنای «أحققر» (پست‌تر و حقیرتر) در مقابل «أعلى» (بالا‌تر) و «أفضل» (برتر) و گاه به معنای «أقرب» (نزدیک‌تر) است، در مقابل «أقصى» (دورتر)، و گاه به معنای «أولی» (نخستین) است در مقابل «آخره» (دیگر، پسین) و در قرآن به همه این معانی آمده است. جزری می‌گوید: دنیا، نامی است برای این زندگی؛ چون آخرت از آن دور است (بحار الأنوار: ج ۵۷ ص ۳۵۶).

الحديث

١. رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا دَرِيَّةٌ^١ خُلِقَتْ مِنْ دُونِ الْآخِرَةِ، وَلَوْ خُلِقَتْ مَعَ الْآخِرَةِ لَمْ يَفْنِ أَهْلُهَا، كَمَا لَا يَفْنِي أَهْلُ الْآخِرَةِ^٢.
٢. الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَتْ الدُّنْيَا دُنْيَا؛ لِأَنَّهَا أَدْنَى^٣ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ^٤.

٢/١

خُصَائِرُ الدُّنْيَا

أ - دَارُ ابْتِلَاءٍ

الكتاب

- ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^٥.
- ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِنَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^٦.
- ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِنَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^٧.
- ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ

١. قال العلامة المجلسي رحمه الله: أي أحسن؛ ليعد الآخرة عنها (بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٦).

٢. علل الشرائع: ص ٤٧٠ ح ٣٣ عن يزيد بن سلام، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٦ ح ٢.

٣. قال العلامة المجلسي رحمه الله: أي أقرب بحسب المكان أو بحسب الزمان، أو أحسن وأرذل (بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٦).

٤. علل الشرائع: ص ٢ ح ١، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٥ ح ١.

٥. الكهف: ٧.

٦. الملك: ٢.

٧. هود: ٧.

حدیث

۱. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به این پرسش که: چرا دنیا را دنیا، گفته‌اند؟ :- دنیا، پست و نزدیک [به ما] و پیش از آخرت آفریده شده است. اگر دنیا هم‌زمان با آخرت آفریده شده بود، اهل آن فانی نمی‌شدند، چنان که اهل آخرت فنا نمی‌پذیرند.

۲. امام علی علیه السلام: دنیا را دنیا نامیده‌اند، چون فرومایه‌تر^۱ از هر چیزی است.

۲/۱

ویرگی های دنیا



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

الف - سرای آزمایش

قرآن

«ما آنچه را بر روی زمین است، زیور آن قرار دادیم تا ایشان را بیازماییم که کدامینشان نیک کردارترند».

«آن خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامینتان بهتر عمل می‌کنید».

«و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز بیافرید، و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید».

«و زنهار، به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیا است تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو،

۱. علامه مجلسی می‌گوید: یعنی از حیث زمان یا مکان، نزدیک‌تر است یا پست‌تر و فرومایه‌تر است (بحار الانوار: ج ۵۷ ص ۳۵۶).

رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى»^١.

الحديث

٣. رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ^٢، وَمَنْزِلُ بُلُغَةٍ^٣ وَعَنَاءٍ، قَدْ نَزَعَتْ^٤ عَنْهَا نَفُوسُ السُّعَدَاءِ، وَانْتَزَعَتْ بِالْكَرْهِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ^٥.

٤. الإمام علي عليه السلام: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا^٦، وَلَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا، ابْتُلِيَ النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً، فَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لَهَا أَخْرَجُوا مِنْهُ وَحَوَسِبُوا عَلَيْهِ، وَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لِغَيْرِهَا قَدِمُوا عَلَيْهِ وَأَقَامُوا فِيهِ^٧.

٥. عنه عليه السلام - في وَصْفِ الدُّنْيَا - : دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ، لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا، وَلَا يُسَلَّمُ نَزْلُهَا، أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ، وَتَارَاتٌ^٨ مُتَصَرِّفَةٌ، الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ، وَالْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ، وَإِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ^٩ مُسْتَهْدَفَةٌ، تَرْمِيهِمْ

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

١. طه: ١٣١.

٢. البلاء: الاختبار؛ ويكون بالخير والشر (الصحيح: ج ٦ ص ٢٢٨٥ «بلاء»).

٣. دَارُ بُلُغَةٍ: أَي دَارٌ عَمَلٍ يُبْلَغُ فِيهَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَيَتَرَوَّدُ (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٨٧ «بلغ»).

٤. نَزَعَتْ عَنْ الشَّيْءِ: كَفَّ وَأَقْلَعَتْ عَنْهُ (المصباح المنير: ص ٦٠٠ «نزع»).

٥. أَعْلَامُ الدِّينِ: ص ٣٤٢ ح ٣٢ عن معاوية، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٥ ح ١٠.

٦. في شرح ابن أبي الحديد: «تقدير الكلام أَنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْ عِقَابِ ذُنُوبِهَا إِلَّا فِيهَا، وَهَذَا حَقٌّ...»، لكن يبدو أَنَّ فِي الْكَلَامِ سَقَطَ وَالْأَصْلُ كَانَ: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزَّهْدِ فِيهَا» كما في «عيون الحكم والمواعظ ص ١٠٧»، ويؤيد هذا النظر ما في بعض نسخ نهج البلاغة حيث أُضيفت كلمة «الزهد» بعد «إلا فيها» بين القوسين.

٧. نهج البلاغة: الخطبة ٦٣، روضة الواعظين: ص ٢٨٢، غرر الحكم: ح ٣٦٩٨ وليس فيه «ولا ينجى بشيء كان لها»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٣ ح ١٢٤.

٨. التَّارَةُ: الحين والمرّة، والجمع تارات (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٨١ «تور»).

٩. الْغَرَضُ: الْهَدَفُ الَّذِي يُرْمَى فِيهِ (الصحيح: ج ٣ ص ١٠٩٣ «غرض»).

بہتر و پایدارتر است».

حدیث

۳. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، سرای آزمایش است و منزلگاه روزی گذران زندگی و رنج. جان‌های نیک‌بختان از [علاقه به] آن کُنده شده و از دست شوربختان به زور گرفته می‌شود.

۴. امام علیؑ: ها! دنیا سرایی است که از آن، به سلامت نتوان رست مگر [به زهد]^۱ در آن، و با هر آنچه برای دنیا باشد، نجات نمی‌توان یافت. مردم از بهر آزمایش، گرفتار دنیا شده‌اند. پس آنچه را از دنیا برای دنیا بگیرند، از کُفشان بیرون می‌رود و برای آن حسابرسی خواهند شد، و آنچه را از دنیا برای غیر آن (آخرت) بگیرند، به آن خواهند رسید و با آن خواهند زیست.

۵. امام علیؑ: در وصف دنیا: سرایی است که به رنج و بلا اندر است و به بی‌وفایی و عهدشکنی شهره. حالاتش نمی‌پاید و ساکنانش را ایمنی نیست. احوالش دیگرگون است و هر دم به رنگی در می‌آید. زندگی در آن، نکوهیده است و آسودگی در آن، نایاب؛ بلکه مردم آن در دنیا هدف‌هایی نشانه رفته‌اند، و دنیا، تیرهایش را به سوی آن‌ها پرتاب می‌کند، و با خدنگ‌های مرگ،

۱. ترجمه آنچه در متن نهج البلاغه آمده، این است: «دنیا، سرایی است که در آن به سلامت نتوان رست، مگر در آن». ابن ابی الحدید، در توضیح این جمله می‌گوید: «تقدیر کلام، این است که دنیا، خانه‌ای که از عذاب گناهانش، جز در آن نتوان به سلامت رست، و این حق است...»؛ لیکن به نظر می‌رسد که جمله سقط داشته باشد و در اصل این بوده: «... از آن به سلامت نتوان رست، مگر به زهد در آن»، چنان که در عیون الحکم والواعظ (ص ۱۰۷) چنین آمده است. گفتنی است که در برخی نسخ مطبوع نهج البلاغه نیز کلمه «زهد» پس از «إلا فیها» قرار دارد که مؤید این نظر است.

بِسِهَامِهَا، وَتُفْنِيهِمْ بِحِمَامِهَا^١.

٦. عنه عليه السلام: إَعْلَمَنَّ أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلِيَّةٍ، لَمْ يَفْرُغْ صَاحِبُهَا فِيهَا قَطُّ سَاعَةً إِلَّا كَانَتْ فَرَعَتْهُ عَلَيْهِ حَسْرَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ^٢.

٧. عنه عليه السلام - فِي وَصْفِ الدُّنْيَا -: هِيَ دَارُ عُقُوبَةٍ وَزَوَالٍ، وَفَنَاءٍ وَبَلَاءٍ، نُورُهَا ظُلْمَةٌ، وَعَيْشُهَا كَدْرٌ، وَغَنِيُّهَا فَقِيرٌ، وَصَحِيحُهَا سَقِيمٌ، وَعَزِيزُهَا ذَلِيلٌ، فَكُلُّ مُنْعَمٍ بِرَغْدِهَا^٣ شَقِيٌّ، وَكُلُّ مَغْرُورٍ بِزِينَتِهَا مَفْتُونٌ، وَعِنْدَ كَشْفِ الْغِطَاءِ يَعْظُمُ النَّدَمُ، وَيُحْمَدُ الصَّدْرُ^٤ أَوْ يُذَمُّ^٥.

٨. عنه عليه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عليه السلام -: إَعْلَمْ... أَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لِتَسْتَقِرَّ إِلَّا عَلَى مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ النِّعَمَاءِ وَالْإِبْتِلَاءِ وَالْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ، أَوْ مَا شَاءَ وَمَا لَا تَعْلَمُ^٦.

٩. الإمام زين العابدين عليه السلام: إَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تعالى لَمْ يُحِبَّ زَهْرَةَ الدُّنْيَا وَعَاجِلَهَا لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَلَمْ يُرَغِّبْهُمْ فِيهَا وَفِي عَاجِلِ زَهْرَتِهَا وَظَاهِرِ بَهْجَتِهَا، وَإِنَّمَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَخَلَقَ أَهْلَهَا لِيَبْلُوَهُمْ فِيهَا أَتُفَّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا لِآخِرَتِهِ، وَأَيُّمُ اللَّهِ لَقَدْ ضَرَبَ لَكُمْ فِيهِ

مَرَاتِبٌ كَثِيرَةٌ مِنْ عِلْمِهِ

١. الْجَنَامُ: التَّوْتُ (النهاية: ج ١ ص ٤٤٦ «جمع»).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٦، إرشاد القلوب: ص ٣٠، غرر الحكم: ح ٥١٢٤ وفيه صدره إلى «ولا يسلم نزالها». بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٢ ح ٤٥؛ تذكرة الخواص: ص ١٢٣، المناقب للخوارزمي: ص ٣٧٠ ح ٣٨٩ كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بني شيان، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٢ كلها نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠٢ ح ٤٤٢٢٤ نقلاً عن الدينوري وابن عساكر.

٣. نهج البلاغة: الكتاب ٥٩، عوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٩٦ ح ٢٠١ وفيه «الدنيا دار بليّة» فقط، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥١١ ح ٧٠٨.

٤. في المصدر: «فكلُّ نعم يرغدها»، والتصويب من بحار الأنوار. وَرَغَدَ الْقَيْشُ: اتَّسَعَ وَلَانَ فَهُوَ رَغْدٌ (المصباح المنير: ص ٢٣١ «رغد»).

٥. صَدْرُ كُلِّ شَيْءٍ: أَوَّلُهُ (الصحيح: ج ٢ ص ٧٠٩ «صدر»). وَالصَّدْرُ - بِالْتَحْرِيكِ -: رَجُوعُ الْمَسَافِرِ مِنْ مَقْصَدِهِ وَالشَّارِبَةِ مِنَ الْوَرْدِ (النهاية: ج ٣ ص ١٥ «صدر»).

٦. مطالب السؤل: ص ٥٢؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٢ ح ٨٤.

٧. نهج البلاغة: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٧٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢٠ ح ٢.

نابودشان می گردانند.

۶. امام علی علیه السلام: بدان که دنیا، بلا خانه‌ای است که صاحبش هرگز دمی در آن نیاسود، مگر این که آن آسودگی‌اش در روز قیامت، مایه افسوس او شد.

۷. امام علی علیه السلام - در وصف دنیا :- دنیا، سرای کيفر و زوال، و نابودی و بلاست. روشنائی آن، تاریکی است و عیش آن، مکدر. توانگرش نادار، تن‌درستش ناخوش و عزیزش خوار. هر برخوردار از نعمت‌های آن، شوربخت است و هر سرمست از زر و زیورهای آن، فریفته. آن گاه که پرده کنار برود، پشیمانی بالا می‌گیرد و آغاز [کار]، ستایش یا نکوهش می‌شود.

۸. امام علی علیه السلام :- در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام :- بدان ... بدرستی که دنیا، جز بر آن روال که خداوند قرارش داده است بر برخورداري و گرفتاری (یا: آزمایش) و سزادهی در معاد، و یا آنچه که او خواسته است و تو نمی‌دانی، قرار نمی‌گیرد.

۹. امام زین العابدین علیه السلام: بدانید که خداوند تبارک و تعالی زرق و برق زودگذر دنیا را برای هیچ یک از دوستانش نخواسته است و آنان را به دنیا و به زیور گذرای آن و زیبایی ظاهری آن، ترغیب نکرده است؛ بلکه دنیا را آفرید و اهل آن را خلق کرد تا آنان را در دنیا بیازماید که کدامینشان برای آخرتش بهتر عمل می‌کنند. به خدا سوگند که او در این باره، برای شما مثال‌ها آورده و برای مردمی که خرد ورزند دلایل

الأمثال، وصَرَفَ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ١

١٠. الكافي عن الوليد بن صبيح عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: دَخَلْتُ عَلَيْهِ يَوْمًا فَأَلْقَى إِلَيَّ ثِيَابًا وَقَالَ: يَا وَلِيدُ، رُدَّهَا عَلَيَّ مَطَاوِيهَا. فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ الْمُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ، فَظَنَنْتُ أَنَّهُ شَبَّهَ قِيَامِي بَيْنَ يَدَيْهِ بِقِيَامِ الْمُعَلَّى بَيْنَ يَدَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: أَفَّ لِلدُّنْيَا أَفَّ لِلدُّنْيَا! إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ عَلَى وَلِيِّهِ، وَإِنَّ بَعْدَهَا دَارًا لَيْسَتْ هَكَذَا. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَأَيْنَ تِلْكَ الدَّارُ؟ فَقَالَ: هَا هُنَا، وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ. ٢

راجع: ج ٢ ص ٢٧٤ (خصائص الآخرة / دار الجزاء).

ب - دَارُ مِحْنَةٍ

١١. رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا دَارُ مِحْنَةٍ. ٣
١٢. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مِحْنٍ وَمَحَلٌ فِتْنٍ. ٤
١٣. عنه عليه السلام: مَنْ ظَفِرَ بِالدُّنْيَا نَصَبٌ، وَمَنْ قَاتَنَتْهُ تَعَبٌ. ٥

١. الكافي: ج ٨ ص ٧٥ ح ٢٩ عن سعيد بن المسيّب، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٤٩، تحف العقول: ص ٢٥١ وليس فيه «وعاجلها»، الأمالي للصدوق: ص ٥٩٥ ح ٨٨٢ عن سعيد بن المسيّب وفيه «لم يختر هذه الدنيا» بدل «لم يحبّ زهرة الدنيا»، أعلام الدين: ص ٢٢٥ وفيه «هذه الدنيا» بدل «زهرة الدنيا»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٤٥ ح ٦.

٢. الكافي: ج ٨ ص ٣٠٤ ح ٤٦٩، مختصر بصائر الدرجات: ص ٤٩.

٣. المِحنة: واحدة المِحْنِ التي يُمْتَحَنُ بها الإنسان من بليّة. وَمِحْنَتُهُ وَاِمْتَحَنَتْهُ: أي اختبرته، والاسم المِحنة (الصحيح: ج ٦ ص ٢٢٠١ «محن»).

٤. عوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٨٥ ح ١٣٠، غرر الحكم: ج ١٠٩٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٦٤ ح ٢.

٥. غرر الحكم: ج ٢٦٧٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٢٢٣٢.

٦. نَصِبَ الرَّجُلُ: أَعْيَا وَتَعَبَ (لسان العرب: ج ١ ص ٧٥٨ «نصب»).

٧. غرر الحكم: ج ٩٠١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٧ ح ٧٢٥١.

گوناگون آورده است؛ و نیرویی نیست، مگر به واسطه خداوند.

۱۰. الکافی - به نقل از ولید بن صبیح - ولید گفت: روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. ایشان، جامه‌هایی به طرف من انداخت و فرمود: «ای ولید! اینها را تا بزَن».

من در برابر ایشان ایستادم. فرمود: «خدا، معلی بن خنیس را رحمت کند!». من گمان بردم که امام علیه السلام ایستادن مرا در حضورش به ایستادن معلی در برابرش تشبیه کرد.^۱ سپس فرمود: «أف بر دنیا، اف بر دنیا! دنیا، در حقیقت، سرای آزمایش [و گرفتاری] است و خداوند، در آن، دشمنش را بر دوست خود مسلط می‌گرداند؛ اما از پس دنیا سرایی است که این گونه نیست».

گفتم: فدایت شوم! آن خانه کجاست؟

امام علیه السلام با دست خود به زمین اشاره کرد و فرمود: «این جا».

ر. ک: ج ۲ ص ۲۷۵ (ویژگی‌های آخرت / سرای سزا).

ب. محنتکده

۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، سرای محنت^۲ است.

۱۲. امام علی علیه السلام: دنیا، سرای محنت‌ها و جایگاه فتنه‌هاست.

۱۳. امام علی علیه السلام: هر که به دنیا دست یافت، رنج بُرد و هر که از دستش داد، به مشقت افتاد.

۱. یعنی به یاد معلی افتاد که خدمتکارش بود و داوود بن علی، فرماندار مدینه، او را کشت و اموال امام علیه السلام را نصاحب کرد.

۲. محنت: بلایی که خداوند، آدمی را بدان بیازد (الصالح: ج ۶ ص ۲۲۰۱ «محنت»).

۳۰ دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث / ج ۱

۱۴. عنه علیه السلام: مُصَاحِبُ الدُّنْيَا هَدَفُ النَّوَائِبِ وَالْغَيْرِ ۱.

۱۵. عنه علیه السلام: أَهْلُ الدُّنْيَا غَرَضُ النَّوَائِبِ، وَدَرِيَّةُ ۳ الْمَصَائِبِ، وَنَهَبُ الرِّزَايَا. ۲

۱۶. الإمام الصادق علیه السلام: لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ - وَإِنْ سَاعَدَتْهُ الْأُمُورُ - بِمُسْتَخْلِصِ غَضَارَةِ ۵
عَيْشٍ إِلَّا مِنْ خِلَالِ مَكْرُوهِ ۶.

راجع: ص ۴۲۲ (مضار حب الدنيا / التعب).

ج - دَارُ مُصِيبَةٍ

۱۷. الإمام علي علیه السلام: الدُّنْيَا مَلِيَّةٌ بِالْمَصَائِبِ، طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ وَالنَّوَائِبِ ۷.

۱۸. عنه علیه السلام: الدُّنْيَا مَصَائِبُ مُفْجِعَةٌ، وَمَنَايَا مُوْجِعَةٌ، وَعَبَرٌ مُقَطَّعَةٌ ۸.

۱۹. عنه علیه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: الدُّنْيَا جَمَّةٌ ۹ الْمَصَائِبِ، مُرَّةُ الْمَشَارِبِ، لَا
تُمَتِّعُ صَاحِبًا بِصَاحِبٍ ۱۰.

۲۰. عنه علیه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَجَائِعٍ، مَن عَوَّجَلَ فِيهَا فُجِعَ بِنَفْسِهِ، وَمَن أَمْهَلَ فِيهَا فُجِعَ
بِأَجَبَتِهِ ۱۱.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۱. أي تغيّر الحال وانتقالها عن الصلاح إلى الفساد. والغيّر: الاسم؛ من قولك: غيّرت الشيء فتغيّر (النهاية: ج ۳ ص ۴۰۱ «غير»).

۲. غرر الحكم: ج ۹۷۹۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۸۹ ح ۹۰۶۵.

۳. الدرّية: ما يتعلّم عليه الطعن (القاموس المحيط: ج ۴ ص ۳۲۷ «دری»).

۴. عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۱ ح ۲۷۶۷، غرر الحكم: ج ۳۱۹۶ وفيه «عرض» بدل «غرض» و«درية» بدل «درية».

۵. الغضارة: الطيب واللذة (النهاية: ج ۳ ص ۳۷۰ «غضر»).

۶. تحف العقول: ص ۲۸۱، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۶۸ ح ۱۸۱.

۷. غرر الحكم: ج ۱۷۲۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۲ ح ۱۲۵۱ وليس فيه «طارقة بالفجائع».

۸. غرر الحكم: ج ۲۰۴۲.

۹. الجَمُّ: الكثير (الصحاح: ج ۵ ص ۱۸۸۹ «جم»).

۱۰. شرح نهج البلاغة: ج ۲۰ ص ۲۷۱ ح ۱۴۰.

۱۱. غرر الحكم: ج ۳۶۵۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۴۵ ح ۳۲۲۳.

۱۴. امام علی علیه السلام: دنیا، دار آماج بلاها و پیشامدهاست.

۱۵. امام علی علیه السلام: مردم دنیا، آماج بلاهایند، و هدف^۱ مصیبت‌ها، و تاراج رنج‌ها و صدمات.

۱۶. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست که به نوشی بی‌نیش دست یابد، اگر چه همه عوامل به یاری‌اش بیاید.

و. ک: ص ۴۲۳ (زیان‌های دنیادوستی / خستگی).

ج - مصیبت‌کده

۱۷. امام علی علیه السلام: دنیا، مالا مال از مصیبت‌هاست و با فاجعه‌ها و رویدادهای تلخ، فرا می‌رسد.^۲

۱۸. امام علی علیه السلام: دنیا، [سراسر] مصیبت‌هایی جگرسوز است، مرگ‌هایی دردناک و مجازات‌هایی خردکننده.

۱۹. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان -: دنیا، پُر مصیبت است. آب‌شخورهای تلخ است و دوستی را از دوستی بهره‌مند نمی‌گرداند.

۲۰. امام علی علیه السلام: دنیا، سرای ناگواری‌هاست. هر که در آن مهلت داده نشود، به مصیبت مرگ خویش، گرفتار می‌آید و هر که در آن مهلت داده شود، به مرگ عزیزانش داغدار می‌شود.

۱. ذریه یا دريئه: حلقه‌ای که برای آموختن، بر آن تیر و نیزه اندازند (القاموس المحيط: ج ۴ ص ۳۲۷ «دری»).

۲. طارق: آینده در شب، پیشامد ناگوار، پیشامد ناگوار در شب. طارق، در اصل، کسی را گویند که در شب نزد کسی بیاید و گاهی در مطلق کسی که نزد کسی برود، استعمال می‌شود.

٢١. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَحَلُّ الْآفَاتِ ١.

٢٢. عنه عليه السلام: عَيْنُ الدَّهْرِ تَطْرِفُ بِالْمَكَارِهِ وَالنَّاسُ بَيْنَ أَجْفَانِهِ ٢.

د - دَارُ تَرْحٍ

٢٣. رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي التَّحْذِيرِ مِنَ الدُّنْيَا -: أَيُّهَا النَّاسُ! هَذِهِ دَارُ تَرْحٍ ٣ لَا دَارُ فَرْحٍ،
وَدَارُ التَّوَاءِ لَا دَارُ اسْتِوَاءٍ، فَمَنْ عَرَفَهَا لَمْ يَفْرَحْ لِرَجَائِ، وَلَمْ يَحْزَنْ لِشَقَائِ ٤.

هـ - دَارُ عِبْرَةٍ

٢٤. الإمام علي عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي ضَرَبَ الْأَمْثَالَ ... وَأَنْذَرَكُمْ
بِالْحُجَجِ الْبَوَالِغِ، فَأَحْصَاكُمْ عَدْدًا وَوَضَعَ لَكُمْ مَدَدًا ٥، فِي قَرَارِ خِبرَةٍ وَدَارِ
عِبْرَةٍ، أَنْتُمْ مُخْتَبَرُونَ فِيهَا وَمُحَاسَبُونَ عَلَيْهَا ٦.

٢٥. عنه عليه السلام: أَبْلَغُ نَاصِحٍ لَكَ الدُّنْيَا لَوْ أَنْتَصَحْتَ؛ بِمَا تُرِيكَ مِنْ تَغَايُرِ الْحَالَاتِ، وَتُوْذُنِكَ
بِهِ مِنَ الْبَيْنِ ٧ وَالشَّتَاتِ ٨.

١. غرر الحكم: ج ٥٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥ ح ٢٤٨.

٢. إرشاد القلوب: ص ١١٢.

٣. تَرْحٌ تَرْحًا فَهُوَ تَرْحٌ: إِذَا خَزِنَ (المصباح المنير: ص ٧٤ «ترح»).

٤. أعلام الدين: ص ٢٤٣ عن ابن عمر، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٧ ح ١٠؛ كنز العمال: ج ٣ ص ٢١١ ح ٦٢٠٣
تقلاً عن الديلمي عن ابن عمر.

٥. المَدَّةُ: طَائِفَةٌ مِنَ الزَّمَانِ؛ تَقَعُ عَلَى الْقَلِيلِ وَالكَثِيرِ (النهاية: ج ٤ ص ٣٠٩ «مدد»).

٦. نهج البلاغة: الخطبة ٨٣.

٧. الْبَيْنُ: الْبَعْدُ وَالْفَرَاقُ (النهاية: ج ١ ص ١٧٥ «بين»).

٨. غرر الحكم: ج ٣٣٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٦ ح ٢٨٨٠.

۲۱. امام علی علیه السلام: دنیا، جایگاه آسیب‌هاست.

۲۲. امام علی علیه السلام: چشم روزگار به ناگواری‌ها پلک می‌زند و مردم در میان پلک‌های او قرار دارند.

د - غمکده

۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در برحذر داشتن از دنیا -: ای مردم! این جا سرای غم است، نه سرای شادی، و سرای پیچ در پیچ است، نه سرای سر راست، پس هر که دنیا را شناخت، به امیدی شاد نشد و از رنجی اندوهگین نگشت.

ه - عبرتکده

۲۴. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را به پروا از آن خدایی سفارش می‌کنم که نمونه‌ها آورده... و با حجت‌های رسا هشدارتان داده است، شمار شما را می‌داند، و عمری برایتان مقرر کرده است، در جایگاه آزمایش و سرای عبرت. شما در دنیا آزمایش می‌شوید و برای آن، مورد حسابرسی قرار می‌گیرید.

۲۵. امام علی علیه السلام: بهترین پندآموز برای تو دنیا است، اگر از دگرگونی‌های آن که به تو نشان می‌دهد و از جدایی و پراکندگی‌ای که به تو اعلام می‌کند، پندگیری.

و - دارُ مَتَاعٍ

الكتاب

﴿يَقُومُ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾.^١

﴿وَمَا أُوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾.^٢

﴿وَفَرِّحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾.^٣

راجع: الشورى: ٣٦ والنساء: ٧٧.

الحديث

٢٦. الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَلِيلٌ، ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ، وَتُقَشَّعُ^٤ كَمَا يَنْقَشِعُ^٥ السَّحَابُ.^٦

٢٧. عنه عليه السلام: الْأَمْرُ قَرِيبٌ، وَالْإِصْطِحَابُ قَلِيلٌ.^٧

٢٨. عنه عليه السلام: إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَمَتَاعُ الدُّنْيَا بَطِيءُ الْاجْتِمَاعِ، قَلِيلُ الْإِنْتِفَاعِ، سَرِيعُ الْإِنْقِطَاعِ.^٨

٢٩. عنه عليه السلام: أَوْقَاتُ الدُّنْيَا وَإِنْ طَالَتْ قَصِيرَةٌ، وَالْمُتَعَةُ بِهَا وَإِنْ كَثُرَتْ يَسِيرَةٌ.^٩

١. غافر: ٣٩.

٢. القصص: ٦٠.

٣. الرعد: ٢٦.

٤. قشعت الرِّيحُ السَّحَابَ - من باب نَفَعَ - أي كَشَفَتْه، فانقشع وتَقَشَّعَ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٢٨١ «قشع»).

٥. في الطبعة المعتمدة: «تقشع كما يقشع...»، والتصويب من طبعة النجف وبيروت وطهران.

٦. غرر الحكم: ح ٢٨٩٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٨ ح ٣٦٧١.

٧. نهج البلاغة: الحكمة ١٦٨، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ١٠٩، غرر الحكم: ح ١٠٠٣٩ وفيه «هَوْنٌ عَلَيْكَ فَإِنَّ

الْأَمْرَ قَرِيبٌ، وَالْإِصْطِحَابُ قَلِيلٌ، وَالْمَقَامُ يَسِيرٌ»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٠ ح ١٢٥.

٨. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٠٢.

٩. غرر الحكم: ح ٢١٨٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٧ ح ١٦٩٨.

و - سرای برخورداری محدود

قرآن

«ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها برخورداری [محدود و موقت] است، و در حقیقت، آن آخرت است که سرای ماندگاری است».

«و هر آنچه به شما داده شده است، برخورداری زندگی دنیا و زیور آن است؛ ولی آنچه پیش خداست، بهتر و پایدارتر است. مگر نمی‌اندیشید؟».

«و به زندگی دنیا شاد شده‌اند، حال آن‌که زندگی دنیا در برابر آخرت، جز برخورداری [محدود و موقت] نیست».

ر. ک: شورا: آیه ۳۶، نساء: آیه ۷۷.



حدیث

۲۶. امام علی علیه السلام: دنیا، در حقیقت، برخورداری چندروزه‌ای اندک است. سپس، همچون سراب از میان می‌رود و به سان ابر، پراکنده می‌شود.
۲۷. امام علی علیه السلام: مرگ، نزدیک، و همراهی [با دنیا] اندک است.
۲۸. امام علی علیه السلام: زندگی دنیا، کالایی بیش نیست و کالای دنیا، دیر فراهم می‌آید و اندک به کار می‌آید و زود از کف می‌رود.
۲۹. امام علی علیه السلام: اوقات دنیا، اگرچه بلند باشد، کوتاه است و بهره‌مندی از آنها، هرچند بسیار باشد، اندک است.

۳۰. عنه علیه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ، وَإِقْبَالُهَا خَدِيعَةٌ وَإِدْبَارُهَا فَجِيعَةٌ، وَلَدَائُهَا فَانِيَةٌ وَتَبِعَاتُهَا بَاقِيَةٌ.^۱

۳۱. الإمام الصادق علیه السلام: فِي وَصِيَّتِهِ لِقَمَانٍ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ، وَعُمْرُكَ مِنْهَا قَلِيلٌ مِنْ قَلِيلٍ، وَيَقَرُّ مِنَ الْقَلِيلِ قَلِيلٌ.^۲

۳۲. عنه علیه السلام: قَالَ لِقَمَانٍ لِابْنِهِ: ... يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ، وَعُمْرُكَ قَصِيرٌ.^۳

ز - دَارُ قُلْعَةٍ

۳۳. الإمام علي علیه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَنَزَلٌ قُلْعَةٍ وَلَيْسَتْ بِدَارٍ نُجْعَةٍ^۴، خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ^۵، وَمُلْكُهَا يُسْلَبُ وَعَامِرُهَا يَخْرُبُ.^۶

۳۴. عنه علیه السلام: أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا مَنَزَلٌ قُلْعَةٍ وَلَيْسَتْ بِدَارٍ نُجْعَةٍ، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَغَرَّتْ بِزِينَتِهَا.^۷

۳۵. عنه علیه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ علیه السلام -: اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا، وَلِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ، وَلِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ، وَأَنَّكَ فِي قُلْعَةٍ وَدَارٍ بُلْغَةٍ وَطَرِيقٍ

۱. غرر الحكم: ج ۲، ۳۶۷۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۴۶ ح ۲۲۳۹.

۲. مشكاة الأنوار: ص ۴۶۱ ح ۱۵۲۷.

۳. قصص الأنبياء: ص ۱۹۵ ح ۲۴۵، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۴۲۰ ح ۱۴.

۴. مَنَزَلٌ قُلْعَةٍ: إِذَا لَمْ تَصْلُحْ لِلْإِسْطِطَانِ. وَالنُّجْعَةُ: طَلَبُ الْكَلَامِ مِنْ مَوَاضِعِهِ. وَحَاصِلُهُ: أَنَّهَا لَيْسَتْ دَارَ رَاحَةٍ وَطَيِّبِ عَيْشٍ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ۳ ص ۱۷۵۳ «نَجْع»).

۵. الْعَتِيدُ: الشَّيْءُ الْحَاضِرُ الْمَهْيَأُ (الصَّحَاحُ: ج ۲ ص ۵۰۵ «عَتَد»).

۶. غرر الحكم: ج ۲، ۳۶۶۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۴۵ ح ۲۲۳۱.

۷. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۳، تنبيه الح علیه السلام ج ۱ ص ۷۷، كشف الغمّة: ج ۱ ص ۱۷۲ وليس فيهما ذيله، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۴ ح ۵۳، مطالب: ج ۲ ص ۳۲ وليس فيه ذيله.

۳۰. امام علی علیه السلام: دنیا، زندگی اش کوتاه و خیرش اندک است، رو آوردنش مکر و پشت کردنش مصیبت است، خوشی هایش رفتنی و پیامدهای آن، ماندنی است.

۳۱. امام صادق علیه السلام - در سفارش لقمان به فرزندش -: فرزندانم! بدان که دنیا اندک است و عمر تو در آن، اندکی از اندک است، و از اندک، اندک می ماند.

۳۲. امام صادق علیه السلام: لقمان به فرزندش گفت: ... فرزندانم! دنیا اندک است و عمر تو کوتاه.

ز - سرای کوچیدن

۳۳. امام علی علیه السلام: دنیا، منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست، خوبی آن، ناچیز است و بدی اش آماده؛ مُلکش از چنگ می رود و آبادش ویران می گردد.

۳۴. امام علی علیه السلام: شما را از دنیا بر حذر می دارم، که دنیا، منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست؛ با فریبندگی اش خود را آراسته و با آرایشش می فریبد.

۳۵. امام علی علیه السلام - در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام -: بدان، ای فرزندم، که تو در حقیقت برای آخرت آفریده شده ای، نه برای دنیا؛ برای رفتن، نه برای ماندن؛ برای مُردن، نه برای زنده ماندن، و تو در حال کوچیدنی و در سرای توشه برگرفتن و در راهی به سوی آخرت.

إلى الآخرة.^١

ح - دارُ سُخُوصٍ

٣٦ . الإمام علي عليه السلام: أوصيكم عباد الله بتقوى الله، وأحذركم الدنيا؛ فإنها دارُ سُخُوصٍ^٢، ومَحَلَّةٌ تنغيص^٣، ساكنها ظاعن^٤، وقاطنها بائن^٥.

٣٧ . عنه عليه السلام: إن الدنيا دارُ سُخُوصٍ ومَحَلَّةٌ تنغيص^٦، ساكنها ظاعن^٧، وقاطنها بائن^٨، وبرقها خالب^٩، ونطقها كاذب^{١٠}، وأموالها محروبة^{١١}، وأعلاقها^{١٢} مَسْلُوبَةٌ. ألا وهي الْمُتَصَدِّيةُ العَتُونُ^{١٣}، والجامحة^{١٤} الحَرُونَ^{١٥}، والمائنة الخَوُونُ^{١٦}.

ط - دارُ مَمَرٍ

٣٨ . الإمام علي عليه السلام: الدنيا دارُ مَمَرٍ لا دارُ مَقَرٍ، والناس فيها رجُلان: رجُلٌ باع فيها



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

١ . نهج البلاغة: الكتاب ٣١، تحف العقول: ٧٦، كشف المحجبة: ص ٢٢٨، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ١١٧ وليس فيه «وللموت لا للحياة»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٠٥ ح ١: كنز العمال: ج ١٦ ص ١٧٢ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ.

٢ . شَخَصَ من بلدٍ إلى بلدٍ شَخْوصاً: أي ذهب. وأشخصه غيره (الصحاح: ج ٣ ص ١٠٤٢ «شخص»).

٣ . ظَعَنَ: ارتحل، والفاعل: ظاعن (المصباح المنير: ص ٣٨٥ «ظعن»).

٤ . نهج البلاغة: الخطبة ١٩٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٣ ح ١٣٧.

٥ . يقال للسحاب يومضُ بَرْقُهُ حتَّى يُرْجى مطَرُهُ، ثمَّ يُخْلِفُ ويُقْلِعُ ويتفشع: الخَلْبُ: وكأنه من الغِلابة: وهي الخداع بالقول اللطيف (أنظر النهاية: ج ٢ ص ٥٨ «خلب»).

٦ . المَحْرُوبُ: المسلوبُ المنهوبُ (النهاية: ج ١ ص ٣٥٨ «حرب»).

٧ . الأغلاق: أي نفائس الأموال. الواحد: عِلْق، قيل: سُمِّيَ به لتعلق القلب به (النهاية: ج ٣ ص ٢٩٠ «علق»).

٨ . العُتْنُ: الأشداء، الواحد عَتُون (القاموس المحيط: ج ٦ ص ٢٤٦ «عتن»).

٩ . جَمَعَ: أي أسرع إسراعاً لا يردّه شيء (النهاية: ج ١ ص ٢٩١ «جمع»).

١٠ . قَرَسَ حَرُونَ: لا يتنقاد، وإذا اشتدَّ به الجري وقف (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٩٧ «حرن»).

١١ . غرر الحكم: ج ٣٦٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٦ ح ٢٢٤١ وص ٥٥٦ ح ١٠٢٤٢ نحوه.

ح - سرای رفتن

۳۶. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را به پروا از خدا سفارش می‌کنم و از دنیا برحذر تان می‌دهم؛ زیرا که دنیا، سرای رفتن است و جایگاه تلخی‌ها؛ ساکن آن، کوچ‌گراست و مقیم آن، از دنیا جدا می‌شود.

۳۷. امام علی علیه السلام: دنیا، سرای رفتن است و جایگاه تلخی‌ها؛ ساکن آن، کوچنده است و مقیم آن، از دنیا جدا می‌شود؛ آذر خشش بی‌باران است، گفتارش دروغ، دارایی‌هایش به غارت رونده و نفایزش از کف رونده. بدانید که دنیا سخت‌گیر^۱ و سرکش و چموش است و دروغ‌گویی خیانت‌پیشه است.

ط - گذرگاه

۳۸. امام علی علیه السلام: دنیا، گذرگاه است، نه قرارگاه؛ و مردم در آن دو دسته‌اند: دسته‌ای که در دنیا خود را فروختند و به تابدی افکندند، و دسته‌ای که خود را خریدند و آزاد کردند.

۱. عبارت «المتصدية العتون» که در متن اصلی روایت آمده، به معنای «سختگیر بر بدهکار» و «آزار دهنده» معنا شده است؛ یعنی دنیا عرصه را بر انسان سخت می‌گیرد تا او را شکار کند و به دام افکند.

نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا^١، وَرَجُلٌ إِيْتَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا^٢.

٣٩. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ، بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازاً لِتَرْوَدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ. فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ^٣، وَقَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزِّيَالِ (لِلزَّوَالِ)^٤.

٤٠. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ وَلَا مَحَلَّ قَرَارٍ، وَإِنَّمَا جُعِلَتْ لَكُمْ مَجَازاً لِتَرْوَدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ لِدَارِ الْقَرَارِ. فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ، وَلَا تَخْذَعَنَّكُمْ مِنْهَا الْعَاجِلَةُ وَلَا تَغُرَّنَّكُمْ فِيهَا الْفِتْنَةُ^٥.

راجع: ج ٢ ص ٢٤٢ (خصائص الآخرة / دار القرار).

ي - دارُ فِرَاقٍ

٤١. الإمام علي عليه السلام: إِعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا؛ فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشْبِهُ بَعْضاً، وَآخِرُهَا لَاحِقٌ بِأَوَّلِهَا، وَكُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ^٦.

٤٢. الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا دَارُ فِرَاقٍ وَدَارُ التَّوَاءِ لَا دَارَ اسْتِوَاءٍ، عَلَى أَنْ فِرَاقَ الْمَالُوفِ حُرْقَةٌ لَا تُدْفَعُ، وَلَوْعَةٌ لَا تُرَدُّ^٨.

١. وبقی: إذا هلك، وأوبقه غيره (النهاية: ج ٥ ص ١٤٦ «وبق»).

٢. نهج البلاغة: الحكمة ١٣٣، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ١٠٣، نزهة الناظر: ص ٦٧ ح ٥٨ وفيهما «إلى دار مقر» بدل «لا دار مقر»، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٥ وليس فيه «لا دار مقر»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٠ ح ١٣٥.

٣. على أوفاز: على سفر (النهاية: ج ٥ ص ٢١٠ «وفز»).

٤. نهج البلاغة: الخطبة ١٣٢.

٥. غرر الحكم: ح ٣٦٩٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٨ ح ٣٢٥١.

٦. حائِلٌ: أي مُتَغَيِّرٌ، وكلُّ مُتَغَيِّرٍ حَائِلٌ (النهاية: ج ١ ص ٢٦٣ «حول»).

٧. نهج البلاغة: الكتاب ٦٩، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٠٨ ح ٧٠٧.

٨. كمال الدين: ص ٧٣، الأمالي للصادق: ص ٣٠٩ ح ٣٥٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٦٥ وفيه «لا تقلع» بدل «لا ترد».

المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ٢٦٧ وليس فيه ذيله من «على أن فراق ...» وكلها عن عنبسة بن

بجّاد العابد، روضة الواعظين: ص ٤٨٦، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٢٤٥ ح ٣.

۳۹. امام علی علیه السلام: دنیا آفریده نشده که سرای ماندن شما باشد، بلکه آفریده شده، که گذرگاه شما باشد تا از آن برای سرای ماندگاری تان توشه عمل بگیرید. پس، در دنیا همواره مهیای سفر باشید و مرکب‌ها را برای رفتن، آماده سازید.

۴۰. امام علی علیه السلام: دنیا آفریده نشده که برای شما سرای ماندن و جای آسودن باشد؛ بلکه گذرگاه شما قرار داده شده است تا از آن برای سرای استقرارتان توشه اعمال نیک بردارید. پس، در دنیا همواره آماده باشید؛ و زنده‌ای که خوشی‌های زودگذر آن، شما را نفریبد و فریبندگی‌هایش شما را گول نزند.

ر. ک: ج ۲ ص ۲۶۳ (ویژگی‌های آخرت / سرای ماندن).

ی - سرای جدایی

۴۱. امام علی علیه السلام: از گذشته دنیا برای آینده‌اش عبرت بگیر؛ زیرا همه اجزای آن، شبیه یکدیگرند و انجام آن به آغازش می‌پیوندد و تماماً دگرگون شونده و از کف رفتنی است.

۴۲. امام صادق علیه السلام: ای مردم! این دنیا، سرای فراق و خانه پیچ در پیچ است، نه خانه‌ای سز راست. فراق عزیزان، داغی است که مانعش نمی‌توان شد و سوزی است که جلوی آن را نمی‌توان گرفت.

ك - دارُ فَنَاءٍ

٢٣. الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا دارٌ مُنِيٌّ^١ لَهَا الفَنَاءُ.^٢

٢٤. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دارٌ فَنَاءٍ وَعَنَاءٍ، وَغَيْرٍ وَغَيْرٍ؛ فَمِنَ الفَنَاءِ أَنَّ الدَّهْرَ مَوْتَرٌ قَوْسُهُ^٣، لَا تُخْطِئُ سَهَامُهُ، وَلَا تُؤْسِي^٤ جِرَاحُهُ، يَرْمِي الْحَيَّ بِالْمَوْتِ، وَالصَّحِيحَ بِالسَّقَمِ، وَالنَّاجِيَ بِالْعَطَبِ، آكِلٌ لَا يَشْبَعُ، وَشَارِبٌ لَا يَنْقَعُ^٥. وَمِنَ العَنَاءِ أَنَّ المَرَّةَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ، وَيَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ^٦.

٢٥. عنه عليه السلام: عَجِبْتُ لِعَامِرِ الدُّنْيَا دارِ الفَنَاءِ، وَهُوَ نَازِلُ دارِ البَقَاءِ^٧.

٢٦. عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دارٌ فَنَاءٍ وَالْآخِرَةُ دارٌ بَقَاءٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ، وَلَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ أَسْرَارُكُمْ^٨.

٢٧. عنه عليه السلام: لَوْ بَقِيَتِ الدُّنْيَا عَلَى أَحَدِكُمْ، لَمْ تُصِلْ إِلَى مَنْ هِيَ فِي يَدَيْهِ^٩.

مركز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

١. مُنِيٌّ لَهُ: أَيُّ قُدْرٍ (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٩٢ «منى»).
٢. نهج البلاغة: الخطبة ٤٥، كتابه الأثر: ص ١٠٣ عن رسول الله ﷺ وفيه «الدنيا دار الفناء»، روضة الواعظين: ص ٤٨٢ وفيه «مضى» بدل «منى». بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٢٢.
٣. أوترت القوس: شددت وترها (المصباح المنير: ص ٦٤٧ «وتر»).
٤. الأسا: المداواة والعلاج (لسان العرب: ج ١٤ ص ٣٤ «أسا»).
٥. لَا يَنْقَعُ: لَا يَرُوى (النهاية: ج ٥ ص ١٠٨ «نقع»).
٦. نهج البلاغة: الخطبة ١١٤، تحف العقول: ص ٢١٨، الأمالي للطوسي: ص ٤٢٢ ح ٩٩٢ عن ثعلبة بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٦٨ كلها نحوه، غرر الحكم: ح ٣٦٥٨ وفيه «إِنَّ الدُّنْيَا دارُ عَنَاءٍ وَفَنَاءٍ وَغَيْرٍ وَغَيْرٍ وَمَحَلُّ فِتْنَةٍ وَمَحَنَةٍ»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٩ ح ٨٦.
٧. أعلام الدين: ص ٢٩٦. بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩٤ ح ١٠٧.
٨. عيون أخبار الرضا: ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦، الأمالي للصدوق: ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آباءه عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧. روضة الواعظين: ص ٤٨٥. بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٦.
٩. غرر الحكم: ح ٧٦٠-٧٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١٧ ح ٧٠٨٦.

ک - سرای نابودی

- ۴۳ . امام علی علیه السلام: دنیا، سرایی است که نابودی برای آن رقم خورده است.
- ۴۴ . امام علی علیه السلام: دنیا، سرای نابودی و رنج، و پیشامدها و عبرت‌هاست. از نشانه نابودگری [دنیا] آن که روزگار، زه کمان خویش را بر کشیده است، تیرهایش به خطا نمی‌رود و زخم‌هایش درمان نمی‌پذیرد؛ زندگان را با تیر مرگ نشانه می‌رود، تن درستان را با تیر بیماری، و رهیدگان را با تیر هلاکت؛ خورنده‌ای (آدمخواری) است که سیر نمی‌شود و نوشنده‌ای (خون‌آشامی) است که سیراب نمی‌گردد. و از نشانه رنج بودن دنیا آن که آدمی، آنچه را که نمی‌خورد، گرد می‌آورد، و بنایی را که در آن سُکنا نمی‌گزیند، می‌سازد.
- ۴۵ . امام علی علیه السلام: در شگفتم از کسی که دنیا، این سرای نیستی را آباد می‌کند، حال آن که در سرای ماندگاری اقامت خواهد گزید.
- ۴۶ . امام علی علیه السلام: ای مردم! بدانید که دنیا، سرای نیستی است و آخرت، سرای ماندگاری. پس، از گذرگاهتان برای اقامتگاهتان [توشه] بگیرید و در نزد کسی که رازهای شما بر او پوشیده نیست، پرده‌داری نکنید.
- ۴۷ . امام علی علیه السلام: اگر دنیا برای کسی از شما باقی می‌ماند، به کسی که دنیا در دست اوست، نرسیده بود.

٢٨. عنه عليه السلام: إِنْ مِنْ نَكَدٍ^١ الدُّنْيَا أَنَّهُ لَا تَبْقَى عَلَى حَالَةٍ، وَلَا تَخْلُو مِنْ اسْتِحَالَةٍ، تُصْلِحُ جَانِباً بِفَسَادِ جَانِبٍ، وَتَسْرُ صَاحِباً بِمَسَاءَةِ صَاحِبٍ، فَالْكُونُ فِيهَا خَطَرٌ، وَالثَّقَّةُ بِهَا غَرَرٌ، وَالْإِخْلَادُ إِلَيْهَا مُحَالٌ، وَالْإِعْتِمَادُ عَلَيْهَا ضَلَالٌ^٢.

٢٩. عنه عليه السلام: كَفَاكَ مِنْ عُيُوبِ الدُّنْيَا أَلَّا تَبْقَى^٣.

٥٠. عنه عليه السلام: إِحْذَرُوا الزَّائِلَ الشَّهْيَ، وَالْفَانِيَ الْمَحْبُوبَ^٤.

٥١. عنه عليه السلام: كُلُّ أَحْوَالِ الدُّنْيَا زَلْزَالٌ، وَمِلْكُهَا سَلْبٌ وَانْتِقَالٌ^٥.

٥٢. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مُنْتَقِلَةٌ فَانِيَةٌ، إِنْ بَقِيَْتَ لَكَ لَمْ تَبَقْ لَهَا^٦.

٥٣. عنه عليه السلام: كُلُّ مُدَّةٍ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى انْتِهَاءٍ، وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مَمَاتٍ وَفَنَاءٍ^٧.

٥٤. عنه عليه السلام: لَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا، وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا، وَلَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا؛ فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ، وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ، وَإِنَّ ضَرَّهَا وَبُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَى، وَكُلُّ حَيٍّ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبَلَاءٍ^٨.

١. التَّكَدُّ: الشُّؤْمُ وَاللُّؤْمُ (لسان العرب: ج ٣ ص ٤٢٧ «نكد»).

٢. غرر الحكم: ح ٣٦٨٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٤ ح ٣٢١٤.

٣. المواعظ العددية: ص ٦٠.

٤. غرر الحكم: ح ٢٥٨٧.

٥. غرر الحكم: ح ٦٩١٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٦ ح ٦٣٧١.

٦. غرر الحكم: ح ١٨٠٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢ ح ١٥١.

٧. غرر الحكم: ح ٦٩٢٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٧ ح ٦٣٧٤ و٦٣٧٥.

٨. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٣٠ ح ١٢٦٣، نهج البلاغة: الخطبة ٩٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٥٤

وليس فيهما «وبلاء»، مصباح المتهجد: ص ٣٨١ ح ٥٠٨ عن زيد بن وهب وفيه «ارتجاع» بدل «زوال» وليس

فيه «فناء»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٣ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

۴۸. امام علی علیه السلام: از بی خبری دنیا است که بر یک حال نمی ماند و از دگرگونی خالی نیست؛ با خراب کردن گوشه‌ای، گوشه‌ای دیگر را آباد می‌کند و با ناراحت کردن دوستی، دوستی دیگر را شاد می‌کند. پس بودن در دنیا با خطرهای همراه است و اعتماد کردن به آن، فریب خوردن است و دل بستن به آن، نشاید و تکیه کردن به آن، خطاست.

۴۹. امام علی علیه السلام: از عیب‌های دنیا، همین تو را بس که نمی‌ماند.

۵۰. امام علی علیه السلام: از آن دلخواهی که زوال می‌پذیرد و از آن دلداری که نیستی می‌گیرد، دوری کنید.

۵۱. امام علی علیه السلام: احوال دنیا، همه لرزان است و دارایی آن، گرفتنی و قابل سپردن به دیگری.

۵۲. امام علی علیه السلام: دنیا، در حال انتقال از یکی به دیگری است و از کف رفتنی است. گیرم که دنیا برای تو بماند، تو برای آن نمی‌مانی.

۵۳. امام علی علیه السلام: هر زمانی از دنیا، سرانجام به پایان می‌رسد و هر زنده‌ای در آن، رو به سوی مرگ و نیستی است.

۵۴. امام علی علیه السلام: در کسب عزت و افتخارات دنیوی با هم به رقابت برنخیزید و به زیور و نعمت آن، سرخوش نشوید و بر سختی و مشقت دنیا، بی‌تابی نکنید؛ زیرا که عزت و افتخارات دنیا به سر می‌آید و زیور و نعمت آن، زوال می‌گیرد و سختی و مشقتش به پایان می‌رسد. هر زمانی از دنیا پایانی دارد و هر زنده‌ای از آن، به نیستی و پوسیدگی می‌انجامد.

۵۵. عنه علیه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ دَارَ الْقَنَاءِ أَنْ يَعْمَلَ لِدارِ الْبَقَاءِ.^۱
۵۶. عنه علیه السلام: اِتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ ... وَكُونُوا قَوْمًا صِيحَ بِهِمْ فَاتْتَبَهُوا، وَعَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدَّلُوا.^۲
۵۷. عنه علیه السلام: أَيْنَ الَّذِينَ مَلَكَوا مِنَ الدُّنْيَا أَقاصِيَهَا؟^۳
۵۸. عنه علیه السلام: أَيْنَ الَّذِينَ بَلَغُوا مِنَ الدُّنْيَا أَقاصِيَ الْهَمِّ؟^۴
۵۹. عنه علیه السلام: أسبابُ الدُّنْيَا مُنْقَطِعَةٌ، وَعَوَارِئُهَا مُرْتَجِعَةٌ.^۵
۶۰. الإمام زين العابدين علیه السلام: الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدارِ الْقَنَاءِ، وَتَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ.^۶
۶۱. تنبيه الخواطر: رَوِيَ أَنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عليه السلام مَرَّ فِي مَوْكِبِهِ وَالطَّيْرُ تُظِلُّهُ، وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ - قَالَ: - فَمَرَّ بِعَابِدٍ مِنْ عِبَادِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَقَالَ: وَاللَّهِ يَا بْنَ دَاوُدَ، لَقَدْ آتَاكَ اللَّهُ مُلْكًا عَظِيمًا! قَالَ: فَسَمِعَهُ سُلَيْمَانُ عليه السلام فَقَالَ: لَتَسْبِيحَةٌ فِي صَحِيفَةٍ مُؤْمِنٍ خَيْرٌ مِمَّا أُعْطِيَ ابْنُ دَاوُدَ، وَإِنَّ مَا أُعْطِيَ ابْنُ دَاوُدَ يَذْهَبُ وَالتَّسْبِيحَةُ تَبْقَى.^۷
۶۲. الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيَّانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ -:

۱. غرر الحكم: ح ۱۰۹۲۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۵۱ ح ۱۰۱۶۸.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۶۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۹۶ ح ۶۶۹۷ و ۶۷۰۰ وفيه «يُدارهم» بدل «لهم يدار».

۳. غرر الحكم: ح ۲۸۱۱، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۹ ح ۲۹۳۰.

۴. غرر الحكم: ح ۲۸۱۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۳۰ ح ۲۹۳۶.

۵. غرر الحكم: ح ۱۳۶۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۷۰ ح ۱۷۷۷ و ص ۱۲۷ ح ۲۸۹۳ وفيهما «وَأَحْبَابُهَا بِهَا مُنْفَجَّةٌ» بدل «وَعَوَارِئُهَا مُرْتَجِعَةٌ».

۶. الأمالي للطوسي: ص ۶۶۴ ح ۱۳۸۷، المحاسن: ج ۱ ص ۳۷۸ ح ۸۳۲ نحوه وكلاهما عن أبي حمزة الثمالي.

جامع الأخبار: ص ۲۹۶ ح ۸۱۰، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۴۲ ح ۴.

۷. تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۱۲۹، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۸۳ ح ۲۷؛ إحياء علوم الدين: ج ۳ ص ۳۰۰.

۵۵. امام علی علیه السلام: برای کسی که سرای نیستی را شناخته، سزاوار است که برای سرای ماندگاری کار کند.

۵۶. امام علی علیه السلام: ای پندگان خدا! از خدا پروا کنید... و [چونان] مردمانی باشید که بر آنان، بانگ زده شد و بیدار شدند و دریافتند که دنیا، خانه آنها نیست و از این رو، جایگزینش کردند.

۵۷. امام علی علیه السلام: کجایند آنان که تا دور دست‌های زمین، پادشاهی کردند؟!

۵۸. امام علی علیه السلام: کجایند آنان که به دورترین خواست‌های دنیوی رسیدند؟!

۵۹. امام علی علیه السلام: اسباب دنیا از هم گسیختنی است و عاریه‌های آن، بازگشتنی.

۶۰. امام زین العابدین علیه السلام: شگفتا، بس شگفتا از آن که برای سرای نیستی می‌کوشد و بر سرای ماندگاری چشم می‌پوشد!

۶۱. تنبیه الخواطر: روایت شده است که سلیمان بن داوود علیه السلام با گروه همراه خود می‌رفت، در حالی که پرندگان بر او سایه افکنده بودند و جئیان و آدمیان، از راست و چپ او حرکت می‌کردند. بر عابدی از عابدان بنی اسرائیل گذشت. عابد گفت: ای پور داوود! به خدا سوگند که خداوند، سلطنت با عظمتی به تو عطا کرده است.

سلیمان علیه السلام که سخن او را شنید، گفت: «یک ذکر "سبحان الله" در کارنامه مؤمن، بهتر از آن چیزی است که به پور داوود داده شده است؛ زیرا آنچه به پور داوود داده شده، می‌رود و ذکر تسبیح می‌ماند».

۶۲. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:

إِنَّ الَّذِينَ بَنُوا فِطَالَ بِنَاؤُهُمْ وَاسْتَمْتَعُوا بِالْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ
جَرَبَ الرِّيحُ عَلَى مَحَلِّ دِيَارِهِمْ فَكَأَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى مِيعَادِ
وَأَرَى النَّعِيمَ وَكُلَّ مَا يُلْهَى بِهِ يَوْمًا يَسِيرُ إِلَى بِلَى وَنَفَادِ^١

٦٣. عنه عليه السلام - في الديوان المنسوب إليه :-

تَحَرَّزَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ فَنَاءَهَا مَحَلُّ فَنَاءٍ لَا مَحَلُّ بَقَاءٍ
فَصَفَوْتُهَا مَمْزُوجَةً بِكُدُورَةٍ وَرَاحَتُهَا مَقْرُونَةٌ بِعَنَاءٍ^٢

٦٤. عنه عليه السلام - في الديوان المنسوب إليه :-

إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْيَا تُسْبُوتُ
إِنَّمَا الدُّنْيَا كَبَيْتٍ نَسَجَتْهُ الْعَنَكُبُوتُ
وَلَقَدْ يَكْفِيكَ مِنْهَا أَثْبَثُهَا الطَّالِبُ قُوتُ
وَلَعَمْرِي عَنْ قَلِيلٍ كُلُّ مَنْ فِيهَا يَمُوتُ^٣

١. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٢٠٦ الرقم ١٣٤.

٢. وفي تاريخ بغداد عن أبي بكر بن عيَّاش : لما خرج علي بن أبي طالب عليه السلام إلى صفين مرَّ بخراب المدائن ، فتمثَّل رجل من أصحابه فقال :

جرت الرياح على محلِّ ديارهم فكأنَّما كانوا على مِيعَادِ
وَإِذَا النَّعِيمَ وَكُلَّ مَا يُلْهَى بِهِ يَوْمًا يَصِيرُ إِلَى بِلَى وَنَفَادِ

فقال علي عليه السلام : لا تقل هكذا ، ولكن قل كما قال الله ﷻ : ﴿ كُمْ تَرْكُؤًا مِنْ جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَنَكِيهِينَ ﴿ كَذَلِكَ وَأَوْزَيْنَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴾ (الدخان : ٢٥-٢٨) إِنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ كَانُوا وَارِثِينَ فَأَصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ ، وَإِنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ اسْتَحَلُّوا الْحَرَّمَ فَحَلَّتْ بِهِمُ النَّقْمُ ، فَلَا تَسْتَحَلُّوا الْحَرَّمَ فَتَحَلَّ بِكُمْ النَّقْمُ (تاريخ بغداد : ج ١ ص ١٣٢).

٣. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٣٨ الرقم ١٠.

٤. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ١٦٢ الرقم ٩٠.

آنان که بناهای بلند بر ساختند و از زن و فرزندان، برخوردار شدند.
 بادها بر خانه‌هایشان همی وزید انگار که بر این قرار، وعده داشتند.
 و نعمت‌ها و همه سرگرمی‌ها را می‌بینم که روزی کهنه و نابود می‌شوند.^۱

۶۳. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - :

خَدر از دنیا، که دنیای فانی منزلگاه رفتن است، نه جای ماندن.
 زلالی‌اش آمیخته با تیرگی است و آسودگی‌اش قرین رنج.

۶۴. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - :

جز این نیست که دنیا فانی است دنیا را پایدگی نیست.
 دنیا، همانند خانه‌ای است که عینکبوت آن را بستند.
 تو را از دنیا بسنده کند ای دنیاجوی، قُوتی.
 به جانم سوگند که به زودی هر که در آن است، می‌میرد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۱. البته در تاریخ بغداد، به نقل از ابو بکر بن عیّاش آمده است: چون علی بن ابی طالب علیه السلام رهسپار صفین شد، از خرابه‌های مدائن گذشت. مردی از یارانش این ابیات را بر خواند:

بادها بر خانه‌های آنان وزید انگار که بر این قرار، وعده داشتند.
 و نعمت‌ها و همه سرگرمی‌ها را می‌بینم که روزی کهنه و نابود می‌شوند
 علی علیه السلام فرمود: «چنین مگو؛ بلکه چنان بگو که خداوند تعالی فرموده است: «چه باغ‌ها و چشمه‌سارها که بر جای نهادند، و کشتزارها و سراهای نکو، و نعمتی که در آن خوش بودند. آری، و ما آنها را به مردمانی دیگر، ارث دادیم» (دخان: آیه ۲۵-۲۸). مردمان این دیار، خود روزگاری وارث [دیگران] بودند و بعد، دیگران وارث آنها شدند. این مردم، حرام‌ها را حلال شمردند و از این رو، عذاب بر آنان فرود آمد. پس، مبادا شما حرام‌ها را حلال کنید، که بر شما نیز عذاب نازل می‌شود (تاریخ بغداد: ج ۱ ص ۱۳۲).

ل - سَرِيعَةُ الزَّوَالِ

٦٥ . رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً^١.

٦٦ . عنه ﷺ: وَاللَّهِ مَا يُسَاوِي مَا مَضَى مِنْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ بِأَهْدَابٍ^٢ بُرْدِي هَذَا، وَلَمَّا بَقِيَ مِنْهَا أَشْبَهُ بِمَا مَضَى مِنَ الْمَاءِ بِالْمَاءِ، وَكُلُّهُ إِلَى بَقَاءٍ وَشَيْكِ وَزَوَالٍ قَرِيبٍ^٣.

٦٧ . عنه ﷺ: لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ بَعَثَهُ وَهُوَ ابْنُ خَمْسِينَ وَمِئَتَيْ سَنَةٍ، فَلَبِثَ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا، وَبَقِيَ بَعْدَ الطُّوفَانِ خَمْسِينَ وَمِئَتَيْ سَنَةٍ، فَلَمَّا أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ قَالَ: يَا نُوحُ، يَا أَكْبَرَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَا طَوِيلَ الْعُمُرِ وَيَا مُجَابَ الدَّعْوَةِ، كَيْفَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا؟ قَالَ: مِثْلَ رَجُلٍ يُبْنِي لَهُ بَيْتٌ لَهُ بَابَانِ فَدَخَلَ مِنْ وَاحِدٍ وَخَرَجَ مِنَ الْآخَرِ^٤.

٦٨ . الإمام الصادق عليه السلام: عاش نوح عليه السلام ألفي سنة وثلاثمائة سنة؛ منها ثمانمائة وخمسون سنة قبل أن يُبعث، وألف سنة إلا خمسين عاماً وهو في قومه يدعوهم، وخمسمائة عام بعدما نزل من السَّفِينَةِ ونُضِبَ^٥ الماء، فَمَضَرَ الْأَمْصَارَ، وَأَسْكَنَ وَلَدَهُ الْبُلْدَانَ.

ثُمَّ إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ جَاءَهُ وَهُوَ فِي الشَّمْسِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ!

١ . عوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٨٥ ح ١٣١، مصباح الشريعة: ص ٣٣ وفيه «عبادة» بدل «طاعة»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٦٨ ح ١٤.

٢ . هُذِبَ الثوب: ما على أطرافه (المصباح: ج ١ ص ٢٣٧ «هذب»).

٣ . أعلام الدين: ص ٣٤١ ح ٢٨ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٣ ح ١٠.

٤ . تفسير القوطبي: ج ١٢ ص ٢٣٣، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٥ ح ٦٣٢٠ نقلاً عن ابن عساكر: كشف الغمّة: ج ٣ ص ٢٣٣، إعلام الوري: ج ١ ص ٣٠٥ كلها عن أنس وراجع تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣١ و مصباح الشريعة: ص ١٦٩.

٥ . نُضِبَ الْمَاءُ: غَارَ فِي الْأَرْضِ (المصباح المعين: ص ٦٠٩ «نضب»).

ل - زودگذر

۶۵. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، ساعتی است. پس آن را به طاعت بگذران.
۶۶. پیامبر خدا ﷺ: به خدا سوگند، آنچه از این دنیای شما سپری شده، با نخ‌های زاید [اطراف] این ردای من، برابری نمی‌کند و باقی مانده آن به گذشته‌اش مانند تر از آب به آب است، و زودا که همه زوال گیرند و به [سرای] ماندگاری روند.
۶۷. پیامبر خدا ﷺ: زمانی که خداوند، نوح ﷺ را به پیامبری در میان قومش برانگیخت، دویست و پنجاه سال از عمر نوح می‌گذشت و نهصد و پنجاه سال نیز در میان قومش دعوت کرد و پس از توفان نیز دویست و پنجاه سال ماند و [با این حال] چون مَلِكِ الموت نزد او آمد، گفت: ای نوح! ای بزرگ‌ترین پیامبران، ای صاحب عمر دراز، ای مستجاب الدعوه! دنیا را چگونه دیدی؟
- نوح ﷺ گفت: «مَثَلِ مردی که برایش خانه‌ای بنا شود، با دو در که از یکی در آید و از دیگری به در رود».
۶۸. امام صادق ﷺ: نوح ﷺ دو هزار و سیصد سال، عمر کرد. هشتصد و پنجاه سال آن را پیش از آن که برانگیخته شود، نهصد و پنجاه سال را به دعوت قومش پرداخت و پانصد سال پس از آن که از کشتی فرود آمد و آب، فروکش کرد و شهرها را ساخت و فرزندانش را در آبادی‌ها اسکان داد.
- سپس، مَلِكِ الموت، نزد او که در گوشه آفتاب نشسته بود، آمد و گفت:
- سلام بر تو!

فَرَدَّ عَلَيْهِ نوحٌ ؑ وقال: ما جاء بك يا مَلِكُ المَوْتِ؟

قال: جِئْتُكَ لِأَقْبِضَ رَوْحَكَ.

قال: دَعْنِي أَدْخُلْ مِنَ الشَّمْسِ إِلَى الظِّلِّ.

فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ.

فَتَحَوَّلَ، ثُمَّ قَالَ: يَا مَلِكُ المَوْتِ، كُلُّ مَا مَرَّ بِي مِنَ الدُّنْيَا مِثْلُ تَحْوِيلِي مِنَ

الشَّمْسِ إِلَى الظِّلِّ، فَاْمُضْ لِمَا أُمِرْتُ بِهِ. فَقَبِضْ رَوْحَهُ ؑ. ١.

٦٩. الإمام علي ؑ - في ذمِّ الدُّنْيَا -: اذْكُرُوا عِنْدَ تَصَرُّفِهَا بِكُمْ سُرْعَةَ انْقِضَائِهَا عَنْكُمْ،

وَوَشَكَّ زَوَالِهَا، وَضَعْفَ مَجَالِهَا، أَلَمْ تَجِدْكُمْ عَلَى مِثَالٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، وَوَجَدَتْ

مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ عَلَى مِثَالٍ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ، جِيلٌ بَعْدَ جِيلٍ، وَأُمَّةٌ بَعْدَ أُمَّةٍ، وَقَرْنٌ بَعْدَ

قَرْنٍ، وَخَلْفٌ بَعْدَ خَلْفٍ، فَلَا هِيَ تَسْتَحْيِي مِنَ الْعَارِ، وَمَا لَا يَنْبَغِي مِنَ الْمُبْدِيَّاتِ،

وَلَا تَخْجَلُ مِنَ الْغَدْرِ. ٢.

٧٠. عنه ؑ: إِنَّ الدُّنْيَا سَرِيعَةُ التَّحَوُّلِ، كَثِيرَةُ التَّنْقِيلِ، شَدِيدَةُ الْغَدْرِ، دَائِمَةُ الْمَكْرِ،

فَأَحْوَالُهَا تَتَرَلَّزَلُ، وَنَعِيمُهَا يَتَبَدَّلُ، وَرَخَاؤُهَا يَتَنَقَّصُ، وَلَذَائِهَا تَتَنَقَّصُ، وَطَالِبُهَا

يَذِلُّ، وَرَاكِبُهَا يَزَلُّ. ٣.

٧١. عنه ؑ: أَوَّلَا تَرَى أَنَّ الدُّنْيَا سَاعَةٌ بَيْنَ سَاعَتَيْنِ؛ سَاعَةٌ مَضَتْ، وَسَاعَةٌ بَاقِيَةٌ،

وَسَاعَةٌ أَنْتَ فِيهَا! ٤.

١. الكافي: ج ٨ ص ٢٨٤ ح ٤٢٩، قصص الأنبياء: ص ٨٧ ح ٨٠، روضة الواعظين: ص ٢٨٨، الأمل في الصدوق:

ص ٦٠٢ ح ٨٣٦، كمال الدين: ص ٥٢٣ ح ١ كلاهما عن هشام بن سالم وكلَّها نحوه، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٢٨٥ ح ٢.

٢. بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٥ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

٣. غرر الحكم: ح ٢٦٨٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٧ ح ٣٢٤٥.

٤. التحصين لابن فهد: ص ١٦ ح ٢٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٢ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

نوح علیه السلام جواب سلامش را داد و گفت: «برای چه آمده‌ای، ای ملک الموت؟».

گفت: آمده‌ام که جان تو را بگیرم.

نوح علیه السلام گفت: «اجازه بده که از آفتاب به سایه بروم».

ملك الموت گفت: باشد.

نوح علیه السلام به سایه رفت و سپس گفت: ای ملک الموت! این همه عمری که در دنیا سپری کردم، همانند این رفتنم از آفتاب به سایه بود. حالا مأموریتت را اجرا کن».

ملك الموت نیز جان نوح علیه السلام را گرفت.

۶۹. امام علی علیه السلام - در نکوهش دنیا - : در هنگام برگشتن دنیا از شما، به یاد آورید که دنیا بر شما زود می‌گذرد، محکوم به زوال است و عرصه‌اش تنگ. آیا شما را به مانند کسانی که پیش از شما بودند، نیافت، و پیشینیان شما را نیز به مانند پیشینیان آنان: نسلی از پی نسلی، و امتی از پس امتی و قومی از پس قومی؟ پس، دنیا از ننگ و از رسوایی‌ها شرم نمی‌کند و از خیانت و بی‌وفایی خجالت نمی‌کشد.

۷۰. امام علی علیه السلام: دنیا، زود از حالی به حالی در می‌آید و بسیار جا به جا می‌شود، سخت عهدشکن و بی‌وفاست و پیوسته، مکاری می‌کند. احوال آن، لرزان است و نعمت‌هایش در حال تغیر؛ آسودگی‌اش کاستی می‌پذیرد و خوشی‌هایش به تلخی می‌گراید. جوینده آن، خوار می‌شود و سوار بر آن، می‌لغزد.

۷۱. امام علی علیه السلام: نمی‌بینی که دنیا ساعتی است میان دو ساعت: ساعتی که گذشته و ساعتی که باقی مانده، و ساعتی که تو در آنی؟!

٧٢. الإمام الصادق عليه السلام: إصبروا على طاعة الله وتَصَبَّروا عن معصية الله، فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ؛ فَمَا مَضَى فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ سُرُورًا وَلَا حُزْنَ، وَمَا لَمْ يَأْتِ فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ، فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا، فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ.^١
 راجع: ج ٢ ص ٢٦٦ (خصائص الآخرة / دار البقاء).

م - مُحْفُوفَةٌ بِالشَّهَوَاتِ

٧٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا إِنَّ الْآخِرَةَ الْيَوْمَ مُحْفَفَةٌ^٢ بِالْمَكَارِهِ، وَإِنَّ الدُّنْيَا مُحْفَفَةٌ^٣ بِالشَّهَوَاتِ.

٧٤. الإمام علي عليه السلام: إِنِّي أَحَذَّرُكُمْ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا حُلُوءَةٌ خَضِرَةٌ^٤، حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، وَتَحَبَّيْتُ بِالْعَاجِلَةِ، وَرَاقَتْ^٥ بِالْقَلِيلِ، وَتَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ، وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ. لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا^٦، وَلَا تُؤْمَنُ فَجَعَتُهَا، غَرَارَةٌ خُرَّازَةٌ، حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ، نَافِذَةٌ بَائِدَةٌ، أَكَالَةٌ غَوَالَةٌ^٧.
 راجع: ج ٢ ص ٢٧٦ (خصائص الآخرة / دار محفوفة بالمكاره).

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

١. الكافي: ج ٢ ص ٢٥٩ ح ٢١ عن ساعة وص ٢٥٤ ح ٤ نحوه، تحف العقول: ص ٣٩٦ عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام وراجع الزهد للحسين بن سعيد: ص ٢٦ ح ١٢٤.
٢. حَفَّ الْقَوْمُ بِالشَّيْءِ وَخَوَالِيهِ وَحَفُّوهُ وَحَفَّفُوهُ: أَحَدَقُوا بِهِ وَأَطَافُوا بِهِ وَعَكَفُوا وَاسْتَدَارُوا (اللسان العرب: ج ٩ ص ٤٩ «حفف»).
٣. المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢٠٠ ح ٢٢٩ عن كليب بن حزن، كثر العمال: ج ١٥ ص ٩٣٢ ح ٢٣٥٩٨ نقلاً عن ابن مندة عن معاوية بن خفاجة.
٤. خَضِرَةٌ: أَي غَضَّة نَاعِمَةٌ طَرِيَّة (النهاية: ج ٢ ص ٢١ «خضر»).
٥. رَاقَتْ الشَّيْءَ: أَي أُعْجِبَنِي (الصحاح: ج ٢ ص ١٤٨٦ «روق»). قال ابن أبي الحديد: أَي أُعْجِبَتْ أَهْلُهَا، وَإِنَّمَا أُعْجِبْتُهُمْ بِأَمْرِ قَلِيلٍ لَيْسَ بِدَائِمٍ (شرح نهج البلاغة: ج ٧ ص ٢٢٨).
٦. الْحَبْرَةُ: النَّمْعَةُ وَسَعَةُ الْعَيْشِ، وَكَذَلِكَ الْحَبُورُ (النهاية: ج ١ ص ٢٢٧ «حبر»).
٧. التَّغَوَّلُ: التَّلَوُّنُ فِي صَوْرٍ شَتَّى. وَتَغَوَّلُهُمْ: تُضِلُّهُمْ عَنِ الطَّرِيقِ (انظر النهاية: ج ٣ ص ٣٩٧ وص ٣٩٦ «غول»).
٨. نهج البلاغة: الخطبة ١١١، تحف العقول: ص ١٨٠ نحوه، غرر الحكم: ح ٣٦٨٦ وفيه «نضرة» بدل «خضرة» وليس فيه «وتحبيبت بالمعجلة»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٦ ح ٨٢: مطالب السؤل: ص ٥٠ نحوه.

۷۲. امام صادق علیه السلام: بر طاعت خدا بشکبید و بر ترک معصیت او صبروری کنید؛ چرا که دنیا ساعتی بیش نیست؛ زیرا برای آنچه گذشته است، نه شادی ای می یابی و نه اندوهی، و آنچه هم که نیامده است، نمی دانی چگونه است. پس، بر آن ساعتی که در آنی صبر کن، گویا که تو رشک برده شده ای.

ر. ک: ج ۲ ص ۲۶۷ (ویژگی های آخرت / سرای ماندگاری).

م - احاطه شده به شهوت ها

۷۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که آخرت را ناملايمات در میان گرفته است، و دنیا را خوشی ها و شهوات احاطه کرده است.

۷۴. امام علی علیه السلام: من، شما را از دنیا بر حذر می دارم؛ زیرا که دنیا شیرین و خرم است و تمایلات نفسانی آن را در میان گرفته است؛ با لذت های زودگذرش دل می بزد و با [متاع] اندک خود، جلوه گری می کند؛ به آرزوها آراسته است و با زیور فریب، خود را می آراید؛ ناز و نعمتش پایدار نیست و از مصائب آن، ایمنی نیست؛ گول زننده است و آسیب رسان؛ دگرگون شونده است و زوال پذیر؛ پایان پذیر است و نابود شونده؛ آدمخوار است و مرگبار.

ر. ک: ج ۲ ص ۲۷۷ (ویژگی های آخرت / سرای محصور در ناملايمات).

٣/١

خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا

٧٥. رسول الله ﷺ: إِنَّكُمْ خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ، وَالْدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ^١.
٧٦. عنه عليه السلام - في خُطْبَةٍ لَهُ -: فَلْيَأْخُذِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ، وَمِنْ دُنْيَاهُ لِلْآخِرَةِ^٢.
٧٧. الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَلَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا^٣.
٧٨. عنه عليه السلام: فِي الدُّنْيَا حَيِّتُمْ، وَلِلْآخِرَةِ خُلِقْتُمْ^٤.
٧٩. عنه عليه السلام: إِنَّكَ مَخْلُوقٌ لِلْآخِرَةِ فَاعْمَلْ لَهَا. إِنَّكَ لَمْ تُخْلَقْ لِلدُّنْيَا فَازْهَدْ فِيهَا وَأَعْرِضْ عَنْهَا^٥.
٨٠. عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي أَصْبَحْتُمْ تَتَمَنُّونَهَا وَتَرْغَبُونَ فِيهَا وَأَصْبَحْتُمْ تُغَضِبُكُمْ وَتُرْضِيكُمْ، لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ، وَلَا مَتْرَلِكُمْ الَّذِي خُلِقْتُمْ لَهُ وَلَا الَّذِي دُعِيتُمْ إِلَيْهِ. أَلَا وَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِبَاقِيَةٍ لَكُمْ وَلَا تَبْقَوْنَ عَلَيْهَا، وَهِيَ وَإِنْ غَرَّتْكُمْ مِنْهَا فَقَدْ حَذَرَتْكُمْ شَرَّهَا، فَدَعُوا غُرُورَهَا لِتَحْذِيرِهَا، وَأَطْمَاعَهَا لِتَخْوِيفِهَا، وَسَابِقُوا فِيهَا

١. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٦٠ ح ١٠٥٨١ عن الحسن البصري، تنبيه الغافلين: ص ٢٣٨ ح ٣٠٩ عن جابر بن عبد الله.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٧٠ ح ٩ عن حمزة بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٧ وليس فيه «المؤمن»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٦٢ ح ٧.

٣. نهج البلاغة: الحكمة ٤٦٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٣ ح ١٣٦.

٤. عيون أخبار الرضا: ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦، الأمالي للصدوق: ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧، الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٦، إرشاد القلوب: ص ١٩ وفيهما «حبستهم» بدل «حييتهم»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٦.

٥. في المصدر «لن» بدل «لم»، وما في المتن أثبتناه من عيون الحكم والمواعظ.

٦. غرر الحكم: ح ٣٨١٠ و ٣٨١١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٢ ح ٣٥٩٧ و ص ١٧١ ح ٣٥٧٠.

۳/۱

دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است

۷۵. پیامبر خدا ﷺ: شما برای آخرت آفریده شده‌اید و دنیا برای شما آفریده شده است.

۷۶. پیامبر خدا ﷺ: - در یکی از خطبه‌هایش - : بنده مؤمن باید از خود برای خود بهره گیرد و از دنیای خود برای آخرتش.

۷۷. امام علی علیه السلام: دنیا، برای غیر خود آفریده شده و برای خودش آفریده نشده است.

۷۸. امام علی علیه السلام: در دنیا زندگی می‌کنید؛ اما برای آخرت، آفریده شده‌اید.

۷۹. امام علی علیه السلام: تو برای آخرت آفریده شده‌ای. پس برای آن کار کن. تو هرگز برای دنیا خلق نشده‌ای. پس از دنیا دل برکن و از آن، روی بگردان.

۸۰. امام علی علیه السلام: هان! این دنیایی که شما آرزویش را دارید و خواهان آنید، ولی او شما را گاه ناخشنود و گاه خشنود می‌سازد، آن سرا و منزلگاهی نیست که برایش آفریده شده‌اید، و نه آن جایی که بدان فرا خوانده شده‌اید.

هان! دنیا برای شما ماندگار نیست و شما نیز در آن باقی نمی‌مانید. دنیا، اگر چه شما را می‌فریبد؛ اما همو، خود، شما را از شر خویش برحذر داشته است. پس، هشدارش را بگیرید و فریبش را بگذارید و بیم دادنش را بگیرید و طمع‌هایش را وانهد و در آن برای سرایی از یکدیگر سبقت بگیرید که به آن، فرا خوانده شده‌اید.

إِلَى الدَّارِ الَّتِي دُعِيتُمْ إِلَيْهَا.^١

٨١. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، وَابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا، وَلَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرُنَا، وَإِنَّمَا وَضِعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلَى بِهَا، وَنَعْمَلَ فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا.^٢

٨٢. الإمام الصادق عليه السلام: أَحْكِمَ أَمْرَ دِينِكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ، فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا يُعْرَفُ بِهَا مَا غَابَ عَنْهَا مِنَ الْآخِرَةِ، فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا، وَلَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِالْإِعْتِبَارِ.^٣

راجع: ص ١٠٦ (الدنيا مزرعة الآخرة)
و ج ٢ ص ٢٨٢ (الفصل الثاني: الاهتمام بالآخرة).



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

أ - مَثَلُ خَمِيلَةِ الرَّبِيعِ

الكتاب

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتَنَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ الْأُمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾.^٤

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٧٣، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩٥ ح ١ وراجع تحف العقول: ص ١٨٤.
٢. غرر الحكم: ح ٣٦٩٦، نهج البلاغة: الكتاب ٥٥ وليس فيه ذيله، معادن الحكمة: ج ١ ص ٢٧٧، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ١١٦ ح ٢٠٩.
٣. الكافي: ج ٨ ص ٢٤٣ ح ٣٣٧ عن خالد بن نجيع، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٥٣.
٤. يونس: ٢٤.

۸۱. امام علی علیه السلام: خداوند بلند مرتبه، دنیا را برای پس از آن آفرید و مردمش را در آن به بوته آزمایش نهاد تا معلوم شود که چه کسی بهتر عمل می‌کند. ما برای دنیا آفریده نشده‌ایم و به تلاش برای آن، مأمور نشده‌ایم؛ بلکه در دنیا نهاده شده‌ایم تا به وسیله آن، آزموده شویم و در دنیا برای جهان پس از آن، کار کنیم.

۸۲. امام صادق علیه السلام: کار دینت را استوار ساز، چنان که دنیا داران، کار دنیایشان را استوار می‌سازند؛ زیرا دنیا، در حقیقت، علامت و گواهی قرار داده شده تا با آن، غیب دنیا، یعنی آخرت، شناخته شود. پس به وسیله دنیا، آخرت را بشناس و به دنیا، جز با دیده اعتبار منگر.

و. ک: ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت)

و ج ۲ ص ۲۸۲ (فصل دوم: اهتمام به آخرت).



الف - مثل مرغزار بهاری

قرآن

«در حقیقت، مثل زندگی دنیا به سان آبی است که آن را از آسمان فروریختیم. پس گیاه زمین، از آنچه مردم و دام‌ها می‌خورند، با آن در آمیخت تا آن گاه که زمین، پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان، بر آن قدرت دارند. شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان در دیده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است. این گونه، نشانه‌ها [ی خود] را برای مردمی که می‌اندیشند، به روشی بیان می‌کنیم».

﴿وَأَضْرِبْ لَهُم مِّثْلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾.^١

الحديث

٨٣. الإمام علي عليه السلام - في وصف الدنيا -: فِيهَا كَرُوضَةٌ إِعْتَمَ^٢ مَرَعَاهَا، وَأَعْجَبَتْ مَنْ يَرَاهَا، عَذْبُ شَرِبُهَا، طَيِّبُ ثَرِبُهَا، تَمُجُّ عُروْقُهَا الثَّرَى^٣، وَتَنْطَفُ^٤ فُرُوعُهَا النَّدى، حَتَّى إِذَا بَلَغَ الْعُشْبُ إِبَانَتَهُ^٥، وَاسْتَوَى بِنَانُهُ^٦، هَاجَتْ رِيحٌ تَحْتَ^٧ الْوَرَقِ، وَتَفَرَّقَ مَا اتَّسَقَ، فَأَصْبَحَتْ كَمَا قَالَ اللَّهُ: ﴿هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾، أَنْظُرُوا فِي الدُّنْيَا فِي كَثَرَةِ مَا يُعْجِبُكُمْ، وَقِلَّةِ مَا يَنْفَعُكُمْ^٨.

٨٤. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَإِنْ أُمْتَعْتَ بِبَهْجَتِهَا وَغَرَّتْ بِزِينَتِهَا، فَإِنَّ آخِرَهَا لَا يَعْدُو أَنْ يَكُونَ كَأَخِرِ الرَّبِيعِ الَّذِي يَرُوقُ بِخُضْرَتِهِ ثُمَّ يَهْيِجُ عِنْدَ انْتِهَاءِ مُدَّتِهِ. وَعَلَى مَنْ نَصَحَ لِنَفْسِهِ وَعَرَفَ حَقَّ مَا عَلَيْهِ وَلَهُ، أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا نَظَرَ مَنْ عَقَلَ عَن رُبِّهِ جَلًّا وَعَلَا، وَحَذَرَ سُوءِ مُنْقَلَبِهِ؛ فَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ خَدَعَتْ قَوْمًا فَارْقَوْهَا أَسْرًا.

١. الكهف: ٤٥.

٢. اعْتَمَ: يقال للنبت إذا طال: قد اعْتَمَ (النهاية: ج ٣ ص ٣٠٢ «عمم»).

٣. قال العلامة المجلسي عليه السلام: في مصباح اللغة: «مَجَّ الرجل الماء من فيه مَجًّا: رمى به». وقال: «الثَّرَى: ندى الأرض، والثَّرَى - أيضاً -: التراب الندي». أقول: إذا حملت الثرى على الندى، فالمعنى ظاهر: أي يترشح من عروقها الماء لكثرة طراوتها وارتوانها. وإذا حملت على التراب الندي، فالمعنى: تقذف عروقها الماء في الثرى، أو المراد أن عروقها لقوتها وكثرتها تقذف التراب وتدفعها إلى فوق وترفعها (مرآة العقول: ج ٢٥ ص ٣٥).

٤. تَنْطَفُ: تقطر (النهاية: ج ٥ ص ٧٥ «نطف»).

٥. إِبَانُ كُلِّ شَيْءٍ: وقته وحينه الذي يكون فيه (لسان العرب: ج ١٣ ص ٤ «أين»).

٦. الْبِنَانُ: الرياض الحالية بالزهر (المعجم الوسيط: ج ١ ص ٧٢ «بن»).

٧. الْحَتَّ: سقوط الورق عن الغصن وغيره (تاج العروس: ج ٣ ص ٣٤ «حت»).

٨. الكافي: ج ٨ ص ١٧ ح ٣ عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام.

«و برای آنان، زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان، فرو فرستادیم. سپس، گیاه زمین با آن در آمیخت و [چنان] خشک گردید که باده‌ها پراکنده‌اش کردند؛ و خداست که همواره بر هر کاری تواناست».

حدیث

۸۳. امام علی علیه السلام - در وصف دنیا - : دنیا چون مرغزاری است که گیاهانش قد کشیده و بیننده‌اش را خوش می‌آید، آبش گواراست و خاکش خوش. از آوندهایشان تری می‌تراود و از شاخه‌هایشان ژاله می‌چکد، و چون سبزه‌هایش رشد کنند و گل و گیاهانش قامت بیفزایند، به ناگاه، بادی وزیدن می‌گیرد و برگ‌ها را فرو می‌ریزد و آن همه نظم و هماهنگی را از هم می‌پراکند و چنان می‌شود که خداوند فرموده است: «و چنان خشک گردید که باده‌ها پراکنده‌اش کردند، و خداست که همواره بر هر کاری تواناست. دنیا را بنگرید که از آنچه شما را خوش می‌آید، چه فراوان دارد و آنچه شما را سودمند می‌افتد، چه اندک دارد».

۸۴. امام صادق علیه السلام : این دنیا، اگرچه با خرمی‌هایش لذت می‌بخشد و با زرق و برقش می‌فریبد، اما فرجامی جز فرجام بهار ندارد که سرسبزی آن، دل‌نشین است؛ لیکن در پایان عمر بهار، آن همه خرمی می‌خشکد. آن که دلسوز خویش است و وظایف و حقوق خویشتن را می‌شناسد، باید به دنیا چونان کسی بنگرد که خداپسندانه می‌اندیشد و از بدفرجامی خویش بترسد؛ زیرا این دنیا، مردمانی را فریفت و در حالی از دنیا جدا شدند که در اوج سرخوشی از دنیا و شادمانی نسبت به آن بودند، شب هنگام که خفته بودند یا روز هنگام که سرگرم بازی [و تفریح] بودند، اجل‌هایشان، ناگاه به سراغشان آمد....

ما كانوا إِلَیْها، وأكثرَ ما كانوا اغْتِباطاً بِها، طَرَقَتْهُمُ آجالُهُمُ بَياتاً وَهُمْ نائمُونَ، أو ضَحَى وَهُمْ يَلْعَبُونَ....^١

ب - مَثَلُ الْقَنْطَرَةِ

٨٥. الإمام عليّ عليه السلام - فِي الْحَثِّ عَلَى الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا -: ما يَصْنَعُ بِالْمَالِ وَالْوَلَدِ مَنْ يَخْرُجُ مِنْها وَيُحاسِبُ عَلَيْها؟! عُرَاةٌ دَخَلَتْهُمُ الدُّنْيَا وَعُرَاةٌ تَخْرُجُونَ مِنْها، وإِنَّمَا هِيَ قَنْطَرَةٌ فَأَعْبُرُوا عَلَيْها وَانْتَظِرُوها.^٢

٨٦. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةِ.^٣

٨٧. الإمام زين العابدين عليه السلام - لِأَصْحَابِهِ -: أَمَّا بَلَّغَكُمْ ما قالَ عيسى بنُ مَرِيَمَ عليه السلام لِلْحَوَارِيِّينَ! قالَ لَهُم: الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ، فَأَعْبُرُوها ولا تَعْمُرُوها.^٤

٨٨. شُعْبُ الْإِيمَانِ عَنْ مالِكِ بْنِ دِينَارٍ: قالوا لِعِيسَى بْنِ مَرِيَمَ: يا رُوحَ اللَّهِ، أَلَا نَبْنِي لَكَ بَيْتاً؟ قالَ: بَلَى، ابْنُوهُ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ. قالوا: إِذا يَجِيءُ الْماءُ فَيَذْهَبُ بِهِ! قالَ: أَيْنَ تُريدُونَ تَبْنُونَ لي؟ عَلَى الْقَنْطَرَةِ!^٥

١. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٧٢ ح ١ نقلاً عن مهج الدعوات: ص ٢٢٢ عن الربيع وفي بعض عباراته شيء من التصحيف.

٢. إرشاد القلوب: ص ١٩.

٣. غرر الحكم: ح ٤٣٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٩ ح ٤٤.

٤. قال في تنبيه الخواطر بعد نقله قول النبي عيسى عليه السلام: هو مثال واضح، فإن حياة الدنيا معبر الآخرة، والمَثَلُ هو المثل الأول على رأس القنطرة، واللحد هو المثل الثاني، وبينهما مسافة محدودة؛ فمن الناس من قطع نصف القنطرة، ومنهم من قطع ثلثها، ومنهم من قطع ثلثيها، ومنهم من لم يبق إلا خطوة واحدة وهو غافل عنها، وكيف ما كان لا بد من العبور.

٥. الأمالي للمفيد: ص ٤٣ ح ١ عن أبي حمزة الثمالي، الخصال: ص ٩٥ ح ٩٥ عن الزهري، التحصين لابن فهد: ص ٣٠ ح ٥٤، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٧، روضة الواعظين: ص ٤٨٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٧ ح ١٠٧؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٧.

٦. شُعْبُ الْإِيمَانِ: ج ٧ ص ٣٩٩ ح ١٠٧٤٥ عن مالك بن دينار، الدرر المشور: ج ٢ ص ٢٠٢.

ب - مَثَل پُل

۸۵ . امام علی علیه السلام - در ترغیب به بی‌اعتنایی به دنیا - : مال و فرزند، کسی را که از دنیا می‌رود و برای آن حسابرسی می‌شود، چه به کار می‌آید؟! برهنه به دنیا در آمدید و برهنه از آن برون می‌روید. دنیا، در حقیقت، پُلّی است. پس، از آن بگذرید و مراقبش باشید.

۸۶ . امام علی علیه السلام : دنیا، گذرگاه آخرت است.

۸۷ . امام زین العابدین علیه السلام - به یارانش - : آیا به شما نرسیده است که عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان چه گفت؟ به آنان فرمود: «دنیا، پُلّی است. پس، از آن بگذرید و آبادش سازید».

۸۸ . شُعَبُ الْإِيمَان - به نقل از مالک بن دینار - : به عیسی بن مریم گفتند: ای روح خدا! خانه‌ای برایت نسازیم؟

فرمود: «چرا. آن را بر کرانه دریا بسازید».

گفتند: آن گاه، آب می‌آید و آن را می‌برد.

فرمود: «کجا می‌خواهید برایم بسازید؟ بر پُلّ؟!». ۱

۱ . در تنبیه الخواطر، پس از نقل این سخن عیسی علیه السلام آمده است: این یک مثال روشن است؛ چرا که زندگی دنیا پُلّ آخرت است. گهواره، یک سر این پل است و گور، سر دیگر این و میان این دو مسافتی محدود است. عده‌ای از مردم تا نیمه پل رفته‌اند، عده‌ای تا یک سوم، برخی تا دو سوم آن و برخی هم فقط یک گام تا انتهایش دارند و با این حال غافل‌اند. به هر حال، باید از این پل گذشت.

٨٩. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ ابْنَهُ: يَا بُنَيَّ ... اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهْرٍ، جُرْتَ عَلَيْهَا وَتَرَكْتَهَا، وَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ^١.

ج - مَثَلُ الظِّلِّ وَالْغَيْمِ

٩٠. الزهد عن عبدالله بن سنان: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ رَجُلٌ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَّرَ فِي جِسْمِهِ، وَوِسَادَةٌ لَيْفٌ قَدْ أَثَرَتْ فِي خَدِّهِ. فَجَعَلَ يَمَسَحُ وَيَقُولُ: مَا رَضِي بِهَذَا كِسْرِي وَلَا قَيْصَرُ، إِنَّهُمْ يَنَامُونَ عَلَى الْحَسْرِ وَالذَّيْبِاجِ وَأَنْتَ عَلَى هَذَا الْحَصِيرِ؟!

قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُمَا وَاللَّهِ، لَأَنَا أَكْرَمُ مِنْهُمَا وَاللَّهِ، مَا أَنَا وَالْدُّنْيَا، إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَجُلٍ رَاكِبٍ مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ وَلَهَا فَيءٌ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَهَا، فَلَمَّا أَنْ مَالَ الظِّلُّ عَنْهَا ارْتَحَلَ فَذَهَبَ وَتَرَكَهَا^٢.

٩١. الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا ظِلٌّ زَائِلٌ^٣.

٩٢. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا ظِلُّ الْغَمَامِ، وَحُلُمُ الْمَنَامِ^٤.

٩٣. عنه عليه السلام: لَا يَغُرَّنَّكُمْ مَا أَصْبَحَ فِيهِ أَهْلُ الْغُرُورِ، فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ^٥.

٩٤. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْغَمَامِ، وَحُلُمُ الْمَنَامِ، وَالْفَرَحُ الْمَوْصُولُ بِالْغَمِّ، وَالْعَسَلُ الْمَشُوبُ بِالسَّمِّ، سَلَابَةُ النِّعَمِ، أَكَالَةُ الْأُمَمِ، جَلَابَةُ النَّقَمِ^٦.

١. الكافي: ج ٢ ص ١٢٢ ح ٢٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٢ كلاهما عن يحيى بن عتبة الأزدي، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٦٩ ح ٣٦.

٢. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥٠ ح ١٣٤ عن عبدالله بن سنان، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٦ ح ١٢٤.

٣. غرر الحكم: ح ٣١٨ وح ٣٦٦٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٩ ح ٦٢.

٤. غرر الحكم: ح ١٩٦٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢١ ح ١٢٦.

٥. نهج البلاغة: الخطبة ٨٩، تحف العقول: ص ٢١٢ وفيه «إِنَّمَا الدُّنْيَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ» فقط، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٢٥٣ ح ١٠٠١.

٦. غرر الحكم: ح ٣٦٨١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٤ ح ٣٢١٧.

۸۹. امام صادق علیه السلام - از اندرزهای لقمان به فرزندش - : فرزندم!... دنیا را به سان پلی بر رودخانه‌ای بدان که از آن بگذری و رهایش کنی و دیگر، هرگز به سویش باز نگردی.

ج - مَثَل سایه و ابر

۹۰. الزهد حسین بن سعید - به نقل از عبدالله بن سنان - : شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد، در حالی که ایشان بر بوریایی خفته بود و بالشی از لیف خرما زیر سر داشت و اثر [زبری] آن بوریا و بالش بر بدن و گونه پیامبر صلی الله علیه و آله مانده بود. مرد، شروع به دست کشیدن [بر جای بوریا] کرد و می گفت: کسرا و قیصر به این چیزها رضایت ندارند. آنان بر بستر حریر و دیبا می خفتند و تو بر چنین بوریایی؟!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدا که من از آنها بهترم. به خدا سوگند که من، از آنان گرامی ترم. مرا چه به دنیا؟ حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مردی سواره است که از درختی می گذرد و آن درخت را سایه‌ای است و در سایه آن، فرود می آید و چون سایه‌اش می رود، او می کوچد و می رود و درخت را رها می کند».

۹۱. امام علی علیه السلام: دنیا، سایه‌ای ناپایدار است.

۹۲. امام علی علیه السلام: دنیا، سایه ابر است و خوابی که خفته می بیند.

۹۳. امام علی علیه السلام: زنهار، برخورداری فریب خوردگان [دنیا] شما را نفریبد؛ زیرا که در دنیا [چون] سایه‌ای است که تا زمانی محدود، پهن می شود.

۹۴. امام علی علیه السلام: دنیا، سایه ابر است، خوابی است که خفته می بیند، شادی پیوسته به غم و شهد آمیخته به شرنگ است؛ رباینده نعمت‌ها خورنده ملت‌ها و جلب کننده رنج و عذاب‌هاست.

٩٥. عنه عليه السلام: ما مثلُ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي إِلَّا كَمَثَلِ غَيْمٍ عَلَا فَاسْتَعْلَى، ثُمَّ اسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى، ثُمَّ تَمَزَّقَ فَأَنْجَلَى^١.

٩٦. عنه عليه السلام - يَصِفُ الدُّنْيَا -: إِنَّهَا عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ كَفَيِّ الظِّلِّ؛ بَيْنَا تَرَاهُ سَابِغاً^٢ حَتَّى قَلَصَ^٣، وَزَائِداً حَتَّى نَقَصَ^٤.

٩٧. عنه عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَظِلِّكَ، إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ، وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ^٥.

٩٨. الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ جَمِيعَ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا - بَحْرُهَا وَبَرُّهَا وَسَهْلُهَا وَجَبَلُهَا - عِنْدَ وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَهْلِ الْمَعْرِفَةِ بِحَقِّ اللَّهِ، كَفَيِّ الظَّلَالِ^٦.

٩٩. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عِنْدَ الْعُلَمَاءِ مِثْلُ الظِّلِّ^٧.

١٠٠. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ ﷻ بِهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام: ... يَا عَيْسَى، لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً، وَكُنْ مِنِّي عَلَى خَيْرٍ، وَلَا تَغْتَرَّ بِالصَّحَّةِ وَلَا تُغْبِطَ نَفْسَكَ؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفَيِّ زَائِلٍ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أَدْبَرَ^٨.

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی علوم اسلامی

١. الاحتجاج: ج ١ ص ٢٤٦ ح ٤٨، معادن الحكمة: ج ١ ص ٣٨١ ح ٤٨.

٢. شيء سابع: أي كامل وافٍ (الصحيح: ج ٤ ص ١٣٢١ «سبغ»).

٣. قَلَصَ: انضَمَّ وانزوى (الصحيح: ج ٣ ص ١٠٥٣ «قلص»).

٤. نهج البلاغة: الخطبة ٦٣، روضة الواعظين: ص ٤٨٣، غرر الحكم: ح ٣٦٩٨ وفيهما «سائغاً» بدل «سابقاً».

بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٩ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

٥. غرر الحكم: ح ٩٨١٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٧ ح ٩٠٢٠.

٦. تحف العقول: ص ٣٩١ عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٠٦ ح ١.

٧. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥٠ ح ١٣٣، الأمالي للطوسي: ص ٢٩٦ ح ٥٨٢، بشارة المصطفى: ص ١٨٩، الفضائل: ص ٧ كلها عن جابر وفي الثلاثة الأخيرة «عند ذوي الألباب كفيء الظلال» بدل «عند العلماء مثل

الظل»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٦ ح ١٢٣.

٨. الأمالي للصدوق: ص ٦١٠-٦١٣ ح ٨٢٢ عن أبي بصير، الكافي: ج ٨ ص ١٤١ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط

عنهم عليهم السلام، تحف العقول: ص ٥٠٠ من دون إسناد إلى المعصوم، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٤٥ وفيه «بالنصيحة»

بدل «بالصحة»، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٩ ح ١٤.

۹۵. امام علی علیه السلام: حکایت دنیای شما در نزد من نیست، مگر به سان حکایت ابری که [به تدریج] بالا و بالاتر می آید و سبّ و پُر می شود و سپس از هم می پراکند و از بین می رود.

۹۶. امام علی علیه السلام: در توصیف دنیا - : دنیا در نظر خردمندان، چون حرکت سایه است که هنوز پهن نشده، جمع می شود و هنوز زیاد نشده، کم می شود.

۹۷. امام علی علیه السلام: حکایت دنیا، به سان سایه توست که اگر بایستی، می ایستد و اگر دنبالش کنی، دور می شود.

۹۸. امام زین العابدین علیه السلام: همه آنچه خورشید بر آن طلوع کند، در خاوران و باختران زمین - از دریاها و خشکی هایش و دشت ها و کوه هایش، در نزد هر یک از اولیای خدا و به نزد آنان که خدا را به درستی می شناسند، همانند جا به جا شدن سایه هاست.

۹۹. امام باقر علیه السلام: دنیا، در نظر عالمان، به سان سایه است.

۱۰۰. امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام: ... ای عیسی! چیزی را شریک من مگردان، از من بر حذر باش و به تن درستی غره مشو و خویشتن را خوش بخت مپندار؛ زیرا دنیا همانند سایه ای ناپایدار است و آنچه از آن بیاید، به مانند آن است که رفته است.

١٠١. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: - إِنَّ الدُّنْيَا خَلَقَهَا اللَّهُ تَعَالَى بِمَنْزِلَةِ ظِلِّكَ، إِنْ طَلَبْتَهُ أَتَعَبَكَ وَلَا تَلْحَقُهُ أَبَدًا، وَإِنْ تَرَكْتَهُ يَسْتَبْعُكَ وَأَنْتَ مُسْتَرِيحٌ.^١

١٠٢. الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ :-

إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظِلٍّ زَائِلٍ أَوْ كَضَيْفٍ بَاتَ لَيْلًا فَارْتَحَلَ
أَوْ كَنُومٍ قَدْ يَرَاهُ نَائِمٌ أَوْ كَبَرْقٍ لَاحَ فِي أَفْقِ الْأَمَلِ^٢
١٠٣. تنبيه الخواطر: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام يَتِمَثَّلُ وَيَقُولُ:

يَا أَهْلَ لَذَاتِ دُنْيَا لَا بَقَاءَ لَهَا إِنْ اغْتِرَارًا بِظِلِّ زَائِلٍ حُمِقَ^٣

د - مَثَلُ الْحُلُمِ

١٠٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا حُلُمٌ^٤، وَأَهْلُهَا عَلَيْهَا مُجَازُونَ مُعَاقِبُونَ.^٥

مرکز تحقیقات اسلامی و فرهنگی
راجع: ج ٢ ص ١٨٢ (اجمل الدنيا بمنزلة ما يصاب في المنام).

١. مصباح الشريعة: ص ١٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٦٥ ح ٢٦.

٢. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٤٠٤ الرقم ٣١٩، عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ١٧٧ ح ٧ عن يحيى بن أبي عباد عن عمه عن الإمام الرضا عليه السلام: البداية والنهاية: ج ١٠ ص ٢٥٠ عن الإمام الرضا عليه السلام وفيهما:
إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظِلِّ زَائِلٍ حَلَّ فِيهِ رَاكِبٌ ثُمَّ ارْتَحَلَ

٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٥، أعلام الدين: ص ٢٤١، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ١٥، كشف الغمّة: ج ٢ ص ١٨٧، إرشاد القلوب: ص ١٨٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١١: إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٥.

٤. الرُّؤْيَا وَالْحُلُمُ: عبارة عما يراه النائم في نومه من الأشياء، لكن غلبت الرؤيا على ما يراه من الخير والشيء الحسن، وغلب الحُلُم على ما يراه من الشر والقيح (النهاية: ج ١ ص ٤٣٤ «حلم»).

٥. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٥، روضة الواعظين: ص ٤٩١ وفيه «حلم المنام»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١٠: إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٥.

۱۰۱. مصباح الشریعة - در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده - : دنیا را خداوند متعال به سان سایه تو قرار داده است که اگر در پی آن بدوی، تو را خسته می کند و هرگز بدان نمی رسی و اگر رهاش کنی، او در پی تو می آید و تو آسوده باشی.

۱۰۲. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - :

دنیا، چون سایه ناپایدار است /

یا چون میهمانی که شبی بپتو ته کند و سپس برود.

یا چون رؤیایی که خفته می بیند /

یا چون آذرخشی که در افق آرزو بر می جهد.

۱۰۳. تنبیه الخواطر: حسن بن علی علیه السلام به این بیت تمثیل می جست:

ای اهل لذت های دنیای ناپایدار! / فریفتگی به سایه ای گذرا، حماقت است.

د - مثل رؤیا

۱۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، خوابی است^۱ که خفته ببیند و مردم دنیا برای آن سزا و کیفر ببینند.

و. ک: ج ۲ ص ۱۸۲ (دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن، دست می یابی).

۱. رؤیا و حلم، خواب هایی اند که دیده می شوند. تفاوت رؤیا با حلم در این است که در رؤیا، غلبه با خوبی است و در حلم، غلبه با شر و بدی (النهاية: ج ۱ ص ۴۳۴ - حلم ۲).

هـ- مَثَلُ السَّرَابِ

١٠٥ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ سَعَى فِي طَلَبِ السَّرَابِ، طَالَ تَعَبُهُ وَكَثُرَ عَطَشُهُ.^١

و- مَثَلُ الْبَحْرِ الْعَمِيقِ

١٠٦ . الإمام الصادق عليه السلام - في بيان مَوَاعِظِ لُقْمَانَ لابنِهِ -: يَا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ، قَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ، فَأَجْعَلْ سَفِينَتَكَ فِيهَا الْإِيمَانَ، وَاجْعَلْ شِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ، وَاجْعَلْ زَادَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ، فَإِنْ نَجَوْتَ فَبِرَحْمَةِ اللَّهِ، وَإِنْ هَلَكَتْ فَبِذُنُوبِكَ.^٢

١٠٧ . الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ لُقْمَانَ قَالَ لِابْنِهِ: ... يَا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ، قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ، فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ، وَحَشْوُهَا الْإِيمَانَ، وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، وَقِيمُهَا^٣ الْعَقْلُ، وَدَلِيلُهَا الْعِلْمُ، وَسُكَّانُهَا^٤ الصَّبْرُ.^٥

١٠٨ . قصص الأنبياء: كَانَ لُقْمَانُ عليه السلام يَقُولُ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ، وَقَدْ غَرِقَ فِيهَا جِيلٌ كَثِيرٌ، فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى، وَلْيَكُنْ جِسْرُكَ إِيْمَانًا بِاللهِ، وَلْيَكُنْ شِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، لَعَلَّكَ يَا بُنَيَّ تَنْجُو وَمَا أَظُنُّكَ نَاجِيًا.^٦

١. غرر الحكم: ج ٩٠٦٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٥ ح ٧٢٠٧.

٢. تفسير القمي: ج ٢ ص ١٦٣ عن حماد، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٨٢ ح ٢٤٥٧، الاعتقادات: ص ٤٩، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٤٠ ح ١٨٧٥، أعلام الدين: ص ٩٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٥٠ ح ٨٧.

٣. القيم: السيد وسائس الأمر (لسان العرب: ج ١٢ ص ٥٠٢ «قيم»).

٤. سُكَّانُ السفينة: مَا تُسَكَّنُ بِهِ السفينة وتمنع من الحركة والاضطراب (لسان العرب: ج ١٣ ص ٢١٠ «سكن»).

٥. الكافي: ج ١ ص ١٦ ح ١٢، تحف العقول: ص ٢٨٦ كلاهما عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٩٩ ح ١.

٦. قصص الأنبياء: ص ١٩٠ ح ٢٣٨ عن عبد الحميد عن أبي الحسن عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٥ وفيه «حشوها» بدل «جسرك»، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٢١٦ ح ١٠: إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠٤، الدر المختور: ج ٦ ص ٥١٨ نقلاً عن ابن حنبل وفيهما «حشوها» بدل «جسرك».

هـ - مَثَلِ سراب

۱۰۵. امام علی علیه السلام: هر که در پی سراب بدوَد، خسته تر و تشنه تر می شود.

و - مَثَلِ دریای ژرف

۱۰۶. امام صادق علیه السلام - در بیان اندرزهای لقمان به فرزندش - : فرزندم! دنیا، دریایی

ژرف است که خلقی بسیار در آن نابود شدند. پس کِشتی خود را در آن، ایمان

قرار ده و بادبانش را توکل و توشه‌ات را تقوای الهی. [با این حال] اگر رستی،

به لطف خدا رسته‌ای و اگر هلاک شدی، به سبب گناهانت هلاک شده‌ای».

۱۰۷. امام کاظم علیه السلام: لقمان به فرزندش گفت: «... فرزندم! دنیا، دریای ژرفی است که

مردمان بسیاری در آن غرق شدند. پس کِشتی تو در آن باید تقوای الهی باشد

و اندرون آن کشتی، ایمان و بادبانش، توکل و ناخدایش، خرد و راهنمایش،

دانش و سُکانش، شکیبایی».

۱۰۸. قصص الأنبياء: لقمان علیه السلام به فرزندش می گفت: «فرزندم! دنیا، دریایی است که

نسل‌های فراوانی در آن غرق گشته‌اند. پس باید که کِشتی تو در این دریا، پروا

از خدای تعالی باشد و گذرگاهت، ایمان به خدا و بادبانش توکل باشد تا نجات

یابی، فرزندم! هر چند [با این همه] گمان نمی کنم که نجات یابی».

١٠٩. الاختصاص عن الأوزاعي: إِنَّ لُقْمَانَ الْحَكِيمَ ﷺ لَمَّا خَرَجَ مِنْ بِلَادِهِ نَزَلَ بِقَرِيَّةٍ بِالمَوْصِلِ يُقَالُ لَهَا: كَوْمَلِيس^١. قَالَ: فَلَمَّا ضَاقَ بِهَا ذَرْعُهُ وَاشْتَدَّ بِهَا غَمُّهُ وَلَمْ يَكُنْ بِهَا أَحَدٌ يُعِينُهُ عَلَى أَمْرِهِ، أَغْلَقَ الْبَابَ وَأَدْخَلَ ابْنَهُ يَعْظُمُهُ، فَقَالَ:

يَا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ هَلَكَ فِيهَا بَشَرٌ كَثِيرٌ، تَزُودُ مِنْ عَمَلِهَا وَاتَّخِذْ سَفِينَةً حَسُوهَا تَقْوَى اللَّهِ، ثُمَّ ارْكَبْ لُجَجَ الْفُلِكِ تَنْجُو، وَإِنِّي لَخَائِفٌ لَّآ تَنْجُو.

يَا بُنَيَّ، السَّفِينَةُ إِيْمَانٌ، وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، وَسُكَّانُهَا الصَّبْرُ، وَمَجَاذِيْفُهَا الصَّوْمُ وَالصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ.

يَا بُنَيَّ، مَنْ رَكِبَ الْبَحْرَ مِنْ غَيْرِ سَفِينَةٍ غَرِقَ^٢.



ز - مَثَلُ الذُّوبِ الْمَشْقُوقِ

١١٠. رسول الله ﷺ: مَثَلُ هَذِهِ الدُّنْيَا مَثَلُ ذُّوبٍ شَقَّ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ، فَبَقِيَ مُتَعَلِّقًا بِخَيْطٍ فِي آخِرِهِ، فَيُوشِكُ ذَلِكَ الْخَيْطُ أَنْ يَنْقَطِعَ^٣.

١. وفي بعض النسخ: «كوماس» (هامش المصدر).

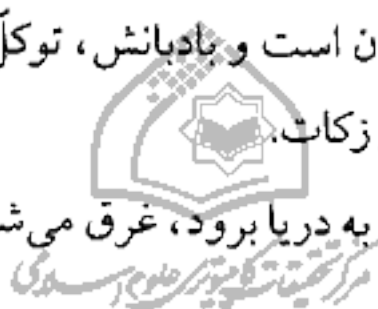
٢. الاختصاص: ص ٣٣٦، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٢٢٧ ح ٢٢ نقلًا عن كتاب النوادر لجعفر بن الحسين وفيه «يتبعه على أثره» بدل «يعينه على أمره».

٣. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٦٠ ح ١٠٢٤٠، مشكاة المصابيح: ج ٣ ص ٤٩ ح ٥٥١٥ كلاهما عن أنس، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٧، حلية الأولياء: ج ٨ ص ١٣١ عن أنس وفيه «الدنيا والآخرة» بدل «هذه الدنيا» و«منها فما لبث» بدل «في آخره فيوشك»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣١ ح ٦٣٠١: تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٨ وفيه «هذه» بدل «مثل هذه».

۱۰۹. **الاختصاص** - به نقل از اوزاعی :- لقمان حکیم، چون از شهر خویش برون شد، در آبادی‌ای در موصل فرود آمد که بدان، کوملیس^۱ می‌گفتند. چون در آن آبادی طاقش طاق شد و غمّش بالا گرفت و در آن آبادی کسی نبود که او را در کارهایش کمک کند [و از غم و تنهایی به در آورد]، در به روی خویش بست و فرزندش را به درون خواند و به اندرز دادن وی پرداخت و گفت:

«فرزندم! دنیا، دریای ژرفی است که انسان‌های بسیار در آن نابود شدند. از کار دنیا توشه بگیر و کشتی‌ای بساز، اندرونش از تقوای الهی. سپس با آن، گرداب‌های این دریا را بیمای تا نجات یابی، گرچه باز هم می‌ترسم که نجات نیابی.

فرزندم! آن کشتی، ایمان است و بادبان‌ش، توکل و سگانش، شکیبایی و پاروهایش، روزه و نماز و زکات. فرزندم! هر که بی کشتی به دریا برود، غرق می‌شود».



ز - مَثَلُ جَامَةِ دَرِيْدَةٍ

۱۱۰. پیامبر خدا ﷺ: مَثَلُ اَيْنِ دُنْيَا، مَثَلُ جَامَةِ اَيِّ اَسْتِ كِه اَز سَر تَا بَه تَه، دَرِيْدَه وَ دَر اِنْتِهَائِش بَه نَخِي اَوِيخْتَه اَسْت. زودا كه آن نخ نیز بگسلد.

۱. در برخی نسخه‌ها، «کوماس» است.

٥/١

مَثَلُ أَهْلِ الدُّنْيَا

أ - مَثَلُ الْمُسَافِرِ

١١١. روضة الواعظين: قِيلَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: كَيْفَ يَكُونُ الرَّجُلُ فِي الدُّنْيَا؟

قَالَ: مُتَشَمِّرًا^١ كَطَالِبِ الْقَافِلَةِ.

قِيلَ: فِي كَمْ الْقَرَارِ فِيهَا؟

قَالَ: كَقَدْرِ الْمُتَخَلِّفِ عَنِ الْقَافِلَةِ.

قِيلَ: فَكَمْ مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟

قَالَ: غَمَضَةٌ عَيْنٍ؛ قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً

مِنْ نَّهَارٍ﴾^٢.

١١٢. الإمام علي عليه السلام: أَهْلُ الدُّنْيَا كَزَكَبٍ يُسَارِبُهُمْ وَهُمْ نِيَامٌ.^٣

١١٣. عنه عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَزَكَبٍ؛ بَيْنَا هُمْ حَلَّوْا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحَلُوا.^٤

١١٤. عنه عليه السلام: - فِي صِفَةِ الدُّنْيَا -: إِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَزَكَبٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَأَنَّ قَدْ قَطَعُوهُ، وَأَفْضَوْا إِلَى عِلْمٍ^٥ فَكَأَنَّ قَدْ بَلَغُوهُ، وَكَمْ عَسَى الْمُجْرَى إِلَى الْغَايَةِ أَنْ

١. التَّشَمُّيرُ فِي الْأَمْرِ: السَّرْعَةُ فِيهِ وَالْخَفَّةُ. وَشَمَّرَ ثَوْبَهُ: رَفَعَهُ. وَمِنْهُ قِيلَ: شَمَّرَ فِي الْعِبَادَةِ: إِذَا اجْتَهَدَ وَبَالَغَ (المصباح المنير: ص ٣٢٢ «شمر»).

٢. الأحقاف: ٣٥.

٣. روضة الواعظين: ص ٤٩١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١٠.

٤. نهج البلاغة: الحكمة ٦٤، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٨ ح ١٣١.

٥. نهج البلاغة: الحكمة ٤١٥، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٣، روضة الواعظين: ص ٤٨٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١٣٦؛ مطالب السؤل: ص ٥٧.

٦. العَلَمُ: شَيْءٌ يُنْصَبُ فِي الْقُلُوبِ تَهْتَدِي بِهِ الضَّالَّةُ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٤١٩ «علم»).

۵/۱ مثل اس دنیا

الف - مثل مسافر

۱۱۱. روضة الواعظین: به پیامبر ﷺ گفته شد: آدمی در دنیا چگونه به سر برَد؟

فرمود: «کوشا، همچون جوینده کاروان».

گفته شد: چند در آن بماند؟

فرمود: «به اندازه شخص عقب مانده از کاروان».

گفته شد: فاصله میان دنیا و آخرت، چند است؟

فرمود: «چشم بستنی. خدای ﷻ می فرماید: «روزی که آنچه را وعده داده

می شوند، بنگرند، گویی که آنان، جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده اند».

۱۱۲. امام علی ﷺ: مردم دنیا، به سان کاروانی خفته اند که می بَرندشان.

۱۱۳. امام علی ﷺ: مردم دنیا، چونان کاروانی هستند که هنوز بار نیفکنده، ساربان

بر آنان بانگ [الرحیل] می زند و می کوچند.

۱۱۴. امام علی ﷺ: در توصیف دنیا: حکایت شما و حکایت دنیا، به سان مسافرانی

است که در راهی قدم گذاشتند و گویی، آن را پشت سر نهاده اند و به سوی

نشانی رفتند و چنان است که بدان رسیده اند. آن که [مَرکب خویش را] به سوی

هدفی تازاند، چند امید است که بتازد تا بدان رسد و آن که عمر یک روزه ای

بیش ندارد و جوینده ای شتابان (یعنی مرگ) در دنیا او را می راند تا از دنیا جدا

شود، چند امید است که بماند؟!

يُجْرَى إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا، وَكَمْ عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءُ مَنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعْدُوهُ، وَطَالِبٌ
حَثِيثٌ فِي الدُّنْيَا يَحْدُوهُ حَتَّى يُفَارِقَهَا؟!١

١١٥. عنه عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ! أَوْصِيَكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا ... فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَسَفَرٍ ٢
سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ، وَأَمَّا عِلْمًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ بَلَغُوهُ. ٣

١١٦. عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَكُمْ بِدَارٍ وَلَا قَرَارٍ، إِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا كَرَكٍ
عَرَّسُوا ٤ فَأَنَاخُوا، ثُمَّ اسْتَقَلُّوا فَغَدَّوْا وَرَاحُوا، دَخَلُوا خِيفًا وَرَاحُوا خِيفًا، لَمْ
يَجِدُوا عَنْ مُضِيِّ نَزْوَعًا، وَلَا إِلَى مَا تَزَكُوا رُجُوعًا، جُدَّ بِهِمْ فَجَدُّوا، وَرَكَنُوا إِلَى
الدُّنْيَا فَمَا اسْتَعَدَّوْا، حَتَّى إِذَا أَخَذَ بِكَظْمِهِمْ ٥ وَخَلَصُوا ٦ إِلَى دَارِ قَوْمٍ جَفَّتْ
أَقْلَامُهُمْ، لَمْ يَبْقَ مِنْ أَكْثَرِهِمْ خَبَرٌ وَلَا أَثَرٌ، قَلَّ فِي الدُّنْيَا لَبِثُهُمْ، وَعُجِّلَ إِلَى
الْآخِرَةِ بَعَثُهُمْ، فَأَصْبَحَتْهُمْ حُلُولًا فِي دِيَارِهِمْ، ظَاعِنِينَ ٧ عَلَى آثَارِهِمْ، وَالْمَطَايَا
بِكُمْ تَسِيرُ سِيرًا مَا فِيهِ أَيْنٌ ٨ وَلَا تَفْتِيرُ، نَهَارُكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُؤُوبٌ، وَلَيْلُكُمْ
بِأَرْوَاحِكُمْ ذُهُوبٌ، فَأَصْبَحْتُمْ تَحْكُمُونَ مِنْ حَالِهِمْ حَالًا وَتَحْتَدُونَ مِنْ مَسَلِكِهِمْ
مِثَالًا، فَلَا تَغَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا سَفَرٌ حُلُولٌ، الْمَوْتُ بِكُمْ نُزُولٌ،

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٢٦٣، مصباح المتهجد: ص ٣٨١ ح ٥٠٨ وفيه «من الموت» بدل «في الدنيا» وليس فيه «حتى يفارقها»، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٣٧ ح ٦٨.
٢. السَّفَرُ: جَنَعَ سَافِرًا، وَالْمُسَافِرُونَ جَمْعُ مُسَافِرٍ، وَالسَّفَرُ وَالْمُسَافِرُونَ بِمَعْنَى (النهاية: ج ٢ ص ٣٧١ «سفر»).
٣. نهج البلاغة: الخطبة ٩٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٥٤ وفيه «كركب» بدل «كسفر»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٣ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ.
٤. التعريس: نزول المسافر آخر الليل نزلة للنوم والاستراحة، يقال: عَرَّسَ (النهاية: ج ٣ ص ٢٠٦ «عرس»).
٥. الْكَظْمُ: هُوَ مَخْرَجُ النَّفْسِ مِنَ الْحَلْقِ (النهاية: ج ٤ ص ١٧٨ «كظم»).
٦. خَلَصَ إِلَيْهِ: وَصَلَ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٠١ «خلص»).
٧. ظَعَنَ: ارْتَحَلَ، وَالْفَاعِلُ: ظَاعِنٌ (المصباح المنير: ص ٣٨٥ «ظعن»).
٨. الْأَيْنُ: الْإِعْيَاءُ وَالتَّعَبُ (النهاية: ج ١ ص ٨٧ «أين»).

۱۱۵. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را به روی برتافتن از این دنیا سفارش می‌کنم... زیرا حکایت شما و حکایت آن، به مانند مسافرانی است که در راهی قدم گذاشته‌اند و گویی آن را پشت سر نهاده‌اند و آهنگ نشانه‌ای کردند و چنان است که بدان رسیده‌اند.

۱۱۶. امام علی علیه السلام: ای مردم! دنیا، نه سرای شهادت و نه ماندن‌گاهتان است؛ بلکه شما در آن به سان کاروانی هستید که اواخر شب در جایی اتراق می‌کنند و می‌آسایند، و صبحگاهان بر می‌نشینند و می‌کوچند، زود در می‌آیند و زود می‌روند، از رفتن گزیری نمی‌یابند و به آنچه بر جای نهاده‌اند، بازگشتی ندارند. آنان را به شتاب واداشتند و شتافتند، و به دنیا میل کردند و خود را آماده نساختند، تا آن که حلقومشان گرفته شد و به سرای مردمانی در آمدند که قلم‌هایشان خشکید^۱ و از بیشتر آنان، نام و نشانی نماند. در دنیا، اندک ماندند و زود، رهسپار آخرت شدند و شما در خانه‌های آنان، مقیم شدید و در پی آنان می‌کوچید و مرکب‌ها، بی هیچ خشکی و سستی، شما را می‌برند. روزتان، جسم‌های شما را می‌فرساید و شب‌تان، جان‌های شما را می‌برد و شما، حکایتگر حال آن رفتگان می‌شوید و به راه آنان می‌روید. پس، زنده‌ای که زندگی دنیا شما را نفریبد؛ چه، شما در دنیا مسافرانی هستید فرود آمده [در این منزلگاه] و مرگ در میان شما فرود آمده و با تیرهای نابودی آماج‌تان قرار

۱. مراد، این است که: به خاطر دور بودن روزگار آنها و نابود شدن آثارشان، قلم مردمان، از این که آثار آنان را ثبت کند، خشکید به خاطر دوری دوران آنها و نابودی آثارشان (بحار الانوار: ج ۷۴ ص ۲۴۸). احتمال هم دارد که مراد، قلم فرشتگان باشد. در این صورت، کنایه از قطع شدن علم فرشتگان نسبت به آنهاست. احتمال هم دارد کنایه از چیزی باشد که در لوح و قلم، تقدیر شده است، گویا براساس آن، فرشتگان از نگارش آنچه مربوط به آنهاست، فارق شده‌اند و دیگر به حساب آورده نمی‌شوند (شرح اصول الکافی ملا صالح مازندرانی ج ۱۲، ص ۲۰۹).

فِيكُمْ مَنَآيَاهُ، وَتَمْضِي بِأَخْبَارِكُمْ مَطَايَاهُ، إِلَى دَارِ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَالْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ.^١

١١٧. عنه عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام -: يَا بَنِيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَانْتِقَالِهَا، وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أُعِدُّ لِأَهْلِهَا فِيهَا، وَضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ، لِتَعْتَبِرَ بِهَا، وَتَحْذُو عَلَيْهَا.

إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرُوا نَبَاً^٢ بِهِمْ مَنَزِلٌ جَدِيدٌ^٣، فَأَمَّوْا مَنَزِلًا خَصِيْبًا وَجَنَابًا^٤ مَرِيْعًا^٥، فَاحْتَمَلُوا وَعَثَاءَ^٦ الطَّرِيقِ، وَفِرَاقَ الصَّدِيقِ، وَخُسُوفَةَ السَّفَرِ، وَجُسُوفَةَ^٧ الْمَطْعَمِ، لِيَأْتُوا سَعَةً دَارِهِمْ، وَمَنَزِلَ قَرَارِهِمْ، فَلَيْسَ يَجِدُونَ لَشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَلَمًا، وَلَا يَرَوْنَ نَفَقَةً فِيهِ مَغْرَمًا، وَلَا شَيْءَ أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنَزِلِهِمْ، وَأَدْنَاهُمْ مِنْ مَحَلَّتِهِمْ.

وَمَثَلُ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنَزِلٍ خَصِيْبٍ، فَتَبَّأَ بِهِمْ إِلَى مَنَزِلٍ جَدِيدٍ، فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَلَا أَفْطَحَ عِنْدَهُمْ مِنْ مُفَارَقَةٍ مَا كَانُوا فِيهِ إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ، وَيَصِيرُونَ إِلَيْهِ.^٨

١١٨. عنه عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ، اللَّهُ اللَّهُ فِي أَعَزِّ الْأَنْفُسِ عَلَيْكُمْ، وَأَحَبِّهَا إِلَيْكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ

١. الكافي: ج ٨ ص ١٧١ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٤٩ نحوه، بحار الأنوار:

ج ٧٧ ص ٣٤٨ ح ٣٠ وراجع مطالب السؤل: ص ٥١.

٢. تَبَّأَ بِهِ مَنْزِلُهُ: إِذَا لَمْ يُوَافِقْهُ (النهاية: ج ٥ ص ١١ «نبا»).

٣. جَدُّبُ الْمَكَانِ: يَبْسُ لاحتِاسِ الْمَاءِ عَنْهُ (المعجم الوسيط: ج ١ ص ١٠٩ «جذب»).

٤. الْجَنَابُ: النَاحِيَةُ (النهاية: ج ١ ص ٣٠٣ «جنب»).

٥. أَرْضٌ مَرِيْعَةٌ: مَخْصُوبَةٌ (الصحيح: ج ٢ ص ١٢٢٣ «ربع»).

٦. الْوَعَثَاءُ: الشَّدَّةُ وَالْمَشَقَّةُ (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).

٧. الْجَشِيبُ: الْغَلِيظُ الْخَشَنُ مِنَ الطَّعَامِ (النهاية: ج ١ ص ٢٧٢ «جشب»).

٨. نهج البلاغة: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٧٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٠٢ ح ١.

داده و مرکب‌های آن، خبرهای شما را به سوی سرای پاداش و کیفر و سزا و حساب می‌برد.

۱۱۷. امام علی علیه السلام - در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام - : فرزندم! من، تو را از دنیا و حال و روز آن، و از کف رفتن و دست به دست شدنش آگاه ساختم، و از آخرت و آنچه برای اهل آخرت در آن جا آماده شده است، تو را آگاه ساختم، و درباره آن، برایت نمونه‌هایی آوردم تا از آنها درس بیاموزی و راه درست بگیری.

همانا حکایت آن که حقیقت دنیا را شناخت، [مردم دنیا در نظرش] حکایت گروه مسافرانی است که فرود آمدن در منزلگاهی خشک و بی‌آب و علف را خوش ندارند و آهنگ منزلگاهی سرسبز و ناحیه‌ای خرّم کنند. پس دشواری راه و فراق یار و سختی سفر و ناگواری خوراک را تحمل کنند تا به سرای دلباز و منزلگاه آسوده خود در آیند. چنین مسافرانی از هیچ یک از این سختی‌ها درد و رنجی احساس نمی‌کنند و از خرج کردن در این باره، زیان نمی‌بینند و هیچ چیز برایشان دوست داشتنی‌تر از آن چیزی نیست که آنان را به سرمزمل مقصود و بارافکنشان نزدیک می‌گرداند.

و حکایت کسی که فریفته دنیا شود، حکایت گروهی است که در منزلگاهی سرسبز و خرّم، فرود آمده باشند و از آن جا به منزلگاهی خشک بکوچند. برای چنین گروهی، چیزی ناخوشایندتر و وحشتناک‌تر از آن نیست که از آن جایی که بوده‌اند، جدا شوند و به آن جایی که می‌کوچانند و رهسپار آن‌اند، بروند.

۱۱۸. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! خدای را در نظر آورید و به آن که در نزد شما عزیزترین و محبوب‌ترین است (یعنی خودتان) بیندیشید، که خداوند، مسیر

أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَأَنَارَ طُرُقَهُ، فَشَقَوَةُ لَازِمَةٌ، أَوْ سَعَادَةُ دَائِمَةٌ؛ فَتَزَوَّدُوا فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لِأَيَّامِ الْبَقَاءِ، قَدْ دُلِّتُمْ عَلَى الزَّادِ، وَأُمِرْتُمْ بِالطَّلْعِ، وَحُنِشْتُمْ عَلَى الْمَسِيرِ، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ كَرَكِبٍ وَقُوفٍ، لَا يَدْرُونَ مَتَى يُؤْمَرُونَ بِالسَّيْرِ. أَلَا فَمَا يَصْنَعُ بِالدُّنْيَا مَنْ خُلِقَ لِلْآخِرَةِ؟^١

١١٩. الإمام الباقر (عليه السلام): أَهْلُ الدُّنْيَا سَفَرٌ يَحْلُونَ عَقْدَ رِحَالِهِمْ فِي غَيْرِهَا.^٢

ب - مَثَلُ الضَّيْفِ

١٢٠. رسول الله (صلى الله عليه وآله): إِنَّ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا ضَيْفٌ، وَمَا فِي أَيْدِيهِمْ عَارِيَةٌ، وَإِنَّ الضَّيْفَ رَاحِلٌ، وَإِنَّ الْعَارِيَةَ مَرْدُودَةٌ.^٣

١٢١. عنه (عليه السلام): مَا أَصْبَحَ فِي الدُّنْيَا أَحَدٌ إِلَّا ضَيْفًا وَمَالُهُ عَارِيَةٌ، فَالضَّيْفُ مُنْطَلِقٌ وَالْعَارِيَةُ مُؤَدَّاهُ.^٤

١٢٢. الإمام علي (عليه السلام): عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّكُمْ وَمَا تَأْمَلُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا أَثَوِيَاءُ^٥ مُؤَجَّلُونَ.^٦

١٢٣. الإمام الصادق (عليه السلام): كَانَ أَبُو ذَرٍّ (رضي الله عنه) يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ: يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ، كَأَنَّ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ شَيْئًا، إِلَّا مَا يَنْفَعُ خَيْرُهُ وَيَضُرُّ شَرُّهُ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ.

يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ، لَا يَشْغَلْكَ أَهْلٌ وَلَا مَالٌ عَنْ نَفْسِكَ، أَنْتَ يَوْمَ تُفَارِقُهُمْ كَضَيْفٍ بَيْتَ فِيهِمْ ثُمَّ غَدَوْتَ عَنْهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ، وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ كَمَنْزِلٍ تَحَوَّلْتَ مِنْهُ إِلَى

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٥٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٣١ ح ٤٦.

٢. تحف العقول: ص ٢٩٩، الأمالي للمفيد: ص ١٨ ح ٥ عن محمد بن الحنفية من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٧٩ ح ٥٩: البداية والنهاية: ج ٩ ص ٢٨٢ من دون إسناد إلى المعصوم.

٣. إرشاد القلوب: ص ٢٣، أعلام الدين: ص ٢٤٤ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٧ ح ١٠.

٤. الفردوس: ج ٤ ص ٦٣ ح ٦١٩٧ عن أبي سعيد الخدري.

٥. الثوبى: الضيف (الصاح: ج ٦ ص ٢٢٩٦ «ثوى»).

٦. نهج البلاغة: الخطبة ١٢٩، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٨٩ ح ٩٤٠.

حق را برای شما آشکار نموده و راه‌هایش را روشن ساخته است. پس [در نهایت] یا شوربختی ماندگار است یا نیک‌بختی پایدار. بنابراین، در روزهای رفتنی، برای روزهای ماندگاری [خود] توشه بگیرید. توشه به شما نشان داده شده و به کوچیدن فرمانتان داده‌اند و به رفتن، ترغیب شده‌اید. شما به سان کاروانی هستید که توقف کرده و نمی‌دانند که چه وقت فرمان حرکت داده می‌شوند. هان! با دنیا چه کند آن که برای آخرت آفریده شده است؟!

۱۱۹. امام باقر علیه السلام: مردم دنیا، مسافرانی هستند که در غیر دنیا بار می‌کشایند (بارانداز نهایی‌شان آخرت است).

ب - مَثَل میهمان

۱۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم در دنیا، میهمان هستند و آنچه در اختیار دارند، عاریت است. میهمان، رفتنی است و عاریت، پس دادنی.

۱۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس در دنیا نیست، مگر آن که میهمان است و دارایی‌اش عاریت. میهمان، رفتنی است و عاریت، بازگرداندنی.

۱۲۲. امام علی علیه السلام: بندگان خدا! شما و آرزوهای شما در این دنیا، میهمانانی موقت هستید.

۱۲۳. امام صادق علیه السلام: ابو ذر در سخنرانی‌اش می‌گفت: ای جوینده دانش! هیچ چیز دنیا را چیز مینگار جز آنچه خیرش سود رساند و شرش زیان زند، مگر به کسی که خدایش بدو رحم کند. ای جوینده علم! زنه‌ار، زن و فرزند و مال، تو را از خویشتن باز ندارد؛ چه، روزی که از آنها جدا می‌شوی، [خواهی دانست که] همانند میهمانی بوده‌ای که شبی را در میان ایشان گذرانده‌ای و صاحب‌گهان از نزدشان به جای دیگران رفته‌ای. دنیا و آخرت، به سان منزلگاهی است که از آن به منزلگاهی دیگر منتقل شده‌ای. فاصله‌ای میان مرگ و رستخیز نیست،

غيره، وما بين الموت والبعث إلا كنومة نمتها ثم استيقظت منها.

يا مُبتَغِي العلم، قَدِّم لِمَقَامِكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ ﷻ، فَإِنَّكَ مُثَابٌّ بِعَمَلِكَ، كَمَا تَدِينُ
تَدَانُ يَا مُبتَغِي العلم.^١

ج - مَثَلُ سَاكِنِ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ

١٢٣. الإمام الكاظم ﷺ: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَسَاكِنِ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ، إِنَّمَا يَنْتَظِرُ الرَّحِيلَ.^٢

٦/١

الدُّنْيَا الْحَمِيدَةُ

أ - مَا كَانَ لِلَّهِ

١٢٥. رسول الله ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا، إِلَّا مَا ابْتَغَى بِهِ وَجْهَ اللَّهِ.^٣

١٢٦. عنه ﷺ: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا، إِلَّا مَا كَانَ لِلَّهِ.^٤

١. الكافي: ج ٢ ص ١٣٤ ح ١٨ عن أبي بصير، الأمالي للمفيد: ص ١٧٩ ح ١ وفيه «إلا عملاً ينفع» بدل «إلا ما ينفع» و«نزلته ثم عدلت عنه» بدل «تحوّلت منه»، الأصول الستة عشر: ص ٣٥ وفيهما «مرتهن» بدل «مثاب»، المحاسن: ج ١ ص ٣٥٧ ح ٧٥٩ كلّها عن أبي بصير عن الإمام الباقر ﷺ. الأمالي للطوسي: ص ٥٤٣ ح ١١٦٥ عن مسعدة بن زياد الربعي عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر ﷺ وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٦٥ ح ٣٤.

٢. تحف العقول: ص ٣٩٨، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣١٣ ح ١.

٣. الأمالي للطوسي: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٦، أعلام الدين: ص ١٩٤ كلّها عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٠ ح ٣.

٤. الزهد لابن حنبل: ص ٣٧ عن محمد بن المنكدر، حلية الأولياء: ج ٣ ص ١٥٧ عن جابر، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٢٩٨، جامع المسانيد: ج ٢ ص ٧٢ عن أم هانئ وفي ذيله «إلا المؤمنين وما كان لله تعالى»، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٥ ح ٦٠٨٣.

مگر به اندازه خوابی کوتاه که بخوابی و سپس، بیدار شوی.

ای جوینده دانش! برای آن روز که در پیشگاه خداوند قرارگیری، چیزی پیش فرست؛ زیرا که تو در برابر عملت پاداش می‌یابی. ای جوینده دانش! از هر دست که بدهی، با همان دست پس می‌گیری.

ج - مَثَل ساکن در خانه‌ای که از او نیست

۱۲۴. امام کاظم علیه السلام: در دنیا، مانند کسی باش که در خانه‌ای ساکن است که مال او نیست و منتظر رفتن است.

۶/۱

دنیای پسنیده



الف - آنچه برای خدا باشد

۱۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده، مگر آنچه بدان رضایت خدا طلب شود.

۱۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده، مگر آنچه برای خدا باشد.

١٢٧. عنه عليه السلام: يُوتَى بِالدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيُمَازُ^١ مَا كَانَ لِلَّهِ، ثُمَّ يُقَدَّمُ سَائِرُهُ إِلَى النَّارِ.^٢

١٢٨. الإمام الصادق عليه السلام: فِي مُنَاجَاةِ مُوسَى عليه السلام: يَا مُوسَى، إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عُقُوبَةٍ، عَاقِبَتْ فِيهَا آدَمَ عِنْدَ خَطِيئَتِهِ، وَجَعَلَتْهَا مَلْعُونَةً؛ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ فِيهَا لِي.^٣

ب - مَا كَانَ لِلْآخِرَةِ

١٢٩. رسول الله صلى الله عليه وآله - لِأَبِي ذَرٍّ -: يَا أَبَا ذَرٍّ، لَا يَصِيرُ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ لِلْآخِرَةِ، إِنَّمَا يَصِيرُ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ لِلدُّنْيَا.^٤

١٣٠. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا، إِلَّا بُلْغَةُ الْمُؤْمِنِ لِمَعَادِهِ، أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ، أَوْ مَا وَالَاهُ عَالِمٌ أَوْ مُتَعَلِّمٌ.^٥

١٣١. الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ.^٦

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١. مُزَتْ الشَّيْءُ فَاثْمَارُ: عَزَلَتْهُ وَفَرَزَتْهُ (الصحاح: ج ٣ ص ٨٩٧ «ميز»).

٢. الفردوس: ج ٥ ص ٢٦٠ ح ٨٧٥٤ عن أبي هريرة، الزهد لابن المبارك: ص ١٩٢ ح ٥٤٤ عن عبادة بن الصامت، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٣٨ ح ٦٨٢٨ عن عمارة وكلاهما نحوه و من دون إسناد إلى رسول الله صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٧ ح ٦٣٢٩.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٣١٧ ح ٩، ثواب الأعمال: ص ٢٦٣ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ٧٦٥ ح ١٠٢٨، تفسير القمي: ج ١ ص ٢٤٣ كلها عن حفص بن غياث، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٠ ح ١٥٧٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢١ ح ١٠.

٤. الفردوس: ج ٥ ص ٣٢١ ح ٨٣٧٥، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٢٨ ح ٨٥٩٣ نقلاً عن أبي نعيم وكلاهما عن ابن عباس.

٥. الفردوس: ج ٢ ص ٢٣١ ح ٣١١١ عن أبي هريرة.

٦. نهج البلاغة: الكتاب ٣١، خصائص الأنبياء عليهم السلام: ص ١١٧، تحف العقول: ص ٨٣، كشف المحجّة: ص ٢٣٣، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣٣ ح ٦٦، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٨٠ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ.

۱۲۷. پیامبر خدا ﷺ: روز قیامت، دنیا را می آورند و آنچه برای خدا بوده، به کناری نهاده می شود. سپس، بقیه آن به آتش برده می شود.

۱۲۸. امام صادق علیه السلام: در مناجات خدا با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی! دنیا، سرای کيفر است. در آن، آدم را بر خطایش کيفر دادم. دنیا و آنچه را در آن است، لعنت شده قرار دادم، مگر آنچه از آن که برای من باشد».

ب - آنچه برای آخرت باشد

۱۲۹. پیامبر خدا ﷺ: به ابو ذر - ای ابو ذر! از دنیا آنچه برای آخرت باشد، دنیایی به شما نمی آید، بلکه آنچه برای دنیا باشد و دنیایی به حساب آید.

۱۳۰. پیامبر خدا ﷺ: دنیا و آنچه در آن است، لعنت شده است، مگر رهتوشه مؤمن برای معادش، یا ذکر خدا، یا آنچه که دانشمند یا دانشجویی در پی آن باشد.

۱۳۱. امام علی علیه السلام: در حقیقت، از دنیای تو آن چیز مال توست که با آن، آرامگاهت را آباد کنی.

ج - ما لا يُحاسبُ عنه يومُ القيامةِ

١٣٢. الإمام الصادق عليه السلام: «إِنْ اسْتَطَعْتَ^١ أَلَّا تَنَالَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئاً تُسْأَلُ عَنْهُ غَداً فَافْعَلْ^٢.

راجع: ص ١٦٢ (هذا طلب الآخرة).

٧/١

فَارْؤِي فِي عُمْرِ الدُّنْيَا

١٣٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: «عُمْرُ الدُّنْيَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ مِنْ أَيَّامِ الْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَإِنْ يَوْمَ عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾^٣.

١٣٤. عنه عليه السلام: «الدُّنْيَا سَبْعَةُ آلَافِ سَنَةٍ، وَأَنَا فِي آخِرِهَا أَلْفاً... لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا أُمَّةَ بَعْدَ أُمَّتِي^٤.

١٣٥. عنه عليه السلام: «مَنْ قَضَى حَاجَةَ الْمُسْلِمِ فِي اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عُمْرَ الدُّنْيَا سَبْعَةَ آلَافٍ؛ صِيَامَ نَهَارِهِ وَقِيَامَ لَيْلِهِ^٥.

١٣٦. عنه عليه السلام: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ - وَهُوَ عُمْرُ الدُّنْيَا - ثُمَّ أَتَى اللَّهَ يُبَغِضُ عَلَيَّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ جَاحِداً^٦ لِحَقِّهِ نَاقِشاً لَوْلَايَتِهِ، لَأَتَعَسَّ اللَّهُ خَيْرُهُ

١. في المصدر: «مِنْ أَلَّا تَنَالَ» والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.

٢. كشف الرية: ص ٩٥ عن عبد الله بن سليمان النوفلي، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٧٧ ح ١١٢.

٣. الحج: ٤٧.

٤. الفردوس: ج ٣ ص ٥٧ ح ٤١٥١ عن أنس وراجع كشف الخفاء: ج ٢ ص ٣١٤ ح ٢٧٩٩.

٥. المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢٠٣ ح ٨١٤٦، دلائل النبوة للبيهقي: ج ٧ ص ٣٨، تاريخ دمشق: ج ٦٧ ص ٢٢٨ ح ١٣٥٧٢ كلها عن ضحّاك بن زمل الجهني، كنز العمال: ج ١٤ ص ١٩١ ح ٣٨٣٣٣.

٦. تاريخ دمشق: ج ٢٣ ص ١٣٣ ح ٥٠٢٦ عن أنس، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٤٤ ح ١٦٤٥٩.

٧. في الطبعة المعتمدة: «جَاهِداً»، والتصويب من طبعة مركز الغدير.

ج - آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود

۱۳۲. امام صادق علیه السلام: اگر توانستی از دنیا چیزی به دست نیاوری که فردا [ی قیامت] برای آن بازخواست شوی، چنین کن.

و. ک: ص ۱۶۳ (این، دنیا طلبی نیست).

وص ۲۱۹ (بخش دوم: دنیای نکو می‌دهد).

۷/۱

گزارش یابی دربارهٔ عمر دنیا

۱۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمر دنیا، هفت روز از روزهای آخرت است. خدای متعال می‌فرماید: «یک روز در نزد پروردگار تو، مانند هزار سال است از آنچه شما می‌شمردید».

۱۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، هفت هزار سال است و من، در هزارهٔ آخر آن هستم. پس از من، پیامبری و پس از امت من، امتی نیست.

۱۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از برای خدا نیاز مسلمانی را برآورد، خداوند به اندازهٔ عمر دنیا که هفت هزار سال است، روزهایش را برای او روزه می‌نویسد و شب‌هایش را عبادت.

۱۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر بنده‌ای به اندازهٔ عمر دنیا که هفت هزار سال است، خدا را عبادت کند، ولی با بغض نسبت به علی بن ابی طالب و انکار حق او و شکستن

وَجَدَعَ أَنْفَهُ ١.

١٣٧. الإمام علي عليه السلام - لَمَّا سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ عُمُرِ الدُّنْيَا -: يُقَالُ: سَبْعَةُ آلَافٍ، ثُمَّ

لَا تَحْدِيدَ ٢.



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی

١. الغدير: ج ٢ ص ٣٠١ نقلاً عن الحافظ السَّمان في أماليه.

٢. قوله: «يقال» إيعاز إلى عدم ارتضائه بذلك، ويمكن أيضاً أن يكون السائل سأل عن ابتداء خلقة آدم عليه السلام إلى زمانه لا ابتداء تكوّن الأرض ووجودها. هذا بالنسبة إلى الابتداء، وأمّا الانتهاء فقال: لا تحديد، أي لا نهاية، ولعلّه بالنسبة إلى نوع الدنيا لا أرضنا هذه بالخصوص (بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٢٧).

٣. بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٢٧ ح ٦ نقلاً عن إرشاد القلوب: ص ٣٧٧ وفيه «سبقه ثم لا تجديد» بدل «سبعة آلاف ثم لا تجديد»!

پیمان ولایت او بر خداوند ﷺ در آید، خدا خوبی‌هایش را نابود می‌کند و
بینی‌اش را می‌برد.

۱۳۷. امام علی علیه السلام - در پاسخ به سؤال مردی از عمر دنیا - گفته می‌شود: هفت هزار
است؛ اما مشخص نیست.^۱



۱. احتمال دارد عبارت «گفته می‌شود»، در کلام امام علی علیه السلام اشاره به رضایت نداشتن ایشان از این نظر
باشد. همچنین، ممکن است سؤال کننده، از فاصله آغاز آفرینش آدم علیه السلام تا زمان خودش پرسیده باشد و
نه از ابتدای آفرینش و پیدایش زمین.
این نسبت به ابتدای عمر دنیا؛ و اما درباره پایان آن که فرموده: «مشخص نیست»، شاید این نظر نسبت به نوع
دنیا باشد، نه در خصوص کره زمین [و عمر انسان] (بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۲۷).

پروششی دربارهٔ عمر دنیا

احادیثی که گذشتند، دلالت می‌کنند بر این که عمر دنیا هفت هزار سال است. اگر مقصود از این سخن، آن باشد که پس از گذشت این مدّت، قیامت کبرا بر پا می‌شود - چنان که به حسب ظاهر، مقصود، همین است - این معنا بی‌تردید، قابل قبول نیست؛ زیرا:

اولاً: سند این احادیث، معتبر نیست؛^۱ بلکه برخی، این احادیث را از مجعولات شمرده‌اند.^۲

ثانیاً: معین بودن وقت قیامت، خلاف گفتهٔ قرآن است؛ چرا که از نظر قرآن، قیامت، ناگهان فرا می‌رسد و کسی جز خداوند متعال، وقت آن را نمی‌داند.^۳

ثالثاً: خلاف واقع بودن برخی از آنها (مانند روایت شماره ۱۳۴)، در عصر حاضر، قطعی است؛ زیرا اکنون بیش از چهارصد سال از تاریخی که در آن مشخص

۱. الإصابة: ج ۴ ص ۵۴۰ ش ۴۷۰۳، أخبار الزمان: ص ۳۱۰، تفسیر الثعالبی: ج ۵ ص ۳۳۵، رد اعتبار الجامع الصغير: ص ۱۵۰، فیض القدير: ج ۳ ص ۷۳۱ ح ۴۲۷۸، كشف الخفاء: ج ۲ ص ۳۱۵.

۲. الموضوعات: ج ۳ ص ۲۴۳، سبل الهدی: ج ۳ ص ۳۱۵، تذکرة الموضوعات: ص ۲۲۳، أضواء علی السنة المحمدية: ص ۲۸۸.

۳. ر.ک: انعام: آیه ۳۱، اعراف: آیه ۱۸۷، یوسف: آیه ۱۰۷ حج: آیه ۵۵، لقمان: آیه ۳۴، احزاب: آیه ۶۳، شورا: آیه ۱۷، زخرف: آیه ۸۵، محمد: آیه ۱۸، نازعات: آیه ۴۳، قیامت: آیه ۶.

شده، گذشته است.

رابعاً: اگر هیچ یک از اشکالات گذشته هم وجود نداشت، در این گونه موارد، صحت سند، کافی نیست و قطع به صدور، ضروری است.

اما اگر مقصود، این باشد که عمر دنیا در هنگام صدور احادیث، در آستانهٔ هزارهٔ هفتم است، احتمال صحت آن بعید نیست، و شاید متن احادیث، در نقل به معنا و در اثر کج فهمی راوی، بدین گونه که ملاحظه می شود، تحریف شده است. گفتنی است که روایت عیسی بن ابی حمزة، مؤید این تحلیل است. او می گوید: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت گردم! مردم می گویند که عمر دنیا هفت هزار سال است. امام علیه السلام ضمن رد این سخن و ارائه توضیحاتی در مورد آنچه پیش از آفرینش آدم در زمین روی داده، فرمود:

ثُمَّ بَدَأَ اللَّهُ فَخَلَقَ آدَمَ، وَقَدَّرَ لَهُ عَشْرَةَ آلَافٍ عَامٍ، وَقَدْ مَضَى مِنْ ذَلِكَ سَبْعَةُ آلَافٍ عَامٍ وَمِئَتَانِ، وَأَنْتُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.^۱

آن گاه خداوند، آغاز کرد. پس آدم را آفرید و برای او ده هزار [سال] مقرر کرد و از آن، هفت هزار و دویست سال می گذرد و اکنون شما در آخر زمان به سر می برید.

علامة سید محمد حسین طباطبایی در این باره می گوید:

تاریخ یهود می گوید که عمر نوع بشر، به فراتر از قریب هفت هزار سال نمی رسد. این مطلب، چندان هم بی وجه نیست؛ چرا که اگر ما زن و مردی را در نظر بگیریم که دارای عمر متوسطی بوده اند و با مزاج معتدل زیسته اند و در وضعیت میانگینی از امنیت و فراوانی و رفاه و سایر عوامل و شرایط تأثیرگذار در زندگی قرار داشته اند، آن گاه در نظر بگیریم که آن دو با هم ازدواج کرده و در وضعیت متوسط و متناسب، تولید نسل کرده اند و دقیقاً همین فرض را دربارهٔ فرزندانشان (چه چه

دختر و چه پسر)، بر حسب آنچه از میانگین حال انسان‌ها به دست می‌آید، در نظر بگیریم، خواهیم دید که دو نفر اولی - که ابتدا در نظر گرفتیم - در یک قرن (در سر سده)، متجاوز از هزار نفر شده‌اند؛ یعنی هر یک نفر در طول یکصد سال، به قریب پانصد نفر افزایش پیدا کرده است.

حال اگر صدماتی را که از سوی عوامل گوناگون و بلایای عمومی (از قبیل: سرما، گرما، توفان، زلزله، وبا، طاعون، فرو رفتن در زمین، خرابی، نسل‌کشی و سایر بلایا) به انسان وارد می‌شوند، محاسبه کنیم و آنها را در بالاترین حد، به گونه‌ای که عوامل نابود کننده همه را در بر بگیرند، در نظر بگیریم، یعنی فرض کنیم که در هر یکصد سال، از هزار نفر، تنها یک نفر بماند و ۹۹۹ نفر از بین بروند و در نتیجه، عامل تناسل، در هر یکصد سال، تنها یک در هزار را باقی بگذارد، آن‌گاه این عدد را به هفت هزار سال یعنی هفتاد قرن، ضرب کنیم، خواهیم دید که جمعیت انسان‌ها در دنیا به دو و نیم میلیارد نفر می‌رسد، یعنی تعداد جمعیت امروز جهان^۱ بر اساس آمارهای جهانی تحت‌الکثیر علوم و روشی

این محاسبه تأیید می‌کند که عمر نوع بشر، همان مقدار گفته شده است؛ اما دانشمندان زمین‌شناس (دانش شناخت طبقات زمین) گفته‌اند که عمر زمین، بیش از میلیون‌ها سال است. آنها فسیل انسان‌ها و اجساد و آثار آنها را یافته‌اند که فراتر از پانصد هزار سال عمر دارد (بنا بر آنچه آنان گفته‌اند). این، یافته آنهاست؛ اما دلیل قانع کننده‌ای ندارند تا دل را راضی کند که این نسل‌ها پی در پی و بدون انقطاع ادامه یافته‌اند. پس رواست که گفته شود: این نوع [از موجودات]، در زمین پدید آمده، سپس زیاد شده و رشد کرده و زیسته و منقرض شده و مجدداً پدید آمده و منقرض شده است و این وضع چندین بار تا نسل کنونی - که آخرین بار است - ادامه یافته

۱. مقصود، زمان تألیف این صفحات از تفسیر المیزان است.

است.^۱

بنا بر این، به فرض صحّت این سخن که عصر زندگی پیامبر خدا، آغاز هزارهٔ هفتم عمر دنیا از ابتدای آفرینش آدم ابو البشر است، می توان گفت احادیثی که عمر دنیا را هفت هزار سال می دانند، در اصل، ناظر به این معنا بوده اند و در اثر تحریف، به گونه ای نقل شده اند که خلاف مقصود را می رسانند و ظاهرشان این گونه است که پس از هفت هزار سال از آغاز جهان، قیامت برپا می گردد.

گفتنی است که دربارهٔ عمر دنیا، آرای فراوان دیگری نیز وجود دارد که نیازی به ذکر یکایک آنها نیست.^۲



۱. المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۴ ص ۱۳۹.

۲. برای اطلاع بیشتر، رک: شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید: ج ۱۰ ص ۱۹۵، ج ۱۳ ص ۱۳۳، تفسیر ابن کثیر: ج ۴ ص ۲۲۷، اللمعة البيضاء: ص ۱۱۱، بحار الأنوار: ج ۵۷ ص ۲۲۳، یتابع المودة: ص ۲۱۲، تاریخ جرجان: ص ۱۴، أحكام القرآن: ج ۳ ص ۲۵۰، المستدرک علی الصحیحین: ج ۲ ص ۵۹۸، مجمع الزوائد: ج ۴ ص ۳۱۴، المعجم الکبیر: ج ۱۱ ص ۷۹، تفسیر مجاهد: ج ۱ ص ۵۳، مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۲۲، تفسیر القرطبی: ج ۱۷ ص ۱۲۵، العلل: ص ۱۲۱۱، تاریخ مدینة دمشق: ج ۱ ص ۲۷۰، تاریخ الطبری: ج ۱ ص ۷۰.

الفصل الثاني

أَهْمِيَّةُ الدُّنْيَا وَدَوْرُهَا فِي بِنَاءِ الْآخِرَةِ

١ / ٢

الإسلام دين الدنيا والآخرة

الكتاب

- «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا»^١.
- «فَاتَّقُوا اللَّهَ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^٢.
- «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^٣.
- «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أَنشَأَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^٤.
- «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^٥.
- «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبْؤَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآجِرُ الْآخِرَةِ

١. النساء: ١٣٤.

٢. آل عمران: ١٤٨.

٣. يونس: ٢٤.

٤. النحل: ٩٧.

٥. يونس: ٦٣ و٦٤.

فصل دوم

اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت

۱/۲

اسلام، دین دنیا و آخرت

قرآن

«هر کس پاداش دنیا را بخواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست، و خدا شنوای بیناست».
«پس خداوند، پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد، و خداوند، نیکوکاران را دوست دارد».
«برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند، نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است. چهره‌هایشان را غباری و ذلتی نمی‌پوشاند. اینان، اهل بهشت‌اند و در آن، جاودانه خواهند بود».
«هر کس از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] می‌بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد».
«همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند. در زندگی دنیا و در آخرت، مزدهای برای آنان است. وعده‌های خدا را تبدیلی نیست. این، همان کامیابی بزرگ است».
«و کسانی که پس از ستم‌پذیری، در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا، جان نیکویی به آنان می‌دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت، بزرگ‌تر خواهد بود».

أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^١.

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَءَاتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»^٢.

«وَعَذْلِكَ مَكْنًا لِيُوسَفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» * وَلَاجِرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ»^٣.

«وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ صُطِّفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»^٤.

«وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتْنَعٌ إِلَى حِينٍ»^٥.

الحديث

١٣٨. رسول الله ﷺ - في حديث إنذار العشيرة^٦ :- يا بني عبد المطلب، إني والله ما أعلم شاباً في العرب جاء قومه بأفضل مما جئتكم به، إني قد جئتكم بخير الدنيا والآخرة!^٧

١٣٩. عنه ﷺ: إن الله لا يظلم مؤمناً حسنة، يعطي بها في الدنيا ويجزي بها في

١. النحل: ٤١.

٢. العنكبوت: ٢٧.

٣. يوسف: ٥٦ و ٥٧.

٤. البقرة: ١٣٠.

٥. البقرة: ٣٦.

٦. لما نزلت الآية الكريمة «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء: ٢١٤) دعا رسول الله ﷺ عشيرته الأقربين وهم يومئذ أربعمائة رجل إلى مأدبة وأعلن لهم رسالته (بحار الأنوار: ج ١٨ ص ١٦٣).

٧. الأملاني للطوسي: ص ٥٨٣ ح ١٢٠٦ عن ابن عباس عن الإمام علي عليه السلام، شرح الأخيار: ج ١ ص ١٠٧ ح ٢٧ وفيه «بمثل» بدل «بأفضل»، تفسير فرات: ص ٣٠٠ ح ٢٠٤ عن الإمام علي عليه السلام وعنه ﷺ وفيه «بأمر» بدل «بخير»، بحار الأنوار: ج ١٨ ص ١٩٢ ح ٢٧: تاريخ الطبري: ج ٢ ص ٣٢٠، تاريخ دمشق: ج ٢٢ ص ٢٩ ح ٨٣٨١، تفسير الطبري: ج ١١ الجزء ١٩ ص ١٢٢، دلائل النبوة للبيهقي: ج ٢ ص ١٨٠ وفيه «بأمر» بدل «بخير» وكلها عن عبد الله بن عباس عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ١٣ ص ١٣٣ ح ٢٦٤١٩.

﴿و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) عطا کردیم و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب قرار دادیم و در دنیا، مزدش را به او دادیم و در آخرت نیز قطعاً از شایستگان خواهد بود﴾.
 ﴿و بدین گونه، یوسف را در سرزمین [مصر] قدرت دادیم که در آن، هر جا که می خواست، سکونت می کرد. هر که را بخواهیم، به رحمت خود می رسانیم و اجر نیکوکاران را تباه نمی سازیم. البته اجر آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می نمودند، بهتر است﴾.

﴿و چه کسی - جز آن که به سبک مغزی دچار شد - از آیین ابراهیم روی بر می تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم، و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود﴾.
 ﴿و برای شما در زمین، قرارگاه و تا چندی بر خورداری خواهد بود﴾.

حدیث

۱۳۸. پیامبر خدا ﷺ - در حدیث انذار عَشیره^۱ - ای فرزندان عبد المطلب! به خدا سوگند، من در میان عرب، جوانی را نمی شناسم که برای قوم خویش، بهتر از آن چیزی آورده باشد که من برای شما آورده‌ام. من، خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام.

۱۳۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، هیچ کار نیکی از مؤمن را نادیده نمی گیرد؛ بلکه به ازای آن در دنیا عطا می شود و در آخرت، پاداش می یابد.

۱. زمانی که آیه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: آیه ۲۱۴) نازل شد، پیامبر ﷺ، خویشان نزدیک خود را که چهل مرد بودند به طعامی فرا خواند و ضمن اطعام آنان، رسالت خویش را به آنها اعلام فرمود. (بحار الأنوار: ج ۱۸ ص ۱۶۳).

الْآخِرَةُ ١.

١٤٠. الإمام علي عليه السلام: مَنْ رُزِقَ الدِّينَ فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ٢.

١٤١. عنه عليه السلام: إِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ، فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ، سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سُكِنَتْ، وَأَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أُكِلَتْ، فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظِّي بِهِ الْمُتَرَفُّونَ، وَأَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَّارَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ، ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَالْمَسْجَرِ الرَّابِحِ. أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدٍ ٣ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ، وَتَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ، لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ، وَلَا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَذَّةٍ ٤.

١٤٢. عنه عليه السلام - فِي كِتَابِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَأَهْلِ مِصْرَ -: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّهَا تَجْمَعُ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَجْمَعُ غَيْرُهَا، وَيُدْرِكُ بِهَا مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُ بِغَيْرِهَا مِنَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَخَيْرِ الْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ٥﴾.

إِعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ لِثَلَاثٍ مِنَ الثَّوَابِ:

١. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٦٢ ح ٥٦، مشكاة المصابيح: ج ٢ ص ٦٤٨ ح ٥١٥٩، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٥٢ ح ١٢٢٦٦، مسند الطيالسي: ص ٢٦٩ ح ٢٠١١، الزهد لابن المبارك: ص ١١١ ح ٣٢٧ كلها عن أنس وفيهما «حسنته» بدل «حسنه» وفي الثلاثة الأخيرة «يشاب عليها الرزق» بدل «يعطى بها»، كنز العمال: ج ١ ص ٦٨ ح ٢٦٢.

٢. غرر الحكم: ح ٨٥٢٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٠ ح ٨٠٠٠.

٣. التأمل في مضمون الرواية يدل على منافاة كلمة «الزهد» لما يروم الإمام عليه السلام بيانه، ولهذا فالذي يبدو هو أن هذه الكلمة من إضافة النسخ، أو لعلها تصحيف لكلمة «أهل». والذي يؤكد ما ذكرنا هو الرواية اللاحقة التي يمكن أن تعد المتن الأصلي لهذه الرواية، حيث إنها خالية من كلمة «الزهد».

٤. نهج البلاغة: الكتاب ٢٧، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٨١ ح ٧٢٦.

٥. النحل: ٣٠.

۱۴۰. امام علی علیه السلام: هر که دین روزی اش شود، خیر دنیا و آخرت، روزی اش شده است.

۱۴۱. امام علی علیه السلام: بدانید، ای بندگان خدا که پرهیزگاران، هم دنیای زودگذر دارند، هم آخرت ماندگار. با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند، ولی اهل دنیا در آخرت ایشان با آنان شریک نیستند. در دنیا به بهترین وجه زیستند و به بهترین وجه، خوردند، و از دنیا همان گونه بهره مند شدند که ممتولان شدند و از آن، همانی را برگرفتند که قدرتمندان متکبر گرفتند. سپس با توشه کافی و تجارتی سودآور از دنیا رفتند. در دنیای خویش به لذت [زهد در] دنیا رسیدند و یقین کردند که فردا در آخرتشان همجوار خدا هستند، هیچ دعایی از دعا‌های آنان رد نمی شود و از لذتشان [در آخرت] چیزی کم نمی گردد.

۱۴۲. امام علی علیه السلام: در نامه اش به محمد بن ابی بکر و مصریان - : بر شما باد پروا داشتن از خدا؛ زیرا هیچ چیز به مانند پروای از خدا، جامع خوبی ها نیست و به هیچ چیز چون تقوا نمی توان به خیر دنیا و آخرت رسید. خداوند تعالی می فرماید: «به آنان که تقوا پیشه کرده اند، گفته می شود: پروردگارتان چه فرو می فرستاد؟ می گویند: خوبی. برای آنان که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است، و البته سرای آخرت، بهتر است، و چه نیکوست جایگاه تقوا پیشگان».

بدانید ای بندگان خدا که مؤمن، برای سه پاداش کار می کند: یا برای خیر دنیا؛ زیرا که خداوند، او را در همین دنیا برای کارش پاداش می دهد. خدای

۱. تأمل در مضمون روایت، نشان می دهد که کلمه «زهد» در این جا با مقصدی که امام علیه السلام در صدد تبیین آن است، منافات دارد. و لذا به نظر می رسد که این کلمه، توسط ناسخ به متن افزوده شده است. آنچه این نظر را تقویت می کند، روایت بعدی است که در واقع، متن اصلی این روایت محسوب می شود و کلمه «زهد» در آن نیست.

إِمَّا لِخَيْرِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُثِيبُهُ بِعَمَلِهِ فِي دُنْيَاهُ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِإِبْرَاهِيمَ: ﴿وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾^١، فَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ تَعَالَى أَعْطَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَكَفَاهُ الْمُهِمَّ فِيهِمَا، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿يَعْبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^٢، فَمَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُحَاسِبْهُمْ بِهِ فِي الْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾^٣، فَالْحُسْنَىٰ هِيَ الْجَنَّةُ، وَالزِّيَادَةُ هِيَ الدُّنْيَا.

وإِمَّا لِخَيْرِ الْآخِرَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يُكَفِّرُ بِكُلِّ حَسَنَةٍ سَيِّئَةً، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿إِنْ أَحْسَنْتَ بِذَهَبِنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّكْرِينَ﴾^٤، حَتَّىٰ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ حُسِبَتْ لَهُمْ حَسَنَاتُهُمْ، ثُمَّ أَعْطَاهُمْ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْرَ أَمْثَالِهَا إِلَىٰ سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا﴾^٥، وَقَالَ: ﴿فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ﴾^٦ قَارِعُوا فِي هَذَا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - وَاعْمَلُوا لَهُ وَتَحَاضُّوا^٧ عَلَيْهِ.

وَاعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ الْمُتَّقِينَ حَازُوا عَاجِلَ الْخَيْرِ وَآجِلَهُ، شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكْهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ، أَبَاحَهُمُ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَفَاهُمْ وَبِهِ أَغْنَاهُمْ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ

١. العنكبوت: ٢٧.

٢. الزمر: ١٠.

٣. يونس: ٢٦.

٤. هود: ١١٤.

٥. النبأ: ٣٦.

٦. سبأ: ٣٧.

٧. الحَضُّ عَلَى الشَّيْءِ: الْحَثُّ عَلَى الشَّيْءِ (النهاية: ج ١ ص ٢٠٠ «حَضُّ»).

سبحان درباره ابراهیم فرموده است: ﴿و مزدش را در دنیا به او دادیم و در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود﴾. پس، هر که برای خدای متعال کار کند، خداوند، مزدش را در دنیا و آخرت به او می دهد و در هر دو جا خواست های او را بر می آورد. خداوند ﷻ فرموده است: ﴿ای بندگان من که ایمان آورده اید! از پروردگارتان بترسید. برای آنان که خوبی کردند، در این دنیا خوبی است، و زمین خدا پهناور است. برآستی که شکیبایان مزد خویش را بی حساب، دریافت خواهند کرد﴾. پس خداوند، آنان را بدانچه در دنیا عطایشان کرده است، در آخرت حسابرسی نمی کند. خدای ﷻ فرموده است: ﴿برای آنان که کار نیک کنند، پاداش نیک است و افزونی﴾. مراد از پاداش نیک، بهشت است و از افزونی، دنیا.

و یا برای خیر آخرت [کار می کند]؛ زیرا که خداوند ﷻ در برابر هر کار نیکی یک گناه می بخشد. خدای ﷻ می فرماید: ﴿همانا خوبی ها بدی ها را از بین می برند. این، پندی است برای پندگیرندگان﴾ تا این که چون روز قیامت شود، خوبی هایشان برای آنان محاسبه گردد، سپس به شمار هریک از آنها، ده تا هفتصد برابر به ایشان عطا کند. خداوند ﷻ می فرماید: ﴿این، پاداشی است از پروردگار تو؛ عطایی از روی حساب﴾. و می فرماید: ﴿پس، برای آنان دو برابر آنچه انجام داده اند، پاداش است و آنها در غرفه ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود﴾ پس - خدایتان رحمت کند - به این همه پاداش، روی آورید و برای آن کار کنید و به ترغیب یکدیگر پردازید.

بدانید، ای بندگان خدا، که تقوایندگان، خیر دنیا و آخرت را به دست آوردند؛ با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند؛ لیکن اهل دنیا در آخرت آنان شریکشان نیستند. خداوند، از دنیا به آن اندازه ای که بسنده شان کند و بی نیازشان سازد، برایشان مباح و روا ساخت. خداوند بلند نام می فرماید: ﴿بگو: چه کسی زیورهایی را که خدا برای بندگان پدید آورده و روزی های

تُفْضِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^١ سَكُنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكِنْتَ، وَأَكْلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلْتَ، شَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ فَأَكَلُوا مَعَهُمْ مِنْ طَيِّبَاتِ مَا يَأْكُلُونَ، وَشَرَبُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا يَشْرَبُونَ، وَلَبَسُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَلْبَسُونَ، وَسَكَنُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَسْكُنُونَ، وَتَزَوَّجُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَزَوَّجُونَ، وَرَكَبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرَكَبُونَ، أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَهُمْ غَدَاً جِيرَانُ اللَّهِ يَتَمَتَّعُونَ عَلَيْهِ، فَيُعْطِيهِمْ مَا تَمَنَّوْهُ، وَلَا يَزِدُّ لَهُمْ دَعْوَةً وَلَا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيباً مِنَ اللَّذَّةِ. فَإِنِّي هَذَا يَا عِبَادَ اللَّهِ يَشْتَاقُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ، وَيَعْمَلُ لَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.^٢

١٢٣. الإمام الباقر (عليه السلام) - في قوله تعالى: ﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾ -: فَأَمَّا الْحُسْنَىٰ الْجَنَّةُ^٣، وَأَمَّا الزِّيَادَةُ فَالدُّنْيَا، مَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُحَاسِبْهُمْ بِهِ فِي الْآخِرَةِ، وَيَجْمَعُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَيُنْبِئُهُمْ بِأَحْسَنِ أَعْمَالِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^٤

١٢٤. الإمام الصادق (عليه السلام): مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَأَصَابَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^٥

١٢٥. الكافي عن الرُّبَيْعِ بْنِ خَيْفٍ: شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَهُوَ يُطَافُ بِهِ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فِي

١. الأعراف: ٣٢.

٢. الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: ص ٢٦١ ح ٣، الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص ٢٥ ح ٣١، بَشَارَةُ الْمُصْطَفَى: ص ٤٤ كُلُّهَا عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ، الْفَرَاتِ: ج ١ ص ٢٣٤ عَنْ عُبَايَةَ وَكُلَاهُمَا نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٠ ص ٦٦ ح ١١ وَرَاجِعْ نَحْفَ الْعُقُولِ: ص ١٧٦.

٣. فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «فَالْجَنَّةُ».

٤. تَفْسِيرُ الْقُمِيِّ: ج ١ ص ٣١١ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٠ ص ٦٦ ح ١٠.

٥. مُخْتَصَرُ بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ: ص ٧٩، بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ: ص ٥٢٦ ح ١ وَفِيهِ «مَنْ يَتَّقِ فَقَدْ...» وَكُلَاهُمَا عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٢٤ ص ٢٨٦ ح ١.

پاکیزه، را حرام گردانیده است؟ بگو: همه اینها در زندگی دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است. این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌دانند، به‌روشنی بیان می‌کنیم. آنان در دنیا به بهترین وجه زیستند، به بهترین وجه، خوردند و با اهل دنیا در دنیایشان شریک‌اند. در کنار آنان، از خوراک‌های پاکیزه‌ای که اهل دنیا می‌خورند خوردند و از نوشیدنی‌های گوارایی که ایشان می‌نوشند، نوشیدند و از بهترین لباس‌هایی که می‌پوشند، پوشیدند و در بهترین خانه‌هایی که ایشان سکونت می‌کنند، سکونت کردند و مانند آنها با بهترین همسران، ازدواج کردند و بر بهترین مرکب‌ها سوار شدند؛ همانند اهل دنیا از لذت دنیا بهره‌مند شدند و فردا [ی قیامت] هم در جوار خداوند هستند و از او آرزو و تمنا می‌کنند و خدا آرزوهایشان را بر می‌آورد؛ نه دعا و درخواستی از ایشان را رد می‌کند و نه از بهره لذت‌هایشان چیزی می‌کاهد. پس، ای بندگان خدا! هر که را خردی باشد، به چنین چیزی اشتیاق می‌ورزد و برای آن کار می‌کند و تقوای الهی در پیش می‌گیرد. هیچ توش و توانی نیست، مگر به واسطه خداوند.

۱۴۳. امام باقر علیه السلام - درباره این سخن خدای متعال: «برای آنان که نیکی کنند، نیکی است و افزونی» - : نیکی، بهشت است و افزونی، دنیا. آنچه خداوند در دنیا عطایشان کند، در آخرت برای آن حسابرسی نمی‌کند و پاداش دنیا و آخرت را برایشان فراهم می‌آورد و در برابر بهترین کارهایشان، در دنیا و آخرت، پاداششان می‌دهد.

۱۴۴. امام صادق علیه السلام: هر که از خدا پروا کند، به اذن خداوند، خویشتن را از آتش مصون دانسته است و در دنیا و آخرت به همه خوبی‌ها دست یافته است.

۱۴۵. الکافی - به نقل از ربیع بن خیثم - : امام صادق علیه السلام را دیدم که سخت بیمار بود و او را در محملی بر گرد کعبه طواف می‌دادند و هرگاه به رُکن یمانی می‌رسید،

مَحْمِلٍ وَهُوَ شَدِيدُ الْمَرَضِ، فَكَانَ كُلَّمَا بَلَغَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ أَمَرَهُمْ فَوَضَعُوهُ
بِالْأَرْضِ، فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ كُوَّةٍ^١ الْمَحْمِلِ حَتَّى يَجُرَّهَا عَلَى الْأَرْضِ، ثُمَّ يَقُولُ:
إِرْفَعُونِي.

فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ مِرَاراً فِي كُلِّ شَوِّطٍ، قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،
إِنَّ هَذَا يَشُقُّ عَلَيْكَ!

فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: «لَيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»^٢. فَقُلْتُ: مَنَافِعَ الدُّنْيَا أَوْ
مَنَافِعَ الْآخِرَةِ؟ فَقَالَ: الْكُلُّ^٣.

راجع: ص ١٦٤ (الدعاء للرفاهية في المعيشة)

والتنمية الاقتصادية في الكتاب والسنة: القسم الأول: التقدم الاقتصادي.

٢/٢

لِمُسْلِمٍ مَن يَهْتَمُّ بِالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

١٢٦. رسول الله ﷺ: أَعْظَمُ النَّاسِ هَمًّا، الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَهْتَمُّ بِأَمْرِ دُنْيَاهُ وَأَمْرِ آخِرَتِهِ^٤.

١٢٧. عنه ﷺ: لَيْسَ خَيْرُكُمْ مَن تَرَكَ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ وَلَا الْآخِرَةَ لِلدُّنْيَا، وَلَكِنْ خَيْرُكُمْ مَن
أَخَذَ مِنْ هَذِهِ وَهَذِهِ^٥.

١٢٨. عنه ﷺ: لَيْسَ خَيْرُكُمْ مَن تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ، حَتَّى يُصِيبَ مِنْهُمَا

١. الكُوَّةُ: الخرق في الحائط والثقب في البيت ونحوه (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٣٦ «كوي»).

٢. الحج: ٢٨.

٣. الكافي: ج ٤ ص ٢٢٢ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٢٢ ح ٢٩٨ وفيه «فأدخل» بدل «فأخرج».

٤. سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ٧٢٥ ح ٢١٤٢. الهم والحزن لابن أبي الدنيا: ص ٧٥ ح ١٠٩. الفردوس: ج ١
ص ٣٥٩ ح ١٤٤٩ كلها عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ١٤٤ ح ٧٠٢.

٥. ربيع الأبرار: ج ١ ص ٥٣. تاريخ أصبهان: ج ٢ ص ١٦٧ ح ١٣٦٩ عن أنس، حلية الأولياء: ج ١ ص ٢٧٨
كلاهما نحوه. كنز العمال: ج ٣ ص ٧٣٣ ح ٨٦٠٥ نقلًا عن ابن عساكر وكلاهما عن حذيفة.

دستور می داد او را بر زمین می نهادند و دستش را از سوراخ محمل، بیرون می آورد و به زمین می کشید و سپس می فرمود: «مرا بلند کنید».

چون در هر دور، این کار را تکرار کرد، به ایشان گفتم: فدایت شوم، ای فرزند پیامبر خدا! این کار، شما را به زحمت می اندازد.

فرمود: «سخن خداوند ﷻ را شنیده‌ام که می فرماید: ﴿تا شاهد منافع خویش باشید﴾».

گفتم: منافع دنیا یا منافع آخرت؟

فرمود: «هر دو».

ر.ک: ص ۱۶۵ (دعا برای رفاه بر زندگی).

توسعة اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش اول: پیشرفت اقتصادی.



۲/۲

مسلمان، کسی است که به دنیا و آخرت، اهتمام ورزد

۱۴۶. پیامبر خدا ﷺ: با همت‌ترین مردم، مؤمن است که به کار دنیا و آخرتش اهتمام می‌ورزد.

۱۴۷. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما کسی نیست که دنیا را برای آخرت یا آخرت را برای دنیا ترک کند؛ بلکه بهترین شما کسی است که از این هر دو، بهره‌گیرد.

۱۴۸. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما کسی نیست که دنیایش را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطر دنیایش واگذارد؛ بلکه آن کس است که از هر دوی اینها بهره‌اش برگیرد؛ چرا که دنیا وسیله رسیدن به آخرت است. سربار دیگران نباشید.

جَمِيعاً، فَإِنَّ الدُّنْيَا بَلَاغٌ إِلَى الْآخِرَةِ، وَلَا تَكُونُوا كَلَّا^١ عَلَى النَّاسِ^٢.
 ١٤٩. عنه عليه السلام: خَيْرُكُمْ مَنْ لَمْ يَتْرِكْ آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ، وَلَا دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ، وَلَمْ يَكُنْ كَلًّا عَلَى النَّاسِ^٣.

١٥٠. الإمام علي عليه السلام: خَيْرُكُمْ مَنْ لَمْ يَدَعْ آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ، وَلَا دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ^٤.
 ١٥١. الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ، وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ^٥.
 ١٥٢. الإمام الكاظم عليه السلام: اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ
 وما لَا يَثْلُمُ الْمُرُوءَةَ وما لَا سَرْفَ فِيهِ، وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ، فَإِنَّهُ
 رُوي: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ، أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ^٦.

٣/٢ الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ

الكتاب

«وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ»^٧.

١. الكل: العيال والثل (الصحيح: ج ٥ ص ١٨١١ «كلل»).
٢. فردوس الأخبار: ج ٣ ص ٤٥٥ ح ٥٢٩٠، الفردوس: ج ٣ ص ٢٠٩ ح ٥٢٤٩ وفيه «فإن يبلغه إلى الأخرى» بدل «فإن الدنيا بلاغ إلى الآخرة»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٤٨ ح ٦٣٣٤ نقلاً عن ابن عساكر وكلها عن أنس.
٣. تاريخ بغداد: ج ٤ ص ٢٢١ الرقم ١٩١٨، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٨ ح ٦٣٣٦ نقلاً عن الحاكم وكلاهما عن أنس.
٤. كنز العمال: ج ٣ ص ٧٣٢ ح ٨٦٠٤ نقلاً عن علي بن معبد في كتاب الطاعة والعصيان.
٥. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٥٦ ح ٣٥٦٨، وسائل الشيعة: ج ١٢ ص ٤٩ ح ١، المحجة البيضاء: ج ٧ ص ٤١٨.
٦. تحف العقول: ص ٢١٠، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٢٧ عن العالم عليه السلام وفيه «لم ينل» بدل «لا يثلم»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٢١ ح ١٨.
٧. البقرة: ١٩٧.

۱۴۹. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش وا نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش، و سربار مردم نباشد.

۱۵۰. امام علی علیه السلام: بهترین شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش فرو نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش.

۱۵۱. امام صادق علیه السلام: کسی که دنیایش را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطر دنیایش ترک کند، از ما نیست.

۱۵۲. امام کاظم علیه السلام: با برآوردن خواست‌های روای خود تا آن جا که به مروّت [و شخصیت] صدمه نزنند و اسراف نباشد، خویشان را از دنیا بهره‌مند سازید و از دنیا در کارهای دینتان کمک بگیرید؛ زیرا روایت شده است که: از ما نیست آن که دنیایش را برای دینش یا دینش را به خاطر دنیایش واگذارد.



قرآن

«توشه بگیرید، و بهترین توشه، پروا مندی است. ای خردمندان! از من پروا کنید».

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾. ١

الحديث

١٥٣. رسول الله ﷺ: الدنيا مزرعة الآخرة. ٢

١٥٤. عنه ﷺ - في وصيته لأبي ذر -: يا أبا ذر، إنكم في ممر الليل والنهار، في آجال منقوصة، وأعمال محفوظة، والموت يأتي بغتة، فمن يزرع خيراً يوشك أن يحصد رغبة، ومن يزرع شراً يوشك أن يحصد ندامة، ولكل زارع ما زرعه. ٣

١٥٥. الإمام الصادق عليه السلام: إنكم في آجال مقبوضة، وأيام معدودة، والموت يأتي بغتة، من يزرع خيراً يحصد غبطة، ومن يزرع شراً يحصد ندامة، ولكل زارع ما زرعه. ٤

١٥٦. عيسى عليه السلام: إن الدنيا خلقت مزرعة تزرع فيها العباد الخلو والمر والشر والخير، والخير له مغبة ٥ نافعة يوم الحساب، والشر له عناء وشقاء يوم الحصاد. ٦

١٥٧. رسول الله ﷺ - في الدعاء -: اللهم أعني على ديني بدنياي، وعلى آخرتي

١. القصص: ٧٧.

٢. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٨٣، عوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٦٧ ح ٦٦؛ إحياء علوم الدين: ج ٢ ص ٣١.

٣. الأمالي للطوسي: ص ٥٢٧ ح ١١٦٢. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٦٥ ح ٢٦٦١ وفيه «خيراً» بدل «رغبة»، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٣ وفيه «زرعة» بدل «رغبة»، أعلام الدين: ص ١٩٠ كلها عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٧٦ ح ١٥.

٤. الكافي: ج ٢ ص ٤٥٨ ح ١٩، تحف العقول: ص ٢٨٩ عن الإمام العسكري عليه السلام وفيه «منقوصة» بدل «مقبوضة»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٧٣ ح ١٩.

٥. الغب: عاقبة الشيء (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٠٩ «غب»).

٦. تحف العقول: ص ٥١٠، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٣١٢ ح ١٧.

«و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن».

حدیث

۱۵۳. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، کشتزار آخرت است.

۱۵۴. پیامبر خدا ﷺ: در توصیه‌هایش به ابوذر: ای ابوذر! شما در گذر شب و روز، عمری رو به کاهش دارید و اعمالتان نگهداری می‌شود و مرگ، ناگهان می‌رسد. پس، هر که خوبی بکارد، زودا که بدرد و هر که بدی بکارد، به زودی پشیمانی می‌درد. [آری!] هر کشتگر، آن دروید که کاشت.

۱۵۵. امام صادق علیه السلام: شما در عمرهایی به سر آمدنی و روزهای چند به سر می‌برید و مرگ، به ناگاه فرا می‌رسد. هر که نیکی بکارد، شادی می‌درد، و هر که بدی بکارد، پشیمانی درو می‌کند. هر کشتگری، آن دروید که کاشت.

۱۵۶. عیسی علیه السلام: دنیا، کشتزاری آفریده شده است که بندگان در آن، شیرینی و تلخی، و بدی و خوبی می‌کارند. خوبی، در روز حسابرسی، فرجامی سودمند دارد و بدی، در روز درویدن، رنج و شقاوت به بار می‌نشاند.

۱۵۷. پیامبر خدا ﷺ: در دعا: خدایا! مرا با دنیایم بر دینم، و با تقوایم بر آخرتم کمک فرما و در آنچه از آن غایبم، حفظم نما و در آنچه هم حاضریم، مرا به خودم وامگذار.

- يَتَّقُوايَ، وَاحْفَظْنِي فِيمَا غِبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتُهُ^١.
١٥٨. عنه عليه السلام: لِيَتَزَوَّدَ الْعَبْدُ مِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ، وَمِنْ حَيَاتِهِ لِمَوْتِهِ، وَمِنْ شَبَابِهِ لِهَرَمِهِ؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ، وَأَنْتُمْ خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ^٢.
١٥٩. عنه عليه السلام: لِيَأْخُذَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ، وَمِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ^٣.
١٦٠. عنه عليه السلام: مَنْ يَتَزَوَّدَ فِي الدُّنْيَا يَنْفَعُهُ فِي الْآخِرَةِ^٤.
١٦١. عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَتَزَوَّدُ، وَالْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ^٥.
١٦٢. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ... جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ الْأَعْمَالِ، وَجَعَلَ الْآخِرَةَ دَارَ الْقَرَارِ «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى»^{٦، ٧}.
١٦٣. عنه عليه السلام: أَنْتُمْ الْيَوْمَ فِي الْمِضْمَارِ^٨ وَغَدًا فِي السَّبَاقِ، فَالسَّبْقُ الْجَنَّةُ

١. مهج الدعوات: ص ٢٣٨، العدد القوية: ص ١٥٧ ح ٨٨ كلاهما عن الربيع عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام. مصباح المنهجد: ص ١٧٢ ح ٢٥٩. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٠٥ ح ٧ نقلاً عن اختيار ابن الباقي من أدعية الإمام الصادق عليه السلام.
٢. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣١: إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠١ وزاد فيه «من نفسه لنفسه» بعد «العبد». وراجع الفردوس: ج ٥ ص ٢٧٨ ح ٨١٧٨.
٣. الكافي: ج ٢ ص ٧٠ ح ٩ عن حمزة بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٧، أعلام الدين: ص ٣٣٣ وليس فيهما «المؤمن»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٦٢ ح ٧.
٤. المعجم الكبير: ج ٢ ص ٣٠٥ ح ٢٢٧١، تاريخ بغداد: ج ١٤ ص ٤٤٦ الرقم ٧٨٢٨، تفسير ابن كثير: ج ١ ص ٣٤٨ كلها عن جرير بن عبد الله، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٧٥ ح ٤٣٠٥٢.
٥. إرشاد القلوب: ص ١٨، أعلام الدين: ص ٢٩٧، كشف الغمّة: ج ٢ ص ١٩٩ كلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام. بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١١٢ ح ٦.
٦. النجم: ٣١.
٧. كمال الدين: ص ٢٦٤ ح ١٠، إرشاد القلوب: ص ٤٢٠ كلاهما عن سلمان، كتاب سليم بن قيس: ج ٢ ص ٧٦٩ عن الإمام علي عليه السلام عنه عليه السلام وفيه «دار الثواب والعقاب» بدل «دار القرار»، بحار الأنوار: ج ٢٨ ص ٥٤ ح ٢١، البداية والنهاية: ج ٧ ص ٢٦٣ عن زيد بن وهب عن الإمام علي عليه السلام.
٨. المِضْمَار: الموضع الذي تُضْمَرُ فيه الخيل، ويكون وقتاً للأيام التي تُضْمَرُ فيها. وتضمير الخيل: هو أن يظاھر عليها بالعلف حتى تسمن، ثم لا تelf إلا قوتاً لتخف (النهاية: ج ٣ ص ٩٩ «ضمر»).

۱۵۸. پیامبر خدا ﷺ: بنده باید از دنیای خویش برای آخرتش، از زندگی اش برای مرگش و از جوانی اش برای پیری اش توشه بگیرد؛ زیرا که دنیا برای شما آفریده شده است و شما برای آخرت، آفریده شده اید.

۱۵۹. پیامبر خدا ﷺ: بنده مؤمن، باید از خود برای خود، و از دنیای خود برای آخرتش بهره بگیرد.

۱۶۰. پیامبر خدا ﷺ: هر که در دنیا توشه بگیرد، در آخرت سودش می دهد.

۱۶۱. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن، توشه فراهم می آورد و کافر به کامجویی می گذراند.

۱۶۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند - تبارک و تعالی - ... دنیا را سرای عمل قرار داد و آخرت را سرای آسودن، «تا کسانی را که بد کرده اند، به سزای آنچه انجام داده اند، کیفر دهد، و آنان را که نیکی کرده اند، به نیکی پاداش دهد».

۱۶۳. پیامبر خدا ﷺ: شما امروز در آمادگاه^۱ و فردا در [میدان] مسابقه. جایزه این مسابقه، بهشت است و خط پایان [برای بازنده]، آتش.

۱. آمادگاه، ترجمه «مضمار» است و مضمار، جایی یا مدت زمانی را می گویند که در آن، اسب را برای مسابقه پرورش می دهند و آماده مسابقه می سازند (النهاية: ج ۳ ص ۹۹ «ضمرة»).

وَالْغَايَةُ النَّارُ. ١.

١٦٤. عيسى عليه السلام: إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ الدُّنْيَا لِتَعْمَلُوا فِيهَا لِلْآخِرَةِ وَلَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَسْغَلَكُمْ عَنْ
الْآخِرَةِ، وَإِنَّمَا بَسَطَهَا لَكُمْ لِتَعْلَمُوا أَنَّهُ أَعَانَكُمْ بِهَا عَلَى الْعِبَادَةِ وَلَمْ يُعِينَكُمْ بِهَا
عَلَى الْخَطَايَا، وَإِنَّمَا أَمَرَكُمْ فِيهَا بِطَاعَتِهِ وَلَمْ يَأْمُرْكُمْ فِيهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَإِنَّمَا أَعَانَكُمْ
بِهَا عَلَى الْحَلَالِ وَلَمْ يُحِلَّ لَكُمْ بِهَا الْحَرَامَ، وَإِنَّمَا وَسَّعَهَا لَكُمْ لِتَوَاصَلُوا فِيهَا، وَلَمْ
يُوسَّعْهَا لَكُمْ لِتَقَاطَعُوا فِيهَا. ٢.

١٦٥. الإمام علي عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ الْيَوْمَ وَالسَّبَاقَ غَدًا، أَلَا وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ وَالْغَايَةَ
النَّارَ. ٣.

١٦٦. عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى؛ لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا، وَالْبَصِيرُ
يَنْقُذُهَا بَصَرُهُ وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا، فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ، وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا
شَاخِصٌ، وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَرَوِّدٌ، وَالْأَعْمَى لَهَا مُتَرَوِّدٌ. ٤.

١٦٧. عنه عليه السلام: بِالدُّنْيَا تُحْرَزُ ٥ الْآخِرَةُ. ٦.

١. كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٩٤ ح ٤٣١٥٣ نقلًا عن ابن لال في مكارم الأخلاق عن جابر.
٢. تحف العقول: ص ٥١١، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٥ ح ١٧.
٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٦ ح ١٢٨٢، نهج البلاغة: الخطبة ٢٨، الإرشاد: ج ١ ص ٢٢٥، تحف
العقول: ص ١٥٣، مصباح المتهجد: ص ٦٦١ ح ٧٢٨ عن جندب بن عبد الله الأزدي عن أبيه، بحار الأنوار:
ج ٧٧ ص ٢٩٤ ح ٢: تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٧ عن أوفى بن دلهم وفيه صدره، مطالب السؤل: ص ٥١.
٤. نهج البلاغة: الخطبة ١٣٣، إرشاد القلوب: ص ١٩ وفيه «البوار» بدل «الدار» وليس فيه «والأعمى لها متروود».
٥. أحرز الشيء: حازه. يقال: أحرزت الشيء؛ إذا حفظته وضممته إليك وصننته عن الأخذ (لسان العرب: ج ٥
ص ٣٣٣ «حرز»).
٦. نهج البلاغة: الخطبة ١٥٦، تحف العقول: ص ١٦٤ وفيه «تخذو» بدل «تحرز»؛ كنز العمال: ج ١٦ ص ١٨٨
ح ٤٤٢١٦ نقلًا عن وكيع وفيه «تخرج» بدل «تحرز».

۱۶۴. عیسی علیه السلام: خداوند، دنیا را به شما داده است تا در آن برای آخرت، کار کنید. آن را به شما نداده است که از آخرت، بازتان دارد. آن را برای شما گسترانیده است تا بدانید که آن را کمک کار شما در عبادت قرار داده؛ نه این که کمک کار شما در گناهان قرار داده باشد. شما را در دنیا به طاعت خویش فرمان داده و در آن، به معصیت خویش فرماتان نداده است به واسطه آن، شما را بر حلال کمک کرده و به وسیله آن، حرام را برای شما حلال نساخته است. دنیا را برای شما وسعت بخشیده تا در آن به یکدیگر رسیدگی کنید و برایتان وسعت نبخشیده که در آن، از یکدیگر بترسید.

۱۶۵. امام علی علیه السلام: بدانید که امروز، روز آماده سازی (خودسازی) است و فردا، [روز] مسابقه. بدانید که جایزه این مسابقه، بهشت است و خط پایان [برای بازنده]، آتش.

۱۶۶. امام علی علیه السلام: دنیا، آخرین دیدرس شخص کور [دل] است و از آنچه فرا سوی آن است، چیزی نمی بیند؛ اما شخص بینا، نگاهش از دنیا فراتر می رود و می داند که سرای حقیقی، در ورای این دنیا است. پس، بینا از دنیا دل بر می کند و کور دل، به آن رو می کند. بینا، از آن توشه بر می گیرد و کور دل، برای آن توشه فراهم می آورد.

۱۶۷. امام علی علیه السلام: با دنیا است که آخرت به دست می آید.

١٦٨ . عنه عليه السلام: بِالدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةُ^١.

١٦٩ . عنه عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ أَنَّهُ مُنْتَقِلٌ عَنْ دُنْيَاهُ، كَيْفَ لَا يُحْسِنُ التَّزَوُّدَ لِأَخْرَافِهِ^٢!

١٧٠ . عنه عليه السلام: تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحُوزُونَ^٣ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا، وَخُذُوا مِنَ الْفَنَاءِ لِلْبَقَاءِ^٤.

١٧١ . عنه عليه السلام: تَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا^٥.

١٧٢ . عنه عليه السلام - يَصِفُ الدُّنْيَا - : وَلِنَعِمَ دَارٌ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا، وَمَحَلٌّ مَنْ لَمْ يُوطَّنْهَا مَحَلًّا^٦.

١٧٣ . عنه عليه السلام: الْأَعْمَالُ فِي الدُّنْيَا تِجَارَةٌ الْآخِرَةِ^٧.

١٧٤ . عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى مُعَاوِيَةَ - : إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ، وَرِبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا



١ . قال العلامة المجلسي عليه السلام: على صيغة الخطاب من الجواز، وفي بعض النسخ بصيغة الغيبة: أي يجوز المؤمن أو الإنسان، وفي بعضها: «يُجَاز» على بناء المجهول، وهو أظهر، وفي بعضها: «يُحَاز» بالحاء المهملة من الحيازة: أي تُحَاز مَثُوبَاتُ الْقِيَامَةِ... ومنهم من قرأ: «تَحُوز» بالحاء المهملة: أي بسبب الدنيا وأعمالها تجمع القيامة الناس للحساب والجزاء (بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٦٤).

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٥٠ ح ١ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عن الأصمغ بن نباتة، الأمازي للمفيد: ص ٢٧٧ ح ٣ عن قبيصة بن جابر الأسدي، كتاب سليم بن قيس: ج ٢ ص ٦١٩، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٥٠ ح ١٨.

٣ . غرر الحكم: ح ٦٢٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٢٩ ح ٥٦٤٠ وفيه «علم» بدل «عرف».

٤ . حازه يحوزه: إذا قبضه وملكه واستبد به (النهاية: ج ١ ص ٤٥٩ «حوز»).

٥ . غرر الحكم: ح ٤٥٢٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٠ ح ٤٠٤٧ وفيه «تتقنون» بدل «تَحُوزُونَ» وص ١٠٩ ح ٢٣٩٣ وليس فيه ذيله.

٦ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٨ و ٦٤، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٨، تحف العقول: ص ١٥٣، إرشاد القلوب: ص ٣٤ وفيه «تنجون» بدل «تَحُوزُونَ» وليس فيهما «غدا»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٣٣ ح ٢١: مطالب السؤول: ص ٥٩ وفيه «تَحُوزُوا» بدل «تَحُوزُونَ».

٧ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٣.

٨ . غرر الحكم: ح ١٣٠٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧ ح ١١٩٣ وفيه «في الآخرة».

۱۶۸. امام علی علیه السلام: با دنیا است که قیامت را به چنگ می آوری.
۱۶۹. امام علی علیه السلام: در شگفتم از کسی که می داند از دنیا منتقل می شود، چگونه برای آخرتش توشه فراهم نمی آورد!
۱۷۰. امام علی علیه السلام: از دنیا، توشه ای بردارید که فردای قیامت، با آن خود را حفظ کنید و از سرای نیستی برای سرای ماندگاری برگزید.
۱۷۱. امام علی علیه السلام: در دنیا، از دنیا توشه ای برگزید که فردای قیامت، با آن خویشتن را حفظ کنید.
۱۷۲. امام علی علیه السلام: در وصف دنیا - نیکو سربازی است دنیا برای آن کس که آن را خانه [ی همیشگی] خویش نداند، و نیکو منزلگاهی است برای آن کس که آن را وطن خویش نگیرد.
۱۷۳. امام علی علیه السلام: کارها [ی نیک] در دنیا، تجارت آخرت است.
۱۷۴. امام علی علیه السلام: در نامه ای به معاویه - دنیا، تجارت خانه ای است و سود یا زیان آن، آخرت است [و در آخرت معلوم می شود]. پس سعادت مند، کسی است که کالای او در دنیا، کارهای نیک باشد و کسی که دنیا را به چشم دنیا دید و به آن در همان حدّ خویش ارزش نهاد.

الْآخِرَةُ، فَالسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةُ، وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بِعَيْنِهَا وَقَدَّرَهَا بِقَدَرِهَا.^١

١٧٥. الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنْيَا سَوْقُ الْآخِرَةِ، وَالنَّفْسُ تَاجِرٌ، وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ الْمَالِ، وَالْمَكْسَبُ الْجَنَّةُ، وَالْخُسْرَانُ النَّارُ.^٢

١٧٦. الإمام الباقر عليه السلام - لِعُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ -: يَا عُمَرُ، إِنَّمَا الدُّنْيَا سَوْقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ؛ مِنْهَا خَرَجَ قَوْمٌ بِمَا يَنْفَعُهُمْ، وَمِنْهَا خَرَجُوا بِمَا يَضُرُّهُمْ.^٣

١٧٧. عنه عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى طَلَبِ الْآخِرَةِ.^٤

١٧٨. الإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.^٥

١٧٩. الاحتجاج - في ذكر أسئلة زنديق للإمام الصادق عليه السلام -: قَالَ [الزَّنديقُ]: فَلَايَ عِلَّةٍ خَلَقَ الْخَلْقَ وَهُوَ غَيْرُ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِمْ وَلَا مُضْطَرٌّ إِلَى خَلْقِهِمْ، وَلَا يَلِيقُ بِهِ التَّعَبُّثُ بِنَا؟

قَالَ عليه السلام: خَلَقَهُمْ لِإِظْهَارِ حِكْمَتِهِ، وَإِنْفَادِ عِلْمِهِ، وَإِمْضَاءِ تَدْبِيرِهِ.

قَالَ: وَكَيْفَ لَا يَتَقَصَّرُ عَلَى هَذِهِ الدَّارِ فَيَجْعَلَهَا دَارَ ثَوَابِهِ وَمُحْتَبَسَ عِقَابِهِ؟

قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الدَّارَ دَارُ ابْتِلَاءٍ، وَمَتَجَرُّ الثَّوَابِ، وَمُكْتَسَبُ الرَّحْمَةِ، مُلِئَتْ

١. شرح نهج البلاغة: ج ١٦ ص ١٣٣؛ بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ٨٥ ح ٤٠٠.

٢. أعلام الدين: ص ٩٦.

٣. الخصال: ص ١٠٤ ح ٦٤ عن هشام بن معاذ، المسترشد: ص ٥٠٤، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٨١ ح ٦ وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ٢٠٧.

٤. الكافي: ج ٥ ص ٧٣ ح ١٤.

٥. الكافي: ج ٥ ص ٧٢ ح ٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٥٦ ح ٢٥٦٧، الأصول الستة عشر: ص ٨٨ كلها عن ذريح المحاربي، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥١ ح ١٣٦ عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٧ ح ١٢٦.

۱۷۵. امام زین العابدین علیه السلام: دنیا، بازار آخرت است و نفس، بازرگان است و شب و روز، سرمایه و سود، بهشت و زیان، دوزخ.

۱۷۶. امام باقر علیه السلام - به عمر بن عبد العزیز - : ای عمر! دنیا، در حقیقت، بازاری از بازارهاست. گروهی از این دنیا، چیزی را بردند که سودشان رساند، و گروهی، کالایی را که زیانشان داد.

۱۷۷. امام باقر علیه السلام: چه خوب کمکی است دنیا برای به دست آوردن آخرت!

۱۷۸. امام صادق علیه السلام: نیکو کمکی است دنیا برای آخرت!

۱۷۹. الاحتجاج - در بیان پرسش‌های زندیق از امام صادق علیه السلام - : زندیق گفت: پس به چه علت خداوند، خلق را آفرید، در حالی که نه به آنها نیاز داشت، نه به آفریدنشان مجبور بود، و باز چه قرار دادن ما هم شایسته او نیست؟

فرمود: «آنها را آفرید تا حکمت خویش را نمایان سازد و دانش خویش را به اجرا درآورد و تدبیرش را به کار برد».

زندیق گفت: چرا به همین سرا بسنده نمی‌کند و آن را سرای پاداش و زندان کیفر خویش قرار نمی‌دهد [و به آخرت موکول کرده است]؟

فرمود: «این سرا، سرای آزمایش، تجارت‌خانه ثواب و محل کسب رحمت است؛ آکنده از آفات و پُر از شهوات، قرار داده شده است تا خداوند، در آن بندگان را به طاعت بیازماید. پس، خانه عمل، خانه پاداش نیست».

آفات، و طُبِّقَتْ^١ شَهَوَاتٍ، لِيُخْتَبَرَ فِيهَا عَبِيدُهُ بِالطَّاعَةِ؛ فَلَا يَكُونُ دَارُ عَمَلٍ دَارَ جَزَاءٍ^٢.

١٨٠. الإمام الهادي عليه السلام: الدُّنْيَا سَوْقٌ، رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ آخَرُونَ^٣.

راجع: ص ٢٤٢ (خصائص الدنيا / مزرعة الشر).
و ٢٤٤ (خصائص الدنيا / سوق الخسران).

٢ / ٤

الْإِنْسَانُ مَطْبُوعٌ عَلَى حُبِّ الدُّنْيَا

١٨١. الإمام علي عليه السلام: النَّاسُ أَبْنَاءُ الدُّنْيَا، وَالْوَلَدُ مَطْبُوعٌ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ^٤.

١٨٢. عنه عليه السلام: النَّاسُ أَبْنَاءُ الدُّنْيَا، وَلَا يَلَامُ الرَّجُلُ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ^٥.

١٨٣. نشر الدر: قَالَ لَهُ [لِعَلِيِّ عليه السلام] الْحَسَنُ عليه السلام: أَمَا تَرَى حُبَّ النَّاسِ لِلدُّنْيَا؟ قَالَ: هُمْ أَوْلَادُهَا، أَفَيَلَامُ الْمَرْءَ عَلَى حُبِّ وَالِدَتِهِ؟^٦

١٨٤. تيسير المطالب عن أبي الحسن علي بن مهدي الطبري: رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَيْهِ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا بَالُنَا نُحِبُّ الدُّنْيَا؟

قَالَ: لِأَنَّا مِنْهَا، وَهَلْ يَأْتُمُ الرَّجُلُ بِحُبِّهِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ؟

قَالَ: وَأَنْشَدَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيُّ، قَالَ: أَنْشَدَنَا تَعَلَّبُ:

١. طَبَّقَ الغيم: إِذَا أَصَابَ بِمَطَرِهِ جَمِيعَ الْأَرْضِ (الصحاح: ج ٤ ص ١٥١٢ «طبق»).

٢. الاحتجاج: ج ٢ ص ٢١٧ ح ٢٢٣. بحار الأنوار: ج ٥ ص ٣١٧ ح ١٤.

٣. تحف العقول: ص ٤٨٣. بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٦٤ ح ٦.

٤. غرر الحكم: ح ١٨٥٠. عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥ ح ١٤٢٣.

٥. نهج البلاغة: الحكمة ٣٠٣. بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٢٥.

٦. نشر الدر: ج ١ ص ٢٨٤: ربيع الأبرار: ج ١ ص ٢٥.

۱۸۰. امام هادی علیه السلام: دنیا، بازاری است که قومی در آن سود بُردند و شماری دیگر، زیان کردند.

و. ک: ص ۲۶۲ (ویژگی‌های دنیا / کشتزار بدی).

و ۲۶۵ (ویژگی‌های دنیا / بازار زیانکاری).

۴/۲

سرشت دنیا دوستی و انسان

۱۸۱. امام علی علیه السلام: مردمان، فرزندان دنیا هستند و فرزند، بر عشق به مادرش سرشته شده است.

۱۸۲. امام علی علیه السلام: مردم، فرزندان دنیا هستند و آدمی، بر دوست داشتن مادرش ملامت نمی‌شود.

۱۸۳. نثر الدر: حسن علیه السلام به او (علی علیه السلام) گفت: چرا مردم، دنیا را دوست دارند؟ فرمود: «آنان، فرزندان دنیا هستند. آیا آدمی بر دوست داشتن مادرش ملامت می‌شود؟!»

۱۸۴. تیسیر المطالب - به نقل از ابو الحسن علی بن مهدی طبری - : روایت شده است که مردی از امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: ای امیر مؤمنان! به چه سبب ما دنیا را دوست داریم؟

فرمود: «چون ما از دنیا هستیم. آیا گناه است که انسان، پدر و مادرش را دوست بدارد؟».

راوی می‌گوید: ابو عبد الله علیه السلام از این بیت را از ثعلب برایمان خواند:

وَنَحْنُ بَنُو الدُّنْيَا خُلِقْنَا لَهَا وَنَحْبُهَا وَمَا كُنْتُمْ مِنْهُ فَعُوهُ شَيْءٌ مُّحَبَّبٌ^١

راجع: ج ٢ ص ٢٨٢ (الحث على الاهتمام بالآخرة).

٥/٢

النهي عن سب الدنيا وذنوبها

١٨٥ . رسول الله ﷺ: لَا تَسُبُّوا الدُّنْيَا؛ فَنِعِمَّتْ مَطِئَةُ الْمُؤْمِنِ، فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ، وَبِهَا يَنْجُو

مِنَ الشَّرِّ. إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَتِ الدُّنْيَا: لَعَنَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ^٢.

١٨٦ . عنه ﷺ: مَنْ قَالَ: قَبِّحَ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَتِ الدُّنْيَا: قَبِّحَ اللَّهُ أَعْصَانَا لَهُ^٣.

١٨٧ . عنه ﷺ: نِعِمَّتِ الدَّارُ الدُّنْيَا لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا لِآخِرَتِهِ حَتَّى يُرْضِيَ رَبَّهُ ﷻ، وَبِئْسَتِ

الدَّارُ لِمَنْ صَدَّتْهُ عَنِ آخِرَتِهِ وَقَصُرَتْ بِهِ عَنِ رِضَاءِ رَبِّهِ، وَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: قَبِّحَ اللَّهُ

الدُّنْيَا، قَالَتِ الدُّنْيَا: قَبِّحَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِزَبْنِهِ^٤.

١٨٨ . تحف العقول عن جابر بن عبد الله الأنصاري: كُنَّا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ بِالْبَصْرَةِ فَلَمَّا

فَرَّغَ مِنْ قِتَالِ مَنْ قَاتَلَهُ أَشْرَفَ عَلَيْنَا مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، فَقَالَ: مَا أَنْتُمْ فِيهِ؟ فَقُلْنَا:

فِي ذَمِّ الدُّنْيَا. فَقَالَ: عَلَامَ تَذُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ؟! ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، وَقَالَ:

أَمَّا بَعْدُ، فَمَا بَالُ أَقْوَامٍ يَذْمُونَ الدُّنْيَا، انْتَحَلُوا الزُّهْدَ فِيهَا؟ الدُّنْيَا مَنَزِلُ صِدْقٍ

لِمَنْ صَدَقَهَا، وَمَسْكَنُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا، وَدَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا، مَسْجِدُ

١ . تيسير المطلب: ص ٣٤٠.

٢ . أعلام الدين: ص ٣٣٥ عن أبي موسى الأشعري، إرشاد القلوب: ص ١٧٦، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٧٨

ح ١٠؛ ربيع الأبرار: ج ١ ص ٦٦ ح ٦٧، الفردوس: ج ٥ ص ١٠ ح ٧٢٨٨ كلاهما عن ابن مسعود نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٩ ح ٦٣٤٣.

٣ . المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٤٣ ح ١٢٨، كنز العمال: ج ٣ ص ٦٠٧ ح ٨١٤٠ نقلًا عن الديلمي وكلاهما عن المطلب بن حنطب، كنز الفوائد: ج ٢ ص ١٦٢، أعلام الدين: ص ١٥٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٧١ ح ٧.

٤ . المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٨ ح ٧٨٧٠ عن سعد بن طارق عن أبيه، الفردوس: ج ٤ ص ٢٦٩ ح ٦٧٩٤ عن طارق بن أشيم وفيه صدره إلى «رضاء ربّه»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٩ ح ٦٣٤١.

ما فرزندان دنیاییم که برای غیر آن، آفریده شده‌ایم / و تو، آنچه را از آنی، دوست می‌داری.

و.ک: ج ۲ ص ۲۸۲ (تشویق به آخرت گرایی).

۵/۲

نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن

۱۸۵. پیامبر خدا ﷺ: به دنیا ناسزا مگویید؛ چه، دنیا نیکو مَرکبی است برای مؤمن؛ به وسیله آن به خوبی می‌رسد و از بدی می‌رهد. هرگاه بنده بگوید: «لعنت خدا بر دنیا»، دنیا گوید: لعنت خدا بر نافرمان‌ترین ما از پروردگارش.

۱۸۶. پیامبر خدا ﷺ: هرکس بگوید: «ننگ بر این دنیا»، دنیا گوید: ننگ بر نافرمان‌ترین ما از خدا.

۱۸۷. پیامبر خدا ﷺ: خوبِ سرایی است دنیا برای کسی که از آن برای آخرتش توشه بگیرد تا پروردگارش را خشنود گرداند و بدِ سرایی است برای کسی که دنیا، او را از آخرتش باز دارد و نگذارد که موجبات خشنودی پروردگارش را فراهم آورد. هرگاه بنده بگوید: «ننگ بر دنیا»، دنیا گوید: ننگ بر نافرمان‌ترین ما از پروردگارش.

۱۸۸. تحف العقول - به نقل از جابر بن عبد الله انصاری -: ما در بصره [در جنگ جمل] با امیر مؤمنان علیه السلام بودیم. چون ایشان از جنگ با جنگ‌افروزان، آسوده شد، در آخر شب به نزد ما آمد و فرمود: «در چه حالید؟».

گفتیم: بر سرِ نکوهش دنیا.

فرمود: «دنیا را بر چه نکوهش می‌کنی، ای جابر؟!».

سپس، حمد و ثنای الهی به جای آورد و فرمود: «چه شده است که

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَمَهِيْطُ وَحْيِهِ، وَمُصَلِّيْ مَلَائِكَتِهِ، وَمَسْكَنُ أَحِبَّائِهِ، وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَّائِهِ؛ اِكْتَسَبُوا فِيْهَا الرَّحْمَةَ، وَرَبِحُوا مِنْهَا الْجَنَّةَ، فَمَنْ ذَا يَذُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ؟ وَقَدْ آذَنْتَ بَيْنَهَا^١، وَنَادَتْ بِانْقِطَاعِهَا، وَنَعَتْ نَفْسَهَا بِالزَّوَالِ، وَمَثَلَتْ بِبِلَائِهَا الْبَلَاءَ، وَشَوَّقَتْ بِشُرُورِهَا إِلَى الشُّرُورِ، وَرَاحَتْ^٢ بِفَجِيعَةٍ، وَابْتَكَرَتْ^٣ بِنِعْمَةٍ وَعَاقِفَةٍ؛ تَرْهِيْبًا وَتَرْغِيْبًا، يَذُمُّهَا قَوْمٌ عِنْدَ النَّدَامَةِ، خَدَمَتْهُمْ جَمِيعًا فَصَدَّقَتْهُمْ، وَذَكَرَتْهُمْ فَذَكَّرُوا، وَوَعَّظَتْهُمْ فَاتَّعَظُوا، وَخَوَّفَتْهُمْ فَخَافُوا، وَشَوَّقَتْهُمْ فَاشْتَاقُوا.

فَأَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا، مَتَى اسْتَدَمَّتْ إِلَيْكَ؟ بَلْ مَتَى غَسَرَتْكَ بِنَفْسِهَا؟ بِمَصَارِعِ آبَائِكَ مِنَ الْبِلَى؟ أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَّهَاتِكَ مِنَ الثَّرَى؟ كَمْ مَرَّضَتْ^٤ يَدَيْكَ، وَعَلَّلَتْ^٥ بِكَفِّكَ؟ تَسْتَوْصِفُ لَهُمُ الدَّوَاءَ، وَتَطْلُبُ لَهُمُ الْأَطْيَاءَ، لَمْ تُدْرِكْ فِيهِ طَلِبَتَكَ، وَلَمْ تُسَعِفْ^٦ فِيهِ بِحَاجَتِكَ، بَلْ مَثَلْتَ الدُّنْيَا بِهَ نَفْسِكَ، وَبِحَالِهِ حَالَكَ، غَدَاةٌ لَا يَنْفَعُكَ أَحِبَّاءُكَ، وَلَا يُغْنِي عَنْكَ نِدَاؤُكَ، حِينَ يَشْتَدُّ مِنَ الْمَوْتِ أَعَالِيْنُ الْمَرَضِ، وَالْيَمُّ لَوَاعِبِ الْمَضَضِ، حِينَ لَا يَنْفَعُ الْأَلِيلُ^٧، وَلَا يَدْفَعُ الْعَوِيلُ، يَحْفَرُ^٨ بِهَا الْحَيَزُومُ^٩، وَيَغْصُ بِهَا الْحُلُقُومُ، لَا يُسْمِعُهُ النَّدَاءُ، وَلَا يَرُوعُهُ

١. البتين: البعد والفراق (النهاية: ج ١ ص ١٧٥ «بين»).

٢. الرّواح: تقيض الصباح، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلى الليل (المصباح: ج ١ ص ٣٦٨ «روح»).

٣. البكرة: القدوة [أي ما بين صلاة الغداة وطلوع الشمس]. ويكر عليه وإليه وفيه وابتكر: أتاه بكرة (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٧٦ «بكر»).

٤. مرّضته: تكفلت بمداواته (المصباح المنير: ص ٥٦٩ «مرض»).

٥. علّله بالشيء: أي لهأ به؛ كما يعلّل الصبيّ بشيء من الطعام يتجزأ به عن اللبن (المصباح: ج ٥ ص ١٧٧٤ «علل»).

٦. أسعفته بحاجته إسعافاً: قضيتها له (المصباح المنير: ص ٢٧٧ «سعف»).

٧. الأليل: الأتنين (المصباح: ج ٢ ص ١٦٢٦ «ألل»).

٨. الحفر: الحث والإعجال (النهاية: ج ١ ص ٢٠٧ «حفز»).

٩. الحيزوم: وسط الصدر وما يشدّ عليه الحزام (المصباح: ج ٥ ص ١٨٩٩ «حزم»).

عده‌ای دنیا را نکوهش می‌کنند و دم از بی‌رغبتی به آن می‌زنند؟ دنیا، برای کسی که با آن از در راستی درآید، منزلگاه راستی و صداقت است و برای کسی که متوجه منظورش شود، سکونتگاه عافیت است و برای کسی که از آن توشه بگیرد، سرای ثروت است و عبادتگاه پیامبران خداست و فرودگاه وحی او و نمازخانه فرشتگانش و مسکن دوستدارانش و تجارت‌خانه اولیایش. در دنیا، رحمت کسب کردند و از آن، بهشت را سود بردند. پس کیست که دنیا را نکوهش کند، ای جابر؟ در حالی که دنیا خود، جدایی خویش را اعلام کرده و رفتنش را جار زده و خبر مرگ و زوال خویش را داده است و با بلاهایش درس عبرت داده و با شادی‌هایش به شادی تشویق کرده است، در نیم‌روز، فاجعه آورده و در صبحگاه، نعمت و عافیت؛ بیم می‌دهد و امید می‌بخشد. گروهی در هنگام پشیمانی به نکوهش دنیا می‌پردازند. دنیا به همه آنها خدمت کرد و با صداقت برخورد کرد، یادآوری‌شان کرد و یادآور شدند؛ اندرزشان داد و اندرز گرفتند؛ ترساندشان و ترسیدند؛ و تشویقشان کرد و به شوق آمدند.

پس، ای آن که دنیا را نکوهش کنی، اما فریفته فریبندگی‌های آنی! کی دنیا جای نکوهش برای تو داشته و کجا تو را فریفته است؟ به قبرهای پوسیده پدران یا به گورهای نَمور مادرانت؟ چه بسیار کسانی که با دستان خود، پرستاری آنها کردی و تیمارداری‌شان را نمودی، برایشان دارو تجویز کردی و پزشکانی به بالینشان آوردی، اما به مقصود خود نرسیدی و مراد خویش را نیافتی [و آن بیماران، بهبود نیافتند]؛ بلکه دنیا، آنها را نمونه [برای] تو و حال ایشان را حکایتِ حال تو قرار داد. فردا، نه دوستدارانت تو را سودی می‌بخشند، نه فریادخواهی‌ات گِره از کارت می‌گشاید، آن گاه که بیماری مرگ و سوزش‌های درد و رنج، بالا گیرد؛ آن گاه که ناله، سودی نمی‌بخشد و از شیون [اطرافیان]، کاری بر نمی‌آید، سینه را سخت می‌فشرد و گلو، گرفته

الدُّعَاءُ، فَيَا طَوْلَ الْحُزَنِ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْأَجَلِ.

ثُمَّ يُرَاحُ بِهِ عَلَى شَرْجِعٍ^١ نَقَلَهُ أَكْفُ^٢ أَرْبَعٍ، فَيَضْجَعُ فِي قَبْرِهِ فِي لَبِثٍ^٣ وَضِيقٍ جَدَثٍ، فَذَهَبَتِ الْجِدَّةُ^٤، وَانْقَطَعَتِ الْمُدَّةُ، وَرَفَضَتِ الْعُطْفَةُ، وَقَطَعَتِ اللَّطْفَةُ، لَا تُقَارِبُهُ الْأَخْلَاءُ، وَلَا يُلِمُّ بِهِ الزُّوَارُ، وَلَا اتَّسَقَتْ بِهِ الدَّارُ، انْقَطَعَ دُونُهُ الْأَثَرُ، وَاسْتُعْجِمَ دُونُهُ الْخَبَرُ، وَبَكَرَتْ وَرَثَتُهُ فَاقْتَسَمَتْ تَرَكَتُهُ، وَلَحِقَهُ الْحَوْبُ^٥، وَأَحَاطَتْ بِهِ الذُّنُوبُ، فَإِنْ يَكُنْ قَدَمٌ خَيْرًا طَابَ مَكْسَبُهُ، وَإِنْ يَكُنْ قَدَمٌ شَرًّا تَبَّ مُنْقَلَبُهُ. وَكَيْفَ يَنْفَعُ نَفْسًا قَرَارُهَا وَالْمَوْتُ قَصَارُهَا وَالْقَبْرُ مَزَارُهَا؟! فَكَفَى بِهَذَا وَاعِظًا.

كَفَى يَا جَابِرُ، امْضِ مَعِيَ. فَمَضَيْتُ مَعَهُ حَتَّى أَتَيْنَا الْقُبُورَ، فَقَالَ:
يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ وَيَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ، أَمَّا الْمَنَازِلُ فَقَدْ سَكِنَتْ، وَأَمَّا الْمَوَارِيثُ فَقَدْ قَسِمَتْ، وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ، هَذَا خَبَرٌ مَا عِنْدَنَا، فَمَا خَبَرٌ مَا عِنْدَكُمْ؟
ثُمَّ أَمْسَكَ عَنِّي مَلِيًّا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: وَالَّذِي أَقْلَ السَّمَاءَ فَعَلَتْ، وَسَطَّحَ الْأَرْضَ فَذَحَتْ، لَوْ أُذِنَ لِلْقَوْمِ فِي الْكَلَامِ، لَقَالُوا: إِنَّا وَجَدْنَا خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى.
ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ إِذَا شِئْتَ فَارْجِعْ^٥.

١٨٩. الإمام علي عليه السلام - نَحْوَ مَا مَرَّ إِلَى أَنْ قَالَ -: فَإِنْ ذَمَمْتُهَا لِصَبْرِهَا فَاْمَدَحُهَا لِشَهِدِهَا،

١. الشَّرْجِعُ: النَّعْشُ أَوْ الْجَنَازَةُ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٤٣ «شرح»).

٢. اللَّبِثُ: الْمَكْثُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٧٣ «لبث»).

٣. وَاجِدٌ لِلشَّيْءِ: قَادِرٌ عَلَيْهِ (المصباح المنير: ص ٤٤٨ «وجد»).

٤. الْحَوْبُ: الْإِثْمُ (الصحيح: ج ١ ص ١١٦ «حوب»).

٥. تحف العقول: ص ١٨٦ وراجع الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٦ والأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ٥٩٤ ح ١٢٣١ وخصائص الأئمة عليه السلام: ص ١٠٢ والزهد للحسين بن سعيد: ص ٢٧ ح ١٢٨ ونهج البلاغة: الحكمة ١٣١ وسحر الأنوار:

ج ٧٣ ص ١٢٩ ح ١٣٥ وتاريخ بغداد: ج ٧ ص ٢٨٧ ح ٣٧٨٩ وتاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٩ وكنز العمال: ج ٣ ص ٧٣٢ ح ٨٦٠٣.

می شود، فریاد به گوش او نمی رود و فریادخواهی به هراسش نمی فکند. آه از بسیاری اندوه، به هنگام سر رسیدن عمر!

سپس، نعش او را بر تابوتی نهند و بر روی چهار دست بردارند و برای لحظه ای در گورش خوابانند؛ گوری تنگ؛ توش و توان از میان رفته؛ عمر به سر شده و دوستداران، او را به دور افکنده و نوازشگرانش، از او بُریده اند و دوستان، به او نزدیک نمی شوند و دیدارکنندگان، به دیدارش نمی آیند و خانه، در انتظار او نیست. نشانی از او نمی ماند و خبری از او نمی آید. وارثانش، صبح زود بشتابند و مُرده ریگش را تقسیم کنند، در حالی که گناه، دامن او را گرفته و گناهان در میانش گرفته اند. اگر کار نیکی پیش فرستاده، حاصل نیک ببیند و اگر بدی فرستاده، فرجامی تباه دارد. چگونه آرمیدن در دنیا برای کسی که مرگ، فرجام آن است و گور مزارش، سود دهد! و این خود، بهترین پندآموز است. بس است، ای جابر. با من بیا.

پس با امام علیه السلام رفتم تا به گورستان رسیدیم. پس فرمود: «ای خاک نشینان، و ای تنهایان! خانه های شما، مسکن دیگران شده و میراث ها تقسیم شده و همسرانتان شوهر کردند. این، خبری است که ما داریم. شما چه خبر دارید؟». سپس، لختی دراز، خاموش ماند و آن گاه، سرش را بلند کرد و فرمود: «سوگند به آن که آسمان را برافراشت و زمین را بگستراند، اگر به این جماعت [مردگان] اجازه سخن گفتن داده شود، هرآینه خواهند گفت: ما، بهترین ره توشه را تقوا یافتیم».

آن گاه فرمود: «ای جابر! حال اگر می خواهی، برگرد».

۱۸۹. امام علی علیه السلام - در حدیثی نظیر حدیث پیشین، با این افزوده -: اگر دنیا را بر شَرنگش نکوهش می کنی، برای شهدش نیز او را بستای، و گرنه رهایش کن؛

وَالَا فَاطَرْحَهَا لَا مَدَحَ وَلَا ذَمَّ، قَدْ مُثِّلْتَ لَكَ نَفْسَكَ حَتَّى مَا يُغْنِي عَنْكَ بُكَاءُكَ،
وَلَا يَرْحَمُكَ إِخَاؤُكَ.^١

٦/٢

النَّهْيُ عَنِ التَّرَفُّفِ تَحْرِيمًا أَحَلَّ اللَّهُ

الكتاب

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْزَمُوا طَيِّبَتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَسْتَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْمُتَعَتِّدِينَ»^٢.

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ النِّقْمَةِ كَذَلِكَ تَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ زِينَةَ
الْفَوْحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمُ وَالنَّبِيُّ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ
بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^٣.

«ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى ءَاثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي
قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ
رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَءَاتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ
فَسِيقُونَ»^٤.

الحديث

١٩٠ . مجمع البيان عن ابن مسعود: كُنْتُ رَدِيفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى حِمَارٍ فَقَالَ: يَا بْنَ
أُمِّ عَبْدِ، هَلْ تَدْرِي مِنْ أَيْنَ أَحَدَتْتَ بَنُو إِسْرَائِيلَ الرَّهْبَانِيَّةَ؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ

١ . مطالب السؤل: ص ٥١؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٨ ح ٧٤.

٢ . المائدة: ٨٧.

٣ . الأعراف: ٣٢ و ٣٣.

٤ . الحديد: ٢٧.

نه بستای و نه نکوهش نمای. نفس تو برایت نمونه آورده شده است تا جایی که نه گریهات گیره از کار تو می‌گشاید، و نه برادری و رفاقت به تو رحم می‌کند.

۶/۲

نبی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده، حرام شمارید و از حد مگذرید، که خدا، از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد».

«بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و نیز روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این نعمت‌ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] ویژه آنان است. این گونه، آیات را برای گروهی که می‌دانند، به روشنی بیان می‌کنیم. بگو: پروردگار من، فقط زشتکاری‌ها را، چه آشکارش و چه پنهان، و گناه و ستم به ناحق را حرام گردانیده است؛ و نیز این که چیزی را شریک خدا مسازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده است؛ و این که چیزی را که نمی‌دانید، به خود نسبت دهید».

«آن‌گاه، به دنبال آنان، پیامبران خود را پی‌در پی آوردیم و عیسی پسر مریم را در پی آنان آوردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت نهادیم؛ و اما ترک دنیایی که از پیش خود در آوردند، ما آن را برایشان مقرر نکردیم، مگر برای آن که کسب خشنودی خدا کنند. با این حال، آن را چنان که حق رعایت آن بود، منظور نداشتند. پس، پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند، بدانها دادیم؛ ولی بسیاری از آنان، دست‌خوش انحراف‌اند».

حدیث

۱۹۰. مجمع البیان - به نقل از ابن مسعود - : من در ترک پیامبر خدا، بر الاغی سوار بودم. ایشان فرمود: «ای پسرِ مادرِ غلام! آیا می‌دانی که چرا بنی اسرائیل، رهبانیت را پدید آوردند؟»

وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ!

فَقَالَ: ظَهَرَتْ عَلَيْهِمُ الْجَبَابِرَةُ بَعْدَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْمَلُونَ بِمَعَاصِي اللَّهِ، فَغَضِبَ أَهْلُ الْإِيمَانِ فَقَاتَلُوهُمْ، فَهَزِمَ أَهْلُ الْإِيمَانِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ، فَقَالُوا: إِنْ ظَهَرْنَا لَهُؤُلَاءِ أَفْنُونَا وَلَمْ يَبْقَ لِلَّذِينَ أَحَدٌ يَدْعُو إِلَيْهِ، فَتَعَالَوْا نَتَفَرَّقْ فِي الْأَرْضِ إِلَى أَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ النَّبِيَّ الَّذِي وَعَدَنَا بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ يَعْنُونَ مُحَمَّدًا ﷺ، فَتَفَرَّقُوا فِي غَيْرَانِ الْجِبَالِ وَأَحْدَثُوا رَهْبَانِيَّةً، فَمِنْهُمْ مَنْ تَمَسَّكَ بِدِينِهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ﴾ إِلَى آخِرِهَا.

ثُمَّ قَالَ: يَا بَنَ أُمِّ عَبْدٍ، أَتَدْرِي مَا رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ! قَالَ: الْهَجْرَةُ، وَالْجِهَادُ، وَالصَّلَاةُ، وَالصَّوْمُ، وَالْحَجُّ، وَالْعُمْرَةُ.^٢

١٩١. مجمع البيان عن ابن مسعود: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا بَنَ مَسْعُودٍ، اخْتَلَفَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً؛ نَجَا مِنْهَا اثْنَتَانِ وَهَلَكَ سَائِرُهُنَّ: فِرْقَةٌ قَاتَلُوا الْمُلُوكَ عَلَى دِينِ عِيسَى ﷺ فَقَتَلُوهُمْ، وَفِرْقَةٌ لَمْ تَكُنْ لَهُمْ طَاقَةٌ لِمُوازاةِ الْمُلُوكِ وَلَا أَنْ يُقِيمُوا بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ يَدْعُونَهُمْ إِلَى دِينِ اللَّهِ تَعَالَى وَدِينِ عِيسَى ﷺ؛ فَسَاحُوا فِي الْبِلَادِ وَتَرَهَّبُوا، وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُمْ: ﴿وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ﴾.

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي وَاتَّبَعَنِي فَقَدْ رَعَاهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِي فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ.^٣

١. في بحار الأنوار «إِنْ ظَهَرْنَا لَهُؤُلَاءِ».

٢. مجمع البيان: ج ٩ ص ٣٦٦، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٧٧؛ تفسير القرطبي: ج ١٧ ص ٢٦٥ نحوه.

٣. مجمع البيان: ج ٩ ص ٣٦٦، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٢٠؛ المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٢١ ح ١٠٥٣١، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٣٧٧ ح ٤٢٧٩، المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٢٤، تفسير القرطبي: ج ١٧ ص ٢٦٥ كلها نحوه.

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «بعد از عیسی علیه السلام، شاهان بر بنی اسرائیل چیره شدند و گنهکاری پیشه کردند. مؤمنان، به خشم آمدند و با آنان به جنگ برخاستند؛ ولی اهل ایمان، سه بار شکست خوردند، به طوری که تنها شماری اندک از ایشان، باقی ماندند. پس گفتند: اگر اینان بر ما چیره آیند، نابودمان می کنند و دیگر طرفداری برای دین، باقی نمی ماند که به آن دعوت کند. بیایید در زمین، پراکنده شویم تا خداوند، پیامبری را که عیسی علیه السلام وعده آمدنش را داده است، برانگیزد. مقصودشان محمد صلی الله علیه و آله بود. پس، در غارهای کوه ها پراکنده شدند و رهبانیت را پدید آوردند. عده ای از ایشان به دین خویش، پایدار ماندند و برخی به کفر گراییدند».

سپس این آیه را تلاوت کرد: «و ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند، ما آن را برایشان مقرر نکردیم، مگر برای آن که کسب خشنودی خدا کنند. با این حال، آن را چنان که حق رعایت آن بود منظور نداشتند».

سپس فرمود: «ای پسر مادر غلام! آیا می دانی رهبانیت امت من چیست؟».

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «هجرت، جهاد، نماز، روزه، حج و عمره».

۱۹۱. مجمع البیان - به نقل از ابن مسعود -: بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم. فرمود: «ای پسر مسعود! کسانی که پیش از شما بودند، به ۷۲ فرقه تقسیم شدند که دو فرقه آنان، نجات یافتند و بقیه هلاک شدند. فرقه ای که برای دفاع از دین عیسی علیه السلام با شاهان جنگیدند و کشته شدند، و فرقه ای که نه توان مقابله با شاهان را داشتند و نه در میان ایشان ماندند تا آنان را به دین خدای متعال و آیین عیسی علیه السلام

١٩٢. رسول الله ﷺ: لا رهبانِيَّةَ في الإسلام^١.

١٩٣. عنه ﷺ: لا زِمَامٌ ولا خِزَامٌ^٢ ولا رهبانِيَّةَ ولا تَبَتُّلَ ولا سِيَاخَةَ في الإسلام^٣.

١٩٤. الإمام علي عليه السلام: قال رسول الله ﷺ: لَيْسَ في أُمَّتِي رهبانِيَّةٌ، ولا سِيَاخَةٌ^٥، ولا زَمٌّ؛
يَعْنِي: سُكُوتٌ^٦.

١٩٥. رسول الله ﷺ: إِيَّاكُمْ ولباس الرُّهبانِ، فَإِنَّهُ مَنْ يَتَرَهَّبُ أو يَتَشَبَّهُ بِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي،
وَمَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ وَحَرَّمَهُ عَلَى نَفْسِهِ فَلَيْسَ مِنِّي، وَمَنْ تَرَكَ النِّسَاءَ كَرَاهِيَّةً فَلَيْسَ
مِنِّي^٧.

١. هي من رهبنة النصارى. وأصلها من الرهبة: الخوف. كانوا يترهبون بالتخلي من أشغال الدنيا وترك ملاذها
والزهد فيها والعزلة عن أهلها وتعهد مشاقها، حتى إن منهم من كان يخصي نفسه ويضع السلسلة في عنقه، وغير
ذلك من أنواع التعذيب، فتفاها النبي ﷺ عن الإسلام ونهى المسلمين عنها. والرهبان: جمع راهب. وقد يقع
على الواحد ويجمع على رهايين ورهابة. والرهينة فعلنة أو فعللة، على تقدير أصلية النون وزيادتها.
والرهبانية منسوبة إلى الرهينة بزيادة الألف (النهاية: ج ٢، ص ٢٨٠ «رهب»).

٢. النهاية في غريب الحديث: ج ٢ ص ٢٨٠، كشف الخفاء: ج ٢ ص ٣٧٧ ح ٣١٥٤؛ دعائم الإسلام: ج ٢
ص ١٩٣ ح ٧٠١، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣١٩.

٣. أراد ما كان عبادة بني إسرائيل يفعلونه من زَمِ الأنوف؛ وهو أن يُخَرَّقَ الأنف ويُعمل فيه زِمَام كزِمَام الناقة لِيُقَادَ
به. والخِزَام جمع خِزامة؛ وهي حلقة من شعر تجعل في أحد جانبي منخري البعير. كانت بنو إسرائيل تخزم
أنوفها وتخرق تراقيها ونحو ذلك من أنواع التعذيب، فوضع الله عن هذه الأمة، أي: لا يفعل الخِزَام في الإسلام
(النهاية: ج ٢ ص ٣١٤ «زَم» و ص ٢٩ «خزم»).

٤. نثر الدر: ج ١ ص ٢١٦؛ المصنف لعبد الرزاق: ج ٨ ص ٤٤٨ ح ١٥٨٦٠ نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٢٢٠
ح ١١١١ نقلًا عن شعب الإيمان وكلاهما عن طاووس.

٥. السِّيَاخَةُ: الذهاب في الأرض للعبادة والترهب (لسان العرب: ج ٢ ص ٤٩٢ «سِيح»).

٦. الخصال: ص ١٣٧ ح ١٥٤، معاني الأخبار: ص ١٧٤ ح ١ وفيه «ولا رَمَ» بدل «ولا زَمَ» وكلاهما عن زيد بن
علي عن آبائه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١١٥ ح ٢.

٧. الفردوس: ج ١ ص ٣٨١ ح ١٥٣٤ عن الإمام علي عليه السلام، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ١٧٨ ح ٣٩٠٩،
مجمع الزوائد: ج ٥ ص ٢٣٠ ح ٨٥٧٥ كلاهما عن أبي كريمة عن الإمام علي عليه السلام وليس فيهما ذيله من
«ومن ترك اللحم...».

فرا خوانند. از این رو، به سیاحت^۱ در آبادی‌ها پرداختند و رهبانیت پیشه کردند.

اینان، همان‌ها بودند که خداوند، درباره آنها فرموده است: «و ترک دنیایی که از پیش خود در آوریدند، ما آن را برایشان مقرر نکردیم».

پیامبر ﷺ سپس فرمود: «هرکس به من ایمان آورد و تصدیق کرد و از من پیروی نمود، این رهبانیت را، چنان که باید، رعایت کرده است و آنان که به من ایمان نیاوردند، هم ایشان‌اند هلاک شدگان».

۱۹۲. پیامبر خدا ﷺ: در اسلام، رهبانیت نیست.

۱۹۳. پیامبر خدا ﷺ: زمام و خزام^۲ و رهبانیت و گوشه‌نشینی و سیاحت، در اسلام نیست.

۱۹۴. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «رهبانیت^۳ و سیاحت و زَم (یعنی سکوت) در اَمّت من نیست».

۱۹۵. پیامبر خدا ﷺ: از درآمدن به جامه راهبان پرهیزید، که هرکس رهبانیت پیشه کند تا به راهبان همانندی بجوید، از من نیست و هرکس گوشت خوردن را ترک کند و آن را بر خویشتن حرام سازد، از من نیست و هرکس از سر بیزاری ترک زن کند، از من نیست.

۱. سیاحت: گشتن در زمین برای عبادت (لسان العرب ج ۲، ص ۴۹۲ «سیح»)، درویشی، دوره‌گردی.

۲. زمام، کاری بود که عابدان بنی اسرائیل می‌کردند. آنها، بینی خود را می‌شکافتند و مثل شتر، خود را مهار می‌زدند. خزام نیز جمع «خزامة» است و خزامه، حلقه‌ای موئین است که در بینی شتر می‌کنند و مهار بر آن می‌بندند. بنی اسرائیل نیز با خود، همین کار را می‌کردند و امثال این شکنجه‌ها را بر سر خود می‌آوردند. خداوند، این رسوم و عادات را از اَمّت اسلام برداشت.

۳. از ریشه «رَهَبَة» است، به معنای ترس و خوف. راهبان مسیحی، از کار و لذت‌های دنیا دست می‌شستند و تارک دنیا می‌شدند و از مردم، کناره می‌گرفتند و حتی بعضی از آنها خود را خواجه می‌کردند و زنجیر به گردن می‌آویختند و شکنجه‌های دیگری بر خویش روا می‌داشتند. پیامبر ﷺ همه اینها را از اسلام، حذف کرد و مسلمانان را از آن اعمال، نهی فرمود.

١٩٦. عنه عليه السلام: تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَافِّرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا تَكُونُوا كَرَهْبَانِيَّةِ النَّصَارَى.^١

١٩٧. عنه عليه السلام: لَا إِخْصَاءَ فِي الْإِسْلَامِ وَلَا بُنْيَانَ كَنِيسَةٍ.^٢

١٩٨. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَعْطَى مُحَمَّدًا عليه السلام شَرَائِعَ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى عليهم السلام: التَّوْحِيدَ وَالْإِخْلَاصَ وَخَلَعَ الْأَنْدَادَ وَالْفِطْرَةَ الْحَنِيفَةَ السَّمْعَةَ، وَلَا رَهْبَانِيَّةَ وَلَا سِيَاحَةَ، أَحَلَّ فِيهَا الطَّيِّبَاتِ وَحَرَّمَ فِيهَا الْخَبَائِثَ، وَوَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ^٣ وَالْأَغْلَالَ^٤ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ.^٥

١٩٩. عنه عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَنَاقِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» - : نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَبِلَالٍ وَعُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ، فَأَمَّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَحَلَفَ أَلَّا يَنَامَ بِاللَّيْلِ أَبَدًا، وَأَمَّا بِلَالٌ فَإِنَّهُ حَلَفَ أَلَّا يُفْطِرَ بِالنَّهَارِ أَبَدًا، وَأَمَّا عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ فَإِنَّهُ حَلَفَ أَلَّا يَنْكِحَ أَبَدًا. فَدَخَلَتْ امْرَأَةُ عُثْمَانَ عَلَى عَائِشَةَ وَكَانَتْ امْرَأَةً جَمِيلَةً، فَقَالَتْ عَائِشَةُ:

١. السنن الكبرى: ج ٧ ص ١٢٥ ح ١٣٢٥٧ عن أبي أمامة، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج ٤ ص ٢٨٥ ح ١٧٨٢، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٧٥ ح ٤٤٤٣٢.

٢. السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٢١ ح ١٩٧٩٣ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٧٣ ح ٤٤٤١٧: الجعفریات: ص ٨٠، النوادر للراوندي: ص ١٦٩ ح ٢٦٤ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه عليه السلام وفيهما «كنيسة محدثة» بدل «بنيان كنيسة».

٣. الإصر: الإثم والعقوبة، وأصله من الضيق والحبس، يقال: أصره إذا حبسه وضيق عليه (النهاية: ج ١ ص ٥٢ «أصر»).

٤. الغل: طوق من حديد يجعل في العنق، والجمع: أغلال (المصباح المنير: ص ٤٥٢ «غل»). أي ما كان معزماً عليهم من التكاليف الشاقة: نحو قرض موضع النجاسة من الجلد والثوب، وإحراق الغنائم، وتحريم السبب، وذكر الأغلال مثل لها، فكانهم غلّوا عنها (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٣٣٠ «غلل»).

٥. الكافي: ج ٢ ص ١٧ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ٢٢٨ ح ١٠٢٥، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣١٧ ح ١.

۱۹۶. پیامبر خدا ﷺ: ازدواج کنید؛ زیرا که من، در روز قیامت به وجود شما بر امت‌ها مباحثات می‌کنم. مانند نصارا، رهبانیت پیشه مسازید.

۱۹۷. پیامبر خدا ﷺ: در اسلام، خواجه کردن و کلیسا ساختن، روا نیست.

۱۹۸. امام صادق علیه السلام: خدای - تبارک و تعالی - شریعت‌های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی را به محمد ﷺ عطا کرد: یکتاپرستی را، اخلاص را، شرک‌ستیزی را و فطرت حنیفی آسان (آیین اسلام و خداپرستی) را. رهبانیت و سیاحت، روا نیست. در این شریعت‌ها، چیزهای پاک و پاکیزه را حلال کرد و پلیدی‌ها را حرام گردانید و سختگیری‌ها و زنجیرهایی را که بر گردن آنها بود، از ایشان برداشت.

۱۹۹. امام صادق علیه السلام: درباره آیه شریف «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پاکیزه‌هایی را که خدا برای شما حلال کرده است، حرام شمارید»؛ این آیه درباره امیر مؤمنان علیه السلام و بلال و عثمان بن مظعون، نازل شد. امیر مؤمنان، سوگند خورد که شب، هرگز نخوابد؛ بلال، سوگند خورد که همیشه روزه بگیرد عثمان بن مظعون نیز سوگند خورد که هرگز نزدیکی نکند.

[روزی] همسر عثمان - که زن زیبایی بود - نزد عایشه آمد. عایشه گفت: چرا به خودت نمی‌رسی؟

گفت: برای چه کسی آرایش کنم؟ به خدا سوگند که شوهرم از فلان و بهمان وقت با من نزدیکی نکرده است، رهبانیت پیشه کرده و پشمینه پوشیده و زاهد شده است.

ما لي أراك مُعْطَلَّةً؟ فَقَالَتْ: وَلِمَنْ أُتْرِيقُ؟ فَوَاللَّهِ مَا قَارَبَنِي زَوْجِي مُنْذُ كَذَا وَكَذَا، فَإِنَّهُ قَدْ تَرَهَّبَ وَلَيْسَ الْمُسَوِّحَ وَزَهْدَ فِي الدُّنْيَا.

فَلَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ بِذَلِكَ، فَخَرَجَ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ، فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

ما بال أقوام يُحَرِّمُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمُ الطَّيِّبَاتِ؟! أَلَا إِنِّي أَنَامُ بِاللَّيْلِ، وَأُنْكِحُ، وَأُفْطِرُ بِالنَّهَارِ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي.

فَقَامُوا هَوْلَاءِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَدْ حَلَفْنَا عَلَى ذَلِكَ! فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُمْهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَخْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَرْتُمْ إِذَا خَلَفْتُمْ﴾^١ الْآيَةُ ٢.

٢٠٠. تفسير الطبري عن ابن عباس - في قوله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ﴾ -: هُمْ رَهْطٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ قَالُوا: نَقْطَعُ مَذَاكِرَنَا وَنَتْرُكُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَنَسِيحُ فِي الْأَرْضِ، كَمَا تَفْعَلُ الرُّهْبَانُ.

فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ﷺ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمْ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُمْ، فَقَالُوا: نَعَمْ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَكِنِّي أَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأُصَلِّي وَأَنَامُ وَأُنْكِحُ النِّسَاءَ، فَمَنْ أَخَذَ بِسُنَّتِي فَهُوَ مِنِّي، وَمَنْ لَمْ يَأْخُذْ بِسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي.^٣

١. المائدة: ٨٩.

٢. تفسير القمي: ج ١ ص ١٧٩ عن ابن أبي عمير عن بعض رجاله، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١١٦ ح ٤.

٣. تفسير الطبري: ج ٥ الجزء ٧ ص ١٠، تفسير ابن كثير: ج ٣ ص ١٦٠، الدر المنثور: ج ٣ ص ١٣٩.

چون پیامبر خدا آمد، عایشه، موضوع را به ایشان گفت. پیامبر ﷺ بیرون آمد و مردم را به مسجد فرا خواند. مردم جمع شدند. ایشان بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عده‌ای را چه می‌شود که چیزهای پاک و روا را بر خود، حرام می‌شمارند؟! بدانید که من، شب می‌خوابم و نزدیکی می‌کنم، و روز، غذا می‌خورم. پس، هر که از راه و رسم من روی گرداند، از من نیست.

آن سه نفر برخاستند و گفتند: ای پیامبر خدا! ما بر این کار، سوگند خورده‌ایم.

در این هنگام، خداوند متعال این آیات را فرو فرستاد: ﴿خدا، شما را بر سوگندهای بیهوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند؛ بلکه به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید]، شما را مؤاخذه می‌کند و کفاره‌اش، خوراک دادن به ده بینوا - از غذاهای متوسطی است که به کسان خود می‌خورانید، یا پوشانیدن آنان، یا آزاد کردن بنده‌ای، و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد، سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما، وقتی که سوگند می‌خورید﴾.

۲۰۰. تفسیر الطبری - به نقل از ابن عباس، درباره این سخن خدای متعال: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پاکیزه‌هایی را که خدا برای شما حلال کرده است، حرام مشمارید﴾ - : اینان، تعدادی از یاران پیامبر ﷺ بودند که گفتند: خود را آخته می‌کنیم و شهوات دنیا را فرو می‌گذاریم و مانند راهبان در زمین به گشت [و رهبانیت] می‌پردازیم.

این خبر به پیامبر ﷺ رسید. در پی ایشان فرستاد و ماجرا را از آنان جویا شد. گفتند: آری؛ چنین گفته‌ایم.

پیامبر ﷺ فرمود: «اما من [به جای خود] روزه می‌گیرم و [به جای خود] روزه نمی‌گیرم، هم نماز می‌خوانم و هم [شب‌ها] می‌خوابم، و با زنان نیز هم‌بستر می‌شوم. پس هر که به سنت من عمل کند، از من است و هر که به سنت من عمل نکند، از من نیست».

٢٠١ . مسند ابن حنبل عن عروّة: دَخَلَتْ امْرَأَةُ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ - أَحْسَبُ اسْمَهَا خَوْلَةَ بِنْتُ حَكِيمٍ - عَلَى عَائِشَةَ وَهِيَ بَادَّةُ الْهَيْئَةِ، فَسَأَلَتْهَا: مَا شَأْنُكَ؟ فَقَالَتْ: رُوجِي يَقُومُ اللَّيْلَ وَيَصُومُ النَّهَارَ.

فَدَخَلَ النَّبِيُّ ﷺ، فَذَكَرَتْ عَائِشَةُ ذَلِكَ لَهُ، فَلَقِيَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عُثْمَانَ فَقَالَ: يَا عُثْمَانُ، إِنَّ الرَّهْبَانِيَّةَ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْنَا، أَفَمَا لَكَ فِيَّ أَسْوَةٌ؟ فَوَاللَّهِ إِنِّي أَخْشَاكُمُ لِلَّهِ وَأَحْفَظُكُمْ لِخُدُودِهِ^١.

٢٠٢ . الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَتْ امْرَأَةُ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ عُثْمَانَ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ!

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُغْضَبًا يَحْمِلُ نَعْلَيْهِ، حَتَّى جَاءَ إِلَى عُثْمَانَ فَوَجَدَهُ يُصَلِّي، فَانْصَرَفَ عُثْمَانُ حِينَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ لَهُ: يَا عُثْمَانُ، لَمْ يُرْسَلَنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ، وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْخَنِيفَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ، أَصُومُ وَأُصَلِّي وَالْمِسْ أَهْلِي، فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَسْتَسِنْ بِسُنَّتِي وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ^٢.

٢٠٣ . الطبقات الكبرى عن أبي قلابة: إِنَّ عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ اتَّخَذَ بَيْتًا فَقَعَدَ يَتَعَبَّدُ فِيهِ، فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ﷺ، فَأَتَاهُ فَأَخَذَ بِعِضَادَتِي بَابِ الْبَيْتِ الَّذِي هُوَ فِيهِ، فَقَالَ:

يَا عُثْمَانُ، إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِي بِالرَّهْبَانِيَّةِ - مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا - وَإِنْ خَيْرَ الدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْخَنِيفَةُ السَّمْحَةُ^٣.

١ . مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٥٦ ح ٢٥٩٥١، المصنف لعبد الرزاق: ج ٧ ص ١٥٠ ح ١٢٥٩١، صحيح ابن حبان: ج ١ ص ١٨٥ ح ٩، موارد الظمآن: ص ٣١٣ ح ١٢٨٨، المعجم الكبير: ج ٩ ص ٢٨ ح ٨٢١٩ والثلاثة الأخيرة عن عائشة، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٧ ح ٥٤٢٠.

٢ . الكافي: ج ٥ ص ٤٩٤ ح ١ عن ابن القدّاح، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٢٦٤ ح ٣.

٣ . الطبقات الكبرى: ج ٣ ص ٣٩٥، تليس إيليس: ص ٢٢٠ نحوه، الدر المنثور: ج ٣ ص ١٢٥، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج ٤ ص ٢٨٦ ح ١٧٨٢، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٧ ح ٥٤٢٢.

۲۰۱. مسند ابن حنبل - به نقل از عروه - : زن عثمان بن مظعون - که گمان می‌کنم نامش خوله دختر حکیم باشد - با ظاهری ژولیده و نامرتب، بر عایشه وارد شد. عایشه گفت: این، چه سر و وضعی است؟

گفت: شوهرم شب‌ها را به عبادت می‌گذراند و روزها را به روزه‌داری. پیامبر ﷺ وارد شد. عایشه، موضوع را به ایشان گفت: پیامبر خدا، عثمان را ملاقات کرد و فرمود: «ای عثمان! رهبانیت بر ما مقرر نشده است. آیا من، سرمشق تو نیستم؟ به خدا سوگند که من از همه شما خداترس‌ترم و بیش از همه شما حدود او را پاس می‌دارم.

۲۰۲. امام صادق علیه السلام: زن عثمان بن مظعون، نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! عثمان، کارش این شده که روزها را روزه بگیرد و شب‌ها را به عبادت بگذراند.

پیامبر خدا، پای‌افزار به دست و خشمناک، بیرون شد تا نزد عثمان آمد. او را مشغول نماز خواندن یافت. عثمان با دیدن پیامبر خدا، نمازش را سلام داد و به او فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال، مرا با رهبانیت نفرستاده؛ بلکه با آیین مستقیم و ساده و آسانگیر، فرستاده است. من، هم نماز می‌خوانم، هم روزه می‌گیرم و هم به همسرم می‌رسم. پس، هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند، و از سنت من است نزدیکی کردن».

۲۰۳. الطبقات الکبری - به نقل از ابو قلابه - : عثمان بن مظعون، اتاقی ساخت و در آن به عبادت نشست. خبرش به پیامبر ﷺ رسید. نزد او آمد و دو چارچوب در اتاقی را که عثمان در آن بود، گرفت و دو یا سه بار فرمود: «ای عثمان! خداوند، مرا با رهبانیت نفرستاده است. بهترین دین در نزد خدا، دین مستقیم و آسان است».

٢٠٤ . سنن الدارمي عن سعد بن أبي وقاص: لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ الَّذِي كَانَ مِنْ تَرَكِ النِّسَاءِ، بَعَثَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا عُثْمَانُ، إِنِّي لَمْ أُوَمِّرْ بِالرَّهْبَانِيَّةِ، أَرِغِبْتَ عَنْ سُنتِي؟
قَالَ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: إِنَّ مِنْ سُنتِي أَنْ أُصَلِّيَ وَأَنَامَ، وَأُصُومَ وَأُطْعِمَ، وَأُنْكِحَ وَأُطْلِقَ، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنتِي فَلَيْسَ مِنِّي. يَا عُثْمَانُ، إِنَّ لِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا.

قَالَ سَعْدٌ: فَوَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ أَجْمَعَ رِجَالٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِنْ هُوَ أَقَرَّ عُثْمَانَ عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ أَنْ يُخْتَصِيَ، فَتَبَيَّلَ^١.
٢٠٥ . عوالي اللآلي: رُوِيَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ جَلَسَ لِلنَّاسِ وَوَصَفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَمْ يَزِدْهُمْ عَلَى التَّخْوِيفِ، فَفَرَّقَ النَّاسُ وَبَكَوْا. فَاجْتَمَعَ عَشْرَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فِي بَيْتِ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ، وَاتَّفَقُوا عَلَى أَنْ يَصُومُوا النَّهَارَ، وَيَقُومُوا اللَّيْلَ، وَلَا يَقْرُبُوا النِّسَاءَ، وَلَا الطَّيِّبَ، وَيَلْبَسُوا الْمُسُوحَ، وَيَرْفُضُوا الدُّنْيَا، وَيَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ وَيَتَزَهَّبُوا، وَيَخْصُوا الْمَذَاكِرَ.

فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ﷺ فَأَتَى مَنْزِلَ عُثْمَانَ فَلَمْ يَجِدْهُ، فَقَالَ لِامْرَأَتِهِ: أَحَقُّ مَا بَلَغَنِي؟ فَكَرِهَتْ أَنْ يُكَذِّبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَأَنْ تَبْتَدِيَ عَلَى زَوْجِهَا، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنْ كَانَ أَخْبَرَكَ عُثْمَانُ فَقَدْ صَدَقَكَ. وَانصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

١ . سنن الدارمي: ج ٢ ص ٥٧٠ ح ٢٠٩٢، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج ١ ص ٦٧٩ ح ٣٩٤ وراجع سنن أبي داود: ج ٢ ص ٢٨ ح ١٣٦٩.

۲۰۴. سنن الدارمی - به نقل از سعد بن ابن وقاص - : چون عثمان بن مظعون، ترک زن کرد، پیامبر خدا در پی او فرستاد و فرمود: «ای عثمان! من به رهبانیت امر نشده‌ام. آیا از سنت من روی گردانی؟».

عثمان گفت: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: «از سنت من است که نماز بخوانم و بخوابم، و روزه بگیرم و غذا بخورم، و ازدواج کنم و طلاق بدهم. پس، هر که به سنت من پشت کند، از من نیست. ای عثمان! زن تو هم بر تو حقی دارد و نفس تو را نیز بر تو حقی است.».

سعد گفت: به خدا سوگند، تعدادی از مردان مسلمان هم‌داستان شده بودند که چنانچه پیامبر خدا بر کار عثمان صحه گذاشت، خود را خواجه سازیم و با زن، هم‌بستر نشویم.

۲۰۵. عوالی اللالی: در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ با مردم دیدار کرد و به وصف روز قیامت پرداخت و برای آنان، همه‌اش از عذاب گفت. مردم، متأثر شدند و گریستند. ده نفر از یاران ایشان در خانه عثمان بن مظعون، گرد آمدند و با هم قرار گذاشتند که روزها، روزه بگیرند و شب‌ها را به عبادت بگذرانند و با زنان، هم‌بستر نشوند و از بوی خوش، استفاده نکنند، پشمینه بپوشند، ترک دنیا گویند و سر به کوه و بیابان بگذارند و رهبانیت پیشه کنند و خویشان را خواجه سازند.

این خبر به پیامبر ﷺ رسید. به خانه عثمان آمد؛ اما او را در آن جا نیافت. از همسر او پرسید: «آیا خبری که به من رسیده است، صحت دارد؟».

او که دوست نداشت به پیامبر خدا دروغ بگوید و از سوی دیگر، نخواست پرده از کار شوهرش بردارد، گفت: ای پیامبر خدا! اگر عثمان به شما گفته است، درست گفته است.

وَأَتَى عُثْمَانُ مَنْزِلَهُ، فَأَخْبَرَتْهُ زَوْجَتُهُ بِذَلِكَ، فَأَتَتْهُ هُوَ وَأَصْحَابُهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ لَهُمْ: أَلَمْ أَتِبَا أُنْكُمْ اتَّفَقْتُمْ؟ فَقَالُوا: مَا أَرَدْنَا إِلَّا الْخَيْرَ، فَقَالَ: إِنِّي لَمْ أُمِرْ بِذَلِكَ، ثُمَّ قَالَ:

إِنَّ لِنَفْسِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا؛ فَصُومُوا وَأَفْطِرُوا، وَقَوْمُوا وَنَامُوا، فَإِنِّي أَصُومُ وَأَفْطِرُ وَأَقُومُ وَأَنَامُ، وَآكُلُ اللَّحْمَ وَاللَّسَمَ، وَآتِي النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنتِي فَلَيْسَ مِنِّي.

ثُمَّ جَمَعَ النَّاسَ وَخَطَبَهُمْ، وَقَالَ: مَا بَالُ قَوْمٍ حَرَّمُوا النِّسَاءَ، وَالطَّيِّبَ، وَالنَّوْمَ، وَشَهَوَاتِ الدُّنْيَا؟ وَأَمَّا أَنَا فَلَسْتُ أَمُرُّكُمْ أَنْ تَكُونُوا قِسِّيَّيْنَ وَرُهْبَانًا، إِنَّهُ لَيْسَ فِي دِينِي تَرْكُ اللَّحْمِ وَالنِّسَاءِ، وَاتِّخَاذُ الصَّوَامِ، إِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي فِي الصَّوْمِ، وَرَهْبَانِيَّتَهَا الْجِهَادُ.

اعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَحُجُّوا وَاعْتَمِرُوا، وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَآتُوا الزَّكَاةَ، وَصُومُوا شَهْرَ رَمَضَانَ، وَاسْتَقِيمُوا يَسْتَقِيمَ لَكُمْ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ قَبْلَكُمْ بِالتَّشْدِيدِ، شَدَّدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَشَدَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، فَأُولَئِكَ بَقَايَاهُمْ فِي الدِّيَارَاتِ وَالصَّوَامِ^١.

٢٠٦. مسند ابن حنبل عن مجاهد عن رجل من الأنصار من أصحاب الرسول ﷺ: ذَكَرُوا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَوْلَاةً لِبَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، فَقَالَ: إِنَّهَا تَقُومُ اللَّيْلَ وَتَصُومُ النَّهَارَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

لِكِنِّي أَنَا أَنَامُ وَأُصَلِّي، وَأَصُومُ وَأَفْطِرُ، فَمَنْ اقْتَدَى بِي فَهُوَ مِنِّي، وَمَنْ رَغِبَ

پیامبر خدا رفت. عثمان به خانه‌اش آمد. همسرش ماجرا را به او گفت. عثمان و یارانش نزد پیامبر ﷺ آمدند. پیامبر ﷺ به آنان فرمود: «[گمان می‌کنید] خبر ندارم که بر چه هم‌داستان شده‌اید؟». گفتند: ما جز نیت نیک نداشته‌ایم.

پیامبر ﷺ فرمود: «من، مأمور به این کارها نشده‌ام».

سپس فرمود: «نفس‌های شما را بر شما حقی است. پس [به وقتش] روزه بگیرید و [به وقتش] روزه نگیرید، هم نماز شب بخوانید و هم شب‌ها بخوابید؛ زیرا که من، هم روزه می‌گیرم، هم [به وقتش] روزه نمی‌گیرم، هم شب‌ها را عبادت می‌کنم و هم می‌خوابم، گوشت و چربی می‌خورم و با زنان نزدیکی می‌کنم. پس، هر که از راه و رسم من روی برتابد، از من نیست».

آن گاه، مردم را جمع کرد و برایشان سخن گفت و فرمود: «عده‌ای را چه شده که زن و بوی خوش و خواب و تمایلات دنیوی را بر خود حرام کرده‌اند؟! اما من، به شما دستور نمی‌دهم که کشیشی و راهبی پیشه کنید. ترک گوشت و زن و صومعه‌نشینی در دین من نیست. سیاحت امت من، در روزه است و رهبانیتش در جهاد. خدا را پرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید. حج بگذارید و عمره به جای بیاورید و نماز بخوانید و زکات پردازید و ماه رمضان را روزه بگیرید و [در دینتان] مستقیم [و معتدل] باشید تا برایتان مستقیم بماند؛ چه، کسانی که پیش از شما بودند، در حقیقت، به سبب همین سختگیری‌ها نابود شدند، بر خود سخت گرفتند و در نتیجه، خدا هم بر آنان سخت گرفت، و اینها که در دیرها و صومعه‌ها می‌بینید، بقایای همین افراد هستند».

۲۰۶. مسند ابن حنبل - به نقل از مجاهد، از مردی از انصار که صحابی پیامبر ﷺ بود - : در نزد پیامبر خدا از کنیزی از بنی عبد المطلب، سخن به میان آوردند. مرد انصاری گفت: آن زن، شب‌ها عبادت می‌کند و روزها روزه می‌گیرد.

عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. ١

٢٠٧. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ ثَلَاثَ نِسْوَةٍ أَتَيْنَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: إِنَّ زَوْجِي لَا يَأْكُلُ اللَّحْمَ، وَقَالَتِ الْآخَرَى: إِنَّ زَوْجِي لَا يَشُمُّ الطَّيِّبَ، وَقَالَتِ الْآخَرَى: إِنَّ زَوْجِي لَا يَقْرُبُ النِّسَاءَ.

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجُرُّ رِدَاءَهُ حَتَّى صَعِدَ الْمِنْبَرَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا بَالُ أَقْوَامٍ مِنْ أَصْحَابِي لَا يَأْكُلُونَ اللَّحْمَ وَلَا يَشُمُّونَ الطَّيِّبَ وَلَا يَأْتُونَ النِّسَاءَ! أَمَا إِنِّي آكُلُ اللَّحْمَ وَأَشُمُّ الطَّيِّبَ وَأَتِي النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. ٢

٢٠٨. عنه عليه السلام - لَمَّا كَتَبَ إِلَيْهِ سُكَيْنُ النَّخَعِيِّ: وَكَانَ تَعَبَّدَ وَتَرَكَ النِّسَاءَ وَالطَّيِّبَ وَالطَّعَامَ، فَكَتَبَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ عليه السلام -: أَمَّا قَوْلُكَ فِي النِّسَاءِ فَقَدْ عَلِمْتَ مَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنَ النِّسَاءِ، وَأَمَّا قَوْلُكَ فِي الطَّعَامِ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ اللَّحْمَ وَالْعَسَلَ. ٣

٢٠٩. رسول الله ﷺ: الْمُؤْمِنُ حُلُوٌّ يُحِبُّ الْحَلَاوَةَ، وَمَنْ حَرَّمَهَا عَلَى نَفْسِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ، لَا تُحَرِّمُوا نِعْمَةَ اللَّهِ وَالطَّيِّبَاتِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَاشْكُرُوا،

١. مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٢٤ ح ٢٢٥٢٣، أسد الغابة: ج ٦ ص ٢٧٧ ح ٦٥٠٤ نحوه، مجمع الزوائد: ج ٣ ص ٢٢٢ ص ٥١٦٥.

٢. الكافي: ج ٥ ص ٤٩٦ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ١٢٤ ح ٩٤ وراجع كثر العمال: ج ٣ ص ٦٧٠ ح ٨٤١٥. ولعمري من الاطلاع على روايات أخرى في هذا الباب راجع تفسير الطبري: ج ٥ الجزء ٧ ص ٩ والدر المنثور: ج ٣ ص ١٣٩.

٣. الكافي: ج ٥ ص ٣٢٠ ح ٤، رجال الكشي: ج ٢ ص ٦٨٨ ح ٦٩١، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٩٣ ح ٧٠٢. كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١١٧ ح ٦.

پیامبر خدا فرمود: «اَما من، می خوابم و نماز می خوانم و [گاه] روزه می گیرم و [گاه] نمی گیرم. پس، هر که به من اقتدا کند، از من است و هر که به راه و رسم من پشت کند، از من نیست».

۲۰۷. امام صادق علیه السلام: سه زن نزد پیامبر خدا آمدند. یکی از آنها گفت: شوهرم گوشت نمی خورد.

دیگری گفت: شوهرم بوی خوش نمی بوید.

سومی گفت: شوهرم به زنان نزدیک نمی شود.

پیامبر خدا، رداکشان بیرون رفت و بر منبر شد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عده‌ای از یاران مرا چه شده است که گوشت نمی خورند و عطر نمی بویند و به زنان نزدیک نمی شوند؟! بدانید که من، خود، گوشت می خورم و عطر می بویم و پیش زنان می روم. پس، هر که از سنت من روی گرداند، از من نیست».

۲۰۸. امام صادق علیه السلام - در پاسخ نامه‌ی شکین نخعی که به عبادت روی آورده و زن و استعمال بوی خوش و خوردن غذا [های لذیذ] را ترک کرده و در این باره از امام علیه السلام پرسیده بود چنین نوشت -: اَما سخن تو درباره زن. تو خود می دانی که پیامبر خدا زنانی داشته است؛ و اَما سخن تو درباره خوراکی ها. پیامبر خدا، گوشت و غسل می خورد.

۲۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، شیرین است و شیرینی را دوست دارد و هر کس آن را بر خود حرام گرداند، خدا و پیامبرش را نافرمانی کرده است. نعمت خدا و حلال ها را بر خود حرام نکنید. بخورید و بیاشامید و شکر خدا کنید که اگر

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا لَزِمْتُكُمْ^١ عُقُوبَةُ اللَّهِ ﷻ.

٢١٠. عنه ﷺ: طَوْبِي لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ، وَزَهَّدَ فِيمَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ رَغْبَةٍ عَنْ سِيرَتِي، وَرَفَضَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ تَحَوُّلٍ عَنْ سُنتِي.^٢

٢١١. نهج البلاغة: مِنْ كَلَامِ لَهُ [الإمام عليّ ﷺ] بِالْبَصْرَةِ، وَقَدْ دَخَلَ عَلَى الْعَلَاءِ بْنِ زِيَادٍ الْحَارِثِيُّ - وَهُوَ مِنْ أَصْحَابِهِ - يَعُودُهُ، فَلَمَّا رَأَى سَعَةَ دَارِهِ قَالَ:

مَا كُنْتُ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا، وَأَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَج؟ وَبَلَى إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ: تُقْرَى فِيهَا الضَّيْفُ، وَتُصِلُ فِيهَا الرَّحِمُ، وَتُطْلَعُ مِنْهَا الْحُقُوقُ مَطَالِعُهَا، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ.

فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْكُو إِلَيْكَ أَخِي عَاصِمَ بْنَ زِيَادٍ. قَالَ: وَمَا لَهُ؟ قَالَ: لَبَسَ الْعِبَاءَةَ وَتَخَلَّى عَنِ الدُّنْيَا. قَالَ: عَلَيَّ بِهِ. فَلَمَّا جَاءَ قَالَ:

يَا عُدِّي نَفْسِي، لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ!^٣ أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ؟ أُنْزِلَ اللَّهُ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ، وَهُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا! أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ!

قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا أَنْتَ فِي خُسُونَةِ مَلْبَسِكَ وَجُشُوبَةِ مَا كَلَّكَ!

قَالَ: وَيَحَكَ، إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أَيْمَةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ؛ كَيْلَا يَتَبَيَّغَ^٥ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ!^٦

١. في المصدر: «ألزمتكم»، وما في المتن أثبتناه من كنز العمال.

٢. الفردوس: ج ٤ ص ١٧٧ ح ٦٥٥١ عن الإمام عليّ ﷺ، كنز العمال: ج ١ ص ٣٦٧ ح ١٦١٢.

٣. الكافي: ج ٨ ص ١٦٩ ح ١٩٠ عن أبي مريم عن الإمام الباقر ﷺ عن جابر بن عبد الله، تحف العقول: ص ٣٠ وفيه «سنتي» بدل «سیرتی»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٢٦ ح ٣٢.

٤. استهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ: يعني الشيطان؛ أي جعلك هانئاً ضالاً (شرح نهج البلاغة: ج ١١ ص ٣٣).

٥. لا يتبيغ: أي لا يتهمج (الصحيح: ج ٤ ص ١٣١٧ «بوغ»).

٦. نهج البلاغة: الخطبة ٢٠٩، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١١٨ ح ٨ وراجع ربيع الأبرار: ج ٤ ص ٣٨٠.

چنین نکردید، کیفر خدای ﷻ را بر شما لازم می‌سازم.

۲۱۰. پیامبر خدا ﷺ: خوشا به حال کسی که برای خداوند بلند نام، خاکساری کرد و به آنچه که خدا برایش حلال کرده، زهد ورزید، بی آن که از راه و رسم من، روی گردان باشد و زرق و برق دنیا را رها کرد، بی آن که از سنت من برگردد.

۲۱۱. نهج البلاغة - از سخنان علی ﷺ در بصره، هنگامی که به عیادت علاء بن زیاد حارثی، یکی از یارانش رفت و وسعت خانه او را دید -: این سرای فراخ در دنیا به چه کار تو می‌آید، در حالی که در آخرت به چنین خانه‌ای محتاج تری؟ البته، اگر بخواهی، می‌توانی با همین خانه به آخرت دست یابی: در آن از میهمان پذیرایی کنی، با خویشاوندان، صله رَحِم نمایی و حقوقی را که بر عهده توست، ادا کنی. در این صورت با آن به آخرت رسیده‌ای.

علاء گفت: ای امیرمؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می‌کنم. فرمود: «چه شده است؟».

گفت: ردا پوشیده و تارک دنیا شده است. فرمود: «او را نزد من بیاورید».

چون آمد، امام ﷺ حضرت فرمود: «ای دُشمنک خویش! [شیطان] پلید تو را گمراه ساخته است. به زن و فرزندان رحم نمی‌کنی؟! تو می‌پنداری که خداوند، نعمت‌های پاکش را بر تو حلال کرده است، اما دوست ندارد از آنها بهره‌گیری؟! تو نزد خداوند، خوارتر از این حرف‌هایی!».

گفت: ای امیرمؤمنان! تو خود، جامه‌ای چنین خشن می‌پوشی و خوراکی چنان خشک می‌خوری!

فرمود: «حیف از تو! من چون تو نیستم. خدای متعال بر پیشوایان عدالت فرض کرده است که خویشان را در سطح مردمان نادار قرار دهند تا ناداری فقیر، او را برنشوراند».

٧/٢

الْإِحْتِجَاجُ عَلَى مَنْ يُدْعُو إِلَى تَرْكِ الدُّنْيَا

٢١٢ . الكافي عن مسعدة بن صدقة: دَخَلَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَرَأَى عَلَيْهِ

ثِيَابَ بَيْضٍ كَأَنَّهَا غِرْقِيُّ^١ الْبَيْضِ، فَقَالَ لَهُ: إِنَّ هَذَا اللَّبَاسَ لَيْسَ مِنْ لِبَاسِكَ!

فَقَالَ لَهُ: إِسْمَعْ مِنِّي وَعِ مَا أَقُولُ لَكَ، فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكَ عَاجِلًا وَآجِلًا، إِنْ أَنْتَ

مِتَّ عَلَى السُّنَّةِ وَالْحَقِّ وَلَمْ تَمُتْ عَلَى بِدْعَةٍ!

أَخْبَرَكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ فِي زَمَانٍ مُقْفِرٍ جَدِبٍ^٢، فَأَمَّا إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا

فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا لَا فُجَّارُهَا، وَمُؤْمِنُوهَا لَا مُنَافِقُوهَا، وَمُسْلِمُوهَا لَا

كُفَّارُهَا، فَمَا أَنْكَرْتَ يَا ثَوْرِيُّ، فَوَاللَّهِ إِنِّي لَمَعَ مَا تَرَى مَا أَتَى عَلَيَّ - مُذْ

عَقَلْتُ - صَبَاحٌ وَلَا مَسَاءٌ وَلِلَّهِ فِي مَالِي حَقٌّ أَمَرَنِي أَنْ أَضَعَهُ مَوْضِعًا إِلَّا وَضَعْتُهُ.

قَالَ: فَأَتَاهُ قَوْمٌ مِمَّنْ يُظْهِرُونَ الزُّهْدَ، وَيَدْعُونَ النَّاسَ أَنْ يَكُونُوا مَعَهُمْ عَلَى

مِثْلِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ مِنَ التَّقَشُّفِ^٣، فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ صَاحِبَنَا حَصِرَ^٤ عَنْ كَلَامِكَ وَلَمْ

تَحْضُرَهُ حُجَجُهُ.

فَقَالَ لَهُمْ: فَهَاتُوا حُجَجَكُمْ!

فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ حُجَجَنَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ.

فَقَالَ لَهُمْ: فَأَدِلُّوا^٥ بِهَا فَإِنَّهَا أَحَقُّ مَا اتَّبِعَ وَعَمِلَ بِهِ.

١ . الغِرْقِيُّ - كزبرج -: القشرة الملتصقة ببياض البيض، أو البياض الذي يؤكل (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٣١٦ «غرق»).

٢ . الجدب: القحط (النهاية: ج ١ ص ٢٤٣ «جدب»).

٣ . المتقشف: الذي يتبلغ بالقوت وبالمرقع [من الثياب] (الصحاح: ج ٤ ص ١٤١٦ «قشف»).

٤ . حَصِرَ: عَيَّ فِي مَنْطِقِهِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْكَلَامِ (المعجم الوسيط: ج ١ ص ١٧٨ «حصر»).

٥ . أدلى بِحُجَّتِهِ: أثبت بها فوصل بها إلى دعواه (المصباح المنير: ص ١٩٩ «دلو»).

۷/۲

اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا

۲۱۲. الکافی - به نقل از مسعدة بن صدقه - : سفیان ثوری بر امام صادق علیه السلام درآمد و دید امام علیه السلام جامه‌هایی سپید مانند پوسته نازک چسبیده به سفیده تخم مرغ، پوشیده است. گفت: چنین جامه‌ای در شأن تو نیست!

امام فرمود: «از من بشنو و آنچه را به تو می‌گویم، حفظ کن؛ زیرا این در دنیا و آخرت به نفع توست که بر سنت و حق بمیری و بر بدعت از دنیا نروی. بدان که پیامبر خدا، در روزگار قحط و سختی به سر می‌برد؛ اما هرگاه دنیا رو کند، سزاوارترین اهل دنیا به برخورداری از آن، نیکان آن‌اند، نه نابه‌کارانش، و مؤمنان آن‌اند، نه منافقانش، و مسلمانان جامعه‌اند، نه کافران. این، چه اعتراضی است که می‌کنی، ای ثوری! به خدا سوگند، من، با این وضعی که در من می‌بینی، از زمانی که به سن رشد رسیده‌ام، هیچ بام و شامی بر من نگذشته است که در اموال من برای خداوند، حقی باشد و به من دستور داده باشد آن را پردازم، مگر این که آن حق را پرداخته‌ام».

در این هنگام، جماعتی که دم از زهد می‌زنند و مردم را نیز به راه و رسم خود، یعنی درویشی و خرقه‌پوشی فرامی‌خوانند، در آمدند و به ایشان گفتند: این رفیق ما از سخن گفتن با تو در مانده و قادر به اقامه دلایلش نیست.

امام علیه السلام به آنان فرمود: «پس، شما دلایلتان را بیاورید».

گفتند: دلایل ما از کتاب خداست.

فرمود: «آن دلایل را بازگو کنید؛ زیرا این گونه دلایل به پیروی و عمل

سزاوارترند».

فَقَالُوا: يَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مُخْبِرًا عَنْ قَوْمٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^١ فَمَدَحَ فِعْلَهُمْ، وَقَالَ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^٢ فَنَحْنُ نَكْتَفِي بِهَذَا.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْجُلَسَاءِ: إِنَّا رَأَيْنَاكُمْ تَزْهَدُونَ فِي الْأَطْعِمَةِ الطَّيِّبَةِ، وَمَعَ ذَلِكَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْخُرُوجِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى تَمْتَعُوا أَنْتُمْ مِنْهَا؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: دَعُوا عَنْكُمْ مَا لَا تَنْتَفِعُونَ بِهِ، أَخْبِرُونِي أَيُّهَا النَّفَرُ أَلَكُمْ عِلْمٌ بِنَاسِخِ الْقُرْآنِ مِنْ مَنْسُوخِهِ، وَمُحْكَمِهِ مِنْ مُتَشَابِهِهِ؛ الَّذِي فِي مِثْلِهِ ضَلَّ مَنْ ضَلَّ، وَهَلَكَ مَنْ هَلَكَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ؟



فَقَالُوا لَهُ: أَوْ بَعْضِهِ^٣، فَأَمَّا كُلُّهُ فَلَا.

فَقَالَ لَهُمْ: فَمِنْ هُنَا أُتَيْتُمْ! وَكَذَلِكَ أَحَادِيثُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. فَأَمَّا مَا ذَكَرْتُمْ مِنْ إِبْخَارِ اللَّهِ ﷻ إِنَّا فِي كِتَابِهِ عَنِ الْقَوْمِ الَّذِينَ أَخْبَرَ عَنْهُمْ بِحُسْنِ فِعَالِهِمْ، فَقَدْ كَانَ مُبَاحًا جَائِزًا وَلَمْ يَكُونُوا نُهَوَاءُ عَنْهُ، وَثَوَابُهُمْ مِنْهُ عَلَى اللَّهِ ﷻ، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَتَقَدَّسَ أَمْرٌ بِخِلَافٍ مَا عَمِلُوا بِهِ فَصَارَ أَمْرُهُ نَاسِخًا لِفِعْلِهِمْ، وَكَانَ نَهْيُ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - رَحْمَةً مِنْهُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَنَظَرًا؛ لِكَيْلَا يُضِرُّوا بِأَنْفُسِهِمْ وَعِيَالَتِهِمْ مِنْهُمْ الضَّعْفَةُ الصَّغَارُ وَالْوِلْدَانُ وَالشَّيْخُ الْفَانِي وَالْعَجُوزُ الْكَبِيرَةُ الَّذِينَ لَا يَصْبِرُونَ عَلَى الْجُوعِ، فَإِنْ تَصَدَّقْتُ بِرَغِيفِي وَلَا رَغِيفَ لِي غَيْرُهُ ضَاعُوا وَهَلَكُوا جُوعًا.

١. الحشر: ٩.

٢. الإنسان: ٨.

٣. كلمة «أو» في قولهم: «أو بعضه» بمعنى بَلْ (مرآة العقول: ج ١٩ ص ٧).

گفتند: خدای - تبارک و تعالی - درباره گروهی از یاران پیامبر ﷺ می فرماید: ﴿و بر خویشتن، ترجیح می دهند، هرچند در خود آنان، نیازی مبرم باشد، و هر کس از بخل خویش در امان بماند، اینان، همان رستگاران اند﴾. پس، عمل این گروه را ستوده است.

در جایی دیگر می فرماید: ﴿و خوراک را با آن که دوستش می دارند، به مستمند و یتیم و اسیر می خوراندند﴾. ما به همین دو آیه بسنده می کنیم. مردی از حاضران در مجلس گفت: به نظر ما، شما از خوراکی های لذیذ، دوری می کنید؛ ولی به مردم توصیه می کنید که از اموالشان دست بکشند تا شما از آنها بهره مند شوید.

امام صادق ﷺ فرمود: «این سخنان را که برایتان فایده ای ندارد، رها کنید؛ و شما ای جماعت! به من بگویید که آیا ناسخ و منسوخ قرآن، و محکم و متشابه آن را می شناسید؛ همان که هر کس از این امت به گمراهی و هلاکت افتاد، از آنها افتاد؟».

گفتند: بعضی از آنها را می دانیم، اما همه اش را نه.

فرمود: «گرفتاری شما از همین جااست. احادیث پیامبر ﷺ نیز این گونه است (دارای ناسخ و منسوخ و... است)؛ اما این که گفتید: خداوند ﷻ در کتابش از گروهی خبر داده و کردار آنها را ستوده است، [بدانید که آن روز] این عمل آنان، آزاد و مجاز بود و از آن، نهی نشده بودند و ثوابشان هم از آن کار، بر خداوند ﷻ است؛ اما بعداً خداوند بزرگ و پاک، خلاف آنچه کردند، فرمان داد و این فرمان او، ناسخ عمل ایشان شد. این نهی خداوند - تبارک و تعالی - نیز از سر مهر و عنایت به مؤمنان بود، برای این که به خود و خانواده شان (از جمله به کودکان و فرزندان خردسال و پیرمردان فرتوت و پیرزنان سالخورده خانواده که تحمل گرسنگی را ندارند)، صدمه نزنند؛ چرا که اگر من یک گرده نان داشته باشم و همان را هم صدقه بدهم، این افراد [در خانواده ام] از گرسنگی تلف می شوند و می میرند.

فَمِنْ ثَمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَمْسُ تَمَرَاتٍ أَوْ خَمْسُ قُرْصٍ أَوْ دَنَانِيرُ أَوْ دَرَاهِمُ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُمِضَّيْهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى وَالِدَيْهِ، ثُمَّ الثَّانِيَةُ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ، ثُمَّ الثَّالِثَةُ عَلَى قَرَاتِيهِ الْفُقَرَاءِ، ثُمَّ الرَّابِعَةُ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءِ، ثُمَّ الْخَامِسَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ وَهُوَ أَحْسَنُهَا أَجْراً».

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِلْأَنْصَارِيِّ حِينَ أَعْتَقَ عِنْدَ مَوْتِهِ خَمْسَةً أَوْ سِتَّةً مِنَ الرِّقَاقِ وَلَمْ يَكُنْ يَمْلِكُ غَيْرَهُمْ وَلَهُ أَوْلَادٌ صِغَارٌ: «لَوْ أَعْلَمْتُمْوْنِي أَمْرَهُ مَا تَرَكْتُكُمْ تَدْفِنُوهُ مَعَ الْمُسْلِمِينَ، يَتْرُكُ صَبِيَّةً صِغَاراً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ!».

ثُمَّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «إِبْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ، الْأَدْنَى قَالِ الْأَدْنَى».

ثُمَّ هَذَا مَا نَطَقَ بِهِ الْكِتَابُ رَدّاً لِقَوْلِكُمْ وَنَهياً عَنْهُ مَفْرُوضاً مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، قَالَ: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^١. أَفَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَالَ غَيْرَ مَا أَرَأَكُمْ تَدْعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَثَرَةِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَسَمَى مَنْ فَعَلَ مَا تَدْعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِ مُسْرِفاً، وَفِي غَيْرِ آيَةٍ مِنَ كِتَابِ اللَّهِ يَقُولُ: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^٢؟ فَتَهَاكُمُ عَنِ الْإِسْرَافِ وَنَهَاكُمُ عَنِ التَّقْتِيرِ وَلَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ؛ لَا يُعْطَى جَمِيعُ مَا عِنْدَهُ، ثُمَّ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُ، لِلْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ:

«إِنَّ أَصْنَافاً مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ: رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ. وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى غَرِيمٍ ذَهَبَ لَهُ بِمَالٍ فَلَمْ يَكْتُبْ عَلَيْهِ وَلَمْ يُشْهَدْ عَلَيْهِ. وَرَجُلٌ

١. الفرقان: ٦٧.

٢. الأنعام: ١٢١.

از همین جاست که پیامبر خدا فرمود: "انسان، پنج دانه خرما یا پنج گرده نان یا مقداری دینار و یا درهم دارد و می‌خواهد آنها را به مصرف برساند. بهترش آن است که آن را صرف پدر و مادرش کند؛ در درجه دوم، صرف خودش و عائله‌اش؛ در مرتبه سوم، صرف خویشاوندان نادرش؛ در مرتبه چهارم، صرف همسایگان نادرش؛ در درجه پنجم، در راه خدا [و جهاد] صرف کند که این، اجرش از بقیه کمتر است."

پیامبر خدا، درباره مردی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش بنده خود را آزاد کرد و جز آنها چیزی نداشت و تعدادی فرزند صغیر از خود بر جای نهاد، فرمود: "اگر این کار او را به من اطلاع داده بودید، نمی‌گذاشتم او را در گورستان مسلمانان دفن کنید. چند بچه صغیر باقی می‌گذارد که دست‌گذاری پیش مردم دراز کنند".

سپس فرمود: «پدرم برایم حدیث کرد که پیامبر خدا فرمود: "از کسانی که نانخور تو هستند، آغاز کن، به ترتیب نزدیکی شان به تو".

از این گذشته، قرآن در رد گفته (و عقیده) شما و نهی از آن و به عنوان فریضه‌ای از جانب خداوند عزیز حکیم می‌فرماید: ﴿وَأَنَّا لَا مَفْزَاقَ كُنَّا لَكُم مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ﴾. بلکه حد میانه این دو را در پیش گیرند. آیا نمی‌بینید که خداوند - تبارک و تعالی - جز آن چیزی را گفته است که می‌بینم شما، مردم را به آن دعوت می‌کنید؛ یعنی ترجیح دادن دیگران بر خود، و بر آن کس که آنچه شما مردم را به آن فرا می‌خوانید، به کار بندد، مُسْرِف نامیده است و در چند آیه از کتاب خدا می‌فرماید: ﴿هَٰمَانَا أَوْ اسْرَافَكَارَانَ رَا دُوسْت نَدَارَدُ﴾؟

پس، خداوند، مردم را از اسراف نهی کرده است و از تنگ گرفتن هم نهی کرده است؛ بلکه باید حد وسط را رعایت کرد، نه این که هر چه دارد، ببخشد و بعد دعا کند که خدا، روزی او را برساند. چنین دعایی پذیرفته نمی‌شود، به دلیل حدیثی که از پیامبر ﷺ رسیده است: "چند دسته از امت من، دعایشان

يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ تَخْلِيَةً سَبِيلَهَا بِيَدِهِ. وَرَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَيَقُولُ: رَبِّ ارْزُقْنِي؛ وَلَا يَخْرُجْ وَلَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ، فَيَقُولُ اللَّهُ لَهُ: عَبْدِي، أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ وَالضَّرْبَ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَحِيحَةٍ فَتَكُونَ قَدْ أَعْدَرْتَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فِي الطَّلَبِ لِاتِّبَاعِ أَمْرِي وَلَكَيْلَا تَكُونَ كَلًّا عَلَى أَهْلِكَ؟ فَإِنْ شِئْتَ رَزَقْتُكَ، وَإِنْ شِئْتَ قَتَرْتُ عَلَيْكَ وَأَنْتَ غَيْرُ مَعْذُورٍ عِنْدِي. وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا كَثِيرًا فَأَنْفَقَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُو: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيَقُولُ اللَّهُ لَهُ: أَلَمْ أَرْزُقْكَ رِزْقًا وَاسِعًا؟ فَهَلَّا اقْتَصَدْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ وَلَمْ تُسْرِفْ وَقَدْ نَهَيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ. وَرَجُلٌ يَدْعُو فِي قَطِيعَةِ رَحِمٍ.

ثُمَّ عَلَّمَ اللَّهُ نَبِيَّهُ ﷺ كَيْفَ يُنْفِقُ، وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَتْ عِنْدَهُ أُوقِيَّةٌ^۱ مِنَ الذَّهَبِ فَكَّرَهُ أَنْ يَبِيتَ عِنْدَهُ فَتَصَدَّقَ بِهَا، فَأَصْبَحَ وَلَيْسَ عِنْدَهُ شَيْءٌ، وَجَاءَهُ مَنْ يَسْأَلُهُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ، فَلَامَهُ السَّائِلُ، وَاعْتَمَّ هُوَ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ وَكَانَ رَحِيمًا رَقِيقًا، فَأَذَبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ ﷺ بِأَمْرِهِ فَقَالَ: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»^۲ يَقُولُ: إِنَّ النَّاسَ قَدْ يَسْأَلُونَكَ وَلَا يَعْذِرُونَكَ؛ فَإِذَا أُعْطِيتَ جَمِيعَ مَا عِنْدَكَ مِنَ الْمَالِ كُنْتَ قَدْ حَسَرْتَ مِنَ الْمَالِ.

فَهَذِهِ أَحَادِيثُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُصَدِّقُهَا الْكِتَابُ، وَالْكِتَابُ يُصَدِّقُ أَهْلَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ عِنْدَ مَوْتِهِ حَيْثُ قِيلَ لَهُ: أَوْصِ، فَقَالَ: أَوْصِي بِالْخُسْ،

۱. الأوقية: أربعون درهماً (الصحاح: ج ۶ ص ۲۵۲۷ «وقى»).

۲. الإسراء: ۲۹.

مستجاب نمی شود: مردی که پدر و مادرش را نفرین کند؛ مردی که بدهکارش را که به او مالی داده و آن را یادداشت نکرده و گواه نگرفته است [و او مالش را خورده است]، نفرین کند؛ مردی که زنش را نفرین کند، حال آن که خداوند ﷻ اختیار طلاقش را به دست او داده است؛ مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید: "خدایا! روزی مرا برسان"، و بیرون نرود و در طلب روزی برنیاید. خداوند ﷻ به او فرماید: "ای بنده من! آیا بدن و اندامی سالم به تو ندادم تا بتوانی برای به دست آوردن روزی در زمین بگردی و در نتیجه [اولاً] با پیروی کردن از دستور من در آنچه میان من و تو برای طلب روزی است، معذور باشی و [ثانیاً] باری بر دوش خانواده ات نباشی؟ اما حالا اگر بخواهم، روزی ات می دهم و اگر بخواهم، بر تو تنگ می گیرم و تو را در نزد من، عذری نیست. مردی که خداوند، ثروت فراوانی روزی او کند و او همه آن را انفاق [یا خرج] کند و بعد دعا کند که: پروردگارا! به من روزی عطا کن. خداوند ﷻ می فرماید: "آیا روزی فراخی به تو ندادم؟ چرا دستور مرا به کار نبستی و در انفاق آن روزی، جانب اعتدال نگه نداشتی؟ و چرا اسراف می کنی، در صورتی که من، تو را از اسرافکاری نهی کردم؟! و دیگر، مردی که برای بریده شدن رابطه خویشاوندی دعا کند."

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

خداوند ﷻ به پیامبرش آموخت که چگونه انفاق کند، بدین سان که نزد پیامبر ﷺ یک اوقیه^۱ طلا بود و خوش نداشت شب را با آنها به سر ببرد. پس، همه را صدقه داد. صبح که شد، چیزی در اختیار نداشت. سائل نزد پیامبر ﷺ آمد؛ اما ایشان چیزی نداشت که به او بدهد. سائل، ایشان را ملامت کرد. پیامبر ﷺ از این که چیزی نداشت تا به او بدهد و از طرفی انسانی مهربان و دل رحم بود، ناراحت شد. خداوند متعال، این دستور العمل را به پیامبرش صادر کرده فرمود: «دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده دستی منما تا ملامت شده، حسرت زده بر جای بمانی».

می فرماید: گاه مردم از تو می خواهند و معذورت نمی دارند. پس، اگر همه پولی را که داری، ببخشی، آن گاه، دستت از مال خالی می شود [و چیزی برای انفاق باقی

۱. اوقیه: چهل درهم (الصالح، ج ۶، ص ۲۵۲۷ «وقی»).

وَالْخُمْسُ كَثِيرٌ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ رَضِيَ بِالْخُمْسِ فَأَوْصَى بِالْخُمْسِ، وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ ﷻ لَهُ الثُّلُثَ عِنْدَ مَوْتِهِ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ الثُّلُثَ خَيْرٌ لَهُ أَوْصَى بِهِ.

ثُمَّ مَنْ قَدْ عَلِمْتُمْ بَعْدَهُ فِي فَضْلِهِ وَزُهْدِهِ: سَلْمَانُ وَأَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا؛ فَأَمَّا سَلْمَانُ فَكَانَ إِذَا أَخَذَ عَطَاءَهُ رَفَعَ مِنْهُ قُوَّةَ لِسَنَّتِهِ حَتَّى يَحْضُرَ عَطَاؤُهُ مِنْ قَابِلٍ، فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ فِي زُهْدِكَ تَصْنَعُ هَذَا، وَأَنْتَ لَا تَدْرِي لَعَلَّكَ تَمُوتُ الْيَوْمَ أَوْ غَدًا! فَكَانَ جَوَابُهُ أَنْ قَالَ: مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِي الْبَقَاءَ كَمَا خِفْتُمْ عَلَيَّ الْفَنَاءَ؟ أَمَا عَلِمْتُمْ يَا جَهْلَةٌ أَنَّ النَّفْسَ قَدْ تَلْتَا^١ عَلَيَّ صَاحِبَهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا مِنَ الْعَيْشِ مَا يَعْتَمِدُ عَلَيْهِ؟ فَإِذَا هِيَ أَحْرَزَتْ مَعِيشَتَهَا اطمأنَّت.

وَأَمَّا أَبُو ذَرٍّ فَكَانَتْ لَهُ نُوَيْقَاتٌ وَشُوبِهَاتٌ يَحْلُبُهَا وَيَذْبُحُ مِنْهَا إِذَا اشْتَهَى أَهْلَهُ اللَّحْمَ، أَوْ نَزَلَ بِهِ ضَيْفٌ، أَوْ رَأَى بِأَهْلِ الْمَاءِ الَّذِينَ هُمْ مَعَهُ خِصَاصَةٌ^٢ نَحَرَ لَهُمُ الْجَزُورَ أَوْ مِنَ الشَّيْءِ عَلَى قَدَرٍ مَا يَذْهَبُ عَنْهُمْ بِقَرَمٍ^٣ اللَّحْمِ؛ فَيَقْسِمُهُ بَيْنَهُمْ وَيَأْخُذُ هُوَ كَنْصِيبٍ وَاحِدٍ مِنْهُمْ لَا يَتَفَضَّلُ عَلَيْهِمْ.

وَمَنْ أَزْهَدُ مِنْ هَؤُلَاءِ، وَقَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا قَالَ، وَلَمْ يَبْلُغْ مِنْ أَمْرِهِمَا أَنْ صَارَا لَا يَمْلِكَانِ شَيْئاً الْبَتَّةَ، كَمَا تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْإِقَاءِ أُمْتِعَتِهِمْ وَشَيْئِهِمْ وَيُؤْثِرُونَ بِهِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَعِيَالِهِمْ!

وَاعْلَمُوا أَيُّهَا النَّفَرُ أَنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَرْوِي عَنْ آبَائِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ يَوْمًا: «مَا عَجِبْتُ مِنْ شَيْءٍ كَعَجَبِي مِنَ الْمُؤْمِنِ، إِنَّهُ إِنْ قُرِضَ جَسَدُهُ فِي دَارٍ

١. إِنَّ النَّفْسَ قَدْ تَلْتَا: أَيِ تَضَطَّرَبَ وَلَمْ تَنْبَحِثْ مَعَ صَاحِبِهَا (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ٣ ص ١٦٥٥ «لُوت»).

٢. الْخِصَاصَةُ: الْجُوعُ وَالضَّعْفُ، وَأَصْلُهَا الْفَقْرُ وَالْحَاجَةُ إِلَى الشَّيْءِ (النِّهَايَةُ: ج ٢ ص ٣٧ «خَصَصَ»).

٣. الْقَرَمُ: شِدَّةُ شَهْوَةِ اللَّحْمِ حَتَّى لَا يَصْبِرَ عَنْهُ (النِّهَايَةُ: ج ٤ ص ٤٩ «قَرَمَ»).

نمی ماند.]

این احادیث پیامبر خداست و قرآن، آنها را تأیید می کند، و قرآن را هم مؤمنان اهل آن، تصدیق می کنند.

به ابو بکر در هنگام مرگش گفتند: وصیت کن.

او گفت: به یک پنجم وصیت می کنم و یک پنجم هم بسیار است. خداوند متعال به یک پنجم رضایت داده است. لذا او به یک پنجم وصیت کرد، در حالی که خداوند ﷻ تا یک سوم را در هنگام مرگش، در اختیار او گذاشته بود و اگر ابو بکر می دانست که وصیت به یک سوم برایش بهتر است، بدان وصیت کرده بود.

از این گذشته، پس از او کسی که فضل و زهدش را شما می دانید، سلمان و ابو ذر هستند. سلمان، هرگاه مقرری خود [از بیت المال] را می گرفت، خرج سال خود را تا سر رسید مقرری سال آینده اش، از آن بر می داشت. به او گفته شد: ای ابو عبد الله! تو با آن همه زهدت این کار را می کنی، در حالی که نمی دانی شاید امروز یا فردا بمیری. سلمان در پاسخ گفت: چرا شما به همان اندازه که بیم مرگ مرا دارید، امید به زنده ماندنم ندارید؟ ای نادانان! مگر نمی دانید که نفس، وقتی زندگی اش تأمین نباشد، بر صاحبش می شورد و هرگاه زندگی خود را تأمین کند، آرام می گیرد؟

ابو ذر هم چند تایی شتر و میش داشت که شیر آنها را می دوشید و هرگاه خانواده اش هوس گوشت می کرد یا میهمانی برایش می رسید، یکی از آنها را سر می بُرید، یا اگر می دید مردم آبگاهی که با او زندگی می کردند، گرسنه اند شتری یا از گوسفندان به اندازه ای که میل و نیاز آنها به گوشت را فرو نشاند، برایشان می کُشت و میانشان تقسیم می کرد و خودش هم به اندازه سهم یکی از آنها، و نه بیشتر، بر می داشت.

از اینها زاهدتر چه کسی است؟ پیامبر خدا هم در فضیلت آنان سخن ها گفته است. با این حال، هیچ گاه کارشان به آن جا نرسید که اصلاً چیزی نداشته باشند، آن طور که شما از مردم می خواهید، دار و ندارشان را رها کنند و دیگران را بر خود و خانواده شان ترجیح دهند.

بدانید ای جماعت که شنیدم پدرم از پدرانش روایت می کند که: روزی پیامبر

الدُّنْيَا بِالمَقَارِضِ كَانَ خَيْراً لَهُ، وَإِنْ مَلَكَ مَا بَيْنَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا كَانَ خَيْراً لَهُ، وَكُلُّ مَا يَصْنَعُ اللَّهُ ﷻ بِهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ»، فَلَيْتَ شِعْرِي هَلْ يَحِيقُ^١ فِيكُمْ مَا قَدْ شَرَحْتُ لَكُمْ مُنْذُ الْيَوْمِ أَمْ أَزِيدُكُمْ؟

أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ اللَّهَ ﷻ قَدْ فَرَضَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي أَوَّلِ الْأَمْرِ أَنْ يُقَاتِلَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ عَشْرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يُؤَلِّيَ وَجْهَهُ عَنْهُمْ، وَمَنْ وَلَاَهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرُهُ فَقَدْ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ؟ ثُمَّ حَوَّلَهُمْ عَنْ حَالِهِمْ رَحْمَةً مِنْهُ لَهُمْ؛ فَصَارَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ عَلَيْهِ أَنْ يُقَاتِلَ رَجُلَيْنِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ تَخْفِيفاً مِنَ اللَّهِ ﷻ لِلْمُؤْمِنِينَ، فَنَسَخَ الرَّجُلَانِ الْعَشْرَةَ.

وَأَخْبِرُونِي أَيْضاً عَنِ الْقَضَاةِ، أَجَوْرَةٌ^٢ هُمْ حَيْثُ يَقْضُونَ عَلَى الرَّجُلِ مِنْكُمْ نَفَقَةً امْرَأَتِهِ إِذَا قَالَ: إِنِّي زَاهِدٌ وَإِنِّي لَا شَيْءَ لِي؟ فَإِنْ قُلْتُمْ: جَوْرَةٌ، ظَلَمَكُمْ أَهْلُ الْإِسْلَامِ، وَإِنْ قُلْتُمْ: بَلْ عُدُولٌ، خَصَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ، وَحَيْثُ تَرُدُّونَ صَدَقَةً مَنْ تَصَدَّقَ عَلَى الْمَسَاكِينِ عِنْدَ الْمَوْتِ بِأَكْثَرِ مِنَ الثَّلَاثِ.

أَخْبِرُونِي لَوْ كَانَ النَّاسُ كُلُّهُمْ كَالَّذِينَ تُرِيدُونَ زُهَاداً لَاحَاجَةً لَهُمْ فِي مَتَاعٍ غَيْرِهِمْ، فَعَلَى مَنْ كَانَ يُتَصَدَّقُ بِكَفَّارَاتِ الْإِيمَانِ وَالنُّدُورِ وَالصَّدَقَاتِ مِنْ فَرَضِ الزَّكَاةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالتَّمْرِ وَالزَّبِيبِ وَسَائِرِ مَا وَجَبَ فِيهِ الزَّكَاةُ مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالغَنَمِ وَغَيْرِ ذَلِكَ؟ إِذَا كَانَ الْأَمْرُ كَمَا تَقُولُونَ لَا يَتَبَغَى لِأَحَدٍ أَنْ يَحْبِسَ

١. في نسخة العلامة المجلسي «يحق» بدل «يحيق»، حيث قال في مرآة العقول: قوله ﷻ: «هل يحق فيكم» أي يثبت ويستقر فيكم، ويعتقدونه حقاً. قال الفيروزآبادي: حق الأمر: وجب ووقع بلا شك، لازم ومستعد، انتهى. وفي بعض النسخ: «يحيق» أي يحيط بكم ويلزمكم؛ من قوله: «حاق به» أي أحاط به، و«حاق بهم الأمر» لزمهم ووجب عليهم... وهو تصحيف كما لا يخفى (مرآة العقول: ج ١٩ ص ١٠).

٢. الجَوْرُ: نقيض العدل وضد القصد، وقوم جَوْرَةٌ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٩٤ «جور»).

خدا فرمود: «هیچ چیز به اندازه مؤمن، مرا متعجب نساخته است. اگر در دنیا بدنش را با قیچی تکه تکه کنند، برایش خیر است و اگر هم مالک شرق تا غرب زمین باشد، باز برایش خیر است. [خلاصه] هر کاری که خدا با او بکند، برایش خیر [و به نفع او] است».

کاش می دانستم که آنچه امروز برایتان توضیح دادم، در شما کارگر افتاد یا باز هم باید بگویم!

آیا نمی دانید که خداوند ﷻ در آغاز کار [اسلام]، بر مؤمنان مقرر داشت که یک مرد از آنان با ده تن مشرک بجنگد و حق ندارد از برابر آنها بگریزد و در آن روز، هر کس به مشرکان پشت می کرد، جایگاهش آتش دوزخ بود؟

اما بعد؛ خداوند از سر مهرش به آنان، این تکلیف را از آنان بگرداند و از آن پس، هر مرد مسلمانی می بایست با دو مشرک بجنگد و این، تخفیفی بود از جانب خداوند ﷻ در حق مؤمنان. پس، [حکم] دو مرد، [حکم] ده مرد را نسخ کرد.

نیز به من بگویید که آیا هرگاه فردی از شما بگوید: «من زاهدم و چیزی ندارم»، ولی قاضیان بر او حکم کنند که نفقه زنش را بدهد، آن قاضیان ستم کرده اند؟ اگر بگویید: ستمکارند، اهل اسلام، نسبت ستم کردن به شما می دهند. و اگر بگویید: عادل اند، خود را محکوم کرده اید. نیز آن جا که صدقه دادن کسی را که در هنگام مرگش بیش از یک سوم مال خود را به مستمندان صدقه دهد، رد می کنید.

به من بگویید: اگر همه مردم، آن گونه که شما می خواهید، زاهد بودند و نیازی به مال دیگران نداشتند، پس کفاره های سوگندها و نذورات و صدقات زکات واجب طلا و نقره و خرما و کشمش و سایر چیزهایی که در آنها زکات واجب است (مانند: شتر و گاو و گوسفند و غیر اینها) به چه کسی داده می شد؟ اگر وضع چنان باشد که شما می گوئید، دیگر هیچ کس نباید چیزی از مال دنیا را نگه دارد، بلکه باید آن را انفاق کند، حتی اگر خودش به آن نیاز شدید داشته باشد.

چه بد راه و مسلکی در پیش گرفته اید و مردم را به آن می کشانید! این به سبب نا آشنایی به کتاب خداوند ﷻ و سنت پیامبر او و احادیث وی است که کتاب آسمانی،

شَيْئاً مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا إِلَّا قَدَّمَهُ وَإِنْ كَانَ بِهِ خَصَاصَةٌ!

فَبِئْسَ مَا ذَهَبْتُمْ إِلَيْهِ وَحَمَلْتُمْ النَّاسَ عَلَيْهِ؛ مِنَ الْجَهْلِ بِكِتَابِ اللَّهِ ﷻ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ ﷺ وَأَحَادِيثِهِ الَّتِي يُصَدِّقُهَا الْكِتَابُ الْمُنَزَّلُ، وَرَدَّكُمْ إِلَيْهَا بِجَهَالَتِكُمْ، وَتَرَكْتُمْ النَّظَرَ فِي غُرَائِبِ الْقُرْآنِ مِنَ التَّفْسِيرِ بِالنَّاسِخِ مِنَ الْمَنسُوخِ وَالْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ وَالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ.

وَأخْبِرُونِي أَيْنَ أَنْتُمْ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ ﷺ حَيْثُ سَأَلَ اللَّهَ مُلْكاً لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ^۱، فَأَعْطَاهُ اللَّهُ - جَلَّ اسْمُهُ - ذَلِكَ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ، ثُمَّ لَمْ نَجِدِ اللَّهَ ﷻ عَابَ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَلَا أَحَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. وَدَاوُدَ النَّبِيَّ ﷺ قَبْلَهُ فِي مُلْكِهِ وَشِدَّةِ سُلْطَانِهِ، ثُمَّ يُوْسُفَ النَّبِيَّ ﷺ حَيْثُ قَالَ لِمَلِكِ مِصْرَ: «أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»^۲ فَكَانَ مِنْ أَمْرِهِ الَّذِي كَانَ أَنْ يَخْتَارَ مَمْلَكَةً الْمَلِكِ وَمَا حَوْلَهَا إِلَى الْيَمَنِ، وَكَانُوا يَمْتَارُونَ الطَّعَامَ مِنْ عِنْدِهِ لِمَجَاعَةٍ أَصَابَتْهُمْ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ، فَلَمْ نَجِدْ أَحَدًا عَابَ ذَلِكَ عَلَيْهِ. ثُمَّ ذَوَالْقَرْنَيْنِ عَبْدُ أَحَبِّ اللَّهِ فَأَحَبَّهُ اللَّهُ وَطَوَّى لَهُ الْأَسْبَابَ وَمَلَكَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ، ثُمَّ لَمْ نَجِدْ أَحَدًا عَابَ ذَلِكَ عَلَيْهِ!

فَتَأَذَّبُوا أَنْفُسَهُمُ بِآدَابِ اللَّهِ ﷻ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاقْتَصِرُوا عَلَى أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَدَعَوْا عَنْكُمْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ بِمَا لَا عِلْمَ لَكُمْ بِهِ، وَرُدُّوا الْعِلْمَ إِلَى أَهْلِهِ؛ تَوَجَّرُوا وَتُعَذَّرُوا عِنْدَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَكَوْنُوا فِي طَلَبِ عِلْمِ نَاسِخِ الْقُرْآنِ

۱. كما قال الله تعالى في كتابه: «قَالَ رَبِّ اغْنِزْنِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَأَنْتَبِغِيَ لِأَخِي مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (ص: ۳۵).

۲. يوسف: ۵۵.

آنها را تصدیق می‌کند، ولی شما از روی نادانی ردشان می‌کنید، و اندیشیدن در شگفتی‌های قرآن و تشخیص ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و امر و نهی را رها کرده‌اید.

از سلیمان بن داوود علیه السلام به من باز گوید، آن گاه که از خداوند، سلطنتی درخواست کرد که سزاوار احدی پس از او نباشد و خداوند بلند نام هم آن را به او داد و [با این حال] سلیمان، حق می‌گفت و به حق عمل می‌کرد و ما ندیده‌ایم که خداوند تعالی و یا احدی از مؤمنان، این کار (داشتن سلطنتی پرشکوه و بی‌مانند) را بر او عیب گیرد. پیش از او، داوود علیه السلام نیز پادشاهی و سلطنتی عظیم داشت. یوسف پیامبر علیه السلام نیز به پادشاه مصر گفت: «مرا بر خزانه‌های زمین [مصر] بگمار که من، نگهبانی دانایم» و کارش به آن جا کشید که مملکت پادشاه [مصر] و پیرامون آن تا یمن را در اختیار گرفت و مردم [دیگر نقاط] بر اثر خشک‌سالی که بدیشان رسیده بود، از نزد او جیره و آذوقه می‌بردند.

با این حال، او حق می‌گفت و به حق عمل می‌کرد [و دنیا و جاه و مقام آن، او را از مسیر حق منحرف نساخت]، و ندیده‌ایم کسی به این خاطر بر او خرده بگیرد [که چرا سلطنت و پادشاهی داشته است]. ذوالقرنین نیز بنده‌ای بود که خدا را دوست می‌داشت و خدا هم او را دوست داشت و اسباب [رسیدن به هرچه می‌خواهد]^۱ را برایش فراهم آورد و او را بر شرق و غرب عالم، پادشاهی داد و با این حال، حق می‌گفت و به آن عمل می‌کرد، و احدی را هم ندیده‌ایم که به سبب این امر بر او خرده بگیرد.

پس، ای جماعت! آداب خداوند تعالی را نسبت به مؤمنان، پیشه خود سازید و به امر و نهی خدا بسنده کنید، و آنچه را که بر شما مشتبه شده و بدانها علم

۱. اشاره است به آیه ۸۴ سوره کهف: «اسباب هرچه را در اختیارش گذاشتیم».

مِنْ مَّنْسُوخِهِ وَمُحْكَمِهِ مِنْ مُتَشَابِهِهِ وَمَا أَحَلَّ اللَّهُ فِيهِ مِمَّا حَرَّمَ؛ فَإِنَّهُ أَقْرَبُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ وَأَبْعَدُ لَكُمْ مِنَ الْجَهْلِ. وَدَعُوا الْجَهْلَةَ لِأَهْلِهَا فَإِنَّ أَهْلَ الْجَهْلِ كَثِيرٌ وَأَهْلَ الْعِلْمِ قَلِيلٌ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾^١.

٨/٢

الِاسْتِثْنَاءُ مِنَ الدُّنْيَا

الكتاب

﴿وَأَنْتَغِي فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾^٣.

الحديث

٢١٣. رسول الله ﷺ: أَصْلِحُوا دُنْيَاكُمْ، وَاعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ، كَأَنَّكُمْ تَمُوتُونَ غَدًا.^٢
٢١٤. عنه ﷺ: اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.^٥

٢١٥. الإمام علي عليه السلام: اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ بِقَدْرِ مَقَامِكَ فِيهَا.^٦

٢١٦. عنه عليه السلام: - فِي الْحِكْمِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: يَا بَنَ آدَمَ، لَيْسَ بِكَ غَنَاءٌ عَنْ نَصِيبِكَ مِنْ

١. يوسف: ٧٦.

٢. الكافي: ج ٥ ص ٦٥ ح ١.

٣. القصص: ٧٧.

٤. مسند الشهاب: ج ١ ص ٤١٧ ح ٧١٧، الفردوس: ج ١ ص ١٠١ ح ٢٣٤ وفيه «فإنكم» بدل «كانكم» وكلاهما عن أبي هريرة، الجامع الصغير: ج ١ ص ١٦٤ ح ١٠٨٩.

٥. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٥٦ ح ٢٥٦٩ عن العالم عليه السلام، كفاية الأثر: ص ٢٢٧ عن جنادة بن أبي أمية (أمية) عن الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٤ ص ١٣٩ ح ٦.

٦. جامع الأخبار: ص ٥١١ ح ١٤٣٢.

دارید، واگذارید و علم [به آنها] را به اهلش برگردانید تا هم مأجور باشید و هم نزد خدای - تبارک و تعالی - معذور. در جستجوی شناخت ناسخ قرآن از منسوخ آن، و محکمش از متشابهش، و حلالش از حرامش باشید؛ زیرا این، شما را به خدا نزدیک‌تر و از نادانی دورتر می‌سازد. نادانی را برای اهلش و نهید که اهل نادانی بسیارند و اهل دانش، اندک. خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿وَفَرَادَسَتْ هِر صَاحِبِ دَانَشِي، دَانَشْمَنْدِي اَسْت﴾.

۸/۲ بهره‌گیری از دنیا

قرآن

﴿وَدَر اَنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی و بهره‌ات از دنیا را نیز فراموش مکن؛ و همچنان که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن و در زمین، فساد مجوی؛ چرا که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد﴾.

حدیث

۲۱۳. پیامبر صلی الله علیه و آله: دنیایتان را درست کنید و برای آخرتتان کار کنید، آن سان که گویی همین فردا می‌میرید.

۲۱۴. پیامبر صلی الله علیه و آله: برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده خواهی ماند، و برای آخرت چنان کار کن که گویی همین فردا می‌میری.

۲۱۵. امام علی علیه السلام: برای دنیایت به اندازه ماندنت در آن، کار کن.

۲۱۶. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان - ای پسر آدم! تو را از سهم

الدُّنْيَا، وَأَنْتَ إِلَى نَصِيْبِكَ مِنَ الْآخِرَةِ أَفْقَرُ.^١

٢١٧. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: الدُّنْيَا مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ، عَلَيْهَا يَرْتَحِلُ إِلَى رَبِّهِ، فَأَصْلِحُوا مَطَايَاكُمْ تُبَلِّغْكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ.^٢

٢١٨. الإمام الصادق عليه السلام: - فِي بَيَانِ مَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ -: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بَلَاغًا، وَلَا تَرَفُضْهَا فَتَكُونَ عِيَالًا عَلَى النَّاسِ، وَلَا تَدْخُلْ فِيهَا دُخُولًا يَضُرُّ بِآخِرَتِكَ.^٣

٩/٢

هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ

٢١٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ فَقِهَ الرَّجُلُ أَنْ يُصْلِحَ مَعِيشَتَهُ، وَلَيْسَ مِنْ حُبِّكَ الدُّنْيَا طَلَبُ مَا يُصْلِحُكَ.^٤

٢٢٠. الكافي عن عبدالله بن أبي يعفور: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَاللَّهِ إِنَّا لَنَطْلُبُ الدُّنْيَا وَنُحِبُّ أَنْ نُؤْتَاهَا!

فَقَالَ: تُحِبُّ أَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَاذَا؟

قَالَ: أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَعِيَالِي، وَأَصِلُ بِهَا، وَأَتَصَدَّقُ بِهَا، وَأُحِبُّ وَأَعْتَمِرُ.

فَقَالَ عليه السلام: لَيْسَ هَذَا طَلَبُ الدُّنْيَا، هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ.^٥

٢٢١. الأُمَالِي عن عبدالله بن أبي يعفور: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَالْآلَا

١. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٢١ ح ٦٨٨، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٣٥ ح ٢٩ عن معاذ بن جبل من دون إسناد إلى المعصوم.

٢. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣١٧ ح ٦٤٠.

٣. تفسير القمّي: ج ٢ ص ١٦٤ عن حماد، قصص الأنبياء: ص ١٩٠ ح ٢٣٨ عن إبراهيم بن عبد الحميد عن أبي الحسن عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٤١١ ح ٢.

٤. شعب الإيمان: ج ٥ ص ٢٥٤ ح ٦٥٦٣ عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٠ ح ٥٢٣٩.

٥. الكافي: ج ٥ ص ٧٢ ح ١٠، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٧ ح ٩٠٣.

دنیایت بی نیازی نیست؛ اما به سهم آخرت نیازمندتری.

۲۱۷. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان -: دنیا، مرکب مؤمن است که با آن به سوی پروردگارش سفر می‌کند. پس مرکب‌هایتان را به سازید تا شما را به پروردگارتان برسانند.

۲۱۸. امام صادق علیه السلام - در ذکر اندرزهای لقمان به فرزندش -: از دنیا به قدر کفاف بگیر؛ نه آن را به کلی کنار نه که نانخور مردم شوی، و نه آن سان به دنیا درآی که به آخرت زبان بزند.

۹/۲

این، آخرت طلبی است

۲۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از فهمیدگی مرد است که معیشتش را درست کند، و تلاش برای آنچه تو را سر و سامان می‌بخشد، از دنیا دوستی است به شمار نمی‌آید.

۲۲۰. الکافی - به نقل از عبد الله بن ابی یعفور -: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: به خدا که ما دنیا طلب هستیم و دوست داریم دنیا به ما داده شود!

امام علیه السلام فرمود: «دوست داری با آن چه کنی؟».

گفت: با آن به خودم و خانواده‌ام بهره‌ای رسانم، صله رحیم به جا آورم، صدقه بدهم و حج و عمره بگذارم.

فرمود: «این، دنیا طلبی نیست. این، آخرت طلبی است».

۲۲۱. الأمالی طوسی - به نقل از عبد الله بن ابی یعفور -: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرماید: «ما البتّه دنیا را دوست می‌داریم؛ ولی اگر به ما داده نشود، برای

نُعْطَاهَا خَيْرَ لَنَا، وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا نَقَصَ حَظُّهُ فِي الْآخِرَةِ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: إِنَّا وَاللَّهِ لَنَطْلُبُ الدُّنْيَا!

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تَصْنَعُ بِهَا مَاذَا؟

قَالَ: أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَعَلَى عِيَالِي، وَأَتَصَدَّقُ مِنْهَا، وَأَصِلُ مِنْهَا، وَأُحِبُّ مِنْهَا.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَيْسَ هَذَا طَلَبُ الدُّنْيَا، هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ^١.

راجع: ص ٨٢ (الدنيا الحميدة).

١٠ / ٢

الدُّعَاءُ لِلدُّنْيَا فِي الْمَعِيشَةِ



الكتاب

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^٢.

﴿وَأَكْتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ﴾^٣.

الحديث

٢٢٢. صحيح البخاري عن أنس: كَانَ أَكْثَرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ رَبَّنَا، آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^٤.

١. الأمالي للطوسي: ص ٦٦٢ ح ١٣٨١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٧ ح ١٣٠.

٢. البقرة: ٢٠١.

٣. الأعراف: ١٥٦.

٤. صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٤٧ ح ٦٠٢٦، الأدب المفرد: ص ٢٠٤ ح ٦٨٢، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٠

ح ٢٦، سنن أبي داود: ج ٢ ص ٨٥ ح ١٥١٩، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٠٣ ح ١١٩٨١ وفي الثلاثة الأخيرة

«دعوة يدعو بها» بدل «دعاء»، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٣ ح ١٨٠٢٠.

ما بهتر است. به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد، مگر آن که بهره او از آخرت، کم شد.

مردی به ایشان گفت: به خدا سوگند که ما طالب دنیا هستیم!

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «که با آن چه کنی؟»

گفت: با آن به خودم و خانواده‌ام بهره‌ای رسانم، از آن صدقه بدهم، با آن صله رجم به جا آورم، و از آن حج بگذارم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این، دنیا طلبی نیست. این، آخرت طلبی است».

ر.ک: ص ۸۲ (دنیای پسنیده).



قرآن

«برخی از مردم می‌گویند: ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی، و در آخرت نیز به ما نیکی عطا فرما، و از عذاب آتش نگاهمان دار».

«و برای ما در این دنیا، نیکی مقرر فرما و در آخرت نیز؛ زیرا ما به سوی تو بازگشته‌ایم».

حدیث

۲۲۲. صحیح البخاری - به نقل از آنس - : بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «بار

خدایا، ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار.

٢٢٣. الإمام الصادق عليه السلام - في قول الله تعالى: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾ :-

رِضْوَانِ اللَّهِ وَالْجَنَّةِ فِي الْآخِرَةِ، وَالْمَعَاشَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا.^١

٢٢٤. الكافي عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: يُسْتَحَبُّ أَنْ تَقُولَ بَيْنَ الرُّكْنِ

وَالْحَجَرِ: اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

وَقَالَ: إِنَّ مَلِكًا مُوَكَّلًا يَقُولُ: آمِينَ.^٢

٢٢٥. صحيح مسلم عن أبي هريرة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي

هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي.^٣

٢٢٦. الأُمَالِي عن أَبِي بُرْدَةَ الْأَسْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ

حَتَّى يَسْمَعَ أَصْحَابُهُ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً»

ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ،

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِعِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، «اللَّهُمَّ إِنِّي

أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقْمَتِكَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، «اللَّهُمَّ إِنِّي

أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ^٤

مِنْكَ الْجَدُّ».^٥

١. الكافي: ج ٥ ص ٧١ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٧ ح ٩٠٠، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٥٦

ح ٣٥٦٦، معاني الأخبار: ص ١٧٥ ح ١ وزاد فيهما «والسعة في الرزق» بعد «الآخرة» وكلها عن جميل بن

صالح، تفسير العياشي: ج ١ ص ٩٨ ح ٢٧٤ عن عبد الأعلى وفيه «السعة في المعيشة» بدل «المعاش».

بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٨٣ ح ١٨.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٤٠٨ ح ٧.

٣. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٧ ح ٧١، الأدب المفرد: ص ٢٠١ ح ٦٦٨، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٩٨

ح ٧٢٦١، مشكاة المصابيح: ج ١ ص ٧٦٠ ح ٢٤٨٣، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨٢ ح ٣٦٤٥.

٤. لا ينفع ذا الجد منك الجد: أي لا ينفع ذا الغنى منك غناه (لسان العرب: ج ٣ ص ١٠٧ «جدد»).

٥. الأُمَالِي للطوسي: ص ١٥٨ ح ٢٦٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣٤ ح ١٤، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٢٢

ح ٧١٠٦ نحوه، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٤٩ ح ١٢٧ عن أبي برزة الأسلمي عن أبيه، الأذكار للنووي:

ص ٢٠٢ عن أبي برزة وفيها «بك منك» بدل «بعفوك من نقمتك».

۲۲۳. امام صادق علیه السلام - درباره این سخن خداوند تعالی: «ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی» - : [یعنی] خشنودی خدا و بهشت در آخرت، و اخلاق خوش در دنیا.

۲۲۴. الکافی - به نقل از عبد الله بن سنان - : امام صادق علیه السلام فرمود: «مستحب است که میان رُکن و حَجَر بگویی: "بار خدایا! در دنیا به ما نیکی، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش، نگه دار"».

امام علیه السلام فرمود: «فرشته‌ای گماشته شده می‌گوید: آمین!».

۲۲۵. صحیح مسلم - به نقل از ابو هریره - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همیشه می‌فرمود: بار خدایا! دین مرا که مایه نگهداری کار من است، برایم اصلاح فرما و دنیا را نیز که زندگی من در آن است، برایم اصلاح کن.

۲۲۶. الأمالی طوسی - به نقل از ابو بردة رضی الله عنه از پدرش - : پیامبر خدا، پس از خواندن نماز صبح، با صدای بلند، طوری که یارانش بشنوند، سه بار می‌گفت: «بار خدایا! دین مرا که مایه مصونیت من قرارش داده‌ای، برایم اصلاح فرما».

سه بار می‌گفت: «بار خدایا! دنیای مرا که معاش مرا در آن قرار داده‌ای، برایم اصلاح فرما».

سه بار می‌گفت: «بار خدایا! آخرت مرا که بازگشتم را به آن قرار داده‌ای، اصلاح کن».

سه بار می‌گفت: «بار خدایا! من از خشم تو به خشنودی تو پناه می‌برم، و از کيفر تو به گذشتت پناه می‌برم».

سه بار هم می‌گفت: «بار خدایا! من از تو به تو پناه می‌برم. آنچه را تو عطا کنی، چیزی مانعش نمی‌شود، و آنچه را تو ندهی، کس نمی‌تواند عطایش کند، و توانگری توانگر در برابر توبه به کارش نمی‌آید».

٢٢٧ . صحيح مسلم عن أبي مالك عن أبيه: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ وَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ أَقُولُ حِينَ أَسْأَلُ رَبِّي؟

قَالَ: قُلْ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي وَارْزُقْنِي» وَيَجْمَعُ أَصَابِعَهُ إِلَّا الإِبْهَامَ؛ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ تَجْمَعُ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتَكَ.^١

٢٢٨ . مسند أبي يعلى عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا فَقَدَ الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَأَلَ عَنْهُ، فَإِنْ كَانَ غَائِبًا دَعَا لَهُ، وَإِنْ كَانَ شَاهِدًا زَارَهُ، وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ، فَقَدَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ، فَسَأَلَ عَنْهُ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تَرَكْنَاهُ مِثْلَ الْفَرِخِ لَا يَدْخُلُ فِي رَأْسِهِ شَيْءٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْ دُبُرِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: عودوا أخاكم.

قَالَ: فَخَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَعُودُهُ، وَفِي الْقَوْمِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، فَلَمَّا دَخَلْنَا عَلَيْهِ إِذْ هُوَ كَمَا وَصَفَ لَنَا، قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَيْفَ تَجِدُكَ؟

قَالَ: لَا يَدْخُلُ فِي رَأْسِي شَيْءٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْ دُبُرِي!
قَالَ: وَمِمَّ ذَاكَ؟

قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَرَرْتُ بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ فَصَلَّيْتُ مَعَكَ وَأَنْتَ تَقْرَأُ هَذِهِ السُّورَةَ «الْقَارِعَةُ» مَا الْقَارِعَةُ؟^٢ إِلَى آخِرِهَا «نَارُ حَامِيَةٍ»، قَالَ: فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ مَا كَانَ لِي مِنْ ذَنْبٍ أَنْتَ مُعَذِّبِي عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ فَعَجَّلْ لِي عُقُوبَتَهُ فِي الدُّنْيَا، فَتَزَلَّ بِي مَا تَرَى.

١. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٣ ح ٢٦، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٢٨١ ح ١٥٨٧٧ وفيه «واهدني» بدل «وعافني» وح ١٥٨٨١ عن أبي طارق بن أشيم، الأدب المفرد: ص ١٩٦ ح ٦٥١ عن سعد بن طارق بن أشيم الأشجعي وكلاهما نحوه.

٢. القارعة: ١ و ٢.

۲۲۷. صحیح مسلم - به نقل از مالک از پدرش :- مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای

پیامبر خدا! وقتی از پروردگارم درخواست می‌کنم، چگونه بگویم؟

فرمود: «بگو: "بار خدایا! مرا بیاورز، و به من رحم کن، و عافیتم بخش و

روزی‌ام ده»، و بجز انگشت شصت، بقیه انگشتانش را جمع کند؛ چون اینها،

دنیا و آخرت را برای تو جمع می‌کند.

۲۲۸. مسند أبی یعلیٰ - به نقل از انس :- پیامبر خدا، هرگاه سه روز فردی از

برادرانش را نمی‌دید، جویای او می‌شد؛ اگر [در شهر] نبود، برایش دعا

می‌کرد؛ اگر [در شهر] بود، به دیدارش می‌رفت و اگر بیمار بود، به عیادتش

می‌رفت. یک بار، سه روز مردی از انصار را ندید، جویای حال او شد. گفته

شد: ای پیامبر خدا! از نزد او که آمدیم، مثل یک جوجه شده بود و هرچه

می‌خورد، دفع می‌کرد.

پیامبر خدا به عده‌ای از یارانش فرمود: «از برادران عیادت کنید».

ما به همراه پیامبر خدا به عیادت او رفتیم. ابوبکر و عمر هم در آن جمع

بودند. چون بر او در آمدیم، دیدیم همان گونه است که به ما گفته شده بود.

پیامبر خدا فرمود: «حالت چگونه است؟».

گفت: هرچه می‌خورم، دفع می‌کنم.

فرمود: «چرا به این روز افتادی؟».

گفت: ای پیامبر خدا! روزی به تو برخوردم. مشغول خواندن نماز مغرب

بودی و من هم به تو اقتدا کردم و سورة: «الْقَارِعَةُ * مَا الْقَارِعَةُ * تا آخرش

«نَارُ حَامِيَةٍ» را قرائت می‌کردی. من گفتم: خدایا! اگر گناهی دارم که به

واسطه آن، مرا در آخرت عذاب خواهی کرد، کیفر آن را در همین دنیا به من

بچشان. این بلا بر من آمد که می‌بینی.

قال رسول الله ﷺ: بِئْسَ مَا قُلْتَ، أَلَا سَأَلْتَ اللَّهَ أَنْ يُؤْتِيكَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً،
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَيَقِيلَكَ عَذَابَ النَّارِ؟!

قال: فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ ﷺ فَدَعَا بِذَلِكَ، وَدَعَا لَهُ النَّبِيُّ ﷺ، فَقَامَ كَأَنَّمَا نَشِطَ مِنْ
عِقَالٍ^١.

٢٢٩. الإمام زين العابدين عليه السلام: قال رسول الله ﷺ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا يَكُونُ بِهِ خَيْرُ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ، وَإِذَا كُرِبْتُمْ^٢ وَاعْتَمَمْتُمْ^٣ دَعَوْتُمْ اللَّهَ بِهِ فَفَرَّجَ عَنْكُمْ؟ قالوا: بَلَى
يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قال: قولوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً» ثُمَّ ادْعُوا بِمَا بَدَأَ لَكُمْ^٥.

٢٣٠. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ، مَعِيشَةً أَتَقَوَّى بِهَا عَلَى جَمِيعِ حَوَائِجِي،
وَأَتَوَصَّلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى آخِرَتِي، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرِفَنِي^٦ فِيهَا فَأَطْغَى، أَوْ تُقْتِرَ^٧
بِهَا عَلَيَّ فَأَشْقَى، أَوْ سِعَ عَلَيَّ مِنْ خَلَالِ رِزْقِكَ وَأَفِضَ عَلَيَّ مِنْ سَيِّبٍ^٨ فَضْلِكَ؛

١. يقال للمريض إذا برأ، وللمغشي عليه إذا أفاق: كَأَنَّمَا أَنَشِطَ مِنْ عِقَالٍ. وَنَشِطَ: أَي حُلَّ. قال ابن الأثير: وكثيراً ما يجيء في الرواية «كَأَنَّمَا نَشِطَ مِنْ عِقَالٍ» وليس بصحيح (لسان العرب: ج ٧ ص ٤١٤ «نشط»).

٢. مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٢٨١ ح ٢٤١٦، المطالب العالية: ج ٢ ص ٣٤٥ ح ٢٤٢٦، الدر المنثور: ج ٨ ص ٦٠٨.

٣. كَرَبَةُ الأَمْرِ: شَقٌّ عَلَيْهِ (المصباح المنير: ص ٥٢٩ «كرب»).

٤. في المصدر: «وَأَعْمَمْتُمْ»، وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار.

٥. المحاسن: ج ١ ص ١٠٠ ح ٧١ عن سعيد بن المسيّب، الدعوات: ص ٥٦ ح ١٤٢ وفيه «اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ» بدل «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠٨ ح ١١.

٦. التُّرْفُ: التَّنْعِيمُ المتوسّع في ملاذ الدنيا وشهواتها (النهاية: ج ١ ص ١٨٧ «ترف»).

٧. أَقْتَرَهُ اللَّهُ رِزْقَهُ: أَي ضَيَّقَهُ وَقَلَّلَهُ (النهاية: ج ٢ ص ١٢ «قتر»).

٨. السَّيِّبُ: العَطَاءُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٨٤ «سبيب»).

پیامبر خدا فرمود: «بد چیزی گفته‌ای. چرا از خدا درخواست نکردی که در دنیا و در آخرت به تو نیکی دهد و از عذاب آتش، نگاهت دارد؟!». پس، پیامبر ﷺ به او فرمود که این گونه دعا کند. آن مرد هم چنان دعا کرد. و پیامبر ﷺ نیز همین گونه دعا کرد و او سر حال شد و از جا برخاست، چنان که گویی بند از پایش باز شده باشد.

۲۲۹. امام زین العابدین علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «آیا به شما خبر دهم از چیزی که خیر دنیا و آخرت به آن است، و هرگاه ناراحت و اندوهگین شدید، با آن خدا را بخوانید و خداوند، غم و رنج شما را بزداید؟» گفتند: بگو ای پیامبر خدا!

فرمود: «بگویید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبَّنَا، لَا شَرَكَ بِهِ شَيْئًا؛ جز خدای یکتا که پروردگار ماست، خدایی نیست و ما هیچ گونه به وی شریک نمی‌ورزیم». سپس، هر دعایی که خواستید، بکنید.

۲۳۰. امام صادق علیه السلام: علی بن حسین علیه السلام این دعا را می‌خواند:

«بار خدایا! از تو نیکویی معشیت را درخواست می‌کنم؛ معیشتی که با آن بتوانم همه نیازهایم را برآورم، و بدان وسیله، در این زندگی به آخرتم نایل آیم؛ نه آن چنان مرا در آن غوطه‌ور سازی که دچار طغیان شوم، و نه آن سان بر من تنگ‌گیری که به رنج و سختی بیفتم، از روزی حلالیت به من گشایش ده و از باران فضل بر من بریزان. نعمتی بی‌نقص و دهشی بی‌وقفه از جانب خودت [به من ارزانی دار]؛ اما نه چندان بر آن بیفزای که خرمی‌اش مرا به خود سرگرم سازد و شکوه و زیبایی‌اش فریفته‌ام گرداند و در نتیجه، از شکر نعمت بازمانم، و نه چندان آن را بر من بکاه که رنج تحصیلش باعث کوتاهی‌ام در عمل [و عبادت] شود و هم و غمش سینه‌ام را پُر کند. ای معبود من! از این روزی‌ات آن قدر به من عطا فرما که از بدان خلقت

نِعْمَةً مِنْكَ سَابِغَةً وَعَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ، ثُمَّ لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْثَارِ مِنْهَا
تُلْهِبُنِي بَهْجَتُهُ وَتَفْتِنُنِي زَهْرَاتُ زَهْوَتِهِ، وَلَا بِإِقْلَالِ عَلَيَّ مِنْهَا يَقْصُرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ
وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ، أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي غِنًى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَبَلَاغاً أَنَا لَ
بِهِ رِضْوَانِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا. لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ
سِجْنًا وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا، أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا فِيهَا
عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِينِ الْأَخْيَارِ، وَأَبْدِلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمَ الدَّارِ
الْبَاقِيَةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَرْلِهَا وَزِلْزَالِهَا، وَسَطَوَاتِ شَيَاطِينِهَا وَسَلَاطِينِهَا
وَنِكَالِهَا^١، وَمِنْ بَغْيٍ مَن بَغَى عَلَيَّ فِيهَا. اللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِي فَكِدَهُ وَمَنْ أَرَادَنِي
فَأَرَدَهُ، وَقُلَّ عَنِّي حَدٌّ مَن نَصَبَ لِي حَدَّهُ، وَأَطْفَلَ عَنِّي نَارٌ مَن شَبَّ لِي وَقُودُهُ،
وَكَفَنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ وَافْقًا عَنِّي عُيُونَ الْكَفَرَةِ، وَكَفَنِي هَمٌّ مَن أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمُّهُ،
وَادْفَعَ عَنِّي شَرَّ الْحَسَدَةِ، وَاعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ بِالسَّكِينَةِ، وَالْيَسَنِ دِرْعَكَ
الْحَصِينَةَ، وَاخْبَأْنِي^٢ فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي، وَأَصْلِحْ لِي حَالِي، وَصَدِّقْ قَوْلِي
بِفَعَالِي، وَبَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَمَالِي^٣.

٢٣١. تهذيب الأحكام عن أبي حمزة الثمالي: أَخَذْتُ هَذَا الدُّعَاءَ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، وَكَانَ
يُسَمِّيهِ الدُّعَاءَ الْجَامِعَ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

... أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي، مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَيَّ

١. النُّكَالُ: الْعُقُوبَةُ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٣٤ «نكل»).

٢. خِيَا الشَّيْءَ: سَتَرَهُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٣ «خبا»).

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٥٣ ح ١٢ عن أبي بصير، مصباح المتهجد: ص ٣٥١ ح ٤٦٦ عن الإمام زين العابدين عليه السلام

نحوه وراجع الإقبال: ج ١ ص ٣٠٤ و ص ١٣٤ وجمال الأسبوع: ص ٢٩٥ و ص ٢٤١ وبحار الأنوار: ج ٩٠
ص ١٢ ح ٢.

بی نیاز شوم و به وسیله آن، به خشنودی (/ بهشت) رضوان تو نایل آیم.
پناه می برم به تو، ای معبود من! از شر دنیا و شر آنچه در دنیا است. دنیا را بر
من زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم قرار مده. مرا از این سرای
آزمایش، در حالی به سرای زندگانی و سکونتگاه نیکان [آخرت] ببر که از
من، خشنود باشی و اعمالم پذیرفته باشد، و نعمت های آن سرای ماندگار را
جایگزین این دنیای فنا پذیرم کن.

بار خدایا! به تو پناه می برم از سختی و بلاهای دنیا و یورش های شیاطین و
سلاطین آن، و تنبیه و مجازات هایش، و از زورگویی و ستم کسی که در این
دنیا به من ستم کند و زورگویی کند.

بار خدایا! هر که برایم نقشه کشید، تو برایش نقشه بکش، و هر که قصد من
کرد، قصد او کن و تیغ آن کس را که بر رویم تیغ کشید، کند کن و آتش آن
کس را که برای من آتش افروخت، خاموش کن و دسیسه دسیسه گران را از
من بگردان و چشم های کافران را از من، کور گردان و بدسگالی کسی را که
نسبت به من در سر پرورانده، از من دور کن و گزند بدخواهان (یا: شور
چشمان) را از من دفع کن و با آرامش [خود]، مرا از آن نگه دار و زره محکم
خود را بر من بپوشان و مرا در پرده نگه دارنده ات پنهان بدار، حال من را نکو
گردان و کردارم را مطابق گفتارم قرار ده و به خانواده ام و اموالم برکت عطا
فرما.

۲۳۱. تهذیب الاحکام - به نقل از ابو حمزه ثمالی - : این دعا را از امام باقر علیه السلام که آن را
دعای جامع می نامید، فرا گرفتم:

«به نام خداوند مهرگستر مهربان... بار خدایا! از تو درخواست می کنم که تا
زنده هستم، زندگی ام را در رفاه و آسایش قرار دهی، به طوری که با آن

طَاعَتِكَ وَأَبْلُغْ بِهَا رِضْوَانَكَ، وَأَصِيرُ بِهَا مِنْكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ^١ غَدًا.
اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا يَكْفِينِي وَلَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي، وَلَا تَبْتَلِينِي
بِفَقْرٍ أَشْقَىٰ بِهِ مُضَيِّقًا عَلَيَّ، أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي وَمَعَاشًا وَاسِعًا هَنِيئًا
مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا،
أَجِرْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا.
اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي فِيهَا بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدْهُ.^٢

٢٣٢. الإمام زين العابدين (عليه السلام): اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، فَكُنْ
بِحَوَائِجِي حَفِيظًا.^٣

٢٣٣. عنه (عليه السلام): اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي، وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ
ضَمِنْتَهَا لِي، وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا
يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي؛ مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ،
أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ.^٤

٢٣٤. الإمام الصادق (عليه السلام) - مِنْ دُعَاءِ عَلَمَةِ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ -: أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ.^٥

١. الْحَيَوَانُ: قَبِيلٌ: هِيَ الْحَيَاةُ الَّتِي لَا يَعْقِبُهَا مَوْتُ (المصباح المنير: ص ١٦١ «حيى»).
٢. تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤، الكافي: ج ٢ ص ٥٨٧ ح ٢٦ وليس فيه «اللهم ارزقني رزقاً حلالاً يَكْفِينِي»، مُهْجُ الدَّعَوَاتِ: ص ٢١٧ وليس فيه «مريئاً» ويزيادة «مريضاً» بعد «فتنتها». بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣ وراجع مصباح المتهجد: ص ٥٢٩ ح ٦٤٠ والمقنعة: ص ١٧٩ ح ١٥.
٣. الصحيفة السجادية: ص ٩٥ الدعاء ٢٢ وراجع مصباح المتهجد: ص ٨٢ ح ١٣٢ و ص ٤٧١ ح ٥٦٨ وفلاح السائل: ص ٣٢٩ ح ٣١٧ وبحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٥ ح ١١.
٤. الصحيفة السجادية: ص ١٠٦ الدعاء ٢٥.
٥. الكافي: ج ٢ ص ٢٥٩ ح ٣٠ و ص ٥٦٥ ح ٤ و ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٢٠، عَذَّةُ الدَّاعِي: ص ٢٥٧ كلها عن يونس بن عمار، مصباح المتهجد: ص ١٣٩ ح ٢٢٦، المصباح للكفعمي: ص ١٩٦ كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٨٠ ح ٦.

بر طاعت تو توانا باشم و به خشنودی (/ بهشت) تو نایل آیم و فردا [ای قیامت]
از جانب تو به سرای زندگانی [بهشت] بروم.

بار خدایا! روزی حلالی نصیبم کن که در حد کفایت من باشد و رزقی که
مرا به سرکشی بکشاند، روزی ام مکن و به فقری گرفتارم مساز که باعث رنج
و سختی من گردد، در آخرت، بهره‌ای فراوان عطایم کن و در دنیا، زندگی
فراخ و خوش و گوارا. دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی آن را مایه
اندوهم قرار مده. مرا از فتنه آن، در پناه خود دار و اعمالم را در آن، بپذیر و
تلاشم را در آن، شایان تقدیر قرار ده.

بار خدایا! هرکس در دنیا نسبت به من قصد سوء کرد، تو قصد او کن و
هرکس در آن برایم نقشه کشید، برایش نقشه بکش.

۲۳۲. امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! تو می‌دانی که کار دنیا و آخرت مرا چه چیز به
صلاح می‌آورد. پس حاجت‌هایم را عطا فرما.

۲۳۳. امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! همه درخواست‌هایم را به من عطا فرما،
حوایجم را برآور و اجابت را که برایم تضمین کرده‌ای، از من دریغ مکن و
دعایم را که تو خود به آن دستور داده‌ای، از درگاهت محجوب مگردان و هر
آنچه را که سبب اصلاح من در دنیا و آخرت شود، به من عطا فرما؛ چه
آنهایی را که یاد کردم و یا فراموش نمودم، چه آنهایی را که اظهار کردم و یا
نهان داشتم، چه آنهایی را که آشکارا گفتم و یا در دل، بیان داشتم.

۲۳۴. امام صادق علیه السلام - بخشی از دعایی که امام علیه السلام به یونس بن عمار آموخت -: از
نیکی دنیا و آخرت، آنچه را که تو اهل آنی، به من عطا فرما و از بدی دنیا و
آخرت نیز، آنچه را که تو اهل آنی، از من بگردان.

٢٣٥. عنه عليه السلام - من دُعائِهِ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام عِنْدَ وَدَاعِهِ -: اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعَمَتِكَ، وَلَا بِإِكْثَارِ فِيهَا قَتْلِهِنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا وَتَفْتِنِي زَهْرَتُهَا، وَلَا بِإِقْلَالِ يُضِرُّ عَمَلِي ضَرُّهُ وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ، أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غِنًى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَبَلَاغاً أَنْالَ بِهِ رِضَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^٢

٢٣٦. الكافي عن محمد الجعفي عن أبيه: كُنْتُ كَثِيراً مَا أَشْتَكِي عَيْنِي، فَشَكَّوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَقَالَ: أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءً لِدُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ وَبَلَاغاً لَوْجَعِ عَيْنِكَ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: تَقُولُ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ وَدُبُرِ الْمَغْرِبِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَاليَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي.^٣

٢٣٧. الكافي عن عبد الرحمن بن سنان: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَدْعُو وَأَنَا سَاجِدٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَادْعُ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ رَبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^٤

٢٣٨. الكافي عن علي بن مهزيار: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنْ رَأَيْتَ

١. البلاغ: مَا يُتَّبَعُ وَيُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ الْمَطْلُوبِ (النهاية: ج ١ ص ١٥٢ «بلغ»).

٢. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٩٨ ح ٣٢٠٠، كامل الزيارات: ص ٢٢٦ ح ٦٩٩ كلاهما عن يوسف الكناسي، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٦٨، مصباح المتعبد: ص ٧٢٨ ح ٨١٩ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم وفيهما «ذكرك» بدل «شكر نعمتك» وفيها «زهرات زينتها» بدل «زهرتها» و«كدّه» بدل «ضرّه»، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٢٠٤ ح ٣٢.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٢٩ ح ١١، الأمالي للمفيد: ص ١٧٩ ح ٩، الأمالي للطوسي: ص ١٩٦ ح ٣٣٤، المصباح للكنعمي: ص ٢٣٣ وفيها «تكفي به وجع» بدل «بلاغاً لوجع»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤٧ ح ٢٥٩٧ وليس فيها «عليك»، فلاح المسائل: ص ٤١٠ ح ٢٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٩٠ ح ٨.

٤. الكافي: ج ٣ ص ٣٢٣ ح ٦، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ١٢٠٧ وفيه «أدعوا لله» بدل «أدعو».

۲۳۵. امام صادق علیه السلام - از دعای ایشان در زیارت خدا حافظی با امام حسین علیه السلام - : بار خدایا! در دنیا مرا از گزاردن شکر نعمت‌هایت باز مدار، نه چندان در دنیا فرونی‌ام بخش که شکوه خیره‌کننده آن، مرا سرگرم سازد و زرق و برقش فریفته‌ام گرداند، و نه چندان تهی‌دستم کن که به عملم لطمه بزند و دغدغه‌اش ذهنم را پُر کند؛ [بلکه] از آن به اندازه‌ای به من ببخش که از بدان خلقت بی‌نیازم گرداند و در حدی باشد که با آن، به خشنودی تو دست یابم، ای مهربان‌ترین مهربانان!

۲۳۶. الکافی - به نقل از محمد جعفری از پدرش - : من بسیار به چشم درد مبتلا می‌شدم. از آن، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم. فرمود: «آیا دعایی برای دنیا و آخرت و بهبود درد چشمانت به تو نیاموزم؟».

گفتم: چرا.

فرمود: «در تعقیب نماز صبح و مغرب می‌گویی:

بار خدایا! به حق محمد و آل محمد بر تو، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و در دیده‌ام نور قرار ده، در دینم بینش، در دلم یقین، در کردارم اخلاص، در روانم سلامت و در روزی‌ام گشایش، و این که تا زنده‌ام، همواره سپاس‌گزار تو باشم.

۲۳۷. الکافی - به نقل از عبدالرحمان بن سیابه - : به امام صادق علیه السلام گفتم: در حال سجده دعا کنم؟

فرمود: «آری. برای دنیا و آخرت، دعا کن؛ زیرا که او خداوندگار دنیا و آخرت است».

۲۳۸. الکافی - به نقل از علی بن مهزیار - : محمد بن ابراهیم به ابوالحسن علیه السلام نوشت: سرورم! اگر صلاح می‌دانی، دعایی به من بیاموز که در تعقیب نماز بخوانم

يَا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعَاءَ أَدْعُو بِهِ فِي دُبُرِ صَلَاتِي يَجْمَعُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ.

فَكَتَبَ ﷺ: تَقُولُ:

أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا
شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا.^١

٢٣٩. الكافي عن هِلَقَامِ بْنِ أَبِي هِلَقَامٍ: أَتَيْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ﷺ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، عَلِّمْنِي
دُعَاءَ جَامِعاً لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَوْجِزَ.

فَقَالَ: قُلْ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ،
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ.

قَالَ هِلَقَامٌ: وَلَقَدْ كُنْتُ مِنْ أَسْوَأِ أَهْلِ بَيْتِي حَالاً، فَمَا عَلِمْتُ حَتَّى أَتَانِي
مِيرَاثٌ مِنْ قِبَلِ رَجُلٍ مَا ظَنَنْتُ أَنْ يَبْنِي وَيَبْنِيهِ قَرَابَةً، وَإِنِّي الْيَوْمَ لَمِنْ أَيْسَرِ أَهْلِ
بَيْتِي، وَمَا ذَلِكَ إِلَّا بِمَا عَلَّمَنِي مَوْلَايَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ ﷺ.^٢

٢٤٠. الإمام علي ﷺ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَمْسَى قَالَ: «... اللَّهُمَّ إِنَّكَ بِجَمِيعِ حَاجَتِي
عَالِمٌ، وَإِنَّكَ عَلَى جَمِيعِ نَجِّحِهَا قَادِرٌ، اللَّهُمَّ أَنْجِحِ اللَّيْلَةَ كُلَّ حَاجَةٍ لِي، وَلَا
تَرِدْنِي فِي دُنْيَايَ، وَلَا تَنْقُصْنِي فِي آخِرَتِي»، وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ.^٣

٢٤١. عنه ﷺ - فِي الدُّعَاءِ -: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِي سِجْنًا، وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا.

١. الكافي: ج ٣ ص ٣٤٦ ح ٢٨، مصباح المتهجد: ص ٥١ ح ٦٨ من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٤٨.

٢. أي الإمام الكاظم ﷺ.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٥٥٠ ح ١٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٨ ح ٩٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤ ح ٢٠٧٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣١ ح ٧.

٤. المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٣٤ ح ٧٦٥٧ عن الحارث، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٣٣ ح ٤٩٥١.

و خداوند به واسطه آن، خیر دنیا و آخرت را به من بدهد.

امام علیه السلام نوشت: می‌گویی:

«به ذات بزرگوار تو، و به اقتدار شکست‌ناپذیر تو، و به قدرتت که هیچ چیز از آن سر بر نمی‌تابد، پناه می‌برم از بدی دنیا و آخرت و از بدی همه دردها».

۲۳۹. الکافی - به نقل از هلقام بن ابی هلقام - : خدمت ابو ابراهیم (امام کاظم علیه السلام) رسیدم و گفتم: فدایت شوم! دعایی به من بیاموز که جامع دنیا و آخرت باشد و کوتاه بیاموز.

فرمود: «پس از نماز صبح تا طلوع خورشید بگو: "منزه است خدای بزرگ، و ستایش، مخصوص اوست. از خدا آمرزش می‌طلبم و از فضل او مشغلت می‌کنم».

وضع زندگی من از همه فامیلم بدتر بود؛ اما [در اثر خواندن این دعا] ناگهان ارثیه‌ای از جانب مردی به من رسید که گمان نمی‌کردم بین من و او خویشاوندی‌ای باشد و امروز، من از ثروتمندترین افراد خاندانم هستم. این نبود، مگر به برکت دعایی که مولایم، عبد صالح، به من آموخت.

۲۴۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، شب که می‌شد، می‌گفت: «... بار خدایا! تو از همه حاجت‌هایم آگاهی و به برآوردن همه آنها توانایی. بار خدایا! امشب هر حاجتی که دارم، برآورده ساز و در دنیایم می‌فزای و از آخرتم مکاه...». صبح که می‌شد نیز چنین دعایی می‌کرد.

۲۴۱. امام علی علیه السلام - دعا - : بار خدایا! دنیا را برایم زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم مساز. به تو از دنیایی که مرا از آخرت محروم گرداند و از امیدی که

أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَحْرِمُنِي الْآخِرَةَ، وَمِنْ أَمَلٍ يَحْرِمُنِي الْعَمَلَ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَحْرِمُنِي خَيْرَ الْمَمَاتِ.^١

١١/٢

ثَوَابُ مَنْ أَخَذَ الدُّنْيَا بِحَقِّهَا

٢٣٢. رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا خَضِرَةٌ^٢ حُلْوَةٌ، مَنْ اِكْتَسَبَ فِيهَا مَالًا مِنْ حِلِّهِ وَأَنْفَقَهُ فِي حَقِّهِ أَثَابَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَوْرَدَهُ جَنَّتَهُ، وَمَنْ اِكْتَسَبَ فِيهَا مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ وَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ دَارَ الْهَوَانِ، وَرُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ^٣ وَرَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. يَقُولُ اللَّهُ: «كُلَّمَا خَبَتْ رِذْنُهُمْ سَعِيرًا»^٤.

٢٣٣. مسند ابن حنبل عن خولة بنت قيس - امرأة حمزة بن عبد المطلب ﷺ -: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ عَلَى حَمْزَةَ فَتَذَكَّرَا الدُّنْيَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ، فَمَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا بَوْرِكَ لَهُ فِيهَا، وَرُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ وَمَالِ رَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ يَلْقَى اللَّهُ.^٥

٢٣٤. رسول الله ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا إِسْتِعْفَا عَنْ الْمَسْأَلَةِ، وَسَعِيَ عَلَى أَهْلِهِ،

١. نثر الدر: ج ١ ص ٢٨٤.

٢. خَضِرَةٌ: أَي غَضَّة نَاعِمَةٌ طَرِيَّة (النهاية: ج ٢ ص ٤١ «خضر»).

٣. رَبُّ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ: أَي رَبُّ مُتَصَرِّفٍ فِي مَالِ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا لَا يَرْضَاهُ اللَّهُ (لسان العرب: ج ٧ ص ١٤٧ «خوض»).

٤. الإسراء: ٩٧.

٥. شعب الإيمان: ج ٤ ص ٣٩٦ ح ٥٥٢٧ عن ابن عمر، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٤ ح ٦٠٧٦.

٦. مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٢٩٩ ح ٢٧١٢٢، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٨٧ ح ٢٣٧٤، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٧٦ ح ٦٩٣٢ عن حمزة وكلاهما نحوه، المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٢٣٠ ح ٥٨٥، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٠ ح ١٠٣٠٦ عن عمرة بنت العارث نحوه، حلية الأولياء: ج ٧ ص ٣١١ وليس فيهما صدره، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٤ ح ٦٠٧٥.

مرا از عمل باز بدارد، و از زندگی ای که مرا از بهترین مُردن محروم سازد، به تو پناه می برم».

۱۱/۲

پاداش کسی که دنیا را به حق برگرد

۲۴۲. پیامبر خدا ﷺ: دنیا دل پذیر و شیرین است. هر که در آن مالی از حلال به دست آورد و در راه درستش هزینه کند، خداوند، او را بر این کار، پاداش دهد و به بهشت خویش بَرَد و هر که در دنیا، مالی از غیر حلال به دست آورد و به ناحق هزینه اش کند، خداوند، او را به سرای خُفّت و خواری در آورد. ای بسا تصرف کننده ای در مال خدا^۱ و پیامبر او که روز قیامت، آتش، سزای اوست. خداوند می فرماید: «هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره ای [تازه] برایشان می افزایم».

۲۴۳. مسند ابن حنبل - به نقل از خوله دختر قیس، همسر حمزة بن عبدالمطلب -: پیامبر خدا بر حمزه وارد شد و میان آن دو از دنیا سخن به میان آمد. پیامبر خدا فرمود: «دنیا، جذّاب و شیرین است. پس هر که آن را به حق برگرد، در آن به او برکت داده شود و ای بسا تصرف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که آن روز که خدا را دیدار کند، آتش در انتظار او باشد».

۲۴۴. پیامبر خدا ﷺ: هر که دنیا را از راه حلال طلب کند، برای این که دست خواهش و نیاز به سوی کسی دراز نکند و خانواده اش را تأمین کند و به همسایه اش

۱. یعنی به اندازه نیاز و از راه حلال.

۲. یعنی برخلاف رضای خدا در آن دخل و تصرف کند.

وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا مُكَائِثًا بِهَا حَلَالًا^١ مُرَائِيًا، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ^٢.

٢٤٥. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الرِّزْقَ فِي الدُّنْيَا اسْتِعْفَافًا عَنِ النَّاسِ، وَتَوْسِيعًا عَلَى أَهْلِهِ، وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ ﷻ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهَهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ^٣.

راجع: ص ٢٥٢ (التحذير من الاغترار بالدنيا / الدنيا خضرة حلوة).



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

١. الظاهر أنَّ الصواب في العبارة: «من طلب الدنيا حلالاً مكائثاً بها...» كما في أغلب المصادر.
٢. المصنَّف لابن أبي شيبة: ج ٥ ص ٢٥٨ ح ٧، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٩٨ ح ١٠٣٧٥، مشكاة المصابيح: ج ٢ ص ٦٥٨ ح ٥٢٠٧، مسند إسحاق بن راهويه: ج ١ ص ٢٥٣ ح ٢٥٢، حلية الأولياء: ج ٣ ص ١١٠ كلها عن أبي هريرة وفيها «مكائثاً مفاخرأ»، كنز العمال: ج ٤ ص ١٢ ح ٩٢٤٧.
٣. الكافي: ج ٥ ص ٧٨ ح ٥، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٤ ح ٨٩٠ وفيه «سعيأ» بدل «توسيعأ» وكلاهما عن أبي حمزة، ثواب الأعمال: ص ٢١٥ ح ١ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام، مسند زيد: ص ٢٥٥ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٨ ح ٣١.

محبتی نماید، با چهره‌ای چون ماه شب چهارده، خدا را دیدار کند و هر که دنیا را از راه حلال بطلبد، برای آن که با ثروتش بر دیگران بنازد و آن را به رُخ بکشد، در حالی خداوند را دیدار کند که خدا از او در خشم است.

۲۴۵. امام باقر علیه السلام: هر کس در دنیا به دنبال روزی رود تا دست نیاز سوی مردم دراز نکند و خانواده‌اش را در آسایش قرار دهد و به همسایه‌اش کمک کند، روز قیامت، با صورتی چون ماه شب چهارده، خداوند تعالی را دیدار می‌کند.

و. ک: ص ۲۵۲ (بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا/ دنیاخوش و شیرین است).



مرکز تحقیقات کلمه‌پژ علم و رسد

الفصل الثالث

ما ينال به خير الدنيا والآخرة

١ / ٣

الحكمة

الكتاب

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ ١.

مركز تحقيقات كميته علوم اسلامی

الحديث

٢٤٦. لقمان عليه السلام - في وصيته لولده -: يا بُنَيَّ تَعَلَّمِ الْحِكْمَةَ تَشْرَفْ بِهَا... وَكَيْفَ يَظُنُّ ابْنُ آدَمَ أَنْ يَنْتَهِيَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ وَمَعِيشَتِهِ بِغَيْرِ حِكْمَةٍ؟ وَلَنْ يُهَيِّئَ اللَّهُ ﷻ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِالْحِكْمَةِ، وَمَثَلُ الْحِكْمَةِ بِغَيْرِ طَاعَةٍ مَثَلُ الْجَسَدِ بِغَيْرِ نَفْسٍ وَمَثَلُ الصَّعِيدِ بِغَيْرِ مَاءٍ، وَلَا صَلَاحَ لِلْجَسَدِ بِغَيْرِ نَفْسٍ وَلَا لِلصَّعِيدِ بِغَيْرِ مَاءٍ وَلَا لِلْحِكْمَةِ بِغَيْرِ طَاعَةٍ ٢.

١. البقرة: ٢٦٩.

٢. أعلام الدين: ص ٣٢٧، كنز الفوائد: ج ٢ ص ٦٦ و ص ٦٧، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢١٩ ح ٥١.

فصل سوم
عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت

۱/۳
حکمت

قرآن

﴿حکمت را [خداوند] به هر که بخواهد، می‌دهد، و به هر که حکمت داده شود، هر آینه، خیر فراوان داده شده است؛ و پند نمی‌گیرند، مگر خردمندان﴾.

مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی

حدیث

۲۴۶. لقمان علیه السلام - در سفارش به فرزندش - : فرزندم! حکمت پیاموز تا بدان، شرافت یابی... آدمی چگونه گمان می‌برد که بدون حکمت، کار دین و معیشتش سامان می‌پذیرد؟ خداوند تعالی هرگز کار دنیا و آخرت را سامان نمی‌دهد، مگر با حکمت، و حکایت حکمت بی طاعت [خداوند]، حکایت جسم بی جان و حکایت زمین بی آب است. نه جسم بدون جان به کار می‌آید، نه زمین بدون آب، و نه حکمت بدون طاعت.

٢/٣

إِشَارَةُ الْآخِرَةِ

٢٢٧. رسول الله ﷺ: مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ حُرِمَ هُمَا جَمِيعاً، وَمَنْ آثَرَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا أَصَابَهُمَا جَمِيعاً.^١

٢٢٨. الإمام عليّ عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دُنْيَاكَ تَبَعاً لِدِينِكَ، أَحْرَزْتَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ، وَكُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ.^٢

٢٢٩. الإمام زين العابدين عليه السلام: كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: يَا سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَكَتَبَ إِلَيْهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ. وَالسَّلَامُ.^٣

٢٥٠. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ، وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الْآخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^٤

راجع: ج ٢ ص ٣١٦ (آثار الاهتمام بالآخرة)

و ٣٢٤ (بركات عمارة الآخرة).

١. الفردوس: ج ٣ ص ٥٨٦ ح ٥٨٣٥ عن أبي هريرة.

٢. غرر الحكم: ح ٣٧٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٦١ ح ٣٤٢٢.

٣. الأُمالي للصادق: ص ٢٦٨ ح ٢٩٣ عن يحيى بن أبي القاسم عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، الاختصاص: ص ٢٢٥ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عليه السلام، روضة الواعظين: ص ٤٨٥، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٠٨ ح ١٧.

٤. الكافي: ج ١ ص ٤٦ ح ٢، منية المرید: ص ١٣٨، مشكاة الأنوار: ص ٢٢٥ ح ٧١٤ كلها عن أبي خديجة، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٥٨ ح ٢.

۲/۳ ترجیح دادن آخرت

۲۴۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، از هر دوی آنها محروم می‌شود و هر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، به هر دوی آنها دست یابد.

۲۴۸. امام علی علیه السلام: اگر دنیایت را تابع دینت قرار دهی، دین و دنیایت را به دست می‌آوری و در آخرت از کامیابان خواهی بود.

۲۴۹. امام زین العابدین علیه السلام: مردی به پدرم حسین بن علی علیه السلام نوشت: «سرورم! مرا از خیر دنیا و آخرت، خبر ده».

به او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بدان که هر کس خشنودی خدا را بر ناخشنودی مردم برگزیند، خدا او را از مردم، بی‌نیاز می‌گرداند و هر که خشنودی مردم را با ناخشنودی خدا بجوید، خداوند، او را به مردم وا می‌گذارد. بدرود!».

۲۵۰. امام صادق علیه السلام: هر که حدیث را برای سود دنیا بخواهد [و فرا گیرد]، در آخرت، او را بهره‌ای نیست و هر که با آن خیر آخرت را بخواهد، خدا، خیر دنیا و آخرت را به او عطا می‌کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۱۷ (آثار اعیان دین به آخرت)

و ۳۴۷ (برکات آباد کردن آخرت).

۳/۳ الصَّدَقُ

۲۵۱. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: تروي أَنَّ رَجُلًا أَتَى سَيِّدَنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَقَالَ: لَا تَكْذِبُ.

قَالَ الرَّجُلُ: وَكُنْتُ عَلَى حَالَةٍ يَكْرَهُهَا اللَّهُ فَتَرَكْتُهَا خَوْفًا مِنْ أَنْ يَسْأَلَنِي سَائِلٌ عَنْهَا عَمِلْتُ كَذَا وَكَذَا، فَأُفْتَضِّحُ أَوْ أَكْذِبُ، فَأَكُونُ قَدْ خَالَفْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِيمَا حَمَلَنِي عَلَيْهِ^۱.

۲۵۲. تحف العقول - في ذكر حكم الإمام الصادق عليه السلام -: سَأَلَهُ رَجُلٌ أَنْ يُعَلِّمَهُ مَا يَنَالُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَا يُطَوِّلَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: لَا تَكْذِبُ^۲.

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۴/۳ حُسْنُ الْخُلُقِ

۲۵۳. رسول الله ﷺ: إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۳.

۱. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ۲۵۲، معدن الجواهر: ص ۲۱ نحوه.

۲. تحف العقول: ص ۲۵۹، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۴۱ ح ۲۷.

۳. ثواب الأعمال: ص ۲۱۵ ح ۱ عن موسى بن إبراهيم رفعه. الأمالي للصدوق: ص ۵۸۸ ح ۸۱۱ عن موسى بن إبراهيم عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جده عليه السلام عن أم سلمة عنه عليه السلام. الخصال: ص ۴۲ ح ۳۴ عن الحسن عن أبيه بإسناده رفعه إليه عليه السلام. مشكاة الأنوار: ص ۳۹۲ ح ۱۲۹۶، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۲۸۴ ح ۲۳: المعجم الكبير: ج ۲۳ ص ۲۲۲ ح ۴۱۱، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ۳۶۵ ح ۱۲۱۲ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۴۸۵ ح ۴۵۵۸۱.

۳/۳

راستگویی

۲۵۱. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام: روایت می‌کنم که مردی خدمت سرورمان پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا اخلاقی بیاموز که خیر دنیا و آخرت مرا در خود داشته باشد.
فرمود: «دروغ مگو».

آن مرد گفت: من در وضعیتی خداناپسند قرار گرفتم، ولی مرتکب آن نشدم؛ چون ترسیدم که کسی از من پرسد چنین و چنان کردی؟ و من [یا باید راستش را بگویم و] رسوا شوم و یا دروغ بگویم که در این صورت، با توصیه پیامبر خدا به من مخالفت کرده باشم.

۲۵۲. تحف العقول - در بیان حکمت‌های امام صادق علیه السلام :- مردی از امام علیه السلام تقاضا کرد به او چیزی بیاموزد که با آن به خیر دنیا و آخرت، دست یابد، و مختصر هم باشد. امام علیه السلام فرمود: «هیچ گاه دروغ مگو».

۴/۳

خوش‌خویی

۲۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوش‌خویی، خیر دنیا و آخرت را به ارمغان می‌آورد.

٥/٣

الاستغفار

الكتاب:

﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُغْفِرْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ﴾. ١

﴿وَيَقُومِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ﴾. ٢

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ۖ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۖ وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيُبْنِيَنَّ وَيَجْعَلَ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلَ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾. ٣

الحديث:

٢٥٤. الزهد عن أبي الجلد: إنَّ داوودَ النَّبِيَّ ﷺ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَخَرَجَ النَّاسُ وَهُمْ يَرُونَ أَنَّهُ سَيَكُونُ مِنْهُ يَوْمٌ مَوْعِدٌ مَوْعِظَةٌ وَتَأْدِيبٌ وَدُعَاءٌ، فَلَمَّا وَافَقَ مَكَانَهُ قَالَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا» وَانْصَرَفَ.

فَاسْتَقْبَلَ آخِرُ النَّاسِ أَوَائِلَهُمْ، قَالُوا: مَا لَكُمْ؟ قَالُوا: إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ إِنَّمَا دَعَا بِدَعْوَةٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ انْصَرَفَ، قَالُوا: سُبْحَانَ اللَّهِ، كُنَّا نَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا الْيَوْمُ يَوْمَ عِبَادَةٍ وَدُعَاءٍ وَمَوْعِظَةٍ وَتَأْدِيبٍ، فَمَا دَعَا إِلَّا بِدَعْوَةٍ وَاحِدَةٍ! قَالُوا: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ أُبْلِغَ عَنِّي قَوْمَكَ فَإِنَّهُمْ قَدْ اسْتَقَلُّوا دُعَاءَكَ، إِنِّي مِنْ أَعْفِرَ لَهُ أَصْلَحَ لَهُ أَمْرٌ آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ. ٤

راجع: التنمية الاقتصادية في الكتاب والسنة: القسم الثالث / الفصل الرابع / الاستغفار.

١. هود: ٣.

٢. هود: ٥٢.

٣. نوح: ١٠-١٢.

٤. الزهد لابن حنبل: ص ٩٢، حلية الأولياء: ج ٦ ص ٥٧، الدر المنثور: ج ٧ ص ١٧٢.

۵/۳ آمزش خواهی

قرآن

﴿از پروردگارتان آمزش بخواهید و به درگاه او توبه کنید. شما را از بهره‌ای نیکو، تا سررسیدی معین، برخوردار می‌کند و فزون هر فزونمندی را به وی می‌دهد﴾.

﴿[هود به قوم خود گفت:] ای قوم من! از پروردگارتان آمزش بخواهید و به درگاه او توبه کنید، تا باران پیوسته تیزبار بر شما بفرستد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید، و چون بزهکاران، پشت نکنید﴾.

﴿[نوح گفت:] پس گفتم: از پروردگارتان آمزش بخواهید که او آمرزگار است، تا باران پیوسته تیزبار بر شما بفرستد و شما را با دارایی‌ها و فرزندان، یاری دهد و برای شما باغ‌ها پدید آورد و رودها برایتان قرار دهد﴾.



حدیث

۲۵۴. الزهد - به نقل از ابو جلد - : داوود پیامبر، به جارچی فرمود و او فریاد: «جمع شوید» سر داد. مردم، بیرون آمدند و فکر می‌کردند که امروز، داوود علیه السلام به اندرز و موعظت و دعا خواهد پرداخت؛ اما چون به جایگاهش آمد، گفت: «بار خدایا! ما را بیامرز» و رفت.

افراد آخر جمعیت، از آنان که جلو بودند [و بر می‌گشتند] پرسیدند: چه خبر؟

گفتند: پیامبر خدا فقط یک دعا کرد و برگشت!

گفتند: سبحان الله! ما انتظار داشتیم که امروز، روز عبادت و دعا و اندرز و

موعظت باشد؛ اما او فقط یک جمله دعا کرد!

گفتند: خداوند به او وحی کرد که: از طرف من به مردم بگو آنان، دعای

تو را اندک شمردند، در صورتی که من، هرکس را بیامرزم، کار آخرت و

دنیايش را اصلاح می‌کنم.

ر.ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش سوم / فصل چهارم / آمزش خواستن.

٦/٣

قراءة سورة التوحيد والطور

٢٥٥ . رسول الله ﷺ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ بِ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جُمِعَ لَهُ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَغُفِرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَمَا وَلَدَا.^١

٢٥٦ . الإمام الباقر والإمام الصادق ﷺ: مَنْ قَرَأَ سُورَةَ «وَالطُّورِ»، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^٢

٧/٣

الذكر

٢٥٧ . رسول الله ﷺ: مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^٣

٢٥٨ . عنه ﷺ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، مَنْ قَالَهَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ^٤، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^٥

٢٥٩ . عنه ﷺ: - لِلْحَسَنِ بْنِ أَبِي رَزِينٍ - : أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى مِلَاكِ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي تُصِيبُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ عَلَيْكَ بِمَجَالِسِ أَهْلِ الذِّكْرِ، وَإِذَا خَلَوْتَ فَحَرِّكْ لِسَانَكَ

١ . جامع الأخبار: ص ١٢٣ ح ٢٣٠، الكافي: ج ٢ ص ٦٢٢ ح ١١، ثواب الأعمال: ص ١٥٦ ح ٤ كلاهما عن

أبي بكر الحضرمي عن الإمام الصادق ﷺ وفيهما زيادة «اللَّهُ» بعد «جمع»، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٤٥ ح ٤.

٢ . ثواب الأعمال: ص ١٤٣ ح ١ عن محمد بن مسلم، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٨٥ ح ٢٤٩٢ عن الإمام الصادق ﷺ، مجمع البيان: ج ٩ ص ٢٤٥ عن محمد بن هشام عن الإمام الباقر ﷺ.

٣ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١ عن ابن القُدَّاح عن الإمام الصادق ﷺ، تفسير نور الثقلين: ج ٤ ص ٢٨٥ ح ١٤٧.

٤ . في المصدر: «عليه» بدل «إليه»، والتصويب من القردوس.

٥ . معجم السفر: ص ١٨٤ ح ٥٨٧، القردوس: ج ٥ ص ١٠ ح ٧٢٨٥ كلاهما عن أبي بكر.

۶/۳
قراست سوره توحید و طور

۲۵۵. پیامبر خدا ﷺ: کسی که به خدا و آخرت ایمان دارد، نباید خواندن ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را در تعقیب نماز واجب، ترک کند؛ زیرا هرکس آن را بخواند، به خیر دنیا و آخرت دست می‌یابد، و خودش و پدر و مادرش و فرزندانش آمرزیده می‌شوند.

۲۵۶. امام باقر و امام صادق (علیهما السلام): هرکس سوره ﴿والطور﴾ را بخواند، خداوند، خیر دنیا و آخرت را برایش گرد می‌آورد.



۲۵۷. پیامبر خدا ﷺ: به هرکس زبانی ذاکر داده شود، خیر دنیا و آخرت بدو داده شده است.

۲۵۸. پیامبر خدا ﷺ: «لا حول ولا قوّة إلا بالله»، گنجی از گنج‌های بهشت است. هرکس آن را بگوید، خدا بر او می‌نگرد و هرکس که خدا بر او بنگرد، خیر دنیا و آخرت را به او داده است.

۲۵۹. پیامبر خدا ﷺ - به حسن بن ابی رزین -: آیا تو را بر اساس این امر که با آن به خیر دنیا و آخرت برسی، راهنمایی کنم؟ بر تو باد مجلس‌های اهل ذکر؛

مَا اسْتَطَعْتَ بِذِكْرِ اللَّهِ، وَأَحَبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ.^١

٨/٣

الرَّفَقُ

٢٦٠. رسول الله ﷺ: أَمَّا إِنَّهُ مَنْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ حُرِمَ حَظَّهُ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ حُرِمَ حَظَّهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^٢

٢٦١. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ الْخُلُقَ وَالرَّفْقَ فَقَدْ أُعْطِيَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَالرَّاحَةَ، وَحَسُنَ حَالُهُ فِي دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ، وَمَنْ حُرِمَ الرَّفْقَ وَالْخُلُقَ كَانَ ذَلِكَ لَهُ سَبِيلًا إِلَى كُلِّ شَرٍّ وَبَلِيَّةٍ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى.^٣

٩/٣

الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَالرَّحْمَةُ

٢٦٢. الإمام علي عليه السلام: إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانُهُ حَاجَةٌ فَابْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ ﷺ، ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسَالَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِيَ إِحْدَاهُمَا وَيَمْنَعَ الْآخَرَى.^٤

١. حلية الأولياء: ج ١ ص ٣٦٧، تاريخ دمشق: ج ١٣ ص ٣١٧ ح ٢٢٨٥ وفيه «بمجالسة» بدل «بمجالس».
- كنز العمال: ج ٥ ص ٨٢٧ ح ٤٢٣٢٩.
٢. مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ٣٠٤ ح ٤٥١٣، حلية الأولياء: ج ٩ ص ١٥٩ كلاهما عن عائشة وراجع مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٥٠٤ ح ٢٤٣١٤، مسند الشهاب: ج ١ ص ٢٧٤ ح ٤٤٥ وشرح نهج البلاغة: ج ٦ ص ٢٣٩، الجعفریات: ص ١٤٩ نحوه.
٣. حلية الأولياء: ج ٣ ص ١٨٦، البداية والنهاية: ج ٩ ص ٣١١، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٤٥ كلّها عن عبد الله بن المبارك، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٨٦ ح ٢٣.
٤. نهج البلاغة: الحكمة ٣٦١، نزهة الناظر: ص ٤٨ ح ١٧، الدعوات: ص ٢٢ ح ٢٦، روضة الواعظين: ص ٣٥٤ وفيهما «على النبي وآله» بدل «على رسوله»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣١٣ ح ١٨.

و هرگاه خلوت کردی، تا می‌توانی زیانت را به ذکر خدا حرکت بده و برای خدا دوست بدار و برای خدا دشمنی بورز.

۸/۳

مدارا و ملایمت

۲۶۰. پیامبر خدا ﷺ: بدانید که به هرکس بهره‌اش از مدارا داده شود، بهره‌اش از خیر دنیا و آخرت، داده شده است و هرکس از بهره‌اش از مدارا محروم شود، از بهره‌اش از خیر دنیا و آخرت، محروم شده است.

۲۶۱. امام باقر ع: به هرکس خوش‌خویی و مدارا داده شود، تمام خیر و آسایش به او داده شده است و در دنیا و آخرت، حال و روزش خوش باشد و هرکس از مدارا و خوش‌خویی محروم گردد، این برای او راهی به سوی هربدی و بلایی باشد، مگر کسی که خدای متعال نگاهش بدارد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی
۹/۳

درود فرستادن بر پیامبر

۲۶۲. امام علی ع: هرگاه از خدای سبحان حاجتی داری، ابتدا درخواست درود فرستادن بر پیامبرش را بکن، سپس حاجتت را بخواه؛ زیرا خداوند، کریم‌تر از آن است که دو حاجت از او خواسته شود و یکی را برآورد و دیگری را برنیاورد.

٢٦٣ . الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» مِثَّةً مَرَّةً، قُضِيَتْ لَهُ مِثَّةٌ حَاجَةٍ ؛ ثَلَاثُونَ لِلدُّنْيَا وَالْبَاقِي لِلْآخِرَةِ.^١

٢٦٤ . الكافي عن مُرَازِمٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جَعَلْتُ ثَلَاثَ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ لَهُ خَيْرًا، فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ لَهُ: ذَاكَ أَفْضَلُ، فَقَالَ: إِنِّي جَعَلْتُ كُلَّ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ: إِذَا يَكْفِيكَ اللَّهُ ﷻ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ.
فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، كَيْفَ يَجْعَلُ صَلَاتَهُ لَهُ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا يَسْأَلُ اللَّهُ ﷻ شَيْئًا إِلَّا بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.^٢



٢٦٥ . رسول الله ﷺ: خَصَلْتَانِ مَنْ رُزِقَهُمَا قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: مَنْ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ، وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ.^٣

٢٦٦ . الإمام علي عليه السلام: مَا أُعْطِيَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَبْدُ شَيْئًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ خُلُقِهِ وَحُسْنِ نَبِيِّهِ.^٤

٢٦٧ . عنه عليه السلام: جُمِعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَمُصَادَقَةِ الْأَخْيَارِ، وَجُمِعَ الشَّرُّ فِي الْإِذَاعَةِ وَمُؤَاخَاةِ الْأَشْرَارِ.^٥

١ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ٩، ثواب الأعمال: ص ١٩٠ كلاهما عن معاوية بن عمار.

٢ . الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٢، ثواب الأعمال: ص ١٨٨ ح ١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٠ ح ٢٢ وراجع الكافي: ج ٢ ص ٤٩١ ح ٣ و ٤.

٣ . تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٤٧.

٤ . غرر الحكم: ح ٩٦٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٣ ح ٨٩١٥.

٥ . الاختصاص: ص ٢١٨، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٧٨ ح ١٧.

۲۶۳. امام صادق علیه السلام: هر کس صد مرتبه بگوید: «پروردگارا! بر محمد و آل محمد، درود

فرست»، صد حاجت او برآورده شود، سی تا برای دنیا و بقیه برای آخرت.

۲۶۴. الکافی - به نقل از مُرازم -: امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر خدا آمد و

گفت: ای پیامبر خدا! من، یک سوم دعا‌های خود را برای تو قرار دادم.

حضرت فرمود: «خوب است».

دوباره گفت: ای پیامبر خدا! من، نیمی از دعا‌هایم را برای تو قرار دادم.

فرمود: «این بهتر است».

باز گفت: من، همه دعا‌هایم را به تو اختصاص دادم.

پیامبر فرمود علیه السلام: «در این صورت، خداوند تعالی خواسته‌های دنیا و آخرت

را برآورده می‌سازد».

مردی به امام صادق علیه السلام گفت: خداوند، کارهایت را به سامان کند! چگونه

می‌شود کسی دعایش را برای پیامبر خدا قرار دهد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «چیزی از خداوند تعالی درخواست نکنند، مگر این که

با درود فرستادن بر محمد و خاندان او آغاز کنند».

۱۰/۳

دو خصلت

۲۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو خصلت اند که روزی هر کس شوند، خیر دنیا و آخرت به او

عطا شده است: کسی که هرگاه گرفتار شود، شکیبایی ورزد و هرگاه

برخوردار شود، سپاس‌گزاری کند.

۲۶۶. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، چیزی از خیر دنیا و آخرت به بنده نداد، مگر به

سبب حُسن خُلق او و حُسن نیتش.

۲۶۷. امام علی علیه السلام: خیر دنیا و آخرت، در رازداری و دوستی با خوبان گرد آمده است،

و بدی در افشای راز و دوستی با بدان، جمع شده است.

٢٦٨. عنه عليه السلام: الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ: الشُّكْرُ مَعَ النُّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ ١.

٢٦٩. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي خَصْلَتَيْنِ: الْغِنَى، وَالتَّقَى ٣.

١١/٣

ثَلَاثُ خِصَالٍ

٢٧٠. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثُ خِصَالٍ يُدْرِكُ بِهَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمَاءِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الضَّرَاءِ، وَالِدُّعَاءُ عِنْدَ الْبَلَاءِ ٤.

٢٧١. عنه عليه السلام: ثَلَاثُ يُدْرِكُ بِهِنَّ الْعَبْدُ رَغَائِبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَايَا، وَالرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَالِدُّعَاءُ فِي الرَّخَاءِ ٥.

٢٧٢. عنه عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عليه السلام -: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثُ ثَوَابُهُنَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الْحَجُّ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَالصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبَلِيَّةَ، وَصَلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ ٦.

٢٧٣. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِنَّ نَالَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بُعِيَتْهُ: مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَرَضِيَ بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَأَحْسَنَ الظَّنَّ بِاللَّهِ ٧.

١. النازلة: المصيبة الشديدة (المصباح المنير: ص ٦٠١ «نزل»).

٢. تحف العقول: ص ٢٣٤، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٠٦ ح ٧: دستور معالم الحكم: ص ٢٦.

٣. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٠١ ح ٤٤٦.

٤. إرشاد القلوب: ص ١٤٩.

٥. كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٠٨ ح ٤٢٢١١ نقلاً عن أبي الشيخ عن عمران بن حصين. الجامع الصغير: ج ١ ص ٥٣٨ ح ٣٤٨٩.

٦. تحف العقول: ص ٧، الدعوات: ص ١٢٧ ح ٣١٤ عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه «الدنيا» وفيه «البر» بدل «صلة الرحم»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٢ ح ٤.

٧. تحف العقول: ص ٣١٦، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٢٩ ح ١٠٧.

۲۶۸. امام علی علیه السلام: خیری که شری در آن نیست: سپاس‌گزاری بر نعمت است، و شکیبایی در گرفتاری و مصیبت.

۲۶۹. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان -: خیر دنیا و آخرت، در دو چیز است: توانگری و پرهیزگاری.

۱۱/۳ سه خصلت

۲۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه خصلت است که با آنها خیر دنیا و آخرت به دست می‌آید: سپاس‌گزاری در هنگام نعمت و برخورداری، شکیبایی در هنگام سختی، و دعا در هنگام بلا و گرفتاری.

۲۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که بنده به واسطه آنها به خواسته‌های دنیا و آخرت می‌رسد: صبر بر بلا یا، راضی بودن به قضا [ی الهی]، و دعا در هنگام آسایش و رفاه.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۲۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در سفارش به علی علیه السلام -: ای علی! سه چیز است که پاداش آنها در دنیا و آخرت است: حج، فقر را می‌زداید؛ صدقه، بلا را دور می‌کند؛ و صله رَحم، عمر را می‌افزاید.

۲۷۳. امام صادق علیه السلام: سه چیز است که هرکس به آنها چنگ زند، در دنیا و آخرت به آرزوی خود برسد: آن که به خدا متمسک شود؛ و به قضای خدا رضایت دهد؛ و به خدا حسن ظن داشته باشد.

٢٧٤ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: - ثلاثة أشياء في كل زمان عزيزة، وهي: الإخاء في الله، والزوجة الصالحة الأليفة في دين الله، والولد الرشيد. ومن أصاب إحدى الثلاثة، فقد أصاب خير الدارين والحظ الأوفر من الدنيا.^١

١٢/٣ أربع خصال

٢٧٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أربع من أعطيهن أعطي خير الدنيا والآخرة: قلباً شاكراً، ولساناً ذاكراً، وبدناً على البلاء صابراً، وزوجة لا تبغيه خوفاً في نفسها ولا ماله.^٢

٢٧٦ . عنه عليه السلام: قال الله تعالى: إذا أردت أن أجمع للمسلم خير الدنيا والآخرة جعلت له قلباً خاشعاً، ولساناً ذاكراً، وجسداً على البلاء صابراً، وزوجة مؤمنة تسره إذا نظر إليها وتحفظه إذا غاب عنها في نفسها وماله.^٣

٢٧٧ . الإمام علي عليه السلام: أربع من أعطيهن فقد أعطي خير الدنيا والآخرة: صدق حديث، وأداء أمانة، وعفة بطن، وحسن خلق.^٤

١ . مصباح الشريعة: ص ٣٠٧، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٢٨٢ ح ٣.

٢ . المعجم الكبير: ج ١١ ص ١٠٩ ح ١١٢٧٥، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٠٤ ح ٤٤٢٩، حلية الأولياء: ج ٣ ص ٦٥ وفيه «لا تتبعه» بدل «لا تبغيه»، الشكر لابن أبي الدنيا: ص ٢٨ ح ٣٤ كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٥٨ ح ٤٣٤١٦، الجعفریات: ص ٢٣٠ عن الإمام الصادق عن أبياته عن الإمام علي عليه السلام وفيه «صالحة» بدل «لا تبغيه...»، تاريخ يعقوبي: ج ٢ ص ٩٠، مشكاة الأنوار: ص ٤٨١ ح ١٦٠٠ عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٤٥ ح ٣٠.

٣ . الكافي: ج ٥ ص ٣٢٧ ح ٢ عن بريد بن معاوية العجلي عن الإمام الباقر عليه السلام، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٩٤ ح ٧٠٥ عن الإمام الباقر عليه السلام.

٤ . غرر الحكم: ح ٢١٤٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٤ ح ١٨٠٧.

۲۷۴. مصباح الشریعة - در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است - : سه چیز است که در هر زمانی کمیاب است: برادری برای خدا؛ زن شایسته و یار و همراه در دینداری؛ و فرزند سر به راه. هرکس به یکی از این سه چیز برسد، به خیر هر دو سرا و به بیشترین سهم از دنیا رسیده است.

۱۲/۳ چهار خصلت

۲۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز است که به هرکس داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: دلی شاکر؛ زبانی ذاکر؛ بدنی بر رنج و بلا، صابر؛ و همسری که به شوهرش و اموال او خیانت نکند.

۲۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تعالی فرمود: «هرگاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گرد آورم، دلی خاشع، زبانی ذاکر، بدنی بر رنج و بلا صابر، و همسر باایمانی که هرگاه به او نگاه کند، شاد شود و در غیاب شوهر، خود و مال شوهر را حفظ کند، به او می دهم».

۲۷۷. امام علی علیه السلام: چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: راستگویی، امانتداری، حلال خواری، و خوش خویی.

٢٧٨. عنه عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فِي الدُّنْيَا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَارَ بِحُظِّهِ مِنْهُمَا: وَرَعَ يَعْصِمُهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ، وَجِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ، وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^١

٢٧٩. الإمام الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ وَهُوَ عَلَى مِنْبَرِهِ: وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ، وَرَجَائِهِ لَهُ، وَحُسْنِ خُلُقِهِ، وَالْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ.^٢

٢٨٠. عِدَّةُ الدَّاعِي: رُوِيَ عَنِ الْعَالِمِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: وَاللَّهِ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَرَجَائِهِ لَهُ، وَحُسْنِ خُلُقِهِ، وَالْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ، وَاللَّهُ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ عَبْدًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ وَتَقْصِيرِهِ فِي رَجَائِهِ لِلَّهِ صلى الله عليه وآله وَسُوءِ خُلُقِهِ وَاغْتِيَابِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَيْسَ يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ صلى الله عليه وآله إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ، لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي أَنْ يُخْلِفَ ظَنُّ عَبْدِهِ وَرَجَاءَهُ، فَأَحْسِنُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ ذَابِرَةٌ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾^{٣. ٢}.

١. الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ٥٧٧ ح ١١٩٠ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهَا عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عليه السلام، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِر: ج ٢

ص ٧١ عَنْ نَوْفِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبِكَالِيِّ وَلَيْسَ فِيهِ «فِي الدُّنْيَا»، بَحَارُ الْأَنْوَار: ج ٦٩ ص ٢٠٤ ح ١٠٦.

٢. الْكَافِي: ج ٢ ص ٧١ ح ٢ عَنْ بَرِيدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ، الْإِخْتِصَاصُ: ص ٢٢٧ وَلَيْسَ فِيهِ «وَرَجَائِهِ لَهُ وَحُسْنِ خُلُقِهِ»،

عِدَّةُ الدَّاعِي: ص ١٢٥ عَنْ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عليه السلام وَلَيْسَ فِيهِ صَدْرُهُ، مَشْكَاةُ الْأَنْوَار: ص ٧٧ ح ١٤٧، بَحَارُ الْأَنْوَار:

ج ٦ ص ٢٨ ح ٢٩.

٣. الْفَتْح: ٦.

٤. عِدَّةُ الدَّاعِي: ص ١٢٥، إِرْشَادُ الْقُلُوب: ص ١٠٩ عَنْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَار: ج ٦ ص ٢٨ ح ٢٩.

۲۷۸. امام علی علیه السلام: به هر کس در دنیا چهار خصلت داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و به بهره خود از هر دو رسیده است: پارسایی ای که او را از حرام های خدا نگه دارد؛ خوش خوئی ای که با آن در میان مردم زندگی کند؛ بردباری ای که با آن، نادانی و جسارت نادان را دفع کند؛ و همسر شایسته ای که او را در کار دنیا و آخرت، کمک کند.

۲۷۹. امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام دیدیم که پیامبر صلی الله علیه و آله روی منبر فرمود: «سوگند به آن که معبودی جز او نیست، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد، مگر به سبب خوش گمانی اش به خدا و امیدش به او، و خوش خوئی اش، و خودداری از غیبت کردن از مؤمنان.

۲۸۰. عُدَّة الداعی: از عالم (امام کاظم علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «به خدا سوگند، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد، مگر به واسطه خوش گمانی اش به خداوند تعالی و امیدواری اش به او، و خوش خوئی اش، و خودداری از غیبت کردن از مؤمنان، خدای متعال، هیچ بنده ای را پس از توبه و استغفار، عذاب نمی کند، مگر به سبب بدگمانی اش به خدا، کوتاهی اش در امید داشتن به خدا، بداخلاقی اش، و غیبت کردنش از مؤمنان. هیچ بنده مؤمنی نیست که به خداوند تعالی گمان نیک ببرد، مگر آن که خدا با او مطابق گمانش رفتار کند؛ زیرا خداوند، بزرگوار است و شرم می کند از این که خلاف گمان و امید بنده اش عمل کند. پس، به خدا گمان نیک ببرید و به درگاهش دعا و تضرع کنید؛ چه، خداوند متعال می فرماید: «آنان که به خدا گمان بد ببرند، بر گردشان بدی حلقه زند، و خدا بر آنان خشم گرفته است».

١٣/٣

سِتُّ خِصَالٍ

٢٨١. الإمام علي عليه السلام: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا يُحِبُّنِي اللَّهُ عَلَيْهِ، وَيُحِبُّنِي الْمَخْلُوقُونَ، وَيُثْرِي اللَّهُ مَالِي، وَيُصِحِّحَ بَدَنِي، وَيُطِيلَ عُمرِي، وَيَحْشُرُنِي مَعَكَ.

فَقَالَ: هَذِهِ سِتُّ خِصَالٍ، تَحْتَاجُ إِلَى سِتِّ خِصَالٍ؛ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَخَفُهُ وَاتَّقِهِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ الْمَخْلُوقُونَ فَأَحْسِنْ إِلَيْهِمْ وَارْفُضْ مَا فِي أَيْدِيهِمْ^١، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ اللَّهُ مَالَكَ فَزَكِّهِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُصَحِّحَ بَدَنَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّدَقَةِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُطِيلَ اللَّهُ عُمرَكَ فَصِلْ ذَوِي أَرْحَامِكَ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَحْشُرَكَ اللَّهُ مَعِيَ فَأُطِلِ السُّجُودَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ^٢.

١٤/٣

ثَمَانِ خِصَالٍ

٢٨٢. الإمام علي عليه السلام: طَلَبْتُ الْقَدَرَ وَالْمَنْزِلَةَ فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِالْعِلْمِ؛ تَعَلَّمُوا يَعْظُمَ قَدْرُكُمْ فِي الدَّارَيْنِ.

وطلبتُ الكرامةَ فما وجدتُ إلا بالتَّقْوَى؛ اتَّقُوا لَتَكْرُمُوا.

وطلبتُ الغنىَ فما وجدتُ إلا بالقَنَاعَةِ؛ عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ تَسْتَغْنُوا.

وطلبتُ الراحةَ فما وجدتُ إلا بِتَرْكِ مُخَالَطَةِ النَّاسِ إِلَّا لِقَوَامِ عَيْشِ الدُّنْيَا؛

اتْرُكُوا الدُّنْيَا وَمُخَالَطَةَ النَّاسِ تَسْتَرِيحُوا فِي الدَّارَيْنِ وَتَأْمَنُوا مِنَ الْعَذَابِ.

١. في المصدر «يديهم» والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.

٢. أعلام الدين: ص ٢٦٨، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ١٦٤ ح ١٢.

۱۳/۳ شش خصلت

۲۸۱. امام علی علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: به من کاری بیاموز که خداوند، به سبب آن، مرا دوست بدارد و آفریدگان نیز دوستم بدارند، و خدا دارایی ام را فزون گرداند و تن درستم بدارد و عمرم را طولانی گرداند و مرا با تو محشور کند.

فرمود: «اینها [بی که گفתי] شش چیز است که به شش چیز، نیاز دارد: اگر می خواهی خدا تو را دوست بدارد، از او بترس و تقوا داشته باش. اگر می خواهی آفریدگان دوستت بدارند، به آنان نیکی کن و به آنچه دارند، چشم مدوز. اگر می خواهی خدا دارایی ات را فزونی بخشد، زکات آن را بپرداز. اگر می خواهی خدا بدنت را سالم بدارد، صدقه بسیار بده. اگر می خواهی خداوند عمرت را طولانی گرداند، به خویشاوندانت رسیدگی کن؛ و اگر می خواهی خداوند تو را با من محشور کند، در پیشگاه خدای یگانه قهار، سجده طولانی کن.

۱۴/۳ هشت خصلت

۲۸۲. امام علی علیه السلام: قدر و منزلت را جُستم و آن را جز به دانش نیافتم. [پس] دانش بیاموزید، تا قدر و منزلت شما در هر دو سرا بالا برود. ارجمندی را جُستم و آن را جز به تقوا نیافتم. [پس] تقوا پیشه کنید تا ارجمند شوید. توانگری را جُستم و آن را جز به قناعت نیافتم پس قانع باشید تا بی نیاز و توانگر شوید. آسایش را جُستم و آن را جز در ترک آمیزش با مردم، مگر در حد گذران

وطلَّبتُ السَّلامَةَ فما وَجَدْتُ إِلَّا بِطاعَةِ اللَّهِ؛ أَطِيعُوا اللَّهَ تَسْلَمُوا.
وطلَّبتُ الخُضوعَ فما وَجَدْتُ إِلَّا بِقَبولِ الحَقِّ؛ اقْبَلُوا الحَقَّ فَإِنَّ قَبولَ الحَقِّ
يُبْعِدُ مِنَ الكِبَرِ.

وطلَّبتُ العِيشَ فما وَجَدْتُ إِلَّا بِتَرْكِ الهَوَى؛ فَاتْرُكُوا الهَوَى لِيَطِيبَ عِيشُكُمْ.
وطلَّبتُ المَدَحَ فما وَجَدْتُ إِلَّا بِالسَّخاوَةِ؛ كُونُوا أَسْخِياءَ تُمدَّحُوا.
وطلَّبتُ نعيمَ الدُّنيا والآخِرَةِ فما وَجَدْتُ إِلَّا بِهَذِهِ الخِصالِ الَّتِي ذَكَرْتُها.^١

راجع: ص ١٨٤ (الفصل الثالث: ما ينال به خير الدنيا والآخرة)،
التنمية الاقتصادية في الكتاب والسنة: القسم الثالث: مبادئ التنمية.



زندگی دنیا نیافتم. پس دنیا و آمیزش با مردم را ترک گوئید تا در دو جهان، آسوده شوید و از عذاب [و رنج] در امان باشید. سلامت را جُستم و آن را جز در اطاعت از خدا نیافتم. پس از خدا اطاعت کنید تا به سلامت مانید. فروتنی را جُستم و آن را جز در پذیرش حق نیافتم. پس حق را بپذیرید؛ زیرا که پذیرش حق [آدمی را] از تکبر دور می‌سازد. [لذت] زندگی را جُستم و آن را جز در ترک هوس نیافتم. پس هوس را رها کنید تا زندگی شما خوش و گوارا شود. ستایش را جُستم و آن را جز در سخاوت نیافتم. پس سخاوتمند باشید تا ستوده شوید. آسایش و سعادت دنیا و آخرت را جُستم و آن را جز با [تحقق] این اموری که نام بردم، نیافتم.

و. ک: ص ۱۸۵ (فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت).
توسعة اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش سوم: میانی و اصول توسعه.



مرکز تحقیقات علوم دینی

الفصل الرابع

أَصْنَافُ النَّاسِ فِي نَيْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

٢٨٣. رسول الله ﷺ: النَّاسُ أَرْبَعَةٌ... فَمُوسِعٌ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا مَقْتُورٌ عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ، وَمَقْتُورٌ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا مُوسِعٌ عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ، وَنَاسٌ مَقْتُورٌ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^١
٢٨٤. الإمام علي عليه السلام: الْحَرْثُ^٢ حَرْثَانِ: فَحَرْثُ الدُّنْيَا الْمَالُ وَالْبَنُونَ، وَحَرْثُ الْآخِرَةِ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ، وَقَدْ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لِأَقْوَامٍ^٣.
٢٨٥. عنه عليه السلام: إِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَرْثُ الدُّنْيَا، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ، وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ لِأَقْوَامٍ^٤.

١. مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٤٨٤ ح ١٨٩٢٢، صحيح ابن حبان: ج ١٤ ص ٤٥ ح ٦١٧١ وزاد فيه «وشقي في الدنيا وشقي في الآخرة»، المستدرک علی الصحيحین: ج ٢ ص ٩٧ ح ٢٤٤٢، شعب الإيمان: ج ٢ ص ٣٢ ح ٢٢٦٩ وفيهما «شقي في الدنيا والآخرة» بدل «مقتور عليه في الدنيا والآخرة»، المعجم الكبير: ج ٤ ص ٢٠٧ ح ٢١٥٥ كلها عن خريم بن فاتك، كنز العمال: ج ٦ ص ٣٧٩ ح ١٦١٤٢.

٢. الحَرْثُ: الكَشْبُ، يقال: فلانٌ يَحْرِثُ لعماليه ويَحْتَرِثُ: أي يكتسب (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٨١ «حَرْث»).

٣. تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥٠٣ عن يحيى بن يعمر، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠٧ ح ٤٤٢٣١.

٤. الكافي: ج ٥ ص ٥٧ ح ٦ عن حسن، نهج البلاغة: الخطبة ٢٣، خصائص الأنعة ﷺ: ص ١٠٢، تحف العقول: ص ٢١٧، تفسير القمي: ج ٢ ص ٢٧٤، قرب الإسناد: ص ٣٩ ح ١٢٣ كلاهما عن بكر بن محمد الأزدي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٦٣ ح ٨؛ تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥٠٢ عن يحيى بن يعمر، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٩٢ ح ٢٢٢١٦ نقلًا عن وكيع نحوه.

فصل چهارم

کروه های مردم دریدن به دنیا و آخرت

۲۸۳. پیامبر خدا ﷺ: مردم، چهار دسته اند: ... آن که در دنیا در گشایش است و در آخرت در مضیقه؛ آن که در دنیا در مضیقه است و در آخرت در گشایش؛ آن که در دنیا و آخرت در مضیقه است؛ و آن که در دنیا و آخرت در گشایش است.

۲۸۴. امام علی علیه السلام: کشت، دو گونه است: کشت دنیا، مال و فرزند است، و کشت آخرت، باقیات صالحات (اعمال صالح). گاه خداوند، همه اینها را به عده ای می دهد.

۲۸۵. امام علی علیه السلام: مال و فرزند، کشت دنیا است و کار نیک، کشت آخرت. گاهی اوقات خداوند، هر دو اینها را به عده ای می دهد.

٢٨٦ . عنه عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ: عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ، يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُقُهُ الْفَقْرَ، وَيَأْمَنُهُ عَلَى نَفْسِهِ، فَيُفْنِي عُمُرَهُ فِي مَنَفَعَةٍ غَيْرِهِ. وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، فَأَحْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا، فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ^١.

٢٨٧ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سَيَجْمَعُ لَنَا وَلِشِيعَتِنَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ^٢.

٢٨٨ . تهذيب الأحكام عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام: مَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا ثَلَاثِينَ أَلْفًا وَهُوَ يُرِيدُ بِهِ خَيْرًا.

وقال: مَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ مِنْ حِلٍّ، وَقَدْ يَجْمَعُهَا لِأَقْوَامٍ؛ إِذَا أُعْطِيَ الْقَوْتَ وَرُزِقَ الْعَمَلَ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ^٣.

٢٨٩ . الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيَّانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ -:

مَا أَحْسَنَ الدِّينَ وَالدُّنْيَا إِذَا اجْتَمَعَا لَا بَارَكَ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا بِلا دِينٍ^٤

١ . نهج البلاغة: الحكمة ٢٦٩، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ٩٨، أعلام الدين: ص ٢٩٦ وليس فيها من «فأحرز» إلى «جميعاً» وفيها «ملكاً» بدل «وجيهاً»، غرر الحكم: ح ٢١٢٩ وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥.

٢ . الكافي: ج ١ ص ٤٧٤ ح ٤، الاختصاص: ص ٢٦٩، دلائل الإمامة: ص ٢٨٩ ح ٢٣٨، بصائر الدرجات: ص ٣٧٤ ح ١، الخرائج والجرائح: ج ٢ ص ٧٣٧ ح ٥٢ كلها عن يونس بن ظبيان والمفضل بن عمر وأبي سلمة السراج والحسين بن ثوير بن أبي فاختة، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٨٧ ح ٨٨.

٣ . تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٨ ح ٩٠٧، التمهيد: ص ٥٠ ح ٨٧ عن إبراهيم بن عمر وفيه «لقوم» بدل «له»، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٤ ح ١٥٨٤ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٦٦ ح ٢٣.

٤ . الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٥٩٢ الرقم ٤٤٩.

۲۸۶. امام علی علیه السلام: مردم در دنیا دو گونه عمل می‌کنند: یکی در دنیا برای دنیا کار می‌کند، به طوری که دنیایش او را از آخرتش باز داشته است، برای بازماندگانش از فقر می‌ترسد، اما به فقر خودش [در آخرت] نیست. از این رو، عمر خود را در راه منفعت دیگران صرف می‌کند و دیگری در دنیا برای بعد از دنیا کار می‌کند و از دنیا آنچه برای او مقدر است، بدون زحمت و تلاش به او می‌رسد. چنین کسی هر دو بهره را جمع کرده و هر دو سرا را به دست آورده است و نزد خداوند با آبرو شده، به طوری که هر حاجتی از خدا بخواهد، به او بدهد.

۲۸۷. امام صادق علیه السلام: به زودی خداوند، دنیا و آخرت را به ما و شیعیان ما خواهد داد.

۲۸۸. تهذیب الاحکام - به نقل از ابراهیم بن محمد - امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، به هیچ بنده‌ای سی هزار نداده است که با این کار، خیر او را خواسته باشد». و فرمود: «هیچ مردی هرگز از راه حلال، ده هزار درهم جمع نکرده است. البته گاه خداوند، آن را به عده‌ای می‌دهد؛ هرگاه خوراکش داده و عمل روزی‌اش شود، در این صورت، خداوند، دنیا و آخرت را برایش جمع کرده است».

۲۸۹. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:

چه نیکوست دین و دنیا، هرگاه با هم جمع شوند /

خداوند به دنیای بدون دین برکت نمی‌دهد

۲۹۰. عنه علیه السلام - فِي الدِّيَّانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ -:

رُبَّ فَتًى دُنْيَاهُ مَوْفُورَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ
وَأَخْسَرُ دُنْيَاهُ مَذْمُومَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَاخِرَةٌ
وَأَخْسَرُ فَازَ بِكِلْتَاهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ
وَأَخْسَرُ يُحْرَمُ كِلْتَاهِمَا لَيْسَ لَهُ الدُّنْيَا وَلَا الْآخِرَةُ^۱

۲۹۱. عنه علیه السلام - فِي الدِّيَّانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ -:

أَرْبَعَةٌ فِي النَّاسِ مَيِّزَتُهُمْ أَحْوَالُهُمْ مَكْشُوفَةٌ ظَاهِرَةٌ
فَوَاحِشُ دُنْيَاهُ مَقْبُوضَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَاخِرَةٌ
وَوَاحِدُ دُنْيَاهُ مَحْمُودَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ
وَوَاحِدُ فَازَ بِكِلْتَاهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ
وَوَاحِدٌ مِنْ بَيْنِهِمْ خَائِعٌ لَيْسَ لَهُ دُنْيَا وَلَا آخِرَةُ^۲

۱. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام؛ ص ۲۷۲ الرقم ۱۹۴.

۲. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام؛ ص ۲۷۲ الرقم ۱۹۵.

۲۹۰. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - :

بسا جوانی که برخوردار از دنیا/

اما بی بهره از آخرت است!

و دیگری که دنیاش نکوهیده/

اما آخرتش افتخار آفرین است!

و دیگری که برخوردار از هر دو/

و گردآورنده دنیا و آخرت با هم است!

و دیگری که محروم است از هر دو/

نه دنیایی دارد و نه آخرتی!

۲۹۱. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - :

مردم را به چهار دسته متمایز می‌کنم/

که دارای چهار حالت آشکار و نمایان‌اند:

یکی دستش از دنیا تهی/

اما دارای آخرتی افتخارآمیز است.

یکی دنیايش پس‌نندیده/

اما از آخرت، محروم است.

یکی به هر دو رسیده/

و دنیا را با آخرت، گرد آورده است.

و یکی هر دو را از دست داده/

و نه دنیا دارد، نه آخرت.

الفصل الخامس الوعى في طلب الدنيا

٢٩٢ . رسول الله ﷺ: الدنيا دُولٌ، فما كان لك منها أتاكَ على ضعفِكَ، وما كان عليكَ لم تدفعهُ بقوَّتِكَ، ومن انقطعَ رجاؤُهُ ممَّا فاتَ استراحَ بدَنُهُ، ومن رَضِيَ بما رَزَقَهُ اللهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ.^١

٢٩٣ . عنه ﷺ: أجملوا^٢ في طلبِ الدنيا؛ فإنَّ كُلاًّ ميسَّرٌ لما خُلِقَ لَهُ.^٣

٢٩٤ . الإمام عليّ عليه السلام: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَتَاكَ وَتَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ، فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ.^٤

٢٩٥ . عنه عليه السلام: الدنيا دُولٌ، فاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ حَتَّى تَأْتِيكَ ذَوْلَتُكَ.^٥

١ . الأُمالي للطوسي: ص ٢٢٥ ح ٣٩٣ عن الحسن بن موسى عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام، التمهيد: ص ٥٤

ح ١٠٦ عن الإمام الباقر عليه السلام، نهج البلاغة: الكتاب ٧٢ عن الإمام علي عليه السلام وفيه «الدنيا دار دول» وفيه صدره إلى «بقوتك»، الخصال: ص ٢٥٨ ح ١٣٣ عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «ولم تمتنع منه» بدل «لم تدفعه»، تحف العقول: ص ٤٠، مشكاة الأنوار: ص ٢٣٣ ح ٦٥٩ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٤ ح ٧٢.

٢ . أجمل في طلب الشيء: إتَّاد واعتدل ولم يفرط (لسان العرب: ج ١١ ص ١٢٧ «جمل»).

٣ . سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ٧٢٥ ح ٢١٤٢، حلية الأولياء: ج ٣ ص ٢٦٥، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤ ح ٢١٣٣، السنن الكبرى: ج ٥ ص ٤٣٤ ح ١٠٤٠٣ وفيهما «كتب له منها» بدل «خُلِقَ له» وكلها عن أبي حميد الساعدي، كنز العمال: ج ٤ ص ٢٠ ح ٩٢٩١.

٤ . نهج البلاغة: الحكمة ٣٩٣، تحف العقول: ص ٧٨، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٣٨ ح ٨٣.

٥ . الخصال: ص ٦٣٣ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، كنز الفوائد: ج ١ ص ٦١، أعلام الدين: ص ١٧٣ وليس فيهما «حتى تأتيك ذولتك»، غرر الحكم: ح ١٩١٣ وفيه «فأجمل في طلبها واصطبر» بدل «فاطلب حظك منها بأجمل الطلب»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣.

فصل پنجم

هشیاری در طلب دنیا

۲۹۲. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، نوبتی است. آن گاه که نوبتش به تو برسد، به سراغ تو می آید، هرچند ناتوان باشی و آن گاه که به زیان تو شود، همه قدرتت هم نمی توانی آن را دفع کنی. هر که از آنچه از کف رفته، امید بَرکند، تنش آسوده گشت و هر کس به آنچه خدا روزی اش کرده خشنود شد، چشمش روشن گشت.

۲۹۳. پیامبر خدا ﷺ: در طلب دنیا آرام باشید (افراط نکنید)؛ زیرا هر کس به آنچه برای او آفریده [و مقدر] شده است، می رسد.

۲۹۴. امام علی علیه السلام: از دنیا آنچه را که به تو می رسد، بگیر و از آنچه از تو روی می گرداند، رو بگردان و اگر چنین نمی کنی [و در پی دنیا می روی]، پس در طلب آن، راه اعتدال بپوی.

۲۹۵. امام علی علیه السلام: دنیا، نوبتی است. پس بهره خود از دنیا را با آرامی تمام طلب کن تا آن که نوبت تو فرا رسد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

توضیح درباره‌ی میانه‌روی در طلب دنیا

در این فصل، لازم است که آفات توسعه‌ی مادی و راه‌های پیشگیری از آن، از نگاه قرآن و احادیث اسلامی تبیین گردند تا توسعه‌ی مادی به بهای تخریب معنویت و جهان آخرت برای انسان تمام نشود؛ لیکن همان طور که در مقدمه‌ی این بخش اشاره شد، این مبحث به تفصیل در کتاب توسعه‌ی اقتصادی بر پایه‌ی قرآن و حدیث آمده است^۱ و نیازی به تکرار آن در این جا نیست. تنها برای توضیح احادیثی که ملاحظه شد، به این نکته اشاره می‌کنیم که جهان‌بینی الهی، عامل اصلی برای پرهیز از آفات توسعه‌ی مادی است؛ زیرا پیوند با آفریننده‌ی هستی و ایمان به حیات جاودان، انسان را از در افتادن به ورطه‌ی اعمال نامشروع باز می‌دارند و مانع استفاده از وسایل نادرست برای دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه‌ی نامشروع مادی می‌گردند. بدین سان است که آدمی شکار دام دنیای نکوهیده نمی‌شود.

تفکر توحیدی و ایمان به تقدیر (با مفهوم درست و سازنده‌اش) در کنار

۱. ر.ک: توسعه‌ی اقتصادی بر پایه‌ی قرآن و حدیث: بخش پنجم: آفات توسعه.

مدیریت و کار، سبب می‌شوند که انسان با آرامش و آسودگی زندگی کند. انسان هر گاه باور کند که خداوند روزی دهنده است، دیگر اندوه روزی را نمی‌خورد؛ چرا که می‌داند خداوند متعال، در صورتی که او در طلب روزی خود سستی نکند، روزی‌اش را تضمین کرده است. چنین کسی، حرص نیز نمی‌ورزد و خود را - بیش از حدی که رواست - در کام سختی‌ها و خطرهای نمی‌اندازد؛ بلکه به زندگی کریمانه قناعت می‌کند و نیز آنچه را از حد رفع نیازش فراتر باشد، انفاق می‌نماید که این خود، مایه شکوفایی اقتصاد در گستره جامعه و خدمتی به همه انسان‌هاست^۱، و این است معنای میانه‌روی در طلب دنیا.



مرکز تحقیقات کلمه‌پژ علم و رسد

۱. ر.ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش سوم: اصول، موانع و آفات توسعه / زهد و توسعه.

بخش دوم

دنیای نکو هیده



مرکز تحقیقات کتب و تراث علوم اسلامی

شامل:

درآمد	
فصل یکم	: شناخت دنیای نکو هیده
فصل دوم	: ارزیابی دنیا
فصل سوم	: بر خیز داشتن از دنیا
فصل چهارم	: زبان های دنیا دوستی
فصل پنجم	: ریشه های دنیا دوستی

درآمد

بر پایه آنچه در تبیین معنای «دنیا» از نگاه قرآن و حدیث آمد، دنیا به خودی خود، نه مذموم است و نه ممدوح؛ بلکه همچون مزرعه‌ای است که اگر تخم بدی در آن کشت شود، حاصل آن زیانبار و نکوهیده است و اگر تخم نیکی در آن کاشته شود، حاصل آن سودمند و ستوده است. از این رو، تعارضی میان احادیثی که می‌گویند دنیا مزرعه خیر است^۱ و احادیثی که دنیا را مزرعه شر^۲ می‌دانند، وجود ندارد.

بنا بر این، آنچه در این بخش تحت عنوان «دنیای نکوهیده» آمده، بدان معنا نیست که دنیا بر دو نوع است: نکوهیده و ستوده؛ بلکه بدان معناست که بهره‌گیری از دنیا دو گونه است: مذموم و ممدوح.

در بخش دوم از این کتاب، رهنمودهای بسیار مهمی در هفت فصل درباره دنیای نکوهیده ارائه می‌گردند. این رهنمودها به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. ر.ک: ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت).

۲. ر.ک: ص ۲۶۳ (ویژگی‌های دنیا / کشتزار بدی).

۱. تفسیر «دنیای نکوهیده»

در فصل یکم، ابتدا اهمیت شناخت دنیای نکوهیده مورد تأکید قرار گرفته و سپس دنیای نکوهیده تحت عناوین: تعریف دنیا، ویژگی‌های دنیا، مثل دنیا و جلوه‌های دنیا، تفسیر و تبیین و بدین سان، مرزبندی گردیده است و در پایان نیز چگونگی اقبال و ادبار دنیا بیان شده است.

چکیده سخن در این باره، آن است که مرزهای دنیای نکوهیده، عبارت‌اند از: ترجیح دادن دنیا بر آخرت، دل‌بستگی به دنیا، فریب هوس‌های مادی را خوردن، اسراف، تجاوز به حقوق دیگران و...^۱ و در یک کلمه، «بهره‌وری نادرست از دنیا»، که اگر کسی وارد این مرزها گردد، در دام هوس‌های نامشروع گرفتار می‌شود و هلاکت او قطعی است.



۲. بی‌ارزشی دنیای نکوهیده

آنچه در فصل دوم در تبیین بی‌ارزشی دنیای نکوهیده آمده است (مانند: دنیا به اندازهٔ بال پشه‌ای نمی‌ارزد؛ پست‌ترین آفریده در نزد خداست؛ پست‌تر از مردار است)^۲ در نگاهی ابتدایی، مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد؛ اما با تأمل، معلوم می‌شود که این تعبیرها در تبیین ارزش بهره‌گیری از منافع فانی دنیا به بهای از دست دادن منافع همیشگی آخرت، کاملاً دقیق و حساب شده است.

۳. هشدار نسبت به دام دنیا

در فصل سوم، حقیقت لذت‌های دنیا تبیین، و هشدار داده شده که مبادا مسلمانان فریفته شیرینی و خوشی‌های آن شوند؛ زیرا محبت دنیا مبدأ انواع گرفتاری‌ها

۱. ر.ک: ص ۲۲۵ (فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده).

۲. ر.ک: ص ۳۱۹ (فصل دوم: ارزیابی دنیا).

و آلودگی‌های اخلاقی و عملی است. همچنین تأکید شده است که مصاحبت با دنیای نکوهیده خطرناک است و مصاحب دنیا نمی‌تواند خود را از گرفتار شدن در دام آن و آلودگی به گناه، حفظ کند، همان‌طور که کسی نمی‌تواند روی آب، راه برود و پاهایش تر نشود.

۴. بزرگ‌ترین خطر دنیا دوستی

فصل چهارم، شرح فصل سوم است؛ زیرا فصل سوم هشدار می‌دهد که فریفتگی و دل‌بستگی به دنیا، ریشه انواع آلودگی‌ها و گرفتاری‌هاست و در فصل چهارم، آثار زیانبار دل‌بستگی به دنیا در زندگی فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی شرح داده شده‌اند.

شایان ذکر است که در میان آثار زیانبار حب دنیا، از همه خطرناک‌تر، بیماری کوردلی و تباه شدن خرد و اندیشه است و اگر کسی دچار این بیماری گردد، هرگز رستگار نخواهد شد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

به بیان روشن‌تر، دل‌بستگی به دنیا، از یک سو، ریشه در نادانی دارد و از سوی دیگر، ثمره‌اش نادانی است؛ اما این دو نادانی، با هم متفاوت‌اند: نادانی اول، قابل درمان است و رهنمودهای اسلام در تعریف دنیای مضموم و تبیین خطر آن، در حقیقت برای درمان این نوع از نادانی است؛ ولی نادانی دوم، قابل درمان نیست؛ زیرا اگر رهنمودهای اسلام برای زدودن نادانی اول به کار گرفته نشد و آدمی در دام دنیا افتاد، آلودگی‌های اخلاقی و عملی، حجاب خرد و قلب می‌گردند و به تدریج، در اثر کثرت زنگارهای جان و مزمن شدن بیماری روانی، قدرت شناخت عقلی و قلبی از انسان سلب می‌گردد. در این جاست که او دیگر نمی‌تواند راه نجات را بیابد و سعادت‌مند شود. درباره این‌گونه افراد، خداوند متعال خطاب به پیامبر خود می‌فرماید:

﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعَمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ﴾^۱

و تو کوران را از گمراهی شان به راه نمی آوری.

یعنی حتی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نیز که بزرگ‌ترین طبیب بیماری‌های روانی است، نمی‌تواند او را درمان کند و هدایت نماید.

۵. ریشه دل‌بستگی به دنیا

در فصل پنجم، روشن می‌شود که دل‌بستگی به دنیای نکوهیده، به دو ریشه باز می‌گردد: یکی نادانی و ناآگاهی، و دیگری آرزوی دور و دراز. البته آرزوی دور و دراز نیز ریشه در ناآگاهی و نادانی دارد^۲. بنا بر این، گام اول در درمان بیماری دنیادوستی، تحصیل علم و معرفت، و گام بعدی، به‌کارگیری آن در عمل است.

۶. نشانه‌های دنیاپرستان و ادب برخورد با آنان

در فصل ششم، نشانه‌های دنیاپرستان و کسانی که در دام دنیا گرفتار شده‌اند، بیان شده تا از این طریق، جامعه اسلامی آنان را بشناسد. از این رو، برای آن که انسان، خود نیز گرفتار این دام نگردد، نه تنها از بزرگداشت آنان باید اجتناب کند؛ بلکه روی گردانی از آنان نیز ضروری است:

﴿فَاعْرِضْ عَنْ مَّن تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾^۳

پس، از هر که از ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب.

۱. نمل: آیه ۸۱.

۲. ر. ک: ج ۲ ص ۷ (ریشه‌های دنیا دوستی).

۳. نجم: آیه ۲۹.

الفصل الأول

مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا الدِّمَمَةُ

١/١

أَهَمِّيَّةُ مَعْرِفَةِ الدُّنْيَا

- ٢٩٦ . الإمام علي عليه السلام: أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارِ غِبْطَةٍ^١، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَغَرَّتْ بِزِينَتِهَا لِمَنْ كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا، فَأَعْرِفُوهَا كُنْهَ^٢ مَعْرِفَتِهَا^٣.
- ٢٩٧ . عنه عليه السلام: مَنْ جُمِعَ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ مَا يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ، وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ، وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ، وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ، وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا، وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا^٤.

٢/١

حَقِيقَةُ الدُّنْيَا الدِّمَمَةُ

١-٢/١

إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ

الكتاب

﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^٥.

١ . الغِبْطَةُ: النعمة والسرور (النهاية: ج ٣ ص ٣٤٠ «غبط»).

٢ . كُنْهَ الأمر: حقيقته (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٦ «كنه»).

٣ . مطالب السؤول: ص ٥٢؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨٢.

٤ . تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٥، جامع الأخبار: ص ٢٩٦ ح ٨٠٦؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠٢.

٥ . الأعلى: ١٦ و ١٧.

فصل یکم

شناخت دنیای نکو بهیده

۱/۱

اهمیت شناخت دنیا

۲۹۶. امام علی علیه السلام: شما را از دنیا بر حذر می دارم، که دنیا، سرای خوشی و شادمانی نیست، بلکه فریبکارانه، خود را آراسته و با آراستگی و زیورش کسی را که به او بنگرد، می فریبد. پس دنیا را نیک بشناسید.

۲۹۷. امام علی علیه السلام: هر که شش خصلت در او گردد آمده باشد، همه اسباب رسیدن به بهشت و رهیدن از آتش را به دست آورده است. هر که خدا را شناخت و فرمانش بُرد؛ و شیطان را شناخت و نافرمانی اش کرد؛ حق را شناخت و پیروی اش کرد؛ باطل را شناخت و از آن پرهیز کرد؛ دنیا را شناخت و دورش افکند؛ و آخرت را شناخت و در طلب آن برآمد.

۲/۱

حقیقت دنیای نکو بهیده

۱-۲/۱

ترجیح دنیا بر آخرت

قرآن

«بلکه شما زندگی دنیا را بر می گزینید، در حالی که آخرت، بهتر و ماندگارتر است».

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا﴾^١.

الحديث

٢٩٨. رسول الله ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَشْغَلَنَّكُمْ دُنْيَاكُمْ عَنْ آخِرَتِكُمْ، فَلَا تُؤَثِّرُوا أَهْوَاءَكُمْ عَلَى طَاعَةِ رَبِّكُمْ، وَلَا تَجْعَلُوا أَيْمَانَكُمْ ذَرِيعَةً^٢ إِلَى مَعَاصِيكُمْ^٣.

٢٩٩. عنه ﷺ - مِمَّا أَوْصَى بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام -: وَأَلَّا تُؤَثِّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ الْبَاقِيَةُ^٤.

٣٠٠. عنه ﷺ: الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ بَاعَ نَعِيمًا دَائِمَ الْبَقَاءِ بِكَسْرَةٍ تَفْنَى، وَخِرْقَةٍ تَبْلَى^٥.

٣٠١. الإمام علي عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يَتَخَسُّونَ﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^٦ فَيُسَبِّتِ الدَّارُ لِمَنْ لَمْ يَتَهَيَّأْ لَهَا وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ^٧.

٣٠٢. عنه ﷺ: اِرْكَبِ الْحَقَّ وَإِنْ خَالَفَ هَوَاكَ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ^٩.

١. الأحزاب: ٢٨.

٢. الذريعة: الوسيلة (الصحاح: ج ٣ ص ١٢١١ «ذرع»).

٣. أعلام الدين: ص ٣٣٩ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨١ ح ١٠.

٤. النخلة: ص ٥٤٤ ح ١٩ عن إسماعيل بن الفضل الهاشمي وإسماعيل بن زياد جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، أعلام الدين: ص ٣٤٧، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٥٥ ح ٧ وفي آخرها «الآخرة باقية».

٥. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٩.

٦. هود: ١٥ و ١٦.

٧. الوجَل: الخوف (الصحاح: ج ٥ ص ١٨٤٠ «وجل»).

٨. تحف العقول: ص ١٨٢، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٧ ح ٨٢.

٩. غرر الحكم: ج ٢٢٩٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٩ ح ١٩٠٧.

«ای پیامبرا به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زیور آن را می خواهید، بیایید بهره‌مندتان کنم و به شیوه‌ای نیکو، رهایتان سازم».

حدیث

۲۹۸. پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! مبادا دنیایتان، شما را از آخرتتان باز دارد. پس، هوس‌های خود را بر فرمان‌برداری از پروردگارتان ترجیح ندهید، و عهد و پیمان و سوگندتان را وسیله‌ای برای نافرمانی‌هایتان قرار ندهید.

۲۹۹. پیامبر خدا ﷺ: از سفارش‌های ایشان به امیر مؤمنان علیه السلام: - و این که دنیا را بر آخرت برنگزینی؛ چرا که دنیا، رفتنی است و آخرت، ماندنی.

۳۰۰. پیامبر خدا ﷺ: وای و صد وای بر کسی که نعمت پاینده را به تکه نانی که از بین می‌رود و به گهنة پارچه‌ای که می‌پوسد، بفروشد.

۳۰۱. امام علی علیه السلام: خداوند می‌فرماید: «آنان که زندگی دنیا و زیورش را می‌خواهند، کردارشان را در آن درست به آنان باز می‌دهیم و از ایشان در آن هیچ نمی‌کاهند. آنان، کسانی‌اند که در آخرت، جز آتش ندارند و هر چه در آن کرده‌اند، هیچ شده است و تباه است آنچه می‌کرده‌اند». پس، چه بد سرایی است [دنیا] برای کسی که از آن نهراسد و در آن، بیمناک نباشد!

۳۰۲. امام علی علیه السلام: همواره با حق حرکت کن، هر چند بر خلاف میل تو باشد و آخرت را به دنیایت بفروش.

٣٠٣. عنه عليه السلام: رِضَاكَ بِالدُّنْيَا مِنْ سُوءِ اخْتِيَارِكَ وَشَقَاءِ جَدِّكَ ١.

٣٠٤. عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا اللَّهَ، فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبْتًا فَيَلْهُو، وَلَا تُرِكَ سُدًى فَيَلْغُو، وَمَا دُنْيَاهُ الَّتِي تَحَسَّنَتْ لَهُ بِخَلْفٍ مِنَ الْآخِرَةِ الَّتِي قَبَّحَهَا سُوءُ النَّظَرِ عِنْدَهُ، وَمَا الْمَغْرُورُ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْلَى هِمَّتِهِ كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سَهْمَتِهِ ٢.

٣٠٥. عنه عليه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ فِي ذَمِّ الدُّنْيَا - : أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِينِ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَطْوَلَ أَعْمَارًا، وَأَبْقَى آثَارًا، وَأَبْعَدَ آمَالًا، وَأَعَدَّ عَدِيدًا، وَأَكْتَفَ جُنُودًا! تَعَبَّدُوا لِلدُّنْيَا أَيْ تَعَبَّدُوا، وَآثَرُوهَا أَيْ إِثَارًا، ثُمَّ ظَعَنُوا ٣ عَنْهَا بِغَيْرِ زَادٍ مُبْلَغٍ وَلَا ظَهْرِ قَاطِعٍ.

فَهَلْ بَلَغَكُمْ أَنَّ الدُّنْيَا سَخَتْ لَهُمْ نَفْسًا بَفِدْيَةٍ، أَوْ أَعَانَتْهُمْ بِمَعُونَةٍ، أَوْ أَحْسَنْتْ لَهُمْ صُحْبَةً؟! بَلْ أَرْهَقَتْهُمْ بِالْقَوَارِحِ ٥، وَأَوْهَقَتْهُمْ ٦ بِالْقَوَارِعِ ٧، وَضَعَضَتْهُمْ بِالنَّوَائِبِ، وَعَقَّرَتْهُمْ ٨ لِلْمَنَاجِرِ، وَوَطِئَتْهُمْ بِالْمَنَاسِمِ ٩، وَأَعَانَتْ عَلَيْهِمْ رَيْبَ الْمَنُونِ.

١. الجَدُّ: الحَفْظُ وَالبَحْثُ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٤٥٢ «جدد»).

٢. غَرَرُ الْحَكْمِ: ح ٥٤١٣، عِيُونُ الْحَكْمِ وَالْمَوَاعِظُ: ص ٢٤٩ ح ٤٩٢٧.

٣. نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: الْحِكْمَةُ ٣٧٠، تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ: ج ١ ص ٧٩، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٣ ص ١٣٢ ح ١٣٦.

٤. ظَعَنَ: إِرْتَحَلَ (المصباح المنير: ص ٣٨٥ «ظعن»).

٥. الْقَدَحُ وَالْقَادِحُ: أَكَالُ يَقَعُ فِي الشَّجَرِ وَالْأَسْنَانِ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٤٢ «قدح»). وفي شرح نهج البلاغة: «الفوائد».

٦. الْوَهَقُ: حَبْلٌ يَلْقَى فِي عُنُقِ الشَّخْصِ يُوْخَذُ بِهِ وَيُوثَقُ، وَأَصْلُهُ لِلدَّوَابِّ (المصباح المنير: ص ٦٧٤ «وهق»).

٧. الْقَارِعَةُ: مِنْ شِدَائِدِ الدَّهْرِ، وَهِيَ الدَّاهِيَةُ. وَيُقَالُ: قَرَعَتْهُمْ قَوَارِعُ الدَّهْرِ: أَيِ أَصَابَتْهُمْ (لسان العرب: ج ٨ ص ٢٦٥ «قرع»).

٨. الْعَقَرُ: التَّرَابُ، وَعَقَّرَهُ: أَيِ مَرَّغَهُ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٧٥١ «عقر»).

٩. الْمَنَاسِمُ: جَمْعُ مَنْسَمٍ وَهُوَ طَرَفُ خُفِّ الْبَعِيرِ (تاج العروس: ج ١٧ ص ٦٨٥ «نسم»).

۳۰۳. امام علی علیه السلام: راضی بودن تو به دنیا، از بدانتخابی تو و از شوربختی توست.

۳۰۴. امام علی علیه السلام: ای مردم! از خدا بترسید؛ زیرا هیچ کس بیهوده آفریده نشده است تا در نتیجه، عمر خویش را به سرگرمی بگذرانند، و سر خود رها نشده است تا در نتیجه، زندگی اش را به پوچی و باطل سپری کند، و دنیای او که خویشتن را برایش آراسته، نمی تواند جایگزین آخرتی شود که بد نگریستن به آن، او را در نظرش زشت جلوه گر ساخته است، و فریب خورده ای که به بالاترین خواست خویش از دنیا دست یافته، مانند کسی نیست که [حتی] به کم ترین بهره خویش از آخرت، دست یافته باشد.

۳۰۵. امام علی علیه السلام - بخشی از خطبه ایشان در نکوهش دنیا - : آیا شما در خانه های همان کسانی نیستید که پیش از شما بودند و از شما عمری درازتر داشتند و آثاری ماندگارتر و آرزوهای دورتر و نیروهای آماده تر و لشکریانی انبوه تر؟! دنیا را بندگی کردند، چه بندگی ای! و آن را برگزیدند، چه برگزیدنی! اما سرانجام، بی هیچ توشه ای رساننده [به سر منزل مقصود] و مرکبی راهوار [طاعات و عبادات] از آن کوچیدند.

آیا هرگز شنیده اید که دنیا جانی فدای آنها کرده باشد، یا کمکی در اختیارشان نهاده باشد، یا با آنان خوش مصاحبتی کرده باشد؟! نه؛ بلکه چونان خوره^۱ به جانشان افتاد و آنان را به کمند بلاها افکند و با مصیبت ها از پا درآوردشان و بینی هایشان را به خاک مالید و لگدکوبشان کرد و پیشامدهای بد روزگار را علیه شان یاری رساند.

شما خود دیده اید که دنیا به هرکس، سر در فرمانش نهاد و آن را [بر آخرت] برگزید و بدان گرایید، ناآشنایی و بی اعتنائی نمود، آن گاه که برای همیشه از دنیا کوچیدند. آیا دنیا، جز گرسنگی توشه ای در اختیارشان نهاد، یا

۱. خوره، بیماری است که آن را آکله و جذام گویند و لب و بینی را می خورد (لغت نامه دهخدا).

فَقَدْ رَأَيْتُمْ تَتَكْرَهَا لِمَنْ دَانَ لَهَا، وَأَثَرَهَا وَأَخْلَدَ إِلَيْهَا، حِينَ ظَعَنُوا عَنْهَا لِإِفْرَاقِ
الْأَبَدِ، وَهَلْ زَوَّدَتْهُمْ إِلَّا السَّعْبُ^١، أَوْ أَحَلَّتْهُمْ إِلَّا الضَّنْكَ، أَوْ نَوَّرَتْ لَهُمْ إِلَّا
الظُّلْمَةَ، أَوْ أَعَقَبَتْهُمْ إِلَّا النَّدَامَةَ! أَفَهَذِهِ تُؤَثِّرُونَ، أَمْ إِلَيْهَا تَطْمَئِنُّونَ، أَمْ عَلَيْهَا
تَحْرِصُونَ؟ فَبُسَّتِ الدَّارُ لِمَنْ لَمْ يَتَّهِمْهَا، وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ مِنْهَا!^٢

٣٠٦. الإمام الصادق عليه السلام: الْمَسْجُونُ مَنْ سَجَنَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ^٣.

٣٠٧. عنه عليه السلام: لَا يَشْغَلُكَ طَلَبُ دُنْيَاكَ عَنْ طَلَبِ دِينِكَ؛ فَإِنَّ طَالِبَ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَدْرَكَ،
وَرُبَّمَا فَاتَتْهُ فَهَلَكَ بِمَا فَاتَتْهُ مِنْهَا^٤.

٣٠٨. الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ - :

يَا مُؤَيَّرَ الدُّنْيَا عَلَى دَيْسِنِهِ وَالتَّائِيَةَ الْحَيْرَانَ عَنْ قَصْدِهِ
أَصْبَحْتَ تَرْجُو الْخُلْدَ فِيهَا وَقَدْ أَبْرَزَ نَابُ الْمَوْتِ عَنْ حَدِّهِ
هَاسِيَهَاتِ إِنَّ الْمَوْتَ ذُو أَسْهُمٍ مَنْ يَرْمِيهِ يَوْمًا بِسَهَا يُرِيدُهُ^٥

راجع: ج ٢ ص ٣٩٢ (ذم من باع آخرته بدنيا غيره).

١ / ٢ - ٢

الطَّمَأْنِينَةُ إِلَى الدُّنْيَا

الكتاب

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَاتِنَا

١. سَعِبَ: جاع، وقيل: لا يكون السَّعْبُ إِلَّا الجوع مع التعب (المصباح المنير: ص ٢٧٨ «سغب»).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١١١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٥ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ: مطالب
السؤال: ص ٥٠ كلاهما نحوه.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٤٥٥ ح ٩، المحاسن: ج ٢ ص ٦ ح ١٠٧٤، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٥ ح ٩٩.

٤. المحاسن: ج ١ ص ٣٥٦ ح ٧٥٨، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢١٤ ح ١٥.

٥. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٢٠٢ الرقم ١٣١.

جز تنگی [معیشت] بر آنها چیزی روا داشت، یا جز تاریکی، نوری به آنها داد، یا جز پشیمانی برایشان بر جای گذاشت؟! پس، آیا چنین دنیایی را بر می‌گزینید، یا به آن اطمینان می‌کنید، یا بر آن حرص می‌زنید؟ بدسرایی است [دنیا] برای کسی که به آن بدگمان نباشد و از آن، در بیم و هراس به سر نبرد!

۳۰۶. امام صادق علیه السلام: زندانی [واقعی] کسی است که دنیایش او را از آخرتش باز داشته باشد.

۳۰۷. امام صادق علیه السلام: طلب دنیایت، تو را از طلب دینت باز ندارد؛ زیرا که طالب دنیا، گاه [آن را] به دست می‌آورد و گاه از دستش می‌دهد و به واسطه همان چیزی که از دست داده است، نابود می‌شود.

۳۰۸. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:

ای آن که دنیا را بر دین، برگزیده‌ای /

و سرگشته‌ای و از راه به در رفته‌ای
و امید جاودانگی در دنیا داری /

- حال آن که نیش مرگ، نمایان است -!

چه دور است [جاودانگی]؛ چرا که دنیا تیرها دارد /

که هرگاه و بر هر که آنها را بیفکند، نابود می‌کند.

ر. ک: ج ۲ ص ۲۹۲ (نکوهش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد).

۲-۲/۱

دل بستگی

قرآن

«آنان که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و به آن دل بستند و آنان که از

غَفْلُونَ * أُولَئِكَ مَا وَنَهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^١.

الحديث

٣٠٩. رسول الله ﷺ: يَقُولُ اللَّهُ ﷻ: يَا دُنْيَا مُرِّي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِأَنْوَاعِ الْبَلَايَا وَمَا هُوَ

فِيهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَضَيِّقِي عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ، وَلَا تَحْلُولِي لَهُ فَيَسْكُنَ إِلَيْكَ.^٢

٣١٠. عنه ﷺ: كَانَ تَحْتَ الْجِدَارِ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزُ لَهُمَا»^٣

لَوْحٌ مِنْ ذَهَبٍ مَكْتُوبٌ فِيهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ، وَعَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ كَيْفَ يَحْزَنُ،

وَعَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِزَوَالِ الدُّنْيَا وَتَقَلُّبِهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ قَلْبُهُ إِلَيْهَا، لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ.^٤

٣١١. الإمام عليّ ﷺ: سُكُونُ النَّفْسِ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ أَعْظَمِ الْغُرُورِ.^٥

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

١. یونس: ٧ و ٨.

٢. المؤمن: ص ٢٤ ح ٣٣ عن الإمام الباقر ﷺ، التمجیس: ص ٤٩ ح ٨١ عن جابر عن الإمام الباقر ﷺ و فيه

«فیرکن» بدل «فیسکن»، أعلام الدین: ص ٢٢٥ و لیس فیهما «وما هو فیہ من أمر دنیا»، بحار الأنوار: ج ٧٢

ص ٥٢ ح ٧٣.

٣. الکھف: ٨٢.

٤. كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٨٠ عن أنس، الجعفریات: ص ٢٣٨ عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ، تاریخ

اليعقوبي: ج ٢ ص ١٠١ بزيادة «وعجباً لمن يوقن بالنار كيف يضحك» بعد «كيف يحزن»، الكافي: ج ٢ ص ٥٩

ح ٩ عن علي بن أسباط عن الإمام الرضا ﷺ، الخصال: ص ٢٣٦ ح ٧٩ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر ﷺ،

معاني الأخبار: ص ٢٠٠ ح ١ عن عمر بن جميع رفعه إلى الإمام عليّ ﷺ، عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ٤٤

ح ١٥٨، صحيفة الإمام الرضا ﷺ: ص ٢٥٤ ح ١٨٠ كلاهما عن الإمام الحسين ﷺ، علل الشرائع: ص ٦٢ ح ١،

تفسير القمي: ج ٢ ص ٤٠ كلاهما عن محمد بن عمار عن الإمام الصادق ﷺ، رجال الكشي: ج ٢ ص ٨٥٩

ح ١١١٦ عن أحمد بن عمر الحلبي عن الإمام الجواد ﷺ، مشكاة الأنوار: ص ٥٢٠ ح ١٧٥١ عن الإمام

الرضا ﷺ وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٢٨٨ ح ٤.

٥. غرر الحكم: ح ٥٦٥٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٥ ح ٥١٥٥.

نشانه‌های مایه‌ش‌اند، آنان، جایگاهشان آتش است، به سبب آنچه که به دست آورده‌اند».

حدیث

۳۰۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ می‌فرماید: «ای دنیا! با انواع بلاها بر بنده مؤمن من، تلخ شو و امور دنیایش را به کام او شرنگ ساز و زندگی‌اش را بر او ننگ گردان و برایش شیرین مشو که به تو دل‌بستگی پیدا کند».

۳۱۰. پیامبر خدا ﷺ: در زیر آن دیواری که خداوند متعال در ستایش از آن یاد کرده و فرموده است: «و در زیر آن، گنجی متعلق به آن دو نفر [کودک یتیم] بود»، لوحی زرین قرار داشت و در آن، چنین نوشته شده بود:

«به نام خدای مهرگسترِ مهربان. در شگفتم از کسی که به مرگ، یقین دارد، چگونه شاد می‌شود؟ و در شگفتم از کسی که به تقدیر، یقین دارد، چرا اندوهگین می‌شود؟ و در شگفتم از کسی که به از کف رفتن دنیا و بی‌وفایی آن به اهلش یقین دارد، چگونه به آن دل‌خوش می‌کند؟ معبودی جز خدا نیست.

۳۱۱. امام علی علیه‌السلام: اعتماد کردن به دنیا، از بزرگ‌ترین فریب‌هاست.

٣١٢. عنه عليه السلام: إِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا حُلُوءَةٌ خَصِرَةٌ... كَمْ مِنْ وَائِقٍ بِهَا قَدْ فَجَعَتْهُ، وَذِي طُمَأْنِينَةٍ إِلَيْهَا قَدْ صَرَعَتْهُ، وَذِي أُتْبَهَةٍ^١ قَدْ جَعَلَتْهُ حَقِيرًا^٢.

٣١٣. عنه عليه السلام: - فِي كِتَابِهِ إِلَى عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ فِي حَرْبِ صِفِّينَ - : أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الَّذِي أَعْجَبَكَ مِنَ الدُّنْيَا مِمَّا نَازَعَتْكَ إِلَيْهِ نَفْسُكَ وَوَثِقَتْ بِهِ مِنْهَا لِمُنْقَلِبٍ عَنْكَ وَمُفَارِقٍ لَكَ، فَلَا تَطْمَئِنَّ إِلَى الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ. وَلَوْ اعْتَبَرْتَ بِمَا مَضَى لَحَفِظْتَ مَا بَقِيَ، وَانْتَفَعْتَ بِمَا وَعِظْتَ بِهِ^٣.

٣١٤. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَتُجَدِّدُ الْأَمَالَ، وَتُقَرِّبُ الْمَنِيَّةَ وَتُبَاعِدُ الْأُمْنِيَّةَ، كُلَّمَا اطمأنَّ صَاحِبُهَا مِنْهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَتْهُ مِنْهَا إِلَى مَحْذُورٍ^٤.

٣١٥. الكافي عن جابر: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ: ... يَا جَابِرُ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَطْمَئِنُّوا إِلَى الدُّنْيَا بِبَقَائِهِمْ فِيهَا، وَلَمْ يَأْمَنُوا قُدُومَهُمُ الْآخِرَةَ.

يَا جَابِرُ، الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، وَالدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ، وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ، وَكَأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ^٥ هُمُ الْفُقَهَاءُ أَهْلُ فِكْرَةٍ وَعِبْرَةٍ؛ لَمْ يُصِمِّهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ - جَلَّ اسْمُهُ - مَا سَمِعُوا بِآذَانِهِمْ، وَلَمْ يُعْمِمْهُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مَا رَأَوْا مِنَ الزَّيْنَةِ بِأَعْيُنِهِمْ، فَفَازُوا بِثَوَابِ الْآخِرَةِ، كَمَا فَازُوا بِذَلِكَ الْعِلْمِ^٦.

١. الأبهة: العظمة والبهاء (النهاية: ج ١ ص ١٨ «أبه»).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١١١، تحف العقول: ص ١٨١ بزيادة «وذي حذر قد خدعته» بعد «قد صرعه».

غرر الحكم: ح ٦٩٤٧- ح ٦٩٤٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٧ ح ٨٢.

٣. وقعة صفين: ص ٤٩٨، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٥٣٩ ح ٤٥١.

٤. غرر الحكم: ح ٣٦٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٦ ح ٣٢٤٣.

٥. في تنبيه الخواطر: «وكان المؤمنون» بدل «وكان المؤمنين».

٦. الكافي: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧ وراجع كشف

الغمة: ج ٢ ص ٢٣٣ وتحف العقول: ص ٢٨٧ وتاريخ دمشق: ج ٥٤ ص ٢٨١.

۳۱۲. امام علی علیه السلام: من، شما را از دنیا برحذر می‌دارم؛ زیرا که دنیا شیرین و خرم است... چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند و دنیا، آنان را دردمند ساخت، و چه بسیار کسانی که به دنیا دل خوش کردند و دنیا، آنان را زمین زد، و چه بسیار افراد با جاه و جلالتی که دنیا، حقیرشان کرد!

۳۱۳. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به عمرو بن عاص در جنگ صفین - : اما بعد، این دنیایی که تو را خوش آمده و نفست مشتاق آن گشته و بدان، دل بسته‌ای، بی‌گمان، به تو پشت خواهد کرد و از تو جدا خواهد شد. پس به دنیا دل خوش مکن که دنیا، فریبنده است. اگر از آنچه گذشته است، عبرت‌گیری، آنچه را مانده است، حفظ خواهی کرد و از پند و اندرزهایش استفاده خواهی کرد.

۳۱۴. امام علی علیه السلام: دنیا، بدن‌ها را کهنه و آرزوها را نومی‌کند، مرگ را نزدیک و امید را دور می‌سازد. هرگاه صاحب دنیا به خوشی‌ای از آن آسوده خاطر گشت، دنیا او را از آن خوشی به محذوری کشاند.

۳۱۵. الکافی - به نقل از جابر - : خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. فرمود:... ای جابر! مؤمنان به ماندنشان در دنیا مطمئن نیستند و از رسیدن به آخرتشان [بهشت] آسوده‌خاطر نیستند.

ای جابر! آخرت، خانه ماندگاری است و دنیا، خانه نابودی و زوال؛ اما اهل دنیا اهل غفلت‌اند و این مؤمنان‌اند که اهل فهم و اندیشیدن و عبرت آموختن هستند. نه آنچه با گوش‌هایشان شنیدند، آنان را از یاد خداوند - که نامش شکوهمند باد - گر ساخت، و نه آنچه از زرق و برق دیدند، آنان را از یاد خداوند، کور ساخت. پس به پاداش آخرت دست یافتند، چنان‌که به این دانش و معرفت، دست یازیدند.

٣١٦. الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ كَانَتْ الدُّنْيَا فَانِيَةً فَالطَّمَأْنِينَةُ إِلَيْهَا لِمَاذَا؟!

٣١٧. عنه عليه السلام: كَانَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: يَا بَنِي آدَمَ اهْرَبُوا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ، وَأَخْرِجُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَصْلُحُونَ لَهَا وَلَا تَصْلُحُ لَكُمْ، وَلَا تَبْقُونَ فِيهَا وَلَا تَبْقَى لَكُمْ، هِيَ الْخَدَاعَةُ الْفَجَّاعَةُ، الْمَغْرُورُ مَنِ اغْتَرَّ بِهَا، الْمَغْبُورُ مَنِ اطْمَأَنَّ إِلَيْهَا، الْهَالِكُ مَنْ أَحَبَّهَا وَأَرَادَهَا، فَتَوَبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ وَاتَّقُوا رَبَّكُمْ، وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ، وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا. ٢.

٣-٢/١

الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا

٣١٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَرْكَنُوا إِلَى الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا قَدْ آذَنْتْ بِفِرَاقِهَا، وَدَعَتْ إِلَى غُرُورِهَا، فَاحْذَرُوا فَجَعَتَهَا. ٣.

٣١٩. عنه عليه السلام: - فِي مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ -: يَا بَنُ مَسْعُودٍ، لَا تَرْكُنْ إِلَى الدُّنْيَا وَلَا تَطْمَئِنَّ إِلَيْهَا؛ فَسْتَفَارِقُهَا عَنْ قَلِيلٍ. ٤.

٣٢٠. عنه عليه السلام: لَا تَكُونُوا مِمَّنْ خَدَعَتْهُ الْعَاجِلَةُ، وَغَرَّتْهُ الْأُمْنِيَّةُ، فَاسْتَهْوَتْهُ الْخُدْعَةُ، فَزَكَّنَ إِلَى دَارِ سَوْءٍ سَرِيعَةِ الزَّوَالِ، وَشَيْكَةِ الْإِنْتِقَالِ. إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٣ ح ٥٨٣٦، الخصال: ص ٤٥٠ ح ٥٥، التوحيد: ص ٣٧٦ ح ٢١، الأمالي للصدوق: ص ٥٦ ح ١٢، مختصر بصائر الدرجات: ص ١٣٩ كلها عن أبان بن عثمان، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٩٠ ح ١.

٢. الأمالي للصدوق: ص ٦٥٠ ح ٨٨٤ عن منصور بن حازم، روضة الواعظين: ص ٢٨٩، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٨٨ ح ١٣.

٣. الفردوس: ج ٣ ص ٥٨٦ ح ٥٨٣٥ عن أبي هريرة.

٤. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٣ ح ٢٦٦٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٤ ح ١.

۳۱۶. امام صادق علیه السلام: اگر دنیا نابود شدنی است، پس دل خوش کردن به آن، چرا؟!
 ۳۱۷. امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام به یارانش می گفت: «ای فرزندان آدم! از دنیا به خدا بگریزید و دل هایتان را از دنیا بیرون برید؛ زیرا که نه شما شایسته دنیایید، نه دنیا شایسته شماست. نه شما در دنیا می مانید، نه دنیا برای شما می ماند. دنیا، فریبکار و مصیبت بار است. فریب خورده [ی واقعی] کسی است که فریب دنیا را بخورد؛ زیان دیده، کسی است که به دنیا آرمید؛ به هلاکت در افتاده، کسی است که دنیا را دوست داشت و خواستارش شد. پس به درگاه آفریدگارتان توبه آرید و از پروردگارتان پروا کنید و بترسید از آن روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی آید و هیچ فرزندی نیز به کار پدرش نخواهد آمد.



دل بستگی به دنیا

۳۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به دنیا دل مبندید، که دنیا، جدایی خود را اعلام کرده و به فریبندگی های خویش، فرا می خواند. پس، از مصیبت آفرینی های آن، بر حذر باشید.

۳۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در اندرزش به ابن مسعود: ای پسر مسعود! به دنیا دل مبند و بدان میارام؛ زیرا به زودی از آن جدا خواهی شد.

۳۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از آنان نباشید که دنیای زودگذر، فریشان داد و آرزو، گولشان زد و اسیر نیرنگ [دنیا] شدند و در نتیجه، به سرای بدی که زود زوال می پذیرد و آماده انتقال [به دیگری] است، دل بستند. آنچه از این دنیای شما باقی مانده، در برابر آنچه گذشته، به اندازه خُسبانندن اشری [برای آسودن

فِي جَنْبِ مَا مَضَى إِلَّا كَانَاخَةٍ رَاكِبٍ، أَوْ صَرٌّ حَالِبٍ^١، فَعَلَامَ تَعْرُجُونَ، وَمَاذَا تَنْتَظِرُونَ؟!^٢

٣٢١. الإمام علي عليه السلام: مَنْ اعْتَمَدَ عَلَى الدُّنْيَا فَهُوَ الشَّقِيُّ الْمَحْرُومُ.^٣

٣٢٢. عنه عليه السلام: مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِالدُّنْيَا تَمَكَّنَتْ مِنْهُ الْمِحَنَّةُ.^٤

٣٢٣. عنه عليه السلام: هَلَكَ مَنْ اسْتَنَامَ إِلَى الدُّنْيَا وَأَمَهَرَهَا دِينَهُ، فَهُوَ حَيْثُمَا مَالَتْ مَالٌ إِلَيْهَا، قَدْ اتَّخَذَهَا هِمَّةً وَمَعْبُودَةً.^٥

٣٢٤. عنه عليه السلام: لَا تَعْصِمُ الدُّنْيَا مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا.^٦

٣٢٥. الإمام زين العابدين عليه السلام: لَا تَرْكَنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونَ مَنِ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ وَمَنْزِلَ اسْتِيْطَانٍ، وَاللَّهُ إِنْ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا لَدَلِيلًا وَتَنْبِيْهًا؛ مِنْ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَتَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَمُثْلَاتِهَا^٧ وَتَلَاغِيْهَا بِأَهْلِهَا، إِنَّهَا لَتَرْفَعُ الْخَمِيلَ وَتَضَعُ الشَّرِيفَ، وَتُورِدُ أَقْوَامًا إِلَى النَّارِ غَدًا، فَفِي هَذَا مُعْتَبَرٌ وَمُخْتَبَرٌ وَزَاجِرٌ لِمُنْتَبِهٍ.^٨

٣٢٦. عنه عليه السلام - لِأَصْحَابِهِ -: أَمَا بَلَّغَكُمْ مَا قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام لِلْخَوَارِئِيِّينَ؟ قَالَ لَهُمْ: ... أَيْكُمْ يَبْنِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَارًا؟ تِلْكَمُ الدَّارُ الدُّنْيَا، فَلَا

١. أصل الصَّرُّ: الجمع والشدة. ومن عادة العرب أن تُصَرُّ شُرُوع العُقُوبَات إذا أُرسلوها إلى المَرْغَى سَارِجَةً، فإذا راحت عَشِيًّا حُلَّتْ تِلْكَ الْأَصِرَّةُ وَحُلِبَتْ (النهاية: ج ٣ ص ٢٢ «صرر»).

٢. أعلام الدين: ص ٣٤٠ عن أبي هريرة، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٣ ح ١٠.

٣. غرر الحكم: ح ٩٠٨٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٥ ح ٧١٩٨.

٤. غرر الحكم: ح ٨٨٤١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٥ ح ٧٥٢٨.

٥. غرر الحكم: ح ١٠٠٣٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥١١ ح ٩٣١٢.

٦. غرر الحكم: ح ١٠٧٠٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٨ ح ٩٩٤١.

٧. المَثَلَات: الْأَشْبَاه وَالْأَمْثَال مِمَّا يُعْتَبَرُ بِهِ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٧١ «مثل»).

٨. الكافي: ج ٨ ص ١٥ ح ٢، الأملالي للمفيد: ص ٢٠٠ ح ٢٣ نحوه، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٧ وفيه «لنبيته» بدل «لمنتبه» وكلها عن أبي حمزة الثمالي، تحف العقول: ص ٢٥٣ نحوه.

ساعاتی] یا بستن پستان حیوان شیردهی^۱ بیش نیست. پس بر چه درنگ می‌کنید و منتظر چه هستید؟!

۳۲۱. امام علی علیه السلام: هر که به دنیا تکیه کند، بدبخت و بی بهره است.

۳۲۲. امام علی علیه السلام: هر که به دنیا خوش گمان باشد، گرفتار رنج و سختی می‌شود.

۳۲۳. امام علی علیه السلام: هر که به دنیا خو گرفت و دینش را کابین آن قرار داد، به هر طرف که دنیا رو آورد، او نیز رو می‌کند [و در واقع]، دنیا را آرمان و معبود خویش گرفته است.

۳۲۴. امام علی علیه السلام: دنیا از کسی که به آن پناه ببرد، پاسداری نمی‌کند.

۳۲۵. امام زین العابدین علیه السلام: به آنچه در این دنیا است، دل مبندید، چونان دل بستگی کسی که آن را خانه ماندن و منزلگاه همیشگی قرار داده است. به خدا سوگند که در امور این دنیا، برای شما نشانی و هشدار بر [بی وفایی و ناپایداری] دنیا است: اموری چون کشاکش روزگار، فراز و نشیب‌های آن، کیفرهای عبرت آموزش و به بازی گرفتن اهل خود. دنیا، گم‌نام را بالا می‌برد و بلند پایه را پست می‌گرداند و فردای قیامت، اقوامی را به آتش می‌افکند و در این همه، عبرت و تجربه و مایه بازدارندگی است برای شخص هشیار.

۳۲۶. امام زین العابدین علیه السلام - به یارانش - : آیا آنچه عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان فرمود: به شما نرسیده است؟ او به آنان فرمود: «... کدام یک از شما بر [روی] موج دریا خانه‌ای می‌سازد؟ دنیا، چنین خانه‌ای است. پس، آن را اقامتگاه مگیرید».

۱. عرب‌ها عادت داشتند که هنگام رها کردن حیوانات شیرده خویش در چراگاه، پستان‌هاشان را با کیسه‌ای می‌بستند و غروب که بر می‌گشتند، کیسه‌ها را باز می‌کردند و حیوانات را می‌دوشیدند (النهاية: ج ۳ ص ۲۲ «صرر»).

تَتَّخِذُوهَا قَرَارًا. ١

٣٢٧. الإمام الصادق عليه السلام: فيما ناجى الله ﷻ به موسى عليه السلام: يا موسى، لا تَرَكَنَّ إِلَى الدُّنْيَا رُكُونَ الظَّالِمِينَ وَرُكُونَ مَنِ اتَّخَذَهَا أَبًا وَأُمًّا... وَاتَّركَ مِنَ الدُّنْيَا مَا بِكَ الْغِنَى عَنْهُ، وَلَا تَنْظُرْ عَيْنُكَ إِلَى كُلِّ مَفْتُونٍ بِهَا وَمُوكَّلٍ إِلَى نَفْسِهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ بَدَّوْهَا حُبُّ الدُّنْيَا. ٢

٣٢٨. تنبيه الخواطر: أوحى الله تعالى إلى موسى عليه السلام: أن يا موسى لا تَرَكَنَّ إِلَى حُبِّ الدُّنْيَا؛ فَلَنْ تَأْتِيَنِي بِكَبِيرَةٍ هِيَ أَشَدُّ مِنْهَا. ٣

٣٢٩. حِلْيَةُ الْأَوْلِيَاءِ عَنْ كَعْبِ الْأَحْبَارِ: إِنَّ الرَّبَّ تَعَالَى قَالَ لِمُوسَى عليه السلام: ... أَدْنِ الْفُقَرَاءَ وَقَرِّبْ مُجَالَسَتَهُمْ مِنْكَ، وَلَا تَرَكَنَّ إِلَى حُبِّ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَلْقَانِي بِكَبِيرَةٍ مِنَ الْكِبَائِرِ أَضَرَّ عَلَيْكَ مِنَ الرُّكُونِ إِلَى الدُّنْيَا. ٤

راجع: ص ٧٤ (مثل أهل الدنيا / مثل المسافر).



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

الِاغْتِرَارُ بِالدُّنْيَا

الكتاب

«يُنَاقِهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ». ٥

١. الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: ص ٤٢ ح ١ عن أبي حمزة الثمالي، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٤ و ص ١٣٣ من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٧ ح ١٠٧: الزهد لابن حنبل: ص ٧٤ عن مكحول من دون إسناد إلى المعصوم وراجع الدر المنثور: ج ٢ ص ٢٠٧ والبداية والنهاية: ج ٢ ص ٨٩.

٢. الكافي: ج ٢ ص ١٣٥ ح ٢١ عن ابن أبي يعفور، قصص الأنبياء: ص ١٦٢ ح ١٨٤ عن أبي يعقوب وفيه «بذرهما» بدل «بدوها». بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧٣ ح ٣٧.

٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٤، التحصين لابن فهد: ص ٢٧ ح ٤٥.

٤. حلية الأولياء: ج ٦ ص ٥.

٥. فاطر: ٥.

۳۲۷. امام صادق علیه السلام: از نجوای خدایوند ﷻ با موسی علیه السلام این بود که: «ای موسی! به دنیا دل میند، همانند دل بستگی ستمگران و دل بستگی کسی که دنیا را پدر و مادر خویش گرفته است... از دنیا، آنچه را که بدان نیازی نداری، رها کن و به آنان که فریفته دنیا گشته‌اند و به خود، وا نهاده شده‌اند، منگر و بدان که هر گرفتاری‌ای، آغازش دنیا دوستی است».

۳۲۸. تنبیه الخواطر: خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای موسی، زنهارا به دنیا دوستی مگرای؛ زیرا هرگز با گناه کبیره‌ای بر من وارد نشوی که بدتر از دنیا دوستی باشد».

۳۲۹. حلیة الأولیاء - به نقل از کعب الأحبار -: پروردگار متعال به موسی علیه السلام فرمود: «... بینوایان را به خود نزدیک گردان و با آنان، همنشینی نزدیک داشته باش و به دنیا دوستی مگرای؛ زیرا، هرگز با [گناه] کبیره‌ای از کبائر با من دیدار نخواهی کرد که برایت زیانبارتر از گرایش به دنیا باشد».

مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی
ر.ک: ص ۷۵ (مقل اهل دنیا / مثل مسافر).

۴-۲/۱

فریفته شدن به دنیا

قرآن

«ای مردم! به راستی که وعده خدا راست است. پس، زنهار تا زندگی دنیا شما را نفریید و زنهار تا آن فریبنده (شیطان) شما را بیهوده به خدا امیدوار نسازد».

الحديث

٣٣٠ . صحيح البخاري عن أبي سعيد الخدري: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أَكْثَرَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ. قِيلَ: وَمَا بَرَكَاتُ الْأَرْضِ؟ قَالَ: زَهْرَةُ الدُّنْيَا. ١
٣٣١ . رسول الله ﷺ: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مَا يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ وَزَهْرَةُ الدُّنْيَا. ٢

٣٣٢ . عنه ﷺ: يَا عَجَباً كُلُّ الْعَجَبِ لِلْمُصَدِّقِ بِدَارِ الْخُلُودِ وَهُوَ يَسْعَى لِدَارِ الْغُرُورِ! ٣
٣٣٣ . عنه ﷺ: أَيْنَ الرَّاظُونَ بِالْمَقْدُورِ؟ أَيْنَ السَّاعُونَ لِلْمَشْكُورِ؟ عَجَبٌ لِمَنْ يُؤْمِنُ بِدَارِ الْخُلُودِ كَيْفَ يَسْعَى لِدَارِ الْغُرُورِ! ٤

٣٣٤ . الإمام علي عليه السلام - عِنْدَ تِلَاوَتِهِ: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَنُ مَا غَزَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» ٥ - : حَقّاً أَقُولُ! مَا الدُّنْيَا غَزَّتْكَ، وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَرْتَ، وَلَقَدْ كَاشَفَتْكَ الْعِظَاتِ، وَأَذْنَتْكَ عَلَى سَوَاءٍ. وَلَيْهِيَ بِمَا تَعِدُّكَ مِنْ نُزُولِ الْبَلَاءِ بِجِسْمِكَ، وَالنَّقْصِ فِي قُوَّتِكَ، أَصَدَقُ وَأَوْفَى مِنْ أَنْ تَكْذِبَكَ، أَوْ تَغُرَّكَ. وَلَرُبَّ نَاصِحٍ لَهَا عِنْدَكَ مُتَّهَمٌ، وَصَادِقٍ مِنْ خَبَرِهَا مُكَذَّبٌ.

وَلَكِنْ تَعَرَّفَتْهَا فِي الدِّيَارِ الْخَاوِيَةِ، وَالرُّبُوعِ الْخَالِيَةِ، لَتَجِدَنَّهَا مِنْ حُسْنِ تَذَكِيرِكَ، وَبَلَاغِ مَوْعِظَتِكَ، بِمَحَلَّةِ الشَّفِيقِ عَلَيْكَ، وَالشَّحِيحِ بِكَ!

١ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٦٢ ح ٦٠٦٣ وج ٣ ص ١٠٢٥ ح ٢٦٨٧، صحيح مسلم: ج ٢ ص ٧٢٧ ح ١٢١. السنن الكبرى: ج ٣ ص ٢٨١ ح ٥٧١٠ كلها نحوه: المحبّة البيضاء: ج ٥ ص ٢٥٨.

٢ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٦ ح ١١٠٣٥، مسند الحميدي: ج ٢ ص ٢٢٥ ح ٧٤٠، حلية الأولياء: ج ٧ ص ٣١١ كلها عن أبي سعيد الخدري.

٣ . دَمَ الدُّنْيَا لابن أبي الدنيا: ص ١٩ ح ١٤ عن عمرو بن مرة عن الإمام الباقر عليه السلام، الدر المنثور: ج ٦ ص ٤٧٦ نقلاً عن شعب الإيمان عن الإمام الباقر عليه السلام عنه عليه السلام: المحاسن: ج ١ ص ٣٧٧ ح ٨٣١ عن أبي النعمان عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «يعمل» بدل «يسعى»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٨٤ ح ١٠.

٤ . الزهد لهناد: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٥١٤ عن عمرو بن مرة، كنز العمال: ج ٣ ص ١٦٠ ح ٥٩٦٢.

٥ . الانقطار: ٦.

حدیث

۳۳۰. صحیح البخاری - به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا فرمود: «بیشترین ترس و نگرانی من برای شما، از برکت‌های زمین است که خداوند در اختیارتان می‌گذارد».

گفته شد: برکت‌های زمین چیست؟

فرمود: «خرَمی و بهجت دنیا».

۳۳۱. پیامبر خدا ﷺ: ترسناک‌ترین چیزی که من از آن بر شما می‌ترسم، محصولات زمین و خرَمی و بهجت دنیا است که خداوند در اختیارتان می‌گذارد.

۳۳۲. پیامبر خدا ﷺ: شگفتا، شگفتی تمام از کسی که به سرای جاودانگی باور دارد و با این حال، برای سرای فریب (دنیا) می‌کوشد!

۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ: کجایند خشنودان از تقدیر؟ کجایند کوشندگان برای آنچه مورد قدردانی [از سوی خداوند] قرار می‌گیرد؟ شگفتا از کسی که به سرای جاودانگی ایمان دارد، چگونه برای سرای فریب می‌کوشد؟!

۳۳۴. امام علی علیه السلام - در هنگام تلاوت آیه «ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار کریمت بیهوده امیدوار ساخت؟» - : به راستی می‌گویم، دنیا تو را فریب نداد؛ بلکه تو به آن فریفته شدی. دنیا به تو پندها [و درس‌های عبرت آموز] داد و عادلانه و یکسان (همانند دیگران) آگاهت ساخت و به آنچه تو را وعده می‌دهد، از قبیل: رسیدن رنج و درد به جسمت و کاستی یافتن نیرویت، راستگوتر و وفادارتر از آن است که به تو دروغ بگوید یا فریب بدهد. دنیا، راهنماهای بسیار دارد، اما تو بدانها بدگمانی و خبرهای راست فراوان دارد، لیکن تو دروغشان می‌پنداری.

اگر دنیا را در خانه‌های بر باد رفته و منزلگاه‌های تهی گشته [از سکنه]

وَلَنِعْمَ دَارٌ مَّن لَّمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا، وَمَحَلٌّ مَّن لَّمْ يُوطِّنْهَا مَحَلًّا، وَإِنَّ السُّعْدَاءَ
بِالدُّنْيَا غَدًا هُمُ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ.^١

٣٣٥. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا حُلْوَةٌ، الْخُلَاوَةُ لِمَنْ اغْتَرَّ بِهَا.^٢

٣٣٦. عنه عليه السلام: مَا الْعَاجِلَةُ خَدَعَتْكَ، وَلَكِنْ بِهَا انْخَدَعْتَ.^٣

٣٣٧. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا حُلْمٌ، وَالْإِغْتِرَارُ بِهَا نَدَمٌ.^٤

٣٣٨. عنه عليه السلام: إِحْذَرُ أَنْ يَخْدَعَكَ الْغُرُورُ بِالْحَائِلِ^٥ الْيَسِيرِ، أَوْ يَسْتَرْلِكَ الشُّرُورُ بِالزَّائِلِ
الْحَقِيرِ.^٦

٣٣٩. عنه عليه السلام: فِي دَمِّ الدُّنْيَا - : تَجَافَوْا عَنْهَا، فَإِنَّ الْمُغْتَرَّ مَنِ اغْتَرَّ بِهَا.^٧

٣٤٠. عنه عليه السلام: مَا قَدَّمْتَ فَهُوَ لِلْمَالِكِينَ، وَمَا أَخَّرْتَ فَهُوَ لِلْوَارِثِينَ، وَمَا مَعَكَ فَمَا لَكَ
عَلَيْهِ سَبِيلٌ سِوَى الْغُرُورِ بِهِ. كَمْ تَسْعَى فِي طَلَبِ الدُّنْيَا؟ وَكَمْ تَرَعَى؟ أَفْتَرِيدُ أَنْ
تُفْقِرَ نَفْسَكَ وَتُغْنِيَ غَيْرَكَ؟^٨

٣٤١. عنه عليه السلام: أَيُّهَا الْمُعَلَّلُ نَفْسَهُ بِالدُّنْيَا، الرَّائِضُ عَلَى حَبَائِلِهَا^٩، الْمُجْتَهِدُ فِي
عِمَارَةِ مَا سَيُخْرَبُ مِنْهَا! أَلَمْ تَر إِلَى مَصَارِعِ آبَائِكَ فِي الْبِلَى، وَمَصَارِعِ أَبْنَائِكَ تَحْتَ

١. نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٣، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٩٣ ح ٥٩.

٢. الاحتجاج: ج ١ ص ٣٩٧ ح ٨٣ عن عبدالله بن الحسن، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٢٢٣ ح ١٧٣، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٨٦ ح ٤٤٢١٦ نقلاً عن وكيع.

٣. غرر الحكم: ح ٩٦٥٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٩ ح ٨٧٩٠.

٤. غرر الحكم: ح ١٢٨٤.

٥. الحائِلُ: الْمُتَغَيِّرُ (النهاية: ج ١ ص ٤٦٣ «حول»).

٦. غرر الحكم: ح ٢٦١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٤ ح ٢٢٥٤.

٧. الكافي: ج ٨ ص ١٧٤ ح ١٩٤ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥١ ح ٣١.

٨. مصباح الشريعة: ص ٣٠١، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٥٦ ح ١٧.

٩. الْحَبَائِلُ: جَمْعُ جِبَالَةٍ وَأَحْبُولَةٍ وَهُوَ الشَّرُّكَ (المصباح المنير: ص ١١٩ «حبل»).

بکاوی، آن را در نیکو اندرزدهی و پندِ رسا دادن، چونان یار دلسوز و سخت
علاقه‌مند به خود، خواهی یافت!

[دنیا] نیکو سرایی است برای کسی که آن را سرای [ماندگاری] خود نداند
و خوب منزلگاهی است برای کسی که در آن منزلگاه، وطن نگزیند.
نیک‌بختان به دنیا، فردا [ی قیامت] آنان‌اند که امروز از آن گریزان‌اند.

۳۳۵. امام علی علیه السلام: دنیا، شیرین است؛ شیرینی [دنیا] برای کسی است که فریفته آن
شود.

۳۳۶. امام علی علیه السلام: دنیا تو را گول نزده است؛ بلکه تو گول آن را خورده‌ای.

۳۳۷. امام علی علیه السلام: دنیا یک رؤیاست و فریفته شدن به آن، مایه پشیمانی است.

۳۳۸. امام علی علیه السلام: پرهیز از این که فریفته شدن به [این دنیای] دگرگون شونده ناچیز،
تو را گول بزند، یا شاد گشتن به این فناپذیر بی‌ارزش، تو را بلغزاند.

۳۳۹. امام علی علیه السلام - در نکوهش دنیا - : از دنیا دوری کنید؛ زیرا فریب‌خورده [ی
واقعی]، کسی است که فریب دنیا را بخورد.

۳۴۰. امام علی علیه السلام: آنچه [برای آخرت] پیش بفرستی، همان از آن دارندگان است [و
به خودت می‌رسد] و آنچه بر جای بگذاری، از آن وارثان است و آنچه با
توست، راهی جز فریفته شدن به آن نیست. چه قدر در پی دنیا می‌کوشی و
چه قدر می‌چری؟ آیا می‌خواهی خودت را فقیر و دیگران (وارثان) را توانگر
سازی؟!

۳۴۱. امام علی علیه السلام: ای آن که خویشتن را به دنیا سرگرم ساخته‌ای و بر ریسمان‌های
[پوسیده] آن می‌دوی و در آباد کردن دنیایی که به زودی خراب می‌شود،
می‌کوشی! آیا به گورهای پوسیده پدران و پیکرهای خفته در زیر سنگ‌ها

الْجَنَادِلِ وَالْثَرَى؟ كَمْ مَرَضَتْ بِيَدَيْكَ، وَعَلَّلْتَ بِكَفِّكَ، تَسْتَوْصِفُ لَهُمُ الْأَطِبَّاءُ
وَتَسْتَعِيبُ لَهُمُ الْأَحْبَاءَ، فَلَمْ يُغْنِ عَنْهُمْ عَنَاؤُكَ، وَلَا يَنْجَعُ^١ فِيهِمْ دَوَاؤُكَ^٢.

٣٣٢. عيسى عليه السلام: وَيْلٌ لِصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا، وَيَأْمُتُهَا وَتَغْرُهُ، وَيَتَّقُ بِهَا
وَتَخْذُلُهُ. وَيْلٌ لِلْمُغْتَرِّينَ كَيْفَ رَهَقَهُمْ مَا يَكْرَهُونَ وَفَارَقَهُمْ مَا يُحِبُّونَ، وَجَاءَهُمْ
مَا يُوْعَدُونَ^٣.

٣٣٣. الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ - :

فَلَمْ أَرَ كَالدُّنْيَا بِهَا اغْتَرَّ أَهْلُهَا وَلَا كَالْيَقِينِ اسْتَوْحَشَ الدَّهْرَ صَاحِبُهُ
أَمُرُّ عَلَى رَمْسٍ^٤ الْقَرِيبِ كَأَنَّمَا أَمُرُّ عَلَى رَمْسٍ أَمْرِي مَا أَنَسِبُهُ
فَوَاللَّهِ لَوْلَا أَنِّي كُلَّ سَاعَةٍ إِذَا شِئْتُ لَأَقِيتُ أَمْرًا مَاتَ صَاحِبُهُ
إِذَا مَا اعْتَزَيْتُ الدَّهْرَ عَنْهُ بِحِيلَةٍ تُجَدِّدُ حُزْنَ كُلِّ يَوْمٍ نَوَادِيَهُ^٥

٣٣٤. عنه عليه السلام - فِي الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ - :

أَحْسَنْتَ ظَنِّكَ بِالْأَيَّامِ إِذَا حَسَنْتَ وَلَمْ تَخَفْ سُوءَهَا يَأْتِي بِهِ الْقَدَرُ
وَسَالَمْتَكَ اللَّيَالِي فَاعْتَزَّرْتَ بِهَا وَعِنْدَ صَفْوِ اللَّيَالِي يَحْدُثُ الْكَدْرُ^٦

راجع: ص ٢٦٤ (خصائص الدنيا / دار الغرور).

١. نَجَعَ الدَّوَاءُ: ظَهَرَ أَثَرُهُ (المصباح المنير: ص ٥٩٤ «انتجع»).

٢. الْأَمَالِي لِلْمُفِيد: ص ٨٧ ح ٢ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣١٩ ح ٣٥.

٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٢، التحصين لابن فهد: ص ٢٩ ح ٤٩ وفيه «أنتهم» بدل «رهقهم»، المحجة البيضاء:

ج ٥ ص ٣٥٨ وفيه «ألزمهم» بدل «رهقهم»، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٨ ح ٥٤ وراجع الأمالي للمفيد:

ص ٢٠٩ ح ٤٣ وعدة الداعي: ص ٩٦.

٤. الرَّمْسُ: الْقَبْرُ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٢٠ «رمس»).

٥. الدِّيَوَانُ الْمَنْسُوبُ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ص ٨٨ الرق ٤٥.

٦. الدِّيَوَانُ الْمَنْسُوبُ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ص ٢٦٠ الرق ١٨٢: البداية والنهاية: ج ١١ ص ١٨٤ من دون إسناد إلى

المعصوم وفيه «يوماً» بدل «سوءها».

و خاک‌های فرزندان ننگریسته‌ای؟ چه بسیار کسانی که با دست خود، پرستاری‌شان کردی و به معالجه آنان پرداختی، از پزشکان برایشان نسخه و دارو خواستی و از دوستان، برایشان رضایت طلبیدی؛ اما تلاش تو سودشان نبخشید و دارو و درمانت، در آنان کارگر نیفتاد.

۳۴۲. عیسی علیه السلام: بیچاره دنیا‌دار، که می‌میرد و دنیا را رها می‌کند، به دنیایی اطمینان می‌کند که او را می‌فریبد و به دنیایی اعتماد می‌کند که او را فرو می‌گذارد [و به موقع، یاری‌اش نمی‌کند]. بیچاره این گول‌خوردگان، که آنچه دوست ندارند، به آنان می‌رسد و آنچه دوست دارند، از ایشان جدا می‌شود و آنچه به ایشان وعده داده می‌شود، به سراغشان می‌آید.

۳۴۳. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:
چیزی چون دنیا ندیدم که اهلش فریب آن را بخورند/
و نه چون یقین (مرگ) که صاحب آن، از روزگار بگریزد.
بر گور نزدیکان می‌گذرم، اما گویی/
بر گور کسی می‌گذرم که هیچ نسبتی با او ندارم.
به خدا سوگند، اگر نبود که هر ساعتی/
هرگاه بخواهم، کسی را می‌بینم که یارش مُرده است،
هرگز، به هیچ روی، در برابر روزگار صبر نمی‌کردم/
روزگاری که هرروز، مصیبت‌هایش غمی تازه می‌آفریند.

۳۴۴. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:
به روزها نیک گمان گشتی، آن‌گاه که [یا تو] نیک شدند
و از بدی آنها که دست تقدیر می‌آورد، نترسیدی.
شب‌ها با تو سر سازش نشان داد و تو فریب آنها را خوردی

اما در همان زلالی شب‌هاست که تیرگی پدید می‌آید.

٥-٢/١

ما يوجب الطغيان من الدنيا

٣٢٥. الإمام علي عليه السلام: خُذْ مِنْ قَلِيلِ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ، وَدَعْ مِنْ كَثِيرِهَا مَا يُطْغِيكَ.^١
٣٢٦. عنه عليه السلام: يَسِيرُ الدُّنْيَا يَكْفِي، وَكَثِيرُهَا يُرْدِي.^٢
٣٢٧. عنه عليه السلام: يَسِيرُ الدُّنْيَا خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِهَا، وَيُلْغَتْهَا^٣ أَجْدَرُ مِنْ هَلَكْتِهَا.^٤
٣٢٨. عنه عليه السلام: - فِي ذَمِّ الدُّنْيَا - : مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُؤْمِنُهُ، وَمَنْ اسْتَكْتَرَ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُوبِقُهُ^٥.

٦-٢/١

ما فوق الكفاف من الدنيا

٣٢٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ غَنِيٍّ وَلَا فَقِيرٍ إِلَّا وَدَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ أُتِيَ مِنَ الدُّنْيَا قَوْتًا^٧.
٣٥٠. عنه عليه السلام: مَا مِنْ ذِي غِنًى إِلَّا سَيَّوَدَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَوْ كَانَ إِنَّمَا أُوتِيَ فِي الدُّنْيَا

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

١. غرر الحکم: ح ٥٠٤٤، عیون الحکم والمواعظ: ص ٢٤١ ح ٤٥٩١.
٢. غرر الحکم: ح ١٠٩٨٨، عیون الحکم والمواعظ: ص ٥٥٥ ح ١٠٢٢٨.
٣. البلغة: مَا يُتَبَلَّغُ [أَي يَكْتَفَى] بِهِ مِنَ الْعَيْشِ وَلَا يُفْضَلُ (المصباح المنیر: ص ٦١ «بلغ»).
٤. غرر الحکم: ح ١٠٩٩٣، عیون الحکم والمواعظ: ص ٥٥٦ ح ١٠٢٤٠ و ص ٥٥٣ ح ١٠١٩٤ وفيه «يسير الدين خير من كثير الدنيا».
٥. يوبقه: يُهْلِكُهُ (الصحيح: ص ٤ ح ١٥٦٢ «وبق»).
٦. نهج البلاغة: الخطبة ١١١، غرر الحکم: ح ٨٢٥٢ و ح ٨٢٥٣ نحوه، تحف العقول: ص ١٨١، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٥ ح ٧٣ نقلاً عن مطالب السؤل وفيهما «لَمْ يَدُمْ لَهُ» بدل «استكثر مما يوبقه».
٧. أَي يَقْدَرُ مَا يُمْسِكُ الرِّمَقُ مِنَ الْمَطْعَمِ (النهاية: ج ٤ ص ١١٩ «قوت»).
٨. سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٨٧ ح ٤١٤٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٢٥ ح ١٢١٦٤ و ص ٢٢٥ ح ١٢٧١٠، حلية الأولياء: ج ١٠ ص ٦٩ كلاًها عن أنس، تاريخ بغداد: ج ٤ ص ٨ عن عبد الله نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٩٤ ح ٧١١٥، مشكاة الأنوار: ص ٢٣٠ ح ٦٤٧ نحوه، روضة الواعظين: ص ٥٠٠، أعلام الدين: ص ٢٦٥ وفيه «ما من امرئ مسلم غني...».

۵-۲/۱

دنیای طغیان‌آور

۳۴۵. امام علی علیه السلام: از دنیا، اندکی که کفایت کند، برگیر و بسیارِ آن را که به طغیان‌ت بکشاند، فرو بگذار.

۳۴۶. امام علی علیه السلام: اندکِ دنیا کفایت می‌کند و بسیارِ آن، نابود می‌کند.

۳۴۷. امام علی علیه السلام: کم دنیا بهتر از زیادِ آن است و به کفافِ آن بسنده کردن، سزاوارتر است تا گرفتار شدن به هلاکتِ آن [بر اثر فزون‌خواهی].

۳۴۸. امام علی علیه السلام: - در نکوهش دنیا -: آن کس که از دنیا کم بر گرفت، بر آنچه او را ایمن و آسوده می‌گرداند، افزود و آن کس که از دنیا زیاد بر گرفت، بر آنچه او را به نابودی می‌کشاند، افزود.



دنیای بیش از کفاف می

۳۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز قیامت، هر کس از دارا و نادار، آرزو می‌کند که ای کاش از دنیا به اندازه بخور و نمیر به او داده می‌شد.

۳۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ توانگری نیست، مگر آن که در روز قیامت آرزو خواهد کرد که ای کاش در دنیا به اندازه نیاز به او داده می‌شد.

قوتاً ١.

٣٥١. عنه عليه السلام: دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا، فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ^٢ وَهُوَ

لَا يَشْعُرُ^٣.

٣٥٢. عنه عليه السلام: اَتْرَكُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا، اَتْرَكُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا؛ فَإِنَّهُ مَنْ

أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ فَإِنَّهُ يَأْخُذُ مِنْ جَنَّتِهِ وَلَا يَشْعُرُ^٤.

٣٥٣. عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ قُوْتاً^٥.

٣٥٤. عنه عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عليه السلام - : يَا عَلِيُّ، مَا أَخَذَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ

يَتَمَنَّى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُعْطَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قُوْتاً^٦.

٣٥٥. صحيح البخاري عن عمرو بن عمرو بن غوف الأنصاري: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَعَثَ أَبَا عُبَيْدَةَ بْنَ

الْجَرَّاحِ إِلَى الْبَحْرَيْنِ يَأْتِي بِحِزْبَيْهَا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هُوَ صَالِحَ أَهْلِ الْبَحْرَيْنِ

وَأَمَّرَ عَلَيْهِمُ الْعَلَاءَ بْنَ الْحَضَرَمِيِّ، فَقَدِمَ أَبُو عُبَيْدَةَ بِمَالٍ مِنَ الْبَحْرَيْنِ، فَسَمِعَتْ

مَرْكَزِ حَقِيقَةِ تَوْحِيدِ عِلْمِ رَسُوْلِي

١. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٠٠ ح ١٠٣٧٨ عن أنس، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٧ ح ٦١٤٣ نقلاً عن الزهد لهناد عن أنس.

٢. الختف: الهلاك (المصباح المنير: ص ١٢٠ «ختف»).

٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٥٦، الأمالي للشجري: ج ٢ ص ١٦٣ عن أنس وزاد فيه «لأهلها ثلاث مرّات»، المحجة البيضاء: ج ٦ ص ٤٢؛ كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٣ ح ٦١١٧.

٤. الفردوس: ج ١ ص ١٠٨ ح ٣٦٣ عن أنس، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨١ ح ٦٠٥٨.

٥. صحيح مسلم: ج ٢ ص ٧٣٠ ح ١٢٦، صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٧٢ ح ٦٠٩٥ وفيه «ارزق آل محمد».

سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٨٠ ح ٢٣٦١، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٨٧ ح ٤١٣٩، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٥٤ ح ٩٧٦٠ كلّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٩٥ ح ٧١١٦؛ مشكلة الآثار: ص ٤٩٢ ح ١٦٤٠ عن الإمام زين العابدين عليه السلام وفيه «اللهم اجعل رزق محمد وآل محمد الكفاف»، بحار الآثار: ج ٧٢ ص ٦٠.

٦. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢، مستطربات السرائر: ص ١١٦ ح ١ كلاهما عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه عليه السلام، جامع الأخبار: ص ٥٠٤ ح ١٣٩٢، بحار الآثار: ج ٧٧ ص ٥٤ ح ٢.

۳۵۱. پیامبر خدا ﷺ: دنیا را برای اهلش واگذارید؛ زیرا هرکس که از دنیا بیش از اندازه کفایتش بگیرد، نادانسته، [عوامل] مرگ خود را برگرفته است.

۳۵۲. پیامبر خدا ﷺ: دنیا را برای اهلش رها کنید، دنیا را برای اهلش رها کنید، دنیا را برای اهلش رها کنید؛ زیرا هرکس که از دنیا بیش از اندازه کفایتش بردارد، ناخودآگاه، از بهشت خود بر می دارد [و کم می کند].

۳۵۳. پیامبر خدا ﷺ: بار خدایا! روزی خاندان محمد را در حدّ نیاز قرار بده.

۳۵۴. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به علی علیه السلام - : ای علی! از پیشینیان و پسینیان، هیچ کس نیست، مگر آن که در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا، جز به اندازه نیاز، به او داده نمی شد.

۳۵۵. صحیح البخاری - به نقل از عمرو بن عوف انصاری - : پیامبر خدا، ابو عبیده جراح را به بحرین فرستاد تا جزیه آن را بیاورد. پیامبر خدا با مردم بحرین [بر پرداخت جزیه] مصالحه کرده و علاء بن حصرمی را به امیری ایشان گماشته بود. ابو عبیده با اموالی از بحرین آمد. انصار، خبر ورود ابو عبیده را شنیدند. نماز صبح را با پیامبر ﷺ گزاردند و ایشان، چون نماز صبح را با آنان خواند،

الْأَنْصَارُ بِقُدُومِ أَبِي عُبَيْدَةَ فَوَافَتْ صَلَاةَ الصُّبْحِ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ، فَلَمَّا صَلَّى بِهِمُ الْفَجْرَ انصَرَفَ، فَتَعَرَّضُوا لَهُ، فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حِينَ رَأَاهُمْ، وَقَالَ: أَظُنُّكُمْ قَدْ سَمِعْتُمْ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدْ جَاءَ بِشَيْءٍ!

قالوا: أَجَلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قال: فَأَبْشِرُوا وَأَمْلُوا مَا يَسْرُكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا الْفَقْرَ أَخْشَى عَلَيْكُمْ، وَلَكِنْ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُبْسِطَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا، كَمَا بُسِطَتْ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، فَتَنَّا فَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا، وَتُهْلِكُكُمْ كَمَا أَهْلَكْتَهُمْ.^١

٣٥٦. الإمام علي عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ، مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قَوْتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِغَيْرِكَ.^٢

٣٥٧. الخصال عن علي بن الحسين بن رباط، رفعه: شَكَى رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْحَاجَةَ، فَقَالَ لَهُ: إِعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ تُصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ قَوْتِكَ أَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِغَيْرِكَ.^٣

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

٣٥٨. الإمام علي عليه السلام: الْوَيْلُ لِمَنْ جَمَعَ الدُّنْيَا وَأَوْرَثَهَا مَنْ لَا يَحْمَدُهُ، وَقَدِمَ عَلَى مَنْ لَا يَعْذِرُهُ.^٤ الدُّنْيَا دَارُ الْمُنَافِقِينَ وَلَيْسَتْ بِدَارِ الْمُتَّقِينَ، فَلْيَكُنْ حَظُّكَ مِنَ الدُّنْيَا قِوَامَ صُلْبِكَ، وَإِمْسَاكَ نَفْسِكَ، وَالتَّزَوُّدَ لِمَعَادِكَ.^٥

١. صحيح البخاري: ج ٣ ص ١١٥٢ ح ٢٩٨٨ وج ٤ ص ١٤٧٣ ح ٣٧٩١، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٧٤ ح ٦، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٢٤ ح ٣٩٩٧، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٠٥ ح ١٧٢٣٤، السنن الكبرى: ج ٩ ص ٣٢٠ ح ١٨٦٥٨ وفيهما «تلهيكم كما ألتهنهم» بدل «تهلككم كما أهلكتهم».

٢. نهج البلاغة: الحكمة ١٩٢، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ١١٢، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٤٤ ح ٢٨.

٣. الخصال: ص ١٦ ح ٥٨، روضة الواعظين: ص ٤٦٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٠ ح ٦١.

٤. في المصدر: «يندره»، والتصويب من بحار الأنوار.

٥. مطالب السؤول: ص ٥٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٣ ح ٨٦.

برگشت. انصار، جلو او آمدند. پیامبر خدا، وقتی آنها را دید، لبخندی زد و فرمود: «گمان می‌کنم شنیده‌اید که ابو عبیده چیزی آورده است».

گفتند: آری، ای پیامبر خدا!

حضرت فرمود: «پس مژده باد بر شما و امیدوار باشید به چیزی که خوش حالتان می‌کند. به خدا سوگند، من از فقر بر شما نمی‌ترسم؛ بلکه از این برای شما می‌ترسم که دنیا بر شما گسترده شود، چنان که برای پیشینیان شما گسترده شد، و بر سر دنیا به رقابت برخیزید، همچنان که آنان به رقابت برخاستند، و دنیا شما را به هلاکت افکند، همچنان که آنان را به هلاکت افکند».

۳۵۶. امام علی علیه السلام: ای پسر آدم! آنچه بیش از کفایت به دست آوری، در واقع، تو خزانه‌دار آن برای دیگران هستی.

۳۵۷. الخصال - به نقل از علی بن حسین بن رباط، که سند آن را به معصوم علیه السلام رسانده است -: مردی به امیر مؤمنان از نیازمندی‌اش شکایت کرد. به او فرمود: «بدان که آنچه از دنیا بیش از کفایت به دست آوری، در واقع، تو خزانه‌دار آن برای دیگرانی».

۳۵۸. امام علی علیه السلام: وای بر کسی که [مال] دنیا را جمع کند و آن را برای کسی به ارث بگذارد که از او سپاس‌گزاری نمی‌کند و [خود] بر کسی (خداوند) وارد شود که عذر و بهانه‌اش را نمی‌پذیرد. دنیا، سرای منافقان است و سرای تقوایندگان نیست. پس باید بهره‌ات از دنیا به اندازه‌ای باشد که قوت بدنت، نگهدار جاننت و توشه‌ای برای معادت باشد.

٣٥٩. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ مُنِي لَهَا^١ الْفَنَاءُ وَلِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ، وَهِيَ حُلُوءٌ خَضْرَاءُ، وَقَدْ عَجَلَتْ لِلطَّالِبِ وَالتَّبَسَّتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ، فَارْتَحِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا يَحْضُرُتْكُمْ مِنَ الزَّادِ، وَلَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ الْبَلَاغِ^٢.

٣٦٠. الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنْيَا دُنْيَاءُ إِنَّ: دُنْيَا بِلَاغٍ، وَدُنْيَا مَلْعُونَةٍ^٣.
راجع: ج ٢ ص ٢١٢ (الفصل السادس: أمثال الزهاد).

٧-٢/١

مَا يَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ مِنَ الدُّنْيَا

٣٦١. تنبيه الخواطر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ^٤.
٣٦٢. الإمام الصادق عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عَقِيبَ صَلَاتِهِ - : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ، وَحَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ، وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ^٥.

٣٦٣. لقمان عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ - : يَا بُنَيَّ، لَا تَدْخُلَ فِي الدُّنْيَا دُخُولًا يَضُرُّ بِآخِرَتِكَ،

١. مُنِي لَهُ: أَي قَدَّرَ (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٩٢ «مني»).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ٤٥، روضة الواعظين: ص ٤٨٢ وفيه «مضي» بدل «مُني»، غرر الحكم: ح ٣٦٩٧، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٦٨ ح ٢٨.

٣. الكافي: ج ٢ ص ١٣١ ح ١١ عن محمد بن مسلم بن شهاب وص ٣١٧ ح ٨ عن محمد بن مسلم بن عبيد الله، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٦ ح ١٥٥٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢٠ ح ٩.

٤. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٧٣، الإقبال: ج ٢ ص ١٤٦ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٦٠.

٥. مصباح المتعبد: ص ٦٤ ح ١٠١، فلاح السائل: ص ٣٢٠ ح ٢١٥، البلد الأمين: ص ١٥ كلها عن معاوية بن عمار، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٦٩ ح ٤.

۳۵۹. امام علی علیه السلام: دنیا، سرایی است که برای آن، نیستی رقم خورده است و برای اهلش رخت برپستن از آن. دنیا، شیرین و دل‌پذیر است و شتابان به سراغ خواهانش می‌رود و به دل بیننده می‌نشیند. پس با بهترین توشه‌ای که در اختیار دارید، از دنیا بکوچید و در آن، بیش از کفاف نخواهید و از آن، بیش از آنچه شما را به مقصد می‌رساند، نطلبید.

۳۶۰. امام زین العابدین علیه السلام: دنیا دو گونه است: دنیای در حد کفاف^۱ و دنیای لعنت شده.

ر. ک: ج ۲ ص ۲۱۲ (فصل ششم: نمونه‌های زهد).

۷-۲/۱

دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می‌شود

۳۶۱. تنبیه الخواطر: پیامبر خدا در دعایش می‌گفت: «خدایا! پناه می‌برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از زندگی‌ای که مانع خیر مرگ گردد».

۳۶۲. امام صادق علیه السلام: از دعای ایشان در تعقیب نمازش -: خدایا! پناه می‌برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود و از اکنونی که مانع خیر آینده شود و از زندگی‌ای که مانع خیر مرگ گردد و از آرزویی که مانع نیکویی عمل گردد.

۳۶۳. لقمان علیه السلام: در سفارش به فرزندش -: فرزندم! نه چندان وارد دنیا شو که به

۱. بلاغ: کفاف، یا آن مقدار از قوت که برای زنده ماندن کفایت کند؛ وسیله رسیدن به مطلوب.

ولا تتركها تركاً تكون كلاً^١ على الناس^٢.

راجع: ص ١٨٤ (ما ينال به خير الدنيا والآخرة).

و ٤٤٢ (فقر الدنيا والآخرة)

و ٤٤٤ (خسران الدنيا والآخرة).

٨-٢/١

إذا كانت الدنيا أكبر الهوم

٣٦٤. سنن الترمذي عن ابن عمر: قلما كان رسول الله ﷺ يقوم من مجلس حتى يدعو بهؤلاء الدعوات لأصحابه:

اللهم اقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معاصيك، ومن طاعتك ما تبليغنا به جنتك، ومن اليقين ما تهوّن به علينا مصيبات الدنيا، ومتّعنا بأسماعنا وأبصارنا وقوتنا ما أحييتنا، واجعله الوارث منا، واجعل ثأرنا على من ظلمنا، وانصرنا على من عادانا، ولا تجعل مصيبتنا في ديننا، ولا تجعل الدنيا أكبر همنا، ولا مبلغ علمنا، ولا تسلط علينا من لا يرحمنا^٣.

٣٦٥. الإمام علي عليه السلام - من وصاياه لابنه الحسن عليه السلام -: لا تكن الدنيا أكبر همك^٤.

٣٦٦. عنه عليه السلام - في التزهيد في الدنيا والترغيب في أعمال الآخرة -: يا بن آدم، لا يكن أكبر همك يومك الذي إن فاتك لم يكن من أجلك، فإن كل يوم تحضره

١. الكل: الذي هو عيال وثقل على صاحبه (لسان العرب: ج ١١ ص ٥٩٤ «كلل»).

٢. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٩، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٤ ح ١١٢.

٣. سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٢٨ ح ٣٥٠٢؛ عوالي اللآلي: ج ١ ص ١٥٩ ح ١٤٤، الإقبال: ج ٣ ص ٣٢١، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٢ ح ٢٥٢ عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليه السلام، مصباح المتهجد: ص ٥٦٨ ح ٦٧٣ وليس فيها من «قوتنا» إلى «على من ظلمنا»، منية المريد: ص ٢١١ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٠٩ ح ١٩٣٢.

٤. الأمالي للمفيد: ص ٢٢١ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٧ ح ٨ كلاهما عن الفجيع العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩٨ ح ١.

آخرت لطمه بزند و نه چنان رهايش كن كه بارى بر دوش مردم باشى.

و. ك: ۱۸۵ (فصل سوم: عوامل دستيابى به خير دنيا و آخرت)

و ۲۴۲ (فقر در دنيا و آخرت)

و ۴۴۵ (باختن در دنيا و آخرت).

۸- ۲/ ۱

هرگاه دنيا بزرگ‌ترين هم و غم باشد

۳۶۴. سنن الترمذى - به نقل از ابن عمر -: كمتر پيش مى آمد كه پيامبر خدا از مجلسى

برخيزد و اين دعاها را براى اصحابش نخواند:

بار خدايا! چنان ترسى از خودت نصيب ما كن كه ميان ما و نافرمانى از تو مانع گردد و چنان اطاعتى از خودت كه با آن، ما را به بهشت برسانى و چنان يقينى كه به سبب آن، [تحمل] مصيبت‌ها و گرفتارى‌هاى دنيا را بر ما آسان گردانى و تازنده‌ايم، ما را از گوش‌هايمان و چشم‌هايمان و نيرويمان بهره‌مند گردان و آن را وارث ما قرار ده و خونخواهى ما را از كسى قرار ده كه به ما ستم كند و ما را بر هر كه با ما دشمنى كند، پيروى بخش و مصيبت ما را در دينمان قرار مده و دنيا را بزرگ‌ترين هم و غم ما و نهايت دانش و شناخت ما قرار مده و كسى را كه به ما رحم نمى كند، بر ما مسلط مگردان.

۳۶۵. امام على عليه السلام - از سفارش‌هاى ايشان به فرزندش حسن عليه السلام در هنگام وفات -:

دنيا، بزرگ‌ترين هم و غمّت نباشد.

۳۶۶. امام على عليه السلام - در تشويق به دل بر كندن از دنيا و ترغيب به كارهاى آخرت -: اى

پسر آدم! بزرگ‌ترين هم و غمّت آن روزت نباشد كه چون از دستت رفت، از عمر تو نباشد؛^۱ زيرا هر روزى كه وارد آن مى شوى، خداوند در آن، روزى‌ات را مى رساند. بدان كه هرگز، چيزى بيش از قوت به دست

۱. يعنى: غم روزى روزى را كه جزء عمر تو نيست، مخور.

يَأْتِي اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ، وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَكْتَسِبَ شَيْئاً فَوْقَ قُوَّتِكَ إِلَّا كُنْتَ فِيهِ خَازِناً لِمُغِيرِكَ؛ يَكْثُرُ فِي الدُّنْيَا بِهِ نَصَبُكَ، وَيَحْظَى بِهِ وَارِثُكَ، وَيَطُولُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِسَابُكَ!

فَاسْعِدْ بِمَالِكَ فِي حَيَاتِكَ، وَقَدِّمْ لِيَوْمِ مَعَادِكَ زَاداً يَكُونُ أَمَامَكَ؛ فَإِنَّ السَّفَرَ بَعِيدٌ، وَالْمَوْعِدَ الْقِيَامَةَ، وَالْمَوْرِدَ الْجَنَّةَ أَوْ النَّارَ.^١

٩-٢/١

طَلَبُ الدُّنْيَا بِغَيْرِ حَقٍّ

٣٦٧. الإمام الصادق (عليه السلام): مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ حَقٍّ، حُرِمَ الْآخِرَةَ بِحَقٍّ.^٢

١٠-٢/١

طَلَبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ

٣٦٨. رسول الله (صلى الله عليه وآله): رِيحُ الْجَنَّةِ تَوْجِدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ، وَلَا يَجِدُ رِيحَ الْجَنَّةِ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ.^٣

٣٦٩. عنه (صلى الله عليه وآله): مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ طُمِسَ^٤ وَجْهُهُ، وَمُحِقَ ذِكْرُهُ، وَأُثْبِتَ اسْمُهُ فِي النَّارِ.^٥

١. الإرشاد: ج ١ ص ٢٣٤، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٣١ ح ٥٨ نقلاً عن تفسير العياشي بزيادة «فإن هتك يوم» بعد «من أجلك» وراجع نثر الدر: ج ١ ص ٢٩٥.

٢. تحف العقول: ص ٣٢١، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٣٥ ح ٥٧.

٣. الفردوس: ج ٢ ص ٢٧١ ح ٣٢٦١ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٧٤ ح ٧٤٩٢.

٤. الطُّمُوسُ: الدُّرُوسُ وَالْأَمْحَاءُ (الصحاح: ج ٣ ص ٩٤٤ «طمس»).

٥. المعجم الكبير: ج ٢ ص ٢٦٨ ح ٢١٢٨، كشف الخفاء: ج ٢ ص ٢٦١ ح ٢٥٢٧، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٢٧٥ نقلاً عن المعجم الأوسط وكلها عن الجارود بن المعلّى.

نمی آوری، مگر این که تو خزانه دار آن برای دیگران باشی. [فقط] مایه رنج بسیار تو در دنیا می شود و وارثت از آن بهره مند می گردد و به سبب آن، حسابرسی تو در روز قیامت به درازا می کشد!

پس با مال خود در زندگی ات [آینده خود را تأمین کن و] خوش بخت شو و برای معادت که در پیش داری، توشه ای بفرست؛ زیرا سفری دور و دراز پیش رو داری و وعده گاه، قیامت است و محل ورود، بهشت یا آتش.

۹-۲/۱

دنیاطلبی به ناحق

۳۶۷. امام صادق علیه السلام: هر کس دنیا را به ناحق بجوید، از آخرت به حق محروم می شود.



۱۰-۲/۱

دنیاطلبی با کار آخرت

۳۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی بهشت از فاصله پانصد سال به مشام می رسد؛ اما کسی که دنیا را با کار آخرت بطلبد، بوی بهشت را استشمام نمی کند.

۳۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با کار آخرت، دنیا را بجوید، چهره [ی انسانی] اش محو می شود،^۱ یادش نابود می گردد و نامش در آتش ثبت می شود.

۱. اشاره است به آیه ۴۷ سوره نساء: «مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْفِئَ وُجُوهًا؛ پیش از آن که چهره هایی را محو کنیم» (ر.ک: تفسیر این آیه، گفتنی است که محو شدن چهره را در این جا می توان به بی آبرویی نیز معنا کرد).

٣٧٠. عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا يَعْمَلِ الْآخِرَةَ، لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ^١.
 ٣٧١. عنه عليه السلام: مَتَهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ: طَالِبُ دُنْيَا وَطَالِبُ عِلْمٍ؛ فَمَنْ اقْتَصَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ، وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَوْ يُرَاجَعَ. وَمَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بِعِلْمِهِ نَجَا، وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ^٢.

٣٧٢. الإمام علي عليه السلام: النَّاسُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ: ... وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا، قَدْ طَامَنَ^٣ مِنْ شَخْصِهِ، وَقَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ، وَشَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ، وَزَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ، وَاتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ^٤.

٣٧٣. عنه عليه السلام: لَا تَلْتَمِسِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلَا تُؤْثِرِ الْعَاجِلَةَ عَلَى الْآجِلَةِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ شِمَّةُ الْمُنَافِقِينَ وَسَجِيَّةُ الْمَارِقِينَ^٥.
 ٣٧٤. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَنْزَلَ كِتَابًا مِنْ كُتُبِهِ عَلَى نَبِيٍِّّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ، وَفِيهِ:

إِنَّهُ سَيَكُونُ خَلْقٌ مِنْ خَلْقِي يَلْحَسُونَ الدُّنْيَا بِالدِّينِ، يَلْبَسُونَ مُسُوكَ^٦ الضَّانِ

١. المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٥٢ ح ٧٨٩٥ عن أبي بن كعب، كنز العمال: ج ١٠ ص ٢٠٣ ح ٢٩٠٦٧ نقلًا عن الديلمي عن أنس؛ بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢١٨ وراجع مجمع البيان: ج ٩ ص ٤١.
 ٢. الكافي: ج ١ ص ٤٦ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٨ ح ٩٠٦، كتاب سليم بن قيس: ج ٢ ص ٧١٨ وفيهما «منهوم» بدل «طالب» وكلها عن سليم بن قيس عن الإمام علي عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٤٦ ح ٧١٩ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام عنه عليه السلام وفيه «العال» بدل «دنيا»، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٣٥ ح ٣٧.
 ٣. طامن: سكنَ وانخفض (المعجم الوسيط: ج ٢ ص ٥٦٦ «طمان».)
 ٤. نهج البلاغة: الخطبة ٣٢: إعجاز القرآن: ص ١٤٨ ح ٢٢٧.
 ٥. المارق: الخارج عن الدين (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٨٩ «مرق».)
 ٦. غرر الحكم: ح ١٠٤٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٧ ح ٩٥٩٦.
 ٧. التسلك: الجلد، الجمع: مُسُوك (تاج العروس: ج ١٣ ص ٦٤٠ «مسك».)

۳۷۰. پیامبر خدا ﷺ: هر کس با کار آخرت در پی دنیا باشد، او را در آخرت، بهره‌ای نباشد.

۳۷۱. پیامبر خدا ﷺ: دو آزمندند که سیر نمی‌شوند: طالب دنیا و طالب علم. پس هر که از دنیا به آنچه خداوند برایش روا شمرده است، بسنده کند، به سلامت می‌ماند و هر که آن را از غیر حلالش به دست آورد، نابود می‌شود، مگر آن که توبه کند یا برگردد^۱ و هر که علم را از اهلش فراگیرد و به علم خویش عمل کند، نجات می‌یابد و هر که مرادش از [تحصیل] علم [رسیدن به] دنیا باشد، همان دنیا بهره‌اوست [و در آخرت، نصیبی ندارد].

۳۷۲. امام علی علیه السلام: مردم، چهار دسته‌اند: ... دسته‌ای از ایشان، کسانی‌اند که با اعمال آخرت، دنیا را می‌طلبند و با کار دنیا، در پی به دست آوردن آخرت نیستند، تظاهر به فروتنی و وقار می‌کنند، گام‌هایشان را نزدیک به هم بر می‌دارند [آهسته و سربه زیر، راه می‌روند]، دامن جامه‌شان را [برای حفظ از آلودگی] جمع می‌کنند، خویشتن را امانت‌دار جلوه می‌دهند و پرده‌پوشی خداوند [از گناهان] را وسیله‌ای برای گناه و نافرمانی قرار می‌دهند.

۳۷۳. امام علی علیه السلام: دنیا را با کار آخرت مجوی و این جهان را بر آن جهان برمگزین که این، خوی منافقان و خصلت از دین خارج شدگان است.

۳۷۴. امام باقر علیه السلام: خداوند - تبارک و تعالی - کتابی از کتاب‌هایش را بر پیامبری از پیامبرانش فرو فرستاد و در آن آمده بود:

«به زودی، بندگانی از مخلوقات من خواهند آمد که دنیا را به واسطه دین می‌خورند، لباس میش بر دل‌هایی می‌پوشند که چون دل‌های گرگ‌هاست و

۱. توبه کند و از ظلم به مردم باز ایستد. احتمال دارد تعبیر «أو یراجع» که در متن عربی آمده، تردیدی از سوی راوی باشد. احتمال هم دارد «أو» وار تفسیری باشد؛ یعنی توبه کند و از خطاها و گناهانش دست بکشد. احتمال هم دارد که به صیغه مجهول باشد؛ یعنی خداوند با فضل خود، او را بازگرداند.

عَلَى قُلُوبٍ كَقُلُوبِ الذُّنَابِ أَشَدَّ مَرَارَةً مِنَ الصَّبْرِ، أَلَسِنَتُهُمْ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ،
وَأَعْمَالُهُمُ الْبَاطِنَةُ أَتَنُّ مِنَ الْجَيْفِ.

أَبِي يَغْتَرُونَ، أَمْ إِيَّايَ يَخْدَعُونَ، أَمْ عَلَيَّ يَتَجَبَّرُونَ؟! فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ لَا أَبْعَثَنَّ لَهُمْ
فِتْنَةً تَطَأُ فِي خِطَامِهَا^١ حَتَّى تَبْلُغَ أَطْرَافَ الْأَرْضِ، تَتْرُكُ الْحَكِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ^٢.

٣/١

خَصَائِصُ الدُّنْيَا

١-٣/١

مَرْعَةُ الشَّرِّ

الكتاب

«وَلَا يَخْسِبُنَ الَّذِينَ يَنْخَلُوعُونَ بِمَا عَاقَبْتَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ
سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ»^٣.

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^٤.

الحديث

٣٧٥ . الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا مَرْعَةُ الشَّرِّ^٥.

١ . الخطام: مقدّم الأنف والفم (المصباح المنير: ص ١٧٤ «خطم»).

٢ . قرب الإسناد: ص ٢٨ ح ٩٣، ثواب الأعمال: ص ٣٠٤ ح ٢ نحوه وفيه «يجترئون» بدل «يتجبرون» وكلاهما عن
مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام. بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٧١ ح ٤ وراجع عيون الأخبار لابن قتيبة: ج ٢
ص ٢٧٠.

٣ . آل عمران: ١٨٠.

٤ . الزلزلة: ٨.

٥ . غرر الحكم: ح ٤٠١ وح ٦٩٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨ ح ٨٢٤.

تلخ‌تر از صبر زرد.^۱ زبان‌هایشان شیرین‌تر از عسل است و کردارهای باطنی‌شان متعفن‌تر از مُردار.

آیا به من غرّه می‌شوند، یا مرا می‌فریبند، یا بر من بزرگی می‌نمایند؟! به عزّت‌م سوگند، فتنه‌ای بر آنان انگیزم که افساز گسینخته پیش می‌رود تا آن‌که همه جای زمین را فرا می‌گیرد و خردمند را در خود، حیران می‌کند.

۳/۱

ویرگی‌های دنیا

۱-۳/۱



کشتزار بدی

قرآن

«و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود عطاایشان کرده است، بخل می‌ورزند، هرگز گمان نکنند که آن [بخل] برای ایشان خوب است؛ بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه به آن بخل ورزیده‌اند، در روز قیامت، طوق گردنشان می‌شود. میراث آسمان‌ها و زمین، از آن خداست و خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است.»

«و هر کس به سنگینی ذره‌ای بدی کند، آن را می‌بیند.»

حدیث

۳۷۵. امام علی (ع): دنیا، کشتزار بدی است.

۱. صبر زرد که در عربی بدان «صَبِر» گفته می‌شود، گیاهی است با گل‌های زرد یا قرمز و عصاره‌ای تلخ که برای درمان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

٣٧٦ . عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَمَحَلُّ الْغُرُورِ ١.

راجع: ص ١٠٦ (الدنيا مزرعة الآخرة).

٢ - ٣ / ١

سوقُ الخُسرانِ

الكتاب

﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ ٢.

الحديث

٣٧٧ . الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا سَوْقُ الْخُسْرَانِ ٣.

راجع: ص ١٠٦ (الدنيا مزرعة الآخرة).



مركز تحقيقات كليات علوم رفسنجان

الكتاب

﴿وَمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ ٤.

﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْبِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْقِيَاسِ﴾ ٥.

راجع: البقرة: ٢١٢ والأنعام: ٧٠ والأعراف: ٥١ والكهف: ٤٦ والجاثية: ٢٥.

١. غرر الحكم: ح ١٤٧٣.

٢. العصر: ١-٢.

٣. غرر الحكم: ح ٣٩٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨ ح ١٨.

٤. آل عمران: ١٨٥.

٥. آل عمران: ١٤.

۳۷۶. امام علی علیه السلام: دنیا، معدن بدی و جایگاه فریب است.

ر. ک: ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت).

۲-۳/۱

بازار زیانکاری

قرآن

«سوگند به عصر، که به راستی انسان، دست خوش زیان است، مگر کسانی که گرویدند و کارهای شایسته کردند و همدیگر را به حق سفارش نمودند و به شکیبایی توصیه کردند».

حدیث

۳۷۷. امام علی علیه السلام: دنیا، بازار زیان است.

ر. ک: ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت).



مرکز تحقیقات اسلامی

سرای فریب

قرآن

«و زندگی دنیا، جز مایه فریب نیست».

«دوستی خواستی‌ها [ی‌گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و چارپایان و کشتزار، برای مردم آراسته شده؛ [لیکن] اینها پر خورداری زندگی دنیا است، حال آن‌که بازگشتگاه نیکو، نزد خداست».

ر. ک: بقره: آیه ۲۱۲، انعام: آیه ۷۰، اعراف: آیه ۵۱، کهف: آیه ۴۶، جاثیه: آیه ۲۵.

الحديث

٣٧٨. رسول الله ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَالْعِبَادَةِ، وَازْهَدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الزَّاهِدَةَ فِيكُمْ؛ فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ، دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ. كَمْ مِنْ مُغْتَرِّبٍ بِهَا قَدْ أَهْلَكَتُهُ، وَكَمْ مِنْ وَائِقٍ بِهَا قَدْ خَانَتْهُ، وَكَمْ مِنْ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَدَعَتْهُ وَأَسْلَمَتْهُ.^١

٣٧٩. الإمام علي عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ، لَا تَغُرَّنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا دَارُ الْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ، وَبِالْفَنَاءِ مَعْرُوفَةٌ، وَبِالْعَدْرِ مَوْصُوفَةٌ.^٢

٣٨٠. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا رَنْقٌ^٣ مَشْرَبُهَا، رَدِغٌ^٤ مَشْرَعُهَا، يُونِقٌ^٥ مَنظَرُهَا، وَيُوبِقٌ^٦ مَخْبَرُهَا، غُرُورٌ حَائِلٌ، وَضَوْءٌ آفِلٌ، وَظِلٌّ زَائِلٌ، وَسِنَادٌ مَائِلٌ.^٧

٣٨١. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ، وَسَرَابٌ زَائِلٌ، وَسِنَادٌ مَائِلٌ.^٨

٣٨٢. عنه عليه السلام: - فِي صِفَةِ الدُّنْيَا - : تَغُرُّ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَهَا ثَوَاباً لِأَوْلِيَائِهِ، وَلَا عِقَاباً لِأَعْدَائِهِ.^٩



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

١. الأمالي للصدوق: ص ٢٥٤ ح ٤٣٢ عن الفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، روضة الواعظين: ص ٤٨٨، مشكاة الأنوار: ص ٤٥٠ ح ١٥٠٩ وفيه «غدارة» بدل «غرارة»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٧ ح ٥١.

٢. تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥٠٠ عن صالح العجلي، تذكرة الخواص: ص ١٢٣ نحوه، المناقب للخوارزمي:

ص ٢٧٠ ح ٢٨٩ كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بني شيان وزاد فيهما «ولا يفرنكم بالله

الغرور» بعد «الدنيا»، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠١ ح ٤٢٢٢٤، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٧ ح ١٠٩ نقلاً عن

عيون الحكم والمواعظ وفيه «بالعناء» بدل «بالفناء».

٣. ماء رَنْقٌ وَعَيْشٌ رَنْقٌ: أي كدير (الصحيح: ج ٢ ص ١٤٨٥ «رنق»).

٤. رَدِغٌ: وَجِل (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٦٩٢ «ردغ»).

٥. الْأَنْقُ: الفرح والسرور، والشيء الأنيق: المعجب (النهاية: ج ١ ص ٧٦ «أنق»).

٦. وَيَبِقُ: هلك (النهاية: ج ٥ ص ١٤٦ «ويق»).

٧. نهج البلاغة: الخطبة ٨٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٦ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

٨. غرر الحكم: ح ٢٠٥٢ و ح ٢٦٦٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠ ح ١١٢ و ص ١٤٥ ح ٢٢٢٣ نحوه.

٩. نهج البلاغة: الحكمة ٤١٥، روضة الواعظين: ص ٤٨٣، غرر الحكم: ح ٥١٣ وفيه صدره، بحار الأنوار: ج ٧٣

ص ١٢٢ ح ١٣٦: مطالب السؤل: ص ٥٧.

حدیث

۳۷۸. پیامبر خدا ﷺ: پارسایی و سختکوشی و عبادت در پیش بگیرید و به این دنیایی که به شما پشت می‌کند، پشت کنید؛ زیرا دنیا فریبکار است و سرای نیستی و نابودی است. چه بسیار کسانی که فریفته دنیا شدند و دنیا نابودشان کرد و چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند، ولی دنیا به آنان خیانت کرد. چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند؛ لیکن دنیا آنان را بازی داد و تنهایشان گذاشت.

۳۷۹. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! زنهار، زندگی دنیا شما را نفریبد که دنیا، سرایی است آکنده از گرفتاری، شناخته شده به نابودی و موصوف به بی‌وفایی.

۳۸۰. امام علی علیه السلام: دنیا، آبشخورش تیره است، چشمه‌اش گِل آلود است، ظاهرش شگفتی‌آور و درونش هلاکت‌بار است. فریبی از میان رونده است [سراب‌گونه است]، نوری غروب‌کننده، سایه‌ای رفتنی و تکیه‌گاهی نااستوار است.

۳۸۱. امام علی علیه السلام: دنیا، فریبی از میان رفتنی است و سرابی زایل‌شدنی و تکیه‌گاهی نااستوار.

۳۸۲. امام علی علیه السلام: در وصف دنیا: - می‌فریبد و زیان می‌زند و می‌گذرد. خداوند متعال، آن را نه به عنوان پاداشی برای دوستان خود پسندیده است، نه کیفری برای دشمنانش.

٣٨٣. عنه عليه السلام - أيضاً :- غَرَارَةٌ؛ غُرُورٌ ما فيها، فَايَبَةٌ؛ فَايٍ مِّنْ عَلَيْهَا، لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ
مِّنْ أَزْوَاجِهَا إِلَّا التَّقْوَىٰ^١.

٣٨٤. عنه عليه السلام : اِحْذَرُوا الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدُوعٌ، مُعْطِيَةٌ مَّنُوعٌ، مُلْبِسَةٌ نَزُوعٌ، لَا
يَدُومُ رَخَاؤُهَا، وَلَا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا، وَلَا يَرْكُدُ بِلَاؤُهَا^٢.

٣٨٥. عنه عليه السلام : سُرُورُ الدُّنْيَا غُرُورٌ، وَمَتَاعُهَا ثُبُورٌ^٣.

٣٨٦. عنه عليه السلام : الدُّنْيَا تُغْوِي^٥.

٣٨٧. عنه عليه السلام : خَطَرُ الدُّنْيَا يَسِيرٌ، وَحَاصِلُهَا حَقِيرٌ، وَبَهْجَتُهَا زُورٌ، وَمَوَاهِبُهَا
غُرُورٌ^٦.

٣٨٨. عنه عليه السلام : أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ غَرَارَةٌ خَدَاعَةٌ، تَنْكِحُ فِي كُلِّ يَوْمٍ بَعْلًا، وَتَقْتُلُ فِي
كُلِّ لَيْلَةٍ أَهْلًا، وَتُفَرِّقُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ شِعْلًا؛ فَكَمْ مِنْ مُنَافِسٍ فِيهَا وَرَاكِنٍ إِلَيْهَا مِنْ
الْأُمَمِ السَّالِفَةِ قَدْ قَذَفْتَهُمْ فِي الْهَوَايَةِ، وَدَمَّرَتْهُمْ تَدْمِيرًا، وَتَسَبَّرَتْهُمْ^٧ تَسْبِيرًا،
وَأَصْلَتْهُمْ سَعِيرًا^٨!

٣٨٩. عنه عليه السلام - فِي الْمُنَاجَاةِ :- إِلَهِي، كَيْفَ نَبْتَهِجُ فِي دَارٍ حُفِرَتْ لَنَا فِيهَا حَفَائِرُ
صَرَغَتْهَا، وَقُتِلَتْ بِأَيْدِي الْمَنَايَا حَبَائِلُ غَدَرَتِهَا، وَجَرَّعَتْنا مُكَرَّهِينَ جُرْعَ

١. نهج البلاغة: الخطبة ١١١، تحف العقول: ص ١٨١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٤ ح ١٠٩ نقلًا عن
عيون الحكم والمواعظ.

٢. نهج البلاغة: الخطبة ٢٣٠، غرر الحكم: ح ٣٦٧٧ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٣ ح ٤٦.

٣. الثُّبُور: الهلاك والخسران (الصحاح: ج ٢ ص ٦٠٤ «ثبر»).

٤. غرر الحكم: ح ٥٥٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٣ ح ٥٠٩٧.

٥. غرر الحكم: ح ٢٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٦ ح ٧٣٤.

٦. غرر الحكم: ح ٥٠٧٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤٢ ح ٤٦١٤ وفيه «وعاجلها» بدل «وحاصلها».

٧. تَبَرَّهْتُ تَبِيرًا: كَسَرَهُ وَأَهْلَكَهُ (الصحاح: ج ٢ ص ٦٠٠ «تبر»).

٨. الْأَمَالِي لِلطُّوسِي: ص ٦٨٥ ح ١٤٥٦ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٧٤ ح ٣٦.

۳۸۳. امام علی علیه السلام - نیز در وصف دنیا - : بس فریبنده است . هر آنچه در دنیا است ، فریب است . فناپذیر است . هر که در آن است ، از میان می رود . در هیچ یک از توشه های آن ، بجز تقوا ، خیری نیست .

۳۸۴. امام علی علیه السلام : از دنیا بر حذر باشید که دنیا ، بس بی وفا و فریبنده و حيله گراست ؛ هم می دهد و هم دریغ می ورزد ، هم می پوشاند و هم برهنه می سازد . آسایش آن ، نمی پاید و رنجش ، به سر نمی آید و [توفان] گرفتاری ها و بلایش ، آرام نمی گیرد .

۳۸۵. امام علی علیه السلام : شادی دنیا ، فریب [و پوچ] است و کالایش نابودی و زیان .

۳۸۶. امام علی علیه السلام : دنیا ، اغوا می کند .

۳۸۷. امام علی علیه السلام : دنیا ، اندک است و حاصلش ناچیز و شادی اش دروغ و دِهش هایش پوچ .

۳۸۸. امام علی علیه السلام : بدانید که دنیا ، سرایی فریبکار و نیرنگ باز است ، هر روز شوهری می کند و هر شب ، خانواده ای را می کشد و هر ساعت ، انجمنی را از هم می پاشاند . چه بسیار مردمانی از ملت های پیشین که در پی دنیا کوشیدند و به آن گراییدند ؛ اما دنیا به ورطه نابودی افکندشان و به سختی نابودشان کرد و به کلی آنان را درهم شکست و به کام دوزخ سپردشان !

۳۸۹. امام علی علیه السلام - در مناجات - : معبود من ! چگونه شاد باشیم در سرایی که در آن برای ما گورها حفر شده و دام های بی وفایی اش با دستان مرگ ، رشته شده و جرعه های شرنگش را به زور به ما نوشانده است و نفس ، ما را از پایان پذیری زندگی اش آگاه ساخته است ؛ اگر نبود که این نفس ها به خرمی لذت هایش

مَرَارَتِهَا، وَذَلَّتْنَا النَّفْسَ عَلَى انْقِطَاعِ عِيشَتِهَا، لَوْ لَا مَا صَغَتْ^١ إِلَيْهِ هَذِهِ النَّفُوسُ مِنْ رَفَائِغٍ^٢ لَذَّتِهَا، وَافْتِتَانِهَا بِالْفَانِيَّاتِ مِنْ فَوَاحِشِ زِينَتِهَا. إِلَهِي فَإِلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدَعَتِهَا، وَبِكَ نَسْتَعِينُ عَلَى عُبُورِ قَنْطَرَتِهَا^٣.

٣٩٠. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمَّا انْقَضَتِ الْقِصَّةُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ وَعَائِشَةَ بِالْبَصْرَةِ، صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ قَالَ:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوءَةٌ خَضِرَةٌ، تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَتُزَيِّنُ لَهُمْ بِعَاجِلِهَا، وَآيِمُ اللَّهِ إِنَّهَا لَتَغُرُّ مَنْ أَمَلَهَا وَتُخْلِفُ مَنْ رَجَاهَا، وَتُتَوَرِّثُ أَقْوَاماً بِالنَّدَامَةِ وَالْحَسْرَةِ بِإِقْبَالِهِمْ عَلَيْهَا وَتَنَافُسِهِمْ فِيهَا، وَحَسَدِهِمْ وَبَغْيِهِمْ عَلَى أَهْلِ الدِّينِ وَالْفَضْلِ فِيهَا ظُلْماً وَعُدْوَاناً وَبَغْياً وَأُشْراً^٤ وَبَطْراً^٥.

٣٩١. عنه عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ... فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الدُّنْيَا وَلَا تَرْكَنُوا إِلَيْهَا؛ فَإِنَّهَا دَارُ غُرُورٍ، كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَى أَهْلِهَا الْفَنَاءَ، فَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الَّذِي أَكْرَمَكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ، فَإِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا، وَلَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ^٦.

١. صَغَتْ: مَالَتْ (المصباح المنير: ص ٣٤٢ «صغى»).

٢. الرِّفْعُ: سعة العيش والخصب والسَّعة (لسان العرب: ج ٨ ص ٤٣٠ «رفع»).

٣. البلد الأمين: ص ٣١٥، المصباح للكفعمي: ص ٤٩١ وفيه «رفائع» بدل «رفائغ» وكلاهما عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٠٤ ح ١٤.

٤. الْأُشْرُ: البَطَرُ، وقيل: أَشَدُّ البَطَرِ (النهاية: ج ١ ص ٥١ «أشُر»).

٥. الكافي: ج ٨ ص ٢٥٦ ح ٣٦٨ عن سلام بن المستنير، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٢٣٣ ح ١٨٦.

٦. الكافي: ج ٣ ص ٤٢٢ ح ٦ عن محمد بن مسلم.

میل کرده‌اند و فریفته زرق و برق‌های فراوان و فناپذیر آن شده‌اند. معبود من! از ترندهای فریبکارانه دنیا به تو پناه می‌بریم و برای گذشتن از پُل آن، از تو یاری می‌جوئیم.

۳۹۰. امام باقر علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام، چون ماجرای میان او و طلحه و زبیر و عایشه در بصره پایان یافت، بر منبر رفت و حمد و ثنای خداوند به جای آورد و بر پیامبر خدا درود فرستاد و آن گاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و دل‌پذیر است، مردم را با خواست‌ها می‌فریبد و زرق و برق گذرای خود را در نگاه آنان می‌آراید. سوگند به خدا که دنیا، هر که را آرزومند آن شود، می‌فریبد و هر که را بدان امید بندد، نومید می‌سازد و به زودی، مردمانی را که به آن روی آورده‌اند و در آن به رقابت برخاسته‌اند و بر سر آن بر یکدیگر حسادت می‌ورزند و بر اهل دین و فضیلت ستم و تعدی و زورگویی و سرکشی و گستاخی می‌کنند، دچار پشیمانی و افسوس خواهد کرد.

۳۹۱. امام باقر علیه السلام: ای بندگان خدا! شمارا به تقوای الهی سفارش می‌کنم... زنهار، دنیا شما را نفریبد و به آن دل مبنید که دنیا، فریبکده‌ای بیش نیست و خداوند، برای آن و اهلش نابودی رقم زده است. پس، از دنیا توشه تقوا و کار نیک بگیرید، که خداوند، ارجمندی شما را در آنها نهاده است؛ زیرا از اعمال بندگان، تنها آن عملی به درگاه خداوند می‌رسد که پاک و خالص باشد، و خدا فقط از پرهیزگاران می‌پذیرد.

٣٩٢ . الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ :-

مَضَى الدَّهْرُ وَالْأَيَّامُ وَالذَّنْبُ حَاصِلٌ وَأَنْتَ بِمَا تَهْوَى عَنِ الْحَقِّ غَافِلٌ
سُرُورُكَ فِي الدُّنْيَا غُرُورٌ وَحَسْرَةٌ وَعَيْشُكَ فِي الدُّنْيَا مُحَالٌ وَبَاطِلٌ^١

٣٩٣ . عنه عليه السلام - فِي الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ :-

جَمِيعُ فَوَائِدِ الدُّنْيَا غُرُورٌ وَلَا يَبْقَى لِمَسْرُورٍ سُرُورٌ
فَقُلْ لِلشَّامِتِينَ بِنَا أَفِيقُوا فَإِنَّ نَوَائِبَ الدُّنْيَا تَدُورُ^٢

راجع: ص ٢٤٠ (حقيقة الدنيا الذميمة / الاغترار بالدنيا)
و ٣٥٢ (التحذير من الاغترار بالدنيا).

١ / ٣ - ٤

دَارُ لَعِبٍ وَلَهْوٍ



الكتاب

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^٣
﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^٤
﴿إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ﴾^٥

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ
كَمَثَلٍ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ

١ . الدِّيوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٤١٢ الرقم ٣٢٦ .

٢ . الدِّيوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٢٥٨ الرقم ١٧٨ .

٣ . الأنعام : ٣٢ .

٤ . النكبات : ٦٤ .

٥ . محمد : ٣٦ .

۳۹۲. امام علی (ع) - در دیوان منسوب به ایشان -:

روزگار و روزها گذشت و حاصلش گناه بود /

و تو به سبب هواهای نفسانی ات، از حق غافل.

شادی تو در دنیا، فریب و حسرتی بیش نیست

و زیستن تو در دنیا، محال و ناشدنی است.

۳۹۳. امام علی (ع) - در دیوان منسوب به ایشان -:

همه منافع دنیا فاسد است /

و شادی هیچ شادمانی پایدار نمی ماند.

به دشمنی شادان ما بگو: به هوش باشید /

که مصیبت های دنیا می چرخد [و نوبت شما هم می رسد].

و.ک: ص ۲۴۱ (حقیقت دنیای نکوهیده / فریفته شدن به دنیا)

و ۲۵۲ (بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا).

مرکز تحقیقات و پژوهش های اسلامی
۴-۳/۱

سرای بازی و سرگرمی

قرآن

«و زندگی دنیا، جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری می کنند، بهتر است. آیا نمی اندیشید؟»

«و این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست، و سرای آخرت است که زندگی [حقیقی] است. ای کاش می دانستند!»

«زندگی دنیا، در حقیقت، یک بازی و سرگرمی است و اگر شما ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، مزدهای شما را می دهد، و از شما اموالتان را [در عوض] نمی خواهد».

«بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر

عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُوبِ.^۱

الحديث

۳۹۴. الإمام علي عليه السلام - في ذم الدنيا -: فَبُسَّتِ الدَّارُ لِمَن لَّمْ يَتَهَيَّيْهَا وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ، وَاعْلَمُوا - وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ - أَنَّكُمْ تَارِكُوهَا لِابَدٍ، وَإِنَّمَا هِيَ كَمَا نَعَتْ اللَّهُ: ﴿لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاذُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾.^۲

۵-۳/۱

دَارُ خَبَالٍ

۳۹۵. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ^۳ وَوَبَالٍ وَزَوَالٍ وَانْتِقَالٍ، لَا تُسَاوِي لَذَائِهَا تَنْغِيصَهَا، وَلَا تَقِي سُعُودَهَا بِنُحُوسِهَا، وَلَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهَبُوطِهَا.^۴

۶-۳/۱

دَارُ مَعْصِيَةٍ

۳۹۶. الإمام علي عليه السلام: مَن هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصِي إِلَّا فِيهَا، وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا.^۵

۳۹۷. عنه عليه السلام: دَارُ الْفَنَاءِ مَقِيلٌ^۶ الْعَاصِينَ، وَمَحَلُّ الْأَشْقِيَاءِ وَالْمُتَعَذِّينَ.^۷

۱. الحديد: ۲۰.

۲. تحف العقول: ص ۱۸۲، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۹۸ ح ۸۱.

۳. الخَبَالُ: الفساد، ويكون في الأفعال والأبدان والعقول (النهاية: ج ۲ ص ۸ «خبل»).

۴. غرر الحكم: ح ۳۴۸۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۵۱ ح ۳۳۱۳.

۵. نهج البلاغة: الحكمة ۳۸۵، غرر الحكم: ح ۳۶۶۲، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۳۲ ح ۱۳۶.

۶. المَقِيلُ: الاستراحة نصف النهار إذا اشتدَّ الحرُّ، والمَقِيلُ - أيضاً -: الموضع (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۵۷۸ و ص ۵۷۷ «قيل»).

۷. غرر الحكم: ح ۵۱۲۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۵۱ ح ۴۷۰۳.

و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است. [مَثَل آنها] چون مَثَل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کِشت] خشک شود و آن را زرد بینی، آن گاه، خاشاک شود. و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا، جز کالای فریبنده‌ای نیست.

حدیث

۳۹۴. امام علی علیه السلام - در نکوهش دنیا - : بد سرایی است برای کسی که از آن نهراسد و در دنیا، بیمناک نباشد، و بداند و می‌داند که به ناچار، دنیا را ترک خواهید کرد، و دنیا چنان است که خداوند، وصف کرده است: «بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی میانان و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است».

۵-۳/۱

سرای تباهی

۳۹۵. امام علی علیه السلام : دنیا، سرای تباهی^۱ و گزند و دگرگونی و جا به جایی است، خوشی های آن با تلخی هایش برابری نمی‌کند، و خوش بختی هایش با بدبختی هایش همسان نیست، و فرازش با نشییش یکسان نیست.

۶-۳/۱

سرای نافرمانی

۳۹۶. امام علی علیه السلام : از خواری و بی‌مقداری دنیا در نزد خداست که او، جز در دنیا نافرمانی نمی‌شود و جز با ترک آن، به آنچه [از بهشت و نعمت های ابدی که] نزد خداست، نمی‌توان رسید.

۳۹۷. امام علی علیه السلام : این سرای نیستی، خوابگاه نیم‌روزی نافرمانان است و جایگاه شوربختان و تجاوزگران.

۱. ممکن است به آیه ۱۱۸ سوره آل عمران «لَا يَأْتِيَنَّكُمْ حَتَالًا» حَتَال، به معنای شر و فساد و تباهی است و به همین جهت، جنون را «خیل» هم می‌گویند؛ چون فساد عقل است.

۷-۳/۱

دارُ شَقَاءٍ

۳۹۸. الإمام علي عليه السلام: إِنْ كُنْتُمْ لِلنَّعِيمِ طَالِبِينَ، فَأَعْتِقُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ دَارِ الشَّقَاءِ.^۱

۳۹۹. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ الْغُرَبَاءِ، وَمَوْطِنُ الْأَشْقِيَاءِ.^۲

۸-۳/۱

دارُ الظَّالِمِينَ

۴۰۰. تنبيه الخواطر: قِيلَ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عليه السلام: يَا مُوسَى، مَا لَكَ وَلِدَارِ

الظَّالِمِينَ؟! إِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ بِدَارٍ، أَخْرَجَ مِنْهَا هَمَّكَ، وَفَارَقَهَا بِعَقْلِكَ، وَبُسْتِ

الدَّارِ هِيَ، إِلَّا لِلْعَامِلِ فِيهَا فَنِعْمَتِ الدَّارِ هِيَ.^۳

۴۰۱. الكافي عن علي بن عيسى رَفَعَهُ: إِنْ مُوسَى عليه السلام نَاجَاهُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فَقَالَ لَهُ

فِي مُنَاجَاةِهِ: يَا مُوسَى، طِبَّ نَفْسًا عَنِ الدُّنْيَا وَانطَوَّ عَنْهَا، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ

وَلَسَتْ لَهَا، مَا لَكَ وَلِدَارِ الظَّالِمِينَ! إِلَّا لِعَامِلٍ فِيهَا بِالْخَيْرِ؛ فَإِنَّهَا لَهُ نِعَمُ الدَّارِ.^۴

۴۰۲. الإمام الباقر عليه السلام: إِنْ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى عليه السلام أَنْ قَالَ: إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِثَوَابٍ

لِلْمُؤْمِنِ بِعَمَلِهِ، وَلَا نِقْمَةٍ لِلْفَاجِرِ [بِقَدْرِ] ذَنْبِهِ، وَهِيَ دَارُ الظَّالِمِينَ، إِلَّا الْعَامِلُ

فِيهَا بِالْخَيْرِ؛ فَإِنَّهَا لَهُ نِعْمَتِ الدَّارِ.^۵

۱. غرر الحكم: ح ۳۷۴۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۶۳ ح ۳۴۷۹ وفيه «شقاء الدنيا» بدل «دار الشقاء».

۲. غرر الحكم: ح ۱۲۰۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۶ ح ۱۱۳۱.

۳. تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۱۳۲: إحياء علوم الدين: ج ۳ ص ۳۰۲.

۴. الكافي: ج ۸ ص ۴۷ ح ۸، تحف العقول: ص ۴۹۴ من دون إسناد إلى الراوي، أعلام الدين: ص ۲۲۱.

بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۳۶ ح ۷.

۵. ما بين المعقوفين سقط من المصدر، وأثبتناه من بحار الأنوار.

۶. قصص الأنبياء: ص ۱۶۲ ح ۱۸۳ عن قتيبة الأعشى، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۰۴ ح ۹۷.

۷-۳/۱

سرای بدبختی

۳۹۸ . امام علی علیه السلام: اگر خواهان نیکبختی و راحتی هستید، پس جان‌هایتان را از [بندگی این] سرای شوربختی، آزاد سازید.

۳۹۹ . امام علی علیه السلام: دنیا، خانه [موقت] غریبان است و وطن شوربختان.

۸-۳/۱

سرای ستمکاران

۴۰۰ . تنبیه الخواطر: گفته شده که خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود: «ای موسی! تو را با سرای ستمکاران چه کار؟! دنیا، سرای تو نیست، همتت را از آن بیرون بر و با خردت از آن جدا شو. دنیا، بدسرای است، مگر برای کسی که در آن به کار و عمل پردازد که در این صورت، دنیا، سرای خوبی است.

۴۰۱ . الکافی - به نقل از علی بن عیسی، در حدیثی که سندش را به معصوم علیه السلام رسانده است - : خداوند - تبارک و تعالی - با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او گفت: «ای موسی! دل و جان را از دنیا رها کن و از آن روی بگردان؛ زیرا نه دنیا برای توست و نه تو برای دنیایی تو را با سرای ستمکاران چه کار؟! مگر این که کسی در آن، کار نیک کند که در این صورت، برای او نیکو سرائی است.»

۴۰۲ . امام باقر علیه السلام: از جمله مناجات‌های خداوند با موسی علیه السلام این بود که فرمود: «دنیا، نه پاداشی است برای عمل مؤمن، و نه کیفر گناه گنهکار است. دنیا، سرای ستمکاران است، مگر این که کسی در آن، کار نیک کند که در این صورت، برای او نیکو سرائی است.»

٩ - ٣ / ١

دَارُ الْفَاسِقِينَ

الكتاب:

﴿سَأْرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ﴾^١.

الحديث:

٢٠٣ . تفسير العياشي: عن محمد بن سابق بن طلحة الأنصاري: كَانَ مِمَّا قَالَ هَارُونُ لِأَبِي

الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام حِينَ أَدْخَلَ عَلَيْهِ: مَا هَذِهِ الدَّارُ؟

قَالَ: هَذِهِ دَارُ الْفَاسِقِينَ. قَالَ: وَقَرَأَ: ﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي

الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ

سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا﴾^٢.

فَقَالَ لَهُ هَارُونُ: فَدَارُ مَنْ هِيَ؟

قَالَ: هِيَ لِشَيْعَتِنَا فَتْرَةٌ، وَلِغَيْرِهِمْ فِتْنَةٌ.

قَالَ: فَمَا بِالْصَّاحِبِ الدَّارِ لَا يَأْخُذُهَا؟

قَالَ: أَخَذَتْ مِنْهُ عَامِرَةٌ، وَلَا يَأْخُذُهَا إِلَّا مَعْمُورَةٌ^٣.

١٠ - ٣ / ١

دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ

٢٠٤ . رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ، وَلَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ^٤.

١ . الأعراف: ١٤٥.

٢ . الأعراف: ١٤٦.

٣ . تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٩ ح ٧٨، الإختصاص: ص ٢٦٢، بحار الأنوار: ج ٤٨ ص ١٣٨ ح ١٣.

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٤٤ ح ٢٤٤٧٣، ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ٩٢ ح ١٨٢، شعب الإيمان: ج ٧

ص ٣٧٥ ح ١٠٦٣٨ وفيهما بزيادة «ومال من لا مال له» بعد «لا دار له» وكلها عن عائشة، كنز العمال: ج ٣

ص ١٨٦ ح ١٦٠٨٦ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤٠ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٤

ح ٢٦.

۹-۳/۱

سرای فاسقان

قرآن

«به زودی سرای فاسقان^۱ را به شما نشان می‌دهم».

حدیث

۴۰۳. تفسیر العیاشی - به نقل از محمد بن سابق بن طلحة انصاری -: هنگامی که ابو الحسن (امام کاظم علیه السلام) را نزد هارون بردند، از جمله چیزهایی که هارون به ایشان گفت، این بود که: این سرا (دنیا) چیست؟

فرمود: «این، سرای فاسقان است. [خداوند متعال] فرمود: «[به زودی سرای فاسقان را به شما نشان می‌دهم]. [به زودی کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از آیاتم روی گردان می‌سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند، بدان ایمان نمی‌آورند، و اگر راه صواب را ببینند، آن را بر نمی‌گزینند و اگر راه گم‌راهی را ببینند، آن را راه خود قرار می‌دهند».

هارون به ایشان گفت: بنا بر این، این سرای چیست؟
فرمود: «برای شیعیان ما یک مرحله است و برای دیگران، مایه فتنه».
گفت: پس چرا صاحب سرای، آن را نمی‌گیرد؟
فرمود: «[چون] از او در حالی ستانده شد که آباد بود، و آن را نمی‌ستانند، مگر در حالی که آباد باشد».^۲

۱۰-۳/۱

سرای کسی که سرایی ندارد

۴۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، سرای کسی است که سرایی [در آخرت] ندارد و کسی برای آن گیرد می‌آورد که خیر ندارد.

۱. فسق، در اصل، برهنه شدن و از پوست بیرون آمدن بوده است. گفته می‌شود: «فَسَقَ الرَّطْبُ»، یعنی: «رطب پوست انداخت». این کلمه در گناه کم و بسیار به کار می‌رود و اعم از کفر است؛ ولی در گناه بسیار، متعارف شده است. فاسق، به کسی گفته می‌شود که به حکم شرع، گردن نهاده و سپس از آن تمرد کرده است. (مفردات ألفاظ القرآن، واژه «فسق»).

۲. به نظر می‌رسد که امام کاظم علیه السلام در این گفتگو، دنیای نکوهیده را که هارون از آن کام می‌گرفت، ابتدا سرای کام‌روایی فاسقان می‌نامد. در ادامه، هارون با اشاره به امام علیه السلام می‌گوید: اگر دنیا، سرای

۴۰۵. عنه علیه السلام: الدُّنْيَا دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهُ، وَمَالٌ مِّنْ لَا مَالَ لَهُ، وَلَهَا يَجْمَعُ مَن لَا عَقْلَ لَهُ، وَشَهَوَاتِهَا يَطْلُبُ مَن لَا فَهْمَ لَهُ، وَعَلَيْهَا يُعَادِي مَن لَا عِلْمَ لَهُ، وَعَلَيْهَا يَحْسُدُ مَن لَا فِقْهَ لَهُ، وَلَهَا يَسْعَى مَن لَا يَقِينَ لَهُ.^۱

۴۰۶. الإمام علي عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: الدَّارُ دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهُ، وَبِهَا يَفْرَحُ مَن لَا عَقْلَ لَهُ، فَأَنْزَلُوهَا مَنَزَلَتِهَا.^۲

۴۰۷. الإمام الصادق عليه السلام: خَرَجَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَهُوَ مَحْزُونٌ، فَأَتَاهُ مَلَكٌ وَمَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، هَذِهِ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ، يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ: اِفْتَحْ وَخُذْ مِنْهَا مَا شِئْتَ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَنْقُصَ شَيْئاً عِنْدِي.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهُ، وَلَهَا يَجْمَعُ مَن لَا عَقْلَ لَهُ. فَقَالَ الْمَلَكُ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَقَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْكَلَامَ مِنْ مَلَكٍ يَقُولُهُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ حِينَ أُعْطِيَتْ الْمَفَاتِيحُ!^۳

مرکز تحقیقات اسلامی
اَقْرَبُ دَارٍ مِّنْ سَخَطِ اللَّهِ

۴۰۸. الإمام علي عليه السلام - يَصِفُ الدُّنْيَا -: أَقْرَبُ دَارٍ مِّنْ سَخَطِ اللَّهِ، وَأَبْعَدُهَا مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ؛ فَعُضُّوا عَنْكُمْ - عِبَادَ اللَّهِ - غُمُومَهَا وَأَشْغَالَهَا، لِمَا قَدْ أَيْقَنْتُمْ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا.^۴

۱. مشکاة الأنوار: ص ۴۶۷ ح ۱۵۶۰، نثیه الخواطر: ج ۱ ص ۷۰، روضة الواعظین: ص ۴۹۱، إرشاد القلوب: ص ۱۸۶ و لیس فیہ «وما ل من لا مال له»، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۲۳ ح ۱۱۱؛ إحياء علوم الدین: ج ۳ ص ۳۰۰ و لیس فیہ «وشهواتها يطلب من لا فهم له».

۲. شرح نهج البلاغة: ج ۲۰ ص ۳۰۹ ح ۵۴۲.

۳. الکافی: ج ۲ ص ۱۲۹ ح ۸ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۵۴ ح ۲۶.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۱.

۴۰۵ . پیامبر خدا ﷺ: دنیا، سرای کسی است که سرایی ندارد و دارایی کسی است که مالی ندارد و کسی از بهر آن گیرد می آورد که خرد ندارد و کسی در پی خواسته های دنیوی می رود که فهم ندارد، و کسی بر سر دنیا دشمنی می ورزد که شناخت ندارد و کسی به خاطر آن حسادت می ورزد که دانایی ندارد و کسی برای آن تلاش می کند که [به آخرت] یقین ندارد.

۴۰۶ . امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان: دنیا، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی به آن شاد می شود که خرد ندارد. پس دنیا را در جایگاه [واقعی] خودش قرار دهید.

۴۰۷ . امام صادق علیه السلام: روزی پیامبر ﷺ در حالی که غمگین بود، بیرون آمد. فرشته ای با کلیدهای خزانه های زمین، نزد ایشان آمد و گفت: «ای محمد! اینها کلیدهای خزانه های زمین است. پروردگارت به تو می گوید: [خزانه ها را] باز کن و از آنها هر اندازه که می خواهی، بردار، بی آن که از آنچه [از مقام و پاداش] نزد من داری، چیزی کم شود».

پیامبر خدا فرمود: دنیا، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی برای آن گیرد می آورد که خرد ندارد.

فرشته گفت: «سوگند به آن که تو را به حق به پیامبری برانگیخت، هنگامی که در آسمان چهارم کلیدها به من داده شد، از فرشته ای نیز شنیدم که همین سخن را می گفت».

مرکز تحقیقات اسلامی

نزدیک ترین سرا به خشم خداوند

۴۰۸ . امام علی علیه السلام: در وصف دنیا: نزدیک ترین سرا به خشم و ناخشنودی خداوند و دورترین سرا به خشنودی خداست. پس - ای بندگان خدا - غم ها و

فاسقان است، ارتباطی با شما و پیروانتان که مدعی خلافت هستید، ندارد. امام ﷺ اشاره می فرماید که اگر دنیا در اختیار صاحبان واقعی آن - که پیروان ما هستند - قرار می گرفت، مرحله ای بود برای خودسازی و سازندگی؛ اما برای غیر آنها مایه فتنه است. در این جا هارون با صراحت می گوید: اگر شما واقعاً خود را صاحب خانه دنیا می دانید، چرا آن را نمی گیرید؟ امام ﷺ پاسخ می دهد: «هنگامی که این خانه (یعنی خلافت) از ما گرفته شد، آباد بود و اکنون، خراب شده است». به سخن دیگر، امام کاظم ﷺ همان عذر جدش امام علی ﷺ در نپذیرفتن خلافت را تکرار کرد که می فرمود: «إِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ وَالصَّحْبَةُ قَدْ تَنَكَّرَتْ» (ر.ک: دانش نامه امیرالمؤمنین: بخش پنجم / فصل یکم / حدیث ۱۲۸۵). فرزندش امام رضا ﷺ نیز برای نپذیرفتن ولایت عهدی مأمون همین جمله را تکرار فرمود.

١٢-٣/١

سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ

٤٠٩. رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ، وَجَنَّةُ الْكَافِرِ.^١
٤١٠. عنه ﷺ: الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِمُؤْمِنٍ، كَيْفَ وَهِيَ سِجْنُهُ وَبَلَاؤُهُ؟^٢
٤١١. عنه ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ، فَأَيُّ سِجْنٍ جَاءَ مِنْهُ خَيْرٌ؟^٣
٤١٢. عنه ﷺ: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ، لَا رَاحَةَ لِمُؤْمِنٍ دُونَ لِقَاءِ اللَّهِ ﷻ.^٤
٤١٣. عنه ﷺ: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَسَنَّتُهُ^٥، فَإِذَا فَارَقَ الدُّنْيَا فَارَقَ السَّجْنَ وَالسَّنَّةَ.^٦
٤١٤. عنه ﷺ: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، فَأَمَّا^٧ الْمُؤْمِنُ فَمُرَّوْعٌ فِيهَا، وَأَمَّا الْكَافِرُ فَمُتَمَتِّعٌ مِنْهَا.^٨

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، تحف العقول: ص ٥٣، الأُمالي للطوسي: ص ٣٢٦ ح ٧١٥ عن سلمان، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٤٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٩ ح ٨٤، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٧٢ ح ١، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٦٢ ح ٢٣٢٤، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٨ ح ٤١١٣ كلها عن أبي هريرة، المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ٦٩٩ ح ٦٥٤٥، المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٣٦ ح ٦٠٨٧ كلاهما عن سلمان، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٥ ح ٦٠٨١.
٢. الفردوس: ج ٢ ص ٢٢٩ ح ٣١٠٥، كشف الخفاء: ج ١ ص ٤١٠ ح ١٣١٧ كلاهما عن عائشة، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٧ ح ٦٠٩٠.
٣. مشكاة الأنوار: ص ٤٦٥ ح ١٥٥٣، الكافي: ج ٢ ص ٢٥٠ ح ٧ عن شعيب عن الإمام الصادق ﷺ، مستطرفات السرائر: ص ١٥٩ ح ٣٢ عن الإمام الصادق ﷺ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٢٢١ ح ١١.
٤. الفردوس: ج ٢ ص ٢٢٩ ح ٣١٠٦ عن أبي هريرة.
٥. السَّنَّةُ: الجَذْبُ، يُقَالُ: أَخَذْتَهُمُ السَّنَّةَ إِذَا أُجْذِبُوا وَأُقْعَطُوا (النهاية: ج ٢ ص ٤١٣ «سنه»).
٦. مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٦٣٥ ح ٦٨٧٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٥١ ح ٧٨٨٢، الزهد لابن المبارك: ص ٢١٢ ح ٥٩٨، الفردوس: ج ٢ ص ٢٢٩ ح ٣١٠٤ كلها عن عبدالله بن عمرو، حلية الأولياء: ج ٨ ص ١٧٧ عن عبد الرحمن بن عمرو، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٥ ح ٦٠٨١.
٧. في المصدر زيادة كلمة «سجن» هنا، وحذفناها طبقاً لباقي المصادر، إذ لا يصح السياق معها.
٨. الجعفریات: ص ٢٠٤ عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ، التمهيد: ص ٤٨ ح ٧٦ عن الإمام علي ﷺ عنه ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٤٢ ح ٧٧.

مشغله‌های دنیا را از خود، کم کنید؛ زیرا به جدایی دنیا و ناپایداری حالات آن، یقین دارید.

۱۲-۳/۱

زندان مؤمن و بهشت کافر

۴۰۹. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است.
۴۱۰. پیامبر خدا ﷺ: دنیا به کام هیچ مؤمنی نمی‌شود. چگونه شود، حال آن که دنیا، زندان او و مایه رنج و گرفتاری اوست؟!؟
۴۱۱. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، زندان مؤمن است. کدام زندان است که از آن، خیر و خوشی آید؟!؟
۴۱۲. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، زندان مؤمن است. هیچ مؤمنی بدون لقای خداوند، آسایش نمی‌یابد.
۴۱۳. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، زندان مؤمن و قحطگاه اوست و چون از دنیا برود، از این زندان و قحطگاه می‌رهَد.
۴۱۴. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است. زندان مؤمن است؛ چون در آن هراسان است، و بهشت کافر است؛ چون از آن برخوردار است.

٢١٥. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرُ حِصْنُهُ وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَالدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرُ سِجْنُهُ وَالنَّارُ مَأْوَاهُ.^١

٢١٦. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرُ حِصْنُهُ وَإِلَى الْجَنَّةِ مَصِيرُهُ، وَالدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرُ سِجْنُهُ وَإِلَى النَّارِ مَصِيرُهُ. وَإِنَّمَا صَارَتِ الدُّنْيَا لِلْمُؤْمِنِ سِجْنًا؛ لِأَنَّ الْمَسْجُونَ مُضْطَرٌّ إِلَى الصَّبْرِ.^٢

٢١٧. عنه عليه السلام - لِأَبِي ذَرٍّ - : يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرُ أَمْنُهُ وَالْجَنَّةُ مَصِيرُهُ. يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرُ عَذَابُهُ وَالنَّارُ مَصِيرُهُ.^٣

٢١٨. عنه عليه السلام - أَيْضاً - : يَا أَبَا ذَرٍّ، الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَمَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا حَزِينًا، فَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ الْمُؤْمِنُ وَقَدْ أَوْعَدَهُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَنَّهُ وَارِدُ جَهَنَّمَ وَلَمْ يَعِدْهُ أَنَّهُ صَادِرٌ عَنْهَا؛ وَلَيَلْقَيْنَ أَعْرَاضاً وَمُصِيبَاتٍ وَأُمُوراً تَغِيطُهَا، وَلَيُظْلَمَنَّ فَلَا يُنْتَصَرُ، يَبْتَغِي ثَوَاباً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، فَلَا يَزَالُ حَزِينًا حَتَّى يُفَارِقَهَا، فَإِذَا فَارَقَهَا أَفْضَى إِلَى الرَّاحَةِ وَالْكَرَامَةِ.^٤

٢١٩. عنه عليه السلام: أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ جِبْرِيلَ عليه السلام بِأَحْسَنِ مَا كَانَ يَأْتِينِي صُورَةً، فَقَالَ: إِنَّ السَّلَامَ

١. الجعفریات: ص ٢٠٤ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ص ١٠٨ ح ٧٤ عن إبراهيم بن عبد الحمید عن الإمام الكاظم عن أبيه عليه السلام، تحف العقول: ص ٣٦٣ عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «الصبر حصنه» بدل «القبر حصنه»، الاعتمادات: ص ٩٦ عنهم عليهم السلام، الدعوات: ص ٢٨٠ ح ٨١٧ عن الإمام العسكري عليه السلام، جامع الأحادیث للقمي: ص ٧٨ عن علي بن صدقة الرقي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩١ ح ٦٧.

٢. الفردوس: ج ٢ ص ٢٣٠ ح ٣١٠٧ عن ابن عمر.

٣. حلیة الأولیاء: ج ٦ ص ٢٥٣، كشف الخفاء: ج ٢ ص ٤٠٠ ح ٣٢٧٦ نقلاً عن الطبرانی و كلاهما عن ابن عمر؛ إرشاد القلوب: ص ١٨ نحوه.

٤. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٧ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٥ وفيه «أمراضاً» بدل «أعراضاً»، الأمالي للطوسي: ص ٥٢٩ ح ١١٦٢، أعلام الدين: ص ١٩٢ وليس فيهما ذيله من «وليلقين...» وكلها عن أبي الأسود الدؤلي، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٧٨ ح ٣.

۴۱۵. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، زندان مؤمن است. گور، پناهگاه او و بهشت، جایگاهش و دنیا، بهشت کافر است و گور، زندان او و آتش، جایگاهش.

۴۱۶. پیامبر خدا ﷺ: دنیا، زندان مؤمن است و گور، پناهگاه او و بهشت، سرانجامش است و دنیا، بهشت کافر است و گور، زندان او و آتش، سرانجامش. دنیا، زندان مؤمن است؛ چون زندانی، ناگزیر از صبر کردن است.

۴۱۷. پیامبر خدا ﷺ: به ابو ذر: ای ابو ذر! دنیا زندان مؤمن است و گور، آرامشگاه او و بهشت، سرانجامش. ای ابو ذر! دنیا، بهشت کافر است و گور، جایگاه عذاب او و آتش دوزخ، سرانجامش.

۴۱۸. پیامبر خدا ﷺ: به ابو ذر: ای ابو ذر! دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و هیچ مؤمنی در دنیا نیست، مگر آن که اندوهگین است، و چگونه مؤمن، اندوهگین نباشد، حال آن که خداوند ﷻ او را بیم در آمدن به دوزخ داده و نوید بیرون شدن از آن را به او نداده است؟! بی گمان، او پیشامدها و مصیبت‌ها و اموری خواهد دید که او را به خشم می‌آورد، و ستم‌ها خواهد چشید، بی آن که انتقامش گرفته شود و [از این ره گذر] پاداشی از خدای متعال می‌جوید. پس او همواره اندوهگین است تا آن گاه که از دنیا جدا شود و چون از دنیا رفت، به آسایش و کرامت [الهی] می‌رسد.

۴۱۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، جبرئیل ﷺ را در زیباترین چهره‌ای که بر من وارد می‌شد، نزد من فرستاد و او گفت: ای محمد! سلام،^۱ به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: «من به دنیا وحی کردم که بر دوستانم تلخ و تیره و تنگ و سخت شو

۱. یکی از اسمای خداوند متعال، «سلام» است، چنان که در آیه ۲۳ حشر آمده است.

يُقِرُّكَ السَّلَامَ يَا مُحَمَّدُ، وَيَقُولُ: إِنِّي أَوْحَيْتُ إِلَى الدُّنْيَا أَنْ تَمَرَّرِي وَتَكْذَرِي
وَتَضِيَّعِي وَتَشُدِّي عَلَى أَوْلِيَائِي حَتَّى يُحِبُّوا لِقَائِي، وَتَسْهَلِي وَتَوْسِعِي وَتَطْيِبِي
لِأَعْدَائِي حَتَّى يَكْرَهُوا لِقَائِي؛ فَإِنِّي جَعَلْتُهَا سِجْنًا لِأَوْلِيَائِي وَجَنَّةً لِأَعْدَائِي.^١
٢٢٠. الإمام علي عليه السلام: أَهْرُبُوا مِنَ الدُّنْيَا وَاصْرِفُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا، فَإِنَّهَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ؛ حَظُّهُ
مِنْهَا قَلِيلٌ، وَعَقْلُهُ بِهَا عَدِيلٌ، وَنَاضِرُهُ فِيهَا كَلِيلٌ^٢!

٢٢١. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ، وَالْمَوْتُ تُحْفَتُهُ^٣، وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ^٤.

٢٢٢. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ، وَالْمَوْتُ مُشْخِصُهُ^٥، وَالنَّارُ مَثْوَاهُ^٦.

٢٢٣. الإمام زين العابدين عليه السلام: لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام نَظَرَ إِلَيْهِ
مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ؛ لِأَنَّهُمْ كُلُّهُمْ اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمْ وَارْتَعَدَتْ
فَرَائِصُهُمْ^٧ وَوَجَبَتْ^٨ قُلُوبُهُمْ، وَكَانَ الْحُسَيْنُ عليه السلام وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ
تُشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحُهُمْ وَتَسْكُنُ نُفُوسُهُمْ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: أَنْظَرُوا
لَا يُبَالِي بِالْمَوْتِ!

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

١. المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٧ ح ١١، شعب الإيمان: ج ٧ ص ١٤٩ ح ٩٨٠٠، الفردوس: ج ١ ص ١٤٥ ح ٥٢١
كلاهما نحوه وكلها عن قتادة بن النعمان، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩١ ح ٦١١٠؛ أعلام الدين: ص ٢٧٧ نحوه،
بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٩٤ ح ٥٢.

٢. الكليلة: الذي لم يحقق المنظور (النهاية: ج ٤ ص ١٩٨ «كلل»).

٣. غرر الحكم: ج ٢٥٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٢ ح ٢١٤٥.

٤. التُّخْفَةُ: طَرَفَةُ الْفَاكِهِةِ، ثُمَّ تَتَمَلَّ فِي غَيْرِ الْفَاكِهِةِ مِنَ الْأَلْطَافِ (النهاية: ج ١ ص ١٨٢ «تحف»).

٥. غرر الحكم: ج ١٨٦٠.

٦. يقال للرجل إذا أتاه ما يُقْلِقُهُ: قَدْ شَخِصَ بِهِ. ومنه شخوص المسافرين: خروجه عن منزله (النهاية: ج ٢ ص ٤٥٠
«شخص»).

٧. غرر الحكم: ج ١٨٦١.

٨. الفريضة: اللحمة بين الجنب والكف، التي لا تزال تُرْعَدُ مِنَ الدَّابَّةِ، وَجَمْعُهَا فَرِيصٌ وَفَرَاثُصٌ (الصحيح: ج ٣
ص ١٠٢٨ «فرص»).

٩. وَجَبَ الْقَلْبُ: خَفَقَ وَاضْطَرَبَ (لسان العرب: ج ١ ص ٧٩٤ «وجب»).

تا مشتاق دیدار من شوند و بر دشمنانم آسان و فراخ و خوش شو تا که دیدار مرا ناخوش بدارند؛ زیرا من، دنیا را زندان دوستانم و بهشت دشمنانم قرار داده‌ام».

۴۲۰. امام علی علیه السلام: از دنیا بگریزید و دل‌هایتان را از آن بگردانید؛ زیرا دنیا، زندان مؤمن است، بهره‌اش از آن اندک است و خردش در [کار] آن، ناتوان است و چشمش در [دیدن] آن، ضعیف است^۱!

۴۲۱. امام علی علیه السلام: دنیا، زندان مؤمن است و مرگ، هدیه‌ای است به او و بهشت، سرپناه اوست.

۴۲۲. امام علی علیه السلام: دنیا، بهشت کافر است و مرگ، کوچاننده او و آتش، جایگاهش.

۴۲۳. امام زین العابدین علیه السلام: [در کربلا] چون کار بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام سخت شد، همراهانش به او نگریستند، دیدند که ایشان به خلاف ایشان است؛ چرا که هرچه کار سخت‌تر می‌شد، رنگ از چهره آنان بر می‌گشت و بدن‌هایشان به لرزه و قلب‌هایشان به تپش می‌افتاد؛ اما حسین علیه السلام و عده‌ای از یاران خاص او، رنگ چهره‌شان روشن می‌شد و بدن‌هایشان آرام می‌گرفت و دل‌هایشان تسکین می‌یافت. همراهان به یکدیگر گفتند: ببینید، از مرگ باکی ندارد!

۱. مقصود، آن است که بصیرت و خردورزی مؤمن، در امور اخروی است؛ اقامت تحصیل دنیای نکوهیده که مانع آخرت است، چنان بی‌توجه است که گویا اندیشه‌اش ناتوان است یا دیده‌اش ضعیف و نابینا.

فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عليه السلام: صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ
الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ
سِجْنٍ إِلَى قَصْرِ؟! وَمَا هُوَ إِلَّا أَعْدَائُكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سِجْنٍ وَعَذَابٍ،
إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَالْمَوْتُ
جِسْرٌ هُوَ لَاءٌ إِلَى جَنَاتِهِمْ، وَجِسْرٌ هُوَ لَاءٌ إِلَى جَحِيمِهِمْ، مَا كَذَبْتُ وَلَا كَذِبْتُ ^١.

٢٢٢. الكافي عن محمد بن عجلان: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَشَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ الْحَاجَّةَ،
فَقَالَ لَهُ: إِصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ فَرْجًا، ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى
الرَّجُلِ، فَقَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ سِجْنِ الْكَوْفَةِ كَيْفَ هُوَ؟ فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ ضَيِّقُ
مُنْتِنٍ، وَأَهْلُهُ بِأَسْوَأَ حَالٍ!

قَالَ عليه السلام: فَإِنَّمَا أَنْتَ فِي السَّجْنِ فَتَرِيدُ أَنْ تَكُونَ فِيهِ فِي سَعَةٍ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ
الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ؟! ^٢

٢٢٥. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ صلى الله عليه وآله بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام أَنْ قَالَ لَهُ: ...
يَا عِيسَى، إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ ضَيِّقٍ مُنْتِنٍ الرِّيحِ وَحِشٍّ، وَفِيهَا مَا قَدَّرْتُ مِمَّا قَدْ أَلَحَّ
عَلَيْهِ الْجَبَّارُونَ، فَإِيَّاكَ وَالدُّنْيَا، فَكُلْ نَعِيمَهَا يَزُولُ، وَمَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ ^٣.

راجع: ج ٢ ص ١٨٨ (اجعل الدنيا سجنك).

١. معاني الأخبار: ص ٢٨٨ ح ٢، الاعتقادات: ص ٥٢ من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٥٤ ح ٩.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٢٥٠ ح ٦، المؤمن: ص ٢٦ ح ٢٢، مستطرفات السرائر: ص ١٥٩ ح ٣٣، مشكاة الأنوار: ص ٤٧١ ح ١٥٧٧ عن نصر بن الصباح البلخي، التمهيد: ص ٤٨ ح ٧٧، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢١٩ ح ٩.

٣. الأمالي للصدوق: ص ٦١٠ ح ٨٢٢ عن أبي بصير، الكافي: ج ٨ ص ١٢٧ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام وليس فيه «ضيق» وفيه «وحسن فيها» بدل «وحش وفيها»، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٤٣ وفيهما «تذابيح» بدل «ألح»، أعلام الدين: ص ٢٣١ من دون إسناد إلى المعصوم وفيه «وحسن فيها» بدل «وحش وفيها» و«يتذابح» بدل «ألح»، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٤ ح ١٤.

حسین علیه السلام به ایشان فرمود: «صبور باشید، ای بزرگ‌زادگان؛ زیرا مرگ، چیزی نیست، جز پلی که شما را از رنج و سختی به سوی بهشت‌های پهناور و خوشی و آرامش همیشگی عبور می‌دهد. پس کدام یک از شما دوست ندارد که از زندانی به کاخی منتقل شود؟ و برای دشمنان شما، مرگ چیزی نیست، جز همانند کسی که از کاخی به زندان و شکنجه‌گاهی منتقل شود. پدرم از پیامبر خدا برایم حدیث کرد که: «دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ، پل آنان به سوی بهشتشان و پل اینان به سوی دوزخشان است. هرگز دروغ نگفتم و به من، دروغ گفته نشده است».

۴۲۴. الکافی - به نقل از محمد بن عجلان - نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی به ایشان از تنگ‌دستی شکوه کرد. به او فرمود: «صبر کن. به زودی خداوند، گشایشی در کار تو خواهد داد».

آن‌گاه، ساعتی سکوت کرد و سپس، رو به آن مرد کرد و فرمود: «از زندان کوفه برایم بگو که چگونه است؟».

گفت: خداوند، به سلامت بدارد! تنگ و بدبوست و زندانیان در بدترین وضع به سر می‌برند.

امام علیه السلام فرمود: تو هم [در این دنیا] در زندانی. پس می‌خواهی در آن، در گشایش و آسایش باشی؟ مگر نمی‌دانی که دنیا، زندان مؤمن است؟!.

۴۲۵. امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام این بود که به او فرمود: «...ای عیسی! دنیا، زندانی تنگ و بدبو و وحشتناک است و در آن، گاه چیزهایی می‌بینی که گردن‌گشان بر آنها پای می‌فشارند. پس، از دنیا بپرهیز که همه ناز و نعمت دنیا، از بین رفتنی است و ناز و نعمتش جز اندک نیست».

٤/١ مَثَلُ الدُّنْيَا

أ - مَثَلُ السَّمِّ

٤٢٦ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ السَّمِّ؛ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ.^١

٤٢٧ . عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا كَالسَّمِّ؛ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ.^٢

ب - مَثَلُ الْحَيَّةِ

٤٢٨ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ: لَيِّنٌ مَسْهًا، قَاتِلٌ سَمُّهَا، فَأَعْرِضْ عَمَّا

يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا، وَضَعْ عَنْكَ هُمُومَهَا لِمَا أُيْقِنْتَ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا

وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا، وَكُنْ أُنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَحْذَرُ مَا تَكُونُ مِنْهَا؛ فَإِنَّ صَاحِبَهَا

كُلَّمَا اطمأنَّ فيها إلى سُرُورِ اشْخَصَتَهُ^٣ عَنْهُ إِلَى مَحْذُورٍ، أَوْ إِلَى إِنْهَاسٍ أزالتهُ

عَنْهُ إِلَى إِيحَاشٍ!^٤

مرکز تحقیقات و ترویج علوم و معارف اسلامی

٤٢٩ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ

الْحَيَّةِ؛ مَا أَلَيَّنَ مَسْهًا وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ النَّاقِعُ^٥، يَحْذَرُهَا الرَّجُلُ الْعَاقِلُ، وَيَهْوِي

١. الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٦، إرشاد القلوب: ص ١٩، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤١٨ ح ٤٠.

٢. عيون أخبار الرضا: ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦، الأمالي للصادق: ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧، روضة الواعظين: ص ٤٨٥، غرر الحكم: ج ١٤١١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٦.

٣. شَخَصَ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ: أَي ذَهَبَ، وَأَشْخَصَهُ غَيْرُهُ (الصحاح: ج ٣ ص ١٠٤٣ «شخص»).

٤. نهج البلاغة: الكتاب ٦٨، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ١٠١، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٨، روضة الواعظين: ص ٢٨٣ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٢٨٤ ح ٦٨٩، مطالب السؤل: ص ٥١ نحوه وراجع الإرشاد: ج ١ ص ٢٣٣ و تيسير المطالب: ص ٣٧٣.

٥. سَمُّ نَاقِعٍ: بِالْفَتْحِ ثَابِتٌ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٩٠ «نقع»).

۴/۱

مَثَل دُنیا

الف - مَثَل سَم

- ۴۲۶ . امام علی علیه السلام: مَثَل دُنیا، مَثَل سَم است. کسی سم را می خورد که نمی داند.
- ۴۲۷ . امام علی علیه السلام: دُنیا، در حقیقت، مانند سم است. کسی سم را می خورد که آن را نمی شناسد.

ب - مَثَل مار

- ۴۲۸ . امام علی علیه السلام: مَثَل دُنیا، مَثَل مار است: پوستش نرم است و زهرش کشنده. پس، از آنچه در دُنیا برایت جاذبه دارد، روی بگردان؛ زیرا آنچه از آن تو را همراهی می کند، اندک [کفنی] است.^۱ دغدغه های آن (دُنیا) را از خود، دور کن؛ چرا که به جدا شدن از آن و ناپایداری حالاتش یقین داری و آن گاه که با دُنیا بیشترین انس را داری، بیشترین ترس و حذر را از آن داشته باش؛ زیرا که دنیادار، هر زمان که در آن به خوشی و لذتی اطمینان کرد، دُنیا او را از آن خوشی به مشکلی کشاند، یا هرگاه انسی گرفت، انس او را تبدیل به تنهایی و وحشت کرد.

- ۴۲۹ . امام صادق علیه السلام: در کتاب علی - که درودهای خدا بر او باد - آمده است: حکایت دُنیا، در حقیقت، حکایت مار است که پوستی بس نرم دارد؛ اما در درونش

۱. یا: اندکی در دُنیا می مانی.

إِلَيْهَا الصَّبِيُّ الْجَاهِلُ^١.

٣٣٠. الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ - :

قَدْ رَأَيْتُ الْقُرُونُ كَيْفَ تَفَانَتْ دَرَسْتُ ثُمَّ قِيلَ كَانَ وَكَانَتْ
هِيَ دُنْيَا كَحَيَّةٍ تَنْفُثُ السَّمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْمَجَسَّةُ^٢ لَا نَتْ
كَمْ أُمُورٍ لَقَدْ تَشَدَّدَتْ فِيهَا ثُمَّ هَوَّتْهَا عَلَيَّ فَهَانَتْ^٣

ج - مَثَلُ الْجِيْفَةِ

٣٣١. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ جِيْفَةٍ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهَا كِلَابٌ يَجْرُونَهَا، أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ كَلْبًا مِثْلَهُمْ فَتَجُرَّ مَعَهُمْ؟!^٤

٣٣٢. تنبيه الخواطر: رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَفَ عَلَى مَرْبَلَةٍ فَقَالَ: هَلُمُّوا إِلَى الدُّنْيَا، وَأَخَذَ خِرْقًا قَدْ بَلَيْتَ^٥ عَلَى تِلْكَ الْمَرْبَلَةِ وَعِظَامًا قَدْ نَخِرَتْ^٦، فَقَالَ: هَذِهِ الدُّنْيَا.^٧

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

٣٣٣. الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ - :

وَمَنْ يَذُقِ الدُّنْيَا فَإِنِّي طَعِمْتُهَا وَسِيقَ إِلَيْنَا عَذَابُهَا وَعَذَابُهَا

١. الكافي: ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٢ عن غياث بن إبراهيم، نهج البلاغة: الحكمة ١١٩، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٥ ح ١٢١ عن طلحة بن زيد، تحف العقول: ص ٣٩٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام وكلها نحوه، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٤، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧٥ ح ٢٨.
٢. جسّه: أي مسّه، والمجسة الموضع الذي يجسه الطبيب (الصحاح: ج ٣ ص ٩١٣ «جسس»).
٣. الدِّيوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ١٦٠ الرقم ٨٩.
٤. الفردوس: ج ١ ص ١٤١ ح ٥٠٢ عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٤ ح ٦٢١٥.
٥. بَلِيَ الثوبُ: خَلَقَ، فَهُوَ بِالٍ (المصباح المنير: ص ٦٢ «بلي»).
٦. نَخَرَتِ الْعِظَمُ: بَلِيَ وَتَفَتَّتِ (المصباح المنير: ص ٥٩٦ «نخر»).
٧. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٨: إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٢٩٩.

زهر گشونده است. آدم خردمند، از آن پرهیز می‌کند؛ اما کودک نادان، دست به سویش دراز می‌نماید.

۴۳۰. امام صادق علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:

دیدم که چه سان نسل‌ها نابود شدند /

از میان رفتند و آن گاه، گفته شد: فسانه گشتند.

این دنیا است که چون مار، زهر می‌ریزد /

هرچند پوستی نرم دارد.

چه بسیار کارها که در آنها سخت گرفتم /

اما بعد که آسانشان گرفتم، بر من آسان شدند.

ج - مثل لاشه

۴۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تعالی به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «حکایت دنیا، حکایت

لاشه‌ای است که شماری سگ بر آن گزید آمده‌اند و این سو و آن سو

می‌کشانند. آیا دوست داری که تو سگی چون آنان باشی و با آنها کشاکش

کنی؟!

۴۳۲. تنبیه الخواطر: روایت شده است که پیامبر خدا، کنار زیاله‌دانی ایستاد و فرمود:

«بیایید دنیا را ببینید!» و چند لته پاره استخوان پوسیده را از زیاله‌دانی برداشت

و فرمود: «این، دنیا است!».

۴۳۳. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:

هر که می‌خواهد دنیا را بچشد، من آن رامزه کرده‌ام /

شیرینی و شرنگ آن به ما رسیده است.

فَلَمْ أَرَهَا إِلَّا غُرُورًا وَبَاطِلًا كَمَا لَاحَ فِي أَرْضِ الْفَلَاةِ^١ سَرَابُهَا^٢
وَمَا هِيَ إِلَّا جِيْفَةٌ مُسْتَحِيلَةٌ عَلَيْهَا كِلَابٌ هَمُّهُنَّ اجْتِنَابُهَا
فَإِنْ تَجَنَّبَهَا كُنْتَ سَلَامًا لِأَهْلِهَا وَإِنْ تَجَنَّبَهَا نَازَعَتَكَ كِلَابُهَا^٣

راجع: ص ٢٢٤ (تقويم الدنيا / أهون من جيفة)

و ١٢ ح ٧٨٥ و ٧٨٦

و ٢١٢ ح ١١٦٣.

د - مَثَلُ الطَّعَامِ

٤٣٤. رسول الله ﷺ: إِنَّ مَطْعَمَ ابْنِ آدَمَ جُعِلَ مَثَلًا لِلدُّنْيَا وَإِنْ قَرَّحَهُ^٤ وَمَلَّحَهُ^٥، فَانْظُرُوا إِلَى مَا يَصِيرُ!^٥

٤٣٥. عنه ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا ضُرِبَتْ مَثَلًا لِابْنِ آدَمَ، فَانْظُرْ مَا يَخْرُجُ مِنْ ابْنِ آدَمَ - وَإِنْ مَزَّجَهُ^٦ وَمَلَّحَهُ - إِلَى مَا يَصِيرُ!^٦

٤٣٦. مسند ابن حنبل عن الحسن بن الضحاک بن سُفْيَانَ الْجَلَابِي: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَهُ: يَا ضَحَّاكُ مَا طَعَامُكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اللَّحْمُ وَاللَّبَنُ. قَالَ: ثُمَّ يَصِيرُ إِلَى مَاذَا؟ قَالَ: إِلَى مَا قَدْ عَلِمْتَ! قَالَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ضَرَبَ مَا يَخْرُجُ

١. الفلاة: القفر من الأرض، لأنها قُلِيت - أي قُطِعت وعُزلت - من كل خير (تاج العروس: ج ٢٠ ص ٥٦ «فلو»).

٢. السَّرَابُ: الذي تراه نصف النهار كأنه ماء (الصحيح: ج ١ ص ١٤٧ «سرب»).

٣. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٩٦ الرقم ٤٩.

٤. قَرَّحَهُ: أي تَوَبَّلَهُ، من القِرْح وهو التابل الذي يُطْرَح في القدر، كالكمون والكزبرة ونحو ذلك (النهاية: ج ٤ ص ٥٨ «قرح»).

٥. مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٩ ح ٢١٢٩٧، الزهد لابن المبارك: ص ١٦٩ ح ٤٩٣ وفيه «قد علم» بدل «فانظروا»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٣ ح ٦٢١٣.

٦. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٩؛ الزهد لابن المبارك: ص ١٦٩ ح ٤٩٤ وفيه «قرحه» بدل «مزجه»، صحيح ابن حبان: ج ٢ ص ٤٧٦ ح ٧٠٢. المعجم الكبير: ج ١ ص ١٩٨ ح ٥٣١، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٢٧ ح ١٠٤٧٣. حلية الأولياء: ج ١ ص ٢٥٤ والأربعة الأخيرة نحوه وكلها عن أبي بن كعب.

من، آن را جز فریب و پوچ نیافتم /
 همچون سرابی که در بیابان می درخشد.
 دنیا، لاشه گسندیده‌ای بیش نیست /
 که سگ‌ها بر سر آن، کشمکش می‌کنند.
 اگر از دنیا دوری کنی، با اهل آن آسوده به سر می‌بری /
 و اگر آن را بکشی، سگ‌ها بر سر آن با تو کشمکش می‌کنند.
 ر.ک: ص ۲۲۵ (ارزیابی دنیا / بی‌ارزش‌تر از مردار)،
 ج ۲ ص ۱۲ ح ۷۸۵ و ۷۸۶
 و ۲۱۲ ح ۱۱۶۳.

د - مثل خوراک

۴۳۴. پیامبر خدا ﷺ: خوراک فرزند آدم، مثالی است از دنیا، اگرچه بر آن ادویه و نمک بزنند. بنگرید که آن خوراک به چه تبدیل می‌شود.
۴۳۵. پیامبر خدا ﷺ: دنیا برای فرزند آدم، مثل زده شده است. پس بنگر که از فرزند آدم، چه خارج می‌شود، هرچند [خوراک را] خوش مزه و نمکینش کند و [به این‌که] به چه تبدیل می‌شود.
۴۳۶. مسند ابن حنبل - به نقل از حسن از ضحاک بن سفیان کلابی -: پیامبر خدا به او (ضحاک) فرمود: «ای ضحاک! خوراک تو چیست؟».
- گفت: ای پیامبر خدا! گوشت و شیر.
- فرمود: «بعد به چه تبدیل می‌شود؟».
- گفت: به چیزی که خود می‌دانید.
- فرمود: «خداوند - تبارک و تعالی - آنچه را از انسان دفع می‌شود، مثلی برای دنیا زده است».

من ابن آدم مثلاً للدنيا. ١

٣٣٧. تنبيه الغافلين: رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّ رَجُلًا قَدِمَ عَلَيْهِ مِنْ أَرْضِ الشَّامِ، فَسَأَلَهُ عَنْ أَرْضِهِمْ، فَأَخْبَرَهُ عَنْ سَعَةِ أَرْضِهِمْ وَكَثْرَةِ النَّعِيمِ فِيهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَيْفَ تَفْعَلُونَ؟ قَالَ: إِنَّا نَتَّخِذُ أَلْوَانًا مِنَ الطَّعَامِ وَنَأْكُلُهَا. قَالَ: ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى مَاذَا؟ قَالَ: إِلَى مَا تَعَلَّمُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَعْنِي تَصِيرُ بَوْلًا وَغَائِطًا، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: فَكَذَلِكَ مَثَلُ الدُّنْيَا. ٢

٣٣٨. تنبيه الخواطر عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا هُرَيْرَةَ، أَلَا أُرِيكَ الدُّنْيَا جَمِيعاً بِمَا فِيهَا؟ قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَخَذَ يَدَيَّ وَأَتَى بِي وَادِيّاً مِنْ أوديةِ الْمَدِينَةِ، فَإِذَا مَزْبَلَةٌ فِيهَا رُؤُوسُ النَّاسِ وَعَذِرَاتٌ وَخِرْقٌ وَعِظَامٌ.

ثُمَّ قَالَ لِي: يَا أَبَا هُرَيْرَةَ، هَذِهِ الرُّؤُوسُ كَانَتْ تَحْرِصُ عَلَى الدُّنْيَا كَحْرِصِكُمْ، وَتَأْمُلُ آمَالَكُمْ، ثُمَّ هِيَ عِظَامٌ بِلا جِلْدٍ، ثُمَّ هِيَ صَائِرَةٌ رَمَاداً! وَهَذِهِ الْعَذِرَاتُ أَلْوَانُ أَطْعَمَتِكُمْ اِكْتَسَبُوها مِنْ حَيْثُ اِكْتَسَبُوها، ثُمَّ قَذَفُوها مِنْ بُطُونِهِمْ فَأَصْبَحَتْ وَالنَّاسُ يَنْتَحِمُونَها!

وَهَذِهِ الْخِرْقُ الْبَالِيَةُ كَانَتْ رِيَاشَهُمْ وَلِبَاسَهُمْ فَأَصْبَحَتْ وَالرِّيَاحُ تَصْفِقُها! وَهَذِهِ الْعِظَامُ عِظَامُ دَوَائِبِهِمُ الَّتِي كَانُوا يَنْتَجِعُونَ^٢ عَلَيْها أَطْرَافَ الْبِلَادِ! فَمَنْ كَانَ رَاكِئاً إِلَى الدُّنْيَا فَلْيَبْكْ.

فَمَا بَرَحْنَا حَتَّى اشْتَدَّ بُكَاءُنَا. ٣

١. مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٤١ ح ١٥٧٤٧، المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢٩٩ ح ٨١٣٨، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٢٩ ح ٥٦٥٣ كلها عن الضحاک بن سفيان الکلابي، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٩ ح ٦٠٩٨ وراجع تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٩.

٢. تنبيه الغافلين: ص ٢٤٢ ح ٣١٦ وراجع الزهد لابن المبارك: ص ١٦٩ و ص ١٧٠.

٣. انتجع القوم: إذا ذهبوا لطلب الکلاً في موضعه (المصباح المنير: ص ٥٩٤ «نجع»).

٤. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٠.

۴۳۷. تنبیه الغافلین: روایت شده است که مردی از سرزمین شام، خدمت پیامبر خدا

رسید. ایشان از او دربارهٔ سرزمینشان پرسید. آن مرد از پهناوری سرزمینشان

و پُر ناز و نعمت بودنش برای ایشان گفت.

پیامبر خدا فرمود: «آن نعمت‌ها را چه می‌کنید؟».

گفت: غذاهای رنگارنگ درست می‌کنیم و می‌خوریم.

فرمود: «بعد چه می‌شود؟».

گفت: چیزی که خود می‌دانی، ای پیامبر خدا؛ یعنی تبدیل به ادرار و

مدفوع می‌شود.

پیامبر ﷺ فرمود: «دنیا نیز چنین است».

۴۳۸. تنبیه الخواطر - به نقل از ابو هریره -: پیامبر خدا فرمود: «ای ابو هریره! آیا همهٔ

دنیا را با هر آنچه در آن است، به تو نشان ندهم؟».

گفتم: چرا، ای پیامبر خدا!

دستم را گرفت و مرا به یکی از دره‌های مدینه برد. در آن جا با زیاله‌دانی

رو به رو شدیم که در آن، اسکلت سر آدم و نجاست و پارچه‌های کهنه پاره و

استخوان، افتاده بود. سپس به من فرمود: «ای ابو هریره! این سرها نیز مثل

شما به دنیا حریص بودند و چون آرزوهای شما را داشتند، اما تبدیل به

اسکلت شدند و بعد، خاکستر می‌شوند.

این نجاست‌ها، همان غذاهای رنگارنگ شماست که اینان از راه‌های

مختلف به دست آوردند و بعد، از شکم‌هایشان دفع کردند و تبدیل به چیزی

شد که مردم از آن دوری می‌کنند.

این لته‌پاره‌ها، جامه‌ها و پوشاک‌های ایشان بوده که اکنون، بادها آنها را به

هم می‌زنند و این استخوان‌ها، استخوان‌های چارپایان آنان است که بر آنها

سوار می‌شدند و برای یافتن چراگاه به این طرف و آن طرف می‌کوچیدند.

پس، هر که دل‌بسته دنیا است، باید که بگیرد».

ما تا آن جا بودیم، سخت گریستیم.

هـ- مَثَلُ الْغُولِ

٣٣٩. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْغُولِ^١ تُغْوِي مَنْ أَطَاعَهَا وَتُهْلِكُ مَنْ أَجَايَهَا، وَإِنَّهَا لَسَرِيعَةُ الزَّوَالِ وَشَبَكَةُ^٢ الْإِنْتِقَالِ^٣.

و- مَثَلُ الشَّرِكِ

٣٤٠. الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا شَرِكٌ^٤ وَقَعَ فِيهِ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ^٥.
٣٤١. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا شَرِكُ النَّفُوسِ، وَقَرَارَةٌ كُلِّ ضَرٍّ وَبُؤْسٍ^٦.
٣٤٢. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالشَّبَكَةِ؛ تَلْتَفُّ عَلَى مَنْ رَغِبَ فِيهَا وَتَتَحَرَّزُ^٧ عَمَّنْ أَعْرَضَ عَنْهَا، فَلَا تَمِيلُ إِلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَلَا تُقْبِلُ عَلَيْهَا بِوَجْهِكَ، فَتَوَقَّعَكَ فِي شَبَكَتِهَا وَتُلْقِيَنَّكَ فِي هَلَكَتِهَا^٨.

ز- مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ

٣٤٣. الإمام الصادق عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ؛ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ ازدَادَ عَطْشاً حَتَّى يَقْتُلَهُ^٩.



١. الغُول: هي جنس من الجنّ والشیاطین، وكانت العرب تزعم أنّ الغول في القلاة تتراءى للناس فتتغول تغولاً؛ أي تتلون تلوناً في صور شتى، وتقولهم أي تضلّهم عن الطريق وتهلكهم (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٦ «غول»).
٢. الوَشِكُ: السَّريع والقريب (النهاية: ج ٥ ص ١٨٩ «وشك»).
٣. غرر الحكم: ح ٣٦٤٥، عیون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٣٢٢٩.
٤. الشَّرِك - محرّكة -: حِبَاتِلُ الصَّيْدِ، وما يُنْصَبُ لِلطَّيْرِ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٠٨ «شرك»).
٥. غرر الحكم: ح ٣٨٦٥، عیون الحكم والمواعظ: ص ١٧٧ ح ٣٦٥٢.
٦. غرر الحكم: ح ٢٠٤٧، عیون الحكم والمواعظ: ص ٦٢ ح ١٦١٤ وليس فيه «كل».
٧. احتَرَزَتْ وَتَحَرَّزَتْ من كذا: تَوَقَّيْتَهُ (الصَّحاح: ج ٣ ص ٨٧٣ «حرز»).
٨. غرر الحكم: ح ٣٦٧٨.
٩. الكافي: ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٤، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٨ ح ١٢٩ وفيه «البحر المالح» بدل «ماء البحر» وكلاهما عن طلحة بن زيد. تحف العقول: ص ٣٩٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧٩ ح ٤٠.

هـ - مَثَلِ غول

۴۳۹. امام علی علیه السلام: دنیا، به سانِ غول^۱ است. هر که را از آن فرمان ببرد، گمراه می‌سازد و هر که را اجابتش کند، نابود می‌گرداند. دنیا به سرعت زوال می‌پذیرد و زود [به دیگری] منتقل می‌شود.

و - مَثَلِ دام و تله

۴۴۰. امام علی علیه السلام: دنیا، در حقیقت، یک دام است. کسی در دام می‌افتد که نمی‌داند.

۴۴۱. امام علی علیه السلام: دنیا، دام جان‌ها و جایگاه هر رنج و گزندی است.

۴۴۲. امام علی علیه السلام: دنیا، همانند تور [صیادی] است؛ بر هر که به آن روی آورد،

می‌پیچد و به کسی که از آن روی بگرداند، در نمی‌پیچد. پس، به دنیا دل میند و بدان روی می‌آورد که تو را در تور خویش می‌افکند و به هلاکت می‌اندازد.

ز - مَثَلِ آب دریا

۴۴۳. امام صادق علیه السلام: حکایت دنیا، حکایت آب دریاست که هر چه تشنه از آن بیشتر

بنوشد، تشنه‌تر می‌شود تا سرانجام، او را بکشد.

۱. غول: موجودی است از جنس جن و شیاطین. عرب‌ها معتقد بودند که غول در بیابان بر مردم نمایان می‌شود و به شکل‌های مختلف در می‌آید و آنها را به بیراهه می‌کشد و نابودشان می‌کند (النهاية: ج ۳ ص ۳۹۶ «غول»).

٣٠٠ دنيا و آخرت از نگاه قرآن و حديث / ج ١

٣٣٣ . عيسى عليه السلام: مَثَلُ طَالِبِ الدُّنْيَا مَثَلُ شَارِبٍ مَاءِ الْبَحْرِ؛ كُلَّمَا ازدَادَ شُرْباً ازدَادَ عَطْشاً حَتَّى يَقْتُلَهُ^١.

ح - مَثَلُ جَمِيعِ الرِّذَائِلِ

٣٣٥ . مصباح الشريعة - فيما نَسَبَهُ إِلَى الإمامِ الصَّادِقِ عليه السلام - : الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ صُورَةٍ؛ رَأْسُهَا الْكِبَرُ، وَعَيْنُهَا الْحِرْصُ، وَأُذُنُهَا الطَّمَعُ، وَلِسَانُهَا الرِّيَاءُ، وَيَدُهَا الشَّهْوَةُ، وَرِجْلُهَا الْعُجْبُ، وَقَلْبُهَا الْغَفْلَةُ، وَلَوْنُهَا الْفَنَاءُ، وَحَاصِلُهَا الزَّوَالُ. فَمَنْ أَحَبَّهَا أَوْرَثَتْهُ الْكِبَرَ، وَمَنْ اسْتَحْسَنَهَا أَوْرَثَتْهُ الْحِرْصَ، وَمَنْ طَلَبَهَا أَوْرَثَتْهُ الطَّمَعُ، وَمَنْ مَدَحَهَا أَلْبَسَتْهُ الرِّيَاءَ، وَمَنْ أَرَادَهَا مَكَّنَتْهُ مِنَ الْعُجْبِ، وَمَنْ اطمَأَنَّ إِلَيْهَا أَرْكَبَتْهُ الْغَفْلَةُ، وَمَنْ أَعْجَبَهُ مَتَاعُهَا فَتَنَتْهُ وَلَا تَبْقَى لَهُ، وَمَنْ جَمَعَهَا وَبَخِلَ بِهَا أَوْرَدَتْهُ إِلَى مُسْتَقَرِّهَا وَهِيَ النَّارُ^٢.



مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

أ - مَثَلُ ضَرَّتَيْنِ

٣٣٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا ضَرَّةٌ^٣ الْآخِرَةُ^٤.

٣٣٧ . عنه عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ؛ بِقَدْرِ مَا تَقَرَّبُ مِنْ أَحَدِهِمَا تَبْعُدُ عَنِ الْآخَرِ^٥.

١ . تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١١٤٩، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٨، البداية والنهاية: ج ٢ ص ٨٩ عن أبي عبد الله الصوفي وليس فيه «مثل».

٢ . مصباح الشريعة: ص ١٩٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٥ ح ١٠٠.

٣ . ضَرَّةُ الْمَرْأَةِ: امْرَأَةٌ زَوْجَهَا (المصباح المنير: ص ٣٦٠ «ضر»).

٤ . كشف الخفاء: ج ١ ص ٤٠٨ ح ١٣١٠.

٥ . عوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٧٧ ح ١٠٦ و ج ٤ ص ١١٤ ح ١٧٧.

۴۴۴. عیسی علیه السلام: حکایت دنیا طلب، حکایت نوشنده آب دریاست که هرچه بیشتر بنوشد، تشنه تر می شود تا عاقبت، او را بکشد.

ح - مثل همه رذیلت‌ها

۴۴۵. مصباح الشریعة - در سخنی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است :- دنیا، به منزله شکلی است که سر آن، تکبر است و چشمش، آزمندی و گوشش، طمع و زبانش، ریا و دستش، شهوت و پایش، خودپسندی و قلبش، غفلت و رنگش، نابودی و حاصلش، زوال. پس، هرکه دنیا دوست شد، دنیا به او تکبر داد و هرکه دنیا را پسندید، به او آزمندی داد و هرکه دنیا را طلبید، به او طمع داد و هرکه دنیا را ستود، جامه ریا بر قامت او پوشاند و هرکه خواهان دنیا شد، به او خودپسندی داد و هرکه به دنیا اطمینان کرد، او را بر مرکب غفلت نشاند و هرکه کالای دنیا خوشایندش شد، او را فریفت و برایش باقی نماند و هرکه دنیا را گرد آورده و بخل ورزید، او را به قرارگاهش، یعنی آتش، در آورد.

۵/۱

مثل دنیا و آخرت

الف - مثل دو هوو

۴۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، هووی آخرت است.

۴۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا و آخرت، هووی یکدیگرند. هر اندازه به یکی از آنها نزدیک شوی، از دیگری دور می شوی.

٤٣٨. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَرَجُلٍ لَهُ امْرَأَتَانِ، إِذَا أَرْضَى إِحْدَاهُمَا أَسَخَطَ الْآخَرَى.^١

٤٣٩. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ؛ فَبِقَدْرِ مَا تُرْضِي إِحْدَاهُمَا تُسَخِّطُ الْآخَرَى.^٢
 ٢٥٠. عيسى عليه السلام: لَا يُطِيقُ عَبْدٌ أَنْ يَكُونَ لَهُ رَبَّانٍ، إِنْ أَرْضَى أَحَدَهُمَا أَسَخَطَ الْآخَرَ، وَإِنْ أَسَخَطَ أَحَدَهُمَا أَرْضَى الْآخَرَ، وَكَذَلِكَ لَا يُطِيقُ عَبْدٌ أَنْ يَكُونَ خَادِمًا لِلدُّنْيَا يَعْمَلَ عَمَلَ الْآخِرَةِ. بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ؛ لَا تَهْتَمُّوا بِمَا تَأْكُلُونَ^٣ وَلَا مَا تَشْرَبُونَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ لَمْ يَخْلُقْ نَفْسًا أَعْظَمَ مِنْ رِزْقِهَا، وَلَا جَسَدًا أَعْظَمَ مِنْ كِسْوَتِهِ، فَاعْتَبِرُوا.^٤

ب - مَثَلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

٤٥١. الإمام علي عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَثَلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؛ مَتَى ازْدَدَتْ مِنْ أَحَدِهِمَا قُرْبًا ازْدَدَتْ مِنَ الْآخَرِ بُعْدًا.^٥

٤٥٢. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدَوَانِ مُتَفَاوِتَانِ، وَسَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ؛ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا.

وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا شِ بَيْنَهُمَا؛ كُلُّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ، وَهُمَا بَعْدُ ضَرَّتَانِ.^٦

١. غرر الحكم: ج ٢، ٢٥٢١، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٧ ح ١٥٥٩، روضة الواعظين: ص ٢٩٠ وفيها «ضَرَّتَانِ» بدل «امْرأتان» بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١٠.

٢. إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠٧؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٨ عن عيسى عليه السلام.

٣. في المصدر: «بِمَا لَا تَأْكُلُونَ»، والتصويب من الدرر المشور.

٤. تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ٤٤٥ عن أنس، الدرر المشور: ج ٢ ص ٢١٣.

٥. الأمالي للسيد المرتضى: ج ١ ص ١٠٧، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٤ نحوه.

٦. نهج البلاغة: الحكمة ١٠٣، خصائص الأنعة عليه السلام: ص ٩٦، غرر الحكم: ج ٣، ٣٦٩٢، تحف العقول: ص ٢١٢ نحوه. بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٩ ح ١٢٣.

۴۴۸. امام علی علیه السلام: حکایت دنیا و آخرت، حکایت مردی است که دوزن دارد. هرگاه یکی از آن دو را خشنود گرداند، دیگری را ناخشنود می‌سازد.

۴۴۹. امام علی علیه السلام: دنیا و آخرت، دو هوویند. پس به اندازه‌ای که یکی از آن دو را خشنود سازی، دیگری را ناخشنود می‌گردانی.

۴۵۰. عیسی علیه السلام: هیچ بنده‌ای نمی‌تواند دو خواجه داشته باشد. اگر یکی از آن دو را راضی کند، دیگری را ناراضی کرده است و اگر یکی را ناراضی سازد، دیگری را راضی ساخته است. همچنین، هیچ بنده‌ای نمی‌تواند خدمت‌گزار دنیا باشد و کار آخرت بکند. به حق به شما می‌گویم: به آنچه می‌خورید و می‌آشامید، اهمیت ندهید [و غم آن را مخورید]؛ زیرا که خداوند تعالی هیچ جانی را بزرگ‌تر از روزی‌اش و هیچ تنی را بزرگ‌تر از پوشاکش نیافریده است. پس، عبرت گیرید.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ب - مثل مشرق و مغرب

۴۵۱. امام علی علیه السلام: مثل دنیا و آخرت، مثل مشرق و مغرب است. هر اندازه به یکی از آنها نزدیک‌تر شوی، از دیگری دورتر می‌افتی.

۴۵۲. امام علی علیه السلام: دنیا و آخرت، دو دشمن متفاوت و دو راه مختلف‌اند. پس، هر که دنیا را دوست بدارد و با آن دوستی ورزد، از آخرت نفرت دارد و با آن دشمنی می‌ورزد. [نیز] دنیا و آخرت، به منزله مشرق و مغرب‌اند که هر کس میان آن دو را بپیماید، هرچه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور می‌شود. از اینها بالاتر، دنیا و آخرت، هووی هم‌اند.

ج - مَثَلُ كَفَّتِي الْمِيزَانِ

٢٥٣ . الإمام زين العابدين عليه السلام: وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِلَّا كَكَفَّتِي الْمِيزَانِ؛ فَأَيُّهُمَا رَجَحَ ذَهَبَ بِالْآخِرِ.^١

٦/١

مَثَلُ الدُّنْيَا

أ - تَمَثُّلُ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ

٢٥٤ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مُثِّلْتُ لِأَخِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ الدُّنْيَا فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ، فَقَالَ لَهَا: أَلَيْكَ زَوْجٌ؟ فَقَالَتْ: نَعَمْ، أَزْوَاجٌ كَثِيرَةٌ. فَقَالَ: هُمْ أَحْيَاءٌ؟ قَالَتْ: لَا، وَلَكِنْ قَتَلْتُهُمْ. فَعَلِمَ حِينَئِذٍ أَنَّهَا دُنْيَا مُثِّلَتْ لَهُ.^٢

٢٥٥ . الإمام الصادق عليه السلام: تَمَثَّلَتِ الدُّنْيَا لِعِيسَى عليه السلام فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زُرْقَاءَ، فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ قَالَتْ: كَثِيرًا، قَالَ: فَكُلِّ طَلَّقَكَ؟ قَالَتْ: بَلْ كُلًّا قَتَلْتُ.^٣ قَالَ: فَوَيْحُ أَزْوَاجِكَ الْبَاقِينَ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِينَ!^٤

٢٥٦ . التحصين: رُوِيَ أَنَّ عِيسَى عليه السلام كُشِفَ لَهُ الدُّنْيَا فَرَأَاهَا فِي صُورَةِ عَجُوزَةٍ شَمْطَاءَ^٥ عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ، فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ قَالَتْ: لَا أَحْصِيهِمْ، قَالَ: فَكُلُّهُمْ

١ . الخصال: ص ٦٢ ح ٩٥ عن الزهري، عوالي اللآلي: ج ٤ ص ١١٥ ح ١٧٨ وفيه «نقصت» بدل «ذهب»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٢ ح ٦٩.

٢ . الفردوس: ج ٤ ص ١٦٧ ح ٦٥٢٠ عن أنس، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٦ ح ٦٣٢٤.

٣ . في المصدر: «بلى، كلاً طَلَّقْتَ»، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأخرى.

٤ . الزهد للحسين بن سعيد: ص ٢٨ ح ١٢٩ عن طلحة بن زيد، تحف العقول: ص ٣٩٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٩ ح ١٥٧٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٥ ح ١٢٠.

٥ . الشَّمْطُ: فِي الرَّجُلِ شَيْبُ اللَّحْيَةِ، وَفِي الْمَرْأَةِ شَيْبُ الرَّأْسِ، يُقَالُ لِلْمَرْأَةِ: شَمْطَاءٌ (تاج العروس: ج ١٠ ص ٣١٣ «شمط»).

ج - مَثَل دو كَفَّة ترازو

۴۵۳. امام زین العابدین علیه السلام: به خدا سوگند، دنیا و آخرت، درست مانند دو كَفَّة ترازویند كه هر كدام سنگین تر شود، دیگری سُبُك تر می شود.

۶/۱

مَجَسِّم شدن دنیا

الف - مَجَسِّم شدن دنیا برای مسیح

۴۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا برای برادرِم عیسی بن مریم علیه السلام به صورت زنی مَجَسِّم شد. عیسی علیه السلام به او گفت: «آیا تو شوهر داری؟».

دنیا گفت: آری؛ شوهرهای بسیار.

عیسی علیه السلام گفت: «آنها زنده اند؟». گفت: نه. همه آنها را كشته ام.

در این هنگام، عیسی علیه السلام فهمید او دنیا است كه برایش مَجَسِّم شده است.

۴۵۵. امام صادق علیه السلام: دنیا به صورت زنی چشم آبی در برابر عیسی علیه السلام مَجَسِّم شد.

عیسی علیه السلام از او پرسید: چند شوی كرده ای؟

گفت: بسیار.

پرسید: «همه آنها تو را طلاق دادند؟».

گفت: نه. همه را كُشتم. عیسی علیه السلام گفت: «بیچاره شوهران باقی مانده تو كه

از [سرنوشت] گذشتگان، عبرت نمی گیرند!».

۴۵۶. التحصین: روایت شده است كه [حقیقت] دنیا برای عیسی علیه السلام مكشوف شد و آن

را به صورت پیر زالی سپید موی دید كه انواع زیورها بر او ست. عیسی به او

گفت: «چند شوی كرده ای؟».

گفت: از شمار بیرون اند. عیسی علیه السلام گفت: «همه آنها مُردند یا طلاق

دادند؟».

گفت: نه. همه شان را كُشتم.

عیسی علیه السلام گفت: «بدبخت، شوهران باقی مانده تو! چگونه از شوهران

ماتَ عَنْكَ، أَوْ طَلَّقوكَ؟ قَالَتْ: بَلْ كُلُّهُمْ قَتَلْتُ.

قالَ عيسى عليه السلام: بُؤْساً لِأَزْوَاجِكِ الْبَاقِينَ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِأَزْوَاجِكِ الْمَاضِينَ؟ كَيْفَ أَهْلَكْتَهُمْ وَاحِداً وَاحِداً وَلَا يَكُونُونَ مِنْكَ عَلَى حَذَرٍ؟!^١

ب - تَمَثُّلُ الدُّنْيَا لِلنَّبِيِّ

٢٥٧. المُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَرَأَيْتُهُ يَدْفَعُ عَنْ نَفْسِهِ شَيْئاً وَلَمْ أَرِ مَعَهُ أَحَداً، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الَّذِي تَدْفَعُ عَنْ نَفْسِكَ؟ قَالَ: هَذِهِ الدُّنْيَا مَثَّلَتْ لِي، فَقُلْتُ لَهَا: إِلَيْكَ عَنِّي، ثُمَّ رَجَعَتْ فَقَالَتْ: إِنْ أَفَلَتْ مِنِّي فَلَنْ يَنْقَلِبَ مِنِّي مَنْ بَعْدَكَ.^٢

ج - تَمَثُّلُ الدُّنْيَا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

٢٥٨. بحار الأنوار عن عبد الله بن سليمان النوفلي: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام فَإِذَا بِمَوْلَى لِعَبْدِ اللَّهِ النَّجَاشِيِّ قَدْ وَرَدَ عَلَيْهِ، فَسَلَّمَ وَأَوْصَلَ إِلَيْهِ كِتَابَهُ، فَفَضَّهَ^٣ وَقَرَّاهُ، فَإِذَا أَوَّلُ سَطْرِ فِيهِ: بِرَحْمَةِ رَبِّكَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَ سَيِّدِي وَجَعَلَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِدَاءَهُ، وَلَا أُرَانِي فِيهِ مَكْرُوهاً؛ فَإِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَيْهِ. إَعْلَمَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنِّي بُلَيْتُ بِوِلَايَةِ الْأَهْوَاِ، فَإِنْ رَأَى سَيِّدِي أَنْ يَحُدَّ لِي حَدّاً أَوْ يُمَثِّلَ لِي مَثَلاً لِأَسْتَدِلَّ بِهِ عَلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَى اللَّهِ ﷻ وَإِلَى رَسُولِهِ، وَيُلَخِّصَ فِي كِتَابِهِ مَا يَرَى لِي الْعَمَلَ بِهِ... وَأَيْنَ أَضَعُ زَكَاتِي وَفِيْمَنْ أَصْرِفُهَا، وَبِمَنْ أَنْسُ وَإِلَى مَنْ

١. التحصين لابن فهد: ص ٢٨ ح ٤٨، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٦، إرشاد القلوب: ص ١٨٦ كلاهما نحوه.

بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٨ ح ٥٦: إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٥ نحوه.

٢. المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٤ ح ٧٨٥٦، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٤٢ ح ١٠٥١٨، تاريخ

بغداد: ج ١٠ ص ٢٦٨ الرقم ٥٣٨٢، حلية الأولياء: ج ١ ص ٣٠ نحوه، كنز العمال: ج ٧ ص ١٨٤ ح ١٨٥٩٨:

تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٨ نحوه.

٣. فَضَّة: كَثَرَتْ وَفَتَحَتْ (النهاية: ج ٣ ص ٤٥٤ «فضض»).

گذشته‌ات عبرت نمی‌گیرند؟ چگونه یکایک آنها را نابود کردی و اینان از تو بر حذر نیستند».

ب - مجسم شدن دنیا برای پیامبر

۴۵۷. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابوبکر - : با پیامبر خدا بودم که دیدم چیزی را از خود می‌راند، در حالی که کسی را با ایشان ندیدم. گفتم: ای پیامبر خدا! چه چیزی را از خود می‌رانی؟
فرمود: «این دنیا برایم مجسم شد و من به او گفتم: از من دور شو. دوباره آمد و گفت: اگر تو از من گریختی، کسانی که بعد از تو می‌آیند، از جنگ من نخواهند گریخت».

ج - مجسم شدن دنیا برای امیر مؤمنان

۴۵۸. بحار الأنوار - به نقل از عبدالله بن سلیمان نوفلی - : نزد جعفر بن محمد صادق علیه السلام بودم که یکی از غلامان عبدالله نجاشی بر ایشان درآمد و سلام کرد و نامه او را به ایشان داد. امام علیه السلام نامه را گشود و خواند. نامه چنین شروع شده بود:
«به نام خداوند بخشنده مهربان - خداوند بلند مرتبه، عمر سرورم را دراز گرداند و مرا بلاگردان او سازد و هر غم و گزندی را از ایشان به دور دارد که این همه، به دست اوست و او بر آن، تواناست. آقا و مولایم بدانند که این جانب به ولایتداری اهواز، گرفتار آمده‌ام. بنا بر این، اگر سرورم صلاح ببیند، برای من مرزی [و دستور العملی] تعیین کند یا الگویی فرا پیشم نهد تا از طریق آن، به آنچه مرا به خداوند تعالی و پیامبر او نزدیک می‌سازد، رهنمون شوم و در نامه‌اش آنچه را که فکر می‌کند من باید به کار بینم [بیاورد]... و این که زکاتم را به که بدهم و در چه مواردی به مصرفش رسانم، با چه کسی دمخور شوم، به چه کسی اطمینان کنم، چه کسی مورد وثوق من و رازدار و امینم باشد. امید است که خداوند به واسطه هدایت و راهنمایی‌ات مرا نجات بخشد؛ زیرا که شما حجت خدا بر خلق او و امین او در سرزمینش هستید و همواره از نعمت و نواخت او برخوردارید».

امام صادق علیه السلام در جواب او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند با

أَسْتَرِيحُ، وَبِمَنْ أَثِقُ وَآمَنُ وَأَلْجَأُ إِلَيْهِ فِي سِرِّي، فَعَسَى أَنْ يُخَلِّصَنِي اللَّهُ بِهَدَايَتِكَ وَدَلَالَتِكَ، فَإِنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ فِي بِلَادِهِ، وَلَا زَالَتْ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ.

فَأَجَابَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، جَا مَلِكُ^١ اللَّهُ بِصُنْعِهِ، وَلَطَفَ بِكَ بِمَنْنِهِ، وَكَلاكَ بِرِعَايَتِهِ فَإِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكَ، أَمَّا بَعْدُ:

فَقَدْ جَاءَ إِلَيَّ رَسُولُكَ بِكِتَابِكَ، فَقَرَأْتُهُ وَفَهِمْتُ جَمِيعَ مَا ذَكَرْتَهُ وَسَأَلْتُ عَنْهُ، وَزَعَمْتَ أَنَّكَ بُلَيْتَ بِلَايَةَ الْأَهْوَاِ، فَسَرَرَنِي ذَلِكَ وَسَاءَنِي ... وَسَأَلْتُكَ بِهَوَاِ الدُّنْيَا وَهَوَاِ شَرْفِهَا عَلَى مَنْ^٢ مَضَى مِنَ السَّلَفِ وَالتَّابِعِينَ، فَقَدْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا تَجَهَّزَ الْحُسَيْنُ عليه السلام إِلَى الْكُوفَةِ أَتَاهُ ابْنُ عَبَّاسٍ، فَنَاشَدَهُ اللَّهُ وَالرَّحِمَ أَنْ يَكُونَ هُوَ الْمَقْتُولُ بِالطَّفِّ. فَقَالَ: أَنَا أَعْرِفُ بِمَصْرَعِي مِنْكَ، وَمَا وَكْدِي^٣ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا فِرَاقَهَا، أَلَا أَخْبِرُكَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ بِحَدِيثِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَالدُّنْيَا؟

فَقَالَ لَهُ: بَلَى لَعَمْرِي، إِنِّي لَأُحِبُّ أَنْ تُحَدِّثَنِي بِأَمْرِهَا.

فَقَالَ أَبِي: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: حَدَّثَنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: إِنِّي كُنْتُ بِفَذَكْ^٤ فِي بَعْضِ حَيْطَانِهَا وَقَدْ صَارَتْ لِفَاطِمَةَ عليها السلام، قَالَ: فَإِذَا أَنَا بِامْرَأَةٍ قَدْ هَجَمَتْ عَلَيَّ، وَفِي يَدَيَّ مِسْحَاءً وَأَنَا أَعْمَلُ بِهَا، فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهَا طَارَ قَلْبِي مِمَّا تَدَاخَلَنِي مِنْ جَمَالِهَا، فَشَبَّهْتُهَا بِبَيْتِنَةِ بِنْتِ

١. الْمُجَامَلَةُ: الْمُعَامَلَةُ بِالْجَمِيلِ (الصحاح: ج ٤ ص ١٦٦٢ «جمل»).

٢. فِي الْمَصْدَرِ: «عَلَى مَا مَضَى»، وَالتَّصْوِيبُ مِنَ الْمَوْضِعِ الْآخِرِ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.

٣. وَكْدِي: أَيُّ دَأْبِي وَقُضْدِي (النهاية: ج ٥ ص ٢١٩ «وكد»).

٤. فَذَكْ: قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الْيَهُودِ بَيْنَهَا وَبَيْنَ مَدِينَةِ النَّبِيِّ عليه السلام يَوْمَانِ، وَبَيْنَهَا وَبَيْنَ خَبِيرَ دُونَ مَرْحَلَةٍ. وَهِيَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ عليه السلام. وَكَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ عليه السلام: لِأَنَّهُ فَتَحَهَا هُوَ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمْ يَكُنْ مَعَهَا أَحَدٌ. فَرَأَى عَنْهَا حُكْمَ الْفَتَى، وَلَزِمَهَا اسْمُ الْأَنْفَالِ، فَلَمَّا نَزَلَ «وَأَتَتْ ذَا الْقُرْبَيْنِ حَقَّتُهَا» «الْإِسْرَاءُ: ٢٦» أَيُّ أَعْطَى فَاطِمَةَ عليها السلام فَذَكَأَ، أَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام إِيَّاهَا، وَكَانَتْ فِي يَدِ فَاطِمَةَ عليها السلام إِلَى أَنْ تَوَفَّى رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام فَأَخَذَتْ مِنْ فَاطِمَةَ عليها السلام بِالْقَهْرِ وَالْغَلْبَةِ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ٣ ص ١٣٧٠ «فذك»).

احسان خود، تو را بنوازد و زهین سنت خویش قرار دهد و همواره، نگهدار تو باشد که این همه، به دست اوست. اینک، پیک تو نامهات را برایم آورد و آن را خواندم و مطالب آن و هر آنچه در آن گفته بودی و درخواست کرده بودی، دریافتم. گفته‌ای که به ولایتداری اهواز، گرفتار شده‌ای. این خبر، هم موجب مسرت من گردید و هم مایه نگرانی‌ام... از خواری دنیا و بی‌مقداری مقام آن در نزد گذشتگان و آیندگان برایت بگویم: محمد بن علی بن حسین علیه السلام برایم حدیث کرد و فرمود: چون حسین علیه السلام آماده رفتن به کوفه شد، ابن عباس، خدمت وی رسید و او را به خدا و حق خویشاوندی سوگند داد که به این سفر نرود تا مبادا آن کسی که در طف (کربلا) کشته می‌شود، او باشد.

امام به او فرمود: من به قتلگاه خود، از تو آگاه‌ترم و من، از دنیا، جز مفارقت آن رانمی‌خواهم. ای پسر عباس! آیا داستان امیر مؤمنان و دنیا را برایت نگویم؟! ابن عباس گفت: چرا. به جانم سوگند که دوست دارم ماجرای آن را برایم بازگویی.

پدرم فرمود: علی بن حسین علیه السلام گفت: از ابا عبد الله [حسین] علیه السلام شنیدم که می‌فرماید: امیر مؤمنان علیه السلام برایم گفت: من در یکی از باغ‌های فدک که به فاطمه علیه السلام رسیده بود،^۱ با بیل مشغول کار بودم که ناگهان، زنی سرزده بر من درآمد. با دیدن جمال او، قلبم از جا کنده شد. او را شبیه بُثینه^۲ دختر عامر جُمَحی - که از زیباترین زنان قریش بود - دیدم. آن زن به من گفت: ای پسر ابو طالب! دوست داری با من ازدواج کنی تا تو را از این بیل، بی‌نیاز گردانم

۱. فدک: روستایی از روستاهای متعلق به یهود است که تا مدینه، دو روز و با خیر، کمتر از یک منزل راه فاصله دارد و از غنایمی بود که خداوند به پیامبرش بخشید. به این دلیل به پیامبر خدا تعلق گرفت که توسط ایشان و امیر مؤمنان فتح شد و کسی دیگر در فتح آن دخالت نداشت. لذا کلمه «فی» از آن برداشته و نام «انفال» بر آن نهاده شد. چون آیه «وَأَبَیْ ذَٰلِكَ الْقُرْآنُ حَقُّهُ» (اسراء: آیه ۲۶) یعنی فدک را به فاطمه علیه السلام بده، نازل شد، پیامبر خدا، آن را به فاطمه علیه السلام داد و تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت همچنان در اختیار فاطمه او بود و بعد به زور از ایشان گرفته شد (مجمع البحرین: ج ۳، ص ۱۷۰ «فدک»).

۲. در متن عربی: «بُثِیْنَةُ» آمده که براساس متن بحار الأنوار، آن را اصلاح کردیم.

عامِرِ الْجُمَحِيِّ وَكَانَتْ مِنْ أَجْمَلِ نِسَاءِ قُرَيْشٍ، فَقَالَتْ: يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ، هَلْ لَكَ أَنْ تَتَزَوَّجَ بِي فَأَغْنِيكَ عَنْ هَذِهِ الْمِسْحَاةِ، وَأَذُلَّكَ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ فَيَكُونَ لَكَ الْمُلْكُ مَا بَقِيَتْ وَلَعَقِبِكَ مِنْ بَعْدِكَ؟ فَقَالَ لَهَا: مَنْ أَنْتِ حَتَّى أُخْطَبِكَ مِنْ أَهْلِكَ؟ فَقَالَتْ: أَنَا الدُّنْيَا. قَالَ لَهَا: فَارْجِعِي وَاطْلُبِي زَوْجاً غَيْرِي فَلَسْتُ مِنْ شَأْنِي. وَأَقْبَلْتُ عَلَى مِسْحَاتِي، وَأَنْشَأْتُ أَقُولُ:

لَقَدْ خَابَ مَنْ غَرَّتْهُ دُنْيَا دَنِيَّةٌ	وَمَا هِيَ إِنْ غَرَّتْ قُرُوناً بِنَائِلٍ
أَتَتْنَا عَلَى زِيِّ الْعَزِيزِ بُشِينَةٌ	وَزَيَّتْهَا فِي مِثْلِ تِلْكَ الشَّمَائِلِ
فَقُلْتُ لَهَا غُرِّي سِوَايَ فَإِنِّي	عَزُوفٌ ^١ عَنِ الدُّنْيَا فَلَسْتُ بِجَاهِلٍ
وَمَا أَنَا وَالْدُّنْيَا فَإِنَّ مُحَمَّداً	أَحَلَّ صَرِيحاً بَيْنَ تِلْكَ الْجَنَادِلِ ^٢
وَهَبَهَا أَتَتْنَا بِالْكُنُوزِ وَدُرِّهَا	وَأَمْوَالِ قَارُونَ وَمُلْكِ الْقَبَائِلِ
أَلَيْسَ جَمِيعاً لِفَنَاءٍ مُضِيرِهَا	وَيَطْلُبُ مِنْ خُزَائِنِهَا بِالطَّوَائِلِ
فَغُرِّي سِوَايَ إِنِّي غَيْرُ رَاغِبٍ	بِمَا فِيكَ مِنْ مُلْكٍ وَعِزٍّ وَنَائِلِ
فَقَدْ قَبِعْتَ نَفْسِي بِمَا قَدْ رُزِقْتُهُ	فَشَأْنُكَ يَا دُنْيَا وَأَهْلَ الْغَوَائِلِ ^٣
فَإِنِّي أَخَافُ اللَّهَ يَوْمَ لِقَائِهِ	وَأَخْشَى عَذَاباً دَائِماً غَيْرَ زَائِلِ

فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ تَبِيعَةٌ لِأَحَدٍ حَتَّى لَقِيَ اللَّهَ مَحْمُوداً غَيْرَ مَلُومٍ وَلَا مَذْمُومٍ، ثُمَّ اقْتَدَتْ بِهِ الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ بِمَا قَدْ بَلَغَكُمْ؛ لَمْ يَتَلَطَّخُوا بِشَيْءٍ مِنْ بَوَائِقِهَا^٤.

١. عَزَفَتْ نَفْسِي عَنْ الشَّيْءِ تَعَزَّفُ عَزُوفاً: أَي زَهَدَتْ فِيهِ وَانْصَرَفَتْ عَنْهُ (الصحاح: ج ٢ ص ١٤٠٣ «عزف»).

٢. الْجَنَدِلُ: الْحَجَرُ، وَالْجَنْدَلُ: الْمَوْضِعُ تَجْتَمِعُ فِيهِ الْحَجَارَةُ (تاج العروس: ج ١٤ ص ١٢٥ «جندل»).

٣. الْغَائِلَةُ: الْفَسَادُ وَالشَّرُّ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٣٤٢ «غول»).

٤. بَوَائِقُهَا: أَيِ غَوَائِلِهَا وَشُرُورِهَا (النهاية: ج ١ ص ١٦٢ «بوق»).

و گنجینه‌های زمین را به تو نشان دهم که تا زنده‌ای، خودت و پس از تو
بازماندگانت، پادشاهی کنید؟

به او گفتم: «تو که هستی تا تو را از خانواده‌ات خواستگاری کنم؟»
گفت: من، دنیايم.

گفتم: «برو و شوهری جز من بجوی».

سپس بيلم را برداشتم و با خود، این ابیات را برخواندم:

آن که دنیای دون فریش داد، ناکام ماند /

و دنیا اگر نسل‌هایی را هم بفرید، کسی نیست که بخشندگی کند.

دنیا در چهره زیبای بُثینه نزد ما آمد /

و جمالش به سان همو می نمود.

گفتمش: کسی دیگر را بسفریب که من /

از دنیا روی گردانیده‌ام و نادان نیستم.

مرا چه به دنیا؛ زیرا که محمد /

در میان آن تخته سنگ‌ها آرمیده است.

گیرم که دنیا گنج‌ها و مژوازی‌های خود /

و دارایی‌های قارون و مُلک قبایل را به من دهد،

آیا نه این است که همه اینها از بین رفتنی‌اند /

و از گنجوران‌شان می‌خواهند که بخشش کنند؟! /

پس، جز مرا بسفریب که مرا /

ملک و عزت و بخشش تو رغبتی نیست.

نفس من به آنچه روزی‌اش شده، قانع است /

ای دنیا! برو کار خویش را با غائله‌جویان پی گیر.

من از خداوند، آن روز که دیدارش کنم، می‌ترسم /

و از عذاب همیشگی و پایدار، بیمناکم.

آری! امیر مؤمنان از دنیا رفت، در حالی که حقّ احدی را به گردن نداشت
و خداوند را در حالی دیدار کرد که مورد پسند او بود و هیچ ملامت و
نکوهشی متوجهش نبود. سپس امامانِ پس از او، به او اقتدا کردند که خبرش

صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَحْسَنَ مَثْوَاهُمْ ١. ٢

د - تَمَثَّلُ الدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

٢٥٩ . التحصين عن ابن عباس: يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالدُّنْيَا فِي صُورَةِ عَجُوزٍ زُرْقَاءَ شَمَطَاءَ،
بَادِيَةٍ أُنْيَافُهَا مُشَوَّهَةٌ خِلَقَتُهَا، وَتُشْرِفُ عَلَى الْخَلَائِقِ.

فَيَقُولُ: تَعْرِفُونَ هَذِهِ؟

فَيَقُولُونَ: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ مَعْرِفَةِ هَذِهِ!

فَيَقُولُ: هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفَاخَرْتُمْ عَلَيْهَا، وَبِهَا تَقَاطَعْتُمْ الْأَرْحَامَ، وَبِهَا
تَحَاسَدْتُمْ وَتَبَاغَضْتُمْ وَاعْتَرَزْتُمْ.

ثُمَّ تُقَذَّفُ فِي جَهَنَّمَ، فَيَقُولُ: يَا رَبُّ أَتَبَاعِي وَأَتَبَاعِي؟ فَيَقُولُ اللَّهُ ﷻ: الْحَقُّوا
بِهَا أَتَبَاعَهَا وَأَتَبَاعَهَا. ٣

راجع: ص ٣٣٠ ح ٤٩٠ و ٣٣٤ ح ٤٩٦ و ٤٩٧.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
إِقْبَالَ الدُّنْيَا وَإِدْبَارَهَا

٢٦٠ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَقْبَلَتْ عَلَى الْجَاهِلِ بِالِاتِّفَاقِ، وَأَدْبَرَتْ عَنِ الْعَاقِلِ
بِالِاسْتِحْقَاقِ، فَإِنْ أَتَيْتَ مِنْهَا سَهْمَةً مَعَ جَهْلٍ أَوْ فَاتَيْتَ مِنْهَا بُغْيَةً مَعَ عَقْلِ، فَإِيَّاكَ

١ . بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٧١ ح ١١٢ و ج ٧٧ ص ١٨٩ ح ١١ مختصراً وكلاهما نقلاً عن كشف الرتبة: ص ٨٦
(وقد صُحِّفَتْ فِيهِ بَعْضُ الْمُبَارَاتِ) وَرَاجِعُ الْمُنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرَ أَشُوبٍ: ج ٢ ص ١٠٢.

٢ . فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ نَقْلًا عَنْ نَهْجِ الْكِيْدَرِيِّ أَنَّهُ قَالَ عِنْدَ شَرْحِ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِهَيْثَامِ فِي وَصْفِ الْمُتَّقِينَ
«أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يَرِيدُوهَا»: مِنْ مَكَاشِفَاتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا رَوَاهُ الصَّادِقُ، عَنْ آبَائِهِمْ عليه السلام - وَسَاقَ الْحَدِيثَ
نَحْوَ مَا ذَكَرْنَاهُ. ثُمَّ قَالَ -: فَهَذَا مَعْنَى قَوْلِهِمْ: أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا وَلَمْ يَرِيدُوهَا (بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٣ ح ٤٦).

٣ . التَّحْصِينُ لِابْنِ فَهْدٍ: ص ٢٧ ح ٢٧، تَنْبِيْهِ الْخَوَاطِرِ: ج ١ ص ١٤٦؛ إِحْيَاءُ عُلُومِ الدِّينِ: ج ٣ ص ٣١٦
وَفِيهِمَا «تَنَاجَزْتُمْ» بَدَلَ «تَفَاخَرْتُمْ»، كُنْزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ٧٢٢ ح ٨٥٧٩ نَقْلًا عَنْ أَبِي سَعِيدِ بْنِ الْأَعْرَابِيِّ فِي
الزَّهْدِ.

به شما رسیده است. خویشان را به کمترین پلشتی دنیا نیالودند. درود بر همگی آنان باد و جایگاهشان نکو باد!

د - مجسم شدن دنیا در روز قیامت

۴۵۹. التحصین - به نقل از ابن عباس - : روز قیامت، دنیا را در هیئت پیرزنی چشم آبی و سپید موی با نیش‌هایی بیرون زده و قیافه‌ای زشت و بدریخت می‌آورند و آن را بر خلائق نزدیک می‌کنند. سپس [خداوند] می‌گوید: «این را می‌شناسید؟».

خلائق می‌گویند: پناه به خدا از این که او را بشناسیم! می‌گوید: «این، همان دنیا است که با آن به یکدیگر فخر می‌فروختید و به خاطر آن، از یکدیگر پیوند خویشاوندی می‌بریدید و برای آن، با یکدیگر حسادت می‌ورزیدید و کینه‌توزی می‌کردید و فریب خوردید». سپس او را به دوزخ پرتاب می‌کنند و دنیا می‌گوید: پروردگارا! پیروانم و دنبال‌روانم [چه می‌شوند؟] خداوند عز و جل می‌فرماید: «پیروان و دنبال‌روانش را نیز به او ملحق کنید». ر.ک: ص ۲۳۱ ح ۲۹۰ و ۲۳۵ ح ۲۹۶ و ۴۹۷.

۷/۱ اقبال و ادبار دنیا

۴۶۰. امام علی علیه السلام: دنیا، گاه تصادفاً به نادان روی می‌آورد و به حق، از خردمند بر می‌گردد. پس اگر با وجود نادانی‌ات، بهره‌ای از دنیا به تو رسید یا با وجود خردمندی‌ات، به مطلوبی از آن دست نیافتی، مبادا این امر، تو را وادارد که به

۱. در بحار الاثوار آمده است: کیدری، پس از شرح این سخن امیر مؤمنان به همام در وصف پرهیزگاران که: «دنیا آنان را خواست؛ اما آنان دنیا را نخواستند»، می‌گوید: از مکاشفات امیر مؤمنان، روایتی است که امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می‌کند - شارح آن حدیث را نزدیک به آنچه گذشت نقل می‌کند - و سپس می‌گوید: این است معنای فرمایش او که: «دنیا آنان را خواست؛ اما آنان دنیا را نخواستند» (بحار الاثوار: ج ۷۳ ص ۸۳ ح ۲۴۶).

أَنْ يَحْمِلَكَ ذَلِكَ عَلَى الرَّغْبَةِ فِي الْجَهْلِ وَالزُّهْدِ فِي الْعَقْلِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزِيْرُ^١ بِكَ
وَيُرْدِيكَ^٢.

٣٦١. عنه عليه السلام: إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى أَحَدٍ أَعَارَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ
مَحَاسِنَ نَفْسِهِ^٣.

٣٦٢. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَقْبَلَتِ دُنْيَا قَوْمٍ كَسَوْا مَحَاسِنَ غَيْرِهِمْ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ سَلَبُوا
مَحَاسِنَ أَنْفُسِهِمْ^٤.

٣٦٣. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُقْبِلُ إِقْبَالَ الطَّالِبِ، وَتُدْبِرُ إِدْبَارَ الْهَارِبِ، وَتَصِلُ مُوَاصَلَةَ
الْمُلُوكِ، وَتُفَارِقُ مُفَارَقَةَ الْعَجُولِ^٥.

٣٦٤. عنه عليه السلام - فِي وَصْفِ الدُّنْيَا - : إِنْ أَقْبَلْتَ غَرَّتْ، وَإِنْ أَدْبَرْتَ ضَرَّتْ^٦.

٣٦٥. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا أَقْبَلَتْ عَلَى حِمَارٍ قَطُوفٍ^٧،
وَإِذَا أَدْبَرَتْ أَدْبَرَتْ عَلَى الْبَرَاقِ^٨.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

١. يقال: أزرى بأخيه إزراء: أي أدخل عليه غيباً (ناج العروس: ج ١٩ ص ٤٩٢ «زرى»).

٢. رَدِّي يَرْدِي: أي هَلَكَ. وأرداهُ غيره (المصباح: ج ٦ ص ٢٣٥٥ «ردى»).

٣. غرر الحكم: ح ٣٦٨٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٦ ح ٣٢٣٧ وفيه «بالإتفاق» بدل «بالاتفاق».

٤. نهج البلاغة: الحكمة ٩، عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١١ عن إبراهيم بن العباس عن الإمام الرضا عن أبيه عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٩ ح ١٥٦٩، نشر الدرر: ج ١ ص ٢٥٣، روضة الواعظين: ص ٤٨٨ والأربعة الأخيرة عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «أعطته» بدل «أعارته»، جامع الأخبار: ص ٥٠٩ ح ١٤١٨، غرر الحكم: ح ٣١٢٦ وفيه «كسته» بدل «أعارته»، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣٥٧ ح ٧١.

٥. تحف العقول: ص ٣٨٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٦٩ ح ١٨٥.

٦. غرر الحكم: ح ٣٦٦٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٣٢٣٠ وفيه «الملول» بدل «الملوك».

٧. مطالب السؤول: ص ٥٣، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٣ ح ٨٨.

٨. القطوف من الدواب وغيرها: البطيء (المصباح المنير: ص ٥٠٩ «قطف»).

٩. البراق: هي الدابة التي ركبها رسول الله صلى الله عليه وآله ليلة الإسراء. قيل: سُمِّيَ بذلك لسرعة حركته (النهاية: ج ١ ص ١٢٠ «برق»).

١٠. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٢٩٣ ح ٣٥٢.

نادانی رغبت کنی و به خرد و دانایی پشت نمایی که این، تو را بی مقدار می کند و به نابودی می کشاند.

۴۶۱. امام علی علیه السلام: هرگاه دنیا به کسی رو کند، خوبی های دیگران را نیز به او عاریت می دهد و هرگاه از او برگردد، خوبی های خودش را هم از او می گیرد.

۴۶۲. امام صادق علیه السلام: هرگاه دنیا به قومی رو کند، خوبی های دیگران بر قامت آنان پوشانده می شود و هرگاه پشت کند، خوبی های خودشان هم از آنان رُبوده می شود.

۴۶۳. امام علی علیه السلام: دنیا، به سان شخص جوینده می آید و همانند شخص گریزنده می رود و چون شاهان، پیوند برقرار می کند و مانند کسی که عجله دارد، جدا می شود.

۴۶۴. امام علی علیه السلام - در توصیف دنیا - : دنیا، اگر روی آورد، می فریبد و اگر پشت کند، زیان می زند.

۴۶۵. امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - : دنیا وقتی می آید، سوار بر الاغی کند رو، می آید و وقتی می رود، با بُراق^۱ می رود.

۱. بُراق: مرکب پیامبر خدا در شب معراج. می گویند: آن را «بُراق» گفته اند، چون تند حرکت می کرده است (النهاية: ج ۱ ص ۱۲۰ «برق»).

۲۶۶. عنه علیه السلام - فِي الدِّيَّانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ :-

فَمَنْ يَحْمَدُ الدُّنْيَا بِعَيْشٍ يَسُرُّهُ فَسَوْفَ لَعَمْرِي عَنْ قَلِيلٍ يَلُومُهَا
إِذَا أَقْبَلَتْ كَانَتْ عَلَى الْمَرْءِ فِتْنَةً وَإِنْ أَدْبَرَتْ كَانَتْ كَثِيرًا هُمُومُهَا^۱

راجع: ج ۲ ص ۱۱۲ (رفاه العیش / خدمة الدنيا).



۴۶۶ . امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان :-

هرکه دنیا را از مَرِ خوشی بستاید، /

سوگند به جانم که به زودی آن را خواهد نکوهید .

دنیا، هرگاه بیاید، مایه گرفتاری آدمی است /

و هرگاه پشت کند، آه و افسوس هایش بسیار است .

و . ک : ج ۲ ص ۱۱۳ (آسایش زندگی / خدمت‌گزاری دنیا).



مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

الفصل الثاني

تَقْوَاهُمُ الدُّنْيَا

١/٢

مَا تَعْدِلُ لَ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ!

٢٦٧. رسول الله ﷺ: لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ، مَا أُعْطِيَ كَافِرٌ وَلَا مُنَافِقٌ مِنْهَا شَيْئاً.^١

٢٦٨. عنه ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا لَوْ عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - جَنَاحَ بَعُوضَةٍ، لَمَا سَقَى الْكَافِرَ مِنْهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ.^٢

-
١. تحف العقول: ص ٤٠، الدعوات: ص ٢٢٥ ح ٦٢٤ عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «ولا منافقاً».
 ٢. التمهيد: ص ٤٩ ح ٧٩ عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «مثقال» بدل «مثل»، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٥٢ ح ٧٢: كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٣ ح ٦٢٠٨ نقلاً عن ابن المبارك.
 ٢. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٢ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عليه السلام، الكافي: ج ٢ ص ٢٤٦ ح ٥ عن فضيل بن يسار عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «عدوه» بدل «الكافر»، الأمالي للصدوق: ص ٣٠٥ ح ٢٤٨ عن محمد بن قيس وفيه «عند الله من الخير» بدل «عند الله».
 - الاحتجاج: ج ١ ص ٥٥ ح ٢٢ عن الإمام العسكري عليه السلام عن أبيه عليه السلام وفيه «كافراً به مخالفاً له» بدل «الكافر».
 - بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٧ ح ٥٠: سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٦٠ ح ٢٣٢٠، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٧ ح ٢١١٠ وفيه «قطرة أبدأ» بدل «شربة من ماء»، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٢ ح ٧٨٤٧ كلها عن سهل بن سعد، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٥ ح ٦١٣٢.

فصل دوم

ارزیابی دنیا

۱/۲

کم مقدارتر از بال پشه

۴۶۷. پیامبر خدا ﷺ: اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه بال پشه‌ای می‌ارزید، چیزی از آن را به کافر و منافق نمی‌داد.

۴۶۸. پیامبر خدا ﷺ: دنیا اگر در نزد خداوند - تبارک و تعالی - با بال پشه‌ای برابری می‌کرد، [حتی] جرعه‌آبی از آن را به کافر نمی‌نوشتند.

٢٦٩. عنه عليه السلام: إِنَّ نَعِيمَ الدُّنْيَا أَقْلُ وَأَصْغَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ خُرءٍ بُعِيضَةٍ، وَلَوْ عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ ذُبَابٍ لَمْ يَكُنْ لِمُسْلِمٍ بِهَا لَحَاقٌ، وَلَا لِكَافِرٍ خَلَاقٌ ١.

٢٧٠. حلية الأولياء عن زيد بن ثابت: نَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى حَصِيرٍ فَأَثَرَ فِي جَنْبِهِ، فَقَالَتْ لَهُ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا كِسْرَى وَقِصْرٌ فِي مُلْكٍ عَظِيمٍ، وَأَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ لَا شَيْءَ لَكَ؛ تَنَامُ عَلَى الْحَصِيرِ وَتَلْبَسُ الثَّوبَ الرَّدِيءَ!

فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا عَائِشَةُ، لَوْ شِئْتُ أَنْ تَسِيرَ مَعِيَ الْجِبَالُ ذَهَبًا لَسَارَتْ، وَلَقَدْ أَتَانِي جِبْرِيلُ بِمَفَاتِيحِ خَزَائِنِ الدُّنْيَا فَلَمْ أُرِدْهَا. اِرْفَعِي الْحَصِيرَ! فَرَفَعَتْهُ، فَإِذَا تَحْتَ كُلِّ زَاوِيَةٍ مِنْهَا قَضِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ مَا يَحْمِلُهُ الرَّجُلُ، فَقَالَ: أَنْظُرِي إِلَيْهَا يَا عَائِشَةُ، إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ قَدَرِ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ. ثُمَّ غَارَتْ الْقُضْبَانُ ٢.



٢/٢

مَا هَذَا قَدَرٌ وَلَا وَزَنٌ

٢٧١. الإمام علي عليه السلام: احْذَرُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الْخَدَاعَةَ الْغَرَارَةَ... فَمَا لَهَا عِنْدَ اللَّهِ قَدَرٌ وَلَا وَزَنٌ، وَلَا خَلْقٌ - فِيمَا بَلَّغْنَا - خَلْقًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنْهَا، وَمَا نَظَرَ إِلَيْهَا مُدَّ خَلْقَهَا. وَلَقَدْ عُرِضَتْ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله بِمَفَاتِيحِهَا وَخَزَائِنِهَا لَا يَنْقُصُهُ ذَلِكَ مِنْ حَظِّهِ مِنَ الْآخِرَةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا؛ لِعِلْمِهِ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - تَنَاوَهُ - أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ، وَصَغَرَ شَيْئًا فَصَغَّرَهُ، وَالْأَيُّ يَرْفَعُ مَا وَضَعَ اللَّهُ - جَلَّ تَنَاوَهُ - وَالْأَيُّ يُكْثِرُ مَا أَقَلَّ اللَّهُ - جَلَّ وَعَزَّ -، وَلَوْ لَمْ يُخْبِرْكَ عَنْ صِغَرِهَا عِنْدَ اللَّهِ، إِلَّا أَنَّ اللَّهَ - جَلَّ

١. الخلاق: النسيب (المصباح المنير: ص ١٨٠ «خلق»).

٢. تاريخ المدينة: ج ٢ ص ٥٥٧ عن الشعبي.

٣. حلية الأولياء: ج ٧ ص ٢٦٢ وراجع الطبقات الكبرى: ج ١ ص ٤٦٦.

۴۶۹. پیامبر خدا ﷺ: ناز و نعمت دنیا در نزد خداوند، کمتر و کوچک‌تر از فضیلهٔ یک پشهٔ ریز است. اگر دنیا در نظر خداوند به اندازهٔ بال مگسی ارزش داشت، نه مسلمانانی به آن می‌رسید و نه کافری از آن بهره‌ای می‌یافت.

۴۷۰. حلیة الأولیاء - به نقل از زید بن ثابت -: پیامبر خدا بر بوریایی خوابید و بوریای در پهلوی ایشان، رد انداخت. عایشه گفت: ای پیامبر خدا! کسرا و قیصر، از سلطنتی بزرگ برخوردارند و شما که پیامبر خدا هستید، هیچ ندارید: بر بوریای می‌خوابید و جامهٔ بی‌مقدار می‌پوشید!

پیامبر خدا به او فرمود: «ای عایشه! اگر بخواهم که کوه‌ها برایم از طلا شوند، چنین می‌شوند. جبرئیل، کلیدهای خزانه‌های دنیا را برایم آورد؛ ولی من آنها را نخواستم. بوریای را بالا بزن!».

بوریای را برداشتم. دیدم که زیر هر گوشه‌ای از آن، قطعه‌ای از طلاست که یک مرد نمی‌تواند آن را بردارد. پیامبر فرمود: «ای عایشه! به اینها بنگر. دنیا در نزد خداوند، حتی به اندازهٔ بال پشه‌ای ارزش ندارد». در این هنگام، قطعه‌ها [ای طلا] در زمین فرو رفتند (ناپدید شدند).

۲/۲ بی‌قدر و وزن

۴۷۱. امام علی علیه السلام: از این دنیای مکار فریبکار، بر حذر باشید... که دنیا در نزد خداوند ﷻ هیچ قدر و وزنی ندارد، و تا آن جا که به ما خبر رسیده است، خداوند هیچ مخلوقی نیافریده است که در نزد او منفورتر از دنیا باشد، و از زمانی که دنیا را آفرید، به آن نگاه نکرد. کلیدها و خزانه‌های دنیا به پیامبران محمد ﷺ پیشنهاد شد، بی‌آن که از بهرهٔ آخرتش چیزی کم شود؛ اما او از پذیرفتن آن سر باز زد؛ زیرا می‌دانست که خداوند ﷻ چه چیز را ناخوش می‌دارد، او هم آن را ناخوش داشت، و چه چیز را کوچک می‌شمارد، او هم

وَعَزَّ - أَصْغَرَهَا عَنْ أَنْ يَجْعَلَ خَيْرَهَا ثَوَاباً لِلْمُطِيعِينَ، وَأَنْ يَجْعَلَ عُقُوبَتَهَا عِقَاباً
لِلْعَاصِينَ^١.

٣/٢

أَهْوَنُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ

٣٧٢. تنبيه الخواطر: قيل: مكتوب في صحف إبراهيم عليه السلام: يا دنيا ما أهونك على الأبرار
الذين تزینت وتصنعت لهم، إني قد فت في قلوبهم بغضك والصود عنك، وما
خلقت خلقاً أهون علي منك، كل شأنك صغير، وإلى الفناء تصيرين. قضيت
عليك يوم خلقتك ألا تدومي لأحد ولا يدوم أحد لك، وإن بخل بك صاحبك
وشح عليك^٢.

٣٧٣. صحيح مسلم عن جابر بن عبد الله: إن رسول الله ﷺ مر بالسوق داخلاً من بعض
العالية^٤، والناس كنفته^٥، فمر بجدي أسك^٦ ميت فتناولوه فأخذ بأذنيه، ثم قال:
أيكم يحب أن هذا له بدرهم؟ فقالوا: ما نحب أنه لنا بشيء، وما نصنع به؟
قال: أتحبون أنه لكم؟ قالوا: والله لو كان حياً كان عيباً فيه؛ لأنه أسك،
فكيف وهو ميت؟

١. جواب «لو» محذوف وتقديره: «لكفى» كما في بحار الأنوار.

٢. دستور معالم الحكم: ص ٣٧ و ص ٣٩؛ بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٨ و ١١٠ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم
والمواعظ وفيه «الغذارة» بدل «الفرارة».

٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٠؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٢٠٠ عن داود بن هلال.

٤. العالية والقوالي: أماكن بأعلى أراضي المدينة، وأدناها من المدينة على أربعة أميال. وأبعدها من جهة نجد
ثمانية (النهاية: ج ٣ ص ٢٩٥ «علا»).

٥. الكنف: الجانب. واكتنفه القوم: كانوا ينفه ينفته (المصباح المنير: ص ٥٢٢ «كنف»).

٦. الأسك: أي مصطلم الأذنين مقطوعهما (النهاية: ج ٢ ص ٢٨٤ «سكك»).

کوچکش شمرد، و آنچه را خداوند ﷻ پایین آورده است، او بالا نبرد، و آنچه را خداوند ﷻ کم قرار داده، او زیادش نگرداند.

اگر درباره خُردی دنیا در نزد خداوند، تو را جز همین اندازه خبر نداده بود که خداوند ﷻ آن را کوچک‌تر از آن دانسته که خوبی‌اش (خوشی‌اش) را پاداشی برای اهل طاعت قرار دهد و کیفرهایش را کیفری برای اهل معصیت [، همین، کفایت می‌کرد].

۳/۲ بی‌ارزش‌ترین مخلوق «نزد خدا»

۴۷۲. تنبیه الخواطر: گفته شده که: در صُحُف ابراهیم ﷺ نوشته شده است: «ای دنیا! تو در نزد نیکان، چه بی‌ارزشی که خود را برای آنان می‌آرایی و طُنّازی می‌کنی. من نفرت و بیزاری از تو را در دل‌های آنان افکنده‌ام، و مخلوقی ناچیزتر از تو در نزد خودم نیافریده‌ام. همه چیز تو، حقیر است، و به نابودی می‌انجامی. همان روز که تو را آفریدم، حکم کردم که نه تو برای کسی پایی و نه کسی برای تو پیاید، هرچند دارنده تو، نسبت به تو، بخل و زُفتی ورزد.

۴۷۳. صحیح مسلم - به نقل از جابر بن عبدالله -: پیامبر خدا از یکی از مناطق بالا دست مدینه به بازار در آمد و در حالی که مردم او را در میان گرفته بودند، بر لاشه بزغاله گوش بریده‌ای گذشت. آن را برداشت و گوشش را گرفت و فرمود: «کدام یک از شما دوست دارد که این، به یک درهم از آن او باشد؟». گفتند: به هیچ مقداری دوست نداریم که مال ما باشد. با آن، چه کنیم؟! فرمود: «دوست دارید که [رایگان،] مال شما باشد؟».

گفتند: به خدا سوگند، اگر زنده بود چون گوش بریده است، معیوب بود [و آن را نمی‌خواستیم]، چه رسد به این که مرده است!

فَقَالَ: فَوَاللَّهِ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا عَلَيْكُمْ^١.

٢/٢

أَهْوَنُ مِنْ جَيْفَةٍ

٢٧٣. الإمام الصادق عليه السلام: مرَّ رسولُ الله ﷺ بِجَدِّي أَسْكَ مُلْقَى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيْتًا، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: كَمْ يُسَاوِي هَذَا؟ فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا!
فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجَدْيِ عَلَى أَهْلِهِ^٢.

٢٧٥. سنن الترمذي عن المُسْتَوْدِ بْنِ شَدَّادٍ: كُنْتُ مَعَ الرَّكْبِ الَّذِينَ وَقَفُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى السَّخْلَةِ الْمَيْتَةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَتَرُونَ هَذِهِ هَانَتْ عَلَى أَهْلِهَا حِينَ أَلْقَوْهَا؟ قَالُوا: مِنْ هَوَانِهَا أَلْقَوْهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: فَالِدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ عَلَى أَهْلِهَا^٣.

٢٧٦. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن ربيعة السلمي: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ فِي سَفَرٍ ... فَلَمَّا هَبَطَ الْوَادِيَّ مَرَّ عَلَى سَخْلَةٍ مَنبُودَةٍ، فَقَالَ: أَتَرُونَ هَذِهِ هَيَّئَتْ عَلَى أَهْلِهَا؟ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ عَلَى أَهْلِهَا^٤.

راجع: ص ٢٩٢ (مثل الدنيا / مثل الجيفة).

١. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٧٢ ح ٢. الأدب المفرد: ص ٢٨٥ ح ٩٦٢، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ١٥١ ح ١٤٩٣٥، السنن الكبرى: ج ١ ص ٢١٨ ح ٦٦٠ كلها نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٢ ح ٦٢٠٦: الزهد للتحسين بن سعيد: ص ٤٩ ح ١٣١ عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر نحوه.

٢. الكافي: ج ٢ ص ١٢٩ ح ٩ عن جميل بن دراج، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٥ ح ٢٧.

٣. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٦٠ ح ٢٣٢١، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٧ ح ٤١١١، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٢٩٤ ح ١٨٠٣٥ كلاهما نحوه، الزهد لابن المبارك: ص ١٧٧ ح ٥٠٨، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١١ ح ٦٢٠١.

٤. مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١١ ح ١٨٩٨٦، أسد الغابة: ج ٣ ص ٢٣٤ الرقم ٢٩٤٠ وفيه «فإذا هوراعي غنم وإذا شاة ميتة» بدل «مر على سخله منبودة» وراجع روضة الواعظين: ص ٤٩١ وبحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١٠.

فرمود: «به خدا سوگند که دنیا در نزد خداوند، بی ارزش تر از این در نزد شماست».

۴/۲

بی ارزش تر از مردار

۴۷۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا بر لاشه بزغاله گوش بریده‌ای که در خرابه‌ای افتاده بود، گذشت. به یارانش فرمود: «این، به چند می‌ارزد؟».

گفتند: شاید اگر زنده بود، به درهمی هم نمی‌ارزید!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، دنیا در نزد خداوند، بی ارزش تر از این بزغاله در نزد صاحب آن است».

۴۷۵. سنن الترمذی - به نقل از مُسْتَوِرِد بن شَدَّاد -: من همراه عده‌ای سواره بودم که با پیامبر خدا کنار بره مرده‌ای ایستادند. پیامبر خدا فرمود: «به نظر شما آیا این، در نزد صاحبش بی ارزش بوده که آن را دور انداخته است؟».

گفتند: ای پیامبر خدا! چون بی ارزش بوده، آن را دور انداخته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا در نزد خداوند، بی ارزش تر از این در نزد صاحب آن است».

۴۷۶. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن ربیعہ سلمی -: پیامبر صلی الله علیه و آله در سفری... چون از دره‌ای پایین رفت، لاشه بره مرده دور افکنده‌ای را دید. فرمود: «آیا به نظر شما این برای صاحبش بی ارزش بوده [که آن را دور انداخته] است؟ دنیا در نزد خداوند، بی ارزش تر از این لاشه در نزد صاحب آن است».

٥/٢

لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِتَرْكِهَا

٢٧٧. الإمام علي عليه السلام: مِنْ ذِمَامَةِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا.^١
 ٢٧٨. عيسى عليه السلام: مِنْ خُبِّ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ عُصِيَ فِيهَا، وَأَنَّ الْآخِرَةَ لَا تُنَالُ إِلَّا بِتَرْكِهَا.^٢

٦/٢

مَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا مُنْذُ خَلَقَهَا

٢٧٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا، وَإِنَّهُ مُنْذُ خَلَقَهَا لَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا.^٣
 ٢٨٠. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيَا أَعْرَضَ عَنْهَا، فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا مِنْ هَوَانِهَا عَلَيْهِ.^٤
 ٢٨١. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيَا نَظَرَ إِلَيْهَا، ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا، ثُمَّ قَالَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَنْزِلُكَ إِلَّا فِي شِرَارِ خَلْقِي.^٥

١. غرر الحكم: ح ٩٣٦٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٠ ح ٨٥٨٥ وفيه «حقارة» بدل «ذمامة».
 ٢. ربيع الأبرار: ج ١ ص ٩٣، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٢٩٩، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٨، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ٢٩.
 ٣. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٣٨ ح ١٠٥٠٠، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠٠ كلاهما عن موسى بن يسار، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٢ نقلًا عن الحاكم في التاريخ عن أبي هريرة: تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٩ وليس فيه ذيله.
 ٤. تاريخ دمشق: ج ٢٠ ص ٢٠٠ ح ٢٤٣٣ عن أبي بكر الزاهري عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عليه السلام، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٠.
 ٥. الجامع الصغير: ج ١ ص ٢٧٤ ح ١٧٨٧، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٣ نقلًا عن ابن عساكر عن أبي هريرة وليس فيه «نظر إليها».

۵/۲

به پاداش خداوند، جز با ترک دنیا نمی توان رسید

۴۷۷. امام علی علیه السلام: از نکوهیدگی دنیا در نزد خداوند است که آنچه در نزد اوست، جز با ترک دنیا به دست نمی آید.

۴۷۸. عیسی علیه السلام: از [نشانه های] پلیدی دنیا است که خدا در آن نافرمانی شد، و این که به آخرت جز با ترک دنیا نمی توان رسید.

۶/۲

خداوند از زمانی که دنیا را آفرید، به آن ننگریست

۴۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تعالی مخلوقی منفورتر از دنیا نیافرید و از زمانی هم که آفریدش، به آن نگاه نکرد.

۴۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تعالی چون دنیا را آفرید، از آن روی گرداند و بدان ننگریست؛ چرا که در نزد او بی ارزش بود.

۴۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال چون دنیا را آفرید، نگاهی به آن کرد و سپس از آن روی گرداند و فرمود: «به عزّت و جلالم سوگند که تو را جز در میان آفریدگان بد خویش، فرود نمی آورم».

٣٨٢. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تعالى خَلَقَ الدُّنْيَا مُنْذُ خَلَقَهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا بَعْدُ إِلَّا مَكَانَ الْمُتَعَبِّدِينَ فِيهَا مِنْهَا، وَلَيْسَ بِنَاطِرٍ إِلَيْهَا إِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ، وَيَأْذَنُ فِي هَلَاكِهَا مَقْتاً لَهَا، وَلَمْ يُؤْثِرْهَا عَلَى الْآخِرَةِ.^١

٣٨٣. عنه عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تعالى: ابْنُ آدَمَ، مَا خَلَقْتُ هَذِهِ الدُّنْيَا مُنْذُ خَلَقْتُهَا إِلَّا مِحَنَةً عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا أَنْظَرُ إِلَيْهَا إِلَّا بِعَيْنِ الْمَقْتِ، فَلَا تُوَالِّهَا فَأَعَادِيكَ.^٢

٧/٢

لَمْ يَرْضَهَا إِلَّا لِبَائِنِهِ وَلَمْ يَرْضَ بِهَا عَلَى غِلَالِنِهِ

الكتاب

﴿وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ * وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُورًا عَلَيْهَا يُتَكَبَّرُونَ * وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ﴾.^٣

مرکز تحقیقات و ترویج علوم و معارف اسلامی

الحديث

٣٨٤. الإمام الصادق عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ﴾ -: لَوْ فَعَلَ لَكَفَرَ النَّاسُ جَمِيعاً.^٤

٣٨٥. عنه عليه السلام - أَيْضاً -: لَوْ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ لَمَا آمَنَ أَحَدٌ، وَلَكِنَّهُ جَعَلَ فِي الْمُؤْمِنِينَ أَغْنِيَاءَ

١. كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٤ ح ٦٢١٦ نقلاً عن ابن عسّال عن أبي هريرة.

٢. الفردوس: ج ٥ ص ٢٢٣ ح ٨٠٥١ عن ابن عمر.

٣. الزخرف: ٣٣-٣٥.

٤. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٧ ح ١٢٧ عن إسحاق بن غالب، مشكاة الأنوار: ص ٥١٠ ح ١٧١٦.

بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٥ ح ١١٨.

۴۸۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ دنیا را آفرید و از زمانی که آن را آفریده، هنوز به آن نظر نکرده است، مگر به جاهایی از آن که عبادت پیشگان در آن جایند، و تا روزی هم که در صور دمیده می شود و اجازه نابودی دنیا را می دهد، به خاطر نفرتش از دنیا، به آن نگاه نخواهد کرد، و [هرگز] آن را بر آخرت ترجیح نداده است.

۴۸۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ می فرماید: «پسر آدم! این دنیا را از همان زمان که آفریدم، جز مایه رنج اهل دنیا خلق نکردم. من جز با چشم دشمنی به آن نمی نگرم. پس، آن را دوست مدار که تو را دشمن خواهم داشت».

۷/۲

خداوند، آن را برای دشمنی و آزار دشمنانش دین نکرد



قرآن

«و اگر نبود بیم آن که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند، قطعاً برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمان کفر می ورزند، سقف ها و نردبان هایی از نقره - که بر آنها بالا روند -، و برای خانه هایشان، درها و تخت هایی که بر آنها تکیه زنند، و [نیز] زیورهای [دیگر] قرار می دادیم. و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست، و آخرت در پیش پروردگار تو، برای پرهیزگاران است».

حدیث

۴۸۴. امام صادق ﷺ: درباره این سخن خدای متعال: «و اگر نبود بیم آن که [همه] مردم امتی واحد گردند، قطعاً برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمان کفر می ورزند، سقف ها و نردبان هایی از نقره - که بر آنها بالا روند - قرار می دادیم» -: [یعنی] اگر خداوند این کار را بکند، همه مردم، کافر می شوند.

۴۸۵. امام صادق ﷺ: درباره همین آیه -: اگر خداوند این کار را می کرد، دیگر هیچ

وَفِي الْكَافِرِينَ فَقَرَاءٌ، وَجَعَلَ فِي الْكَافِرِينَ أَغْنِيَاءَ وَفِي الْمُؤْمِنِينَ فَقَرَاءَ، ثُمَّ امْتَحَنَهُمْ بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ وَالصَّبْرِ وَالرِّضَا.^١

٢٨٦. رسول الله ﷺ: يَقُولُ اللَّهُ: لَوْ لَا عَبْدِي الْمُؤْمِنُ لَعَصَبْتُ رَأْسَ الْكَافِرِ بِعَصَابَةٍ مِنْ جَوْهَرٍ.^٢

٢٨٧. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ ﷻ: لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي قَلْبِهِ^٣، لَعَصَبْتُ رَأْسَ الْكَافِرِ بِعَصَابَةٍ حَدِيدٍ لَا يُصَدِّعُ رَأْسُهُ أَبَدًا.^٤

٢٨٨. عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي نَفْسِهِ، لَعَصَبْتُ الْمُنَافِقَ عِصَابَةً لَا يَجِدُ أَلَمًا حَتَّى يَمُوتَ.^٥

٢٨٩. عنه عليه السلام: إِنَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَمْ يُبَالِ بِنَعِيمِ الدُّنْيَا لِعَدُوِّهِ سَاعَةً قَطُّ... وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ: لَوْ لَا أَنْ يَحْزَنَ الْمُؤْمِنُ لَجَعَلْتُ لِلْكَافِرِ عِصَابَةً مِنْ حَدِيدٍ لَا يُصَدِّعُ رَأْسُهُ أَبَدًا.^٦

٢٩٠. رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا... تَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: يَا رَبِّ، اجْعَلْنِي لِأَدْنَى أَوْلِيَاكَ نَصيباً الْيَوْمَ، فَيَقُولُ: أَسْكُتِي يَا لَا شَيْءَ، إِنِّي لَمْ أَرْضُكَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا، أَرْضَاكِ لَهُمْ الْيَوْمَ؟!^٧

٢٩١. عنه عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ ﷻ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَارْتِفَاعِي فَوْقَ عَرْشِي، إِنِّي

١. تفسير القمي: ج ٢ ص ٢٨٤، تفسير نور الثقلين: ج ٢ ص ٥٩٩ ح ٣١.

٢. التمهيد: ص ٤٧ ح ٧٣ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٥١ ح ٦٩.

٣. كَانَ مَفْعُولُ الْوُجْدَانِ مَحْذُوفٌ، أَي: شَكَا أَوْ حَزَنًا شَدِيدًا، أَوْ يَكُونُ الْوُجْدُ بِمَعْنَى الْغَضَبِ أَوْ بِمَعْنَى الْحُزْنِ، فَقَوْلُهُ: «فِي قَلْبِهِ» لِلتَّأَكِيدِ (مِرَاةُ الْعُقُولِ: ج ٢ ص ٣٢٤).

٤. الكافي: ج ٢ ص ٢٥٧ ح ٢٤ عن أبي أسامة، مشكاة الأنوار: ص ٢٨٧ ح ١٦٢٧، علل الشرائع: ص ٦٠٤ ح ٧٤ عن منصور بن يونس نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢١٦ ح ٢٤.

٥. التمهيد: ص ٢٨ ح ٧٢ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٤٢ ح ٧٦.

٦. الإقبال: ج ٣ ص ٨٤ عن عطية بن نجيع وإسحاق بن عمار الصيرفي، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٤٧ ح ٣٢.

٧. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣١: إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠١.

کس ایمان نمی آورد؛ لیکن در میان مؤمنان، توانگر و تهی دست قرار داد و در میان کافران نیز توانگر و تهی دست. سپس از طریق امر و نهی و صبر و رضایت، آنان را آزمود.

۴۸۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند می فرماید: «اگر [به خاطر] بنده مؤمنم نبود، بر سر کافر، دستاری از گوهر [با ارزش] می بستم».

۴۸۷. امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی فرمود: «اگر بنده مؤمنم دل آزرده نمی شد، بر سر کافر، دستمالی آهنین می بستم تا هرگز سردرد نگیرد».

۴۸۸. امام صادق علیه السلام: خداوند متعال فرمود: «اگر بنده مؤمنم آزرده خاطر نمی شد، هر آینه بر سر منافق، دستاری می بستم که تا زنده است، دردی نگیرد».

۴۸۹. امام صادق علیه السلام: خداوند - تبارک و تعالی - به برخورداری دشمنش از دنیا هرگز لحظه‌ای اهمیت نداده است... اگر چنین نبود، در حدیث نمی آمد که: «اگر بیم آن نبود که مؤمن اندوهگین شود، هر آینه برای کافر، دستاری آهنین قرار می دادم که هرگز سردرد نگیرد».

۴۹۰. پیامبر خدا ﷺ: دنیا... در روز قیامت می گوید: ای پروردگار من! امروز از من برای دون پایه‌ترین دوستان نصیبی قرار ده.

خداوند می فرماید: «خاموش، ای ناچیز! من در دنیا تو را برای آنان نپسندیدم. امروز، تو را برایشان بپسندم؟!».

۴۹۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوند تعالی می فرماید: «به عزّت و جلالم و به عظمت و بلندای مقامم بر فراز عرشم سوگند، بنده مؤمن خود را از دنیا و مشغولیات آن و نزدیک شدن به آن دور می کنم، چنان که شبان دلسوز، اشترانش را از

لَاذُودُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ عَنِ الدُّنْيَا وَسُلُوتِهَا وَرِحَابِهَا كَمَا يَذُودُ الرَّاعِي الشَّفِيقُ إِبِلَهُ
عَنْ مَرَابِضِ الْغِرَّةِ^١ وَمَوَاقِعِ الْهَلَكَةِ^٢.

٢٩٢. عنه عليه السلام: إِنَّ مِنْ أُمَّتِي مَنْ لَوْ أَتَى بَابَ أَحَدِكُمْ فَسَأَلَهُ دِينَاراً لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ، وَلَوْ سَأَلَهُ
دِرْهماً لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ، وَلَوْ سَأَلَهُ فَلْساً لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ، وَلَوْ سَأَلَ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِأَعْطَاهَا
إِيَّاهُ، وَلَوْ سَأَلَهُ الدُّنْيَا لَمْ يُعْطِهَا إِيَّاهُ، وَمَا يَمْنَعُهَا إِيَّاهُ لِهَوَانِهِ عَلَيْهِ^٣.

٢٩٣. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ ﷻ لَيُحْمِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ مِنَ الدُّنْيَا وَهُوَ يُجِبُّهُ، كَمَا تَحْمُونَ
مَرِيضَكُمْ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ تَخَافُونَهُ عَلَيْهِ^٤.

٢٩٤. عنه عليه السلام: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدُّنْيَا، كَمَا يَظِلُّ أَحَدُكُمْ يَحْمِي سَقِيمَهُ
الْمَاءَ^٥.

٢٩٥. عنه عليه السلام: إِنَّ مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَحْيِيَ بَنَ زَكَرِيَّا عليه السلام قَتَلَتْهُ امْرَأَةٌ^٦.

١. عَزَّ فُلَانٌ فُلَانًا: عَرَّضَهُ لِلْهَلَكَةِ (لسان العرب: ج ٥ ص ١٧ «غرر»).

٢. الفردوس: ج ٥ ص ٢٢٧ ح ٨٠٣٠ عن أنس.

٣. الزهد لابن حنبل: ص ١٨ عن سالم بن أبي الجعد، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٢٠٦، كنز العمال: ج ٣ ص ١٥٥
ح ٥٩٤٢ نقلاً عن هناد عن سالم بن أبي الجعد: الأملالي للشجري: ج ٢ ص ٢٠٥ عن ثوبان، تنبيه الخواطر: ج ١
ص ١٨٢.

٤. مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٥٨ ح ٢٣٦٨٣، الزهد لابن حنبل: ص ١٧ كلاهما عن محمود بن لبيد، المستدرك
على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٣١ ح ٧٤٦٥ عن أبي سعيد الخدري، تاريخ دمشق، ج ١٢ ص ٢٨٨ عن حذيفة بن
اليمان نحوه، إحياء علوم الدين: ج ٤ ص ١٨٦ وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٤ و ص ٣٣١
ح ٦٨٠١.

٥. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٣٨١ ح ٢٠٣٦، المستدرك على الصحيحين: ج ٢ ص ٢٣٠ ح ٧٤٦٤، المعجم الكبير:
ج ١٩ ص ١٢ ح ١٧، موارد الطمأن: ص ٦١٣ ح ٢٤٧٤، التاريخ الكبير: ج ٧ ص ١٨٥ ح ٨٢٣ كلهما عن قتادة بن
النعمان، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٣ ح ٦٠٦٨: تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٢ وفيه «كما يحمي أحدكم مريضه من
الماء» بدل «كما يظل».

٦. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٢٨ ح ١٠٤٧٤ عن أبي بن كعب، الدرر المشور: ج ٥ ص ٤٨٩، كنز العمال: ج ٣
ص ١٩٥ ح ٦١٣٣.

آغل‌های خطرناک و جایگاه‌های مرگبار، دور می‌گرداند».

۴۹۲. پیامبر خدا ﷺ: در میان امت من، کسانی هستند که اگر فردی از آنها به در خانه یکی از شما بیاید و از وی دیناری بخواهد، به او نمی‌دهد، اگر درهمی بخواهد، به او نمی‌دهد، اگر یک فلس (سکه مسی) بخواهد، به او نمی‌دهد، و همو، اگر از خداوند ﷻ بهشت را بخواهد، آن را به او می‌دهد، هرچند، اگر دنیا را از خدا بخواهد، آن را به او نمی‌دهد، و این ندادن دنیا به او، نه از آن روست که وی در نزد خداوند، بی‌ارزش باشد.

۴۹۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ بنده مؤمنش را از دنیا پرهیز می‌دهد؛ چون دوستش دارد، همچنان که شما بیمارتان را از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌دهید؛ چون از آن بر او می‌ترسید.

۴۹۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، هر گاه بنده‌ای را دوست بدارد، او را از دنیا پرهیز می‌دهد، چنان که هر یک از شما همواره بیمارش را از آب، پرهیز می‌دهد.

۴۹۵. پیامبر خدا ﷺ: از خواری دنیا در نزد خدا، یکی این است که یحیی بن زکریا ﷺ را یک زن [منحرف،] به قتل رساند.

٣٩٦. عنه عليه السلام: يُجَاءُ بِالدُّنْيَا مُصَوَّرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَتَقُولُ: يَا رَبِّ، اجْعَلْنِي لِرَجُلٍ مِنْ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنَزَلَةً، فَيَقُولُ اللَّهُ: أَنْتِ أَنْتِ مِنْ ذَلِكَ، بَلْ أَنْتِ وَأَهْلُكَ فِي النَّارِ.^١

٣٩٧. الإمام علي عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَتَتْ الدُّنْيَا بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا، ثُمَّ قَالَتْ: يَا رَبِّ، هَبْنِي لِبَعْضِ أَوْلِيَائِكَ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِذْهَبِي فَأَنْتِ لَا شَيْءَ، أَنْتِ أَهْوَنُ عَلَيَّ أَنْ أَهْبِكَ لِبَعْضِ أَوْلِيَائِي، فَتَطْوِي كَمَا يُطْوِي الثَّوبُ الْخَلِيقُ، فَتَلْقَى فِي النَّارِ.^٢

٣٩٨. عنه عليه السلام: لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُودَةً^٣ لَا خُتِصَّ بِهَا أَوْلِيَاءُهُ، لَكِنَّهُ صَرَفَ قُلُوبَهُمْ عَنْهَا وَمَحَا عَنْهُمْ مِنْهَا الْمَطَامِعَ.^٤

٣٩٩. عنه عليه السلام: مِمَّا يَدُلُّكَ عَلَى ذَنَاءَةِ الدُّنْيَا، أَنَّ اللَّهَ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - زَوَّاهَا عَنْ أَوْلِيَائِهِ وَأَحْبَائِهِ نَظَرًا وَاخْتِيَارًا، وَبَسَطَهَا لِأَعْدَائِهِ فِتْنَةً وَاخْتِيَارًا.^٥

٥٠٠. عنه عليه السلام: فِي ذَمِّ الدُّنْيَا -: دَارُ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا، فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا، وَخَيْرُهَا بِشَرِّهَا، وَحَيَاتُهَا بِمَوْتِهَا، وَخُلُوقُهَا بِمُرِّهَا، لَمْ يُصِفْهَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَوْلِيَائِهِ، وَلَمْ يَضِنَّ^٦ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ.^٧

١. حلية الأولياء: ج ١٠ ص ٧٣ عن أنس، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٣٣٠.

٢. حلية الأولياء: ج ١ ص ٧٢ عن زيد بن أسلم عن الإمام زين العابدين عليه السلام، كنز العمال: ج ٣ ص ٧١٨ ح ٨٥٦١.

٣. في الطبعة المعتمدة: «محموداً»، والتصويب من طبعة بيروت وطهران.

٤. غرر الحكم: ح ٧٦٠٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١٥ ح ٧٠٥٦.

٥. بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٠ ح ١٠٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٦٨ ح ٦٢٠٥ نحوه وفي صدره «في ذكر رسول الله صلى الله عليه وآله: قد حَقَّرَ الدُّنْيَا وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا وَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ زَوَّاهَا...».

٦. ضَنِنْتُ بِالشَّيْءِ: بَخَلْتُ بِهِ (الصَّحاح: ج ٦ ص ٢١٥٦ «ضنن»).

٧. نهج البلاغة: الخطبة ١١٣، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٧ وفيه «لم يرضها» بدل «لم يصفها»، كشف الغمّة: ج ١ ص ١٧٢ وليس فيها «حلالها بحرامها»، غرر الحكم: ح ٢٦٨٧ وليس فيها «وحياتها بموتها»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٣ ح ١١٢: مطالب السؤول: ص ٣٢ نحوه.

۴۹۶. پیامبر خدا ﷺ: روز قیامت، دنیا را در حالی که مجسم شده است، می آورند و می گوید: ای پروردگار من! مرا برای یکی از دون پایه ترین اهل بهشت، منزلتی قرار بده.

خداوند می فرماید: «تو متعفن تر از آنی. نه! تو و اهل تو، در آتش اند».

۴۹۷. امام علی علیه السلام: چون روز قیامت شود، دنیا با زیباترین زیور خود می آید و می گوید: پروردگارا! مرا به یکی از دوستانت ببخش.

خداوند متعال می فرماید: «برو، که تو هیچی. تو در نزد من، بی ارزش تر از آنی که به یکی از دوستانم ببخشم». پس مانند پارچه ای کهنه مچاله و در آتش افکنده می شود.

۴۹۸. امام علی علیه السلام: اگر دنیا در نزد خداوند پسندیده بود، آن را به دوستانش اختصاص می داد؛ اما او دل های آنان را از دنیا بگردانید و مطامع دنیوی را از آنان پاک ساخت.

۴۹۹. امام علی علیه السلام: از جمله چیزهایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می شود، این است که خداوند ﷻ از سر لطف و خیرخواهی، دنیا را از نزدیکان و دوستانش دور ساخت، و از بهر آزمایش و امتحان، آن را برای دشمنانش گسترانید.

۵۰۰. امام علی علیه السلام: در نکوهش دنیا - : سرایی است که نزد خداوندش بی ارزش است. از این رو، حلال آن را با حرامش، و نیکش را با بدش، و زندگی اش را با مرگش، و شیرینی اش را با تلخی اش آمیخت. خداوند متعال، آن را برای دوستانش ناب نگردانید، و از دشمنانش دریغ نورزید.

٥٠١. الإمام زين العابدين (عليه السلام): من هوان الدنيا على الله تعالى أن يحيى بن زكريا (عليه السلام) أهدي رأسه [إلى] ١ بغي في طست من ذهب، فيه تسليّة لحرّ فاضل يرى التاقص الدنيّ يظفر من الدنيا بالحظّ السنيّ، كما أصابت تلك الفاجرة تلك الهدية العظيمة. ٢.

٥٠٢. عنه (عليه السلام): خرجنا مع الحسين (عليه السلام) فما نزل منزلاً ولا ارتحل منه إلا ذكر يحيى بن زكريا (عليه السلام) وقتله، وقال يوماً: ومن هوان الدنيا على الله أن رأس يحيى بن زكريا (عليه السلام) أهدي إلى بغي من بغايا بني إسرائيل. ٣.

٥٠٣. الإمام الصادق (عليه السلام): إن الله ليتعاهد عبده المؤمن بالبلاء كما يتعاهد الغائب أهله بالطرف ٤، وإنه ليحميه الدنيا كما يحمي الطبيب المريض. ٥.

٥٠٤. عنه (عليه السلام): إن الله (تعالى) يطلع على الدنيا في كل يوم مرّة أو مرّتين، فيقول: يا دنيا، أنت دنيّة فتكذري على عبدي المؤمن ولا تحلي له فيفتن. ٦.

٥٠٥. الزهد عن وهب بن منبه - في ذكر كلامه تعالى لموسى وأخيه هارون (عليهما السلام) لما بعثهما

١. ما بين المعقوفين إضافة منا يقتضيها السياق.

٢. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٦.

٣. الإرشاد للمفيد: ج ٢ ص ١٣٢ عن علي بن يزيد، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٢٢١، إصلام الوري: ج ١ ص ٤٢٩ كلاهما عن علي بن زيد، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٨٥، عوالي اللآلي: ج ٤ ص ٨١ ح ٨٣ نحوه من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٤٥ ص ٢٩٨ ح ١٠.

٤. أطرف الرجل: أعطاه ما لم يعطه أحداً قبله، وأطرفت فلاناً شيئاً، أي: أعطيته شيئاً لم يملك مثله فأعجبه (لسان العرب: ج ٨ ص ١٤٥ «طرف»).

٥. الكافي: ج ٢ ص ٢٥٩ ح ٢٨ عن الحلبي، تحف العقول: ص ٣٠٠. المؤمن: ص ٢١ ح ٢١ عن حمران وفيه «يحميه» بدل «ليحميه الدنيا»، مسكن الفؤاد: ص ١١٥ عن حمدان، مشكاة الأنوار: ص ٥٠٣ ح ١٦٨٣ وليس فيه «بالبلاء». التمهيد: ص ٥٠ ح ٩١ عن أبي جميلة وكلها عن الإمام الباقر (عليه السلام)، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢١٣ ح ١٩.

٦. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٠٠.

۵۰۱. امام زین العابدین علیه السلام: از نشانه‌های بی‌ارزشی دنیا در نزد خداوند متعال، این است که سر یحیی بن زکریا علیه السلام در تشتی از طلا به یک روسپی پیشکش شد، و این خود، مایه تسلی خاطر هر آزاده بافضیلتی است که می‌بیند یک فرد بی‌کمال پست، از دنیا به بهره‌وافر می‌رسد، چنان که آن روسپی به آن پیشکش گران‌سنگ دست یافت.

۵۰۲. امام زین العابدین علیه السلام: با حسین علیه السلام به راه افتادیم. ایشان در هیچ منزلی فرود نمی‌آمد و از آن نمی‌کوچید، مگر آن که از یحیی بن زکریا علیه السلام و کشته شدن او یاد می‌کرد. روزی فرمود: «از بی‌ارزشی دنیا در نزد خداست که سر یحیی بن زکریا علیه السلام به فاحشه‌ای از فاحشه‌های بنی اسرائیل پیشکش شد».

۵۰۳. امام صادق علیه السلام: خداوند، بنده مؤمنش را با بلا (گرفتاری) می‌نوازد، همچنان که مسافر با تحفه‌ها خانواده‌اش را می‌نوازد، و او را از دنیا پرهیز می‌دهد، همچنان که پزشک، بیمار را پرهیز می‌دهد.

۵۰۴. امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی هر روز، یکی دوبار به دنیا سرکشی می‌کند و می‌فرماید: «ای دنیا! تو پستی. پس، بر بنده مؤمنم تیره شو و خود را برایش میارای که فریفته شود».

۵۰۵. الزهد - به نقل از وهب بن منبه، در بیان سخن خداوند متعال به موسی و برادرش هارون علیه السلام، آن گاه که آنان را به سوی فرعون فرستاد -: زرق و برق او و برخورداری‌اش [از قدرت و ثروت]، شما را شگفت زده نکند، و چشمانتان را خیره نسازد؛ زیرا آنها تجملات زندگی دنیا و زیور مرفهان‌اند.

إِلَى فِرْعَوْنَ - : وَلَا يُعْجِبُكُمَا زِينَتُهُ وَلَا مَا مُتَّعَ بِهِ ، وَلَا تَمُدَّانِ إِلَى ذَلِكَ أَعْيُنُكُمَا ، فَإِنَّهَا زَهْرَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَةُ الْمُتَرَفِّينَ ، وَإِنِّي لَوْ شِئْتُ أَنْ أُزَيِّنَكُمَا مِنَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ يَعْلَمُ فِرْعَوْنُ حِينَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا أَنَّ مَقْدَرَتَهُ تَعْجِزُ عَنْ مِثْلِ مَا أُوتِيْتُمَا فَعَلْتُ ، وَلَكِنِّي أُرْغَبُ بِكُمَا عَنْ ذَلِكَ وَأَزْوِيهِ^١ عَنْكُمَا ، وَكَذَلِكَ أَفْعَلُ بِأَوْلِيَائِي ، وَقَدِيمًا مَا خِرْتُ لَهُمْ فِي ذَلِكَ ، فَإِنِّي لِأَذُوذُهُمْ عَنْ نَعِيمِهَا وَرَخَائِهَا كَمَا يَذُوذُ الرَّاعِي الشَّفِيقُ إِبِلَهُ عَنْ مَرَاعِ الْهَلَكَةِ ، وَإِنِّي لِأَجَنِّبُهُمْ سَلَوَتَهَا وَعَيْشَهَا كَمَا يُجَنِّبُ الرَّاعِي الشَّفِيقُ إِبِلَهُ عَنْ مَبَارِكِ الْغِرَّةِ ، وَمَا ذَلِكَ لِهَوَانِهِمْ عَلَيَّ ، وَلَكِنْ لِيَسْتَكْمِلُوا نَصِيْبَهُمْ مِنْ كَرَامَتِي سَالِمًا مَوْفُورًا ؛ لَمْ تَكَلِمُهُ^٢ الدُّنْيَا ، وَلَمْ يُطْعِهِ^٣ الْهَوَى^٤ .

٨ / ٢

أَهْوَنُ مِنَ النَّعْلِ الْمَخْصُوفِ

- ٥٠٦ . نهج البلاغة عن ابن عباس: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِذِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ^٥ نَعْلَهُ ، فَقَالَ لِي : مَا قِيَمَةُ هَذَا النَّعْلِ ؟ فَقُلْتُ : لَا قِيَمَةَ لَهَا ! فَقَالَ عليه السلام : وَاللَّهِ لَهَا أَعْزَبُ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ ، إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا^٦ .
- ٥٠٧ . الإرشاد: لَمَّا تَوَجَّهَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى الْبَصْرَةِ نَزَلَ الرَّبْدَةُ ، فَلَقِيَهُ بِهَا آخِرُ الْحَاجِّ فَاجْتَمَعُوا لِيَسْمَعُوا مِنْ كَلَامِهِ وَهُوَ فِي خِبَائِهِ .

١ . زَوَاهُ: نَحَاهُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٣٩ «زواه»).

٢ . الْكَلَمُ: الْجَرْحُ . وَكَلَّمْتُهُ: جَرَحْتُهُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ١٧٢ «كلم»).

٣ . فِي الزَّهْدِ لِابْنِ حَنْبَلٍ: «يُطْفِئُهُ» ، وَالصَّوَابُ مَا أَثْبَتْنَاهُ كَمَا فِي حَلِيَةِ الْأَوْلِيَاءِ .

٤ . الزَّهْدُ لِابْنِ حَنْبَلٍ: ص ٨٢ ، حَلِيَةُ الْأَوْلِيَاءِ: ج ١ ص ١١ ، الدَّرُ الْمَشْهُورُ: ج ٥ ص ٥٥٧ كلاهما نحوه وراجع عدة الداعي: ص ١٤٧ وبحار الأنوار: ج ١٢ ص ٢٩ ح ١٨ .

٥ . يَخْصِفُ نَعْلَهُ: أَيِ يَخْرِزُهَا: مِنَ الْخَصْفِ: الضَّمُّ وَالْجَمْعُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٨ «خصف»).

٦ . نهج البلاغة: الخطبة ٣٣ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٩ ، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٧٦ ح ٥٠ .

من اگر بخواهم، شما دو تن را به چنان زیوری از دنیا می‌آرایم که فرعون وقتی آن را ببیند، درمی‌یابد که با همه قدرتش، از داشتن چنان زیوری که به شما داده‌ام، ناتوان است؛ لیکن من شما را از داشتن چنین زیوری برتر می‌دانم و آن را از شما دور می‌کنم. من با [همه] دوستانم این گونه عمل می‌کنم و از قدیم، همین را برایشان برگزیده‌ام. من آنان را از خوشی و آسایش دنیا می‌رانم، آن سان که ساریان دلسوز، اشترانش را از چراگاه‌های مهلک می‌راند، و آنان را از عیش و نوش دنیا دور می‌کنم، آن سان که ساریان دلسوز، اشترانش را از شترخان‌های خطرناک دور می‌کند. و این، نه از آن روست که نزد من، بی‌ارزش باشند؛ بلکه از آن روست که سهمشان را از بخشش من، بی‌کم و کاست و کامل دریافت کنند، به طوری که نه دنیا به آن، زخمی (نقصی) وارد آورده باشد و نه هوس، او را سرکش کند.



بی‌ارزش‌تر از کفش و صندل داری

۵۰۶. نهج البلاغة - به نقل از ابن عباس - : در ذی قار، بر امیر مؤمنان علیه السلام در آمدن که مشغول وصله کردن کفش خویش بود. به من فرمود: «این کفش، چند می‌ارزد؟»

گفتم: ارزشی ندارد!

فرمود: «به خدا سوگند که این کفش در نزد من، محبوب‌تر از فرمان‌روایی بر شماست، مگر آن که حقّی را به پا دارم، یا باطلی را از میان بردارم».

۵۰۷. الإرشاد: چون امیر مؤمنان علیه السلام ره‌سپار بصره شد، در رَیْذه فرود آمد. در آن جا آخرین گروه حاجیان به دیدار امام علیه السلام آمدند و در خیمه ایشان جمع شدند تا از سخنان ایشان چیزی بشنوند.

ابن عباس می‌گوید: من نزد امام علیه السلام آمدم و دیدم لنگه کفشی را می‌دوزد. گفتم: پرداختن به اصلاح کار ما، لازم‌تر از این کاری است که می‌کنید!

قال ابن عباس: فَأَتَيْتُهُ فَوَجَدْتُهُ يَخْصِفُ نَعْلًا، فَقُلْتُ لَهُ: نَحْنُ إِلَى أَنْ تُصْلِحَ
أَمْرَنَا أَحْوَجُ مِنَّا إِلَى مَا تَصْنَعُ! فَلَمْ يُكَلِّمْنِي حَتَّى فَرَعَ مِنْ نَعْلِهِ، ثُمَّ ضَمَّهَا إِلَى
صَاحِبَتِهَا، ثُمَّ قَالَ لِي: قَوْمُهَا، قُلْتُ: لَيْسَ لَهَا قِيَمَةٌ! قَالَ: عَلَى ذَاكَ، قُلْتُ: كَسَرُ
دِرْهَمٍ، قَالَ: وَاللَّهِ، لَهُمَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ هَذَا! إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بِاطِلَالٍ.^١

٩/٢

أَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فِرْجَرِ آدَمَ

٥٠٨. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فِرْجَرِ آدَمَ تَقْضُمُهَا^٢. مَا لِعَلِيٍّ
وَلِنَعِيمٍ يَفْنَى وَلَذَّةٍ لَا تَبْقَى!^٣

١٠/٢

أَهْوَنُ مِنْ عَفْطَةٍ عَنَزٍ

٥٠٩. الإمام علي عليه السلام: أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَقِيَامُ
الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارَّوْا عَلَى كِظَّةٍ^٤ ظَالِمٍ،
وَلَا سَغَبٍ^٥ مَظْلُومٍ، لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوَّلِهَا،
وَلَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةٍ عَنَزٍ.^٦

١. الإرشاد: ج ١ ص ٢٤٧، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ١١٣ ح ٩٠ وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٠١.

٢. قَضَمَتِ الدَّابَّةُ الشَّعِيرَ تَقْضُمُهُ: كَسَرَتْهُ بِأَطْرَافِ الْأَسْنَانِ (المصباح المنير: ص ٥٠٧ «قضم»).

٣. نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٤، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٥٦، إرشاد القلوب: ص ٢١٧، غرر الحكم: ح ٣٦٦٤ وفيه
«أحقر» بدل «أهون» وليس فيه «تقضمها»، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ١٦٢ ح ٥٧.

٤. الكِظَّةُ: شَيْءٌ يَعْتَرِي الْإِنْسَانَ مِنَ الْإِمْتِلَاءِ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى لَا يَطِيقَ التَّنَفُّسَ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٥٧٤
«كظظ»). والمراد استئثار الظالم بالحقوق.

٥. السَّغَبُ: الْجُوعُ مَعَ التَّعَبِ (المصباح المنير: ص ٢٧٨ «سغب»). والمراد منه هضم حقوقه.

٦. نهج البلاغة: الخطبة ٣، علل الشرائع: ص ١٥١ ح ١٢، الإرشاد: ج ١ ص ٢٨٩ نحوه، معاني الأخبار:
ص ٣٦٢ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٣٧٤ ح ٨٠٣، الاحتجاج: ج ١ ص ٤٥٨ ح ١٠٥، الطوائف: ص ٤١٩ وكلها
عن ابن عباس.

امام علیه السلام به من چیزی نگفت، تا آن که کفشش را وصله کرد و آن را کنار لنگه دیگرش گذاشت و آن گاه فرمود: «این را قیمت بگذار».

گفتم: قیمتی ندارد!

فرمود: «یک چیزی بگو!».

گفتم: درهم شکسته‌ای [، اگر بیرزد].

فرمود: «به خدا سوگند که این جفت کفش، در نزد من، محبوب‌تر از این

فرمان‌روایی بر شماست، مگر آن که حقّی را به پا دارم، یا باطلی را از میان بردارم».

۹/۲

بی ارزش‌تر از یک برگ در دهان ملخی

۵۰۸. امام علی علیه السلام: دنیای شما در نزد من، از یک برگ در دهان ملخی که آن را می‌جود، بی ارزش‌تر است. علی را با نعمت‌های نابود شونده و لذت‌های ناپایدار، چه کار؟!
 مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی

۱۰/۲

پست‌تر از تیز دادن یک بز

۵۰۹. امام علی علیه السلام: هان! سوگند به آن که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور آن جمعیت [بیعت‌کننده] نبود و این که با وجود یاوران، حجت تمام می‌شود، و این که خداوند از دانیان پیمان گرفته است که در برابر شکمبارگی ستمگر و گرسنگی رنج‌آور ستم‌دیده آرام نگیرند، هر آینه مهار [اشتر] خلافت را بر گردن آن می‌انداختم (به حال خود رهاش می‌کردم) و آخر آن را با همان جام نخستینش آب می‌دادم، و می‌دیدید که این دنیای شما، در نزد من، ناچیزتر از تیز دادن یک بز است.

١١/٢

أَهْوَنُ مِنْ عِرَاقٍ خِنْزِيرٍ فِي يَدٍ مَجْذُومٍ

٥١٠. الإمام علي عليه السلام: وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خِنْزِيرٍ فِي يَدٍ مَجْذُومٍ.^١

١٢/٢

أَمَزُ مِنْ حَنْظَلَةٍ يَلُوكُهَا ذُو سُقْمٍ

٥١١. الإمام علي عليه السلام - فِي ذِمِّ الدُّنْيَا، وَيَذْكُرُ رَجُلًا أَتَاهُ بَعْضُ الْحُلُوى -: لَدُنْيَاكُمْ أَهْوَنُ

عِنْدِي مِنْ وَرَقَةٍ فِي فِي جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا، وَأَقْذَرُ عِنْدِي مِنْ عِرَاقَةٍ خِنْزِيرٍ يَقْذِفُ

بِهَا أَجْذَمُهَا، وَأَمْرٌ عَلَى فُؤَادِي مِنْ حَنْظَلَةٍ يَلُوكُهَا^٢ ذُو سُقْمٍ فَيَبْشِمُهَا^٣، فَكَيْفَ

أَقْبَلُ مَلْفُوفَاتٍ عَكَمَتِهَا^٥ فِي طَبْعِهَا، وَمَعْجُونَةٌ كَأَنَّهَا عُجْنَتْ بِرَيْقِ حَيَّةٍ أَوْ قَبْهَا؟!^٤

اللَّهُمَّ إِنِّي نَفَرْتُ عَنْهَا نِفَارَ الْمُهْرَةِ مِنْ رَاكِبِهَا، أُرِيهِ الشُّهَاءَ وَيُرِينِي الْقَمَرَ!^٦

أُأَمْتِنُ مِنْ وَبَرَةٍ مِنْ قُلُوصِهَا^٧ سَاقِطَةٍ، وَأُبْتَاعُ إِبِلًا فِي مَبْرَكِهَا رَابِطَةً؟! أَدِيبُ

الْعَقَارِبِ مِنْ وَكْرِهَا أَلْتَقِطُ، أَمْ قَوَاتِلَ الرَّقْشِ^٨ فِي مَبِيتِي أُرْتَبِطُ؟! فَدَعُونِي أَكْتَفِي

مِنْ دُنْيَاكُمْ بِمِلْحِي وَأَقْرَاصِي، فَيَتَقَوَّى اللَّهُ أَرْجُو خَلَاصِي.

١. العرق: العظم إذا أخذ عنه معظم اللحم، والجمع عِرَاق (النهاية: ج ٣ ص ٢٢٠ «عرق»).

٢. نهج البلاغة: الحكمة ٢٣٦، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٨ وفيه «كراع» بدل «عراق»، غرر الحكم: ج ٣٦٤٤، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٠ ح ١٣٥.

٣. يَلُوكُهَا: أي يعضها. واللُّوكُ: إدارة الشيء في الفم (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٨ «لوك»).

٤. بَشِمْتُ مِنْهُ بَشْمًا: أي شمت (الصحيح: ج ٥ ص ١٨٧٣ «بشم»).

٥. عَكَمْتُ الْمَتَاعَ: شددته (الصحيح: ج ٥ ص ١٩٨٩ «عكم»).

٦. يُضْرَبُ مَثَلًا لِمَنْ تَخَاطَبُهُ قُبُوعٌ فِي الْجَوَابِ (جمهرة الأمثال: ج ١ ص ١١٧). والشُّهَاءُ: كُؤُوبٌ صَغِيرٌ خَفِيَ الضُّوءُ، وَالنَّاسُ يَمْتَحِنُونَ بِهِ أَبْصَارَهُمْ (لسان العرب: ج ١٤ ص ٤٠٨ «شها»).

٧. الْقُلُوصُ: الناقّة الشابة (النهاية: ج ٤ ص ١٠٠ «قلص»).

٨. الرَّقْشَاءُ: الأفعى (النهاية: ج ٢ ص ٢٥٠ «رقش»).

۱۱/۲

بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست یک جذامی

۵۱۰. امام علی علیه السلام: به خدا سوگند که این دنیای شما در چشم من، بی ارزش تر از استخوان یک خوک در دست یک جذامی است.

۱۲/۲

تلخ تر از حنظل که بیماری در دهان می چرخاند

۵۱۱. امام علی علیه السلام: در نکوهش دنیا و یادکرد مردی که برای ایشان مقداری شیرینی آورد:-
هر آینه دنیای شما در نزد من، از برگی که یک ملخ در دهانش می جود، بی ارزش تر، و از استخوان خوکی که یک جذامی به دور می افکند، کثیف تر، و از حنظل که یک بیمار در دهان می چرخاند و با نفرت آن را تفت می کند، به مذاق جانم تلخ تر است.
پس چگونه بسته هایی را که محکم بسته ای، و شیرینی ای را که گویا با آب دهان مار و یا استفراغ آن درست شده است، بپذیرم؟! بار خدایا! من از دنیا رمیده ام، آن سان که کره اسب از داغ کردنش می رمد. من ستاره شهر را به او نشان می دهم و او ماه را به من نشان می دهد.^۱

من که از برداشتن پَر گرگی افتاده از یک ماده اشتر جوان خودداری می کنم، [چگونه] شتری را که در آغلش بسته است، بیلعم؟! آیا عقرب های زهر آگین را از سوراخشان بگیرم، یا مارهای سمی کشنده را در خوابگاه خویش ببندم؟!^۲ رهایم کنید تا از دنیای شما به نمک و چند گرده نانم بسنده کنم، که با پروا کردن از خداوند، امید رهایی خویش دارم.

۱. این جمله، ضرب المثلی است برای کسی که شما از او سؤالی می کنی و او جوابی بی ربط به شما می دهد (جمهره الأمثال: ج ۱ ص ۱۱۷). سها، ستاره ای بسیار کوچک و کم نور است و مردم به وسیله آن، سوی چشم خود را امتحان می کنند (لسان العرب: ج ۱۴ ص ۴۰۸ سها).

۲. به عبارت دیگر: آیا دست خویش در لانه عقرب های زهر آگین فرو برم، یا مارهای کشنده در آستین ببرم؟!
بپرورم!

ما لِعَلِيٍّ وَنَعِيمٍ يَفْنَى، وَلَذَّةٍ تُتَجَبَّهَا (تَنَحُّتُهَا) الْمَعَاصِي، سَأَلْتَنِي وَشِيعَتِي رَبَّنَا
بُعْيُونٍ مُرَّةٍ^١، وَبُطُونٍ خِمَاصٍ^٢ ﴿وَلِيَمِخَّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾^{٣.٢}

١٣/٢

أَهْوَنُ مِنْ عَفْصَةٍ مُفَرَّةٍ

٥١٢. الإمام علي عليه السلام - في كتابه إلى عامله على البصرة عثمان بن حنيف - : أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ
مَأْمُومٍ إِمَاماً يَقْتَدِي بِهِ، وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ
دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ^٤، وَمِنْ طُعْمِهِ^٥ بِقُرْصِيهِ^٦، أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَلَكِنْ
أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ، وَعِفَّةٍ وَسَدَادٍ. فَوَاللَّهِ مَا كَثَرَتْ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبَرَأُ^٧، وَلَا
أَذْخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرَأُ^٨، وَلَا أَعَدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طِمْرًا، وَلَا حُزْتُ مِنْ
أَرْضِهَا شِبْرًا، وَلَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا كَقَوْتِ أَتَانٍ دَبْرَةٍ^٩، وَلَهِيَ فِي عَيْنِي أَوْهَى
وَأَهْوَنُ مِنْ عَفْصَةٍ^{١٠} مَقْرَةٍ^{١١}.

ترجمه: کتبی و علوم اسلامی

١. کذا في المصدر والظاهر أنه تصحيف «مُرَّة».
٢. آل عمران: ١٤١.
٣. الأمالي للصدوق: ص ٧٢٢ ح ٩٨٨ عن الفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام. بحار الأنوار: ج ٤٠ ص ٣٤٨ ح ٢٩.
٤. الطمر: الثوب الخلق (المصباح المنير: ص ٣٧٨ «طمرت»).
٥. الطعم: الطعام (المصباح المنير: ص ٣٧٣ «طعمته»).
٦. التبر: هو الذهب والفضة قبل أن يضربا دنائير ودراهم، ومنهم من يجعله في الذهب أصلاً (النهاية: ج ١ ص ١٧٩ «تبر»).
٧. الوفر: المال الكثير (الصحيح: ج ٢ ص ٨٤٧ «وفر»).
٨. الأتان: الحمار الأتني خاصة (النهاية: ج ١ ص ٢١ «أتان»). وأتان دبرة: هي التي عقر ظهرها فقل أكلها (شرح نهج البلاغة: ج ١٦ ص ٢٠٧).
٩. العفص: حمل شجرة البلوط: تحمل سنة بلوطاً وسنة عفاً (لسان العرب: ج ٧ ص ٥٥ «عفص»).
١٠. مقر الشيء: صار مُراً، فهو شيء مقرٌّ. والمقرُّ - أيضاً - الصبر (الصحيح: ج ٢ ص ٨١٩ «مقر»).
١١. نهج البلاغة: الكتاب ٤٥.

علی را با نعمتی که فنا می‌پذیرد و لذتی که از معاصی بر می‌خیزد، چه کار؟ من و شیعیانم با چشمانی زردی گرفته و شکم‌هایی گود افتاده، پروردگاران را ملاقات خواهیم کرد: ﴿و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص گرداند و کافران را نابود سازد﴾.

۱۳/۲

بی‌ارزش‌تر از مازوی تلخ

۵۱۲. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به عثمان بن حنیف، کارگزار ایشان در بصره - : هان! هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می‌کند و از نور دانشش روشنایی می‌گیرد. هان! پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان، بسنده کرده است. البته شما توانایی این کار را ندارید؛ اما با [در پیش گرفتن] پارسایی و سختکوشی [در کار و عبادت] و پاک‌دامنی و راستی، مرا یاری رسانید.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

به خدا سوگند که از دنیای شما زر و سیمی نیندوختم، و از غنائم آن، مالی فراوان پس‌انداز نمودم، و بر دو جامه کهنه‌ام جامه‌ای نیفزودم، و از زمین آن، یک وجب به دست نیاوردم، و از خوراک آن جز به اندازه خوراک ماده الاغی ریش‌پشت برنگرفتم. دنیا در چشم من، ناقابل‌تر و بی‌ارزش‌تر از یک دانه مازوی^۱ تلخ است.

۱. برجستگی کروی شکلی به قطر دوازده تا سی سانتی‌متر که تحت تأثیر گزش حشره سینپس گالاتنکتوریا (*cynips gallactinctoriae*) بر روی جوانه‌های درخت بلوط مازو، ایجاد می‌شود. حشره مذکور برای تخم‌گذاری، پوست درخت بلوط را سوراخ می‌کند که بر اثر آن، مقدار زیادی از شیرۀ درخت بیرون می‌زند که مازوسیوم نامیده می‌شود. از مازو، در صنعت، برای تهیه مرکب سیاه و رنگ پارچه‌ها و در پزشکی به عنوان قابض استفاده می‌شود (ر.ک: فرهنگ معین: «مازو»).

١٤/٢

حَبِيرُ غَسَاوٍ وَ عِلْمُ رُغَاوٍ سَتَرُ أَفْعَى!

٥١٣. الإمام علي عليه السلام: وَاللَّهِ مَا دُنْيَاكُمْ عِنْدِي إِلَّا كَسَفَرٍ عَلَى مَنَهْلٍ حَلَّوْا، إِذَا صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحَلُوا، وَلَا لَذَائِثُهَا فِي عَيْنِي إِلَّا كَحَمِيمٍ أَشْرَبُهُ غَسَاقًا^١، وَغَلَقَمٍ أَتَجَرَّعُهُ زُعَاقًا^٢، وَسَمٍّ أَفْعَى أَسْقَاهُ دِهَاقًا^٣، وَقِلَادَةٍ مِنْ نَارٍ أَوْهَقُهَا^٤ خِنَاقًا، وَلَقَدْ رَقَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا، وَقَالَ لِي: اقْذِفْ بِهَا قَذْفَ الْأَثْنِ؛ لَا يَرْتَضِيهَا لِيرْقَعَهَا، فَقُلْتُ لَهُ: أَغْرُبَ عَنِّي، فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى، وَتَنْجَلِي عَنَّا غُلَاثُ الْكَرَى^٥.

١٥/٢

مَطْلَقُ الْأَكْثَرِ

٥١٤. الإمام علي عليه السلام: إِنِّي طَلَّقْتُ الدُّنْيَا ثَلَاثًا بَيِّنَاتًا لَا رَجْعَةَ لِي فِيهَا، وَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِهَا^٦.

٥١٥. مروج الذهب عن ضرار بن ضمرة - فِي وَصْفِ عَلِيِّ عليه السلام حَيْثُ طَلَبَ مِنْهُ مُعَاوِيَةُ ذَلِكَ -: يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا، وَيَأْتِسُ بِاللَّيْلِ وَظُلْمَتِهِ، وَكَأَنِّي بِهِ وَقَدْ

١. الغَسَاق - بالتخفيف والتشديد -: ما يسيل من صديد أهل النار و غَسَالَتَهُم (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٦ «غسق»).

٢. الزُعَاق: الماء المرّ الغليظ لا يطاق شربه (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٢٤١ «زُعق»).

٣. دَهَقَ الماء: أفرغه إفراغاً شديداً (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٢٣٣ «دهق»).

٤. الوَهَق: حَبْلٌ يُلْقَى فِي عُنُقِ الشَّخْصِ يُؤْخَذُ بِهِ وَيُوثَقُ، وَأَصْلُهُ لِلدُّوَابِّ (المصباح المنير: ص ٦٧٤ «وهق»).

٥. مَثَلٌ يُضْرَبُ لِلرَّجُلِ يَحْتَمِلُ الْمَشَقَّةَ رَجَاءَ الرَّاحَةِ (مجمع الأمثال: ج ٢ ص ٢١٨ الرقم ٢٣٨٢).

٦. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٧١٨ ح ٩٨٨ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عليه السلام، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٢٠ ص ٣٤٥ ح ٢٩.

٧. غُرُ الْحَكَمِ: ح ٣٧٨٢، حَيَوْنُ الْحَكَمِ وَالْمَوَاعِظُ: ص ١٧٠ ح ٣٥٦٧.

۱۴/۲

چرکابه ای جوشان، حظلی شرنگین، وزهر بار

۵۱۳. امام علی علیه السلام: به خدا سوگند که دنیای شما در نظر من نیست، مگر به سان کاروانیانی که در آگاهی فرود آمده باشند و ناگهان کاروان سالارشان بانگ کوچ برآورد و آنها بکوچند، و خوشی های آن در نگاه من نیست، مگر چونان چرکابه جوشانی که بنوشم، یا حظلی شرنگین که جرعه جرعه سرکشم، یا زهر ماری که کاسه کاسه به کامم ریخته شود، یا گردنبند آتشی که به گردنم آویزند.

من، این تن پوش خود را چندان پینه زده ام که دیگر از پینه دوز آن، خجالت می کشم. او به من گفت: «این را همچون ماده الاغ ها به دور انداز»^۱ و حاضر نشد که آن را وصله کند. بدو گفتم: از من دور شو، که در بامدادان، شبروان ستوده می شوند و رنج بی خوابی از ما زدوده می شود.

۱۵/۲

مطلعه زیرکان

۵۱۴. امام علی علیه السلام: من دنیا را سه طلاقه قطعی کرده ام که دیگر مرا بدان رجوعی نیست، و ریسمانش را بر دوش آن افکنده ام.

۵۱۵. مروج الذهب - به نقل از ضرار بن ضمره، در پاسخ به درخواست معاویه برای توصیف امام علی علیه السلام - : از دنیا و زرق و برق آن، گریزان بود و با شب و تاریکی آن، انس داشت. گویا می بینم در حالی که شب، پرده هایش را افکنده

۱. تشبیه به الاغ، از این جهت است که الاغ در خودداری از حمل بار ناهموار، بیش از هر چارپای دیگری عکس العمل نشان می دهد و سعی می کند بارش را بر زمین بیندازد.

أَرْخَى اللَّيْلُ سُدُولَهُ^١، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، وَهُوَ فِي مِحْرَابِهِ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ
يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ^٢، وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ، وَيَقُولُ:

يَا دُنْيَا غُرِّي غَيْرِي، أَلِي تَعَرَّضْتَ، أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّفَتْ^٣؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! لَا
حَانَ حِينُكَ، قَدْ أَبْنَتُكَ^٤ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي فِيكَ. عُمُرُكَ قَصِيرٌ، وَعَيْشُكَ حَقِيرٌ،
وخطرُكَ يَسِيرٌ. آه مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ، وَبُعْدِ السَّفَرِ، وَوَحْشَةِ الطَّرِيقِ^٥.

٥١٦. الأُمَالِي عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ: دَخَلَ ضِرَارُ بْنُ ضَمْرَةَ النَّهْشَلِيُّ عَلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي
سُفْيَانَ، فَقَالَ لَهُ: صِفْ لِي عَلِيًّا! قَالَ: أَوْتَعِفْنِي؟ فَقَالَ: لَا، بَلْ صِفْهُ لِي. فَقَالَ لَهُ
ضِرَارُ:

رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا، كَانَ وَاللَّهِ فِينَا كَأَحَدِنَا؛ يُدْنِينَا إِذَا أَتَيْنَاهُ، وَيُجِيبُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ،
وَيُقَرِّبُنَا إِذَا زُرْنَاهُ، لَا يُغْلِقُ لَهُ دُونَنَا بَابًا، وَلَا يَحْجُبُنَا عَنْهُ حَاجِبٌ، وَنَحْنُ وَاللَّهِ
مَعَ تَقَرُّبِهِ لَنَا وَقُرْبِهِ مِنَّا لَا نُكَلِّمُهُ لِهَيْبَتِهِ، وَلَا نَبْتَدِيهِ لِعَظَمَتِهِ، فَإِذَا تَبَسَّمَ فَعَنْ مِثْلِ
اللُّؤْلُؤِ الْمَنْظُومِ.

فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: زِدْنِي مِنْ صِفَتِهِ، فَقَالَ ضِرَارُ:

١. سَدَلُ الثَّوْبِ سَدَلًا: أَرْخَاهُ، وَسَدَلَتْ سِتْرَهَا وَشَعْرَهَا (أَسَاسُ الْبَلَاغَةِ: ص ٢٠٦ «سدل»).
٢. تَمَلَّمُ: تَقَلَّبَ. وَالسَّلِيمُ: اللَّدِيغُ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ج ٤ ص ٥٢ «ملل» و ص ١٢٩ «سلم»).
٣. تَشَوَّفَتْ: تَزَيَّنَتْ. وَتَشَوَّفَ لِلشَّيْءِ: أَي طَمَحَ بِصَرِّهِ إِلَيْهِ (الْغَنَاءُ: ج ٢ ص ٥٠٩ «شوف»).
٤. بَانَتْ الْمَرْأَةُ مِنْ زَوْجِهَا: أَي انْفَصَلَتْ عَنْهُ وَوَقَعَ عَلَيْهَا طَلَاقُهُ. وَالطَّلَاقُ الْبَائِنُ: هُوَ الَّذِي لَا يَمْلِكُ الزَّوْجُ فِيهِ اسْتِرْجَاعَ الْمَرْأَةِ إِلَّا بِعَقْدٍ جَدِيدٍ (الْغَنَاءُ: ج ١ ص ١٧٥ «بين»).
٥. مَرُوجُ الذَّهَبِ: ج ٢ ص ٤٢٢، الْاِسْتِعَابُ: ج ٣ ص ٢٠٩، شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ: ج ١٨ ص ٢٢٥ وَفِيهِمَا «بَايْنَتُكَ ثَلَاثًا» بِدَل «أَبْنَتُكَ ثَلَاثًا»، حَلِيَّةُ الْأَوَّلِيَاءِ: ج ١ ص ٨٤: نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: الْحِكْمَةُ ٧٧، خَصَائِصُ الْأُمَّةِ: ص ٧١، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ: ج ١ ص ٧٩، رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ص ٤٨٣، مَشْكَاةُ الْأَنْوَارِ: ص ٢٤٧ ح ١٥٦٢ وَفِيهَا «قَدْ طَلَّقْتَكَ ثَلَاثًا» بِدَل «قَدْ أَبْنَتُكَ ثَلَاثًا» وَكُلُّهَا نَحْوُهُ، كَثَرُ الْفَوَائِدِ: ج ٢ ص ١٦٠.

و ستارگانش ناپدید شده‌اند، او در محراب خویش محاسنش را به دست گرفته و چون مار گزیده به خود می‌پیچد و به سان مصیبت زده می‌گرید و می‌گوید:

«ای دنیا! غیر مرا بفریب. آیا خود را به من عرضه می‌کنی، یا که خوشتن را برایم می‌آرایی؟ مباد، مباد که آن روز برسد! من تو را سه طلاقه کرده‌ام، که مرا در آن رجوعی نیست. عمر تو کوتاه است، و عیشت حقیر، و اهمّیت ناچیز. آه از کمی توشه، و دوری سفر و تنهایی [در] راه.

۵۱۶. الأُمالی صدوق - به نقل از اصبع بن نباته -: ضرار بن ضَمْرَة نَهْشَلی بر معاویة بن ابی سفیان در آمد. معاویه به او گفت: علی را برایم وصف کن!

ضرار گفت: مرا معاف بدار.

[معاویه] گفت: نمی‌دارم. او را برایم وصف کن!

ضرار گفت: رحمت خداوند بر علی باد! به خدا سوگند که او در میان ما همچون یکی از ما بود. هر گاه به نزدش می‌رفتیم، ما را نزدیک خود می‌نشاند، و هر گاه از او چیزی می‌پرسیدیم، پاسخمان می‌داد، و هر گاه به دیدارش می‌رفتیم، ما را احترام می‌نهاد. هرگز در خانه‌اش به روی ما بسته نمی‌شد، و هیچ دریانی نداشت که ما را از دیدار او منع کند؛ لیکن با وجود این ارتباط نزدیکی که میان ما با او بود، به خدا سوگند از هیبتی که داشت، با او سخن نمی‌گفتیم، و از شکوهی که داشت، شروع [به گفتگو] نمی‌کردیم. هر گاه لبخند می‌زد، دندان‌هایش چون مرواریدهای به رشته کشیده، نمایان می‌شد.

معاویه گفت: باز هم از اوصاف او برایم بگو!

ضرار گفت: رحمت خداوند بر علی باد! به خدا سوگند که او بیشتر شب را

رَحِمَ اللَّهُ عَلَيَّ، كَانَ وَاللَّهُ طَوِيلَ الشَّهَادِ^۱، قَلِيلَ الرُّقَادِ، يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ آثَاءً^۲
الَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ، وَيَجُودُ لِلَّهِ بِمُهْجَتِهِ^۳، وَيَبُوءُ إِلَيْهِ بِعَبْرَتِهِ، لَا تُغْلَقُ لَهُ
السُّتُورُ، وَلَا يَذْخِرُ عَنَّا الْبُدُورُ^۴، وَلَا يَسْتَلِينُ الْإِتِّكَاءَ، وَلَا يَسْتَخْشِنُ الْجَفَاءَ.
وَلَوْ رَأَيْتُهُ إِذْ مُثِّلَ فِي مِحْرَابِهِ، وَقَدْ أَرْخَى اللَّيْلُ سُدُولَهُ، وَغَارَتْ نُجُومُهُ،
وَهُوَ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ تَمَلَّمُ السَّلِيمِ وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ، وَهُوَ يَقُولُ:
يَا دُنْيَا أَلِي تَعَرَّضْتَ، أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّقَتْ؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ، أَبْنَتُكَ
ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكَ. ثُمَّ يَقُولُ: واه واه لِبُعْدِ السَّفَرِ وَقِلَّةِ الزَّادِ وَخُسُونَةِ
الطَّرِيقِ!

فَبَكَى مُعَاوِيَةَ وَقَالَ: حَسْبُكَ يَا ضِرَارُ، كَذَلِكَ كَانَ وَاللَّهُ عَلَيَّ، رَحِمَ اللَّهُ
أَبَا الْحَسَنِ^۵.



راجع: ج ۲ ص ۲۰۰ (طَلُّقُوا الدُّنْيَا ثَلَاثًا).

مرکز تحقیقات کلمه‌ی نور علوم اسلامی

۱. الشَّهَادَةُ: الْأَرْقُ (الصحاح: ج ۲ ص ۴۹۲ «شهد»).

۲. آثَاءُ اللَّيْلِ: سَاعَاتِهِ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ۹۶ «أنا»).

۳. الْمُهْجَةُ: الرُّوحُ (القاموس المحيط: ج ۱ ص ۲۰۸ «مهج»).

۴. الْبَذْرَةُ: كَيْسٌ فِيهِ أَلْفٌ أَوْ عَشْرَةُ أَلْفٍ، وَالْجَمْعُ: الْبُدُورُ (لسان العرب: ج ۴ ص ۴۹ «بدر»).

۵. الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ: ص ۷۲۴ ح ۹۹۰. بحار الأنوار: ج ۴۱ ص ۱۴ ح ۶.

به عبادت می‌گذرانید و کمتر می‌خواهید. در دل شب و هر بام و شام، کتاب خدا را تلاوت می‌کرد. به خاطر خدا جانبازی می‌کرد، و به درگاه او اشک می‌ریخت. پرده‌ای برایش افکنده نمی‌شد (و همواره مردم به او دسترس داشتند)، و همیان‌ها [ای درهم و دینار] را از ما پنهان نمی‌ساخت (همه بیت المال را میان مردم تقسیم می‌کرد). بر پشتی نرم تکیه نمی‌زد، و سختی‌ها [ی زندگی] را سخت به حساب نمی‌آورد.

کاش او را آن گاه که شب، پرده‌هایش را فرو افکنده بود و ستارگانش غروب کرده بودند، می‌دید که در محرابش ایستاده و محاسن خویش را به دست گرفته است و چونان مارگزیده به خود می‌پیچد و به سان مصیبت زده می‌گرید و می‌گوید: «ای دنیا! آیا خود را به من عرضه می‌کنی، یا آرزومند منی؟ هیئات، هیئات! مرا به تو نیازی نیست. من تو را سه طلاقه کرده‌ام و دیگر مرا به تو رجوعی نیست» و سپس می‌گوید: «آه، آه از درازی سفر، و کمی ره توشه، و ناهمواری راه»

در این هنگام، معاویه گریست و گفت: بس است، ای ضرار! به خدا سوگند که علی همین گونه بود. خدا ابو الحسن را رحمت کند!

الفصل الثالث التَّحذِيرُ مِنَ الدُّنْيَا

١/٣

التَّحذِيرُ مِنَ الْإِغْوَاءِ بِالدُّنْيَا

أ - الدُّنْيَا خَضِرَةٌ خُلُوءٌ

٥١٧. رسول الله ﷺ: إِحْذَرُوا الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا خَضِرَةٌ خُلُوءٌ^١.

٥١٨. عنه ﷺ: - لِجَرِيرٍ - : يَا جَرِيرُ أَسْلِمَ تَسْلَمُ، يَا جَرِيرُ أَسْلِمَ تَسْلَمُ - قَالَهَا ثَلَاثًا - ...

يَا جَرِيرُ أَحْذَرِكِ الدُّنْيَا وَخُلَاوَةَ رِضَاعِهَا وَمَرَارَةَ فِطَامِهَا^٢.

٥١٩. عنه ﷺ: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا خُلُوءٌ خَضِرَةٌ، فَرُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِي الدُّنْيَا مِنْ مَالِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

لَيْسَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا النَّارُ^٣.

١. خَضِرَةٌ: أَي غَضَّةٌ نَاعِمَةٌ طَرِيَّةٌ (النهاية: ج ٢ ص ٤١ «خضر»).

٢. الزهد لابن حنبل: ص ١٨ عن مصعب بن سعد، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٢ ح ٦٠٦٦.

٣. تاريخ المدينة: ج ٢ ص ٥٦٨، الفردوس: ج ٥ ص ٤٠٩ ح ٨٥٧٦ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٣١ ح ٨٦٠١: نزهة الناظر: ص ٣٤ ح ١٠٤ وفيها ذيله من «إِنِّي أَحْذَرُكَ الدُّنْيَا...».

٤. المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٧٦ ح ٦٩٣٢ عن حمزة بنت جحش، كنز العمال: ج ٦ ص ٥٠٩ ح ١٦٧٦٠.

فصل سوم

بر حذر داشتن از دنیا

۱/۳

بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا



الف - دنیا خوش و شیرین است

۵۱۷. پیامبر خدا ﷺ: از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که دنیا خوش و شیرین است.

۵۱۸. پیامبر خدا ﷺ: به جریر - «ای جریر! اسلام بیاور تا به سلامت مانی، اسلام بیاور تا به سلامت مانی» این را سه بار فرمود. «...ای جریر! تو را از دنیا و شیرینی شیر خوردن از آن (دستیابی به دنیا) و تلخی گرفته شدن از شیر آن، بر حذر می دارم».

۵۱۹. پیامبر خدا ﷺ: هان! دنیا شیرین و خوش است. پس، ای بسا کسی که از مال خدا و پیامبر او خود را غرق دنیا می کند، اما در روز قیامت، او را جز آتش نیست.

٥٢٠. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ، فَمَنْ أَصَابَ مِنْهَا شَيْئاً مِنْ حِلِّهِ فَذَلِكَ الَّذِي يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ، وَكَمْ مِنْ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ وَمَالِ رَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ^١.

٥٢١. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ ^٢.

٥٢٢. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ، فَمَنْ اتَّقَى فِيهَا وَأَصْلَحَ، وَإِلَّا فَهُوَ كَالْآكِلِ وَلَا يَشْبَعُ، فَبَعْدُ النَّاسِ كَبُعْدِ الْكُوكَبِينَ ^٣، أَحَدُهُمَا يَطْلُعُ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَالْآخَرُ يَغِيبُ بِالْمَغْرِبِ ^٤.

٥٢٣. عنه عليه السلام: لَأَنَا فِي فِتْنَةِ السَّرَّاءِ أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنْ فِتْنَةِ الضَّرَّاءِ، إِنَّكُمْ قَدْ ابْتَلَيْتُمْ بِفِتْنَةِ الضَّرَّاءِ فَصَبَرْتُمْ، وَإِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ ^٥.

٥٢٤. صحيح البخاري عن أبي سعيد الخدري: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَامَ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَقَالَ: إِنَّمَا

١. المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٣٢١ ح ٨٥٦ عن عمرة بنت العارث بن أبي ضرار، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٠ ح ١٠٣٠٦، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠١ ح ٦١٦٦.

٢. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٨ ح ٩٩، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٤٨٣ ح ٢١٩١، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٢٥ ح ٤٠٠٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٩ ح ١١١٤٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٥٥١ ح ٨٥٤٣، السنن الكبرى: ج ٧ ص ١٤٧ ح ١٣٥٢٣، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٧٨ ح ١٠٣٠١ كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٠ ح ٦١٩٧.

٣. أراد - والله أعلم - الكواكب التي جعلها الله تعالى منازل للقمر، كما قال: ﴿وَأَلْقَمَرَ قَدْرُنَهُ مَنَازِلَ﴾ وهي التي تسمى: الأنواء، فَإِنْ أَحَدُهُمَا لَا يَغِيبُ فِي الْمَغْرِبِ غَدْوَةً حَتَّى يَطْلُعَ رَقِيبُهُ فِي الْمَشْرِقِ غَدْوَةً، فَهِيَ لَا يَلْتَقِيَانِ وَلَا يَتَقَارِبَانِ، فَكَذَلِكَ اخْتِلَافُ أَحْوَالِ أَهْلِ الدُّنْيَا فِي حُظُوظِهِمْ وَمَكَاسِيهِمْ لَا يَتَقَارِبُ: قَاهِرٌ وَمَقْهُورٌ، وَمَسْرُومٌ وَمَرْزُوقٌ، وَمُعَافَى وَمُهْتَلَى، وَأَشْبَاهُ ذَلِكَ (أمثال الحديث للراهمري: ص ٥٣).

٤. مسند أبي يعلى (طبعة دار الثقافة العربية): ج ١٣ ص ١٥ ح ٧٠٩٩ عن ميمونة، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٠ ح ٦٢٠٠ نقلاً عن الأسندة للراهمري نحوه.

٥. مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٣٦٤ ح ٧٧٦، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٠ ح ١٠٣٠٨، مسند البزار: ج ٣ ص ٣٦٧ ح ١١٦٨ وفيه «في السراء» بدل «في فتنه السراء»، حلية الأولياء: ج ١ ص ٩٣ وكلها عن سعد بن أبي وقاص، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٧ ح ٦٤٣١.

۵۲۰. پیامبر خدا ﷺ: دنیا شیرین و خوش است. پس، هر که به چیزی از دنیا از راه حلال دست یابد، خداوند در آن به او برکت می‌دهد، و ای بسا تصرف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که در روز قیامت برایش آتش است.

۵۲۱. پیامبر خدا ﷺ: دنیا شیرین و خوش است. خداوند، شما را در آن جانشین قرار داده است تا ببیند که چگونه عمل می‌کنید. پس، از دنیا [زدگی] و زن [بارگی] پروا کنید.

۵۲۲. پیامبر خدا ﷺ: دنیا شیرین و خوش است. پس، هر که در آن تقوا پیشه کند و کار شایسته انجام دهد، [رستگار می‌گردد]، وگرنه همانند کسی خواهد بود که می‌خورد و سیر نمی‌شود. پس، دوری مردم [از دنیا و سیر شدن از آن]، چون دوری دو ستاره‌ای است که یکی از شرق طلوع می‌کند و [در همان زمان]، دیگری غروب می‌کند.^۱

۵۲۳. پیامبر خدا ﷺ: من از آزمایش در رفاه، برای شما بیشتر می‌ترسم تا آزمایش در سختی. شما به آزمایش در سختی آزموده شدید و صبر کردید؛ اما دنیا خوش و شیرین است.

۵۲۴. صحیح البخاری - به نقل از ابو سعید خدری - : پیامبر خدا بر منبر ایستاد و فرمود: «ترس من برای شما بعد از رفتنم، باز شدن در برکت‌های زمین به

۱. مراد پیامبر ﷺ از «دوری دو ستاره...» - البته خدا دانایتر است - ستاره‌هایی هستند که [در بیست و هشت شب هر ماه]، منزلگاه‌های ماه‌اند و «انواء» نام گرفته‌اند، همان گونه که خداوند فرموده است: «برای ماه، منزلگاه‌هایی مقدر کردیم» (یس: آیه ۳۹). هر یکی از آن دو ستاره، صبحگاهان غروب نمی‌کند، مگر این که ستاره دیگر در مشرق طلوع کند. این دو، نه به همدیگر می‌رسند و نه به یکدیگر نزدیک می‌شوند. چنین است اختلاف احوال اهل دنیا در برخورداری و درآمدهایشان، که به هم نزدیک نمی‌شوند؛ اختلاف میان زیر سلطه و مسلط، برخوردار و محروم، در آسایش و گرفتار، و مانند اینها.

أَخْشَى عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي مَا يُفْتَحُ عَلَيْكُمْ مِنْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ. ثُمَّ ذَكَرَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا، فَبَدَأَ بِإِحْدَاهُمَا وَتَنَّى بِالْأُخْرَى، فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْ يَأْتِي الْخَيْرُ بِالشَّرِّ؟ فَسَكَتَ عَنْهُ النَّبِيُّ ﷺ، قُلْنَا: يُوْحَى إِلَيْهِ، وَسَكَتَ النَّاسُ كَأَنَّهُ عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرُ، ثُمَّ إِنَّهُ مَسَحَ عَنْ وَجْهِهِ الرُّخْضَاءَ^١، فَقَالَ:

أَيْنَ السَّائِلُ آتِئاً، أَوْ خَيْرٌ هُوَ؟! - ثلاثاً - إِنَّ الْخَيْرَ لَا يَأْتِي إِلَّا بِالْخَيْرِ، وَإِنَّهُ كُلُّ مَا يُنْبِتُ الرَّبِيعُ مَا يَقْتُلُ حَبْطاً^٢ أَوْ يُلِمُّ^٣، إِلَّا آكِلَةَ الْخَضِرِ كُلَّمَا أَكَلَتْ، حَتَّى إِذَا امْتَلَأَتْ خَاصِرَتَاهَا اسْتَقْبَلَتِ الشَّمْسُ، فَتَلَطَّتْ^٤ وَبَالَتْ ثُمَّ رَتَعَتْ، وَإِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرَةٌ حُلُوءَةٌ، وَنِعَمَ صَاحِبُ الْمُسْلِمِ لَمَنْ أَخَذَهُ بِحَقِّهِ فَجَعَلَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ، وَمَنْ لَمْ يَأْخُذْهُ بِحَقِّهِ فَهُوَ كَالْأَكِلِ الَّذِي لَا يَشْبَعُ، وَيَكُونُ عَلَيْهِ شَهِيداً يَوْمَ الْقِيَامَةِ^٥.

٥٢٥. الإمام الباقر ﷺ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ لَمَّا انْقَضَتِ الْقِصَّةُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ وَعَائِشَةَ بِالْبَصْرَةِ، صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَتْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، ثُمَّ قَالَ:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوءَةٌ خَضِرَةٌ، تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَتُزَيِّنُ لَهُمْ بِعَاجِلِهَا....^٦

١. الرُّخْضَاءُ: هُوَ عَرَقٌ يَفْسِلُ الْجِلْدَ لِكَثْرَتِهِ (النهاية: ج ٢ ص ٢٠٨ «رحض»).

٢. حَبْطٌ حَبْطاً: هَذَرٌ (المصباح المنير: ص ١١٨ «حبط»).

٣. مَا يَقْتُلُ حَبْطاً أَوْ يُلِمُّ: أَيُّ يَقْرُبُ مِنْ ذَلِكَ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ١٧٧ «لم»).

٤. تَلَطَّتْ الثَّوْرُ وَالْبَعِيرُ وَالصَّبِيُّ: سَلَحَ رَقِيقاً (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٥٣ «تلط»). وَالسَّلْحُ لِلطَّائِرِ وَغَيْرِهِ كَالْتَفُوطِ مِنَ الْإِنْسَانِ (أنظر المصباح المنير: ص ٢٨٤ «سلح»).

٥. صحيح البخاري: ج ٣ ص ١٠٤٥ ح ٢٦٨٧. صحيح مسلم: ج ٢ ص ٧٢٩ ح ١٢٣، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٢٣ ح ٣٩٩٥. سنن النسائي: ج ٥ ص ٩٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٦ ح ١١٠٣٥، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٢٨١ ح ٥٧١٠ كلها نحوه.

٦. الكافي: ج ٨ ص ٢٥٦ ح ٢٦٨ عن سلام بن المستنير، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٢٣٣ ح ١٨٦.

روی شماست». سپس از ناز و نعمت‌های دنیا یاد کرد و یکی پس از دیگری، آنها را برشمرد.

مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! آیا خیر (مال و ثروت دنیا)، شر می‌آورد؟

پیامبر ﷺ جوابش را نداد.

گفتیم: «به او وحی می‌شود» و مردم، چنان آرام گرفتند که گویی پرنده روی سر آنان نشسته است (کوچک‌ترین تکانی نمی‌خوردند).

پیامبر ﷺ سپس صورتش را که خیس عرق شده بود، با دست، پاک کرد و سه بار فرمود: «کجاست آن پرسنده؟ آیا آن، خیر است؟! خیر، جز خیر نمی‌آورد. علف‌هایی که در بهار می‌رویند، [خورنده خویش را] می‌کشند یا تا آستانه کشته شدن می‌برند، مگر آن حیوانی را که خاشاک بخورد. چنین حیوانی می‌خورد تا آن که معده‌اش پر می‌شود و سپس در آفتاب، دراز می‌کشد و بعد، ریقی می‌زند و ادزاری می‌کند و دوباره می‌چرد. این مال و ثروت [دنیا] دل‌پذیر و شیرین است و برای مسلمانی که به اندازه حق خود از آن برگیرد و آن را در راه خدا و برای یتیمان و مستمندان خرج کند، نیکو رفیقی است؛ اما کسی که بیش از حقش از آن برگیرد، همانند خورنده‌ای سیری‌ناپذیر است، و آن مال [که به ناحق برداشته شده،] در روز قیامت، علیه او گواهی می‌دهد».

۵۲۵. امام باقر ﷺ: امیر مؤمنان ﷺ پس از آن که ماجرای میان او و میان طلحه و زبیر و عایشه در بصره [در جنگ جمل] خاتمه یافت، بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی گفت و بر پیامبر خدا درود فرستاد. آن گاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و خوش است. مردم را با خواست‌ها [ی دنیوی] می‌فریبد، و ظاهر خویش را برای آنان می‌آراید.

٥٢٦. الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليه السلام: فيما وعظ الله عليه السلام به عيسى عليه السلام ...: يا عيسى، إنَّ الدُّنيا حُلُوَّةٌ، وإنَّما استعملتكَ فيها، فجانِب منها ما حذرتكَ، وخُذ منها ما أعطيتكَ عفواً ١.٢.

ب - الدُّنيا سَحارةٌ

٥٢٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: احذروا الدُّنيا؛ فإنَّها أسحر من هاروت وماروت ٢.

٥٢٨. عنه عليه السلام: قال أخِي عيسى عليه السلام: معاشِرَ الحواريين، احذروا الدُّنيا لا تسحرُكم، لَهي والله أشدُّ سِحراً من هاروت وماروت، وأعلموا أنَّ الدُّنيا مُدبِرةٌ والآخرةُ مُقبِلَةٌ، وإنَّ لِكُلِّ واحدٍ منهما بنين، فكونوا من أبناءِ الآخرةِ دونَ بني الدُّنيا؛ فإنَّ اليَوْمَ عَمَلٌ ولا حِسَابَ، وغداً الحِسَابُ ولا عَمَلٌ ٢.

ج - الدُّنيا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ

٥٢٩. الإمام علي عليه السلام: احذرِ الدُّنيا؛ فإنَّها شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ ومَفْسَدَةُ الإِيْمَانِ ٥.

١. العقوف: أحلَّ المال وأطيبه، وخيار الشيء وأجوده، والفضل والمعروف (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٦٤ «عفو»).

٢. الكافي: ج ٨ ص ١٣١ - ١٤٠ ح ١٠٣، تحف العقول: ص ٥٠٠ من دون إسناد إلى المعصوم، الأمالي للصدوق: ص ٦١٣ ح ٨٤٢ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام بزيادة «لتطيعني» بعد «ففيها»، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٤٥ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٨ ح ١٤.

٣. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٣٩ ح ١٠٥٠٤، ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ٥٤ ح ١٣٢ كلاهما عن أبي الدرداء الرهاوي، نوادر الأصول: ج ١ ص ٧٥، تفسير القرطبي: ج ٢ ص ٥٣ كلاهما عن عبد الله بن بشر [بسر] المازني وفيهما «أتقوا الدنيا، فوالذي نفسي بيده إنها لأسحر»، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠١، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٢ ح ٦٠٦٥: تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣١.

٤. الدر المنثور: ج ١ ص ٢٢٤ نقلاً عن الخطيب عن ابن عمر.

٥. غرر الحكم: ج ٢٦٠٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٤ ح ٢٣٤٠.

۵۲۶. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از ائمه علیهم السلام :- از پندهای خداوند تعالی به عیسی آن بود که: «... ای عیسی! دنیا شیرین است، و من تو را در آن به کار گرفته‌ام. پس، دنیا از آنچه تو را بر حذر داشته‌ام، دوری کن، و در آن آنچه را که از روی بخشش عطایت کرده‌ام، برگیر^۱».

ب - دنیا افسونگر است

۵۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دنیا حذر کنید؛ چرا که از هاروت و ماروت^۲ هم افسونگرتر است.

۵۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی علیه السلام گفت: «ای گروه حواریان! به هوش باشید که دنیا شما را افسون نکند. به خدا سوگند که دنیا افسونگرتر از هاروت و ماروت است. بدانید که دنیا رفتنی است و آخرت، آمدنی، و برای هر یک از آن دو، فرزندان است. پس شما از فرزندان آخرت باشید، نه فرزندان دنیا؛ زیرا امروز، روز عمل است نه حساب، و فردا روز حسابرسی است نه عمل».

ج - دنیا، دام شیطان است

۵۲۹. امام علی علیه السلام: از دنیا بر حذر باش؛ چرا که دام شیطان و تباہ کننده ایمان است.

۱. یا: از آنچه از دنیا عطایت کرده‌ام، پاک‌ترین و حلال‌ترین آن را برگیر.

۲. مشهور، این است که هاروت و ماروت: دو فرشته بوده‌اند که به مردم بابل، سحر می‌آموخته‌اند تا سحر ساحرائی را که می‌کوشیدند با سحر زندگی مردم را مختل سازند، باطل نمایند. از ظاهر آیه ۱۰۲ سوره بقره نیز همین استفاده می‌شود. (م)

د - الدُّنْيَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ مَكَارَةٌ خَدَاعَةٌ

٥٣٠. الإمام علي عليه السلام: إِحْذَرُوا الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدُوعٌ، مُعْطِيَةٌ مَنُوعٌ، وَمُلْبِسَةٌ نَزُوعٌ.^١

٥٣١. عنه عليه السلام: إِحْذَرُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الْخَدَاعَةَ الْغَرَارَةَ، الَّتِي قَدْ تَزَيَّنَتْ بِحُلِيِّهَا، وَفَتَنْتْ بِغُرُورِهَا، وَغَرَّتْ بِأَمَالِهَا، وَتَشَوَّفَتْ لِخُطَايَاهَا، فَأَصْبَحَتْ كَالْعُرُوسِ الْمَجْلُوءَةِ، وَالْعُيُونُ إِلَيْهَا نَاطِرَةٌ، وَالنُّفُوسُ بِهَا مَشْغُوفَةٌ، وَالْقُلُوبُ إِلَيْهَا تَائِقَةٌ، وَهِيَ لِأَزْوَاجِهَا كُلِّهِمْ قَاتِلَةٌ، فَلَا الْبَاقِيَ بِالْمَاضِي مُعْتَبِرٌ، وَلَا الْآخِرُ بِسُوءِ أَثَرِهَا عَلَى الْأَوَّلِ مُزْدَجِرٌ، وَلَا اللَّيْبُ^٢ فِيهَا بِالتَّجَارِبِ مُنْتَفِعٌ.^٣

٥٣٢. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَدَاعَةٌ صَرَاعَةٌ، مَكَارَةٌ غَرَارَةٌ سَخَّارَةٌ، أَنَهَارُهَا لَامِعَةٌ، وَثَمَرَاتُهَا يَانِعَةٌ، ظَاهِرُهَا سُورٌ، وَبَاطِنُهَا غُرُورٌ، تَأْكُلُكُمْ بِأَضْرَاسِ الْمَنَايَا، وَتُسَبِّرُكُمْ^٤ بِإِتْلَافِ الرِّزَايَا، لَهْمٌ بِهَا أَوْلَادُ الْمَوْتِ، وَآثَرُوا زِينَتَهَا فَطَلَبُوا رُتْبَتَهَا....

دَارَتْ عَلَيْكُمْ بِضُرُوفِهَا، وَرَمَتْكُمْ بِسَهَامِ خُتُوفِهَا^٥، فَهِيَ تَنْزِعُ أَرْوَاحَكُمْ نَزْعًا، وَأَنْتُمْ تَجْمَعُونَ لَهَا جَمْعًا، لِلْمَوْتِ تَوْلَدُونَ، وَإِلَى الْقُبُورِ تُنْقَلُونَ، وَعَلَى التُّرَابِ تُنَوِّمُونَ، وَإِلَى الدَّوْدِ تُسَلِّمُونَ، وَإِلَى الْحِسَابِ تُبْعَثُونَ.^٦

٥٣٣. عنه عليه السلام: مَنْ رَاقَهُ زَبْرُجُ^٧ الدُّنْيَا مَلَكَتْهُ الْخُدَعُ.^٨

١. نهج البلاغة: الخطبة ٢٣٠، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٣ ح ٤٦.

٢. اللَّيْبُ: الْعَاقِلُ (الصَّحاح: ج ١ ص ٢١٦ «لَب»).

٣. دستور معالم الحكم: ص ٣٧؛ بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٨ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ.

٤. الْمُسِيرُ: أَيِ الْمَهْلِكِ، يُسْرِفُ فِي إِهْلَاكِ النَّاسِ (النهاية: ج ١ ص ١٦١ «بور»).

٥. الْخُتَفُ: الْمَوْتُ، وَالْجَمْعُ خُتُوفٌ (الصَّحاح: ج ٤ ص ١٣٤٠ «حتف»).

٦. الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص ٦٥٢ ح ١٣٥٣ عن شريح القاضي، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٧١ ح ٣٥.

٧. الزَّبْرُجُ: الزَّيْنَةُ مِنْ وَشْيٍ أَوْ جَوْهَرٍ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ (الصَّحاح: ج ١ ص ٣١٨ «زبرج»).

٨. غرر الحكم: ح ٨١٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٣ ح ٧٧٦٣.

د - دنیا خیانت‌پیشه، فریبنده، نیرنگ‌باز و حيله‌گر است

۵۳۰. امام علی علیه السلام: از دنیا حذر کنید؛ (چرا که خیانتکار، فریبنده، حيله‌گر، عطاکننده و دریغ‌ورزنده، و پوشاننده و برهنه‌کننده است).

۵۳۱. امام علی علیه السلام: از این دنیای حيله‌گر فریبنده، بر حذر باشید؛ دنیایی که خویشتن را با زیورهایش آراسته، و با فریبایی‌اش مفتون می‌سازد، و با آرزوهایش می‌فریبد، و برای خواستگاران‌ش خودآرایی می‌کند، و همچون عروس نقاب برکشیده‌ای شده است که چشم‌ها بدو خیره گشته، و جان‌ها شیدایش شده، و دل‌ها شیفته‌اش گردیده‌اند، و در حالی که او قاتل همه شوهران خویش است، نه شوهران آینده از شوهران گذشته عبرت می‌گیرند، و نه بدرفتاری او با اولی، عامل بازدارنده آخری است، و نه خردمند از این تجربه‌ها سود می‌برد.

۵۳۲. امام علی علیه السلام: دنیا، حيله‌گر است و به خاک افکن و نیرنگ‌باز و فریبنده و افسونگر. جویبارهایش درخشان، و میوه‌هایش رسیده‌اند و ظاهرش خوش، و باطنش پوچ است. با دندان‌های مرگ، شما را می‌خورد، و با بلاهای ویرانگرش نابودتان می‌کند. مردم در دنیا برای مرگ، زاده می‌شوند، با این حال، زینت دنیا را برگزیدند و جاه آن را طلبیدند.

نادان مردی است آن مرد که شیفته لذت‌های دنیا شد، و به شادی آن دل خوش کرد، و از خیانت آن آسوده‌خاطر گشت. دنیا با مصیبت‌هایش شما را در میان گرفته، و با تیرهای مرگش شما را نشانه رفته است. او پیوسته جان‌های شما را می‌ستاند و شما پیوسته برای او [ثروت] گرد می‌آورید. برای مرگ، زاده می‌شوید، و به سوی گورها می‌برندتان، و در بستر خاک می‌خوابانندتان، و به دست کرم‌ها می‌سپارندتان، و برای حسابرسی برانگیخته خواهید شد.

۵۳۳. امام علی علیه السلام: هر که زیور دنیا، او را خوش آید، فریب‌ها [ی دنیا] اختیاردار او خواهند گشت.

٥٣٤. بحار الأنوار - في ذكر صُحُفِ إدريس عليه السلام - : الصَّحِيفَةُ الثَّانِيَّةُ وَالْعِشْرُونَ «صَحِيفَةُ الدُّنْيَا»: تَفَكَّرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفْتِنُ بِزَبْرِجِ زَخَارِيفِهَا، وَتَخْدَعُ بِخَلَاوَةِ تَصَارِيفِهَا، وَلَذَاتِهَا شَبِيهَةٌ بِنُورِ الْوَرْدِ الْمَحْفُوفِ بِالشَّوْكِ الْكَثِيرِ، فَهُوَ مَادَامَ زَاهِرًا يَرُوقُ الْعُيُونُ وَيَسُرُّ النَّفُوسَ، وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ مُمْتَنِعٌ بِالشَّوْكِ الْمُقْرِحِ يَدَ مُتَنَاوِلِهِ، فَإِذَا مَضَتْ سَاعَاتُ قَلِيلَةٍ، اِنْتَشَرَ الزَّهْرُ وَبَقِيَ الشَّوْكَ، كَذَلِكَ الدُّنْيَا الْخَائِنَةُ الْفَانِيَّةُ، فَإِنَّ حَيَاتَهَا مُتَعَقِّبٌ بِالْمَوْتِ، وَشَبَابُهَا صَائِرٌ إِلَى الْهَرَمِ، وَصِحَّتُهَا مَحْفُوفَةٌ بِالْمَرَضِ، وَغِنَاهَا مَتَّبِعٌ بِالْفَقْرِ، وَمُلْكُهَا مَعْرُضٌ لِلزَّوَالِ، وَعِزُّهَا مَقْرُونٌ بِالذُّلِّ، وَلَذَاتِهَا مُكَدَّرَةٌ بِالشَّوَائِبِ^١، وَشَهَوَاتِهَا مُمْتَزِجَةٌ بِمَضَضِ النَّوَائِبِ، شَرُّهَا مَحْضٌ، وَخَيْرُهَا مُمْتَزِجٌ، مَنْ حُبِّي^٢ مِنْهَا بِشَيْءٍ مِنْ شَهَوَاتِهَا لَمْ يَخُلْ مِنْ غُصَصِ مَرَارَاتِهَا، وَخَوْفِ عُقُوبَاتِهَا، وَخَشْيَةِ تَبْعَاتِهَا، وَمَا يَعْرِضُ فِي الْحَالِ مِنْ آفَاتِهَا.

هَذِهِ حَالُ فَازٍ مَنْ سَعِدَ بِهَا، فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ لَمْ يَحْظَ بِطَائِلٍ مِنْهَا! الصَّحِيحُ فِيهَا يَخَافُ السُّقْمَ، وَالْغِنَى يَخْشَى الْفَقْرَ، وَالشَّابُّ يَتَوَقَّعُ الْهَرَمَ، وَالْحَيُّ يَنْتَظِرُ الْمَوْتَ، مَنْ اعْتَمَدَ عَلَيْهَا وَاسْتَنَامَ إِلَيْهَا كَانَ مِثْلَ الْمُسْتَنِدِّ إِلَى جَبَلٍ شَاهِقٍ مِنَ الثَّلَجِ؛ يَعْظُمُ فِي الْعُيُونِ عَرْضُهُ وَطَوْلُهُ وَسَمْكُهُ، فَإِذَا أَشْرَقَتْ شَمْسُ الصَّيْفِ عَلَيْهِ ذَابَ غَفْلَةً وَسَالَ، وَبَقِيَ الْمُسْتَنِدُّ إِلَيْهِ وَالْمُسْتَذِرُ^٣ لَهُ بِالْعَرَاءِ، فَكَذَلِكَ مَصِيرُ هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَى زَوَالٍ وَاضِحٍ حَلَالٍ، وَانْتِقَالٍ إِلَى دَارٍ غَيْرِهَا، لَا يَقْبَلُ فِيهَا إِلَّا الْإِيمَانُ، وَلَا يَنْفَعُ فِيهَا إِلَّا الْعَمَلُ الصَّالِحُ، وَلَا يُتَخَلَّصُ فِيهَا إِلَّا بِرَحْمَةِ اللَّهِ، مَنْ

١. النَّورُ: زهر النبت (المصباح المعبر: ص ٦٢٩ «نور»).

٢. الشوائب: الأقدار والأدناس (الصحيح: ج ١ ص ١٥٩ «شوب»).

٣. حباه: يحبوه: أي أعطاه (الصحيح: ج ٦ ص ٢٣٠٨ «حبا»).

٤. استذريت بفلان: أي التجأت إليه وصرت في كنفه (الصحيح: ج ٦ ص ٢٣٤٥ «ذرا»).

۵۳۴. بحار الأنوار - در یادکرد صُحُفِ ادریس علیه السلام :- صحیفه بیست و دوم، «صحیفه دنیا» است: اندیشه کنید درباره این دنیایی که با زیورهایش مفتون می سازد، و با شیرین کاری هایش می فریبد، و لذت هایش به غنچه گلی می ماند که خار بسیار، آن را در میان گرفته است. چنین گلی، تا زمانی که شاداب است، چشم نواز و جان افزاست، و با این حال، در میان خارهایی است که دست چینه اش را زخم می کنند. و چون اندک ساعاتی بگذرد، گل، پرپر می شود و خار می ماند.

دنیای خیانت پیشه ناپایدار نیز چنین است. زندگی اش مرگ در پی دارد، جوانی اش به پیری می انجامد، سلامتیش با بیماری، در میان گرفته شده است، دارایی اش ناداری در پی دارد، مُلکش در معرض زوال است، عزتش با ذلت همراه است، خوشی هایش با ناخالصی ها آمیخته است، خواهش هایش آمیخته با رنج بلاهاست، بدی هایش خالص است، و خوبی هایش آمیخته. هر که چیزی از خواهش های دنیوی به وی داده شود، از اندوه تلخی های آن و ترس از کیفرهای آن و بیم پیامدهایش، و آفاتی که در حال دامن گیرش می شود، برکنار نیست.

این، حال کسی است که از آن برخوردار شده است. حال، درباره کسی که بهره ای از آن نبرده است، چه می گویی؟ تن درست، در دنیا از بیماری می ترسد، دارا از نادار شدن می هراسد، جوان، نگران پیری است، و زنده، چشم به راه مرگ است. هر که به دنیا تکیه کند و بدان دل خوش نماید، چونان کسی است که به کوه بلندی از یخ و برف، تکیه کرده است. پنهان و درازا و ستبری چنین کوهی، به چشم، بزرگ می آید؛ اما چون آفتاب تموز بر آن بتابد، به ناگاه آب می شود و روان می گردد، و آن که بدان تکیه کرده و در پناهش در آمده است، بی پشت و پناه می ماند. حال این دنیا نیز چنین است: حرکت به سوی زوال و فروپاشی، و منتقل شدن به سرایی دیگر که در آن جا،

هَلَكَ فِيهَا هَوًى، وَمَنْ فَازَ فِيهَا عَلَا، وَهِيَ مُخْتَلِفَةٌ دَائِمَةً.^١

هـ - الدُّنْيَا عَدُوَّةُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَعْدَائِهِ

٥٣٥. الإمام علي عليه السلام: إِحْذَرُوا الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا عَدُوَّةُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَعَدُوَّةُ أَعْدَائِهِ، أَمَّا أَوْلِيَائُوهُ فَغَمَّتْهُمْ، وَأَمَّا أَعْدَاؤُهُ فَفَرَّتْهُمْ.^٢

و - إِحْذَرُوا الدُّنْيَا الْحَذَرَ كُلَّهُ

٥٣٦. الإمام علي عليه السلام: إِحْذَرُوا الدُّنْيَا الْحَذَرَ كُلَّهُ، وَضَعُوا عَنْكُمْ ثِقَلَ هُمُومِهَا لِمَا تَيَقَّنْتُمْ يَوْشَكِ زَوَالُهَا، وَكُونُوا أَسْرَرَ مَا تَكُونُونَ فِيهَا أَحْذَرَ مَا تَكُونُونَ لَهَا، فَإِنَّ طَالِبَهَا كُلَّمَا أَطْمَأَنَّ مِنْهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَهُ عَنْهَا مَكْرُوهٌ، وَكُلَّمَا اغْتَبَطَ مِنْهَا بِإِقْبَالِ نَفْسِهِ^٣ عَنْهَا إِدْبَارٌ، وَكُلَّمَا ثَبَّتَ عَلَيْهِ مِنْهَا رَجُلًا^٤ طَوَتْ عَنْهُ كَشْحًا^٥، فَالَسَّارُ فِيهَا غَارٌ، وَالتَّافِعُ فِيهَا ضَارٌّ، وَصِلَ رَخَاؤُهَا بِالْبَلَاءِ، وَجُعِلَ بَقَاؤُهَا إِلَى الْفَنَاءِ، فَرَحُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزَنِ، وَآخِرُ هُمُومِهَا إِلَى الْوَهْنِ.^٦

٥٣٧. عنه عليه السلام: إِحْذَرُوهَا حَذَرَ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ، وَالْمُجِدِّ الْكَادِحِ.^٧

٥٣٨. عنه عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، احْذَرِ أَنْ تَكُونَ مِثْلَ الصَّبِيِّ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْأَخْضَرِ وَالْأَصْفَرِ [أَحَبَّهُ^٨]، وَإِذَا أُعْطِيَ شَيْئًا

١. بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٦٨.

٢. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٥.

٣. نَفْسُهُ: كَذَرَهُ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٢١ «نفس»).

٤. كَذَا فِي الْمَصْدَرِ وَالصَّحِيحِ «كَلَّمَا ثَبَّتَ عَلَيْهَا مِنْهُ رَجُلٌ».

٥. طَوَى فَلَانٌ عَنِّي كَشْحَهُ: إِذَا قَطَعَكَ وَعَادَاكَ (الصحاح: ج ١ ص ٣٩٩ «كشع»).

٦. بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٩ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ.

٧. نهج البلاغة: الخطبة ١٦١.

٨. مَا بَيْنَ الْمُعْقُوفِينَ أَثْبَتْنَا مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.

تنها ایمان پذیرفته می شود، و فقط کار نیک سود می بخشد، و تنها با رحمت خدا نجات می توان یافت. هر که در این سرای بازنده شود، [به دوزخ] سقوط می کند، و هر که برنده شود، [به درجات عالی بهشت] بالا می رود.

هـ- دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست

۵۳۵. امام علی علیه السلام: از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنان او. دشمن دوستان اوست؛ چون غمگینشان می سازد، و دشمن دشمنان اوست؛ چون فریشان می دهد.

و- از دنیا کاملاً بر حذر باشید

۵۳۶. امام علی علیه السلام: از دنیا کاملاً بر حذر باشید و بار اندوه های آن را از دوش خویش بردارید؛ چون یقین دارید که به زودی از شما جدا می شود، و آن گاه که بیش از هر زمان دیگر در دنیا شادید، بیش از همیشه از آن بر حذر باشید؛ چرا که طالب دنیا هر گاه به شادی ای از آن دل گرم شود، پیشامدی ناگوار، او را از آن شادی خارج می سازند، و هر گاه با اقبالی از دنیا شادمان شود، ادباری از آن، شادی او را به کامش تلخ می گرداند، و هر گاه دنیا گامی برای او بردارد، گامی به او پشت می کند. پس، شادکننده دنیا فریبنده است، و سودمند آن، زیانمند. آسایشش به گرفتاری پیوسته است، بودنش به نابودی واگذار شده است، شادی اش با اندوه، آمیخته است، و غم هایش به ناتوانی می انجامد.

۵۳۷. امام علی علیه السلام: از دنیا حذر کنید، همچون حذر کردن دلسوز خیرخواه، و کوشای رنجبر.

۵۳۸. امام علی علیه السلام: در یادکرد معراج پیامبر صلی الله علیه و آله -: خدای متعال فرمود: «... ای احمد! پرهیز از این که چون کودک باشی که هر گاه چشمش به سبز و زردی (چیزی رنگارنگ) می افتد، آن را می خواهد، و هر گاه شیرینی و ترشی به او داده

مِنَ الْخُلُوِّ وَالْحَامِضِ اغْتَرَّ بِهِ^١.

ز - اتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا

٥٣٩. الإمام علي عليه السلام: اتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا تَسْتَرْجِعُ أَبَدًا مَا خَدَعَتْ بِهِ مِنَ الْمَحَاسِنِ، وَتُزَعِّجُ^٢ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَالْقَاطِنَ^٣.

٥٤٠. عنه عليه السلام: فَلَا تُغَرَّنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا سَفَرٌ خُلُولٌ، الْمَوْتُ بِكُمْ نُزُولٌ، تَنْتَضِلُ^٥ فِيكُمْ مَنَآيَاهُ، وَتَمْضِي بِأَخْبَارِكُمْ مَطَايَاهُ، إِلَى دَارِ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَالْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ^٦.

٥٤١. عنه عليه السلام: لَا يَغُرَّنَكُمُ كَثْرَةُ مَا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا، لِقَلَّةِ مَا يَصْغِبُكُمْ مِنْهَا^٧.

٥٤٢. عنه عليه السلام: لَا يَغُرَّنَكُمُ مَا أَصْبَحَ فِيهِ أَهْلُ الْغُرُورِ، فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ^٨.

٥٤٣. عنه عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ، لَا تُغَرَّنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوقَةٌ، وَبِالْفَنَاءِ مَعْرُوقَةٌ، وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوقَةٌ، وَكُلُّ مَسَافِيهَا إِلَى زَوَالٍ، وَهِيَ بَيْنَ أَهْلِهَا دَوَلٌ وَسِجَالٌ^٩، لَنْ يَسْلَمَ مِنْ شَرِّهَا نَزَالُهَا؛ بَيْنَا أَهْلُهَا فِي رَجَاءٍ وَسُرُورٍ إِذْ هُمْ مِنْهَا

١. إرشاد القلوب: ص ١٩٩ - ٢٠٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦.

٢. يقال: أَرْعَجْتُ فُلَانًا عَنْ مَوْضِعِهِ إِذَا أَرْزَلْتَهُ عَنْهُ (أنظر المصباح المنير: ص ٢٥٣ «زَعَج»).

٣. قَطَنَ بِالْمَكَانِ: أَقَامَ بِهِ فَهُوَ قَاطِنٌ (المصباح المنير: ص ٥٠٩ «قَطَن»).

٤. غرر الحكم: ح ٢٥٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٨ ح ٢٠٩٩.

٥. يقال: انْتَضَلَ الْقَوْمُ وَتَنَاضَلُوا: أَي رَمَوْا لِلشُّبْقِ (النهاية: ج ٥ ص ٧٢ «نَضَلَ»).

٦. الكافي: ج ٨ ص ١٧٢ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٤٩ وفيه «يَسْتَنْصِلُ» و«بِأَخْيَارِكُمْ» بدل «تَنْتَضِلُ» و«بِأَخْيَارِكُمْ» بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٤٨ ح ٣٠؛ مطالب السؤول: ص ٥١ نحوه.

٧. نهج البلاغة: الخطبة ١٠٣، بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ١١٨ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ؛ مطالب السؤول: ص ٥١.

٨. نهج البلاغة: الخطبة ٨٩.

٩. سِجَالٌ: أَي مَرَّةٌ لَنَا وَمَرَّةٌ عَلَيْنَا (النهاية: ج ٢ ص ٣٤٤ «سَجَل»).

می شود، فریب می خورد».^۱

ز - از فریب دنیا بترسید

۵۳۹. امام علی علیه السلام: از فریب دنیا بترسید زیرا دنیا همیشه آنچه را که فریبکارانه داده است، پس می گیرد، و کسی را که آسوده خاطر در آن اقامت گزیده است، می راند.

۵۴۰. امام علی علیه السلام: زنهاری که زندگی دنیا، شما را نفریبد! شما در دنیا مسافرانی هستید که اُتراق کرده اید. مرگ نیز در میان شما منزل گزیده است؛ شما را آماج تیرهای خود کرده است، و مرکب های آن، خبرهای شما را به سرای ثواب و عقاب و سزا و حساب می برند.

۵۴۱. امام علی علیه السلام: زنهاری که جاذبه های فراوان دنیا شما را نفرینند؛ چرا که از دنیا، اندکی (کفنی) با خود می برید!

۵۴۲. امام علی علیه السلام: زنهاری که برخوردارِ فریب خوردگان [دنیا] شما را نفریبد؛ زیرا آن همه، در حقیقت، سایه ای است که تا مدتی محدود ادامه می یابد!

۵۴۳. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! زنهاری که زندگی دنیا شما را نفریبد. دنیا، سرایی است که بلا از هر سو آن را در میان گرفته است، و به نابودی معروف است، و بی وفایی، صفت آن است. هر آنچه در دنیا است، رو به زوال است، و آن، میان اهلش به نوبت می چرخد و هر روز به کام یکی است. ساکنانش هرگز از گزند او در امان نیستند؛ گاه در امید و شادمانی به سر می برند و گاه در رنج و ناکامی.

في بلاءٍ و غُرورٍ.

العيش فيها مَذْمُومٌ، وَالرِّخَاءُ فيها لَا يَدُومُ، وَإِنَّمَا أَهْلُهَا فيها أَغْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ، تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا، وَتَقْضِيهِمْ بِحِمَامِهَا^١.

٥٢٢. عنه عليه السلام: غُرُورُ الدُّنْيَا يَصْرَعُ^٢.

٥٢٥. عنه عليه السلام: مَنْ اغْتَرَّ بِالدُّنْيَا اغْتَرَّ بِالْمُنَى^٣.

ح - اتَّقُوا الرِّغْبَةَ فِي الدُّنْيَا

٥٢٦. الإمام علي عليه السلام: يَا أَسْرَى الرِّغْبَةِ أَقْصِرُوا؛ فَإِنَّ الْمُعْرِجَ عَلَى الدُّنْيَا لَا يَرُوعُهُ مِنْهَا إِلَّا صَرِيفٌ^٥ أَنْيَابِ الْحَدَّثَانِ^٦.

٥٢٧. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ آبِقٌ^٨ مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا^٩.

٥٢٨. عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ رَغِبْتُمْ فِي الدُّنْيَا أَفْنَيْتُمْ أَعْمَارَكُمْ فِيمَا لَا تَبْقُونَ لَهُ وَلَا يَبْقَى لَكُمْ^{١٠}.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

١. الجِمامُ: قَدَّرَ الموت (الصحيح: ج ٥ ص ١٩٠٦ «حکم»).

٢. تاريخ دمشق: ج ٢٢ ص ٥٠٠ عن عبد الله بن صالح العجلي عن أبيه، تذكرة الخواص: ص ١٢٣، المناقب للخوارزمي: ص ٢٧٠ ح ٢٨٩ كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بني شيان، دستور معالم الحكم: ص ٣٦ نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠١ ح ٤٤٢٢٤؛ نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٦ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٧ ح ١٠٩.

٣. غرر الحكم: ح ٦٣٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٤٧ ح ٥٨٧٢.

٤. غرر الحكم: ح ٨٣٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٥ ح ٨٢٠٦.

٥. الصريف: صرير الباب، و صرير ناب البعير (تاج العروس: ج ١٢ ص ٣٢٠ «صرف»).

٦. الحدّثان من الدهر: نُؤَيِّدُهُ وما يحدث منه كحوادثه، واحداً حادث (تاج العروس: ج ٣ ص ١٩٠ «حدث»).

٧. نهج البلاغة: الحكمة ٣٥٩، غرر الحكم: ح ١٠٩٩٤، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٧٣ ح ٢٧.

٨. آبق العبد: هَرَبَ (النهاية: ج ١ ص ١٥ «آبق»).

٩. نهج البلاغة: الكتاب ٦٩، غرر الحكم: ح ٢٣٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٨ ح ٢٢٦٢، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٠٩ ح ٧٠٧.

١٠. غرر الحكم: ح ٣٨٤٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٥ ح ٣٤٣٤.

زندگی آن، نکوهیده [و نامطلوب] است، و آسایشش دوام ندارد. مردم دنیا، در آن هدف‌های نشانه‌رفته‌ای هستند که دنیا تیرهایش را به سوی آنان می‌افکند، و با مرگ خردشان می‌کند.

۵۴۴. امام علی علیه السلام: فریب دنیا [آدمی را] به خاک می‌افکند.

۵۴۵. امام علی علیه السلام: هر که فریب دنیا را بخورد، فریب آرزوها را خورده است.

ح - از دل بستگی به دنیا بپرهیزید

۵۴۶. امام علی علیه السلام: ای اسیران خواهش‌ها! کوتاه بیایید؛ زیرا دنیا گرایان را تنها غر غر نیش‌های [هیولای] مصائب روزگار، از دنیا می‌ترساند.

۵۴۷. امام علی علیه السلام: مبادا مرگ، در حالی به سراغت بیاید که تو از پروردگار خویش گریخته‌ای و در طلب دنیایی!

۵۴۸. امام علی علیه السلام: شما اگر دنیاخواهی پیشه کنید، عمر خویش را در راه چیزی صرف کرده‌اید که نه شما برای آن می‌مانید و نه آن برای شما می‌ماند.

٥٣٩. عنه عليه السلام: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَوْجِبُ الْمَقْتَ ١.

راجع: ج ٢ ص ١٦٢ (الفصل الخامس: إرشادات لتحصيل الزهد).

٢/٣

التَّحْذِيرُ مِنَ لَذَائِ الدُّنْيَا

أ - لَذَائِهَا آلامٌ

٥٥٠. الإمام علي عليه السلام: صِحَّةُ الدُّنْيَا أَسْقَامٌ، وَلَذَائِهَا آلامٌ ٢.

ب - لَذَائِهَا تَنْغِيصٌ

٥٥١. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَعْكُوسَةٌ مَكُوسَةٌ، لَذَائِهَا تَنْغِيصٌ وَمَوَاهِبُهَا تَغْصِيصٌ ٣.

وَعَيْشُهَا عَنَاءٌ وَبَقَاؤُهَا فَنَاءٌ، تَجَمُّحُ بِطَالِيهَا وَتُرْدِي رَاكِبِهَا، وَتَخُونُ الْوَائِقَ بِهَا وَتُزْعِجُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا، وَإِنْ جَمَعَهَا إِلَى انْصِدَاعٍ وَوَصَلَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ ٥.

ج - عَذْبُهَا أَجَاجٌ

٥٥٢. الإمام علي عليه السلام: - فِي وَصْفِ الدُّنْيَا -: سُلْطَانُهَا دَوَلٌ ٦، وَعَيْشُهَا رَنْقٌ ٧، وَعَذْبُهَا

أَجَاجٌ ٨، وَخُلُوقُهَا صَبْرٌ ٩، وَغِذَاؤُهَا سِمَامٌ، وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ، حَيْثُهَا بَعْرَضٌ مَوْتٌ،

١. التفت: أشد البُغض (النهاية: ج ٤ ص ٣٤٦ «مقت»).

٢. غرر الحكم: ح ١٢٠١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٩ ح ٨٣.

٣. غرر الحكم: ح ٥٨١١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠٣ ح ٥٤٠٠.

٤. القصة: ما غص به الإنسان من طعام أو غيظ (المصباح المنير: ص ٢٢٨ «غصص»).

٥. غرر الحكم: ح ٣٦٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٣٢٢٥.

٦. تداول القوم الشيء تداولاً: هو حصوله في يد هذا تارة وفي يد هذا أخرى، والاسم: الدولة، والجمع دُولٌ (المصباح المنير: ص ٢٠٣ «دول»).

٧. عَيْشٌ رَنْقٌ: أي كدِرٌ (الصحيح: ج ٤ ص ١٤٨٥ «رنق»).

٨. الأجاج: الماء الشديد الملوحة (النهاية: ج ١ ص ٢٥ «أجاج»).

٩. الصَّبْرُ - بكسر الباء -: الدواء المرُّ (الصحيح: ج ٢ ص ٧٠٧ «صبر»).

۵۴۹. امام علی علیه السلام: دنیا خواهی، موجب دشمنی می شود.

ر. ک: ج ۲ ص ۱۶۲ (فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد).

۲/۳ بر حذر داشتن از لذت های دنیا

الف - لذت های دنیا رنج اند

۵۵۰. امام علی علیه السلام: تن درستی دنیا، بیماری است و لذت هایش، دردند.

ب - لذت های دنیا تیرگی آورند

۵۵۱. امام علی علیه السلام: همانا دنیا وارونه و بازگشته است: خوشی هایش تیرگی می آورند و بخشش هایش اندوه می آورند (/ گلوگیرند)، و زندگی اش رنج است و بقایش فنا. جوینده خود را بی اختیار می برد، و سوار خویش را به خاک هلاکت می افکند. به کسی که به او اعتماد کند، خیانت می ورزد و کسی را که بدان آرام گیرد، بی قرار (پریشان خاطر) می سازد. اتحاد آن، به پراکندگی می انجامد و پیوندش، به جدایی.

ج - گوارای دنیا، شور است

۵۵۲. امام علی علیه السلام - در توصیف دنیا - : قدرتش نوبتی است، عیشش تیره است، گوارایش شور است، شیرینش تلخ است، غذایش زهر است، ریسمان هایش پوسیده است، زنده اش دست خوش مرگ است، سالمش در معرض بیماری

وَصَحِيحُهَا بِعَرَضِ سُقْمٍ، مُلْكُهَا مَسْلُوبٌ، وَعَزِيزُهَا مَغْلُوبٌ، وَمَوْفُورُهَا
مَنْكُوبٌ، وَجَارُهَا مَحْرُوبٌ^١.

د - عِزُّهَا ذُلٌّ

٥٥٣. الإمام علي عليه السلام - في ذم الدنيا - : عِزُّهَا ذُلٌّ، وَجِدُّهَا هَزَلٌ، وَعُلُوُّهَا سُفْلٌ^٢.

٥٥٤. عنه عليه السلام : كَثْرَةُ الدُّنْيَا قِلَّةٌ، وَعِزُّهَا ذِلَّةٌ، وَزَخَارِفُهَا مُضِلَّةٌ، وَمَوَاهِبُهَا فِتْنَةٌ^٣.

٥٥٥. عنه عليه السلام : سُلْطَانُ الدُّنْيَا ذُلٌّ، وَعُلُوُّهَا سُفْلٌ^٤.

هـ - لَذَّتْهَا غُصَّةُ الْآخِرَةِ

٥٥٦. الإمام علي عليه السلام : مَا التَذُّ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا لَذَّةً إِلَّا كَانَتْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُصَّةٌ^٥.

٥٥٧. عنه عليه السلام : لِلْمُسْتَحْلِي لَذَّةُ الدُّنْيَا غُصَّةٌ^٦.

٥٥٨. رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا شَبَعًا أَكْثَرُهُمْ جَوْعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ^٧.

١. المَحْرُوبُ: المَسْلُوبُ المَنْهَبُ (النهاية: ج ١ ص ٣٥٨ «حرب»).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١١١، تحف العقول: ص ١٨١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٤ ح ١٠٩ نقلاً عن
عيون الحكم والمواعظ.

٣. نهج البلاغة: الخطبة ١٩١، غرر الحكم: ج ٣٤٢٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٣٢٢٢ و ص ١٥٠
ح ٣٢٩٤.

٤. غرر الحكم: ج ٧١٢٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٠ ح ٦٦١٠.

٥. غرر الحكم: ج ٥٥٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٣ ح ٥٠٩٥.

٦. غرر الحكم: ج ٩٦١٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٠ ح ٨٨١٦.

٧. غرر الحكم: ج ٧٣٢٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٠٤ ح ٦٨٢٣، مستدرک الوسائل: ج ١١ ص ٣٤٦
ح ١٣٢١٧.

٨. عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ٣٩ ح ١١٣ عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، الأمالي
للطوسي: ص ٣٤٦ ح ٧١٥ عن سلمان، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص ٢٣٢ ح ١٣٠ عن الإمام الرضا عن آبائه
عن الإمام علي عليه السلام عن أبي جحيفة عنه عليه السلام، عذة الداعي: ص ٧٤ وليس فيه «في الدنيا»، بحار الأنوار: ج ٧٣
ص ٩٩ ح ٨٤؛ سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٤٩ ح ٢٤٧٨ عن ابن عمر، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١١٢ ح ٣٣٥١
عن سلمان وفيهما «أطولهم» بدل «أكثرهم»، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ١٣٥ ح ٧١٤٠ عن أبي
جحيفة، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠٠ ح ٦١٦٣.

است، دارایی اش از کف رفتنی است، قدرتمندش شکست خوردنی است، ثروتمندش اسیر [رنج و گرفتاری] است، و پناهنده به آن، تاراج شونده است.

د - عزت دنیا، خواری است

۵۵۳. امام علی علیه السلام - در نکوهش دنیا - : عزتش خواری، و جدی اش شوخی، و بلندی اش پستی است.

۵۵۴. امام علی علیه السلام : زیاد دنیا اندک است، و عزتش خواری، و زیورهایش گمراه کننده، و دِهش هایش مایه گرفتاری.

۵۵۵. امام علی علیه السلام : قدرت دنیا، خواری است و بلندی اش، پستی.

ه - خوشی دنیا، اندوه آخرت است

۵۵۶. امام علی علیه السلام : هیچ کس از دنیا لذتی نمی چشد، مگر آن که در روز قیامت، مایه اندوه او می گردد (/ گلوگیر او می شود).

۵۵۷. امام علی علیه السلام : آن که لذت دنیا را شیرین یابد، به اندوه گرفتار می آید.

۵۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سیرترین مردم در دنیا، گرسنه ترین آنها در روز قیامت است.

٥٥٩. عنه عليه السلام: أَلَا يَا رَبِّ نَفْسٍ طَاعِمَةٍ نَاعِمَةٍ فِي الدُّنْيَا، جَائِعَةٍ عَارِيَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^١

٥٦٠. عيسى عليه السلام - لِلْخَوَارِثِينَ - : بِقَدْرِ مَا تَنْصَبُونَ^٢ هَاهُنَا تَسْتَرِيحُونَ هَاهُنَا، وَبِقَدْرِ مَا تَسْتَرِيحُونَ هَاهُنَا تَنْصَبُونَ هَاهُنَا.^٣

و - حَلَاوَتُهَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ

٥٦١. رسول الله صلى الله عليه وآله: حُلُوَةُ الدُّنْيَا مُرَّةُ الْآخِرَةِ، وَمُرَّةُ الدُّنْيَا حُلُوَةُ الْآخِرَةِ.^٤

٥٦٢. الإمام علي عليه السلام: مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ، وَحَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ.^٥

٥٦٣. عنه عليه السلام: حَلَاوَةُ الدُّنْيَا تَوْجِبُ مَرَارَةَ الْآخِرَةِ وَسُوءَ الْعُقْبَى.^٦

٥٦٤. عيسى عليه السلام - لِلْخَوَارِثِينَ - : يَا مَعْشَرَ الْخَوَارِثِينَ، كُلُوا خُبْزَ الشَّعِيرِ وَنَبَاتَ الْأَرْضِ وَالْمَاءَ الْقَرَّاحَ^٧، وَإِيَّاكُمْ وَخُبْزَ الْبُرِّ^٨؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَقُومُونَ بِشُكْرِهِ، وَاعْلَمُوا أَنَّ

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

١. شعب الإيمان: ج ٢ ص ١٧٠ ح ١٤٦١، الطبقات الكبرى: ج ٧ ص ٤٢٣ كلاهما عن أبي البجير، مسند الشهاب: ج ٢ ص ٣٠٨ ح ١٤٢٣ عن ابن البجير، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٨٣ ح ٤٢٥٠٢؛ عُدَّة الداعي: ص ١٠٩، إرشاد القلوب: ص ١٥٧ وفيها «كاسية» بدل «طاعمة»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٢١ ح ٣٨.

٢. نَصَبَ الرَّجُلُ: تَعَبَ (الصحاح: ج ١ ص ٢٢٥ «نصب»).

٣. الدَّرْ: الْمَشُورُ: ج ٢ ص ٢٠٦ تَقْلًا عَنْ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ وَهْبٍ.

٤. مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٤٨ ح ٢٢٩٦٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٥ ح ٧٨٦١، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٨ ح ١٠٣٣٦، المعجم الكبير: ج ٣ ص ٢٩١ ح ٣٤٣٨، مسند الشاميين: ج ٢ ص ٨٦ ح ٩٦٣ كُلُّهَا عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٥.

٥. نهج البلاغة: الحكمة ٢٥١، روضة الواعظين: ص ٤٨٣، غرر الحكم: ح ٩٧٩٣ وفيه صدره، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٢٥.

٦. غرر الحكم: ح ٤٨٨١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٢ ح ٤٤٣٦.

٧. الْقَرَّاحُ: الْمَاءُ الَّذِي لَمْ يَخَالِطْهُ شَيْءٌ يُطَيِّبُ بِهِ (النهاية: ج ٤ ص ٣٦ «قرح»).

٨. الْبُرُّ: الْحِنْطَةُ (لسان العرب: ج ٤ ص ٥٥ «برر»).

۵۵۹. پیامبر خدا ﷺ: هان! ای بسا انسان سیر و نازپرورده در دنیا که روز قیامت، گرسنه و برهنه است.

۵۶۰. عیسی ﷺ - به حواریان - : به اندازه‌ای که در این جا خسته می‌شوید، در آن جا (آخرت) می‌آسایید، و به اندازه‌ای که در این جا می‌آسایید، در آن جا به خستگی می‌افتید.

و - شیرینی دنیا، تلخی آخرت است

۵۶۱. پیامبر خدا ﷺ: شیرینی دنیا، تلخی آخرت است و تلخی دنیا، شیرینی آخرت.

۵۶۲. امام علی ﷺ: تلخی دنیا، شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا، تلخی آخرت.

۵۶۳. امام علی ﷺ: شیرینی دنیا، موجب تلخی آخرت و بدی عاقبت می‌شود.

۵۶۴. عیسی ﷺ - به حواریان - : ای گروه حواریان! نان جوین و گیاه زمین و آب

بی‌مزه^۱ بخورید و از خوردن نان گندم پرهیز کنید؛ چرا که شما از عهده شکرش برنمی‌آیید. و بدانید که شیرینی دنیا، تلخی آخرت است، و بدترین

۱. آبی که خالص است و طعم دهنده‌ای به آن افزوده نشده است.

حلاوة الدنيا مرارة الآخرة، وأشد مرارة الدنيا حلاوة الآخرة.^١

ز - ثروتها فقر الآخرة

٥٦٥. الإمام علي عليه السلام: ثروة الدنيا فقر الآخرة.^٢

٥٦٦. عنه عليه السلام: ما زاد في الدنيا نقص في الآخرة. ما نقص من الدنيا زاد في الآخرة.^٣

٥٦٧. عنه عليه السلام: أغنى الناس في الآخرة أفقرهم في الدنيا. أوفر الناس حظاً من الآخرة أقلهم حظاً من الدنيا.^٤

٥٦٨. الإمام الصادق عليه السلام: إنا لنحب الدنيا وألا نعطاها خير لنا، وما أعطيني أحد منها شيئاً إلا نقص من حظي في الآخرة.^٥

٥٦٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أعطى الله عبداً مؤمناً حظاً من الدنيا إلا مشوباً بتكدير؛ لئلا يكون ذلك حظاً من ثواب الله عز وجل، وليكمل الله له صفوة عيش الآخرة.^٦

٥٧٠. عنه عليه السلام: لا يشغلنك طلب دنياك عن طلب دينك؛ فإن طالب الدنيا رُبما أدرك فهلك بما أدرك، ورُبما فاتته فهلك بما فاتته.

١. الدر المنثور: ج ٢ ص ٢٠٥ نقلاً عن أحمد عن عطاء الأزرق، البداية والنهاية: ج ٢ ص ٨٨ عن ابن عمر نحوه وليس فيه «أشد».

٢. غرر الحكم: ج ٤٧٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢١٧ ح ٤٢٦٧.

٣. غرر الحكم: ج ٩٦١٩ و ٩٦٢٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٠ ح ٨٨١٧ و ٨٨١٨.

٤. غرر الحكم: ج ٣٢٢١ و ٣٢٢٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٥ ح ٢٥٥٤ و ص ١٢٢ ح ٢٧٨٠.

٥. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥١ ح ١٣٨ عن أبي يعقوب، الأمالي للطوسي: ص ٦٦٢ ح ١٣٨١، مستطرفات السرائر: ص ٤٠ ح ٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٩ كلها عن عبد الله بن أبي يعفور، عدة الداعي: ص ١٠٠ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٧ ح ١٣٠.

٦. الشوب: الخلط (الصحاح: ج ١ ص ١٥٨ «شوب»).

٧. دعائم الإسلام: ج ١ ص ٤٧.

تلخی دنیا، شیرینی آخرت است.

ز - ثروت دنیا، فقر آخرت است

۵۶۵. امام علی علیه السلام: ثروت دنیا، فقر آخرت است.

۵۶۶. امام علی علیه السلام: آنچه در دنیا می‌افزاید، در آخرت می‌کاهد، و آنچه در دنیا می‌کاهد، در آخرت می‌افزاید.

۵۶۷. امام علی علیه السلام: توانگرترین مردم در آخرت، درویش‌ترین آنان در دنیا است، و بهره‌مندترین مردم از آخرت، کم‌بهره‌ترین آنان از دنیا است.

۵۶۸. امام صادق علیه السلام: ما البته دنیا را دوست داریم؛ اما این که به ما داده نمی‌شود، برایمان بهتر است. به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد، مگر آن که از بهره او در آخرت کم شد.

۵۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به هیچ بنده مؤمنی بهره‌ای از دنیا نداد، مگر آمیخته با تیرگی، تا آن، سهم او از پاداش خداوند تبارک و تعالی [در آخرت] نباشد، و تا خداوند، زلالی زندگی آخرت را برایش کامل گرداند.

۵۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «زنهار، که طلب دنیایت، تو را از طلب دینت باز مدارد؛ چرا که طالب دنیا، گاه [به مطلوبش] می‌رسد و با همانچه بدان رسیده است، نابود می‌شود، و گاه نمی‌رسد و همانچه بدان نرسیده است، مایه هلاکت او می‌گردد!

آنان که در دنیا دارا ترند، در آخرت نادار ترند، مگر کسی که چنین و چنان کند»

الْأَكْثَرُونَ فِي الدُّنْيَا هُمُ الْأَقْلَوْنَ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَنْ قَالَ: هَكَذَا، وَهَكَذَا
- وَحَثَا يَدَيْهِ - .

وما أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئاً إِلَّا كَانَ أَنْقَصَ مِنْ حَقِّهِ فِي الْآخِرَةِ، حَتَّى
سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ؛ لِمَا أُعْطِيَ مِنَ الدُّنْيَا،
وَرَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا.^١

ح - رَفَعْتُهَا ضَعْفَ الْآخِرَةِ

٥٧١ . المعجم الكبير عن سلمان عن رسول الله ﷺ: مَا مِنْ عَبْدٍ يُرِيدُ أَنْ يَرْتَفَعَ فِي الدُّنْيَا
دَرَجَةً فَارْتَفَعَ، إِلَّا وَضَعَهُ اللَّهُ ﷻ فِي الْآخِرَةِ أَكْبَرَ مِنْهَا. ثُمَّ قَرَأَ ﴿وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ
دَرَجَتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلاً﴾^{٢، ٣}.

٥٧٢ . رسول الله ﷺ: حَقٌّ عَلَى اللَّهِ ﷻ أَنْ يَرْتَفَعَ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا وَضَعَهُ^٤.

٥٧٣ . الإمام علي عليه السلام: أَلَا وَإِنْ إعطاء المالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ، وَهُوَ يَرْفَعُ
صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ^٥.
راجع: ص ٣٩٠ (التحذير من حب الدنيا / لا يجتمع مع حب الآخرة).

١ . تاريخ يعقوبي: ج ٢ ص ٩٦.

٢ . الإسراء: ٢١.

٣ . المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٣٩ ح ٦١٠١، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٦٠ كلاهما عن سلمان، كنز العمال: ج ٣
ص ١٩٧ ح ٦١٤٤.

٤ . الفردوس: ج ٢ ص ١٣٢ ح ٢٦٧٥ عن أنس، مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٤٤٧ ح ١٧٨٦٠ عن سعيد بن
السيب.

٥ . نهج البلاغة: الخطبة ١٢٦، الأمالي للمفيد: ص ١٧٦ ح ٦، الأمالي للطوسي: ص ١٩٥ ح ٢٣١ كلاهما عن
ربيعة وعمارة، تحف العقول: ص ١٨٥، الغارات: ج ١ ص ٧٦ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٨ ح ٣٢.

و با دستش پراکند.^۱

«به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد، مگر آن که از حق او در آخرت کاست، حتی سلیمان بن داود^{علیه السلام}. او به خاطر دنیایی که به وی داده شد، آخرین پیامبری است که وارد بهشت می شود. ریشه (سرآمد) هر خطایی، دنیادوستی است.»

ح - بلندی دنیا، پستی آخرت است

۵۷۱. المعجم الكبير - به نقل از سلمان -: پیامبر خدا فرمود: «هیچ بنده ای نیست که بخواهد در دنیا یک درجه بالا برود و بالا هم برود، مگر آن که خداوند^{تعالی} او را در آخرت، یک درجه بزرگ تر از آن، پایینش می آورد.»
پیامبر سپس این آیه را خواند: ﴿و قطعاً درجات آخرت بزرگ ترند و برتری آن، بیشتر است﴾.

۵۷۲. پیامبر خدا^{صلی الله علیه و آله}: هر خداوند^{تعالی} است که هیچ چیزی در دنیا بالا نرود، مگر این که آن را پایین آورد.

۵۷۳. امام علی^{علیه السلام}: آگاه باشید که بخشیدن نابه جای مال، ریخت و پاش و اسراف است. این کار، صاحب مال را در دنیا بالا می برد؛ اما در آخرت، پست می گرداند، و در میان مردم، ارجمندش می سازد؛ ولی نزد خدا بی مقدارش می کند.

ر. ک: ص ۳۹۱ (بر حذر داشتن از دنیادوستی / دنیادوستی با آخرتدوستی جمع نمی شود).

۱. بدین معنا که از چپ و راست و این سو و آن سو، بخشش کند و در راه خدا اتفاق نماید.

٣/٣

التَّحْذِيرُ مِنَ مُصَاحَبَةِ الدُّنْيَا

٥٧٢. رسول الله ﷺ: إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْمَاشِي فِي الْمَاءِ، هَلْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْشِيَ فِي الْمَاءِ إِلَّا وَتَبَلُّ قَدَمَاهُ؟^١

٥٧٥. شُعْبُ الْإِيمَانِ عَنْ أَنَسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هَلْ مِنْ أَحَدٍ مَشَى عَلَى الْمَاءِ إِلَّا ابْتَلَّتْ قَدَمَاهُ؟ قَالُوا: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا؛ لَا يَسْلَمُ مِنَ الذُّنُوبِ.^٢

٥٧٦. إرشاد القلوب: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام يَتَمَثَّلُ بِهَذِهِ، وَيَقُولُ:
وَمَنْ يَصْحَبِ الدُّنْيَا يَكُنْ مِثْلَ قَابِضٍ عَلَى الْمَاءِ خَائِتُهُ فُرُوجُ الْأَصَابِعِ^٣

٣/٣

التَّحْذِيرُ مِنَ حُبِّ الدُّنْيَا

أ- رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ

٥٧٧. رسول الله ﷺ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.^٤

١. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٨؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٧.
٢. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٢٣ ح ١٠٤٥٧. مشكاة المصابيح: ج ٢ ص ٦٥٧ ح ٥٢٠٥. كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٨ ح ٦١٥١.
٣. إرشاد القلوب: ص ٢٣.
٤. كنز القوائد: ج ١ ص ٢١٧، الخصال: ص ٢٥ ح ٨٧ عن درست بن أبي منصور عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٥٠٨ عن عيسى عليه السلام، التحصين لابن فهد: ص ٢٧ ح ٢٣، غرر الحكم: ح ٤٨٦٨ عن الإمام علي عليه السلام. بحار الأنوار: ج ٧ ص ٣١٥ ح ٢٠ تقياً عن مصباح الشريعة، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٢٨ ح ١٠٥٠١، ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ١٦ ح ٩ كلاهما عن الحسن، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٢٩٩، البداية والنهاية: ج ٢ ص ٨٩ عن عيسى عليه السلام. كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٤.

۳/۳

بر حذر داشتن از همدی با دنیا

۵۷۴. پیامبر خدا ﷺ: حکایت همدم با دنیا، حکایت کسی است که در آب، راه می‌رود. آیا می‌تواند در آب راه برود، بدون آن که پاهایش خیس شود؟!

۵۷۵. شُعَبُ الْإِيمَان - به نقل از آنس - : پیامبر خدا فرمود: «آیا کسی هست که بر آب راه برود و پاهایش خیس نشود؟».

گفتند: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: «همدم با دنیا نیز چنین است. او از گناهان به سلامت نمی‌ماند».

۵۷۶. إرشاد القلوب: امام زین العابدین (ع) به این شعر، تمثّل می‌جست و می‌گفت: «همنشین دنیا، مانند کسی است که مستی آب برگیرد».

شکاف‌های انگشتان به او خیانت می‌کنند».

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
۳/۴

بر حذر داشتن از دنیا دوستی

الف - ریشه هر خطا

۵۷۷. پیامبر خدا ﷺ: دنیا دوستی، ریشه هر خطایی است.

٥٧٨. عنه عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَسَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ.^٢

٥٧٩. الإمام علي عليه السلام: أَتَيْهَا النَّاسُ! إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ.^٣

٥٨٠. عنه عليه السلام: أَلَا وَحُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمَجْمَعُ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَدَاعِيَةُ كُلِّ رِيْبَةٍ.^٤

٥٨١. الإمام زين العابدين عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ ﷻ - : مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ ﷺ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا، وَإِنَّ لِذَلِكَ لَشُعْباً كَثِيراً^٥، وَلِلْمَعَاصِي شُعْباً: فَأَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكِبْرُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ، وَالْحِرْصُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَحَوَاءَ حِينَ قَالَ اللَّهُ ﷻ لَهُمَا: «كُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»^٦، فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ، فَدَخَلَ ذَلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَذَلِكَ أَنَّ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ، ثُمَّ الْحَسَدُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ، فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ: حُبُّ النِّسَاءِ، وَحُبُّ

١. حَبِطَ عَمَلُهُ: بَطُلَ ثَوَابُهُ. وَأَحْبَطَهُ اللَّهُ تَعَالَى (الصَّحاح: ج ٣ ص ١١١٨ «حَبِط»).

٢. إِرْشَادُ الْقُلُوبِ: ص ٢١، أَعْلَامُ الدِّينِ: ص ٣٤٠ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عُدَّةُ الدَّاعِي: ص ٢٩٤ كِلَاهُمَا نَحْوُهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٧ ص ١٨٢ ح ١٠.

٣. تَحَفُّ الْعُقُولِ: ص ٢١٥، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٨ ص ٥٤ ح ٩٧.

٤. الرِّيْبَةُ: الشُّكُّ، وَقِيلَ: الشُّكُّ مَعَ التُّهْمَةِ (الْهِيَابَةُ: ج ٢ ص ٢٨٦ «رَيْب»).

٥. مَطَالِبُ السُّؤُولِ: ص ٥٢؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٨ ص ٢٣ ح ٨٦.

٦. «إِنَّ لَذَلِكَ» أَيِ الْبُغْضِ الدُّنْيَا، «لَشُعْباً» أَيِ مِنَ الصِّفَاتِ الْحَسَنَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَهِيَ ضِدُّ شُعْبِ الْمَعَاصِي (مِرَاةُ الْعُقُولِ: ج ٨ ص ٢٧٩).

٧. الْأَعْرَافُ: ١٩.

۵۷۸. پیامبر خدا ﷺ: دنیا دوستی، ریشه هر خطا، و کلید هر گناه، و سبب بی حاصل شدن هر کار نیکی است.

۵۷۹. امام علی علیه السلام: ای مردم! از دنیا دوستی پرهیزید که ریشه هر خطا، و در هر بلا، و جفت هر فتنه، و فراخواننده هر مصیبتی است.

۵۸۰. امام علی علیه السلام: هان! دنیا دوستی، ریشه هر خطا، و در هر بلا، و مجمع هر فتنه، و باعث هر سوء ظنی است.

۵۸۱. امام زین العابدین علیه السلام: در پاسخ به سؤال از برترین اعمال در نزد خداوند ﷻ :-
بعد از شناخت خداوند ﷻ و شناخت پیامبر او ﷺ، هیچ عملی برتر از نفرت از دنیا نیست، و برای آن، شاخه های بسیاری است،^۱ چنان که گناهان نیز شاخه هایی دارند و نخستین چیزی که خدا با آن نافرمانی شد، تکبر بود و آن، نافرمانی شیطان بود، آن گاه که سرپیچی و گردن فرازی کرد و از کافران شد. و [دوم،] آزمندی بود و آن، نافرمانی آدم و حوا بود، آن گاه که خداوند ﷻ به آن دو فرمود: «از هر چه می خواهید، بخورید؛ ولی به این درخت، نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید بود»؛ اما آن دو [از سر آزمندی،] چیزی را برداشتند که بدان نیازی نداشتند، و این خصلت به نسل آنها راه یافت تا روز قیامت. از همین رو، آدمیزاد، به بیشتر آنچه می طلبد، نیازی ندارد. و [سوم،] حسد بود و آن، نافرمانی پسر آدم بود، آن گاه که به برادرش حسادت ورزید و او را کشت.

۱. یعنی: نفرت از دنیا، شاخه ها و نتایج فراوانی از صفات نیک و کارهای شایسته دارد، که ضد شاخه های معصیت اند.

الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ، وَحُبُّ الْكَلَامِ، وَحُبُّ الْعُلُوِّ وَالشَّرْوَةِ،
فَصِرْنَ سَبْعَ خِصَالٍ، فَاجْتَمَعْنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا، فَقَالَ الْأَنْبِيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَعْدَ
مَعْرِفَةِ ذَلِكَ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.^١

٥٨٢. الإمام الصادق عليه السلام: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا.^٢

٥٨٣. الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليه السلام: فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ ﷻ بِهِ عِيسَى عليه السلام: ... اعْلَمْ أَنَّ
رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَذَنْبٍ هُوَ حُبُّ الدُّنْيَا، فَلَا تُحِبَّهَا فَإِنِّي لَا أَحِبُّهَا.^٣

٥٨٤. عيسى عليه السلام - فِي مَوَاعِظِهِ -: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ الَّذِي يَخْوِضُ النَّهْرَ لَا بُدَّ أَنْ
يُصِيبَ ثَوْبَهُ الْمَاءُ وَإِنْ جَهَدَ إِلَّا يُصِيبَهُ، كَذَلِكَ مَنْ يُحِبُّ الدُّنْيَا لَا يَنْجُو مِنْ
الْخَطَايَا.^٤

ب - أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ

٥٨٥. رسول الله ﷺ: حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ، وَأَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ.^٥

٥٨٦. عنه عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ مَا عَصِيَ اللَّهُ بِهِ سِتٌّ: حُبُّ الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَحُبُّ الطَّعَامِ،
وَحُبُّ النَّوْمِ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ، وَحُبُّ النِّسَاءِ.^٦

١. الكافي: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١١ وص ٣١٧ ح ٨ كلاهما عن الزهري محمد بن مسلم بن شهاب، مشكاة الأنوار:
ص ٤٦٥ ح ١٥٥٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٩ ح ٢٩.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٣١٥ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٦٦٢ ح ١٢٧٨ كلاهما عن هشام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧
ح ١: الزهد لابن حنبل: ص ١١٧ عن جعفر بن جرفاس عن عيسى عليه السلام.

٣. الكافي: ج ٨ ص ١٣١-١٤١ ح ١٠٣، تحف العقول: ص ٥٠٠ من دون إسناد إلى المعصوم، الأمالي للصدوق:
ص ٦١٣ ح ٨٤٢ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٥ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار
الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٨ ح ١٤.

٤. تحف العقول: ص ٥١٠، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٤ ح ١٧.

٥. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٢.

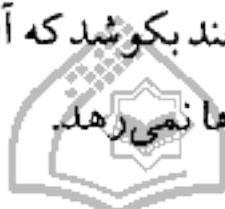
٦. الكافي: ج ٢ ص ٢٨٩ ح ٣، الخصال: ص ٣٣٠ ح ٢٧، المحاسن: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٠٦٣ كلها عن
عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٠٥ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٢
ص ١٠٥ ح ٣.

و از این خصلت‌ها، زن‌دوستی، دنیادوستی، ریاست‌خواهی، راحت‌طلبی، شهوت‌کلام، حبّ جاه و ثروت، نشئت‌گرفت. پس، هفت خصلت شدند که همگی در دنیادوستی گرد آمده‌اند. از این رو، پیغمبران و دانشمندان - که این نکته را شناخته‌اند - گفته‌اند: دنیادوستی، منشأ هر گناهی است.

۵۸۲. امام صادق علیه السلام: ریشه هر خطایی، دنیادوستی است.

۵۸۳. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از ائمه علیهم السلام - : از جمله اندرزهای خداوند تعالی به عیسی علیه السلام این بود: «... بدان که اساس هر خطا و گناهی، دنیادوستی است. پس، آن را دوست مدار که من نیز دوستش نمی‌دارم».

۵۸۴. عیسی علیه السلام - در اندرزهایش - : به حق به شما می‌گویم: کسی که وارد نهر آب شود، جامه‌اش تر می‌شود، هرچند بکوشد که آب به آن نرسد. این چنین، هر که دنیا را دوست بدارد، از خطاها نمی‌رهاند.



ب - ریشه هر نافرمانی

۵۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیادوستی، ریشه هر نافرمانی، و آغاز هر گناهی است.

۵۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین عواملی که خدا با آنها نافرمانی شد، شش چیز بود: دنیادوستی، ریاست‌خواهی، علاقه‌مندی به خوراک، علاقه‌مندی به خواب، راحت‌طلبی، و زن‌دوستی.

۵۸۷. الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكَ وَحُبُّ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمَعْدِنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ.^۱

۵۸۸. عيسى عليه السلام: إِعْلَمُوا أَنَّ أَصْلَ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا.^۲

ج - بَدْءُ كُلِّ فِتْنَةٍ

۵۸۹. الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا بَدْءُ وَقُوعِ الْفِتَنِ مِنْ أَهْوَاءِ تَتَّبِعُ، وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ.^۳

۵۹۰. الإمام الصادق عليه السلام: فِيمَا نَاجَى اللَّهُ ﷻ بِهِ مُوسَى عليه السلام: يَا مُوسَى... إِعْلَمْ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ

بَدْوُهَا حُبُّ الدُّنْيَا.^۴

د - أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ

۵۹۱. رسول الله ﷺ: أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ حُبُّ الدُّنْيَا.^۵

۵۹۲. عنه عليه السلام: ذَنْبٌ عَظِيمٌ لَا يَسْأَلُ النَّاسُ اللَّهَ الْمَغْفِرَةَ مِنْهُ: حُبُّ الدُّنْيَا.^۶

۵۹۳. الإمام علي عليه السلام: أَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا.^۷

هـ - شَرُّ الْفِتَنِ

۵۹۴. الإمام علي عليه السلام: شَرُّ الْفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنْيَا.^۸



۱. غرر الحكم: ج ۲، ص ۲۶۶۹، عیون الحكم والمواعظ: ص ۹۶ ح ۲۲۲۰.

۲. ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ۲۲ ح ۳۳ عن وهيب المكي، الزهد لابن حنبل: ص ۱۱۷ عن سفیان، شعب

الإيمان: ج ۷ ص ۳۲۳ ح ۱۰۴۵۸ عن سفیان بن سعید و كلاهما نحوه؛ تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۱۲۹،

بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۳۲۷ ح ۴۹.

۳. الكافي: ج ۸ ص ۵۸ ح ۲۱ عن سليم بن قيس الهلالي، نهج البلاغة: الخطبة ۵۰، كتاب سليم بن قيس: ج ۲

ص ۷۱۹ ح ۱۸، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۹۰ ح ۸.

۴. الكافي: ج ۲ ص ۱۳۵ ح ۲۱ عن ابن أبي يعفور، قصص الأنبياء: ص ۱۶۲ ح ۱۸۴ عن أبي يعقوب وفيه

«بذرهما» بدل «بدوها»، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۷۳ ح ۳۷.

۵. الفردوس: ج ۱ ص ۳۶۴ ح ۱۴۶۸ عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ۳ ص ۱۸۴ ح ۶۰۷۴.

۶. الفردوس: ج ۲ ص ۲۴۸ ح ۳۱۶۷ عن محمد بن عجلان، كنز العمال: ج ۳ ص ۲۰۲ ح ۶۱۷۱.

۷. غرر الحكم: ج ۲، ص ۲۹۹۹، عیون الحكم والمواعظ: ص ۱۱۸ ح ۲۶۶۱.

۸. غرر الحكم: ج ۵، ص ۵۷۴۷، عیون الحكم والمواعظ: ص ۲۹۵ ح ۵۲۹۰.

۵۸۷. امام علی علیه السلام: از دنیادوستی پرهیز؛ چرا که ریشه هر خطا و معدن هر بلایی است.

۵۸۸. عیسی علیه السلام: بدانید که ریشه هر خطایی، دنیادوستی است.

ج - آغاز هر فتنه

۵۸۹. امام علی علیه السلام: سرآغاز پیدایش فتنه‌ها، در حقیقت، پیروی از هوس‌ها و بدعت نهادن در احکام است.

۵۹۰. امام صادق علیه السلام: در نجوای خدایوند علیه السلام با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی!... بدان که هر فتنه‌ای، آغازش دنیادوستی است».

د - بزرگ‌ترین گناه کبیره

۵۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بزرگ‌ترین گناه کبیره، دنیادوستی است.

۵۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گناه بزرگی که مردم درباره آن از خداوند طلب مغفرت نمی‌کنند، دنیادوستی است.

۵۹۳. امام علی علیه السلام: بزرگ‌ترین خطاها، دنیادوستی است.

ه - بدترین فتنه

۵۹۴. امام علی علیه السلام: بدترین فتنه‌ها [و گرفتاری‌ها]، حب دنیا است.

٥٩٥. عنه عليه السلام: الْوَلَةُ^١ بِالدُّنْيَا أَعْظَمُ فِتْنَةٍ^٢.

٥٩٦. عنه عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ^٣.

و - شَرُّ الْمِحَنِ

٥٩٧. الإمام علي عليه السلام: شَرُّ الْمِحَنِ حُبُّ الدُّنْيَا^٤.

ز - رَأْسُ الْآفَاتِ

٥٩٨. الإمام علي عليه السلام: رَأْسُ الْآفَاتِ الْوَلَةُ بِالدُّنْيَا^٥.

ح - لَا يَجْتَمِعُ مَعَ حُبِّ اللَّهِ

٥٩٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا^٦.

٦٠٠. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى أَخِي عِيسَى عليه السلام: يَا عِيسَى، لَا تُحِبِّ الدُّنْيَا فَإِنِّي

لَسْتُ أُحِبُّهَا، وَأُحِبُّ الْآخِرَةَ فَإِنَّمَا هِيَ دَارُ الْمَعَادِ^٧.

٦٠١. الإمام علي عليه السلام: كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ، كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا

لَا يَجْتَمِعَانِ^٨.

٦٠٢. عنه عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، لَوْ

صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَصَامَ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ،

١. الْوَلَةُ: ذَهَابُ الْعَقْلِ وَالتَّحَيُّرُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجْدِ (النهاية: ج ٥ ص ٢٢٧ «وله»).

٢. غرر الحكم: ج ١٢١٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٠ ح ٢٧٣٤ وفيه «المصائب» بدل «فتنة».

٣. غرر الحكم: ج ٤٨٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣١ ح ٤٤٢٤ وفيه «رأس» بدل «أصل».

٤. غرر الحكم: ج ٥٧٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٩٣ ح ٥٢٢٢.

٥. غرر الحكم: ج ٥٢٤٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤٤ ح ٤٧٩٦ وفيه «بالذات» بدل «بالدنيا».

٦. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٢.

٧. الأمالي للطوسي: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٦

كلها عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٠ ح ٣.

٨. غرر الحكم: ج ٧٢١٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٧ ح ٦٧٢٠.

۵۹۵. امام علی علیه السلام: شیفتگی به دنیا، بزرگ‌ترین فتنه است.

۵۹۶. امام علی علیه السلام: دنیادوستی، منشأ فتنه‌ها و ریشه رنج‌هاست.

و - بدترین رنج

۵۹۷. امام علی علیه السلام: بدترین رنج‌ها، دنیادوستی است.

ز - منشأ آفت‌ها

۵۹۸. امام علی علیه السلام: منشأ همه آفت‌ها، عشق به دنیا است.

ح - دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی‌شود

۵۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیادوستی و خدادوستی، هرگز در یک دل نمی‌گنجند.

۶۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال به برادرم عیسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! دنیا را دوست مدار؛ زیرا من آن را دوست نمی‌دارم. و آخرت را دوست بدار؛

زیرا آن جا بازگشت‌گاه است» ترجمه تفسیر علوم اسلامی

۶۰۱. امام علی علیه السلام: چنان‌که خورشید و شب با هم جمع نمی‌شوند، خدادوستی و دنیادوستی نیز با هم جمع نمی‌شوند.

۶۰۲. امام علی علیه السلام - در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله - : خداوند متعال فرمود: «...

ای احمد! اگر بنده به اندازه نمازهای اهل آسمان و زمین نماز بخواند، و به اندازه روزه‌های اهل آسمان و زمین روزه بگیرد، و چون فرشتگان غذا نخورد، و مانند برهنگان جامه بپوشد، اما در دل او ذره‌ای حب دنیا یا شهرت آن یا ریاست آن یا زر و زیور آن بینم، هرگز در خانه‌ام به جوار من در

وَطَوَى^١ مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَأَتِكَةِ، وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي، ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سَمِعَتْهَا أَوْ رِيَّاسَتَهَا أَوْ حَلِيسَتَهَا أَوْ زِينَتَهَا، لَا يُجَاوِزُنِي فِي دَارِي، وَلَا نَزْعَنَ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي، وَعَلَيْكَ سَلَامِي وَمَحَبَّتِي^٢.

٦٠٣. عنه عليه السلام: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَأَخْرِجُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ حُبَّ الدُّنْيَا^٣.

٦٠٤. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَدَّعِي حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا؟!^٤

٦٠٥. الإمام الصادق عليه السلام: وَاللَّهِ، مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا^٥.

٦٠٦. عيسى عليه السلام - فِي مَوَاعِظِهِ -: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَخْدُمَ رَبَّيْنِ، وَلَا مَحَالَةَ أَنَّهُ يُؤَيِّزُ أَحَدَهُمَا عَلَى الْآخَرِ وَإِنْ جَهَدَ، كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ لَكُمْ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا^٦.

ط - لَا يَجْتَمِعُ مَعَ حُبِّ الْآخِرَةِ

٦٠٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنْ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارٌ بِالْآخِرَةِ، وَفِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارٌ بِالدُّنْيَا، فَأَضِرُّوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ^٧.

١. رَجُلٌ طَيَّانٌ: لَمْ يَأْكُلْ شَيْئًا؛ طَوَى - كَرَضَى - طَوَى. فَإِنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ فَطَوَى - كَرَضَى - (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٥٨ «طوى»).

٢. إرشاد القلوب: ص ١٩٩ - ٢٠٦. بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٠ ح ٦.

٣. غرر الحكم: ج ٣٧٤٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٦٣ ح ٣٤٧٤.

٤. غرر الحكم: ج ٧٠٠٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٣ ح ٦٢٧٢.

٥. الكافي: ج ٨ ص ١٢٩ ح ٩٨ عن حفص بن غياث، تحف العقول: ص ٢٥٧، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٢٦ ح ٩٥.

٦. تحف العقول: ص ٥٠٣، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٠٧ ح ١٧.

٧. الكافي: ج ٢ ص ١٣١ ح ١٢ عن ابن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٩ ح ٥٦٩، تنبيه

الخواطر: ج ٢ ص ١٩٢ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه عليه السلام وفيهما «أحق» بدل «أولى»، بحار الأنوار: ج ٧٣

ص ٦١ ح ٣٠ وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٥٢٩ ح ٨٤٨٧ وكنز العمال: ج ٣ ص ٧٢٥

ح ٨٥٨٢.

نخواهد آمد، و محبت خود را از دل او برخواهم کند. سلام و محبت من،
بر تو باد!

۶۰۳. امام علی علیه السلام: اگر به راستی، خدا را دوست می دارید، دوستی دنیا را از دل هایتان
بیرون کنید.

۶۰۴. امام علی علیه السلام: کسی که دوستی دنیا در دلش خانه کرده است، چگونه ادعای
دوستی خدا می کند؟!

۶۰۵. امام صادق علیه السلام: سوگند به خدا کسی که دنیا را دوست دارد، خدا را دوست
ندارد.

۶۰۶. عیسی علیه السلام - در اندرزهایش - : به حق به شما می گویم: بنده نمی تواند دو خواجه
را خدمت کند و هر چه بکوشد، به ناچار، یکی از آن دو را بر دیگری
برمی گزیند. خدا دوستی و دنیا دوستی نیز با هم جمع نمی شوند.

ط - دنیا دوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود

۶۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا طلبی به آخرت زیان می زند و آخرت طلبی به دنیا لطمه
می زند. شما به دنیا زیان بزنید که آن به زیان زند، سزاوارتر است.

٦٠٨. عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضَرَّ بِآخِرَتِهِ، وَمَنْ أَحَبَّ آخِرَتَهُ أَضَرَّ بِدُنْيَاهُ، فَأَثَرُوا^١ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى^٢.

٦٠٩. عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ، وَمَا آتَى اللَّهَ عَبْدًا عِلْمًا فَازْدَادَ لِلدُّنْيَا حُبًّا إِلَّا أَزْدَادَ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بُعْدًا، وَازْدَادَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ غَضَبًا^٣.

٦١٠. عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ وَسَّرَّ بِهَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ^٤.

٦١١. عيسى عليه السلام - في مواعظه - : بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: مَنْ لَا يُنْقِي مِنْ زَرْعِهِ الْحَشِيشَ يَكْثُرُ فِيهِ حَتَّى يَغْمُرَهُ فَيَفْسِدَهُ، وَكَذَلِكَ مَنْ لَا يُخْرِجُ مِنْ قَلْبِهِ حُبَّ الدُّنْيَا يَغْمُرُهُ حَتَّى لَا يَجِدَ لِحُبِّ الْآخِرَةِ طَعْمًا^٥.

٦١٢. عنه عليه السلام: لَا يَسْتَقِيمُ حُبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ، كَمَا لَا يَسْتَقِيمُ الْمَاءُ وَالتَّارُ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ^٦.

٦١٣. الإمام علي عليه السلام: طَالِبُ الدُّنْيَا تَفَوُّتُهُ الْآخِرَةُ وَيُدْرِكُهُ الْمَوْتُ حَتَّى يَأْخُذَهُ بَغْتَةً، وَلَا يُدْرِكُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ^٧.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

١. أثرته: فضَّلته (المصباح المنير: ص ٤ «أثر»).

٢. مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٦٥ ح ١٩٧١٧ و ١٩٧١٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٤٣ ح ٧٨٥٣، السنن الکبری: ج ٣ ص ٥١٧ ح ٦٥١٦، موارد الظمان: ص ٦١٢ ح ٢٤٧٣، مسند الشهاب: ج ١ ص ٢٥٩ ح ٤١٨ کلها عن أبي موسى الأشعري؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٨، مجمع البيان: ج ١٠ ص ٧٢٢ نحوه وراجع كنز القوائد: ج ١ ص ٦١ وأعلام الدين: ص ١٧٣ وبحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣.

٣. النوادر للراوندي: ص ١٥٧ ح ٢٢٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ٣٩٩ عن الإمام الكاظم عليه السلام، الاختصاص: ص ٢٤٣ عن الإمام الصادق عليه السلام، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٨٢ عنهم عليهم السلام عنه عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٣٦ ح ٣٩.

٤. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٧٩، المحجة البيضاء: ج ٦ ص ٩٦.

٥. تحف العقول: ص ٥٠٩، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٢ ح ١٧.

٦. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣١، التمهيد: ص ٥ عنهم عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ١٥١ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠١.

٧. غرر الحكم: ح ٦٠١٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٧ ح ٥٥٢٢ وفيه «بعثته» بدل «بغته».

۶۰۸. پیامبر خدا ﷺ: هر که دنیایش را دوست بدارد، به آخرت خود زیان می‌رساند، و هر که آخرتش را دوست بدارد، به دنیای خویش زیان می‌زند. پس، شما آنچه را ماندگار است، بر آنچه فناپذیر است، ترجیح دهید.

۶۰۹. پیامبر خدا ﷺ: هر که دنیا را دوست بدارد، هراس آخرت از دلش می‌رود. خداوند به هیچ بنده‌ای علمی نداد و آن علم بر دنیادوستی او نیفزود، مگر آن که از خداوند متعال دورتر شد، و خشم خداوند متعال بر او فزونی گرفت.

۶۱۰. پیامبر خدا ﷺ: هر که دنیایش را دوست بدارد و بدان شادمان گردد، ترس آخرت از دلش می‌رود.

۶۱۱. عیسیٰ ﷺ - در اندرزهایش - : به حق به شما می‌گویم: هر که زراعتش را از علف‌های هرز پاک نکند، علف‌هایش بسیار می‌گردد، چندان که همه زراعت را فرا می‌گیرد و تباهش می‌کند. همچنین کسی که دنیادوستی را از دلش بیرون نکند، همه دلش را فرا می‌گیرد تا جایی که دیگر مزه آخرت دوستی را نچشد.

۶۱۲. عیسیٰ ﷺ: دوستی دنیا و آخرت، در دل هیچ مؤمنی نمی‌گنجند، چنان که آب و آتش در یک ظرف نمی‌گنجند.

۶۱۳. امام علیؑ: جوینده دنیا، آخرت را از دست می‌دهد و مرگ، او را در می‌رسد و ناگهان او را فرو می‌گیرد، و از دنیا جز به آنچه قسمت اوست، نمی‌رسد.

٦١٣. عنه عليه السلام: ما ظَفِرَ بِالْآخِرَةِ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا مَطْلَبَةً.^١
 ٦١٥. عنه عليه السلام: مَنْ مَلَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئاً، فَاتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ مِمَّا مَلَكَ.^٢
 ٦١٦. عنه عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِي زَخَارِفِ الدُّنْيَا، فَاتَهُ الْبَقَاءُ الْمَطْلُوبُ.^٣
 ٦١٧. عنه عليه السلام: طَلَبُ الْجَمْعِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ خِدَاعِ النَّفْسِ.^٤
 ٦١٨. عنه عليه السلام: بِإِثَارِ حُبِّ الْعَاجِلَةِ صَارَ مَنْ صَارَ إِلَى سُوءِ الْآجِلَةِ.^٥
 ٦١٩. عنه عليه السلام: لَا تَجْتَمِعُ الْآخِرَةُ وَالْدُّنْيَا.^٦
 ٦٢٠. عنه عليه السلام: لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ مَعَ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا.^٧
 ٦٢١. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا!^٨

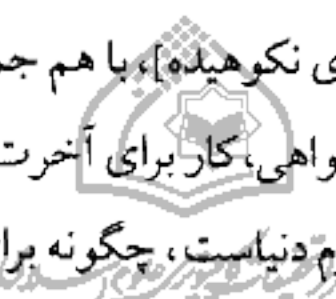
راجع: ص ٢٧٤ (التحذير من لذات الدنيا / حلاوتها مرارة الآخرة)
 و ص ٢٧٦ (التحذير من لذات الدنيا / ثروتها فقر الآخرة)،
 ج ٢ ص ٢٥٨ (ما يخرّب الآخرة).

٥/٣

الْحَكْمُ عَلَى بَعْضِ الدُّنْيَا

٦٢٢. رسول الله ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنَ الدُّنْيَا؛ خَلَقَهَا ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.^٩

١. غرر الحكم: ح ٩٥٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٧ ح ٨٧٤٨.
٢. غرر الحكم: ح ٨٩٠٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٤ ح ٧٥٠١.
٣. غرر الحكم: ح ٨٨٠١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٦ ح ٧٥٤١ وفيه «التقاء» بدل «البقاء».
٤. غرر الحكم: ح ٥٩٩٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٧ ح ٥٥٣٣.
٥. غرر الحكم: ح ٤٣١٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٨ ح ٣٨٧٨.
٦. غرر الحكم: ح ١٠٥٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٣ ح ٩٧٢٨.
٧. غرر الحكم: ح ١٠٨٢٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٤٢ ح ١٠٠٦٩.
٨. غرر الحكم: ح ٦٩٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٨٣ ح ٦٤٦١.
٩. الأُمالي للطوسي: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٦، أعلام الدين: ص ١٩٤ كلها عن أبي ذرٍّ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٠ ح ٣.

۶۱۴. امام علی علیه السلام: کسی که دنیا مطلوب او باشد، به آخرت دست نمی‌یابد.
۶۱۵. امام علی علیه السلام: هر کس چیزی از دنیا را به دست آورد، بیشتر از آنچه به دست آورده، از آخرت از دست می‌دهد.
۶۱۶. امام علی علیه السلام: هر کس خواهان تجملات دنیا باشد، زندگی جاویدان مطلوب را از دست می‌دهد.
۶۱۷. امام علی علیه السلام: خواهان جمع میان دنیا [ی نکوهیده] و آخرت بودن، از نیرنگ‌های نفس است.
۶۱۸. امام علی علیه السلام: با برگزیدن دوستی دنیا است که آدمیان به سوء عاقبت، گرفتار می‌شوند.
۶۱۹. امام علی علیه السلام: آخرت و دنیا [ی نکوهیده]، با هم جمع نمی‌شوند.
۶۲۰. امام علی علیه السلام: با وجود دنیاخواهی، کار برای آخرت، سودی نمی‌بخشد.
۶۲۱. امام علی علیه السلام: کسی که سرگرم دنیا است، چگونه برای آخرت کار کند؟! 
- و. ک: ۳۷۵ (بر حذر داشتن از لذت‌های دنیا / شیرینی دنیا، تلخی آخرت است)
و ۳۷۷ (بر حذر داشتن از لذت‌های دنیا / ثروت دنیا، فقر آخرت است)،
ج ۲ و ص ۲۵۹ (آنچه آخرت را ویران می‌کند).

۵/۳

تشویق به نفرت از دنیا

۶۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در سفارشش به ابو ذر - ای ابو ذر! هیچ چیز در نزد خدا منفورتر از دنیا نیست. خداوند، دنیا را آفرید، سپس از آن روی گرداند و بدان ننگریست و تا قیام قیامت هم به آن نمی‌نگرد.

٦٢٣. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْآخِرَةَ وَيُبْغِضُ الدُّنْيَا، فَأَحِبُّوا مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَأَبْغَضُوا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ، وَلَا تَغْتَرَّوْا بِالزَّائِلَةِ عَنْ أَهْلِهَا، وَاعْمَلُوا لِلْبَاقِيَةِ؛ تُدْرِكُوا ثَوَابَ الْآخِرَةِ.^١

٦٢٣. عنه عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَأَبْغِضِ الدُّنْيَا، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ النَّاسُ فَمَا كَانَ عِنْدَكَ مِنْ فُضُولِهَا فَإِنْزِذْهُ إِلَيْهِمْ.^٢

٦٢٥. عنه عليه السلام: إِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً... وَالتَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا.^٣

٦٢٦. الإمام علي عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله - : قَالَ اللَّهُ... يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَأَحِبِّ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا.^٤

٦٢٧. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَا مِنْ عَمَلٍ يَعْلَمُ مَعْرِفَةَ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - وَمَعْرِفَةَ رَسُولِهِ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا.^٥

٦٢٨. بحار الأنوار: قِيلَ لِعِيسَى عليه السلام: عَلَّمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنَا اللَّهُ عَلَيْهِ. قَالَ: أَبْغَضُوا الدُّنْيَا يُحِبِّكُمْ اللَّهُ.^٦

راجع: ص ٣٢٦ (تقويم الدنيا / ما نظر الله إليها منذ خلقها).

١. الفردوس: ج ١ ص ١٦٧ ح ٦١٩ عن أبي هريرة.

٢. تاريخ بغداد: ج ٧ ص ٢٧٠ ح ٣٧٥٤، البداية والنهاية: ج ١٠ ص ١٣٧ نقلًا عن ابن عساكر و كلاهما عن ربعي بن خراش، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٢ ح ٦٠٦٧ وراجع حلية الأولياء: ج ٨ ص ٤١.

٣. الخصال: ص ٥١٥ ح ١ عن أبي سعيد الخدري، روضة الواعظين: ص ٢٩٨، مشكاة الأنوار: ص ١٥٣ ح ٣٧٦.

٤. إرشاد القلوب: ص ٢٠١، الجواهر السنية: ص ١٩٤، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٣ ح ٦.

٥. الكافي: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١١ عن الزهري محمد بن مسلم بن شهاب، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٥ ح ١٥٥٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٩ ح ٩.

٦. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٤، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٣٢٨ ح ٥٥، شرح نهج البلاغة: ج ١٩ ص ٢٨٨ وفيه «قيل لحكيم...».

۶۲۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند ﷻ آخرت را دوست، و دنیا را دشمن می‌دارد. پس، شما نیز آنچه را خدا دوست دارد، دوست بدارید و آنچه را دشمن می‌دارد، دشمن بدارید، و فریب چیزی را که از اهلش جدا می‌شود، نخورید، و برای آنچه ماندنی است، کار کنید تا به پاداش آخرت دست یابید.

۶۲۴. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه خواستی که خدا تو را دوست بدارد، دنیا را دشمن بدار، و هر گاه خواستی که مردم تو را دوست بدارند، زیادی‌های دنیا را که نزد توست، پیش آنان بینداز.

۶۲۵. پیامبر خدا ﷺ: محبت نسبت به اهل بیت من، بیست فایده دارد: نهم: بیزاری از دنیا.

۶۲۶. امام علی علیه السلام - در یادکرد حدیث معراج پیامبر ﷺ - : خداوند فرمود: «... ای احمد! دنیا و دنیاخواهان را دشمن بدار، و آخرت و آخرت‌گرایان را دوست بدار».

۶۲۷. امام زین العابدین علیه السلام: بعد از شناخت خداوند ﷻ و شناخت پیامبر او، هیچ کاری برتر از بیزاری از دنیا نیست.

۶۲۸. بحار الأنوار: به عیسی علیه السلام گفته شد: یک کار به ما بیاموز که به سبب آن، خداوند ما را دوست بدارد. فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خدا دوستتان بدارد».

و. ک: ص ۲۲۷ (ارزیابی دنیا / خداوند از زمانی که دنیا را آفرید، به آن تنگ‌ریست).

الفصل الرابع
مضار حُب الدنيا
١/٢
حجاب القلب

الكتاب

﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَخْجُونُ^١.

الحديث

٦٢٩. الإمام الكاظم عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: يَا دَاوُدُ، حَذِّرْ وَأَنْذِرْ أَصْحَابَكَ عَنْ حُبِّ الشَّهَوَاتِ، فَإِنَّ الْمُعَلَّقَةَ قُلُوبُهُمْ بِشَهَوَاتِ الدُّنْيَا قُلُوبُهُمْ مَحْجُوبَةٌ عَنِّي^٢.
٦٣٠. تنبيه الخواطر عن عبد الله بن سلام: يَقُولُ اللَّهُ فِي التَّوْرَةِ: إِنَّ الْقُلُوبَ الْمُتَعَلِّقَةَ بِحُبِّ الدُّنْيَا مَحْجُوبَةُ الْعُقُولِ عَنِّي^٣.

٦٣١. الاختصاص: قَالَ اللَّهُ لِدَاوُدَ عليه السلام: يَا دَاوُدُ، احْذِرِ الْقُلُوبَ الْمُعَلَّقَةَ بِشَهَوَاتِ الدُّنْيَا، [فَإِنَّ]^٤ عُقُولَهَا مَحْجُوبَةٌ عَنِّي^٥.

١. المطففين: ١٤ و ١٥.

٢. تحف العقول: ص ٣٩٧، التحصين لابن فهد: ص ٦ ح ٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣١٣ ح ١.

٣. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٢٩ عن كعب.

٤. ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

٥. الاختصاص: ص ٣٣٥، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٩ ح ١٩: الدرر المشور: ج ٥ ص ٥٢٦ عن ابن الأشعث سنحوه.

فصل چهارم زبان های دنیا دوستی

۱/۴
حجاب دل

قرآن

«البته چنین نیست؛ بلکه آنچه آنان مرتکب می شدند، بر دل هایشان زنگار بسته است. زهی پندار، که آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت در حجاب اند».

حدیث

۶۲۹. امام کاظم علیه السلام: خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد: «ای داوود! یارانت را از دوستی هوس ها بر حذر بدار و به آنان هشدار بده؛ زیرا آنان که به خواست های دنیوی دل بسته اند، دل هایشان از من در حجاب است».

۶۳۰. تنبیه الخواطر - به نقل از عبدالله بن سلام - : خداوند در تورات می فرماید: «دل های در گرو دوستی دنیا، خرد هایشان از [درک] من در حجاب اند».

۶۳۱. الاختصاص: خداوند به داوود علیه السلام فرمود: «ای داوود! از دل های آویخته به خواست های دنیوی پرهیز؛ زیرا خرد های آنها از [درک] من در حجاب اند».

٢/٢

عَمَى الْقَلْبِ

الكتاب

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^١.

الحديث

٦٣٢. رسول الله ﷺ: مَنْ يَرْغَبُ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا أَمَلُهُ، أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَىٰ قَدْرِ رَغْبَتِهِ فِيهَا.^٢

٦٣٣. الإمام علي عليه السلام: مَنْ غَلَبَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ، عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ.^٣

٦٣٤. عنه عليه السلام: مَنْ قَصَرَ نَظْرُهُ عَلَىٰ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا، عَمِيَ عَنِ سَبِيلِ الْهُدَى.^٤

٦٣٥. عنه عليه السلام: - فِي ذَمِّ الدُّنْيَا - : مَنْ رَاقَهُ زِيرُجُهَا أَعْقَبَتْ نَاطِرِيهِ كَمَهَا.^٥

٦٣٦. عنه عليه السلام: أَرَفُضِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعَمِّي وَيُصِمُّ وَيُبْكِمُ وَيُذِلُّ الرِّقَابَ، فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تَقُلْ: غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ؛ فَإِنَّمَا هَلَكٌ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالْتِسْوِيفِ، حَتَّىٰ أَتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَغْتَةً وَهُمْ غَافِلُونَ، فَتَقْلُوا

١. النمل: ٤.

٢. تحف العقول: ص ٦٠، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣١ عن أنس، تيسير المطالب: ص ٣٦٥ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام: تاريخ أصبهان: ج ١ ص ١٦٢ ح ١٤٤ عن ابن عباس وفيه «رغبتته» بدل «أمله»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠٩ ح ٦١٩٤ نقلًا عن أبي عبد الرحمن السلمي في كتاب المواعظ.

٣. غرر الحكم: ج ٨٨٥٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٧ ح ٨٢٨١.

٤. غرر الحكم: ج ٨٨٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٨ ح ٨٢٩٥ وليس فيه «أبناء».

٥. الكمّه: العمى (النهاية: ج ٤ ص ٢٠١ «كمه»).

٦. نهج البلاغة: الحكمة ٣٦٧، تحف العقول: ص ٢٢١ وفيه «رواؤها» بدل «زيرجها»، غرر الحكم: ج ٨٧٨٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥.

۲/۴

کورولی

قرآن

﴿پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گم‌راه گردانیده و برگوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟! آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟﴾.

حدیث

۶۳۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که به دنیا علاقه‌مند باشد و آرزوهای دور و دراز در آن داشته باشد، خداوند به اندازه علاقه‌اش به دنیا، دل او را کور می‌گرداند.

۶۳۳. امام علی علیه السلام: کسی که دنیا بر او چیره گردد، از دیدن آنچه پیش روی اوست، کور می‌شود.

۶۳۴. امام علی علیه السلام: هر که نگاه کردیش را به دنیا طلبان محدود کند، از [دیدن] راه درست، کور می‌شود.

۶۳۵. امام علی علیه السلام: در نکوهش دنیا: آن که تجملات پوچ دنیا خیره‌اش سازد، دنیا دو دیده‌اش را کور می‌گرداند.

۶۳۶. امام علی علیه السلام: دنیا را رها کن؛ چرا که دنیادوستی، کور و کړ و لال و زبون می‌کند. و باقی‌مانده عمرت را دریاب و مگو: فردا و پس فردا؛ زیرا آنان که پیش از تو بودند، از آن روی به هلاکت در افتادند که به آرزوها و امروز و فردا کردن تکیه نمودند، تا آن که فرمان خدا (مرگ)، ناگهان و بی‌خبر برایشان در رسید،

عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمْ الْمُظْلِمَةَ الضَّيْقَةَ، وَقَدْ أَسْلَمَهُمُ الْأَوْلَادُ وَالْأَهْلُونَ.
فَانْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ مِنْ رَفْضِ الدُّنْيَا، وَعَزَمَ لَيْسَ فِيهِ انْكِسَارٌ وَلَا
انْخِرَالٌ^١.

٦٣٧. عنه عليه السلام: لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الْأَسْمَاعُ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ، وَغَمِيتِ الْقُلُوبُ عَنْ نَوْرِ
الْبَصِيرَةِ^٢.

٦٣٨. عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الْأَمَالِ، وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الْأَمَانِيِّ، أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا،
وَأَلْبَسَتْهُ عَمًى، وَقَطَعَتْهُ عَنِ الْآخِرَى، وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى^٣.

راجع: ج ٢ ص ١٠٢ (فراغ القلب).

٣/٤

فَسَادُ الْعَقْلِ

٦٣٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَنْتُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ مَا لَمْ يَظْهَرِ مِنْكُمْ سَكْرَتَانِ: سَكْرَةُ الْجَهْلِ،
وَسَكْرَةُ حُبِّ الدُّنْيَا^٥.

٦٤٠. عنه عليه السلام: أَنْتُمْ الْيَوْمَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ، تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ تَظْهَرُ فِيكُمْ السَّكْرَتَانِ: سَكْرَةُ الْجَهْلِ،
وَسَكْرَةُ حُبِّ الْعَيْشِ، وَتَسْتَحْوِلُونَ عَنْ ذَلِكَ؛ فَلَا تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا تَنْهَوْنَ

١. الانْخِرَالُ: مَشِيَّةٌ فِيهَا تَتَاوَل (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٦٧ «خزل»).

٢. الكافي: ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٣ عن أبي جعفر عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٦٦ ح ١٥٥٦ نحوه،
بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧٥ ح ٣٩.

٣. غرر الحكم: ح ٧٣٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٠٤ ح ٦٨٤١.

٤. غرر الحكم: ح ٣٥٢٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٢ ح ٣٣٣٧.

٥. ربيع الأبرار: ج ١ ص ٦١٨ عن معاذ بن جبل وراجع حلية الأولياء: ج ٨ ص ٤٨ وكنز العمال: ج ٣ ص ٦٦
ح ٥٥١٩.

و بر تابوت‌هایشان به سوی گورهای تنگ و تاریکشان برده شدند و فرزندان و خانواده‌شان آنها را تنها گذاشتند. پس، با دلی توبه‌کننده و دست از دنیا شسته و عزمی استوار، به خدا رو کن.

۶۳۷. امام علی علیه السلام: از دنیادوستی است که گوش‌ها از شنیدن حکمت، کر گشته و دل‌ها از [دیدن] نور بینش، کور شده‌اند.

۶۳۸. امام علی علیه السلام: کسی که دنیا او را با آرزوهای دست‌نیافتنی بفریبد و با امیدهای دروغین گولش زند، برایش کوری به ارث می‌نهد و بر او نابینایی می‌پوشاند، و از آخرت بریده‌اش می‌گرداند و او را به آب‌شخورهای هلاکت در می‌آورد.

ر. ک: ج ۲ ص ۱۰۲ (خالی شدن دل از اغیار).



۶۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تا زمانی که ~~دو مستی در شما پدید نیاید~~، پیوسته در مسیر درست هستید: مستی نادانی و مستی دنیادوستی.

۶۴۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما امروز در راه روشن پروردگارتان هستید. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و در راه خدا به جهاد می‌پردازید؛ اما پس از آن، دو مستی در شما پدید می‌آید: مستی نادانی و مستی عشق به زندگی. پس، تغییر

عَنْ مُنْكَرٍ....^١

٦٢١. الإمام علي عليه السلام: سَبَبُ فَسَادِ الْعَقْلِ حُبُّ الدُّنْيَا.^٢

٦٢٢. عنه عليه السلام: زَخَارِفُ الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْعُقُولَ الضَّعِيفَةَ.^٣

٦٢٣. عنه عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ، وَيُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ، وَيُوجِبُ أَلِيمَ

الْعِقَابِ.^٤

٦٢٤. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَصْرَعُ الْعُقُولِ.^٥

راجع: ج ٢ ص ٩٨ (كمال المعرفة / حفظ العقل).

٤ / ٤

فَسَادُ النَّفْسِ



أ - الْغَفْلَةُ

٦٢٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا لِي أَرَى حُبَّ الدُّنْيَا قَدْ غَلَبَ عَلَى كَثِيرٍ مِنَ النَّاسِ حَتَّى كَأَنَّ الْمَوْتَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ كُتِبَ! وَكَأَنَّ الْحَقَّ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ وَجَبَ! وَحَتَّى كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعُوا وَيَزُوا مِنْ خَبَرِ الْأَمْوَاتِ قَبْلَهُمْ! سَبِيلُهُمْ سَبِيلُ قَوْمٍ سَفَرٍ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْهِمْ رَاجِعُونَ، يُبَوِّتُهُمْ أَجْدَانُهُمْ، وَيَأْكُلُونَ ثَرَانَهُمْ^٦، فَيَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُخْلَدُونَ بَعْدَهُمْ، هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! أَمَا يَتَعَبَّ آخِرُهُمْ بِأَوَّلِهِمْ؟ لَقَدْ جَاهَلُوا

١. حلية الأولياء: ج ٨ ص ٤٩ عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٢١٤ ح ١٠٧٠.

٢. غرر الحكم: ح ٥٥٤٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨١ ح ٥٠٥٦.

٣. غرر الحكم: ح ٥٢٩٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٥ ح ٥٠٠٣.

٤. غرر الحكم: ح ٤٨٧٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣١ ح ٢٢٢١ وفيه «ويصم» بدل «ويصم».

٥. غرر الحكم: ح ٩٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥ ح ٧٠٤.

٦. الثراث: أصل التاء فيه واو. تقول: ورثت أبي، وورثت الشيء من أبي (الصحيح: ج ١ ص ٢٩٥ «ورث»).

می‌کنید و دیگر نه امر به معروف می‌کنید و نه نهی از منکر....

۶۴۱. امام علی علیه السلام: علت تباهی خرد، دنیادوستی است.

۶۴۲. امام علی علیه السلام: زیب و زر دنیا، خردهای ناتوان را تباه می‌گرداند.

۶۴۳. امام علی علیه السلام: دنیادوستی، خرد را تباه می‌کند، گوش را از نیوشیدن حکمت، کر

می‌سازد، و موجب عذاب دردناک می‌گردد.

۶۴۴. امام علی علیه السلام: دنیا، قتلگاه خردهاست.

ر. ک: ج ۲ ص ۹۹ (کمال یافتن شناخت / نگهداری خرد).

۴/۴

تباهی جان



الف - غفلت

۶۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه شده است که می‌بینم دنیادوستی بر بسیاری از مردم، چیره

آمده است، چندان که گویی مرگ در این دنیا برای دیگران رقم خورده، و

انگار حق (وظیفه) در این دنیا بر غیر آنان واجب گشته است، و گویی از خبر

مردگان پیش از خود، چیزی نشنیده و ندیده‌اند؟! راهشان راه گروهی مسافر

است و به زودی به سوی آنان باز می‌گردند؛ آنان که به خانه‌های گور خویش

رفته‌اند، و اینان میراث‌خوارشان شده‌اند، و می‌پندارند که پس از آنان جاودانه

خواهند زیست. هیهات، هیهات! آیا آخرینشان از اولینشان پند نمی‌گیرند؟

سخنان پندآموز کتاب خدا را نفهمیدند و آنها را به فراموشی سپردند،

وَنَسُوا كُلَّ وَاَعْظٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَأَمِنُوا شَرَّ كُلِّ عَاقِبَةٍ سَوْءٍ، وَلَمْ يَخَافُوا نُزُولَ
فَاحِشَةٍ وَبَوَائِقَ^١ حَادِثَةٍ^٢.

٦٢٦. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ ابْنَهُ: يَا بُنَيَّ ... لَا تَكُنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا
بِمَنْزِلَةِ شَاةٍ وَقَعَتْ فِي زَرْعٍ أَخْضَرَ فَأَكَلَتْ حَتَّى سَمِنَتْ^٣، فَكَانَ حَتْفُهَا عِنْدَ
سِمَنِهَا^٤.

ب - الحِرص

٦٢٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا التَّاطَ^٥ مِنْهَا بِثَلَاثٍ: شَقَاءٌ لَا يَنْفَدُ عَنْهُ،
وَحِرْصٌ لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ، وَأَمَلٌ لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ^٦.

٦٢٨. الإمام علي عليه السلام: مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثٍ: هَمٌّ لَا يُغْنِيهِ^٧،
وَحِرْصٌ لَا يَتْرُكُهُ، وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُهُ^٨.

مركز تحقیق و تفسیر علوم اسلامی

١. البوائق: الغوائل والشُرور (النهاية: ج ١ ص ١٦٢ «بوق»).
٢. الكافي: ج ٨ ص ١٦٨ ح ١٩٠ عن جابر بن عبد الله، تحف العقول: ص ٢٩ نحوه. بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٣٢ ح ٢٢: نواذر الأصول: ج ١ ص ١٥٢ عن أنس نحوه. كنز العمال: ج ١٦ ص ١٤٢ ح ٢٢١٧٥ نقلاً عن ابن عساکر.
٣. في الكافي: «سمن»، والتصويب من بحار الأنوار.
٤. الكافي: ج ٢ ص ١٣٤ ح ٢٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٢ كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٦٩ ح ٣٦.
٥. التاط: لصق (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٧ «لوط»).
٦. المعجم الكبير: ج ١ ص ١٦٣ ح ١٠٣٢٨، حلية الأولياء: ج ٨ ص ١٢٠ وليس فيه «عناء» وكلاهما عن عبد الله بن مسعود، تنبيه الغافلين: ص ٢٤٣ ح ٣١٧ عن أبي عبيدة الأسدي نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٦٢٦٦.
٧. أَغْبِيْتُ الْقَوْمَ وَغَبَيْتُ عَنْهُمْ: إِذَا جِثْتَ يَوْمًا وَتَرَكْتَ يَوْمًا. وَفُلَانٌ لَا يُغْنِي عَطَاؤُهُ: أَيُّ لَا يَأْتِينَا يَوْمًا دُونَ يَوْمٍ: بَلْ يَأْتِينَا كُلُّ يَوْمٍ (الصحيح: ج ١ ص ١٩٠ و ١٩١ «غيب»). فالمعنى: هَمٌّ لَا يَفَارِقُهُ.
٨. نهج البلاغة: الحكمة ٢٢٨، غرر الحكم: ح ٨٧٤١ وفيه «لا يَغْنِيهِ» بدل «لا يُغْنِيهِ»، خصائص الأنبياء عليه السلام: ص ١٠٣ وفيه «رجاء لا يناله» بدل «حرص لا يتركه». بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٠ ح ١٣٥.

و خویشان را از گزند هر بدفرجامی‌ای در امان پنداشتند، و از فرود آمدن هیچ گونه مصیبت و رویداد مهلکی نهراسیدند.

۶۴۶. امام صادق علیه السلام: از اندرزهای لقمان به فرزندش این بود که: «فرزندم!... در این دنیا به سان گوسفندی مباش که در سبزه‌زاری افتاده و چندان چریده که پروار گشته است و همان پرواری، مایه مرگ اوست».

ب - آزمندی

۶۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دلش مالا مال از عشق به دنیا شود، سه چیز همواره با اوست: مشقتی که رنج آن تمام نمی‌شود، حرصی که به بی‌نیازی نمی‌انجامد، و آرزویی که به پایان نمی‌رسد.

۶۴۸. امام علی علیه السلام: آن که دلش غرق دنیا دوستی شود، سه چیز از دنیا به دل او درمی‌آمیزد: اندوهی که دمی از او جدا نمی‌شود، حرصی که از او دست بر نمی‌دارد، و آرزویی که به آن نمی‌رسد.

٦٤٩. عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى مُعَاوِيَةَ -: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا، وَلَمْ يُصِبْ صَاحِبُهَا مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصاً عَلَيْهَا وَلَهْجاً^١ بِهَا، وَلَنْ يَسْتَغْنِيَ صَاحِبُهَا بِمَا نَالَ فِيهَا عَمَّا لَمْ يَبْلُغْهُ مِنْهَا، وَمِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ فِرَاقٌ مَا جَمَعَ وَنَقَضُ مَا أَبْرَمَ! وَلَوْ اعْتَبَرْتَ بِمَا مَضَى حَفِظْتَ مَا بَقِيَ، وَالسَّلَامُ.^٢

٦٥٠. عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ -: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا، وَصَاحِبُهَا مَقْهُورٌ فِيهَا، لَمْ يُصِبْ مِنْهَا شَيْئاً قَطُّ إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصاً، وَأَدْخَلَتْ عَلَيْهِ مَوُونَةً تَزِيدُهُ رَغْبَةً فِيهَا، وَلَنْ يَسْتَغْنِيَ صَاحِبُهَا بِمَا نَالَ عَمَّا لَمْ يَبْلُغْهُ، وَمِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ فِرَاقٌ مَا جَمَعَ، وَالسَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ.

فَلَا تُحْبِطْ أَجْرَكَ أبا عَبْدِ اللَّهِ، وَلَا تُجَارِبَنَّ مُعَاوِيَةَ فِي بَاطِلِهِ، فَإِنَّ مُعَاوِيَةَ غَمَصَ^٣ النَّاسَ وَسَفِهَ الْحَقَّ.^٤

راجع: ج ٢ ص ١٠٢ (صلاح النفس).



مرکز تحقیقات علوم دینی

ج - الطَّمَعُ

٦٥١. رسول الله صلى الله عليه وآله: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ يُحِبُّ الدُّنْيَا أَنْ يُفَارِقَهُ الطَّمَعُ.^٥

٦٥٢. عنه عليه السلام: لَا تَزَالُ نَفْسُ ابْنِ آدَمَ شَابَّةً فِي طَلَبِ الدُّنْيَا، وَإِنْ التَّقَتْ تَرْقُوتَاهُ مِنْ الْكِبَرِ.^٦

١. يلهج لهجاً: إذا أغري به فتاير عليه (المصباح: ج ١ ص ٣٣٩ «لهج»).

٢. نهج البلاغة: الكتاب ٤٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٦، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٢٨٣ ح ٦٨٨ وراجع غرر الحكم: ح ٣٦٩٥.

٣. غَمَصَ النَّاسَ: احقرهم (النهاية: ج ٣ ص ٣٨٦ «غمص»).

٤. وقعة صفين: ص ١١٠ وراجع ص ٤٩٨ وبحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٠٢ ح ٣٦٩.

٥. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٢.

٦. كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٠ ح ٦٢٤٢ نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة.

۶۴۹. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به معاویه -: اما بعد؛ دنیا مایهٔ باز داشتن از غیر خود (آخرت) است، و دنیاخواه، به چیزی از آن نمی‌رسد، جز آن که دری از آزمندی و شیفتگی به دنیا بر رویش گشوده می‌گردد، و با آنچه از دنیا به دست آورده، از آنچه به دست نیاورده است، هرگز احساس بی‌نیازی نمی‌کند، در حالی که سرانجام، باید آنچه را گرد آورده است، بگذارد و برود و آنچه را رشته است، پنبه کند! و تو اگر از آنچه گذشته است، پند می‌گرفتی، آنچه را مانده است، پاس می‌داشتی. بدرود!

۶۵۰. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به عمرو بن عاص -: اما بعد؛ دنیا مایهٔ باز داشتن از غیر خود (آخرت) است، و دنیاپرست در آن، شکست خورده است. او هرگز به چیزی از دنیا نرسید، مگر آن که دنیا دری از آزمندی را به رویش گشود، و هزینه‌ای بر او بار کرد که موجب دنیاخواهی بیشتر او شد. دنیادار، هر اندازه از دنیا به دست آورد، باز او را از آنچه به دست نیاورده است، بی‌نیاز نمی‌کند، در حالی که سرانجام او، جدا شدن از چیزی است که گرد آورده است. خوش‌بخت، کسی است که از دیگران پند گیرد.

پس، ای ابو عبد الله! اجر خود را ضایع مکن، و با معاویه در راه باطلش همراهی منما؛ چرا که معاویه مردم را خوار می‌شمارد و برای حق، ارزشی قائل نیست.

ر. ک: ج ۲ ص ۱۰۲ (دوستی و پاکی نفس).

ج - طمع

۶۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جدا شدن طمع از دلی که دنیادوست است، ناشدنی است.

۶۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نفس آدمی در دنیاخواهی، پیوسته جوان است، هر چند از شدت پیری، چنبرهای^۱ او به هم برسند.

۱. چنبر، چنبره یا ترقوه، استخوان باریک و نسبتاً بلندی در شانه است که هر یک از دو سر آن، دارای انحنايي مخالف آن دیگری است (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).

٦٥٣. الإمام علي عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُوْجِبُ الطَّمَعُ.^١

د - العُبوديَّة

٦٥٤. الإمام علي عليه السلام: مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ، وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا فِي قَلْبِهِ، آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا.^٢

٦٥٥. عنه عليه السلام: مَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَعشى بَصَرَهُ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِيحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ، قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ، وَوَلَّهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ، فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَلِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا، حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا، وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا، لَا يَنْزَجِرُ مِنَ اللَّهِ بِزَاجِرٍ، وَلَا يَتَّعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ، وَهُوَ يَرَى الْمَأْخُودِينَ عَلَى الْغُرَّةِ - حَيْثُ لَا إِقَالَةَ وَلَا رَجْعَةَ - كَيْفَ نَزَلَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَجْهَلُونَ، وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمَنُونَ، وَقَدِمُوا مِنَ الْآخِرَةِ عَلَى مَا كَانُوا يُوعَدُونَ، فَغَيْرُ مُوصُوفٍ مَا نَزَلَ بِهِمْ.^٣

٦٥٦. عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَالْدِّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا.^٤

٦٥٧. الإمام الصادق عليه السلام: أَبْنَاءُ الدُّنْيَا عَبِيدُ مَا يَأْكُلُونَ وَيَلْبَسُونَ.^٥

٦٥٨. عيسى عليه السلام: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَكُمْ عَبِيدًا.^٦

١. غرر الحكم: ج ٢٨٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٢ ح ٤٢٣١.

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٦٠، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٦، أعلام الدين: ص ٢٤٦ وفيه «وعظم» بدل «وكبر».

٣. نهج البلاغة: الخطبة ١٠٩.

٤. النخال: ص ١١٣ ح ٩١ عن الأصغر بن نباتة، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤.

٥. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٧٢ ح ٨٤٣، علل الشرائع: ص ٣٤١ ح ١ كلاهما عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ١٤٧ ح ٢.

٦. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٩، المحجة البيضاء: ج ٥ ص ٣٥٤، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ٤٨.

۶۵۳. امام علی علیه السلام: دنیادوستی، موجب طمعکاری می‌شود.

د- بردگی

۶۵۴. امام علی علیه السلام: کسی که دنیا در نظرش بزرگ آید، و در دلش جایگاهی بشکوه یابد، آن را بر خداوند متعال مقدم می‌دارد، پس یکسره به دنیا روی می‌آورد و بنده آن می‌شود.

۶۵۵. امام علی علیه السلام: کسی که عاشق چیزی شود، آن چیز دیده [دل] او را کم‌سو می‌گرداند، و دلش را بیمار می‌کند. در نتیجه، چنین کسی با چشمی ناسالم می‌نگرد، و با گوشی ناشنوا می‌شنود. خواست‌های دنیوی، خرد او را از هم دریده، و دنیا دلش را میرانده، و جان‌ش شیفته آن گردیده است. از این رو، بنده دنیا و بنده کسی است که چیزی از دنیا دارد. به هر کجا که دنیا برود، او نیز بدان جا می‌رود، و به هر سو که دنیا رو کند، او نیز بدان رو می‌کند. با هیچ نهی‌ای از جانب خدا، باز نمی‌ایستد، و از هیچ پندی از او، اندرز نمی‌گیرد، در حالی که می‌بیند مرگ، چه سان ناگهان گریبان دیگران را می‌گیرد و مجال پوزشخواهی و بازگشتی نمی‌دهد، و آنچه نمی‌دانستند، بر آنان فرود می‌آید، و از دنیا که خود را در آن ایمن می‌پنداشتند، جدا می‌شوند، و به آنچه در آخرت وعده داده می‌شدند، می‌رسند. آنچه بر سر آنان می‌آید، به راستی در وصف نمی‌گنجد.

۶۵۶. امام علی علیه السلام: هر که درهم و دینار را دوست بدارد، بنده دنیا است.

۶۵۷. امام صادق علیه السلام: دنیاپرستان، بنده خوراک و پوشاک‌اند.

۶۵۸. عیسی علیه السلام: دنیا را خداوندگار خویش مگیرید که شما را به بندگی می‌گیرد.

هـ- الجزع

٦٥٩. الإمام الكاظم عليه السلام - في وصيته لهشام - : يا هشامُ، إِنَّ الْمَسِيحَ عليه السلام قَالَ لِلْحَوَارِيِّينَ: ... إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا، وَإِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا.^١

و- الشَّقاء

٦٦٠. رسول الله صلى الله عليه وآله - في وصيته لعلي عليه السلام - : يَا عَلِيُّ، أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ: جُمُودُ^٢ الْعَيْنِ، وَقَسَاوَةُ الْقَلْبِ، وَبُعْدُ الْأَمَلِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ.^٣

٦٦١. عنه عليه السلام: مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ، وَقَسَاوَةُ الْقَلْبِ، وَشِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا، وَالْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ.^٤

٦٦٢. الإمام علي عليه السلام: سَبَبُ الشَّقَاءِ حُبُّ الدُّنْيَا.^٥

٦٦٣. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْوَلَةَ بِالدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا تَوَرِّتُكَ الشَّقَاءَ وَالْبَلَاءَ، وَتَحْدُوكَ^٦ عَلَى بَيْعِ

١. تحف العقول: ص ٣٩٢-٣٩٣ و ص ٥٠٩ من دون إسناد إلى الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٢٦ ح ٣٠؛

البداية والنهاية: ج ٩ ص ٣٠٠، الدر المنثور: ج ٢ ص ٢٠٥ نقلاً عن أحمد وكلاهما عن وهب بن منبه نحوه.

٢. جُمُودُ الْعَيْنِ: قِلَّةُ دُمْعِهَا؛ كُنَايَةٌ عَنْ قَسَاوَةِ الْقَلْبِ (المصباح المنير: ص ١٠٧ «جمد»).

٣. تحف العقول: ص ١٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٠ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن

محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام عنه عليه السلام، الخصال: ص ٢٤٣ ح ٩٧ عن محمّد أبي مالك

عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام عنه عليه السلام وفيهما «حُبُّ الْبَقَاءِ» بدل «حُبِّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ»، بحار الأنوار: ج ٧٧

ص ٦٥ ح ٥: مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٣٨٩ ح ١٧٦٨٥ نقلاً عن البرّار عن أنس وفيه «طُولُ الْأَمَلِ وَالْحِرْصُ

عَلَى الدُّنْيَا» بدل «بُعْدُ الْأَمَلِ وَحُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ».

٤. الكافي: ج ٢ ص ٢٩٠ ح ٦ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٤٧، مجمع الزوائد: ج ١٠

ص ٣٨٩ ح ١٧٦٨٥ نقلاً عن البرّار عن أنس نحوه.

٥. غرر الحكم: ح ٥٥١٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٨ ح ٢٢٦٩ نحوه.

٦. حُدَا الْإِبِلَ: زَجَرَهَا وَسَاقَهَا (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣١٥ «حدا»).

هـ- بی‌تابی

۶۵۹. امام کاظم علیه السلام - در سفارش به هشام - : ای هشام! مسیح علیه السلام به حواریان فرمود: «... بی‌تاب‌ترین شما در هنگام بلا، علاقه‌مندترین شما به دنیاست، و شکیباترینتان در بلا، زاهدترین شما در دنیاست».

و- شقاوت

۶۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به علی علیه السلام - : ای علی! چهار خصلت، از شقاوت است. خشکی چشم^۱ و قساوت قلب و آرزوی دراز و دنیادوستی، از شقاوت‌اند.

۶۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نشانه‌های شقاوت‌اند: خشکی چشم، قساوت قلب، آزمندی شدید در طلب دنیا، و ادامه دادن به گناه.

۶۶۲. امام علی علیه السلام: علت شقاوت، عشق به دنیاست.

۶۶۳. امام علی علیه السلام: زنده‌ار از شیفتگی به دنیا، که بدبختی و رنج برایت بر جای می‌نهد،

۱. کم‌گریستن. کنایه از سنگ‌دلی و نداشتن عاطفه و رقت قلب است (المصباح المنیر: ص ۱۰۷ «جمده»).

البقاء بالفناء^١.

٦٦٢. عنه عليه السلام: حُكِمَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا بِالشَّقَاءِ وَالْفَنَاءِ وَالذَّمَارِ وَالبَوَارِ^٢.

٦٦٥. عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ، طَالَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَقَاؤُهُ وَغَمُّهُ^٣.

٦٦٦. عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ، طَالَ شَقَاؤُهُ وَغَمُّهُ^٤.

٦٦٧. عنه عليه السلام: الدِّينُ يُجَلُّ، الدُّنْيَا تُذِلُّ^٥.

ز - الهلاك

٦٦٨. رسول الله ﷺ: مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا؛ هَمَّ آخِرَتِهِ، كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّ دُنْيَاهُ. وَمَنْ

تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ فِي أَحْوَالِ الدُّنْيَا لَمْ يُبَالِ اللَّهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَّتِهَا هَلَكَ^٦.

٦٦٩. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مَنْ كَانَتْ الْعَاجِلَةُ أَمَلَكَ بِهِ مِنَ الْآجِلَةِ، وَأُمُورُ الدُّنْيَا أَغْلَبَ عَلَيْهِ

مِنْ أُمُورِ الْآخِرَةِ، فَقَدْ بَاعَ الْبَاقِيَّ بِالْفَاقِي، وَتَعَوَّضَ الْبَائِدَ عَنِ الْخَالِدِ، وَأَهْلَكَ

نَفْسَهُ وَرَضِيَ لَهَا بِالْحَائِلِ الزَّائِلِ، وَنَكَبَ بِهَا عَنِ نَهْجِ السَّبِيلِ^٧.

٦٧٠. عنه عليه السلام: كُلَّمَا زَادَ الْمَرْءُ بِالدُّنْيَا شُغْلًا وَزَادَ بِهَا وَلَهًا، أَوْرَدَتْهُ الْمَسَالِكَ وَأَوْقَعَتْهُ فِي

المهالك^٨.

١. غرر الحكم: ج ٢٧٠٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٨ ح ٢٢٦٩.

٢. غرر الحكم: ج ٩٣٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٤ ح ٤٤٨٦.

٣. غرر الحكم: ج ٩١١٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٥ ح ٧١٨٩.

٤. كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٤٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣.

٥. غرر الحكم: ج ٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨ ح ٤٨ و ٤٩.

٦. سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٩٥ ح ٢٥٧، شعب الإيمان: ج ٢ ص ٣٠٦ ح ١٨٨٨ كلاهما عن عبد الله بن مسعود.

المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤٨١ ح ٢٦٥٨ و ج ٤ ص ٣٦٤ ح ٧٩٣٤ كلاهما عن ابن عمر،

حلية الأولياء: ج ٢ ص ١٠٥ عن عبد الله بن مسعود وكلها نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠٣ ح ٦١٧٨.

٧. غرر الحكم: ج ٣٦٠٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٣ ح ٣٣٥١.

٨. غرر الحكم: ج ٧٢٠٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٦ ح ٦٧١٤.

و به فروختن زندگی جاودانی به زندگی فناپذیر، وادارت می‌کند!

۶۶۴. امام علی علیه السلام: مردم دنیا، محکوم به بدبختی و نیستی و نابودی و هلاکت‌اند.

۶۶۵. امام علی علیه السلام: کسی که دنیا هم و غم او باشد، در روز قیامت شقاوت و اندوه او به درازا می‌کشد.

۶۶۶. امام علی علیه السلام: کسی که بزرگ‌ترین اهتمامش دنیا باشد، گرفتاری و اندوهش به درازا می‌کشد.

۶۶۷. امام علی علیه السلام: دین، [آدمی را] ارجمند می‌گرداند، و دنیا، خوار می‌سازد.

ز - هلاکت

۶۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس همه غصه‌هایش را یک غصه - یعنی غصه آخرتش -

کُند، خداوند تعالی غصه‌های دنیای او را برطرف می‌سازد، و هر کس انواع غصه‌های دنیا و جودش را فرا بگیرد، خداوند، اهمیتی نمی‌دهد که در کدام

وادی از وادی‌های آن نابود می‌شود.

۶۶۹. امام علی علیه السلام: کسی که زندگی کنونی، بیشتر از زندگی آینده اختیاردار او باشد و

کارهای دنیا بر او چیره‌تر از کارهای آخرت باشد، هر آینه ماندگار را به فناپذیر فروخته، و جاویدان را با گذرا عوض کرده، و خویشتن را به نابودی افکنده، و زندگی دگرگون شونده زوال‌پذیر را برای خود پسندیده، و از راه روشن به کج‌راهه رفته است.

۶۷۰. امام علی علیه السلام: هر گاه مشغله انسان به دنیا بیشتر شود و علاقه‌اش به آن افزون‌تر

گردد، دنیا او را به راه‌های گوناگون می‌برد و وی را در مهلکه‌ها می‌افکند.

٦٧١. عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يُبَالِ مَا رُزِيَ^١ مِنْ آخِرَتِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ، فَهُوَ هَالِكٌ.^٢

٦٧٢. عنه عليه السلام: آفَةُ النَّفْسِ الْوَلَةُ^٣ بِالدُّنْيَا.^٤

٦٧٣. عنه عليه السلام: زُهْدُكَ فِي الدُّنْيَا يُنْجِيكَ، وَرَغْبَتُكَ فِيهَا تُرْدِيكَ.^٥

٦٧٤. عنه عليه السلام: الرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ الْعَطْبِ^٦.^٧

٥/٤

الِاسْتِغْلَا

٦٧٥. الإمام علي عليه السلام - في خطبته المعروفة بالشَّقِيقِيَّة - : فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَّتُ^٨ طَائِفَةً، وَمَرَقْتُ^٩ أُخْرَى، وَقَسَطُ^{١٠} آخَرُونَ، كَأَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: ﴿تِلْكَ أَلْدَارُ الْآخِرَةِ نَجَعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^{١١}! بَلَى، وَاللَّهِ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا، وَلَكِنَّهُمْ خَلَّتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ،

ترجمه: در آن وقت که من را بر امر و نهی...

١. رزائه رزینة: أصابته مصيبة (الصحيح: ج ١ ص ٥٣ «رزأ»).
٢. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٢٨٢ ح ٥٨٢٣، معاني الأخبار: ص ١٩٨ ح ٤، الأمالي للطوسي: ص ٤٣٥ ح ٩٧٤ نحوه، الأمالي للصدوق: ص ٤٧٨ ح ٤٤٤ كلها عن عبدالله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام، روضة الواعظين: ص ٢٨٧ وفيهما «زرى» بدل «رزى»، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٨ ح ٥٦٦ وفيه «زوى» بدل «رزى»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٧٧ ح ١.
٣. الولة: ذهاب العقل والتحير من شدة الوجد (النهاية: ج ٥ ص ٢٢٧ «وله»).
٤. غرر الحكم: ح ٣٩٢٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٢ ح ٣٧٣١ وفيه «العقل» بدل «النفس».
٥. غرر الحكم: ح ٥٤٧٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٦ ح ٥٠٣١.
٦. عَطِبَ عَطْبًا: هَلَكَ (المحيط في اللغة: ج ١ ص ٤١٠ «عطب»).
٧. كنز الفوائد: ج ١ ص ٢٧٩، أعلام الدين: ص ١٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩١ ح ٩٥.
٨. النكث: تقض العهد (النهاية: ج ٥ ص ١١٤ «نكث»).
٩. مَرَقَ مِنَ الدِّينِ: خَرَجَ مِنْهُ (المصباح المنير: ص ٥٦٩ «مرق»).
١٠. الْقَسَطُ: الْجَوْرُ وَالْعُدُولُ عَنِ الْحَقِّ (الصحيح: ج ٣ ص ١١٥٢ «قسط»).
١١. القصص: ٨٣.

۶۷۱. امام علی علیه السلام: کسی که هر گاه دنیایش سالم (و تأمین) باشد، برایش مهم نیست که چه بلایی بر سر آخرتش می‌آید، در هلاکت است.

۶۷۲. امام علی علیه السلام: آفت نفس، شیفتگی به دنیا است.

۶۷۳. امام علی علیه السلام: زهد تو در دنیا، تو را نجات می‌دهد، و دل‌بستگی تو به آن، تو را نابود می‌کند.

۶۷۴. امام علی علیه السلام: دنیاخواهی، کلید نابودی است.

۵/۴ برتری جویی

۶۷۵. امام علی علیه السلام - در خطبه معروف به شقشقیه - : چون زمام امور را به دست گرفتم، گروهی پیمان شکستند، عده‌ای از فرمان به در شدند، و عده‌ای سر از فرمان حق برتافتند. گویی آنان شنیده‌اند که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان برتری‌جویی و تباهاکاری در زمین نیستند، و عاقبت، از آن تقوایندگان است﴾. آری! به خدا سوگند که آن را شنیدند و فهمیدند؛ اما دنیا در چشم آنان زیبا نمود،

وراقهم زبرجها. ١

راجع: ج ٢ ص ٢٩٢ (خصائص أبناء الآخرة).

٦/٤

الشَّارِع

٦٧٦. تنبيه الخواطر: قيل: صَحِبَ رَجُلٌ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عليه السلام فَقَالَ: أَكُونُ مَعَكَ وَأَصْحَبُكَ. فَانْطَلَقَا فَانْتَهَيَا إِلَى شَطِّ نَهْرٍ فَجَلَسَا يَتَغَدَّيَانِ وَمَعَهُمَا ثَلَاثَةُ أَرْغِفَةٍ، فَأَكَلَا رَغِيفَيْنِ وَبَقِيَ رَغِيفٌ، فَقَامَ عَيْسَى عليه السلام إِلَى النَّهْرِ فَشَرِبَ مَاءً، ثُمَّ رَجَعَ فَلَمْ يَجِدِ الرَّغِيفَ، فَقَالَ لِلرَّجُلِ: مَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي.

قَالَ: فَانْطَلَقَ وَمَعَهُ صَاحِبُهُ، فَرَأَى ظَبْيَةً مَعَهَا خِشْفَانِ^٢ لَهَا، فَدَعَا أَحَدَهُمَا فَأَتَاهُ فَذَبَحَهُ فَأَشْوَى^٣ مِنْهُ، فَأَكَلَ هُوَ وَذَلِكَ الرَّجُلُ، ثُمَّ قَالَ لِلْخِشْفِ: قُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ، فَقَامَ فَذَهَبَ. فَقَالَ لِلرَّجُلِ: أَسَأَلُكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ، مَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ؟

قَالَ: لَا أَدْرِي.

ثُمَّ انْتَهَيَا إِلَى وَادِي مَاءٍ، فَأَخَذَ عَيْسَى عليه السلام بِيَدِ الرَّجُلِ فَمَشَى عَلَى الْمَاءِ، فَلَمَّا

١. نهج البلاغة: الخطبة ٣، الإرشاد: ج ١ ص ٢٨٩، علل الشرائع: ص ١٥١ ح ١٢ نحوه، الاحتجاج: ج ١ ص ٢٥٧

ح ١٠٥ كلها عن ابن عباس، المتأقّب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ٢٠٥.

٢. الْخِشْفُ: وَلَدُ الْغَزَالِ يُطْلَقُ عَلَى الذَّكَرِ وَالْأُنْثَى (المصباح المنير: ص ١٧٠ «خشف»).

٣. شَوَيْتُ اللَّحْمَ... وَأَشْوَيْتُهُ - بِالْأَلْفِ - لُغَةً (المصباح المنير: ص ٣٢٨ «شوى»).

و زرق و برق آن خیره‌شان ساخت.

ر. ک: ج ۲ ص ۲۹۲ (ویژگی‌های آخرت‌گرایان).

۶/۲ ستیزه

۶۷۶. تنبیه الخواطر: آورده‌اند که: مردی با عیسی بن مریم علیه السلام مصاحبت اختیار کرد و گفت: [می‌خواهم] با تو باشم و همراهی‌ات کنم.

آن دو به راه افتادند و رفتند تا به کنار جوی آبی رسیدند و نشستند که غذایی بخورند. سه گرده نان با خود داشتند. دو گرده آن را خوردند و یکی باقی ماند. عیسی علیه السلام به طرف رود رفت و آبی نوشید و چون برگشت، آن گرده نان را ندید. به مرد گفت: «چه کسی نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی‌دانم.

عیسی علیه السلام با آن مرد به راه افتاد. در راه، آهویی را دید که دو بچه آهو همراهش بودند. یکی از آن دو را صدا زد و آن بچه آهو جلو رفت. عیسی آن را سربريد و مقداری از گوشتش را بریان کرد و هر دو نفر خوردند. سپس به آن بچه آهو ذبح شده فرمود: «به اذن خدا، برخیز!» بچه آهو برخاست و رفت. عیسی علیه السلام به آن مرد گفت: «تو را به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، بگو چه کسی آن نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی‌دانم.

باز هم رفتند تا به رودخانه‌ای رسیدند. عیسی علیه السلام دست مرد را گرفت و هر

جاوزه قال: أسألك بالذي أراك هذه الآية، من أخذ الرغيف؟

قال: لا أدري.

قال: فانتها إلى مفازة^١ فجلسا، فجمع عيسى^{عليه السلام} تراباً أو كثيباً^٢، فقال: كن ذهباً ياذن الله فصار ذهباً، فقسّمه ثلاثة أثلاث فقال: ثلث لي وثلث لك وثلث لمن أخذ الرغيف.

قال: فأنا أخذت الرغيف.

فقال: فكله لك.

قال: وفارقه عيسى^{عليه السلام}، فانتهى إليه رجلان في المفازة ومعه المال، فأرادا أن يأخذه منه ويقتلاه، فقال: هو بيننا أثلاث، قال: فابعثوا أحدكم إلى القرية حتى يشتري طعاماً، فبعثوا أحدهم، فقال الذي بعث: لأي شيء أقاسم هؤلاء هذا المال لكتني أصنع في هذا الطعام سمّاً فأقتلهم، ففعل. وقال أولئك: لأي شيء نجعل لهذا ثلث المال، ولكن إذا رجّع قتلناه واقتسمنا المال بيننا.

قال: فلما رجّع إليهما قتلاه، وأكلا الطعام فماتا، فبقي ذلك المال في المفازة وأولئك الثلاثة قتلوا عنده.

فمرّ بهم عيسى^{عليه السلام} وهم على تلك الحال، فقال لأصحابه: هذه الدنيا فاحذروها.^٣

١. المفازة: البرية القفر (النهاية: ج ٣ ص ٤٧٨ «فوز»).

٢. الكثيب: الرمل المستطيل المحدود (النهاية: ج ٤ ص ١٥٢ «كثب»).

٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٧٩، المحجّة البيضاء: ج ٦ ص ١٠٣ عن ليث وراجع الدر المنثور: ج ٢ ص ٢١٩.

دو، بر آب رفتند و چون از آن گذشتند، عیسی علیه السلام گفت: «تو را به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، بگو چه کسی نان را برداشت؟».

مرد گفت: نمی‌دانم.

رفتند تا به بیابانی رسیدند. هر دو نشستند. عیسی علیه السلام مثنی خاک یا ریگ برداشت و [به آن] گفت: «به اذن خدا، طلا شو!» و طلا شد. عیسی علیه السلام آنها را سه قسمت کرد و فرمود: «یک سوم، مال من، یک سوم، مال تو و یک سوم، مال کسی که نان را برداشته است».

در این هنگام، مرد گفت: من نان را برداشته‌ام.

عیسی گفت: «حال، همه‌اش مال تو» و از او جدا شد.

در آن بیابان، دو مرد به او - که حالا مقداری طلا با خود داشت - رسیدند. خواستند او را بکشند و طلاهایش را بردارند؛ اما او گفت: طلاها را میان خود به سه قسمت می‌کنیم. و گفت: یک نفر مان را به آبادی بفرستیم تا غذایی بخرد. یک نفرشان را فرستادند. آن که رفته بود، با خود گفت: چرا این طلاها را با اینها قسمت کنم. در این غذا سمی می‌ریزم و آن دو را می‌کشم. و این کار را کرد. آن دو نفر هم گفتند: چرا یک سوم طلاها را به او بدهیم. وقتی برگشت، او را می‌کشیم و طلاها را میان خودمان تقسیم می‌کنیم.

چون آن مرد برگشت، او را کشتند، و غذا را خوردند و خود نیز مردند، و در آن بیابان، آن طلاها ماند و سه کشته در کنارش.

عیسی علیه السلام در این حال بر آنان گذشت. به یارانش فرمود: «این است دنیا! از آن حذر کنید».

٧/٤ التَّعَبُ

٦٧٧. رسول الله ﷺ: الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْبَدَنَ، وَالرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُتْعِبُ الْبَدَنَ.^١
٦٧٨. الإمام علي عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَرَّاحَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ، وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا تَعَبَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ.^٢

٦٧٩. عنه عليه السلام: - فِي التَّزْهِيدِ فِي الدُّنْيَا - : مَنْ رَغِبَ فِيهَا أَتْعَبَتْهُ وَأَشَقَّتْهُ.^٣

٦٨٠. عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الْوَلَةِ بِالدُّنْيَا عَظِيمُ الْمِحْنَةِ.^٤

٦٨١. عنه عليه السلام: قُرْنَتِ الْمِحْنَةُ بِحُبِّ الدُّنْيَا.^٥

راجع: ص ٢٨ (خصائص الدنيا / دار محنة).



مرکز تحقیقات الحزن و غم

٦٨٢. رسول الله ﷺ: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ.^٦

٦٨٣. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ لِلْقَلْبِ وَالْبَدَنِ، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَسْأَلُ أَهْلَ الدُّنْيَا عَمَّا نَعَمُوا

١. الفردوس: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ٣٣٦٤ عن أبي هريرة.

٢. إرشاد القلوب: ص ١٢٥.

٣. غرر الحكم: ح ٨٢٨١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٦ ح ٨٢٤٣.

٤. غرر الحكم: ح ٤٦١١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٨ ح ٤١٩٠.

٥. غرر الحكم: ح ٦٧٢١ وح ١٠٦٠ نحوه، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٦٩ ح ٦٢١٨.

٦. النخيل: ص ٧٣ ح ١١٤ عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٤، روضة

الواعظين: ص ٢٨٤، إرشاد القلوب: ص ١٩ عن الإمام علي عليه السلام وفيه «تورث» بدل «تكثر»، بحار الأنوار: ج ٧٣

ص ٩١ ح ٦٥، مسند الشهاب: ج ١ ص ١٨٨ ح ٢٧٨ عن عبدالله بن عمرو.

۷/۴

خستگی

۶۷۷. پیامبر خدا ﷺ: دل برکندن از دنیا، مایهٔ آسایش تن است و دنیاخواهی، موجب خستگی تن.

۶۷۸. امام علی علیه السلام: آن که به دنیا زهد ورزید، دل و تنش آسود، و آن که در پی آن برآمد، دل و تنش خسته شد.

۶۷۹. امام علی علیه السلام: در تشویق به ترک دنیا - هر که دنیاخواه شد، دنیا او را خسته و رنجور ساخت.

۶۸۰. امام علی علیه السلام: ثمرهٔ شیفتگی به دنیا، رنج بسیار است.

۶۸۱. امام علی علیه السلام: دنیادوستی و رنج، همنشین‌اند.

و.ک: ص ۲۹ (ویژگی‌های دنیا / محنتکده).



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۸/۴

اندوه

۶۸۲. پیامبر خدا ﷺ: دنیاخواهی، گرفتگی و اندوه را زیاد می‌کند.

۶۸۳. پیامبر خدا ﷺ: دنیا مایهٔ سرگرمی دل و تن [و غافل داشتن آنها از آخرت] است. خداوند ﷻ از مردم دنیا دربارهٔ نعمت‌های حلالی که برخوردار بوده‌اند،

فِي خَلَالِهَا، فَكَيْفَ بِمَا نَعْمُوا فِي حَرَامِهَا؟^١

٦٨٢. الإمام علي عليه السلام: لِلْمُسْتَحْلِي لَذَّةُ الدُّنْيَا غُصَّةٌ.^٢

٦٨٥. عنه عليه السلام: الْمُسْتَمْتِعُونَ بِالدُّنْيَا تَبْكِي قُلُوبُهُمْ وَإِنْ فَرَحُوا، وَيَسْتَدُّ مَقْتُهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ وَإِنْ اغْتَبَطُوا بِبَعْضِ مَا مِنْهَا رَزَقُوا.

الدُّنْيَا فَانِيَةٌ لَا بَقَاءَ لَهَا، وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ لَا فَنَاءَ لَهَا. الدُّنْيَا مُقْبِلَةٌ إِلَى الْآخِرَةِ،
وَالْآخِرَةُ مُلْجَأُ الدُّنْيَا.^٣

٦٨٦. عنه عليه السلام - فِي بَيَانِ مَضَارِّ حُبِّ الدُّنْيَا - : مَنْ اسْتَشَعَرَ الشَّغْفَ^٤ بِهَا مَلَأَتْ ضَمِيرُهُ
أَشْجَانًا لَهُنَّ رَقِصٌ عَلَى سُودَاءٍ قَلْبِهِ^٥ هَمٌّ يَشْغَلُهُ، وَ غَمٌّ يَحْزُنُهُ، كَذَلِكَ حَتَّى
يُؤْخَذَ بِكَظْمِهِ^٦ فَيُلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرًا^٧، هَيِّنًا عَلَى اللَّهِ فَنَآؤُهُ وَعَلَى
الْإِخْوَانِ الْقَاؤُهُ.^٨

٦٨٧. عنه عليه السلام - فِي الدِّيَوَانِ الْمُنَسَّوبِ إِلَيْهِ - :
أَفَّ عَلَى الدُّنْيَا وَأَسْبَابِهَا فَإِنَّهَا لِاحْزَنِ مَخْلُوقَةٍ

١. الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ٥٣٢ ح ١١٦٢، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١ نحوه وكلاهما عن أَبِي ذَرٍّ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٧ ص ٨١ ح ٣.
٢. غُررُ الْحِكْمِ: ح ٧٣٣٣، عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ: ص ٤٠٤ ح ٦٨٢٣.
٣. مَطَالِبُ السُّؤُولِ: ص ٥٢؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨٢.
٤. شَغَفٌ بِالشَّيْءِ: أُولِعَ بِهِ (نَاجِ الْعُرُوسِ: ج ١٢ ص ٣٠٨ «شَغَفٌ»).
٥. سُودَاءُ الْقَلْبِ: حَبَّتُهُ، وَقِيلَ: دَمُهُ، وَإِذَا صَفَرُوا رَدَّوهُ إِلَى سُودَاءٍ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ٣ ص ٢٢٧ «سود»).
٦. الْكَظْمُ: هُوَ مَخْرَجُ النَّفْسِ مِنَ الْحَلْقِ (الْنَهَايَةُ: ج ٤ ص ١٧٨ «كظم»).
٧. الْأَبْهَرُ: عِزُّ فِي الظَّهْرِ، وَهُمَا أَبْهَرَانِ (الْنَهَايَةُ: ج ١ ص ١٨ «أَبْهَرًا»).
٨. نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: الْحِكْمَةُ ٣٦٧، تَحْفُ الْعُقُولِ: ص ٢٢١ نحوه، غُررُ الْحِكْمِ: ح ٩٠٦٠ وفيه «بَعِيدًا عَلَى الْإِخْوَانِ الْقَاؤُهُ» بَدَلُ «عَلَى الْإِخْوَانِ الْقَاؤُهُ»، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥.

بازخواست می‌کند، چه رسد به برخورداری آنان از نعمت‌های حرام دنیا.

۶۸۴. امام علی علیه السلام: کسی که لذت دنیا را شیرین بشمرد، اندوه به سراغش می‌آید.

۶۸۵. امام علی علیه السلام: برخورداران از دنیا، دل‌هایشان می‌گردد، اگرچه [به ظاهر] شاد باشند، و از خویشتن سخت در خشم‌اند، اگرچه برای آنچه از دنیا روزی داده شده‌اند، مورد غبطه دیگران باشند.

دنیا، فناپذیر است و بقایی ندارد، و آخرت، ماندگار است و فنا نمی‌پذیرد.
دنیا رو به آخرت دارد، و آخرت، پناهگاه دنیا است.

۶۸۶. امام علی علیه السلام - در بیان زیان‌های دنیا دوستی - : آن که دل‌باخته دنیا شود، دنیا اندرون او را آکنده از اندوه‌ها (نگرانی‌ها) می‌کند که در سویدای دلش به رقص در می‌آیند. اندوهی او را به خود مشغول می‌سازد، و غصه‌ای اندوهگینش می‌کند، تا آن که گلویش گرفته، شاه‌رگ‌هایش از کار می‌افتند و در گوشه‌ای افکنده می‌شود. خداوند، به آسانی نابودش می‌کند، و دوستان، به راحتی در گورش می‌افکنند.

۶۸۷. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - :

تفو بر دنیا و اسباب آن /

که برای غم و اندوه آفریده شده است

هَسُمُومَهَا مَا تَنْقُضِي سَاعَةً عَنْ مَلِكٍ فِيهَا وَعَنْ سَوْفَةٍ^١

٦٨٨. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هَمٌّ لَا يَفْنَى، وَأَمَلٌ لَا يُدْرَكُ، وَرَجَاءٌ لَا يُتَالُ^٢.

٩/٢

الْحَسْرَةُ

٦٨٩. الإمام علي عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ، اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا^٣.

٦٩٠. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ بِالدُّنْيَا، كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا^٤.

١٠/٢

فَسَادُ الدِّينِ

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

الكتاب

﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مِنْ أَكْثَرِ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَنْجِنَ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْنَاهُمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ

١. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٣٩٠ الرقم ٣٠١.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٣٢٠ ح ١٧، الخصال: ص ٨٨ ح ٢٢، تحف العقول: ص ٣٦٧، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٥، روضة الواعظين: ص ٤٨٤.

٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨٢ ح ٥٨٣٣، معاني الأخبار: ص ١٩٨ ح ٤، الأمالي للطوسي: ص ٤٣٥ ح ٩٧٤ نحوه، الأمالي للصدوق: ص ٤٧٧ ح ٦٤٤ كلها عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٨ ح ٥٦٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٧٣ عن الإمام زين العابدين عليه السلام، روضة الواعظين: ص ٤٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٧٦ ح ١.

٤. الكافي: ج ٢ ص ٣٢٠ ح ١٦ عن حفص بن قرط، عذبة الداعي: ص ١٠٥، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٣ ح ١٥٨٢، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٩ ح ٨.

غم‌هایش دمی پایان نمی‌گیرند / نه برای شاه و نه برای رعیت.

۶۸۸. امام صادق علیه السلام: هر که به دنیا دل بسته شود، دلش به سه چیز بسته می‌شود: اندوه پایان‌ناپذیر، آرزوی دست‌نیافتنی، و امید نارسیدنی.

۹/۴

افسوس

۶۸۹. امام علی علیه السلام: هر که مطلوبش دنیا باشد، در هنگام جدایی از آن، افسوس بسیار می‌خورد.

۶۹۰. امام صادق علیه السلام: کسی که زیاد گرفتار دنیا شود، هنگام جدا شدن از آن، بیشترین افسوس را می‌خورد.



قرآن

«هر که پس از ایمان آوردنش، به خدا کفر ورزد [، غذایی سخت خواهد داشت]، مگر آن کس که مجبور شده؛ ولی قلبش به ایمان، اطمینان دارد؛ لیکن هر کس سینه‌اش به کفر گشاده گردد، خشم خدا بر آنان است و بر آنان غذایی بزرگ خواهد بود؛ زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت،

الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^١.

«وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ه الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ»^٢.

الحديث

٦٩١. رسول الله ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِي وَهَمُّهُ غَيْرُ اللَّهِ، فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ.^٣

٦٩٢. عنه ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ، فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ.^٤

٦٩٣. عنه ﷺ: مَنْ كَانَ أَكْثَرُ هَمِّهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَأَكْثَرُ سَعْيِهِ لِلدُّنْيَا تَفَنَّى، فَلَيْسَ مِنَ الدِّينِ فِي شَيْءٍ.^٥

٦٩٤. عنه ﷺ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» يَمْنَعُ الْعِبَادَ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى مَا لَمْ يُؤْثِرُوا صَفَقَةَ دُنْيَاهُمْ عَلَى دِينِهِمْ، فَإِذَا آثَرُوا صَفَقَةَ دُنْيَاهُمْ عَلَى دِينِهِمْ، ثُمَّ قَالُوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» رُدَّتْ عَلَيْهِمْ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَذَبْتُمْ.^٦

١. النحل: ١٠٦ و ١٠٧.

٢. إبراهيم: ٣ و ٢.

٣. المحاسن: ج ١ ص ٣٢٤ ح ٦٤٩ عن محمد بن القاسم الهاشمي عن الإمام الصادق ﷺ، جامع الأحاديث للقمي: ص ١٢١ وفيه «وأكبر همّه» بدل «من أمتي». بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٤٣ ح ١٢: المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٥٦ ح ٧٩٠٢ عن عبد الله بن مسعود، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٦١ ح ١٠٥٨٦ عن أنس. كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٥ ح ٦٢٦٨.

٤. المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٥٢ ح ٧٨٨٩ عن حذيفة، المعجم الأوسط: ج ١ ص ١٥١ ح ٢٧١ عن أبي ذر، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٦١ ح ١٠٥٨٥ عن أنس وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٥ ح ٦٢٦٧: تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٠، المحجة البيضاء: ج ٥ ص ٢٥٥.

٥. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٦.

٦. نوادر الأصول: ج ٢ ص ٧٣، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٢٧ ح ١٠٤٩٧ نحوه وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ١ ص ٦٢ ح ٢٢١.

برتری داده‌اند و [هم] این که خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. ﴿
 «وای بر کافران از غذایی سخت؛ همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه
 خدا می‌شوند و آن را کج می‌جویند! آنان در گم‌راهی دور و درازی هستند.﴾

حدیث

۶۹۱. پیامبر خدا ﷺ: هر فردی از امت من که صبح کند و دغدغه‌اش غیر خدا باشد، از
 خدا نیست.

۶۹۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که صبح کند و دنیا بزرگ‌ترین دل‌مشغولی او باشد، نزد
 خداوند جایگاهی ندارد.

۶۹۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که بیشترین دغدغه‌اش زندگی دنیا، و بیشترین تلاشش برای
 لذت‌های فناپذیر باشد، از دین بهره‌ای ندارد.

۶۹۴. پیامبر خدا ﷺ: [گفتن] لا إله إلا الله، بندگان را از خشم خداوند متعال نگره
 می‌دارد، تا زمانی که داد و ستد [و منافع] دنیایشان را بر دینشان مقدم ندارند.
 و هر گاه داد و ستد دنیایشان را بر دینشان مقدم بدانند و با این حال بگویند:
 «لا إله إلا الله»، به خودشان پس زده می‌شود و خداوند متعال می‌گوید: دروغ
 می‌گویید.

٦٩٥. عنه عليه السلام: أَنْتُمْ الْيَوْمَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ، قَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ تَعَالَى طَرِيقَكُمْ، مَا لَمْ تَظْهَرْ فِيكُمْ السَّكَرَتَانِ^١: سَكْرَةُ الْعَيْشِ، وَسَكْرَةُ الْجَهْلِ. فَأَنْتُمْ الْيَوْمَ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَتَسْتَحْوِلُونَ عَنْ ذَلِكَ إِذَا فَشَا فِيكُمْ حُبُّ الدُّنْيَا؛ فَلَا تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتُجَاهِدُونَ فِي غَيْرِ سَبِيلِ اللَّهِ. وَالْقَائِمُونَ يَوْمَئِذٍ بِالْكِتَابِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً، كَالسَّابِقِينَ الْأَوَّلِينَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ^٢.

٦٩٦. الإمام علي عليه السلام: فَسَادُ الدِّينِ الدُّنْيَا^٣.

٦٩٧. عنه عليه السلام: مَا أَفْسَدَ الدِّينَ كَالدُّنْيَا^٤.

٦٩٨. عنه عليه السلام: مَنْ عَمَّرَ دُنْيَاهُ، أَفْسَدَ دِينَهُ وَأَخْرَبَ أَخْرَاهُ^٥.

٦٩٩. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمَفْسَدَةٌ الدِّينِ وَمَسْلَبَةُ الْيَقِينِ، وَإِنَّهَا لِرَأْسِ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ^٦.

٧٠٠. عنه عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالدُّنْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى^٧.

٧٠١. الإمام الحسين عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا، وَالدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ^٨ يَحُوطُونَهُ

١. السُّكْرُ: غَيْبُوبَةُ الْعَقْلِ وَاجْتِلَاطُهُ مِنَ الشَّرَابِ، وَقَدْ يَعْتَرِي الْإِنْسَانَ مِنَ الْغَضَبِ أَوِ الْعَشَقِ أَوِ الْقُوَّةِ أَوِ الظُّفْرِ (المعجم الوسيط: ج ١ ص ٤٣٨ «سكر»).

٢. تنبيه الغافلين: ص ٩٩ ح ١٠٠، نوادر الأصول: ج ٢ ص ٢٨ نحوه وراجع حلية الأولياء: ج ٨ ص ٤٩.

٣. غرر الحكم: ح ٦٥٥٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٧ ح ٦٠٤٠.

٤. غرر الحكم: ح ٩٤٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٠ ح ٨٨٣١.

٥. غرر الحكم: ح ٨٨٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٧ ح ٨٢٨٣.

٦. غرر الحكم: ح ٢٥١٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٢ ح ٣٣٣٠.

٧. غرر الحكم: ح ٤٩٠٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٣ ح ٤٢٧٢.

٨. قال الطريحي: من كلام علي عليه السلام: «وصار دين أحدكم لُعَقَةً على لسانه»؛ قال بعض الشارحين: اللُعَقَةُ: اسم لما تأخذه اللُعَقَةُ، استعارة للإقرار بالدين باللسان، وكُنِيَ بِهِ عَنْ ضَعْفِهِ وَقَلْتِهِ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٤ «لعق»).

۶۹۵. پیامبر خدا ﷺ: شما امروز دارای حجتی آشکار از جانب پروردگارتان هستید. خداوند متعال، تا زمانی که دو مستی در میان شما نمایان نشود، راه شما را آشکار ساخته است: مستی زندگی، و مستی نادانی.

شما امروز، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید، و در راه خدا به جهاد می‌پردازید؛ ولی زودا که با شیوع دنیادوستی در میانتان، از این حال برگردید و دیگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید و در غیر راه خدا بجنگید. کسانی که در آن هنگام، در نهان و آشکار، به کتاب [خدا] پایبندی نشان می‌دهند، همانند نخستین پیشگامان مهاجران و انصار هستند.

۶۹۶. امام علی علیه السلام: دنیا، مایه تباهی دین است.

۶۹۷. امام علی علیه السلام: هیچ چیزی مانند دنیا، دین را تباه نکرد.

۶۹۸. امام علی علیه السلام: هر کس دنیای خویش را آباد ساخت، دینش را تباه و آخرتش را ویران نمود.

۶۹۹. امام علی علیه السلام: دنیا، مایه تباهی دین و از بین رفتن یقین است، و اساس فتنه‌ها و ریشه رنج‌هاست.

۷۰۰. امام علی علیه السلام: هر دلی که شیفته دنیا است، حرام است که تقوا در آن، خانه کند.

۷۰۱. امام حسین علیه السلام: مردم، بنده دنیایند و به ظاهر، دم از دین می‌زنند و تا زمانی که زندگی‌شان تأمین شود، از آن دفاع می‌کنند؛ اما چون در بوته آزمایش قرار

ما دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ.^١

٧٠٢. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَفَتْ لَهُ دُنْيَاهُ فَاتَّهَمَهُ فِي دِينِهِ.^٢

٧٠٣. عنه عليه السلام: إِذَا صَلَحَ أَمْرُ دُنْيَاكَ فَاتَّهَمَ دِينَكَ.^٣

٧٠٤. الإمام علي عليه السلام - فِي الدِّيَّانِ الْمُنْسُوبِ إِلَيْهِ - :

مَا هَذِهِ الدُّنْيَا لِطَالِبِهَا إِلَّا عَنَاءٌ وَهُوَ لَا يَدْرِي

إِنْ أَقْبَلَتْ شَغَلَتْ دِيَانَتَهُ إِنْ أَدْبَرَتْ شَغَلَتْهُ بِالْفَقْرِ^٤

راجع: ج ٢ ص ١٠٦ (بركات الزهد / صلاح الدين).

١١/٤

عَلَّمَ الْإِلَهَ لِنِذَارٍ بِالْعِبَادَةِ

٧٠٥. عيسى عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ كَمَا يَنْظُرُ الْمَرِيضُ إِلَى طَيِّبِ الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَذُّهُ مَعَ

مَا يَجِدُهُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجَعِ؛ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَذُّ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ

خَلَائِقَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ. وَكَمَا يَلْتَذُّ الْمَرِيضُ نَعْتِ الطَّبِيبِ الْعَالِمِ بِمَا

يَرْجُو فِيهِ مِنَ الشِّفَاءِ، فَإِذَا ذَكَرَ مَرَارَةَ الدَّوَاءِ وَطَعْمَهُ كَذَّرَ عَلَيْهِ الشِّفَاءَ، كَذَلِكَ

أَهْلُ الدُّنْيَا يَلْتَذُّونَ بِبَهْجَتِهَا وَأَنْوَاعِ مَا فِيهَا فَإِذَا ذَكَرُوا فُجَاءَةَ الْمَوْتِ كَذَّرَهَا عَلَيْهِمْ

وَأَفْسَدَهَا.^٥

١. تحف العقول: ص ٢٤٥، كشف الغمة: ج ٢ ص ٢٤٤ عن الفرزدق وفيه «لغو» بدل «لغو» و «السال» بدل

«الدنيا»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١١٧ ح ٢.

٢. الأُمالي للطوسي: ص ٢٨٠ ح ٥٤٠ و ص ٢٨٤ ح ٥٥٢ كلاهما عن المنصوري عن عم أبيه عن الإمام الهادي عن آياته عليه السلام.

٣. تحف العقول: ص ٣٥٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٤٢ ح ٣٠.

٤. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٢٦٢ الرقم ١٨٤.

٥. تحف العقول: ص ٥٠٧، التحصين لابن فهد: ص ٥ ح ٢، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٠ ح ١٧ وراجع عدة الداعي: ص ٩٦.

گیرند، دینداران اندک‌اند.

۷۰۲. امام صادق علیه السلام: هر که دنیايش به کام او شد، وی را در دینش متهم کن.

۷۰۳. امام صادق علیه السلام: هر گاه کار دنیايت درست شد، به دینداری ات بدگمان شو.

۷۰۴. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:

این دنیا برای جوینده‌اش نیست / مگر رنج، و او خود نمی‌داند

دنیا اگر روی آورد، او را از دینش باز می‌دارد / و چون برود، او را به فقر گرفتار می‌سازد.

و.ک: ج ۲ ص ۱۰۷ (برکت‌های زهد / درستى دين).

۱۱/۴

لذت نبردن از عبادت

۷۰۵. عیسی علیه السلام: به حق برایتان می‌گویم: همان گونه که بیمار به خوراک خوش مزه

می‌نگرد، اما از شدت دردی که دارد، از آن لذتی نمی‌برد، دنیا دار نیز به سبب

عشق به ثروت، از عبادت لذت نمی‌برد و شیرینی آن را نمی‌چشد. و همان

گونه که بیمار از نسخه طبیب حاذق، به خاطر امید شفایی که در آن دارد، لذت

می‌برد، اما چون تلخی دارو و مزه‌اش را به یاد آورد، شفا در نظرش تیره

می‌شود، اهل دنیا نیز از زرق و برق دنیا و انواع خوشی‌هایی که در آن است،

لذت می‌برند؛ اما چون غافلگیری مرگ را به یاد آورند، همه این لذت‌ها را بر

آنان تیره و تباه می‌سازد.

٧٠٦. رسول الله ﷺ: مَا جَفَوَةُ الْعُيُونِ إِلَّا مِنْ كَثَرَةِ الذُّنُوبِ، وَمَا كَثَرَةُ الذُّنُوبِ إِلَّا مِنْ قِلَّةِ الْوَرَعِ، وَمَا قِلَّةُ الْوَرَعِ إِلَّا مِنْ كَثَرَةِ الْجَفَاءِ، وَمَا كَثَرَةُ الْجَفَاءِ إِلَّا مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا.^١

١٢/٤

حَبْطُ الْأَعْمَالِ

٧٠٧. رسول الله ﷺ: سِتَّةُ أَشْيَاءَ تُحْبِطُ الْأَعْمَالَ: الْإِسْتِغَالُ بِغُيُوبِ الْخَلْقِ، وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا، وَقِلَّةُ الْحَيَاءِ، وَطُولُ الْأَمَلِ، وَظَالِمٌ لَا يَنْتَهِي.^٢

١٣/٤

الشُّغْلُ عَنِ الْآخِرَةِ

٧٠٨. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُؤْمِنٌ فَقِيرٌ شَدِيدُ الْحَاجَةِ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ^٣، وَكَانَ مُلَازِمًا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ مَوَاقِبِ الصَّلَاةِ كُلِّهَا لَا يَفْقِدُهُ فِي شَيْءٍ مِنْهَا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَرِقُّ لَهُ وَيَنْظُرُ إِلَى حَاجَتِهِ وَغُرْبَتِهِ، فَيَقُولُ: يَا سَعْدُ، لَوْ قَدْ جَاءَنِي شَيْءٌ لَأَغْنَيْتُكَ.

قَالَ: فَأَبْطَأَ ذَلِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَاشْتَدَّ غَمُّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِسَعْدٍ، فَعَلِمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَا دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنْ غَمِّهِ لِسَعْدٍ. فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ عليه السلام

١. الفردوس: ج ٤ ص ١١٥ ح ٦٣٥٩ عن أنس.

٢. كنز العمال: ج ١٦ ص ٨٥ ح ٢٣٠٢٢ نقلًا عن الفردوس عن عدي بن حاتم، الجامع الصغير: ج ٢ ص ٤٦ ح ٤٦٥٨.

٣. أهل الصُّفَّة: هم فقراء المهاجرين، ومن لم يكن له منهم منزل يسكنه، فكانوا يأوون إلى موضع مُظْلَلٍ في مسجد المدينة يسكنونه (النهاية: ج ٣ ص ٣٧ «صف»).

۷۰۶. پیامبر خدا ﷺ: خشکی چشم‌ها^۱ ناشی از فراوانی گناهان است، و فراوانی گناهان، ناشی از اندک بودن پارسایی، و اندک بودن پارسایی، ناشی از درشت‌طبعی بسیار، و درشت‌طبعی بسیار، ناشی از دنیادوستی.

۱۲/۴

برباد رفتن اعمال

۷۰۷. پیامبر خدا ﷺ: شش چیز، اعمال [نیکو] را برباد می‌دهد: پرداختن به عیوب مردم، سنگ‌دلی، دنیادوستی، کم‌حیایی، درازی آرزو، و ستمگری که [از ستمکاری] باز نایستد.

۱۳/۴

بازماندن از آخرت

۷۰۸. امام باقر ع: در زمان پیامبر خدا، مؤمنی نادار و سخت‌نیازمند از اهل صُفّه^۲ بود که در همه اوقات نماز، ملازم پیامبر خدا بود و در هیچ نمازی غیبت نداشت. پیامبر خدا، ناداری و غربت او را می‌دید و دلش به حال وی می‌سوخت و می‌فرمود: «ای سعد! اگر چیزی دستم بیاید، نیازت را برطرف می‌کنم». مدت‌ها گذشت و به پیامبر خدا چیزی نرسید. غم ایشان برای سعد، شدت گرفت. خداوند سبحان که می‌دانست پیامبر خدا برای سعد، غم بسیار می‌خورد، جبرئیل ع را با دو درهم فرستاد. جبرئیل به ایشان گفت:

۱. کنایه از گریه نکردن و سنگ‌دلی و نداشتن رقت قلب.

۲. اهل صُفّه، مهاجران تهی‌دستی بودند که منزلی برای سکونت نداشتند و در زیر سایبانی در مسجد مدینه به سر می‌بردند (النهاية: ج ۳ ص ۳۷ «صفه»).

وَمَعَهُ دِرْهَمَانِ، فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ مَا قَدْ دَخَلَكَ مِنَ الْغَمِّ لِسَعْدٍ،
أَفْتُحِبُّ أَنْ تُغْنِيَهُ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ لَهُ: فَهَآكَ هَذَيْنِ الدَّرْهَمَيْنِ فَأَعْطِيَهُمَا إِيَّاهُ وَمُرُهُ أَنْ يَتَّجِرَ بِهِمَا.

قَالَ: فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الظُّهْرِ، وَسَعْدٌ قَائِمٌ عَلَى بَابِ
حُجْرَاتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَنْتَظِرُهُ، فَلَمَّا رَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ: يَا سَعْدُ، أَتُحْسِنُ
التَّجَارَةَ؟

فَقَالَ لَهُ سَعْدٌ: وَاللَّهِ مَا أَصْبَحْتُ أَمْلِكُ مَالاً أَتَّجِرُ بِهِ! فَأَعْطَاهُ النَّبِيُّ ﷺ
الدَّرْهَمَيْنِ، وَقَالَ لَهُ: اتَّجِرْ بِهِمَا وَتَصَرَّفْ لِرِزْقِ اللَّهِ. فَأَخَذَهُمَا سَعْدٌ وَمَضَى مَعَ
النَّبِيِّ ﷺ حَتَّى صَلَّى مَعَهُ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: قُمْ فَاطْلُبِ الرِّزْقَ،
فَقَدْ كُنْتُ بِحَالِكَ مُغْتَمًّا يَا سَعْدُ.

قَالَ: فَأَقْبَلَ سَعْدٌ لَا يَشْتَرِي بِدِرْهَمٍ شَيْئاً إِلَّا بَاعَهُ بِدِرْهَمَيْنِ وَلَا يَشْتَرِي شَيْئاً
بِدِرْهَمَيْنِ إِلَّا بَاعَهُ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ، فَأَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ فَكَثُرَ مَتَاعُهُ وَمَالُهُ
وَعَظُمَتِ تِجَارَتُهُ، فَاتَّخَذَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ مَوْضِعاً وَجَلَسَ فِيهِ فَجَمَعَ تِجَارَتَهُ
إِلَيْهِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَقَامَ بِلَالٌ لِلصَّلَاةِ يَخْرُجُ وَسَعْدٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا، لَمْ
يَتَطَهَّرْ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ كَمَا كَانَ يَفْعَلُ قَبْلَ أَنْ يَتَشَاغَلَ بِالدُّنْيَا، فَكَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ: يَا
سَعْدُ، شَغَلَتْكَ الدُّنْيَا عَنِ الصَّلَاةِ! فَكَانَ يَقُولُ: مَا أَصْنَعُ، أَضِيعُ مَالِي؟! هَذَا رَجُلٌ
قَدْ بَعَثَهُ فَأَرِيدُ أَنْ أَسْتَوْفِيَ مِنْهُ، وَهَذَا رَجُلٌ قَدْ اشْتَرَيْتُ مِنْهُ فَأَرِيدُ أَنْ أُوفِّيَهُ.

قَالَ: فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ أَمْرِ سَعْدٍ غَمٌّ أَشَدُّ مِنْ غَمِّهِ بِفَقْرِهِ، فَهَبَطَ عَلَيْهِ
جَبْرَائِيلُ ﷺ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ غَمَّكَ بِسَعْدٍ، فَأَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ،

ای محمد! خدا می‌داند که تو برای سعد، غم می‌خوری. آیا دوست داری که او را بی‌نیاز گردانی؟

پیامبر ﷺ فرمود: «آری».

جبرئیل گفت: این دو درهم را بگیر و به او بده و بگو با آنها کاسبی کند. پیامبر خدا [آن دو را] گرفت و سپس برای نماز ظهر، بیرون رفت. سعد بر درِ اتاق‌های پیامبر خدا، منتظر ایشان ایستاده بود. پیامبر خدا چون او را دید، فرمود: «ای سعد! کاسبی می‌دانی؟».

سعد گفت: به خدا سوگند، هیچ گاه پولی نداشته‌ام که با آن کاسبی کنم! پیامبر ﷺ آن دو درهم را به او داد و فرمود: «با اینها کاسبی کن و برای به دست آوردن روزی خدا، تلاش نما».

سعد، آن دو درهم را گرفت و همراه پیامبر ﷺ رفت و نماز ظهر و عصر را با ایشان خواند. آن گاه، پیامبر ﷺ به او فرمود: «برخیز و در پی روزی برو، که من از حال و روز تو - ای سعد - ناراحت بوده‌ام».

از آن پس، سعد اگر چیزی با یک درهم می‌خرید، با دو درهم می‌فروخت، و اگر با دو درهم می‌خرید، به چهار درهم می‌فروخت. بدین ترتیب، دنیا به سعد رو کرد و سرمایه و ثروتش زیاد شد و تجارتش رونق گرفت. پس، بر درِ مسجد، جایی گرفت و در آن جا نشست و به کسب پرداخت. هر گاه بلال برای نماز اقامه می‌گفت، پیامبر ﷺ بیرون می‌آمد و می‌دید که سعد همچنان سرگرم دنیا است و نه - آن چنان که پیش از پرداختن به دنیا می‌کرد - وضو گرفته و نه آماده نماز شده است. پیامبر ﷺ می‌فرمود: «ای سعد! دنیا تو را از نماز باز داشته است!» و او می‌گفت: چه کنم؟ مالم را ضایع کنم؟ به این یکی فروخته‌ام و می‌خواهم پولش را از او بگیرم و از آن یکی خریده‌ام و می‌خواهم پولش را بدهم.

این وضع سعد، پیامبر خدا را ناراحت‌تر از زمانی کرد که برای ناداری‌اش غصه می‌خورد. پس، جبرئیل ﷺ بر او فرود آمد و گفت: ای محمد! خداوند

حاله الأولى أو حاله هذه؟

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ : يَا جَبْرِئِيلُ، بَلْ حَالُهُ الْأُولَى، قَدْ أَذْهَبَتْ^١ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ.
فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ ﷺ : إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالِ فِتْنَةٌ وَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ، قُلْ
لِسَعْدٍ يَرُدُّ عَلَيْكَ الدَّرْهَمَيْنِ اللَّذَيْنِ دَفَعْتَهُمَا إِلَيْهِ، فَإِنَّ أَمْرَهُ سَيَصِيرُ إِلَى الْحَالَةِ
الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا أَوَّلًا.

قَالَ: فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ فَمَرَّ بِسَعْدٍ، فَقَالَ لَهُ: يَا سَعْدُ، أَمَا تُرِيدُ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ
الدَّرْهَمَيْنِ اللَّذَيْنِ أُعْطَيْتُكُمَا؟ فَقَالَ سَعْدٌ: بَلَى وَمِثَّتَيْنِ.
فَقَالَ لَهُ: لَسْتُ أُرِيدُ مِنْكَ يَا سَعْدُ إِلَّا الدَّرْهَمَيْنِ، فَأَعْطَاهُ سَعْدٌ دَرْهَمَيْنِ.
قَالَ: فَأَذْبَرَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ حَتَّى ذَهَبَ مَا كَانَ جَمْعَ، وَعَادَ إِلَى حَالِهِ الَّتِي
كَانَ عَلَيْهَا.^٢



الكتاب

﴿يُنَاقِشُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتُمْ قُلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ
أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾.^٣

الحديث

٧٠٩ . مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِثَوْبَانَ: كَيْفَ أَنْتَ

١ . ذَهَبَ بِهِ وَأَذْهَبَهُ غَيْرُهُ: أزاله. ويُقال: أَذْهَبَ بِهِ... وهو قليل (لسان العرب: ج ١ ص ٤٩٣ «ذهب»).

٢ . الكافي: ج ٥ ص ٣١٢ ح ٢٨ عن أبي بصير، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٣ ح ١٥٨٢ نحوه.. بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ١٢٢ ح ٩٢.

٣ . التوبة: ٣٨.

از این غم تو برای سعد، آگاه است. کدام یک را دوست‌تر داری: حالت نخست را، یا این حالت را؟

پیامبر ﷺ به او فرمود: «ای جبرئیل! حالت نخست را. دنیای او آخرتش را از بین برده است!».

جبرئیل ﷺ به او گفت: علاقه‌مندی به دنیا و ثروت، گرفتاری و مایهٔ باز ماندن از آخرت است. به سعد بگو آن دو درهمی را که به او داده‌ای، به تو برگرداند. با این کار، به همان حال اولش باز می‌گردد.

پیامبر ﷺ بیرون رفت و به سعد برخورد. به او فرمود: «ای سعد! نمی‌خواهی آن دو درهمی را که به تو داده‌ام، به من برگردانی؟».

سعد گفت: چرا؟ [به جای آن،] دو است درهم می‌دهم.

پیامبر ﷺ به او فرمود: «نه، ای سعد! من بیشتر از دو درهم، از تو نمی‌خواهم» و سعد دو درهم به ایشان داد. از آن پس، دنیا به سعد پشت کرد، تا جایی که هر چه جمع کرده بود، از دست رفت و سعد، دوباره مثل اولش شد.

۱۴/۴

زفتن به جهاد

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود: در راه خدا بسیج شوید، کندی به خرج می‌دهید؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست».

حدیث

۲۰۹. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو هریره - : شنیدم که پیامبر خدا به ثوبان

يا ثوبانُ إذا تداعَت عَلَيكُمُ الْأُمَمُ كَتَداعِيكُمُ عَلَى قَصْعَةِ الطَّعَامِ يُصَيَّبُونَ^١ مِنْهُ؟

قَالَ ثُوبَانُ: يَا أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمِنْ قِلَّةِ بِنَا؟

قَالَ: لَا، أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ، وَلَكِنْ يُلْقَى فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنُ^٢.

قالوا: وَمَا الْوَهْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: حُبُّكُمُ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَّتُكُمُ الْقِتَالَ^٣.

٧١٠. الإمام علي عليه السلام - فِي خُطْبَتِهِ لَمَّا اضْطَرَبَ عَلَيْهِ أَصْحَابُهُ فِي أَمْرِ الْحُكُومَةِ -: أَيُّهَا

النَّاسُ، إِنَّهُ لَمْ يَزَلْ أُمْرِي مَعَكُمْ عَلَى مَا أَحْبَبْتُ حَتَّى نَهَكْتُكُمُ الْحَرْبَ، وَقَدْ وَاللَّهِ

أَخَذْتُ مِنْكُمْ وَتَرَكْتُ، وَهِيَ لِعَدُوِّكُمْ أَنْهَكُ. لَقَدْ كُنْتُ أَمْسِ أَمِيرًا فَأَصْبَحْتُ

الْيَوْمَ مَأْمُورًا! وَكُنْتُ أَمْسِ نَاهِيًا فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَنْهِيًا! وَقَدْ أَحْبَبْتُمُ الْبَقَاءَ،

وَلَيْسَ لِي أَنْ أُحْمِلَكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ^٤.

٧١١. عنه عليه السلام - فِي اسْتِنْفَارِ النَّاسِ إِلَى أَهْلِ الشَّامِ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنْ أَمْرِ الْخَوَارِجِ -: أَفْ^٥

لَكُمْ، لَقَدْ سَيِّمْتُ عِتَابَكُمْ! أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عِوَضًا؟ وَبِالذُّلِّ مِنَ

الْعِزِّ خَلْفًا؟ إِذَا دَعَوْتُكُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوِّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ؛ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي

غَمْرَةٍ^٦، وَمِنْ الذُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ^٧.

١. كذا في المصدر، وفي كنز العمال: «تصيبون»، وهو المناسب للسياق.

٢. الوهن: الضعف (المصباح: ج ٦ ص ٢٢١٥ «وهن»).

٣. مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٨١ ح ٨٧٢١، كنز العمال: ج ٢ ص ٢٢٥ ح ٦٣١٩ وراجع مسند ابن حنبل: ج ٨

ص ٣٢٧ ح ٢٢٢٤٠ وسنن أبي داود: ج ٢ ص ١١١ ح ٢٢٩٧.

٤. نهج البلاغة: الخطبة ٢٠٨، المعيار والموازنة: ص ١٧٥، وقعة صفين: ص ٢٨٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٣٢

ص ٥٢٥ ح ٤٥٠ وج ١٠٠ ص ٤١ ح ٤٨.

٥. أف: معناه الاحتقار والاستقلال، وهي صوت إذا صوّت به الإنسان عليم أنه متضرّج متكرّج (النهاية: ج ١

ص ٥٥ «أف»).

٦. رجُلٌ مُغْتَمِرٌ: سُكَرَانٌ، كَأَنَّهُ اغْتَمَرَ الشُّكْرُ؛ أَي غَطَى عَلَى عَقْلِهِ وَسَتَرَهُ (تاج العروس: ج ٧ ص ٢٢٠ «غمر»).

٧. نهج البلاغة: الخطبة ٣٢، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٧٢ ح ٩٣٥؛ مطالب السؤول: ص ٥٩ نحوه.

می‌فرماید: «چگونه‌ای تو - ای ثوبان -، آن گاه که امت‌ها بر ضدّ شما گرد آیند، آن سان که شما بر گرد قَدَح غذا گرد می‌آیید تا از آن به نوایی برسید؟».

ثوبان گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! آیا از اندک بودن ماست؟

فرمود: «نه. در آن روز، شما پرشمارید؛ اما در دل‌هایتان ضعف افکنده می‌شود».

گفتند: [مقصودتان از] ضعف چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «علاقه‌مندی شما به دنیا و بیزاری‌تان از جهاد».

۷۱۰. امام علی علیه السلام - در خطبه‌اش که پس از برآشفتن یارانش از کار حکمیت ایراد کرد - ای مردم! کار من با شما پیوسته چنان بود که من دوست داشتم، تا آن که جنگ، شما را فرسوده ساخت، و به خدا سوگند که شماری از شما را گرفت و شماری را باقی گذاشت؛ هرچند برای دشمن شما فرساینده‌تر بود.

من تا دیروز، فرمانده بودم و امر و نهی می‌کردم؛ ولی امروز [کار به جایی رسیده که] به من امر و نهی می‌شود! شما زنده ماندن را دوست دارید و من نمی‌توانم شما را به آنچه دوست ندارید، وا دارم.

۷۱۱. امام علی علیه السلام - در فراخواندن مردم به جنگ با شامیان، پس از یکسره کردن کار خوارج - آه از شما! خسته شدم، از بس که سرزنتان کردم! آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا رضایت داده‌اید؟! و عزّت را بر ذلّت برگزیده‌اید؟! هرگاه شما را به جهاد با دشمنان فراخواندم، چشمانتان پیچ و تاب برداشت، آن سان که گویی در سَکرات مرگ گرفتار آمده‌اید، یا در گیجی مستی به سر می‌برید!

١٥/٢

فَقَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ

٧١٢. رسول الله ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالْدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ، جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَشَتَّتْ أَمْرَهُ، وَلَمْ يَنْلِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ.^١

٧١٣. عنه ﷺ: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمِّهِ، جَعَلَ اللَّهُ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَفَرَّقَ عَلَيْهِ شَمْلَهُ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُدِّرَ لَهُ.^٢

٧١٤. عنه ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ وَالْدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ، وَالزَّمَ قَلْبَهُ أَرْبَعَ خِصَالٍ: هَمًّا لَا يَنْقَطِعُ عَنْهُ أَبَدًا، وَشُغْلًا لَا يَنْفَرُجُ مِنْهُ أَبَدًا، وَفَقْرًا لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ أَبَدًا، وَأَمَلًا لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ أَبَدًا.^٣

٧١٥. عنه ﷺ: أَنَا زَعِيمٌ^٤ بِثَلَاثٍ لِمَنْ أَكْبَرَ عَلَى الدُّنْيَا: بِفَقْرٍ لَا غِنَاءَ لَهُ، وَبِشُغْلٍ لَا فِرَاقَ لَهُ، وَبِهِمْ وَحْزَنٍ لَا انْقِطَاعَ لَهُ.^٥

١. ثواب الأعمال: ص ٢٠١ ح ١ عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام، الكافي: ج ٢ ص ٣١٩ ح ١٥ عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسناد إليه عليه السلام، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٩ ح ١٣٢ عن أبي هاشم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، تحف العقول: ص ٢٨، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٣ ح ١٥٤٦ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٢ ح ٩٦.
٢. سنن الترمذي: ج ٢ ص ٦٢٢ ح ٢٢٦٥ عن أنس، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٥ ح ٤١٠٥، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٨ ح ١٠٣٣٨ كلاهما عن زيد بن ثابت، المعجم الكبير: ج ١١ ص ٢١٣ ح ١١٦٩٠ عن ابن عباس، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٢٣ ح ٥٩٩٠ عن أنس وكلها نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٣٥ ح ٤٤١٦٠.
٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٠، المحجة البيضاء: ج ٥ ص ٢٥٥، الفردوس: ج ٣ ص ٥٨٠ ح ٥٨١٨ عن ابن عمر، تنبيه الغافلين: ص ٢٤٥ ح ٣٢٠ كلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٦ ح ٦٢٧٢ وراجع أعلام الدين: ص ٣٢٥ وبحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٨ ح ١٠.
٤. الزعيم: الكفيل (النهاية: ج ٢ ص ٣٠٣ «زعم»).
٥. كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٤٤، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣.

۱۵/۲

فقر دنیا و آخرت

۷۱۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در شب و روز، بزرگ‌ترین دغدغه‌اش دنیا باشد، خداوند متعال فقر را پیش چشمان او می‌نهد [تا همواره احساس فقر کند] و امورش را پریشان می‌سازد، و از دنیا جز به آنچه برایش قسمت شده، نمی‌رسد.

۷۱۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که دغدغه‌اش دنیا باشد، خداوند فقر را پیش چشمان او می‌نهد، و آرامش [خاطر] او را پریشان می‌سازد، و از دنیا جز آنچه برایش مقدر شده، به او نمی‌رسد.

۷۱۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در حالی صبح کند که بزرگ‌ترین دغدغه‌اش دنیا باشد، نزد خداوند منزلتی ندارد و خداوند، چهار چیز را پیوسته در دلش قرار می‌دهد: اندوهی که هرگز از او جدا نمی‌شود، گرفتاری‌ای که هرگز از آن خلاصی نمی‌یابد، فقری که هرگز به توانگری نمی‌انجامد، و آرزویی که هرگز به پایان نمی‌رسد.

۷۱۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس تمام وقت خود را صرف دنیا کند، من سه چیز را برایش ضمانت می‌کنم: فقری که آن را توانگری نیست، گرفتاری‌ای که از آن خلاصی نیست، و غم و اندوهی که تمام شدنی نیست.

٧١٦. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَسْرَفَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا.^١

٧١٧. عنه عليه السلام: الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا مُلُوكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَرَغِبَ فِيهَا فَهُوَ فَقِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَمَنْ زَهَدَ فِيهَا مَلَكَهَا، وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا مَلَكَتْهُ.^٢

راجع: ص ٢٥٤ (ما يمنع خير الآخرة من الدنيا).

١٦/٤

اِخْتَارُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

٧١٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَضَى نَهْمَتَهُ^٣ فِي الدُّنْيَا، حِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَهَوَاتِهِ فِي الْآخِرَةِ.^٤

٧١٩. عنه عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ عليه السلام: ... مَنْ يَخْتَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ فَاتَتْهُ الدُّنْيَا، وَلَا يَصِيرُ إِلَى مُلْكِ الْآخِرَةِ.^٥

٧٢٠. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ عليه السلام: ... مَنْ اخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ يَخْسِرُهُمَا كِلْتاهِمَا، تَزُولُ هَذِهِ وَلَا تُدْرِكُ تِلْكَ.^٦

٧٢١. لقمان عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ -: يَا بُنَيَّ، بَعْ دُنْيَاكَ بِآخِرَتِكَ تَرْبِحْهُمَا جَمِيعًا،

١. غرر الحكم: ج ٨، ٨٦٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٠ ح ٨٣٣٩.

٢. إرشاد القلوب: ص ٢٠.

٣. النهم: إفراط الشهوة (المصباح المنير: ص ٦٢٩ «نهم»).

٤. المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٤٥ ح ٧٩١٢، شعب الإيمان: ج ٧ ص ١٢٥ ح ٩٧٢٢ كلاهما عن البراء بن عازب، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٢٧٧.

٥. في نواذر الأصول: «لا يصبر»، والتصويب من الدرر المشور.

٦. نواذر الأصول: ج ١ ص ٢٤٧، الدرر المشور: ج ٦ ص ٥١٠ عن أبي مسلم الخولاني، كنز العمال: ج ١٤ ص ٣٤ ح ٣٧٨٦٥.

٧. تفسير القمي: ج ٢ ص ١٦٣ عن حماد، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤١٠ ح ٢ وراجع عوالي اللآلي: ج ٣ ص ٥١٧ ح ١١.

۷۱۶. امام علی علیه السلام: هر که در طلب دنیا زیاده روی کند، فقیر از دنیا می‌رود.
۷۱۷. امام علی علیه السلام: بی رغبتان به دنیا، پادشاهان دنیا و آخرت‌اند. و هر که به دنیا رغبت نشان دهد و به آن دل ببندد، در دنیا و آخرت، فقیر است. و هر که نسبت به دنیا زهد ورزد، مالک آن می‌شود، و هر که به دنیا دل ببندد، دنیا مالک او می‌شود.

و. ک: ص ۲۵۵ (دنپایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می‌شود).

۱۶/۴

باختن در دنیا و آخرت

۷۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خواسته‌های خود را در دنیا برآورده سازد، میان او و خواسته‌هایش در آخرت، مانع ایجاد می‌شود.
۷۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لقمان علیه السلام گفت: «... هر که دنیا را بر آخرت برگزیند، به دنیا نمی‌رسد، و به ملک آخرت [نیز] دست نمی‌یابد».
۷۲۰. امام صادق علیه السلام: لقمان علیه السلام گفت: «... هر که دنیا را بر آخرت برگزیند، هر دوی آنها را می‌بازد: این، از بین می‌رود، و به آن، دست نمی‌یابد».
۷۲۱. لقمان علیه السلام: در سفارش به فرزندش - : فرزندم! دنیایت را به آخرت بفروش تا هر دوی آنها را ببری، و آخرت را به دنیایت بفروش که هر دوی آنها را می‌بازی.

وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ تَخْسِرُهُمَا جَمِيعاً^١.

٧٢٢. الإمام علي عليه السلام: مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ خَسِرَهُمَا^٢.

٧٢٣. عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ بَاعَ جَنَّةَ الْمَأْوَى لِعَاجِلَةِ الدُّنْيَا تَعَسَّ جَدُّهُ^٣ وَخَسِرَتْ صَفْقَتُهُ^٤.

٧٢٤. عنه عليه السلام: لَا تُصْلِحْ دُنْيَاكَ بِمَحَقِّ^٥ دِينِكَ؛ فَتَكُونَ مِنَ الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالاً^٦.

٧٢٥. عنه عليه السلام: مَعَاشِرَ النَّاسِ! اتَّقُوا اللَّهَ، فَكَمْ مِنْ مُؤْمِلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ، وَبَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ، وَجَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ، وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ، وَمِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ، أَصَابَهُ حَرَاماً، وَاحْتَمَلَ بِهِ آثَاماً، فَبَاءَ بِوِزْرِهِ، وَقَدِمَ عَلَى رَبِّهِ آسِفاً لَاهِفاً، قَدْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ^٧.

٧٢٦. عنه عليه السلام: أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا عِوَضاً عَنِ الْآخِرَةِ^٨.

٧٢٧. عنه عليه السلام: إِنَّ أَخْسَرَ النَّاسِ صَفِيقَةً وَأَخْيَبَهُمْ سَعياً، رَجُلٌ أَخْلَقَ بَدَنَهُ فِي طَلَبِ آمَالِهِ وَلَمْ تُسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِرَادَتِهِ؛ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِحَسْرَاتِهِ، وَقَدِمَ عَلَى الْآخِرَةِ بِتَبِعَاتِهِ^٩.

١. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٧، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٢ ح ١٧؛ البداية والنهاية: ج ٩ ص ٢٧٣ عن ابن أسباط وليس فيه «يا بني».

٢. غرر الحكم: ح ٨٢٢٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٥ ح ٧٨١٨؛ مطالب السؤول: ص ٤٨.

٣. الجَدُّ: الحَفْظُ وَالبَحْثُ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٤٥٢ «جدد»).

٤. غرر الحكم: ح ٢٤٨٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥١ ح ٣٣١٨.

٥. مَحَقَّةٌ: أَي أَبْطَلَتْ وَنَحَاةً (الصَّحاح: ج ٤ ص ١٥٥٣ «محق»).

٦. نهج البلاغة: الكتاب ٤٣، بحار الأنوار: ج ٣٣، ص ٥١٦ ح ٧١٢.

٧. نهج البلاغة: الحكمة ٣٤٤، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٨٣ ر ٨٨.

٨. غرر الحكم: ح ٣٠٧٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٠ ح ٢٧٣٠.

٩. غرر الحكم: ح ٣٥٩٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٧ ح ٣٤١١.

۷۲۲. امام علی علیه السلام: هر که آخرتش را به دنیایش بفروشد، هر دوی آنها را از کف می‌دهد.

۷۲۳. امام علی علیه السلام: هر کس بهشت جاویدان را به دنیای گذرا بفروشد، بدبخت می‌شود و در این معامله زیان می‌کند.

۷۲۴. امام علی علیه السلام: دنیایت را با از بین بردن دینت آباد مکن که در این صورت، از زیانکارترین مردمان خواهی بود.

۷۲۵. امام علی علیه السلام: ای گروه‌های مردم! پروا مندی از خداوند، در پیش گیرید؛ زیرا چه بسیار است آرزومندی چیزی که به آن نمی‌رسد، و سازنده بنایی که در آن، [مهلت] سکونت نمی‌یابد، و گرد آورنده مالی که به زودی آن را [برای دیگران] بر جای می‌گذارد، و شاید آن را از راه نادرست، یا از نپرداختن حقی، گرد آورده است. [در این صورت،] از حرام به آن رسیده و با این کار، گناهانی به دوش کشیده است. پس وزر و وبال آن را بر عهده می‌گیرد، و با افسوس و اندوه بر پروردگارش وارد می‌شود. او دنیا و آخرت را زیان کرده است و این، همان زیان آشکار است.

۷۲۶. امام علی علیه السلام: زیانکارترین مردم، کسی است که دنیا را به جای آخرت بپذیرد.

۷۲۷. امام علی علیه السلام: پر زیان‌ترین معامله و بی‌حاصل‌ترین تلاش را آن مردی کرده که بدنش را در رسیدن به آرزوهایش فرسوده و مقدرات، او را در رسیدن به خواستش یاری نکرده‌اند، و در نتیجه، با آه و حسرت‌ها از دنیا رفته و با کوله‌باری از گناه، ره‌سپار آخرت شده است.

٧٢٨. عنه عليه السلام: مَنْ أَخْسَرَ مِمَّنْ تَعَوَّضَ عَنِ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا؟^١

٧٢٩. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : مَا أَخْسَرَ صَفَقَةَ الْمُلُوكِ إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهَ،
بَاغُوا الْآخِرَةَ بِنَوْمَةٍ!^٢

٧٣٠. عنه عليه السلام: مَنْ أَغْبَنُ مِمَّنْ بَاعَ الْبَقَاءَ بِالْفَنَاءِ؟^٣

٧٣١. عنه عليه السلام: النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ: زَاهِدٌ مُعْتَزِلٌ، وَصَابِرٌ عَلَى مُجَاهَدَةِ هَوَاهُ، وَرَاغِبٌ مُنْقَادٌ لِّشَهَوَاتِهِ؛ فَالزَّاهِدُ لَا يُعْظَمُ مَا آتَاهُ اللَّهُ فَرَحاً بِهِ وَلَا يُكْثَرُ عَلَى مَا فَاتَهُ أَسْفَاً. وَالصَّابِرُ نَارَعَتُهُ إِلَى الدُّنْيَا نَفْسُهُ فَقَدَعَهَا^٤، وَتَطَلَّعَتْ إِلَى لَذَاتِهَا فَمَنَعَهَا. وَالرَّاهِبُ دَعَتُهُ إِلَى الدُّنْيَا نَفْسُهُ فَأَجَابَهَا، وَأَمَرَتْهُ بِإِثَارِهَا فَأَطَاعَهَا، فَذَنَسَ^٥ بِهَا عِرْضَهُ، وَوَضَعَ لَهَا شَرْفَهُ، وَضَيَّعَ لَهَا آخِرَتَهُ.^٦

٧٣٢. عنه عليه السلام: لَا تَرْغَبْ فِي الدُّنْيَا فَتُخْسِرَ آخِرَتَكَ.^٧

٧٣٣. عنه عليه السلام: مَنْ عَمِلَ لِلدُّنْيَا خَسِرَ.^٨

٧٣٤. عنه عليه السلام: إِنْ رَغِبْتُمْ إِلَى الدُّنْيَا خَسِرْتُمْ وَهَلَكْتُمْ.^٩

٧٣٥. عنه عليه السلام: لَا تَرْغَبْ فِي كُلِّ مَا يَفْنَى وَيَذْهَبُ، فَكَفَى بِذَلِكَ مَضَرَّةً.^{١٠}

١. غرر الحكم: ح ٨٥٠٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٩ ح ٧٩٨٨.

٢. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٢٦ ح ٩٧١.

٣. غرر الحكم: ح ٨٥٠٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٩ ح ٧٩٨٧.

٤. القُدْع: الكَفَّ والمنع (النهاية: ج ٤ ص ٢٤ «قدع»).

٥. الذَّنَسُ: وَسَخُ الثَّوبِ وَالْعِرْضِ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢١٧ «دنس»).

٦. دستور معالم الحكم: ص ١٢٠.

٧. غرر الحكم: ح ١٠٢١٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥١٨ ح ٩٢١٠.

٨. غرر الحكم: ح ٧٨٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٣ ح ٨١٣٣.

٩. غرر الحكم: ح ٣٨٥٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٣ ح ٣٦٠٥.

١٠. غرر الحكم: ح ١٠١٩٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٠ ح ٩٢٦٠.

۷۲۸. امام علی علیه السلام: کیست زیانکارتر از آن که آخرت را با دنیا عوض کند؟

۷۲۹. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان - چه پر زیان است معاملات شاهان - مگر آن کسی که خدا نگاهش بدارد - که آخرت را به خوابی فروختند!

۷۳۰. امام علی علیه السلام: کیست مغبون‌تر از آن که جهان باقی را به دنیای فانی فروخت؟!
۷۳۱. امام علی علیه السلام: مردم، سه دسته‌اند: زاهدِ مصمم، شکّیا در مبارزه با هوس، و خواهنده و پیرو خواهش‌های نفسانی.

زاهد، آنچه را خداوند به او می‌دهد، از سر شادی بزرگ نمی‌شمارد و آنچه را که از دست می‌دهد، از سر افسوس، بزرگ نمی‌داند. شکّیا، نفسش او را به سوی دنیا کشاند؛ اما او آن را باز داشت، و نفسش به لذت‌های آن چشم دوخت؛ لیکن او مانعش شد. و خواهنده، نفسش او را به دنیا فرا خواند و او اجابتش کرد و به برگزیدن دنیا [بر آخرت] دستورش داد و او اطاعتش کرد، و بدین ترتیب، آبروی خویش را لکه‌دار ساخت، و به خاطر دنیا شرافت خود را به پستی کشاند، و آخرتش را تباه کرد.

۷۳۲. امام علی علیه السلام: به دنیا راغب مشو که آخرتت تباه می‌گردد.

۷۳۳. امام علی علیه السلام: هر که برای دنیا کار کرد، زیان کرد.

۷۳۴. امام علی علیه السلام: اگر خواهان دنیا شوید، زیان می‌کنید و نابود می‌گردید.

۷۳۵. امام علی علیه السلام: به هر آنچه نابود می‌شود و از کف می‌رود، رغبت مکن که این (رغبت)، خود، بالاترین زیان است.

٧٣٦. عنه عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِعَمَلٍ أَضَرَ عَلَيْكَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا.^١

راجع: ص ٢٥٢ (ما يمنع خير الآخرة من الدنيا).

١٧/٤ سُوءُ الْعَاقِبَةِ

٧٣٧. الإمام علي عليه السلام: مَنْ عَبْدَ الدُّنْيَا وَآثَرَهَا عَلَى الْآخِرَةِ، اسْتَوْخَمَ^٢ الْعَاقِبَةَ.^٣

٧٣٨. عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ إِنْ آثَرْتُمُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ، أَسْرَعْتُمْ إِجَابَتَهَا إِلَى الْعَرَضِ الْأَدْنَى، وَرَحَلْتُمْ مَطَايَا آمَالِكُمْ إِلَى الْغَايَةِ الْقُصْوَى، تَوَرَّدُ مَنَاهِلَ عَاقِبَتِهَا النَّدَمَ، وَتُذَيِّقُكُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِالْأُمَمِ الْخَالِيَةِ وَالْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ؛ مِنْ تَغْيِيرِ الْحَالَاتِ وَتَكُونِ الْمَثَلَاتِ^٤.^٥

٧٣٩. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَا آثَرَ قَوْمٌ قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ، إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ وَسَاءَ مَصِيرُهُمْ.^٦

٧٤٠. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ الْمَسِيحُ عليه السلام يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: وَيْلٌ لِمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّةً

١. غرر الحكم: ح ٢٨١٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٢ ح ٣٦٠١.

٢. يقال: هذا الأمر وَخِيمَ الْعَاقِبَةَ: أي ثقيل رديء (النهاية: ج ٥ ص ١٦٤ «وخم»).

٣. الخصال: ص ٦٣٢ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١٢٢، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٤ ح ٩٥.

٤. المَثَلَةُ: رَقْمَةٌ تَنْزِلُ بِالْإِنْسَانِ فَيُجْعَلُ مِثَالاً يَرْتَدِّعُ بِهِ غَيْرُهُ، وَجَمْعُهُ مَثَلَاتٌ وَمَثَلَاتٌ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٧٦٠ «مثل»).

٥. تحف العقول: ص ٢٢١، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٠ ح ١٣٧.

٦. الكافي: ج ٨ ص ١٦ ح ٢، الأمالي للمفيد: ص ٢٠٢ ح ٣٣ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، تحف العقول: ص ٢٥٣، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٨، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٥٠ ح ١١.

۷۳۶. امام علی علیه السلام: تو هرگز خداوند سبحان را با عملی که برایت زیانبارتر از دنیادوستی است، ملاقات نخواهی کرد.

و. ک: ص ۲۵۵ (دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می‌شود).

۱۷/۴ بدی نبرجام

۷۳۷. امام علی علیه السلام: هر که بندگی دنیا کند و آن را بر آخرت مقدم بدارد، فرجامی سخت و ناگوار در انتظار اوست.

۷۳۸. امام علی علیه السلام: ای مردم! شما چنانچه دنیا را بر آخرت برگزینید، [در واقع] در پذیرش دعوت آن به متاع پست، شتافته‌اید، و مرکب‌های آرزوهایتان به سوی دورترین هدف، تاخت برداشته‌اند و شما را به آب‌شخورهایی می‌برند که فرجامشان پشیمانی است، و آنچه را با اَمّت‌های پیشین و نسل‌های گذشته کرده‌اند، یعنی از کف رفتن نعمت‌ها و فرود آمدن کیفرها، به شما می‌چشانند.

۷۳۹. امام زین العابدین علیه السلام: هرگز هیچ مردمی دنیا را بر آخرت برنگزیدند، مگر آن که فرجامی بد و سرنوشتی ناگوار یافتند.

۷۴۰. امام صادق علیه السلام: مسیح علیه السلام به یارانش می‌گفت: «وای بر کسی که دنیا دغدغه او باشد و خطا، رفتارش! فردای قیامت، چه رسوایی‌ای نزد پروردگارش خواهد داشت!».

وَالْخَطَايَا عَمَلُهُ، كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدًا عِنْدَ رَبِّهِ؟^١

٧٣١. عيسى عليه السلام: وَيْلٌ لِصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا، وَيَأْمَنُهَا وَتَغُرُّهُ، وَيَتَّقُ بِهَا وَتُخَذِّلُهُ؟! وَيْلٌ لِلْمُغْتَرِّينَ كَيْفَ أَتَتْهُمْ^٢ مَا يَكْرَهُونَ وَفَارَقَتْهُمْ^٣ مَا يُحِبُّونَ وَجَاءَ بِهِمْ مَا يُوْعَدُونَ؟! وَيْلٌ لِمَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَالْخَطَايَا عَمَلُهُ كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدًا عِنْدَ اللَّهِ؟!^٤

راجع: ج ٢ ص ٣١٦ (آثار الاهتمام بالآخرة).

١٨/٤

عَذَابُ جَهَنَّمَ

الكتاب

﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَعَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى﴾.^٥

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾.^٦

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطِلَ مَا كَانُوا

١. الأمالي للمفيد: ص ٢٠٩ ح ٤٣ عن ابن سنان، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٥ ح ٣٨.

٢. في بعض نسخ المصدر: «أرثهم»، وفي تنبيه الخواطر: «زهرهم».

٣. في تنبيه الخواطر: «وفارقهم»، وهو المناسب للسياق.

٤. التحصين لابن فهد: ص ٢٩ ح ٤٩، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٢، المحجة البيضاء: ج ٥ ص ٢٥٨ نحوه.

بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٨ ح ٥٤.

٥. النازعات: ٣٧-٣٩.

٦. البقرة: ٨٦.

۷۴۱. عیسی علیه السلام: بیچاره دنیادار که دنیا را می‌گذارد و می‌رود، دنیا را امین می‌شمارد؛ اما او فریبش می‌دهد، و به دنیا اعتماد می‌کند؛ اما او تنهایش می‌گذارد! بیچاره فریب‌خوردگان [دنیا] که آنچه دوست ندارند، به سراغشان می‌آید و از آنچه دوست دارند، جدا می‌شوند، و وعده‌هایی که داده شده‌اند، به آنان می‌رسد! بیچاره کسی که دنیا دغدغه او باشد و خطا، رفتارش! فردا چه رسوایی‌ای نزد خداوند خواهد داشت!

ر. ک: ج ۲ ص ۳۱۷ (آثار اهمیت دادن به آخرت).

۱۸/۴

عذاب دوزخ



قرآن

«اما آن که سرکشی کرد و زندگی دنیا را مقدم داشت، همانا دوزخ، جایگاه [او] است».

«آنان، کسانی هستند که زندگی دنیا را به آخرت خریدند. پس نه عذاب آنان سبک می‌گردد، و نه یاری می‌شوند».

«کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند، [جزای] کارهایشان را در آن (دنیا) به طور کامل به آنان می‌دهیم، و به آنان در آن جا، کم داده نخواهد شد. اینان، کسانی هستند که در آخرت

يَعْمَلُونَ»^١.

«وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ»^٢.

الحديث

٧٢٢. رسول الله ﷺ: مَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ فَأَخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقِي بِهَا النَّارَ، وَمَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَغُفِرَ لَهُ مَسَاوِي عَمَلِهِ^٣.

٧٢٣. عنه ﷺ: مَنْ عَرَضَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ فَأَخَذَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ الدُّنْيَا فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَتَرَكَ الْآخِرَةَ فَلَهُ النَّارُ^٤.

٧٢٤. عنه ﷺ: مَنْ تَقَحَّمَ^٥ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ يَتَقَحَّمُ فِي النَّارِ^٦.

٧٢٥. أعلام الدين عن أبي سعيد الخدري: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِرَجُلٍ يَعْطُهُ: ... لِيَجِيئَنَّ أَقْوَامٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ حَسَنَاتٌ كَأَمْثَالِ الْجِبَالِ، فَيُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ.

١. هود: ١٥ و ١٦.

٢. الأحقاف: ٢٠.

٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ١٤ ح ٤٩٦٨، الأمالي للصدوق: ص ٥١٥ ح ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليه السلام، ثواب الأعمال: ص ٢٢٤ ح ١ عن ابن عباس وأبي هريرة، عوالي اللآلي: ج ١ ص ٣٦٥ ح ٥٨ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٣ ح ٩٢.

٤. كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٢٧٦ نقلًا عن ابن عساکر عن أبي هريرة وابن عباس؛ جامع الأخبار: ص ٢٩٦ ح ٨٠٥ عن جابر بن عبد الله نحوه.

٥. يقال: اقْتَحَمَ الْإِنْسَانُ الْأَمْرَ الْعَظِيمَ، وَتَقَحَّمَ: إِذَا رَمَى نَفْسَهُ فِيهِ مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ وَتَشَبَّهَتْ (النهاية: ج ٤ ص ١٨ «قحم»).

٦. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٢٢ ح ١٠٥١٣ عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٧ ح ٦١٤٨.

جز آتش برایشان نخواهد بود، و آنچه در آن (دنیا) کرده‌اند، به هدر رفته، و آنچه انجام داده‌اند، باطل گردیده است».

«و آن روز [را یاد کن] که کافران به آتش، عرضه می‌شوند. [به آنان گفته می‌شود:] نعمت‌های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید. پس امروز به سزای آن که در زمین، به ناحق سرکشی می‌نمودید و به سبب آن که نافرمانی می‌کردید، به عذاب خفت‌بار، کیفر می‌یابید».

حدیث

۷۴۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که به او [کاری از] دنیا و [کاری از] آخرت عرضه شود و او دنیا را بر آخرت برگزیند، روز قیامت، خداوند را در حالی دیدار می‌کند که او را حتی یک حسنه هم نیست که با آن، خود را از آتش ننگه بدارد؛ و هر کس آخرت را بر دنیا مقدم بدارد و [کار] دنیا را وا گذارد، خداوند از او خوشنود می‌گردد و کارهای بدش را می‌آمرزد.

۷۴۳. پیامبر خدا ﷺ: هر کس دنیا و آخرت برایش پیش بیاید و او آخرت را بگیرد و دنیا را وا گذارد، بهشت برای او خواهد بود و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را وا گذارد، برای او آتش خواهد بود.

۷۴۴. پیامبر خدا ﷺ: هر که بی فکر و تأمل، خود را در دنیا بیفکند، خویش را در آتش افکنده است.

۷۴۵. أعلام الدین - به نقل از ابو سعید خدری - : شنیدم که پیامبر خدا به مردی اندرز می‌دهد و می‌فرماید: «... روز قیامت، مردمانی می‌آیند که به اندازه کوه‌ها کار نیک دارند؛ اما امر می‌شود که آنان را به آتش ببرند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا نمازگزار هم بوده‌اند؟

فَقِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أُمُصِّلُونِ كَانُوا؟

قَالَ: نَعَمْ، كَانُوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ، وَيَأْخُذُونَ وَهْنًا مِنَ اللَّيْلِ، لَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا لَاحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَتَبَّوْا عَلَيْهِ^١.

٧٢٦. الإمام الصادق عليه السلام: مرَّ عيسى بن مريم عليه السلام على قرية قد مات أهلها وطيرها ودوابها، فقال: أما إنهم لم يموتوا إلا بسخطه^٢، ولو ماتوا متفرقين لتدافنوا. فقال الخواريون: يا روح الله وكلمته، ادع الله أن يحييهم لنا فيخبرونا ما كانت أعمالهم فنجتنيها.

فَدَعَا عيسى عليه السلام رَبَّهُ فَنُودِيَ مِنَ الْجَوْ: أَنْ نَادِهِمْ، فَقَامَ عيسى عليه السلام بِاللَّيْلِ عَلَى شَرْفٍ^٣ مِنَ الْأَرْضِ، فَقَالَ: يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ! فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ: لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ.

فَقَالَ: وَيَحْكُمُ مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟

قَالَ: عِبَادَةُ الطَّاعُوتِ وَحُبُّ الدُّنْيَا، مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ، وَأَمَلٍ بَعِيدٍ، وَغَفْلَةٍ فِي لَهْوٍ وَلَعِبٍ.

فَقَالَ: كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لِلدُّنْيَا؟

قَالَ: كَحُبِّ الصَّبِيِّ لِأُمِّهِ؛ إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرِحْنَا وَسُرَرْنَا، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنَّا بَكَيْنَا وَحَزَنَّا.

قَالَ: كَيْفَ كَانَتْ عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاعُوتِ؟

١. أعلام الدين: ص ٣٤٢، التحصين لابن فهد: ص ٢٩ ح ٥٢، عذة الداعي: ص ٢٩٥، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢١٧ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٦ ح ١٠.

٢. السُّخْطُ: الغضب (المصباح المنير: ص ٢٦٩ «سخط»).

٣. الشَّرَفُ: العلو، والمكان العالي (المصباح: ج ٢ ص ١٣٧٩ «شرف»).

فرمود: «آری؛ نماز می‌خوانده‌اند، روزه می‌گرفته‌اند، و پاسی از شب را هم به عبادت می‌گذرانده‌اند؛ لیکن آدم‌هایی بوده‌اند که هر گاه چشمشان به چیزی از دنیا می‌افتاد، به طرف آن می‌شتافتند».

۷۴۶. امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام بر آبادی‌ای گذشت که مردمان و مرغان و چارپایان آن، همگی مرده بودند. فرمود: «قطعاً اینها بر اثر خشم [الهی] مرده‌اند، که اگر جدا جدا مرده بودند، حتماً یکدیگر را دفن می‌کردند».

حواریان گفتند: ای روح و کلمه خدا! دعا کن که خداوند، آنها را برایمان زنده گرداند تا به ما بگویند که چه اعمالی داشته‌اند، تا ما از آنها دوری‌گزینیم. عیسی علیه السلام به درگاه پروردگارش دعا کرد. از آسمان ندا آمد که: آنان را صدا بزن.

عیسی علیه السلام شب‌هنگام، بر تپه‌ای از زمین ایستاد و گفت: «ای اهلای این آبادی!».

از میان آنان، یکی پاسخش را داد که: بله، ای روح خدا و کلمه او!

عیسی گفت: «وای بر شما! اعمالتان چه بود [که به این روز افتادید]؟».

گفت: پرستش طاغوت و دنیادوستی، و ترس اندک [از خدا]، و آرزوی دراز، و غفلت و فرو رفتن در لهو و لعب.

عیسی گفت: «دنیادوستی‌تان چگونه بود؟».

جواب داد: همانند علاقه‌مندی کودک به مادرش. هر گاه دنیا به ما رو می‌آورد، خوش حال و شاد می‌شدیم و هر گاه از ما روی بر می‌گرداند، گریه می‌کردیم و اندوهناک می‌شدیم.

عیسی گفت: «طاغوت پرستی شما چگونه بود؟».

قَالَ: الطَّاعَةُ لِأَهْلِ الْمَعَاصِي.

قَالَ: كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ؟

قَالَ: بِتَنَا لَيْلَةً فِي عَافِيَةٍ، وَأَصْبَحْنَا فِي الْهَٰوِيَّةِ.

فَقَالَ: وَمَا الْهَٰوِيَّةُ؟

فَقَالَ: سِجِّينٌ.

قَالَ: وَمَا سِجِّينٌ؟

قَالَ: جِبَالٌ مِنْ جَمْرِ تَوْقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

قَالَ: فَمَا قُلْتُمْ وَمَا قِيلَ لَكُمْ؟

قَالَ: قُلْنَا: رُدَّنَا إِلَى الدُّنْيَا فَتَرْهَدَ فِيهَا، قِيلَ لَنَا: كَذَبْتُمْ.

قَالَ: وَيَحَاكَ، كَيْفَ لَمْ يُكَلِّمْنِي غَيْرُكَ مِنْ بَيْنِهِمْ؟!

قَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، إِنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِي مَلَائِكَةٍ غِلَظٍ شِدَادٍ، وَإِنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَلَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ، فَلَمَّا نَزَلَ الْعَذَابُ عَمَّنِي مَعَهُمْ، فَأَنَا مُعَلَّقٌ بِشَعْرَةٍ عَلَى شَفِيرٍ^١ جَهَنَّمَ، لَا أَدْرِي أَكَبِّبُ فِيهَا أَمْ أَنْجُو مِنْهَا.

فَالْتَقَتَ عِيسَى^{عليه السلام} إِلَى الْحَوَارِيِّينَ، فَقَالَ: يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، أَكُلُ الْخُبْزِ الْيَاسِ بِالسَّلْحِ الْجَرِيشِ^٢ وَالتَّوْمِ عَلَى الْمَزَابِلِ، خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^٣.

١. شَفِيرُ جَهَنَّمَ: أَي جَانِبُهَا وَحَرْفُهَا (النهاية: ج ٢ ص ٤٨٥ «شفر»).

٢. يَلْعَجُ جَرِيشٍ: لَمْ يُطَيَّبْ (الصحاح: ج ٣ ص ٩٩٨ «جرش»).

٣. الكافي: ج ٢ ص ٣١٨ ح ١١ عن مهاجر الأسدي، مشكلة الأنوار: ص ٤٦١ ح ١٥٣٨ عن مهاجر الأسدي عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر^{عليهما السلام}، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠ ح ٣ وراجع ثواب الأعمال: ص ٣٠٣ ح ١ ومعاني الأخبار: ص ٣٤١ ح ١ وعلل الشرائع: ص ٤٦٦ ح ٢١ وحلية الأولياء: ج ٢ ص ٦١ والبداية والنهاية: ج ٩ ص ٢٩٦.

گفت: از گناهکاران اطاعت می‌کردیم.

عیسی گفت: «فرجام کارتان چگونه بود؟».

گفت: شب به سلامت خفتیم و صبح در هاویه بودیم.

عیسی گفت: «هاویه چیست؟».

گفت: سَجین.

عیسی گفت: «سَجین چیست؟».

گفت: کوه‌هایی از اخگر که تا روز قیامت بر ما فروزان‌اند.

عیسی گفت: «شما چه گفتید و چه پاسخ شنیدید؟».

گفت: ما گفتیم: ما را به دنیا باز گردان تا در آن، زهد ورزیم. و به ما گفته شد: دروغ می‌گویید.

عیسی گفت: «وای بر تو! چرا از میان آنان، فقط تو با من سخن گفتی؟».

گفت: ای روح خدا! بر آنان لگامی از آتش زده شده که در دست فرشتگانی خشن و سختگیر است. من در میان آنان بودم؛ اما از آنان نبودم و چون عذاب فرود آمد، مرا هم در بر گرفت، و من به مویی بر کناره دوزخ آویخته‌ام و نمی‌دانم که در آن خواهم افتاد، یا نجات خواهم یافت.

عیسی علیه السلام به حواریان رو کرد و گفت: «ای اولیای خدا! خوردن نان خشک با نمک نیم کوفته و خفتن در خرابه‌ها به همراه عافیت دنیا و آخرت، بسیار بهتر است».

٤٦٠ دنيا و آخرت از نگاه قرآن و حديث / ج ١

٧٤٧. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام -: الطَّمَعُ وَالرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا أَصْلَانِ لِكُلِّ شَرٍّ، وَصَاحِبُهُمَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ عَنْ ذَلِكَ.^١

راجع: ج ٢ ص ٣٥٨ (ما يخرّب الآخرة).

١٩/٤ النَّوَادِر

٧٤٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا دُنْيَا مَرِّي عَلَى أَوْلِيَائِي، لَا تَحْلُولِي لَهُمْ فَتَنَتِنِهِمْ.^٢

٧٤٩. عنه عليه السلام: مَنْ يَتَوَلَّ الدُّنْيَا يَعْجِزْ عَنْهَا.^٣

٧٥٠. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا عُرْسُ الْمُنَافِقِينَ، وَالْقِيَامَةُ عُرْسُ الْمُتَّقِينَ.^٤

٧٥١. الإمام علي عليه السلام: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْإِيْقَانَ.^٥

٧٥٢. عنه عليه السلام: مَنْ مَلَكَتْهُ الدُّنْيَا كَثُرَ ضُرْعُهُ.^٦

٧٥٣. عنه عليه السلام: طَلَبُ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنَةِ.^٨

١. مصباح الشريعة: ص ١٨٥، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٤٩ ح ١٨.

٢. مسند الشهاب: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ١٤٥٣ عن عبد الله بن مسعود.

٣. الكافي: ج ٨ ص ٨٢ ح ٣٩ عن أبي الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع الزهد للحسين بن سعيد: ص ١٤

ح ٢٨ و تاريخ يعقوبي: ج ٢ ص ٩٤ والمصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٦٣ الرقم ٣٧.

٤. الفردوس: ج ٢ ص ٢٢٨ ح ٣١٠٢ عن أنس.

٥. غرر الحكم: ح ٤٨٣٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٩ ح ٤٤١٣ وفيه «حبّ الدنيا» بدل «الرغبة في الدنيا».

٦. الصّريح: الطّرح على الأرض (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٤٩ «صرع»).

٧. غرر الحكم: ح ٨١٦٠.

٨. غرر الحكم: ح ٥٩٩٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٧ ح ٥٥٢٩.

۷۴۷. مصباح الشریعة - در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است - : طمع و دنیاخواهی، ریشه هر بدی هستند، و دارنده آنها از آتش نمی‌رهد، مگر آن که از این دو خصلت، توبه کند.

ر. ک: ج ۲ ص ۲۵۹ (آنچه آخرت را ویران می‌کند).

۱۹/۴

کوناگون

۷۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می‌فرماید: «ای دنیا! بر دوستان من تلخ شو، و به کام آنان شیرین مباش، که فریفته‌شان می‌گردانی».

۷۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به دنیا بپردازد، از آن درمانده می‌شود.

۷۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، عروسی منافقان است و قیامت، عروسی پرهیزگاران.

۷۵۱. امام علی علیه السلام: میل به دنیا، یقین را به تباهی می‌کشانند.

۷۵۲. امام علی علیه السلام: هر که مملوک دنیا شود، زیاد زمین می‌خورد.

۷۵۳. امام علی علیه السلام: دنیا طلبی، ریشه فتنه [و گناه] است.

٧٥٤. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا ضِحْكَةٌ مُسْتَعِيرٌ^١.
٧٥٥. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا كَمَا تَجْبُرُ تَكْسِرُ^٢.
٧٥٦. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا تُسْلِمُ^٣.
٧٥٧. عنه عليه السلام: قَلِيلُ الدُّنْيَا يَذْهَبُ بِكَثِيرِ الْآخِرَةِ^٤.
٧٥٨. عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا فَاتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ مِمَّا طَلَبَ^٥.
٧٥٩. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : الدُّنْيَا طَوَاحٌ^٦ طَرَاخٌ^٧ فَضَاخَةٌ^٨، آسِيَّةٌ^٩ جَرَاخَةٌ^{١٠}.

٧٦٠. عنه عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا حَسْرَةٌ، وَشَرُّهَا نَدَمٌ^{١١}.
٧٦١. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا صَفْقَةٌ مَغْبُونٍ، وَالْإِنْسَانُ مَغْبُونٌ بِهَا^{١٢}.
٧٦٢. عنه عليه السلام: غِذَاءُ الدُّنْيَا سِمْامٌ^{١٣}، وَأَسْبَابُهَا رِمْامٌ^{١٤}.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

١. غرر الحکم: ج ٢، ص ٢٠٣.
٢. غرر الحکم: ج ١٢٢٧، عیون الحکم والمواعظ: ص ٤٦، ج ١١٤٤.
٣. غرر الحکم: ج ٢، عیون الحکم والمواعظ: ص ٣٥، ج ٦٧٨.
٤. غرر الحکم: ج ٦٧٩٥، عیون الحکم والمواعظ: ص ٣٧٢، ج ٦٣٠٨ وفيه «من الآخرة».
٥. غرر الحکم: ج ٨٨٩٥، عیون الحکم والمواعظ: ص ٤٣٢، ج ٧٤٨٨ نحوه.
٦. طَاخٌ يَطْوَحُ وَيَطْبِخُ: هَلَكٌ، وَسَقَطٌ، وَتَاهٌ فِي الْأَرْضِ. وَطَوَّحَهُ فَتَطْوَحُ: تَوَهَّهَ. وَطَوَّحَتُهُ الطَّوَّاحُ: قَذَفْتُهُ الْقَوَافِ فِي (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٣٨ «طاح»).
٧. أَسَوْتُ الْجُرْحَ: دَاوَيْتُهُ، فَهُوَ مَا سَوَّ وَأَسَبَّي (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٦٩ «أسا»).
٨. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٢٧١، ج ١٣٩.
٩. غرر الحکم: ج ٤٩٦٣، عیون الحکم والمواعظ: ص ٢٣٩، ج ٤٥٥٤.
١٠. غرر الحکم: ج ١٨٨٣ وراجع عیون الحکم والمواعظ: ص ٦٢، ج ١٦٠١.
١١. السِّمُّ: مَا يَقْتُلُ. وَجَمْعُهُ شُمُومٌ وَسِمْامٌ (المصباح المنیر: ص ٢٨٩ «سم»).
١٢. الرِّمَامُ - بِالْكَسْرِ - : جَمْعُ رُمَّةٍ بِالضَّمِّ: وَهِيَ قِطْعَةُ حَبْلِ بِالْيَةِ (النهاية: ج ٢ ص ٢٦٧ «رسم»).
١٣. غرر الحکم: ج ٦٤٢٨، عیون الحکم والمواعظ: ص ٣٢٩، ج ٥٩٤٦ وفيه «سهام» و ص ٢٣٢، ج ٢٢٢٢ وزاد في صدره «خُلُو الدنیا صیر».

۷۵۴. امام علی علیه السلام: دنیا، مسخره کسی است که آن را درست ارزیابی کند.

۷۵۵. امام علی علیه السلام: دنیا، همان گونه که می‌بندد، می‌شکند.

۷۵۶. امام علی علیه السلام: دنیا، [آدمی را] وا می‌نهد.

۷۵۷. امام علی علیه السلام: اندک دنیا، بسیار آخرت را از بین می‌برد.

۷۵۸. امام علی علیه السلام: هر که از دنیا چیزی بجوید، در آخرت، بیشتر از آنچه جُسته است، از دست می‌دهد.

۷۵۹. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان - : دنیا سرگردان‌کننده، دور افکننده، رسواگر، پرستار و زخم‌بند است.

۷۶۰. امام علی علیه السلام: خوب، دنیا، [مایه] افسوس است و بد آن، [مایه] پشیمانی.

۷۶۱. امام علی علیه السلام: دنیا، سودایی زیانبار است، و [در این سودا] انسان، زیان‌کننده.

۷۶۲. امام علی علیه السلام: خوراک دنیا سم است و ریسمان‌هایش پوسیده.

٧٦٣. عنه عليه السلام: جودُ الدُّنيا فَناءٌ، وراحَتُها عَناءٌ، وسلامَتُها عَطَبٌ، ومَواهِبُها سَلَبٌ.^١

٧٦٤. عنه عليه السلام: المَواصِلُ لِلدُّنيا مَقْطوعٌ.^٢

٧٦٥. عنه عليه السلام: لا تُنافِسْ في مَواهِبِ الدُّنيا؛ فَإِنَّ مَواهِبَها حَقِيرَةٌ.^٣

٧٦٦. عنه عليه السلام: كُلُّ أرباحِ الدُّنيا خُسرانٌ.^٤

٧٦٧. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنيا تُعْطى وتُرْتَجَعُ، وتُنْفَاضُ وتَمْتَنِعُ، وتُوحِشُ وتُؤْنِسُ، وتُطْمِعُ وتُؤْيِسُ، يُعْرَضُ عَنْها السُّعْدا، وَيَرْغَبُ فِيها الأَشْقياءُ.^٥

٧٦٨. عنه عليه السلام: كُلُّ ما لا يَنْفَعُ يَضُرُّ، والدُّنيا مَعَ حَلالِها تَمُرُّ، وَالْفَقْرُ مَعَ الغِنى بِاللهِ لا يَضُرُّ.^٦

٧٦٩. عنه عليه السلام: كُلُّ يَسارِ الدُّنيا إِعْصارٌ.^٧

٧٧٠. عنه عليه السلام: يا أَيُّها النّاسُ! مَتاعُ الدُّنيا حُطامٌ مَوبِئٌ^٨، فَتَجَنَّبُوا مَرعاهُ؛ قُلْعَتُها^٩ أَحْطى مِنْ طَمَأنينَتِها، وَبُلْغَتُها^{١٠} أَزكى مِنْ ثَروَتِها.^{١١}

٧٧١. عنه عليه السلام - فِي الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ -:

حَلَاوَةُ دُنْيَاكَ مَسْمُومَةٌ فَلَا تَأْكُلُ الشَّهْدَ إِلَّا بِسَمِّ

١. غرر الحكم: ح ٤٧٣٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢١ ح ٤٣٠١.

٢. غرر الحكم: ح ٦٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥ ح ٢٥٦.

٣. غرر الحكم: ح ١٠٢٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٢ ح ٩٥٠٣.

٤. غرر الحكم: ح ٦٨٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٥ ح ٦٣٣٤.

٥. غرر الحكم: ح ٣٦٧٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٦ ح ٣٢٣٦.

٦. غرر الحكم: ح ٧٢٠١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٦ ح ٦٧١٥ وفيه «بعد الغناء» بدل «مع الغنى».

٧. غرر الحكم: ح ٦٩٠١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٧ ح ٦٣٨٠.

٨. الوَباءُ: المرض العام (النهاية: ج ٥ ص ١٤٤ «ويا»).

٩. منزل قُلْعَةٍ: أي تحوّلٍ وارتحالٍ ليس بمستوطنٍ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٥٠٨ «قلع»).

١٠. البُلْغَةُ: الكفاية، وهو ما يكتفى به في العيش (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٨٧ «بلغ»).

١١. نهج البلاغة: الحكمة ٣٦٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥ وراجع تحف العقول: ص ٢٢١.

۷۶۳. امام علی علیه السلام: بخشش دنیا فناست، و آسایش رنج، و سلامت نابودی، و دِهش هایش پس‌گرفتنی.

۷۶۴. امام علی علیه السلام: آن‌که به خاطر دنیا پیوند برقرار کند، پیوندش گسستنی است.

۷۶۵. امام علی علیه السلام: در مواهب دنیا رقابت مکن؛ چرا که مواهب آن، خُرد است.

۷۶۶. امام علی علیه السلام: همه سودهای دنیا، زیان است.

۷۶۷. امام علی علیه السلام: دنیا می‌دهد و پس می‌گیرد، فرمان می‌برد و سر می‌پیچد، رَم می‌دهد و اُنس می‌گیرد، و امیدوار می‌کند و نومید می‌گرداند. نیک‌بختان از آن روی می‌گردانند، و شوربختان به آن می‌گرایند.

۷۶۸. امام علی علیه السلام: هر چیزی که سود نرساند، زیان می‌زند، و دنیا با وجود شیرینی‌اش تلخ است، و درویشی دنیا با وجود توانگری به خدا (داشتن سرمایه‌ای چون خداوند)، زیانی [به انسان] نمی‌رساند.

۷۶۹. امام علی علیه السلام: هر توانگری‌ای در دنیا، تنگ‌دستی است.

۷۷۰. امام علی علیه السلام: ای مردم! کالای دنیا [چون] خاشاکی است طاعون زده. پس، از چریدن در آن، دوری کنید. رخت بر بستن از آن، خوش‌تر از آرمیدن در آن است، و قدری از آن به اندازه کفاف، پاک‌تر از ثروت آن است.

۷۷۱. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:

شهد دنیای تو شرنگین است پس شهد را جز با شرنگ نمی‌خوری

مَحَامِدُ دُنْيَاكَ مَذْمُومَةٌ فَلَا تَكْسِبُ الْحَمْدَ إِلَّا بِذَمِّ
إِذَا تَمَّ أَمْرٌ بَدَأَ نَقْصُهُ تَوَقَّعْ زَوَالاً إِذَا قِيلَ تَمَّ
وَكَمْ قَدَرٍ دَبَّ فِي غَفْلَةٍ فَلَمْ يَشْعُرِ النَّاسُ حَتَّى هَجَمَ^۱

۷۷۲. الإمام الحسن عليه السلام - فِي ذَمِّ الدُّنْيَا - : الرَّاعِبُ فِيهَا عَبْدٌ لِمَنْ يَمْلِكُهَا.^۲



۱. الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ۵۲۴ الرقم ۳۹۷.

۲. كنز العمال: ج ۱۶ ص ۲۱۴ ح ۴۴۲۳۶ نقلاً عن ابن النجار.

ستوده‌های دنیای تو نکوهیده است /

پس ستایش را جز با نکوهش به دست نمی‌آوری

هر گاه کاری کامل شود، کاستی‌اش نمایان می‌شود /

هر گاه گفته شد: کامل شد، منتظر نابود شدنش باش

چه بسیار تقدیری که در دل غفلتی خزید /

و تا مردم به خود آمدند، بر آنان یورش آورد!

۷۷۲. امام حسن علیه السلام - در نکوهش دنیا - : دنیاخواه، بنده دنیا دار است.



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

فهرست تفصیلی

پیش‌گفتار ۷

بخش یکم: دنیا



درآمد ۱۴

دنیا، در لغت ۱۴

دنیا، در قرآن و حدیث ۱۵

۱. تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ ۱۶

۲. تبیین اهمیت و ارزش دنیا ۱۷

۳. رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرت ۱۸

۴. هشیاری نسبت به آفات توسعه مادی ۱۹

فصل یکم: شناخت دنیا ۲۱

۱/۱ نام‌گذاری دنیا ۲۱

۲/۱ ویژگی‌های دنیا ۲۳

الف - سرای آزمایش ۲۳

ب. محنت‌کده ۲۹

ج - مصیبتکده	۳۱
د - غمکده	۳۳
هـ - عبرتکده	۳۳
و - سرای برخورداری محدود	۳۵
ز - سرای کوچیدن	۳۷
ح - سرای رفتن	۳۹
ط - گذرگاه	۳۹
ی - سرای جدایی	۴۱
ک - سرای نابودی	۴۳
ل - زودگذر	۵۱
م - احاطه شده به شهوت‌ها	۵۵
۳/۱ دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است	۵۷
۴/۱ مثل دنیا	۵۹
الف - مثل مرغزار بهاری	۵۹
ب - مثل پُل	۶۳
ج - مثل سایه	۶۵
د - مثل رؤیا	۶۹
هـ - مثل سراب	۷۱
و - مثل دریای ژرف	۷۱
ز - مثل جامه دریده	۷۳
۵/۱ مثل اهل دنیا	۷۵
الف - مثل مسافر	۷۵
ب - مثل میهمان	۸۱
ج - مثل ساکن در خانه‌ای که از او نیست	۸۳

۶/۱ دنیای پسندیده ۸۳

الف - آنچه برای خدا باشد ۸۳

ب - آنچه برای آخرت باشد ۸۵

ج - آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود ۸۷

۷/۱ گزارش‌هایی درباره عمر دنیا ۸۷

پژوهشی درباره عمر دنیا ۹۰

فصل دوم: اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت ۹۵

۱/۲ اسلام، دین دنیا و آخرت ۹۵

۲/۲ مسلمان، کسی است که به دنیا و آخرت، اهتمام ورزد ۱۰۵

۳/۲ دنیا، کشتزار آخرت ۱۰۷

۴/۲ سرشت دنیادوستی در انسان ۱۱۹

۵/۲ نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن ۱۲۱

۶/۲ نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است ۱۲۷

۷/۲ اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا ۱۴۷

۸/۲ بهره‌گیری از دنیا ۱۶۱

۹/۲ این، دنیا طلبی نیست ۱۶۳

۱۰/۲ دعا برای رفاه در زندگی ۱۶۵

۱۱/۲ پاداش کسی که دنیا را به حق برگیرد ۱۸۱

فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت ۱۸۵

۱/۳ حکمت ۱۸۵

۲/۳ ترجیح دادن آخرت ۱۸۷

۳/۳ راستگویی ۱۸۹

فهرست تفصیلی ۲۷۱

۴/۳ خوش خویی ۱۸۹

۵/۳ آمرزش خواهی ۱۹۱

۶/۳ قرائت سوره توحید و طور ۱۹۳

۷/۳ ذکر گفتن ۱۹۳

۸/۳ مدارا و ملایمت ۱۹۵

۹/۳ درود فرستادن بر پیامبر ۱۹۵

۱۰/۳ دو خصلت ۱۹۷

۱۱/۳ سه خصلت ۱۹۹

۱۲/۳ چهار خصلت ۲۰۱

۱۳/۳ شش خصلت ۲۰۵

۱۴/۳ هشت خصلت ۲۰۵



فصل چهارم: گروه‌های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت ۲۰۹

فصل پنجم: هشجاری در طلب دنیا ۲۱۵

توضیحی دربارهٔ میانه‌روی در طلب دنیا ۲۱۷

بخش دوم: دنیای نکوهیده

درآمد ۲۲۰

۱. تفسیر «دنیای نکوهیده» ۲۲۱

۲. بی‌ارزشی دنیای نکوهیده ۲۲۱

۳. هشدار نسبت به دام دنیا ۲۲۱

۴. بزرگ‌ترین خطر دنیا دوستی ۲۲۲

۵. ریشهٔ دل‌بستگی به دنیا ۲۲۳

۶. نشانه‌های دنیاپرستان و ادب برخورد با آنان ۲۲۳

فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده ۲۲۵

۱/۱ اهمیت شناخت دنیا ۲۲۵

۲/۱ حقیقت دنیای نکوهیده ۲۲۵

۱-۲/۱ ترجیح دنیا بر آخرت ۲۲۵

۲-۲/۱ دل‌بستگی ۲۳۱

۳-۲/۱ دل‌بستگی به دنیا ۲۳۷

۴-۲/۱ فریفته شدن به دنیا ۲۴۱

۵-۲/۱ دنیای طغیان‌آور ۲۴۹

۶-۲/۱ دنیای بیش از کفاف ۲۴۹

۷-۲/۱ دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می‌شود ۲۵۵

۸-۲/۱ هرگاه دنیا بزرگ‌ترین هم و غم باشد ۲۵۷

۹-۲/۱ دنیا طلبی به ناحق ۲۵۹

۱۰-۲/۱ دنیا طلبی با کار آخرت ۲۵۹

۳/۱ ویژگی‌های دنیا ۲۶۳

۱-۳/۱ کشتزار بدی ۲۶۳

۲-۳/۱ بازار زیانکاری ۲۶۵

۳-۳/۱ سرای فریب ۲۶۵

۴-۳/۱ سرای بازی و سرگرمی ۲۷۳

۵-۳/۱ سرای تباهی ۲۷۵

۶-۳/۱ سرای نافرمانی ۲۷۵

۷-۳/۱ سرای بدبختی ۲۷۷

۸-۳/۱ سرای ستمکاران ۲۷۷

۹-۳/۱ سرای فاسقان ۲۷۹

۱۰-۳/۱ سرای کسی که سرایی ندارد ۲۸۱

۱۱-۳/۱ نزدیک‌ترین سرا به خشم خداوند ۲۸۱

فهرست تفصیلی	۴۷۳
۱۲-۳/۱ زندان مؤمن و بهشت کافر	۲۸۳
۴/۱ مَثَل دنیا	۲۹۱
الف- مَثَل سَم	۲۹۱
ب- مَثَل مار	۲۹۱
ج- مَثَل لاشه	۲۹۳
د- مَثَل خوراک	۲۹۵
ه- مَثَل غول	۲۹۹
و- مَثَل دام و تله	۲۹۹
ز- مَثَل آب دریا	۲۹۹
ح- مَثَل همه رذیلت‌ها	۳۰۱
۵/۱ مَثَل دنیا و آخرت	۳۰۱
الف- مَثَل دو هوو	۳۰۱
ب- مَثَل مشرق و مغرب	۳۰۳
ج- مَثَل دو کفّه ترازو	۳۰۵
۶/۱ مجسم شدن دنیا	۳۰۵
الف- مجسم شدن دنیا برای مسیح	۳۰۵
ب- مجسم شدن دنیا برای پیامبر	۳۰۷
ج- مجسم شدن دنیا برای امیر مؤمنان	۳۰۷
د- مجسم شدن دنیا در روز قیامت	۳۱۳
۷/۱ اقبال و ادبار دنیا	۳۱۳
فصل دوم: ارزیابی دنیا	۳۱۹
۱/۲ کم مقدارتر از بال پشه	۳۱۹
۲/۲ بی قدر و وزن	۳۲۱
۳/۲ بی ارزش‌ترین مخلوق در نزد خدا	۳۲۳

- ۴/۲ بی‌ارزش‌تر از مردار ۳۲۵
- ۵/۲ به پاداش خداوند، جز با ترک دنیا نمی‌توان رسید ۳۲۷
- ۶/۲ خداوند از زمانی که دنیا را آفرید، به آن تنگ‌ریست ۳۲۷
- ۷/۲ خداوند، آن را برای دوستانش نپسندید و آن را از دشمنانش دریغ نکرد ۳۲۹
- ۸/۲ بی‌ارزش‌تر از کفش و صله‌دار ۳۳۹
- ۹/۲ بی‌ارزش‌تر از یک برگ در دهان ملخی ۳۴۱
- ۱۰/۲ پست‌تر از تیز دادن یک بز ۳۴۱
- ۱۱/۲ بی‌ارزش‌تر از استخوان خوکی در دست یک جذامی ۳۴۳
- ۱۲/۲ تلخ‌تر از حنظلی که بیماری در دهان می‌چرخاند ۳۴۳
- ۱۳/۲ بی‌ارزش‌تر از مازوی تلخ ۳۴۵
- ۱۴/۲ چرکابه‌ای جوشان، حنظلی شَرنگین، و زهر مار ۳۴۷
- ۱۵/۲ مطلقه زیرکان ۳۴۷



فصل سوم: بر حذر داشتن از دنیا ۳۵۳

- ۱/۳ بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا ۳۵۳
- الف - دنیا خوش و شیرین است ۳۵۳
- ب - دنیا افسونگر است ۳۵۹
- ج - دنیا، دام شیطان است ۳۵۹
- د - دنیا خیانت‌پیشه، فریبنده، نیرنگ‌باز و حيله‌گر است ۳۶۱
- هـ - دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست ۳۶۵
- و - از دنیا کاملاً بر حذر باشید ۳۶۵
- ز - از فریب دنیا بترسید ۳۶۷
- ح - از دل‌بستگی به دنیا بپرهیزید ۳۶۹
- ۲/۳ بر حذر داشتن از لذت‌های دنیا ۳۷۱
- الف - لذت‌های دنیا رنج‌اند ۳۷۱

فهرست تفصیلی	۲۷۵
ب - لذت‌های دنیا تیرگی آورند	۳۷۱
ج - گوارای دنیا، شور است	۳۷۱
د - عزت دنیا، خواری است	۳۷۳
ه - خوشی دنیا، اندوه آخرت است	۳۷۳
و - شیرینی دنیا، تلخی آخرت است	۳۷۵
ز - ثروت دنیا، فقر آخرت است	۳۷۷
ح - بلندی دنیا، پستی آخرت است	۳۷۹
۳/۳ بر حذر داشتن از همدمی با دنیا	۳۸۱
۴/۳ بر حذر داشتن از دنیادوستی	۳۸۱
الف - ریشه هر خطا	۳۸۱
ب - ریشه هر نافرمانی	۳۸۵
ج - آغاز هر فتنه	۳۸۷
د - بزرگ‌ترین گناه کبیره	۳۸۷
ه - بدترین فتنه	۳۸۷
و - بدترین رنج	۳۸۹
ز - منشأ آفت‌ها	۳۸۹
ح - دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی‌شود	۳۸۹
ط - دنیادوستی با آخرت‌دوستی جمع نمی‌شود	۳۹۱
۵/۳ تشویق به نفرت از دنیا	۳۹۵
فصل چهارم: زیان‌های دنیادوستی	۳۹۹
۱/۴ حجاب دل	۳۹۹
۲/۴ کوردلی	۴۰۱
۳/۴ تباهی خرد	۴۰۳
۴/۴ تباهی جان	۴۰۵

۴۰۵	الف - غفلت	
۴۰۷	ب - آزمندی	
۴۰۹	ج - طمع	
۴۱۱	د - بردگی	
۴۱۳	هـ - بی‌تابی	
۴۱۳	و - شقاوت	
۴۱۵	ز - هلاکت	
۴۱۷	برتری جویی	۵/۴
۴۱۹	ستیزه	۶/۴
۴۲۳	خستگی	۷/۴
۴۲۳	اندوه	۸/۴
۴۲۷	افسوس	۹/۴
۴۲۷	تباهی دین	۱۰/۴
۴۳۳	لذت نبردن از عبادت	۱۱/۴
۴۳۵	بر باد رفتن اعمال	۱۲/۴
۴۳۵	باز ماندن از آخرت	۱۳/۴
۴۳۹	نرفتن به جهاد	۱۴/۴
۴۴۳	فقر در دنیا و آخرت	۱۵/۴
۴۴۵	باختن در دنیا و آخرت	۱۶/۴
۴۵۱	بدی فرجام	۱۷/۴
۴۵۳	عذاب دوزخ	۱۸/۴
۴۶۱	گوناگون	۱۹/۴